



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگرش هایی نو به آموزه مهدویت

نویسنده:

بهرام اخوان کاظمی

ناشر چاپی:

آینده روشن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۵	نگرش هایی نو به آموزه مهدویت
۱۵	مشخصات کتاب
۱۵	اشاره
۱۹	فهرست
۲۱	مقدمه
۲۵	فصل اول: مفهوم شناسی و جایگاه آموزه مهدویت
۲۵	اشاره
۲۶	الف) تعریف لغوی و اصطلاحی دکترین و نوع کاربرد آن
۲۶	ب) تفاوت دکترین با مفاهیمی چون ایدئولوژی، مکتب، نظام و گفتمان
۳۱	ج) چیستی دکترین مهدویت و معنای آن
۳۱	د) منزلت و موقعیت دکترین مهدویت در تعالیم اسلامی
۳۲	ه) دکترین مهدویت؛ تئوری ای در فلسفه تاریخ، فلسفه سیاسی یا اعتقادی کلامی؟
۳۲	و) نقش دکترین مهدویت در دنیای جدید و در کنار دیگر تئوری های جهانی
۳۳	ز) توانایی دکترین مهدویت در پاسخ گویی به انسان ها و جوامع پس از ظهور
۳۵	فصل دوم: کرامت انسانی در دولت مهدوی
۳۵	اشاره
۳۷	الف) کرامت انسانی و اعلامیه جهانی حقوق بشر
۴۱	ب) کرامت انسانی در قرآن و روایات
۴۹	ج) کرامت انسانی در عصر ظهور
۴۹	۱. زوال کرامت ها از ملاحم قبل از ظهور
۵۱	۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهر کرامت ها و سرآمد کریمان
۵۳	۳. کرامت های انسانی با خاست گاهی الهی
۵۷	۴. کرامت محوری و کرامت خواهی در ادعیه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۵۸	۵. بیعت نامه مهدوی، منشور کرامت مداری و بشردوستی
۶۲	۶. برخی مبانی و شاخصه های کرامت محوری جامعه مهدویت
۶۲	اشاره
۶۲	یکم. عدالت و نفی تبعیض
۶۳	دوم. امنیت و صلح همه جانبه و پایدار
۶۴	سوم. فقدان تحمیل عقیده و تکریم اقلیت ها
۶۵	چهارم. رشد عقلانیت، شکوفایی علوم و فن آوری
۶۶	پنجم. تأمین رفاه، بالندگی اقتصادی و معیشتی
۶۸	ششم. کمال قوت و سلامت جسمی و روانی
۶۹	هفتم. رعایت و محترم شمردن حریم های خصوصی و عمومی
۷۰	نتیجه
۷۲	فصل سوم: عدالت مهدوی و امنیت
۷۲	اشاره
۷۳	الف) بی عدالتی و ناامنی از شاخصه های اصلی دوره پیش از ظهور
۷۸	ب) مفهوم و جایگاه عدالت
۸۲	ج) مفهوم و جایگاه امنیت
۹۰	د) عدالت، خاستگاه و بستر امنیت
۹۵	ه) عدالت و امنیت، دست آورد فراگیر حکومت مهدوی
۱۰۴	نتیجه
۱۰۶	فصل چهارم: مقایسه دو آموزه جهانی سازی غربی و جهانی سازی مهدوی
۱۰۶	اشاره
۱۰۸	گفتار اول: مفهوم جهانی شدن و برداشت های مختلف از آن
۱۰۸	الف) مفهوم جهانی شدن یا جهانی سازی
۱۱۰	ب) برداشت های مختلف از جهانی شدن
۱۱۳	ج) ابعاد و دست آوردهای منفی جهانی سازی غربی (به طور اخص)
۱۱۹	گفتار دوم: جهان گرایی و جهان شمولی اسلام

- گفتار سوم: جهانی سازی مهدوی و شاخصه های آن ۱۲۳
- اشاره ۱۲۳
۱. حاکمیت جهان شمول اسلام و برچیدگی شرک و اختلافات بشری ۱۲۴
۲. حاکمیت مطلق عدالت و دادورزی ۱۲۶
۳. برقراری امنیت و آرامش همه جانبه ۱۲۷
۴. رفاه و رشد پایدار اقتصادی، استغنای عمومی و رفع فقر ۱۲۷
۵. رشد و ترقی علوم و فنون و شکوفایی و کمال عقلانیت بشری ۱۲۹
۶. تکیه بر استدلال و افتناع و کسب مقبولیت و رضایت عمومی ۱۳۰
۷. گفتنمان واقعی و احتجاج با ادیان دیگر ۱۳۱
۸. حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه ۱۳۳
۹. نفی قومیت مداری و نژادپرستی ۱۳۵
۱۰. حکومت شبه فدرالی و احترام به دیگر ملل ۱۳۶
۱۱. نوسازی و احیای دین بر مبنای مقتضیات جدید ۱۳۷
۱۲. تحول شگرف در حوزه ها و فضاهاى ارتباطی و رسانه ای ۱۳۹
۱۳. رعایت آرمانی حقوق محیط زیست و جان داران ۱۴۰
- نتیجه ۱۴۲
- فصل پنجم: آموزه مهدویت و حقوق محیط زیست ۱۴۶
- اشاره ۱۴۶
- الف) نگرشی به حقوق محیط زیست در جهان امروز ۱۴۷
- ب) حقوق محیط زیست در سیره نبوی و معصومان ۱۵۰
- ج) حقوق زیست محیطی در عصر مهدوی ۱۵۵
- اشاره ۱۵۵
۱. تطهیر و نورانیت زمین ۱۵۵
۲. رضایت و سرور موجودات و محیط زیست ۱۵۶
۳. امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی ۱۵۷
۴. فعلیت یابی همه قابلیت های محیط زیست در عالی ترین حد ۱۵۸

۵. آبادانی و توسعه موزون محیط زیست ۱۶۰
۶. مقابله با آلاینده ها و رعایت حریم های خصوصی و عمومی در حیات مدنی ۱۶۲
۷. استفاده از راه کارها و فن آوری های جدید در محیط زیست ۱۶۲
۸. گسترش حفظ محیط زیست به فضاهای ماورای زمینی ۱۶۳
۹. تعالی معنوی محیط زیست و همراهی آن با حیات طیبه مهدوی ۱۶۴
۱۰. عاری بودن قیام مهدوی از تخریب های زیست محیطی ۱۶۵
- نتیجه ۱۶۹
- فصل ششم: آموزه مهدویت و لیبرال - دموکراسی ۱۷۲
- اشاره ۱۷۲
- گفتار اول: سیری در مفهوم و مبانی دموکراسی و لیبرالیسم ۱۷۴
- الف) مفهوم دموکراسی ۱۷۴
- ب) مفهوم لیبرالیسم ۱۷۶
- ج) مبانی سکولاریستی لیبرال - دموکراسی ۱۷۷
- اشاره ۱۷۷
۱. اندیشه قداست زدایی ۱۷۸
۲. سیانتیسم یا اصالت علم و علم زدگی و تعامل آن با پوزیتیویسم ۱۷۸
۳. گرایش به اصالت حس و انسان شناسی مادی ۱۷۹
۴. قرارداد اجتماعی و نفی حق الهی حکومت ۱۷۹
۵. اومانیزم، دئیسم و آتئیسم ۱۸۰
۶. اندیویدوآلیسم یا فلسفه اصالت فرد ۱۸۱
۷. راسیونالیسم یا اصالت عقل ۱۸۲
۸. پلورالیسم یا کثرت گرایی ۱۸۲
- گفتار دوم: انتقادات عمومی از دموکراسی ۱۸۳
- اشاره ۱۸۳
- الف) مبهم بودن ماهیت و مبانی دموکراسی ۱۸۴
- ب) تعارض بین اصل آزادی و اصل برابری ۱۸۶

- ج) صوری بودن اصل برابری در دموکراسی - - - - - ۱۸۷
- د) محدودیت ها و موانع مشارکت سیاسی برابر در دموکراسی لیبرال - - - - - ۱۸۷
- ه) انتقادات بر رژیم نمایندگی - - - - - ۱۸۸
- و) تضاد بین اراده همگانی و آزادی های فردی - - - - - ۱۸۸
- ز) تعارض روش های وصول به دموکراسی با مبانی دموکراسی - - - - - ۱۸۹
- ح) صوری بودن اصل تفکیک قوا در دموکراسی - - - - - ۱۹۱
- ط) امکان خطا و صلاحیت نداشتن اکثریت در تصمیم گیری های سیاسی - - - - - ۱۹۲
- ی) دموکراسی و امکان بروز استبداد اکثریت - - - - - ۱۹۳
- ک) خطر فریب افکار و آرای عموم و نفوذپذیری آن - - - - - ۱۹۳
- ل) دموکراسی نخبه گرا مانعی بر سر راه مشارکت واقعی مردم - - - - - ۱۹۴
- م) نشانه های بحران و انحطاط دموکراسی لیبرال در قرن بیستم - - - - - ۱۹۵
- گفتار سوم: مردم سالاری دینی ج.ا.ا.زمینه ساز دین سالاری سپهری مهدوی - - - - - ۱۹۷
- گفتار چهارم: دین سالاری سپهری مهدوی - - - - - ۲۰۴
- اشاره - - - - - ۲۰۴
- الف) فقدان آفات مردم سالاری دینی در دین سالاری سپهری مهدوی - - - - - ۲۰۴
- ب) شاخصه های بر تری دین سالاری سپهری مهدوی - - - - - ۲۰۵
۱. نمونه فرجامین، اکمل و بهینه تمام نظام های بشری - - - - - ۲۰۵
۲. خدامحوری و عینیت کامل دین و سیاست - - - - - ۲۰۷
۳. جهان گیری اسلام، محو شرک و نفی تساهل افراطی - - - - - ۲۰۹
۴. امام معصوم و انسان کامل در رأس حکومت - - - - - ۲۱۱
۵. پشت گرمی و مؤید به رعب و نصرت الهی - - - - - ۲۱۲
۶. فراگیری سپهر آفرینش - - - - - ۲۱۳
۷. برخورداری از نهایی ترین حد مشروعیت (حقانیت، مقبولیت، قانونیت) - - - - - ۲۱۵
۸. غالبیت خواست الهی بر خواست و نظر اکثریت - - - - - ۲۱۶
۹. الهی دانستن مبانی عدالت، تفاوتی ماهوی با لیبرال - دموکراسی - - - - - ۲۱۷
۱۰. مساوات طلبی حقیقی - - - - - ۲۱۸

۱۱. امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی ۲۱۹
۱۲. صفا و صمیمیت در تقابل با فرآیند «ذره ای شدن» اجتماعی ۲۲۱
۱۳. اوج تحقق جوامع مدنی و تعاملات سیاسی و اجتماعی در فضای «فرا ابررسانه ای» ۲۲۲
۱۴. تکامل عقول بشری و مشارکت سیاسی عاقلان ۲۲۴
۱۵. تحول بنیادین در ماهیت و عمل کرد احزاب و امکان حذف تحزب ۲۲۵
۱۶. سیره گفتمانی و احتجاجی واقعی با ادیان و اقلیت ها ۲۲۷
۱۷. نفی قومیت مداری و نژادپرستی و احترام به دیگر ملل و اقوام ۲۲۷
۱۸. حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه ۲۲۹
۱۹. اخلاق و تربیت مداری، رعایت حریم های خصوصی و عمومی در حیات مدنی ۲۳۱
۲۰. صلح طلبی و نفی سیاست امپریالیستی و جنگ افروزان لیبرال - دموکراسی ۲۳۲
- نتیجه ۲۳۴
- فصل هفتم: نظریه های هم گرایی و آموزه مهدویت ۲۳۷
- اشاره ۲۳۷
- گفتار اول: نظریه های هم گرایی ۲۳۹
- گفتار دوم: نقش سازمان های بین المللی و منطقه ای در هم گرایی ۲۴۴
- گفتار سوم: مبانی هم گرایی در آموزه های اسلامی و مهدوی ۲۴۸
- اشاره ۲۴۸
- الف) توحید، خدامحوری و محو شرک ۲۵۰
- ب) تحقق وحدت و هم گرایی در پرتو حکومت امام معصوم ۲۵۵
- ج) رسالت تحقق امت واحده و هم گرایی در سپهر جهان و آفرینش ۲۵۹
- د) دعوت ۲۶۴
- ه) احیا و اقامه حق و دفع باطل محور هم گرایی ۲۷۲
- و) عدالت، مساوات طلبی و تبعیض ستیزی ۲۷۴
- ز) امنیت، صلح و مودت فراگیر ۲۷۶
- ح) نفی ملیت و قومیت مداری ۲۷۹
- ط) هم زیستی مسالمت آمیز ۲۸۴

۲۹۰	ی) کرامت محوری و بشردوستی
۲۹۳	ک) اخلاق و تربیت مداری
۲۹۵	ل) جهاد و نفی هرگونه سلطه طلبی و مشروعیت جنگ توحیدی
۳۰۲	م) نفی سبیل و لزوم عزت مندی مسلمین
۳۰۷	ن) وفای به عهد و تعهدات
۳۱۰	نتیجه
۳۱۶	فصل هشتم: احیای ایمان الهی و حیات مؤمنانه، زمینه ساز و راه برد دولت مهدوی
۳۱۶	اشاره
۳۱۷	گفتار اول: احیای ایمان الهی و تعامل آن با تحقق امنیت و حیات طیبه در قرآن
۳۲۴	گفتار دوم: احیای ایمان الهی و تعامل آن با تحقق امنیت و حیات طیبه در روایات
۳۳۶	گفتار سوم: احیای ایمان الهی و تعامل آن با تحقق امنیت و حیات طیبه در دولت مهدوی
۳۴۴	نتیجه
۳۵۷	فصل نهم: تبیین نقش راهبردی فرهنگ در زمینه سازی ظهور
۳۵۷	اشاره
۳۵۹	گفتار اول: چیستی فرهنگ و معنا کاوی آن
۳۶۶	گفتار دوم: معنا شناسی تمدن
۳۶۹	گفتار سوم: خاستگاه دینی فرهنگ و تقدم و ارجحیت آن بر تمدن
۳۷۴	گفتار چهارم: مروری بر ضعف ها و آسیب های فرهنگی جهان معاصر
۳۷۴	اشاره
۳۷۵	الف) در نظام های غربی
۳۸۴	ب) در برخی کشورهای اسلامی
۳۸۶	ج) در جمهوری اسلامی ایران
۳۹۹	گفتار پنجم: ضرورت ها و راهکار های احیای فرهنگ در راستای تمهید ظهور
۳۹۹	الف) دیدگاه های امام راحل(ره)
۴۰۵	ب) دیدگاه های مقام رهبر ی
۴۱۵	گفتار ششم: وضعیت و مؤلفه های فرهنگی جامعه قبل و بعد از ظهور

- الف) ملاحم و آفات فرهنگی جامعه قبل از ظهور ۴۱۵
- ب) ملاحم و مؤلفه های فرهنگی جامعه پس از ظهور (دولت مهدوی) ۴۱۷
- اشاره ۴۱۷
- ۱: تفوق فرهنگ توحیدی ۴۱۸
- ۲: تعالی معنوی و اخلاقی در حیات طیبه مهدوی ۴۱۹
- ۳: تشخیص فرهنگی امام عصر (عج) ۴۲۰
- ۴: اصلاح کلیه انحرافات با تحقق عدالت ۴۲۱
- ۵: اعتلای فرهنگ در گرو تحقق کامل امر به معروف و نهی از منکر ۴۲۷
- ۶: نظامنامه و میثاق فرهنگی دولت مهدوی ۴۲۹
- ۷: تعالی فرهنگی بر مبنای تربیت و آموزش ۴۳۳
- ۸: محو جهالت و تکامل عقلانیت در فرهنگ مهدوی ۴۳۶
- ۹: تأمین رفاه ضامن اعتلای فرهنگ ۴۳۷
- فصل دهم: بایسته ها و شاخصه های علمی جامعه و حکومت زمینه ساز ۴۴۲
- اشاره ۴۴۲
- گفتار اول: تعالی و پیشرفت همه جانبه علمی و عقلانی در عصر ظهور ۴۴۴
- گفتار دوم: فضیلت علم نافع ۴۵۱
- گفتار سوم: تعلیم علم نافع ؛ یک معروف بزرگ اسلامی ۴۵۴
- گفتار چهارم: ضرورت پیشگامی عالمان و اصحاب دانش در فریضتین ۴۵۶
- گفتار پنجم: تعریف علم نافع ۴۵۷
- اشاره ۴۵۷
- الف) به معنای خیر ۴۵۸
- ب) مترادف با احسن (نیکوترین و بهترین) ۴۵۸
- ج) مترادف با صالح و یا ناظر به اصلاح ۴۵۹
- د) به معنای مطابق و هماهنگ با فطرت ۴۶۰
- ه) به معنای علم قلبی و فرا حسی (و شهودی) ۴۶۰
- و) به معنای علمی کاربردی ۴۶۳

- ۴۶۴ (ز) به معنای علمی غالب بر هواهای نفسانی
- ۴۶۴ گفتار ششم: برخی ویژگی های علم نافع
- ۴۶۴ اشاره
- ۴۶۵ الف) علم نافع در مسیر عبودیت الهی و احیای دین
- ۴۶۶ ب) اتصاف به علم نافع از صفات متقین
- ۴۶۷ ج) امتزاج علم نافع با حلم و بردباری
- ۴۶۸ د) علم نافع؛ علمی در جهت صلاح و مصالح دینی ودنیایی
- ۴۶۹ گفتار هفتم: ویژگی ها و بایسته های
- ۴۶۹ اشاره
- ۴۷۰ الف) ویژگی های کلی
- ۴۷۴ ب) ویژگی های موردی
- ۴۷۴ اشاره
- ۴۷۴ ۱: حرص ورزی در تعلّم ودانش پژوهی
- ۴۷۴ ۲: برخورداری از نرم خوبی و ملایمت در تعلیم و تعلم
- ۴۷۵ ۳: ضرورت تفهیم ، تدبّر و تأمل ورزی در علم آموزی
- ۴۷۶ ۴: ضرورت کتابت و ثبت نوشته ها در علم آموزی
- ۴۷۶ ۵: ضرورت سختکوشی و تحمل سختی و مشقت و ذلّت در علم آموزی
- ۴۷۷ گفتار هشتم: صفات مذموم (منکرات و منهیات) در علم آموزی
- ۴۷۷ اشاره
- ۴۷۷ الف) ریا کاری ، شهرت طلبی و فریبکاری
- ۴۷۸ ب) ارتزاق ناروا (استئکال) از علم
- ۴۸۰ ج) کتمان علم نافع در آموزش
- ۴۸۰ استنتاج
- ۴۸۲ منابع
- ۴۸۲ الف: فارسی و عربی
- ۴۹۸ ب: منابع لاتین

نگرش‌هایی نو به آموزه مهدویت

مشخصات کتاب

سرشناسه: اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۴۳

عنوان و نام پدیدآور: نگرش‌هایی نو به آموزه مهدویت / بهرام اخوان کاظمی

مشخصات نشر: قم: مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ص

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۲۱] - ۲۲۴؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق.

موضوع: مهدویت.

موضوع: مهدویت - انتظار

رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ن ۳۵ الف / ۴/۲۲۴BP

رده بندی دیویی: ۴۶۲/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۸۰۱۹۳

ص: ۱

اشاره

نگرش هایی نو به آموزه مهدویت

دکتر بهرام اخوان کاظمی

(استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز)

نگرش هایی نو به آموزه مهدویت

نویسنده: دکتر بهرام اخوان کاظمی

ناشر: انتشارات آینده روشن

ویراستار: علی رضا جوهرچی

بازبین ویرایش: سیدرضا سجادی نژاد

نمونه خوانان: محمد اکبری، نرگس صفرزاده

طراح جلد: رسول محمدی

صفحه آرا: علی قنبری

چاپ: گل ها

نوبت چاپ: دوم، ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

بها: ۳۸۰۰۰ ریال

شابک: ۳ - ۶ - ۹۶۶۱۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

مرکز پخش:

◀ قم: خیابان صفایه، کوچه ۲۳، پلاک ۵ - تلفن: ۰۲۵۱-۷۸۴۰۹۰۲

◀ تهران: خیابان حافظ، نرسیده به چهارراه کالج، نبش کوچه بامشاد، شماره ۵۲۵، پخش کتاب پکتا، تلفن ۸۸۹۴۰۳۰۳

فصل اول: مفهوم شناسی و جایگاه آموزه مهدویت ۱۱

فصل دوم: کرامت انسانی در دولت مهدوی ۲۱

فصل سوم: عدالت مهدوی و امنیت ۵۷

فصل چهارم: مقایسه دو آموزه جهانی سازی غربی و جهانی سازی مهدوی ۹۱

- مفهوم جهانی شدن و برداشت های مختلف از آن ۹۳

- جهان گرایی و جهان شمولی اسلام ۱۰۴

- جهانی سازی مهدوی و شاخصه های آن ۱۰۸

فصل پنجم: آموزه مهدویت و حقوق محیط زیست ۱۳۱

فصل ششم: آموزه مهدویت و لیبرال - دموکراسی ۱۵۷

منابع ۲۲۱

مقدمه

اعتقاد به ظهور منجی موعود و برقراری حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، از اصلی ترین اعتقادات متمایز مکتب نجات بخش تشیع به شمار می رود. این موضوع در باورها، مناجات ها و دعاهای شیعی به بارز ترین شکل به چشم می خورد. امروزه این باور، به دلایل مختلفی رفته رفته در حال تبدیل شدن به اعتقاد و خواست عمومی جامعه بشری است. بدبختانه، در عصر فرامدرنیته که علم و فن آوری استیلا دارد و انواع مکاتب به ظاهر عقلانی و پیشرفته بشری سردمدارند، نه تنها سعادت که صلح، امنیت و آرامش واقعی برای بشر حاصل نیامده است. بسیاری از انسان ها با معضلات بی شماری مانند جنگ، گرسنگی، بی سوادگی، عقب ماندگی، جهل و خرافه پرستی مواجهند. جنگ ها و تهدید های بی پایان، هم چنان بر فضای زیست روانی و فیزیکی انسان ها سایه می افکند. از سوی دیگر، انسان و جامعه به ظاهر پیشرفته غربی نیز با دوری از تعالیم الهی،

سر در گریبان تمایلات نفسانی و مادیت صرف سوداگرایانه نهاده و در حقیقت معنا و هویت واقعی انسانی خود را از دست داده و در بحران معنای زندگی و تحیر، گم گشتگی و از خود بیگانگی بیشتری قدم نهاده است. همین مسئله، رفته رفته در او احساسی به وجود آورده که بدان منجی خواهی گویند.

خوش بختانه با ظهور انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی قدس سره، توجه به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و آموزه مهدویت، چه در ایران و چه در کشورهای مسلمان و چه در سطح دنیا، افزایش فوق العاده ای یافته و البته این عنایت در چند سال اخیر بسیار بیشتر شده است؛ به ویژه آن که طرح این گونه مسائل از قالب های سنتی پیشین خارج گشته و از منظر های مختلف و تازه، ابعاد آکادمیک گسترده ای یافته است. امروزه مراکز پژوهشی و آموزشی مختلفی در سطح حوزه ها، دانشگاه ها و رسانه های مکتوب، دیداری و شنیداری و در پاسخ به خواست و عطش بی پایان عمومی، با نگاهی ژرف اندیشانه و ملاحظه مقتضیات زمانی و مکانی جدید، در سطوحی به این موضوع گسترده می پردازند.

کتاب نگرش هایی نو به آموزه مهدویت نیز به این منظور و برای پاسخ گویی به این نیاز نوشته شده و از منظر های جدیدی به مسئله آموزه مهدویت و حیات طیبه مهدوی می پردازد.

چاپ نخست این کتاب در سال ۱۳۸۷ صورت گرفت که شامل شش فصل بود که این فصول در اثر حاضر نیز آمده است. بدین صورت، سازماندهی این کتاب بدین قرار می باشد. در فصل نخست، مفهوم و جایگاه و کارآیی آموزه مهدویت و نوع تعامل آن با پاره ای از مفاهیم به ظاهر هم پیوند تشریح می گردد؛ فصل دوم در بردارنده مستدلّات اهتمام عالی دولت مهدوی به ارتقاء نهایی کرامت های انسانی و حقوق بشردوستانه است؛ در فصل سوم، به گونه ای تفصیلی به دو ارمغان اساسی حکومت طیبه مهدوی یعنی «عدالت» و «امنیت» پرداخته می شود؛ فصل چهارم، شامل مباحثی تطبیقی در مقایسه دو آموزه جهانی سازی غربی و جهانی سازی مهدوی است و در آن به طور مستدل و با ذکر معایب و معضلات جهانی سازی غربی، برتری جهانی سازی مهدوی اثبات می گردد؛ در فصل پنجم، پس از توضیح

موضوع با اهمیت حقوق محیط زیست، رعایت آرمانی این حقوق در آموزه و حیات طیبه مهدوی به بحث کشیده می شود؛ در فصل ششم، ضمن نقد مبانی لیبرال - دموکراسی و تشریح ایرادها بر این الگو و مدینه فاضله کاذب جهان سرمایه داری غرب، بیست شاخص برتری دین سالاری سپهری مهدوی (آخرین وجه تکاملی مردم سالاری دینی) بر نظام های بشری و به ویژه بر لیبرال - دموکراسی تبیین می شود.

در چاپ دوم فعلی این اثر، چهار فصل جدید به این کتاب اضافه گردیده و فصول هفتم تا دهم به آنها اختصاص یافته است. بر این مبنا فصل هفتم به نظریه های هم گرایی و تعاملات آنها با آموزه مهدویت پرداخته و موضوع فصل هشتم، به احیاءگری ایمان الهی و حیات مؤمنانه، زمینه ساز و راه برد دولت مهدوی اختصاص یافته است. در فصل نهم، نقش راهبردی فرهنگ در زمینه سازی ظهور بررسی شده و فصل دهم نیز دربردارنده موضوع با اهمیت بایسته ها و شاخصه های علمی جامعه و حکومت زمینه ساز می باشد.

لازم به ذکر است از آنجا که برخی روایات و چه بسا آیات در فصول مختلف ممکن است حسب نیاز، تکرار شده باشد، به همین سبب و جهت رعایت ایجاز، متون عربی در موارد تکرار حذف گردیده است.

در خاتمه جا دارد از دست اندرکاران مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) بویژه مدیرفاضل و اندیشه ورز این مؤسسه جناب حجت الاسلام والمسلمین سید مسعود پورسیدآقایی برای نشر اولیه و مجدد این اثر تشکر نمایم. با این امید که این تلاش ها مرضی درگاه ذات احدیت و موجب خشنودی آن امام همام یعنی موعود منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

بهرام اخوان کاظمی

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

اسفند ۱۳۹۰

فصل اول: مفهوم شناسی و جایگاه آموزه مهدویت

اشاره

اصطلاح «دکترین» و یا به بیانی «آموزه»، از واژه ها و مصطلحاتی به شمار می رود که به تازگی وارد مباحث و ادبیات مهدویت شناسی شده است. صاحب نظران درباره وجه تسمیه، میزان رسایی و کاربرد دکترین مهدویت، اختلاف نظر دارند. حتی برخی، اصطلاحات دیگری را برای اشاره به این موضوع پیش نهاد داده اند. در نتیجه، برای توضیح بیشتر مطلب، در این فصل تلاش شده تا با طرح پرسش هایی، تنویر لازم در این زمینه صورت گیرد و به دنبال آن، جایگاه آموزه مهدویت و کارآمدی آن در عصر حاضر تشریح شود. بنابراین، طرح پرسش و پاسخ های هفت گانه ذیل بدین منظور صورت پذیرفته است:

الف) تعریف لغوی و اصطلاحی دکترین و نوع کاربرد آن

واژه «Doctrina» در زبان لاتین به معنای دکترین، آموزش و علم می باشد. کلمه Doctrine با تلفظ، املا و معانی مشابه نیز به زبان هایی مانند انگلیسی و فرانسوی راه یافته است. برای نمونه، این اصطلاح در سال ۱۱۶۰ میلادی به معنای علم و دانستن وارد زبان فرانسه شد و ریشه آن در این زبان از کلمه «docere» به معنای آموزش دادن است. دکترین در زبان فارسی به اصطلاح «آموزه» ترجمه شده، هر چند در لغت نامه های عمومی به معنای اصول، عقیده، مجموعه عقاید پیروان یک مکتب و نیز پیش نهادها ترجمه شده است. فرهنگ لغت های غیرفارسی، مترادف هایی مانند دگم (نکات و اصول تردیدناپذیر)، تئوری، افکار، سیستم، تز، مذهب و فلسفه برای دکترین یاد کرده اند، اما شاید بتوان چند تعریف دیگر را برای بیان کاربرد دکترین به اجمال ارائه کرد:

۱. مجموعه ای از مفاهیم که با تأکید بر صدق خود، مدعی ارائه تفسیرهای لازم در عرصه های عملی و کنش های حیات بشری و الگوهای ضروری برای هدایت و اداره حیات مزبور در این قلمروند؛

۲. مجموعه آرا، عقاید، سازوکارها و راه کارها و آموزش ها که تفسیرهای راه بردی از حوزه های اساسی حیات بشر در عرصه های نظری و عملی را برای به زیستی و مدیریت بهینه حیات فردی و جمعی بشر ارائه می دهند؛

۳. مجموعه افکار و عقاید مکتبی ادبی یا فلسفی یا اصول تردیدناپذیر یک مذهب.

دکترین ها می توانند در عرصه های مختلف مذهبی، فلسفی، اخلاقی، هنری، ادبی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ارائه شوند.

ب) تفاوت دکترین با مفاهیمی چون ایدئولوژی، مکتب، نظام و گفتمان

ابتدا یادآور می شویم که فقدان تعاریف قطعی و اجماعی از واژه ها، مفاهیم و اصطلاحات، از مشکلات مباحث علوم انسانی است، تا جایی که گاهی برای یک

اصطلاح مانند «قدرت»، نزدیک ۱۵۰ تعریف ذکر می شود. علاوه بر این، نبود تیقن در معانی واژه ها سبب شده که این تعاریف در برخی و یا حتی بسیاری از بخش های خود، دارای هم پوشی و مترادف معنایی باشند. در نتیجه، در تفکیک تفاوت معنایی اصطلاح دکترین با مفاهیمی مانند ایدئولوژی، مکتب، نظام و گفتمان، ممکن است با مشکلات و هم پوشی های معنایی روبه رو شویم، ولی در هر صورت به طور قطع می توان اذعان کرد که دکترین، با وجود برخی همانندی ها، به معنای این مفاهیم نیست. در بین این مفاهیم، ایدئولوژی معنای بسیار گسترده تری را در بر می گیرد و حتی در تعاریف متعددی، ایدئولوژی را شامل دکترین و اعم از آن دانسته اند و رابطه «عموم و خصوص من وجه» را بین آنها قائل شده اند. برای نمونه، در تعریف ایدئولوژی گفته اند:

۱. مجموعه ای از آراء، اعتقادات و دکترین های خاص درباره یک دوره، یک جامعه یا یک طبقه اجتماعی؛

۲. سامانه ای (سیستمی) از آراء و فلسفه ها درباره جهان و زندگی.

البته در برخی تعاریف دیگر، ایدئولوژی را زیرمجموعه و محتوای دکترین ها به شمار می آورند؛ هم چنان که گفته اند، ایدئولوژی مجموعه ای سامان مند از آراست که یک دکترین را می سازد. برخی دیگر از تعبیر درباره ایدئولوژی بدین شرح است:

۱. ایدئولوژی، فلسفه سیاسی - اجتماعی و سامان مندی از اندیشه هاست که دارای طرحی آرمانی از جامعه بوده و هم می خواهد جهان را توضیح دهد، و هم آن را دگرگون سازد و این دگرگون سازی را از هواداران خود طلب می کند؛

۲. به تعبیر مارکس، ایدئولوژی «آگاهی دروغین» و دسته ای از باورهای غیرواقعی به شمار می آید که بیان گر خواست ها و سودهای یکی از طبقات اجتماعی است و تصویری نادرست از جهان و امور را به ذهن متبادر

می کند. از طریق این آگاهی های دروغین و باورهای کاذب، هم مردم خود را می فریبند و هم طبقات غالب و استثمار کننده آنان را فریب می دهند.

۳. ایدئولوژی مجموعه تجلیات ذهنی است که همراه با ایجاد پیوند میان افراد پدیدار می شود و از راه تحریک حواس به وسیله واقعیت خارجی در آگاهی انسان شکل می گیرد؛

۴. ایدئولوژی حالتی از آگاهی است که با عمل سیاسی پیوند دارد و تقریباً به صورت هایی از آگاهی اطلاق می شود که به شکل واژه ها یا گفتار (discours, discuss) درآمده باشد. ایدئولوژی اصولاً و صرفاً گفتار نیست، بلکه هسته ای غیر کلامی به شمار می آید که حالت وجودی آن کلامی است. بنابراین، گفته می شود که ایدئولوژی گفتاری مبتنی بر عمل سیاسی است. با وجود این تعابیر، ایدئولوژی با وجود پاره ای همانندی ها، به معنای دکترین به کار نمی رود و در عین حال نیز تعبیری مناسب برای بیان اندیشه مهدویت نیست؛ زیرا ایدئولوژی اساساً از حیث ارزشی، نه درست است و نه نادرست، بلکه فقط امکان دارد که موفق یا ناموفق و منسجم یا نامنسجم باشد. ایدئولوژی را فقط می توان براساس ناکارآیی و انسجام نداشتن آن نقد کرد؛ افزون بر آن که امروزه از اصطلاح ایدئولوژی، نسبتاً برای تبیین و نام گذاری مجموعه افکار نظام های فکری بسته، قشری، دگماتیک و جزم اندیش و مانند آن استفاده می کنند و واژه ایدئولوژی را غیرارزشی و فقط عمل گرایانه می دانند؛ هم چنان که «ژان بشلر» پنج کارکرد ایدئولوژی را شامل صف آراییی یا جبهه گیری، توجیه گیری، پرده پوشی (که نوعی حیله گری سیاسی برای فریب دیگران است)، موضع گیری، دریافت یا ادراک می داند. (۱) ایدئولوژی از این منظر، ابزاری سیاسی است که به ویژه در

۱- ژان بشلر، ایدئولوژی چیست، ترجمه علی اسدی، ص ۶۱ - ۹۹.

کارکرد «دریافت یا ادراک»، عمل سیاسی را ساده می کند، تمامی جامعه را در خود جای می دهد و رو به آینده دارد.

اما درباره «مکتب» (School, Ecole) و تفاوت آن با دکترین باید گفت که به نظر می رسد مکتب، بسیار عام تر از اصطلاح دکترین و حتی ایدئولوژی باشد؛ زیرا ممکن است دکترین ها، ایدئولوژی ها و گفتمان های بسیاری را در خود جای دهد. مکتب در حقیقت، معرف حوزه ای است که بر بنیادی خاص بنا شده و روش ها، آموزش ها و تعالیم و پیروان ویژه خود را دارد، ولی اساس این آموزش ها و تعالیم و راه کارها در حوزه های نظری و عملی، بر محوری واحد و اسلوبی ویژه پی ریزی شده است.

اصطلاح دکترین با اصطلاح «نظام» (order - ordre) نیز ممکن است مشابهت هایی داشته باشد؛ هر چند این دو، مترادف نیستند. در تعریف نظام گفته شده که جامعه در هر زمان راه حل هایی را برای حل مشکل توزیع کالاهای کم یاب (قدرت، ثروت، منزلت و...) و انتخاب نهادها و ارزش ها نشان می دهد. این راه حل ها ممکن است موفق یا ناموفق باشند و با هم هم آهنگ یا ناهم آهنگ باشند، ولی مجموع چنین راه حل هایی را می توان نظام نامید. شاید هر نظام دربرگیرنده دکترین های یگانه و یا متعددی باشد، هم چنان که دکترین نیز

ممکن است سرانجام خود را به طراحی نظامی سیاسی، اجتماعی، فکری و... معطوف کند.

هم چنین معمولاً - گفتمان، چه از لحاظ پیچیدگی معنایی و چه از لحاظ سطح کمی و کیفی، اعم از دکترین نیست، بلکه معمولاً - دکترین امکان دارد از گفتمان های متعدد استفاده کند؛ زیرا گفتمان به معنای گفت و گوی متقابل، تبادل آرا و محاوره براساس استدلال است.

به نظر می رسد که هیچ یک از این اصطلاحات و تعابیر نمی تواند به درستی و کمال، بیان گر اندیشه مهدویت باشد و بهتر است برای این منظور از تعابیر

اسلامی و قرآنی - و نه اصطلاحی غربی مانند دکترین - استفاده شود. شاید استفاده از تعبیری مانند حیات طیبه مهدوی یا حیات طیبه در عصر مهدوی، نظام یا حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نهضت، قیام و یا اصلاح جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مناسب تر باشد. بهره گیری از اصطلاح غربی دکترین، علاوه بر کافی بودن بار معنایی این واژه، نوعی «تجددگرایی بیانی ناموزون» و اسم گذاری تحمیلی زمانه را به ذهن متبادر می کند و در عین حال، اندیشه سترگ مهدوی را به سطوحی نازل تقلیل می دهد؛ هم چنان که امروزه برای تبیین راه برد فلان سیاست یا متفکر و رئیس جمهور از اصطلاح دکترین یاد می کنند، مانند: دکترین مونروند، آیزنهاور، نیکسون، برژینسکی، برژنف، موازنه قوا و

هم چنین با توجه به خنثا بودن مفهوم ایدئولوژی و گستردگی کاربردهای منفی آن، استفاده از این اصطلاح نیز توجیه ندارد. درباره مکتب باید گفت که این واژه فاقد بار منفی است و حتی برای تبیین ادیان الهی هم از آن استفاده می شود؛ چون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ارمغان آورنده مکتب و دین جدیدی نیست و در حقیقت مکتب نبوی و علوی را تکمیل می کند و آنها را به سرانجام و مقصود نهایی می رساند و در واقع احیاگر اسلام است. با وجود این، نمی توان از اندیشه مهدوی، تحت عنوان «مکتب» یاد کرد و یا دست کم، عنوان مناسبی نیست؛ زیرا حضرت، مجدد مذهب و بزرگ مصلح و احیاگر اسلامی است و نه واضع مکتب جدید. ایشان با زدودن خرافه ها و حشو و زواید از اسلام، غربت و مهجوریت را از اسلام نبوی و علوی می زداید و حیات آن را تجدید می کند.

اصطلاحات نظام و گفتمان نیز رسایی لازم را برای بیان اندیشه مهدویت ندارند؛ زیرا در بین تمام این اصطلاحات، کلمه «نظام» در این زمینه سزاوارتر می نماید و می توان با افزودن کلمه قرآنی «طیبه»، با کلمات «نظام طیبه مهدوی» از حکومت جهانی و اندیشه مهدوی هم یاد کرد.

ج) چیستی دکترین مهدویت و معنای آن

به نظر می‌رسد کاربرد واژه دکترین برای بیان اندیشه مهدویت مناسب نباشد، ولی در هر حال، کسانی که دکترین مهدویت را به کار برده یا می‌برند، دکترین را به معنای آموزه‌های ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌دانند که تفسیری راه‌بردی از حوزه‌های اساسی حیات بشری هم چون انسان‌شناسی، سیاست، اقتصاد، جامعه، حکومت، روابط بین‌الملل و... ارائه می‌دهد و در حقیقت نوعی اندیشه و سازوکار آرمانی و در عین حال تحقق‌پذیر و جهان‌شمول برای نجات و به زیستی حیات بشر بر مبنای احیا و تجدید اسلام نبوی و علوی است.

د) منزلت و موقعیت دکترین مهدویت در تعالیم اسلامی

هم‌چنان که در بسیاری از مکاتب فکری و مذهبی جهان امروز، اعتقاد به مصلح جهانی، مدینه فاضله، هم‌چنین موعود و منجی‌گرایی و هزاره‌گرایی وجود دارد، نظام فکری و اجرایی مهدویت، در تعالیم اسلامی و آرای بسیاری از فرق آن، منزلت و موقعیت ویژه و بالایی دارد. برخی از متفکران مانند ابن‌خلدون و بعضی دیگر به این نظام فکری شبهاتی نارسا وارد کرده‌اند، ولی در گستره فرق اسلامی، این اعتقاد به استواری وجود دارد. البته بدیهی است اختلافاتی هم در این زمینه وجود داشته که بیشتر آنها اعتقادی و یا در مورد شخصیت منجی یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. برای نمونه، درباره رجعت اختلافاتی وجود دارد و یا این که برخی از فرق سنی بر خلاف تشیع به تولد آن حضرت در آینده معتقد هستند و مانند زیدیه (از فرق شیعی) که معتقدند امام باید قادر به جنگ و دفاع باشد. بنابراین، مهدی‌غایب را به امامت نمی‌پذیرند و هم‌چنین امامی را که کودک باشد نیز امام نمی‌شمارند. در هر حال، اعتقاد به مهدویت، از ضروری‌ترین اعتقادات اسلامی به ویژه شیعی به شمار می‌رود و خاتمیت و تکامل‌نهایی رسالت

اسلام، منوط به ظهور مهدی موعود است و خاتمیت قطعی این دین مبین با آن معنا می‌یابد.

ه) دکتربن مهذوبت؛ تئوری ای در فلسفه تاریخ، فلسفه سیاسی یا اعتقادی کلامی؟

منحصر کردن نهضت مهذوبت به یک تئوری و فلسفه تاریخ یا فلسفه سیاسی، چیزی جز کوچک نمایی این نهضت اصلاحی جهان شمول جامعه بشری نیست. تئوری یا نظریه در بهترین صورت خود، بیان بررسی اثبات شده یا سازه های تصویری و فرضیه های ثابت شده درباره ماهیت واقعی اشیاء و رابطه علت و معلولی بین پدیده هاست و در واقع روابط علی بین پدیده ها و متغیرها را به طور شفاف تبیین می کند و می کوشد قدرت پیش بینی و آینده نگری داشته باشد. بدیهی است که نظریه در صورت اثبات مکرر، به قانون علمی می انجامد که در واقع از اصول کلی درباره رابطه حتمی، قطعی و همیشگی بین متغیرها حکایت می کند و از مشاهده حقایق یا فرآیندهای منطقی به دست می آید؛ در حالی که اندیشه مهذوبت، چه در حیطه نظری و چه در عرصه عملی، چیزی بسیار فراتر از یک یا چند نظریه تعمیم نیافته محدودنگر و حتی فراتر از یک قانون علمی است و هم چنین بسیاری از حقایق، واقعیت ها و کشف بسیاری از مجهولات عالم بشری و سپهر آفرینش را در بردارد. البته با توجه به این که مباحث امامت در عرصه علم کلام مطرح می شوند، اندیشه مهذوبت را - آن هم نه از باب حصر - در زمره اعتقادات کلامی می توان برشمرد؛ هر چند بسیاری از حوزه های علوم اسلامی نیز بدان اشارت دارند.

و) نقش دکتربن مهذوبت در دنیای جدید و در کنار دیگر تئوری های جهانی

در بسیاری از ادیان الهی و بشری و مکاتب فکری، انواعی از منجی گرایی، هزاره گرایی، موعود گرایی و اعتقاد به ظهور مدینه فاضله و مصلح جهانی وجود دارد و حتی در دنیای جدید نیز این اعتقادات با قوت و قدرت مطرح می شوند؛ هم چنان که دنیای غرب در بطن باورهای مسیحی خود، به ظهور مجدد مسیح ایمان دارد و در مواعظ و توصیه های خود، این باور را به شدت تبلیغ می کنند. بنابراین، طرح اندیشه مهذوبت در فضای قرن بیست و یکم نه تنها استبعادی ندارد، بلکه مخاطبان بسیاری در جهان در انتظار تحقق چنین ایده و آرمانی

هستند و دوست دارند با زوایای مختلف این اندیشه بیشتر آشنا شوند. بدیهی است موج عظیم اسلام خواهی در جهان و گرایش روزافزون جهانیان به این دین که حتی موجب هراس و وحشت سردمداران کلیسا و دولت های غربی شده، نقشی اساسی در اقبال به اندیشه مهدویت دارد و باید در این زمینه با ابزارهای کارآمد و جدید رسانه ای، به تبلیغ و تنویر لازم همت گماشت؛ در دوره ای که ایدئولوژی ها رو به پایانند، مارکسیسم فرو می پاشد و بحران های متوالی و دامن گیر لیبرال - دموکراسی گسترده می شوند، اندیشه جهان شمول مهدویت شایستگی طرح و جلب مخاطبان جهانی خود را داشته و دارد.

(ز) توانایی دکتربین مهدویت در پاسخ گویی به انسان ها و جوامع پس از ظهور

بی گمان اندیشه مهدویت در اساس و با توجه به ذخایر و منابع عظیم اسلامی، مطالبات روزافزون انسانی را در حوزه های متفاوت می تواند به صورت بالقوه پاسخ گوید. این اندیشه باید در حوزه نظری و عملی مورد باز کاوی و تفسیرهای روزآمد واقع شود. از این رو، شایسته است که هزاران حدیث مورد تنویر و تفسیرهای انتقادی قرار گیرد و شبهات فراوان در این زمینه پاسخ داده شود تا احادیث ضعیف و ناموثق کنار رود. آن گاه با توجه به عرصه های جدید حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، بشری و مقتضیات زمانی و مکانی جدید، احادیث درباره عصر ظهور، بازنگری و مصداق یابی گردد و به ویژه خصوصیت های حکومت جهانی مهدوی، مدت این حکومت، وضعیت دیگر ادیان، اقوام و حقوق اقلیت ها، نوع حکومت، جایگاه جمهوری اسلامی در عصر ظهور و قبل از آن، نوع برخورد حضرت با عرب ها و فارس ها، میزان استفاده از زور یا بهره گیری از اقناع و مجادله به نحو احسن، شناسایی شخصیت ها و جریان های مثبت و منفی عصر ظهور و مصداق های معاصر مخالفان و هواداران حکومت مهدوی، مشخص گردند. برای نمونه، باید یادآوری کرد که سنوات حکومت حضرت در احادیث موثق، به طرق مختلف حدود ده، بیست، هفتاد و نود سال ذکر شده، یا بنابر برخی از احادیث، هر سال حکومت ایشان برابر ده سال زمان فعلی است و نیز

درباره سرانجام و شهادت یا درگذشت طبیعی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیان‌ها و احادیث روشنی وجود ندارد. بدیهی است از دلایل اصلی این ابهامات این بوده که ائمه بزرگوار اسلام در وضعیت خفقان و استبداد، نمی‌توانستند زوایای کاملی از حکومت جهانی موعود را مشخص سازند و یا به دلیل حساسیت سیاسی این احادیث، تلاش برای کتمان سازی آنها توسط راویان، به تضعیف و چندگویی روایات منجر شده است.

هم‌چنین با توجه به طرح مسائل مستحدثه و تازه، تطبیق این احادیث با موضوعات جدید، کار ساده‌ای نیست و جا دارد حوزه‌های فکری و حلقه‌های مطالعاتی گسترده‌ای به تأمل ورزی در این زمینه پردازند و علاوه بر ایجاد کرسی‌های علمی و تأسیس رشته‌های مرتبط با این موضوعات در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، صدها کتاب و پایان‌نامه و تزه‌های دکتری در این قلمروها به رشته تحریر درآید و مباحث از حالت صرف انشا و ادبیات زیبا و یا «نوستالژیک» و یا همراه با مدح و ثنای فرآوان، به گونه‌ای مستدل و واضح بیان شود و مواضع حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی‌های آن، تبیین و شفاف سازی گردد. البته با توجه به این که حکومت مهدوی ادامه و تتمه و تکمله رسالت نبوی و امامت علوی است، این تنویر نباید به احادیث مربوط به زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منحصر گردد، بلکه باید نهضت احیا و تجدید حیات اسلامی مهدوی را نیز در عصر حاضر آغاز کرد و کوشید چهره واقعی و بشردوستانه و متعالی اسلام به ویژه تشیع برای همگان آشکار گردد. آن‌گاه باید شبهات، دروغ پردازی‌ها، اتهامات ناروا، خرافه‌ها، جهالت‌ها و زنگارهای منتسب و الصاق شده بدان که دشمنان و یا ناآگاهان به آن زده‌اند، از آن زدوده شود. روشن است در چنین صورتی، توان اسلام و اندیشه مهدویت برای پاسخ‌گویی به مطالبات بشری بیش از پیش آشکارتر خواهد شد و رغبت آنها به این حیات طیبه که موعود قرآنی است، روزافزون خواهد گردید.

فصل دوم: کرامت انسانی در دولت مهدوی

اشاره

اهتمام به ارتقای کرامت های انسانی و حقوقی بشردوستانه از موضوعات بسیار با اهمیت، به ویژه در سده اخیر بوده است. متأسفانه، این اهتمام با وجود تلاش های فراوان اندیشه ورزان و جامعه بشری، نه تنها تاکنون به نتایج پذیرفتنی نینجامیده که این حقوق و کرامت ها در بسیاری از انحاء عالم وضعیت اسف ناک و بغرنجی دارد.

آیین رحمت و رأفت اسلام، از زمان تَلَأَلُوْ خُویش، از منظری الهی به به سازی وضعیت بشر و حفظ حقوق و کرامت ها و ارزش های انسانی نگریسته و توجه ویژه ای به این امر مبذول داشته است. اسلام همواره کوشیده تا مکارم اخلاقی را

به نهایت کمال برسانند. به همین دلیل، شواهد بسیار غنی در منابع قرآنی و روایی این موضوع را تأیید می کنند.

از سویی، تبیین جایگاه کرامت های انسانی در دولت و عصر مهدوی از موضوعات مهمی به شمار می رود که تاکنون بدان کمتر پرداخته شده است. امروزه برخی با تصورات نادرست و چه بسا مغرضانه، از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صرفاً تصویری خشن و غیر رأفت آمیز ترسیم می نمایند. از همین رو، نتایج چنین پژوهش هایی، این توهم ها را از اساس زایل می کند و بر غلبه همه سویه جوانب انسانی و کریمانه قیام حضرت و شخصیت مکرم ایشان مهر تأیید می زند.

سؤال اصلی این پژوهش را این گونه می توان خلاصه نمود: کرامت های انسانی در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه جایگاهی دارد و خاست گاه اصلی، مبانی و شاخصه های آن کدامند؟ و اساساً این کرامت ها بر حول چه محور و مداری تحقق و ابتنا می یابند؟

برحسب پرسش یادشده، مدعا و مفروض این نوشتار، این گونه سامان یافته است: کرامت انسانی در اندیشه اسلامی و در آموزه دولت مهدوی خاست گاهی الهی دارد، یعنی انسان نه بر محور انسان بلکه بر محور خدا به کرامت و بزرگواری می رسد و میان افزایش تقرّب به درگاه الهی و مماثلت با آن و افزایش کرامت های انسانی رابطه مستقیمی وجود دارد. به همین دلیل، مؤمنان واقعی یعنی شیعیان، در دولت مهدوی از بالاترین کرامت ها و تعظیم ها برخوردارند.

این مقاله برای پاسخ به پرسش ها و آزمون صدق روایی مدعای فوق، مباحث اصلی را در سه بخش اصلی تدوین کرده است: ابتدا پیشینه تاریخی موضوع کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه، به ویژه در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح می گردد و سپس موضوع کرامت در قرآن و روایات تبیین می شود و در نهایت، مبحث کرامت انسانی به تفصیل در دوره ظهور تشریح شده و خاست گاه های

اصلی، شاخصه‌ها و مبانی آن با استناد به منابع روایی بیان می‌گردد.

الف) کرامت انسانی و اعلامیه جهانی حقوق بشر

مقام انسان، انسانیت و کرامت و حقوق انسانی از موضوعاتی بوده که از دیرباز مورد توجه فراوان ادیان، فلاسفه و اندیشه‌ورزان بشری بوده است. امروزه نیز مبحث حقوق بشر (۱) به این موضوع بااهمیت می‌پردازد. این حقوق، از حق زیستن که طبیعی‌ترین حق انسان به شمار می‌رود، شروع می‌شوند و به حقوق معنوی که موجد کمال و اعتلای بشر هستند، مثل آزادی بیان، آزادی قلم و اندیشه ختم می‌گردند. امروزه حقوق مزبور از محدوده مرزهای ملی به صحنه بین‌المللی گذر کرده و به ظاهر در اعلامیه جهانی حقوق بشر صورت یافته است. البته به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران، اعلامیه جهانی حقوق بشر مبتکر حقوق بشر نبوده، بلکه ادیان الهی به ویژه اسلام نخستین اعلامیه‌های حقوق را دربرداشته‌اند و فلاسفه و دانش‌مندان نیز به گونه‌ای از حقوق بشر دفاع کرده‌اند و قبل از اعلامیه جهانی حقوق بشر این حقوق در برخی از اعلامیه‌ها و مقررات داخلی کشورها مطرح شده است. هم‌چنین تاریخ تمدن بشر، شاهد کوشش پیامبران، فلاسفه و متفکران و انسان دوستان مشرق و مغرب زمین در اعتلای شأن و کرامت انسان و دفاع از حقوق و آزادی‌های اساسی اوست؛ (۲) در این باره به انعقاد «حلف الفضول» توسط محمد امین صلی الله علیه و آله و سلم و قبل از بعثت آن حضرت و هم‌چنین تأسیس نهاد مشابیه‌ی که در زمان اسماعیل پیامبر، به صورت پیمانی در قبیله «جرحم» که به نحوی، با هدف حمایت و دفاع از حقوق بشر شکل گرفته، می‌توان اشاره نمود.

از سویی توجه به موضوع کرامت انسانی و حقوق بشر را در این چنین اسنادی

۱- . حقوق بشر به زبان انگلیسی «Human Rights» و به فرانسه «Droits de L'homme» و به عربی «حقوق الانسان» نامیده می‌شود.

۲- . نک: حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر، ص ۳۷۸.

تاریخی می توان مطالعه کرد: قانون حمورابی پادشاه بابل (۲۱۲۳ - ۲۰۸۰ قبل از میلاد)، قانون اساسی آتن (۵۰۷ قبل از میلاد)، منشور کوروش پادشاه هخامنشی (قرن پنج پیش از میلاد)، الواح دوازده گانه روم (۴۵۱ قبل از میلاد)، اقدامات ژوستی نین امپراتور روم (قرن ششم قبل از میلاد) در جهت احیا و اصلاح الواح دوازده گانه روم، قطع نامه ماکناکارتا معروف به منشور کبیر انگلستان (۱۲۱۵ میلادی)، اعلامیه حقوق انگلستان (۱۸۶۶ میلادی)، منشور آزادی ها مصوب دادگاه عمومی ماساچوست (۱۶۴۱ میلادی)، اعلامیه استقلال امریکا (۱۷۶۶ میلادی)، لایحه حقوقی ویرجینیا (۱۷۷۶ میلادی). بنابراین اسناد، (۱) زمام داران به رضا یا اکراه، رعایت حقوق و آزادی ها و کرامت انسان ها را به تناسب شرایط زمانی و مکانی خویش، جزو دستور و برنامه کار خود قرار دادند.

با وجود طرح مباحث کرامت انسانی در کهن ترین اسناد بشری، تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیشینه ای کمتر از شصت سال دارد. در واقع این اعلامیه در دهم دسامبر ۱۹۴۸ میلادی (۱۹ آذر ۱۳۷۲ شمسی) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و رسماً انتشار یافت. از آن جا که مواد این میثاق تنها هنگامی اجرایی می شد که ۳۵ کشور به آن ملحق شوند، از این رو فرآیند این الحاق ها مدت ها طول کشید تا آن که در ۱۹۶۶ میلادی پس از تکمیل امضاها، میثاق های بین المللی حقوق بشر از حیث عملی قابلیت پی گیری یافت.

اعلامیه جهانی حقوق بشر یک مقدمه و سی ماده دارد. مقدمه اعلامیه متضمن سلسله مفاهیم و اندیشه هایی بنیادی است که امضاکنندگان اعلامیه، اعتماد و اعتقاد راسخ خود را به آن اعلام داشته اند. آن مفاهیم عبارتند از:

۱. وحدت اعضای خانواده بشری، حیثیت ذاتی انسان (کرامت انسانی) و شناسایی حقوق ناشی از آن (حقوق بشر)؛

۱- نک: اعلامیه های حقوق بشر، ص ۲ (مقدمه).

۲. آزادی عقیده و بیان، و آزادی از ترس و فقر و به طور کلی استقلال فرد؛

۳. حمایت حقوق بشر از راه اجرای قانون (حاکمیت قانون)؛

۴. برابری حقوق انسان و برابری ملت ها و دولت ها؛

۵. توسعه روابط دوستانه بین ملت ها.

نویسندگان اعلامیه، وحدت اعضای خانواده بشری (افراد بشر)، کرامت انسانی و شناسایی حقوق ناشی از آن را اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان می دانند و ظهور جهانی را که در آن، افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر رها باشند، بالاترین آمال بشری اعلام می نمایند. مقدمه اعلامیه چنین آغاز می شود:

از آن جا که حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یک سان و انتقال ناپذیر آنان، اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد... از آن جا که عدم شناسایی و تحقیق حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده، آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند، به عنوان بالاترین آمال بشری اعلام شده است... (۱)

اعلامیه در سی ماده، حقوق بشر را با وضوح و صراحت کاملی اعلام می دارد و آنها را برای رشد و پرورش شخصیت انسانی ضروری می داند. (ماده ۲۸ و بند ۱ از ماده ۳۰) (۲)

متأسفانه باوجود این تلاش ها برای حفظ و رعایت کرامت انسانی، نتایج به دست آمده فاقد موفقیت های لازم و درخور بوده و به اعتقاد صاحب نظران، «به رغم تلاش هایی که صورت گرفته و موفقیت هایی که به دست آمده، وضع حقوق

۱- نک: آزادی های عمومی و حقوق بشر، ص ۲۲۹-۲۳۰.

۲- برای مشاهده متن کامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، نک: اعلامیه های حقوق بشر، ص ۱۲ - ۱۷. هم چنین برای بررسی تحلیلی این اعلامیه نک: آزادی های عمومی و حقوق بشر، ص ۲۲۹ - ۲۳۲ و حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر، ص ۳۷۹ - ۳۸۱.

بشر از هر زمان دیگری بحرانی تر و اسفناک تر است. علوم و فنون بیش از آن چه در خدمت حقوق باشند، در خدمت پایمال کردن حقوق انسان ها در ابعاد وسیع و وحشتناک قرار گرفته اند. حتی خود حقوق بشر نیز از زمانی که به صورت ابزارهای سیاست خارجی قدرت های بزرگ در آمده، به صورت ابزاری برای سرکوب ملت های ضعیف به کار گرفته شده است و متأسفانه اندیشه ها و نظریه های انتزاعی که به مدت دوست سال در دفاع از حقوق بشر به کار گرفته شده اند، هیچ کمکی به پیشرفت موضوع نکرده اند». (۱) از سوی دیگر، فقدان حمایت ها و نبود ضمانت اجرایی میثاق های بین المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر از دلایل چنین ناکامی هایی است که به ناکارآیی چنین اعلامیه ای انجامیده؛ چنان که ارزش حقوقی این میثاق نیز کاملاً زیر سؤال رفته است. ارزش یابی نهایی این اعلامیه در حفظ کرامت انسانی از دید کلی از صاحب نظران این گونه بیان شده است:

در پایان باید دانست با وجود آن که اعلامیه حقوق بشر، فاقد ارزش حقوقی است، لکن باید این حقیقت را پذیرفت که اصول اعلامیه در معاهدات بین المللی رسوخ کرده و به صورت عرف بین المللی درآمده است که خود از جمله منابع حقوق بین المللی به شمار می رود... (۲)

با این وجود، ضمانت اجراهای مندرج در میثاق ها بسیار ضعیف است و از کارآیی لازم برخوردار نمی باشد، به ویژه میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی سعی نمی کند که اجرای این دسته از حقوق بشر را به گونه مؤثری تضمین نماید... (۳)

گفتنی است که یکی دیگر از علل ناکارآیی اعلامیه جهانی حقوق بشر و

۱- . حقوق بشر، ص ۵ (مقدمه مترجم).

۲- . آزادی های عمومی و حقوق بشر، ص ۲۳۲.

۳- . آزادی های عمومی و حقوق بشر، ص ۲۳۳.

میثاق های آن، ناهم سازی معدودی از موارد آن (مانند ماده ۱۶ و ۱۸) با موازین اسلامی است و به همین دلیل نیز کشورهای مسلمان در اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره، اعلامیه حقوق بشر را در پنجم اوت ۱۹۹۰ (پانزدهم مرداد ۱۳۶۹) در ۲۵ ماده به تصویب رساندند، (۱) هرچند که این اعلامیه نیز همانند سایر میثاق ها در حد حرف و انتزاعیات باقی مانده و فاقد ضمانت اجرا و حمایت و تحقق عملی است.

(ب) کرامت انسانی در قرآن و روایات

مفهوم «کرامت» در لغت، در مقابل «لثامت» و «دنائت» و «دنیا» قرار می گیرد؛ هم چنان که در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «من کرمت نفسه صغرت الدنيا فی عینه.» (۲) بنابراین، کرامت از مفاهیم استعلایی است که از طریق تعالی روح و به گونه ای ایجابی و با نزاهت و دوری از همه پستی ها و دنائت ها به گونه ای سلیبی بر قامت انسان وارسته از همه تعلقات، وابستگی ها و دل بستگی ها و آلودگی های دنیوی پوشانده می شود.

راغب اصفهانی از دو جهت به معنای کرامت می پردازد. کرامت خداوند با استناد به آیاتی مانند: «فَإِنَّ رَبِّي غَنِي كَرِيمٌ» (۳) نام احسان و نعمت هایی است که خدا می دهد و از این طریق ظهور می کند و در جایی که بخواهد انسان توصیف شود، به نام آراستگی ها و افعال نیکی که از او آشکار می شود، کرامت گفته می شود، ولی درباره او کریم نمی گویند. سپس راغب می گوید: واژه کرامت معنای عامی دارد و به هر چیزی که در جای خودش شرافت و بزرگی داشته باشد، کرامت می گویند. به همین دلیل خداوند درباره گیاه می گوید: «فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ

۱- برای ملاحظه اعلامیه اسلامی حقوق بشر نک: اعلامیه های حقوق بشر، ص ۴-۱۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۶۳.

۳- «بی گمان پروردگارم بی نیاز و کریم است.» (سوره نمل، آیه ۴۰)

زَوْجِ كَرِيمٍ». (۱) هم چنین اکرام و تکریم، چیزی است که به انسان نفعی و فایده ای برساند که در آن پیچیدگی و مانع نباشد. (۲)

جالب آن که یکی از معروف ترین اسامی قرآن در نزد مسلمانان، «قرآن کریم» است؛ هم چنان که با گشودن این صحیفه الهی، به کلمات و واژگان بسیاری برمی خوریم که با کلمه «کریم» پیوند خورده است؛ واژه هایی همانند: «رسول کریم»، (۳) «رزق کریم»، (۴) «اجر کریم»، (۵) «کتاب کریم»، (۶) «رب الکریم»، (۷) «زوج کریم»، (۸) «مقام کریم»، (۹) «عرش کریم»، (۱۰) «ملک کریم»، (۱۱) «قول کریم»، (۱۲) «عزیز کریم»، (۱۳) «قرآن کریم» (۱۴) و «مدخل کریم». (۱۵)

با نگاهی کوتاه و گذرا به واژگان پیش گفته، به جز مواردی که مختص ذات الهی است، درمی یابیم که بسیاری از آنها درباره انسان و یا امور درباره اوست، مانند: رزق، زوج، اجر و... علاوه بر واژه کریم، مشتقات دیگری از این واژه به صورت مختلف در قرآن کریم به کار رفته که هر کدام یادآور نکته ای خاص و بیان گر موضوعی در این زمینه است.

۱- «و از هر نوع [گیاه] نیکو در آن رویانیدیم.» (سوره لقمان، آیه ۱۰)

۲- نك: معجم مفردات الفاظ القرآن، باب الکرّم، ص ۴۴۵ - ۴۴۶.

۳- سوره دخان، آیه ۱۷.

۴- سوره حج، آیه ۵۰.

۵- سوره حدید، آیه ۱۱.

۶- سوره نمل، آیه ۲۹.

۷- سوره انفطار، آیه ۶.

۸- سوره لقمان، آیه ۱۰.

۹- سوره دخان، آیه ۲۶.

۱۰- سوره مؤمنون، آیه ۱۶.

۱۱- سوره یوسف، آیه ۳۱.

۱۲- سوره اسراء، آیه ۲۳.

۱۳- سوره دخان، آیه ۴۹.

۱۴- سوره واقعه، آیه ۷۷.

۱۵- سوره نساء، آیه ۴.

قرآن کریم آن جا که می خواهد در میان گرامیان، با کرامت ترین را نزد خداوند معرفی کند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (۱) را یاد آور می شود و آن جا که اوصاف نیکان را یادآوری می کند، به عبور کریمانه آنان می پردازد: «وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»، (۲) و وقتی به ملائک محافظ انسان اشاره می کند، آنان را به «کِرَامًا کَاتِبِينَ» (۳) می ستاید که نشان از جایگاه و موقعیت آنها نزد فرشتگان دیگر دارد و در آن هنگام که از نامه های یادآوری کننده همراه با ارائه دهندگان آنها یاد می کند، به وصف کرامت می خواند: «فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ ... * بِأَيْدِي سَفَرَةٍ * كِرَامٍ بَرَرَةٍ» (۴) که یادآور قیامت است و تنهایی او. (۵)

گفتنی است که انواع کرامات الهی مذکور در قرآن را در دو نوع تکریم عام و تکریم خاص می توان جای داد: نوع اول این توجهات و کرامات، عام است و همگی انسان ها اعم از زن و مرد، مؤمن و کافر و ... را شامل می شود که بیان گر صفت رحمانیت خداوند است. همان گونه که در تفسیر صفت «رحمان» آمده، رحمان در مقابل رحیم بوده و آن نوعی از کرامت خداوندی است که تمام بشر را دربرمی گیرد. (۶) کراماتی چون حق حیات و خلقت انسان، قدرت اراده و اختیار، قدرت تعقل و اندیشه، مسخر قرار دادن دیگر موجودات برای انسان، فراهم کردن اسباب هدایت انسان مانند فرستادن رسول ظاهری و باطنی از این جمله اند.

نوع دیگر کرامات الهی به بشر، خاص بوده و تنها انسان هایی را شامل می شود که راه حقیقت را یافته اند و ایمان به خدا دارند. خداوند به این دسته از انسان ها، رحمت خاصی عطا کرده که غیرمؤمنان، از آن بی نصیبند. از این نوع کرامت و

۱- «در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.» (سوره حجرات، آیه ۱۳)

۲- «و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می گذرند.» (سوره فرقان، آیه ۷۲)

۳- سوره انفطار، آیه ۱۱.

۴- «در صحیفه هایی ارجمند، ... به دست فرشتگانی، ارجمند و نیکوکار.» (سوره عبس، آیه ۱۶)

۵- نک: «فضیلت از یاد رفته»، ص ۴ و ۵.

۶- نک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۸.

رحمت در لسان قرآن و تفاسیر، به رحمت خاص یاد شده است. مفسران در معنای «رحیم» گفته اند که نوعی از رحمت خاص پروردگار است که تنها مؤمنان را شامل می شود: «وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (۱) و نیز خداوند می فرماید: «إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (۲) و (۳)

به هر حال، تعدد آیات قرآنی مربوط به موضوع کرامت انسانی بیان گر آن است که هیچ مکتبی به اندازه اسلام برای انسان ارزش و اهمیت قائل نشده است. (۴) قرآن انسان را جانشین خدا بر روی زمین می داند (۵) و وی را موجودی می خواند که فرشتگان بر او سجده کرده اند، (۶) همه آسمان ها و زمین در تسخیر او هستند و موجودات جهان آفرینش سرتمکین در برابر او فرود آورده اند. (۷) در نظر اسلام، انسان مقام و ارزش والایی دارد و خداوند، سروری موجودات زمین و آسمان را برای او فراهم ساخته است. روح خدا در آدم دمیده شده و شایسته تکریم و تعظیم گردیده و حتی فرشتگان مأمور شده اند که بر او سجده کنند. انسان در نظر اسلام دارای مقام خلیفه الله است. (۸) در این زمینه آیات و روایات فراوان

وجود دارد، به ویژه آیه ای از سوره اسراء کرامت انسانی را با وضوح هرچه تمام تر اعلام می دارد:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ (۹)

۱- «و به مؤمنان همواره مهربان است.» (سوره احزاب، آیه ۴۳)

۲- «[خداوند] نسبت به آنان مهربان و رحیم است.» (سوره توبه، آیه ۱۱۷)

۳- نک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۹.

۴- برای نمونه نک: چکیده مقالات همایش بین المللی امام خمینی (و قلمرو دین (کرامت انسان).

۵- سوره بقره، آیه ۳۰.

۶- سوره بقره، آیه ۳۴.

۷- سوره ابراهیم، آیه ۳۲.

۸- سوره بقره، آیه ۲۹.

۹- آیه ۷۰.

و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب ها] برنشانندیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم.

گفتنی است که از نظر اسلام، همان طور که از پاره ای آیات از جمله آیه ۲۹ از سوره بقره برمی آید، همه انسان ها صرف نظر از دین و مذهب و اعتقادات و اعمال و رفتار آنها دارای کرامت هستند، هرچند که انسان باتقوا دارای فضیلت و کرامتی بیشتر است. به دیگر سخن، هر انسان کرامت ذاتی دارد، اما گروهی از انسان ها علاوه بر کرامت ذاتی دارای کرامت ارزشی یا اکتسابی نیز هستند که بنا به آیه معروف: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ» (۱) با تقوا به دست می آید. اسلام به ویژه بر این کرامت تأکید دارد، در حالی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قوانین کشورها، به این کرامت توجه چندانی نشده است. (۲) البته دلیل چنین امری بدیهی می نماید؛ در این دست از اعلامیه ها که بر مبنای تفکر انسان مدارانه و اومانیستی و لیبرالیستی غربی نگاشته شده، نظام ها و اندیشه های سکولار حاکم بر جوامع غرب، مبنای کرامت را در خود انسان و فرد جای داده اند و انسان و ارزش های صرف انسانی و مادی را جای گزین خدا و ارزش های الهی نموده اند و در حقیقت و برخلاف تفکر اسلامی، خاست گاه کرامت های انسانی را الهی ندیده اند و بلکه آن را بشری پنداشته اند و آن را در دایره حقوق طبیعی انسان ها تعریف کرده اند و لذا مبنای جعل آن را غالباً بشری و نه الهی به شمار می آورند. به همین دلیل، برخی از مواد این اعلامیه ها با پاره ای از موازین ادیان الهی و از جمله اسلامی دارای درجاتی از مغایرت است.

همان طور که آیات الهی، منشأ و خاست گاه کرامت های انسانی را الهی می بینند، روایات اسلامی نیز چنین دیدگاهی اصولی دارند. در این گونه روایات در موضوعاتی مانند «کرم»، «کرامه»، «کریم»، «کرام»، و «اکرام» به موضوع کرامت

۱- . سوره حجرات، آیه ۱۳.

۲- . «حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر»، ص ۳۸۲ - ۳۸۳.

پرداخته شده است و صفات متعدد الهی و در رأس آنها تقوا که مایه تقرب به درگاه ذات احدیت می گردد، از مؤلفه های تحقق کرامت به حساب آمده است. امام علی علیه السلام فرموده اند:

لا کرم کالتقوی؛ (۱)

هیچ کرمی مانند تقوا نیست.

من اتقی ربّه کان کریماً؛ (۲)

هر کس تقوای الهی پیشه کند، کریم است.

إنّما الکرّم التنزّه عن المعاصی [المساوی]؛ (۳)

به درستی که کرم به معنای اجتناب از گناهان و بدی هاست.

الکرّم حسن السجیه و اجتناب الدنیه؛ (۴)

کرم به معنای سجایای نیکو و اجتناب از پستی هاست.

أملک علیک هواک و شحّ بنفسک عمّا لایحلّ لک، فإنّ الشحّ بالنفس

حقیقه الکرّم؛ (۵)

هوای نفس بر تو سیطره دارد، بر نفست از آن چیزی که بر تو حلال نیست، بخل ورز و از او دریغ دار؛ زیرا در حقیقت این امساک نفس، عین واقعیت کرم است.

الکرّم نتیجه علوّ الهمه؛ (۶)

کرم و کرامت نتیجه علو همت است.

من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهوته؛ (۷)

۱- . میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۶۶.

۲- . میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۷۴.

۳- . میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۶۳.

۴- . میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۶۳.

٥- . میزان الحکمه، ج ٨ ص ٣٦٣.

٦- . میزان الحکمه، ج ٨ ص ٣٦٣.

٧- . میزان الحکمه، ج ٨ ص ٣٦٣.

کسی که نفس او کریم و بزرگوار شود، شهوتش بر او خوار و ضعیف می گردد.

الکریم من تجنّب المحارم و تنزّه عن العیوب؛ (۱)

کریم کسی است که از محارم اجتناب نموده و خود را از عیب ها منزّه می دارد.

یستدلّ علی کرم الرجل بحسن بشره و بذل برّه؛ (۲)

کرامت مرد با روی گشاده و بذل و بخشش نیکویی هایش اثبات می گردد.

الکریم یعفو مع القدره، و يعدل مع الإمره و یکفّ لسانه، و یبذل إحسانه؛ (۳)

کریم کسی است که هنگام قدرت عفو می کند و در هنگام امارت و امیری عدالت می ورزد و زبانش لجام دارد و نیکی هایش را بذل و بخشش می کند.

هم چنین در روایت جالبی، پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، کرامت را با تدین یکی دانسته و فرموده اند: «کرم الرجل دینه؛ (۴) کرامت هر شخصی در دین وی نهفته است.» در روایت دیگری امام صادق علیه السلام سه چیز را دال بر کرامت فرد می داند که عبارتند از حسن خلق، فروخوردن خشم و چشم پوشی و گذشت. (۵)

بدیهی است که همه این روایات و دیگر اشارات قرآنی، سر چشمه کرامت انسانی و بشری را در دیانت و فطرت الهی انسان جست و جو می کنند و معنای واقعی و متعالی آن را از این منظر می نگرند. البته به کرامت، نه تنها از زاویه فردی و اخلاقی که از زوایای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز چنین نگریده می شود و کاملاً می توان این برداشت از کرامت و جایگاه آن را در تعاملات اجتماعی و

۱- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۶۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۶۲.

۳- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۶۶.

۴- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۶۲.

۵- «ثلاثة تدلّ علی کرم المرء: حسن الخلق و کظم الغیض و غضّ الطرف.» (میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۶۲)

سیاسی ملاحظه نمود؛ هم چنان که امام علیه السلام نیز ویژگی های دولت کریمه را در تقابل با دولت فرومایه چنین به تصویر کشیده است:

دوله الکریم تظهر مناقبه، دولة اللئیم تکشف مساویه و معایبه؛ (۱)

دولت کریمه دولتی است که مناقب و نیکی های آن آشکار می شود و دولت فرومایه و لئیم، دولتی است که بدی ها و معایب آن بروز می یابد.

ج) کرامت انسانی در عصر ظهور

۱. زوال کرامت ها از ملاحم قبل از ظهور

در بسیاری از روایات منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصومان علیهم السلام از زوال کرامت انسانی و بروز ناامنی ها، بی عدالتی ها، جنگ ها، هرج و مرج ها و فتنه های فراوان و فساد گسترده به عنوان ملاحم و نشانه های ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی عصر غیبت یاد شده است، از جمله خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه (۲) چنین مضامینی دارد؛ هم چنان که پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه می فرماید:

منا مهدی هذه الأئمة إذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و أغار بعضهم على بعض فلا كبير يرحم صغيراً و لا صغير يوقر كبيراً فبيعت الله عند ذلك مهدينا التاسع من صلب الحسين يفتح حصون الضلالة و قلوباً غفلاء يقوم في الدين في آخر الزمان كما قمت به في أول الزمان و يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً؛ (۳)

مهدی این امت از ماست. هنگامی که در دنیا هرج و مرج شده و فتنه ها آشکار شود و راه ها مورد راه زنی قرار گرفته و بعضی از مردم به بعض دیگر تهاجم کنند و بزرگ به کوچک رحم نکند و کوچک تر احترام بزرگ تر را نگه ندارد، در چنین زمانی مهدی ما که نهمین امام از صلب حسین است

۱- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۶۶.

۲- نک: نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۳۸، ص ۱۹۰.

۳- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۵، ص ۲۶۶، روایت ۱۵۴.

برج و باروهای گمراهی و قلب های قفل شده را فتح می کند و در آخرالزمان برای دین قیام می کند؛ همان طور که من در اول زمان، بدین قیام مبادرت کردم. او زمینی را که از جور پرشده، از عدل و داد، پر و سرشار می سازد.

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۰۸ نهج البلاغه با جملاتی مانند: «تفیض اللئام فیضاً و تغیض الکرام غیضاً...» عصر فرومایگی قبل از ظهور و فراگیری لثامت و نُدرت یابی کرامت را به خوبی تشریح فرموده اند؛ دوره ای که همانند جامعه هابزی، انسان ها گرگ یک دیگر شده و درنده خویی جای انسانیت و مدنیت را می گیرد. این ملاحم که مسخ همه ارزش ها و کرامت های الهی و انسانی را دربردارد، از دید امام علیه السلام چنین بیان شده است:

پس در آن هنگام که بر شما تسلط یابند، باطل بر جای خود استوار شود و جهل و نادانی بر مرکب ها سوار و طاغوت زمان عظمت یافته و دعوت کنندگان به حق اندک و بی مشتری خواهند شد. روزگار چونان درنده خطرناکی حمله ور شده و باطل پس از مدّت ها سکوت، نعره می کشد. مردم در شکستن قوانین خدا دست در دست هم می گذارند و در جدانشدن از دین متحد می گردند و در دروغ پردازی با هم دوست و در راست گویی دشمن یک دیگرند. و چون چنین روزگاری می رسد، فرزند با پدر دشمنی می ورزد و باران خنک کننده، گرمی و سوزش آورد، پست فطرتان و لثیمان همه جا را پر و لب ریز می نمایند و افراد با کرامت و بزرگواری به شدت کم یاب و کاسته می گردند. مردم آن روزگار چون گرگان و پادشاهان چون درندگان، تهی دستان طعمه آنان و مستمندان چون مردگان خواهند بود، راستی از میانشان رخت برمی بندد و دروغ فراوان می شود. با زبان تظاهر به دوستی دارند، اما در دل دشمن هستند. به گناه افتخار می کنند و از پاک دامنی به شگفت می آیند و اسلام را چون پوستینی وارونه می پوشند.

بدیهی است در چنین زمانی با تکریم دون پایگان، مجالی برای احترام به کرامات واقعی انسانی نخواهد بود و مؤمنان و شیعیان ذلیل خواهند شد.

در این باره علامه مجلسی از غیبت نعمانی حدیثی را از امام علی علیه السلام بدین شرح نقل نموده است:

روزی بیاید که شیعیان مانند بز باشند که شیر ندانند دست روی کدام یک از آنها بگذارد! یعنی عزت آنها از دست رفته و کسی احترامی برای آنها قائل نیست و کسی ندارند که در کارهای خود به وی پناه برند. (۱)

۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهر کرامت ها و سرآمد کریمان

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند جد خویش اکرم الاکرمین و خاست گاه کرامت است. پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بارها خود را چنین متصف می نمود و می فرمود: «أنا أكرم الأکرمن» (۲) یا «أنا أكرم ولد آدم علی ربی». (۳) هم چنین با توجه به روایات فراوانی که سنت و سیره امام عصر را هم سان سنت و سیره نبوی و علوی به شمار می آورند، بسیار بدیهی است که دولت تحت فرمان مهدوی، بر محور کرامت و لحاظ عالی ترین حد کرامت های الهی و انسانی حرکت کند و تبلور یابد. در همین زمینه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

سنته سنتی یقیم الناس علی ملتی و شریعتی و یدعوهم إلی کتاب

ربی عزوجل؛ (۴)

سیرت و سنت او، سیرت و سنت من است. مردم را بر دین و آیین من به پا خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می کند.

و یا امام صادق علیه السلام فرموده اند:

إن قائمنا إذا قام لبس لباس علی و سار بسیرته؛ (۵)

۱- . مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ترجمه علی دوانی، ص ۳۴۱.

۲- . میزان الحکمه، ص ۳۷۳.

۳- . میزان الحکمه، ص ۳۷۳.

۴- . کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۱.

۵- . وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۸.

به درستی که قائم ما در هنگام قیام، لباس علی را پوشیده و به سیره او حرکت و عمل می کند.

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند سایر ائمه هدی مظهر کرامت، انس و شفقت و دل سوزی با مردم بوده و پناه گاه عالمیان است و این مقام جز در قالب امامت شیعی تصورشدنی نیست. این مطلب در روایت امام رضا علیه السلام این گونه توصیف شده است:

الإمام الأنیس الرفیق و الوالد الشفیق و الأخ الشفیق و الأمّ البرّه بالولد الصغیر مفزع العباد فی الداهیه النأد؛ (۱)

امام، آن هم دم همراه و آن پدر مهربان و برادر تنی (که پشتیبان برادر) بوده

و همانند مادر دل سوز به فرزند خردسال و پناه گاه بندگان در واقعه

هول ناک است.

یکون أولى الناس بالناس من أنفسهم، و أشفق علیهم من آبائهم و أمهاتهم، و یکون أشدّ الناس تواضعاً لله عزّوجلّ، و یکون آخذ الناس بما یأمر به، و أكفّ الناس عیاً ینهی عنه... و یکون أعلم الناس و أحکم الناس و أتقى الناس و أحلم الناس، و أسخى الناس و أعبد الناس... و تنام عیناه و لاینام قلبه...؛ (۲)

او برای مردم از خودشان سزاوارتر، از پدر و مادرشان مهربان تر و در برابر خداوند از همه متواضع تر است. آن چه به مردم فرمان می دهد، خود بیش از دیگران به آن عمل می کند و آن چه مردم را از آن نهی می کند، خود بیش از همگان از آن پرهیز می کند... او عالم ترین، حکیم ترین، باتقواترین، صبورترین، بخشنده ترین و عابدترین مردمان است... و اگر چشمان او به خواب رود، قلبش بیدار است... .

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سرآمد کریمان عالم، متواضع ترین فرد جهان بشری در برابر

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲- تاریخ عصر غیبت، ص ۴۳۷ و ۴۳۹. (به نقل از: الزام الناصب، ص ۹ و ۱۰)

خداوند بوده (۱) و در شتاب به سوی نیکی ها و بزرگواری ها، مجاهد و مجتهدی سخت کوش است. (۲) او کمال موسی، شکوه عیسی و شکیبایی ایوب را دارد (۳) و می توان وی را سرآمد تهجدپیشگان و شب زنده داران و ساجدان به درگاه الهی به شمار آورد. امام کاظم علیه السلام اوصاف عبادی امام غایب را چنین برشمرده است:

او [مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] بر اثر تهجد و شب زنده داری رنگش به زردی متمایل است. پدرم فدای کسی باد که شب ها در حال سجده و رکوع، طلوع و غروب ستارگان را مراعات می کند... او چراغ هدایت در تاریکی های مطلق است. پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می کند.

اوصاف کریمانه امام عصر به کرات در روایات مورد تأکید قرار گرفته است؛ همان طور که امام علی علیه السلام با ذکر این اوصاف، بزرگواری و کرامت فرزند دوازدهم خود را مایه پناه و گردهم آبی مسلمین و تجدید عزت و عظمت آنها به حساب آورده است:

مردی است نیرومند، شمشیری از شمشیرهای خدا، بزرگی است بخشنده و با استقامت. فرق او به قله عظمت می سایید و بزرگواری همیشگی او بر بهترین اصول استوار است... پناه دادن وی به مردم بی پناه از شما بهتر، علمش از شما افزون تر و جهدش در صله ارحام از همه بیشتر است. خداوندا با بیعت کردن با وی، مردم را از اندوه بیرون آور و مسلمانان را از پراکندگی نجات ده! ... (۴)

۳. کرامت های انسانی با خاست گاهی الهی

حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در پی فراهم آوردن اسباب تقرب الی الله و

۱- «قال الرضا: یكون أشد الناس تواضعاً لله عزوجل». (نک: تاریخ عصر غیبت، ص ۴۳۶)

۲- «قال الرضا: الجحجاج المجاهد المجتهد». (نک: تاریخ عصر غیبت، ص ۴۳۶ به نقل از: جمال الاسبوع، ص ۴۱۰)

۳- بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۸۱.

۴- مهدی موعود، ص ۳۴۲.

برداشتن موانع این مسیر است و می خواهد وعده الهی (۱) تفوق جهانی اسلام بر سایر ادیان را محقق نماید و در سایه حاکمیت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، بانگ توحید را همه جا فراگیر سازد و شرک و کفر را نابود کند. اساساً حیات معنوی وجه تمایز انسان با سایر موجودات است و همین حیات، او را به خداوند حیات آفرین می رساند و به مقام قرب الهی نایل می کند؛ هم چنان که قرآن کریم بر همین مبنا، انسان را به سوی احیای واقعی فرا می خواند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»؛ (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خوانند که به شما حیات می بخشد، آنان را اجابت کنید.

از این رو، در زمان حاکمیت جهانی دولت کریمه، این بخش از وجود آدمی و مکارم عالی و ارزش های انسانی در همه ابعاد سامان گرفته و رونق و طراوت می یابد و از دلایل فضیلت مداری و کرامت محوری چنین دوره ای، نابودی شرک و برطرف شدن همه زمینه های صفات رذیله است. به فرموده امام باقر علیه السلام:

... هر آینه (در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم به هر جا که شب می رسد خواهد رسید و عالم گیر خواهد شد، به گونه ای که بر سطح زمین اثری از شرک نخواهد ماند، همان گونه که خداوند وعده کرده است. (۳)

در حکومت دین سالار مهدوی، تمایلات و هواهای نفسانی جایی ندارد و با از بین رفتن بسیاری از گناهان، کرامت های الهی و دروازه های برکت به سوی عالمیان گشوده خواهد شد. امام علی علیه السلام در عبارت های مختلفی ضمن شرح

۱- (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛ «اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید.» (سوره صف، آیه ۹ و سوره توبه، آیه ۳۳ و سوره فتح، آیه ۲۸)

۲- . سوره انفال، آیه ۲۴.

۳- . بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۵.

تفصیلی این دوران فرموده است:

او [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] خواسته ها و امیال را تابع هدایت وحی می کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند. در حالی که به نام تفسیر، نظریه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند، او نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد... (۱) بدی می رود و خوبی باقی می ماند، رونق کشاورزی بی اندازه می شود، زنا، شرب خمر و ربا رخت بر می بندد، مردم به عبادت، شریعت و دیانت روی می آورند؛ نماز جماعت رونق می گیرد، عمرها طولانی می گردد، امانات ادا می شود، درختان پرمیوه و برکات فراوان می گردد، اشرار نابود می شوند، اخیار باقی می مانند و دشمنان اهل بیت باقی نمی مانند. (۲)

در عصر ظهور کرامت های الهی و بشری در بستر احیای امر به معروف و نهی از منکر تحقق می یابد و «مهدی و یاران او امر به معروف و نهی از منکر می کنند» (۳) و خداوند به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این امت را پس از آن که تباه شده اند، اصلاح می کند (۴) و او آثار گمراهی و هوا و هوس را نابود خواهد کرد؛ همان طور که در دعای ندبه که آهنگ فراق و نوای جدایی از امام غایب بوده، این اشاره آمده است:

این طامس آثار الزیغ و الأهواء، این قاطع حبائل الکذب و الإفتراء؛

کجاست آن که ریسمان های دروغ و افترا را خواهد گسیخت؟ کجاست آن که آثار گمراهی و هوی و هوس را نابود خواهد کرد؟

بر همین منوال، امام هیچ بدعتی را و نمی گذارد، مگر این که آن را ریشه کن

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، ص ۱۹۰.

۲- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۵۹۳.

۳- «قال الباقر (ع): المهدي و أصحابه... يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر.» (نك: الغيبة، ص ۲۴۲، روایت ۲۶)

۴- «قال النبي (ص): ... ليصلح الأمة بعد فسادها.» (بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۳)

کند و از هیچ سستی الهی نمی گذرد، مگر این که آن را برپا نماید. (۱) هم چنین از اقدامات اساسی جهت تمهید و بسترسازی احیای کرامت ها و فضایل عالی در جامعه آخرالزمان، نابودی شیطان به دست امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. علامه مجلسی در بحارالأنوار در ذکر روایتی نقل می کند که از امام صادق علیه السلام درباره «وقت معلوم» که خداوند به شیطان فرمود منتظر آن باشد (۲) پرسیدند و ایشان فرمود:

روز قیام قائم ماست؛ وقتی خداوند او را برانگیخته می کند (و آماده قیام است) و در مسجد کوفه است. در آن وقت شیطان در حالی که با زانوهای خود راه می رود، به آن جا می آید و می گوید: ای وای از خطر امروز! قائم پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند. آن موقع روز وقت معلوم است که مدت او به آخر می رسد. (۳)

بدین ترتیب، عصر ظهور، دوران تکمیل و تمیم مکارم اخلاقی و کرامت های انسانی خواهد بود؛ دوره ای که با عملیات اصلاحی دولت مهدوی، آدیان به نهایت تزکیه نفسانی، بلوغ و تکامل اخلاقی می رسند و ایمان آنها از حیث عقیدتی و عمل کامل می شود و مسلمانان و مؤمنان عزت می یابند و منافقان و بی دینان ذلیل می گردند؛ همان گونه که در دعای افتتاح، این وضعیت آرمانی و کریمه این گونه از خدا مطالبه گردیده است:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تَعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتَذَلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ؛

خدایا! از تو امید داریم که دولت با کرامت امام زمان را به ظهور آوری، و اسلام و اهلش را با آن عزت بخشی، و نفاق و اهل نفاق را ذلیل و خوار گردانی.

۱- «قال الباقر: ... و لا یتَرَکْ بدعه إلا أزالها و لاسنّه إلا أقامها.» (بحارالأنوار، ج ۵۸، روایت یازدهم)

۲- (فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ). (سوره حجر، آیه های ۳۷ و ۳۸ و سوره ص، آیه ۸۱)

۳- مهدی موعود، ص ۱۱۳۵ - ۱۱۳۶.

۴. کرامت محوری و کرامت خواهی در ادعیه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در مجموعه دعاهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که «صحیفه مهدیه» یا «صحیفه المهدی» (۱) نامیده می شود نیز کرامت خواهی و کرامت محوری موج می زند. برای نمونه در دعای معروف زیر امام علیه السلام ضمن درخواست هدایت الهی به منزله مبنای کرامت (و اکرنا بالهدی)، راه کارهای فراوانی را برای همه قشرهای اجتماعی در کسب کرامت از مسیر اطاعت الهی و دوری از معاصی و محرمات الهی بیان می فرمایند:

بار الها! به ما توفیق فرمان برداری و پرهیز از گناه و نافرمانی و نیت پاک و بی آلایش و شناخت و معرفت به آن چه نزد تو ارزش مند است، عطا فرما و ما را به هدایت و پایداری تکریم نما و زبان ما را به صدق و صواب بر کلام حکیمانه و شایسته گویا ساز و دل ما را از علم و معرفت لب ریز فرما و شکم ما را از اطعام حرام و شبهه ناک پاک گردان و دست ما را از ظلم و تعدی و تجاوز باز دار و چشم ما را از گناه و خیانت محفوظ دار و گوش ما را از شنیدن سخنان بیهوده و غیبت مسدود گردان! به دانش مندان ما زهد و بی رغبتی به دنیا و نصیحت و خیرخواهی و به دانش آموزان ما جدیت و شوق و رغبت و به شنوندگان، پیروی و پندپذیری و به بیماران مسلمان شفا و آسایش و به مردگان آنان رأفت و رحمت، به پیرمردان ما وقار و متانت، به جوانان، بازگشت به سوی تو و توبه، و به زنان، حیا و عفت عنایت فرما و به ثروت مندان تواضع و سعه صدر و به فقیران صبر و قناعت و به رزمندگان نصرت و پایداری و به اسیران آزادی و آسایش و به امیران و فرماندهان دادگری و مهربانی و به مردم انصاف و سرشت نیک عطا فرما! و به توشه و سرمایه حجاج و زائران برکت عنایت کن و حج و عمره ای که بر آنان واجب ساخته ای، ادا فرما! به فضل و رحمت ای مهربان ترین مهربانان. (۲)

این عبارت زیبا، بلند و متعالی از ادعیه امام غایب به خوبی نشان می دهد که در

۱- برای نمونه نک: صحیفه المهدی، صحیفه مهدیه.

۲- مصباح الکفعمی، ص ۲۸۱.

اندیشه اسلامی و مهدوی کرامت های انسانی بدون ابتدای بر مبادی ایمانی و توحیدی فاقد معنا و دلالت لازم بوده و این ارزش ها چه در حوزه های فردی و چه در تعاملات اجتماعی بر مبنای عمل به آموزه های دینی و اتصاف به اخلاقیات اسلامی شکل می گیرد.

۵. بیعت نامه مهدوی، منشور کرامت مداری و بشردوستی

بدیهی است که رعایت کرامات انسان ها و حقوق بشردوستانه - مبتنی بر آیین توحیدی اسلام - تنها به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ختم نمی شود، بلکه یاران وی نیز عالم و عامل به این حقوق و مظهر آن در تعاملات فردی و اجتماعی هستند؛ زیرا آنان به خداوند و امام خود شناخت فراوان دارند و با آگاهی کامل در میدان حق حضور دارند؛ هم چنان که امام علی علیه السلام درباره ایشان فرموده است:

رجال عرفوا الله حق معرفته و هم أنصار المهدی فی آخر الزمان؛ (۱)

مردانی که خدا را آن چنان که باید، شناخته اند، یاران مهدی در آخر الزمانند.

و یا امام صادق علیه السلام می فرماید:

رجال كأن قلوبهم زبر الحديد لا يشوبها شك في ذات الله أشد من الحجر؛ (۲)

آنان مردانی اند که گویا دل هایشان پاره های آهن است و از سنگ سخت ترند و هیچ تردیدی در ذات خداوند ندارند.

کرامت محوری یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار طبیعی است؛ زیرا این یاوران، از پیشوایی خود الگو گرفته اند و روزها و شب ها را با یاد معبود سپری می کنند و روح بندگی و راز و نیاز با جانشان در هم آمیخته، همواره خود را در محضر خدا می بینند و از یاد او لحظه ای غفلت نمی ورزند. روایات متعددی مؤید این مطلب است؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرموده اند:

۱- . منتخب الأثر، ص ۶۱۱.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

گویا قائم و یارانش را در نجف اشرف می نگریم؛ توشه هایشان به پایان رسیده و لباس هایشان مندرس شده است، جای سجده بر پیشانی‌شان نمایان است، شیران روزند و راهبان شب. (۱)

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با یاران عابد و زاهد خود جهت شروع عملیات اصلاحی و الهی عدالت گسترشان، میثاقی می بندند که به حق می توان آن را منشور حقوق بشردوستانه و کرامت محورانه دولت مهدوی به شمار آورد؛ بیعتی که امام علی علیه السلام در وصف آن فرموده اند:

يباعون على أن لا يسرقوا ولا يزناوا، ولا يسبوا مسلماً ولا يقتلوا محرماً ولا يهتكوا حرماً ولا يهجموا منزلاً ولا يضربوا أحد إلا بالحق ولا يكتزوا ذهباً ولا فضة ولا بزاً ولا شعيراً ولا يأكلوا مال اليتيم ولا يشهدوا

بما يعلمون...؛ (۲)

با او بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند، زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا و نقره و گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم را نخورند، در مورد چیزی که یقین ندارند گواهی ندهند، مسجدی را خراب نکنند، مشروب نخورند، حریر و خز نپوشند، در برابر سیم و زر سرفروود نیاورند، راه را بر کسی نبندند، راه را ناامن نکنند، گرد هم جنس بازی (و اعمال منافی عفت) نگرایند، خوراکی را انبار نکنند، به کم قناعت کنند، طرفدار پاکی باشند، از پلیدی گریزان باشند، به نیکی فرمان دهند، از زشتی ها باز دارند، جامه های خشن بپوشند، خاک را متکای خود سازند، در راه خدا حق جهاد را ادا کنند و... .

این میثاق الهی و بشردوستانه یک جانبه نیست و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز خود را

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷.

۲- منتخب الأثر، ص ۴۶۹.

بدان مکلف می داند. امام علی علیه السلام می فرماید:

... و یشرط علی نفسه لهم، أن یمشی حیث یمشون و یلبسون کما یلبسون و یرکب کما یرکبون و یکون من حیث یریدون و یرضی بالقلیل و یملاً الأرض بعون الله عدلاً کما ملئت جوراً، یعبده الله حقّ عبادته، و لا یؤاخذ حاجباً ولا بواباً. (۱)

... او نیز در حق خود تعهد می کند که از راه آنها برود، جامه ای مثل جامه آنها بپوشد، مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود؛ آن گونه که مردم می خواهند و به کم راضی و قانع شود، زمین را به یاری خداوند پر از عدالت کند؛ چنان که پر از ستم شده باشد، خدا را آن طور که شاید بپرستد و برای خود حاجب و نگهبان و دربان اختیار نکند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مبنای همین میثاق الهی و کریمانه، «یارانش را در همه شهرها پراکنده می کند و به آنان دستور می دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنان را فرمان روایان اقلیم های مختلف می گرداند و به آنان فرمان می دهد که شهرها را آباد سازند». (۲) امام علیه السلام در حفظ حقوق و کرامت مردم و به ویژه بی نوایان بسیار کوشا بوده و بر کارگزاران خود در این امر نظارت شدیدی دارد. به تعبیر روایات، «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» بخشنده ای است که مال را به وفور می بخشد، بر کارگزاران و مسئولان دولت خویش بسیار سخت می گیرد و بر بی نوایان بسیار رئوف و مهربان است» (۳) و به همین دلیل، حاصل چنین سیره الهی و کرامت محورانه، تعظیم و تکریم امت اسلامی خواهد بود؛ به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم:

۱- . منتخب الأثر، ص ۴۶۹.

۲- . قال الصادق: «یفرق المهدی أصحابه فی جمیع البلدان و یأمرهم بالعدل و الإحسان و یجعلهم حکاماً فی الأقالیم و یأمرهم بعمران المدن.» (نک: تاریخ عصر غیبت، ص ۴۸۳. به نقل از: الامام المهدی، ص ۲۷۱)

۳- . قال الصادق: «المهدی سمح بالمال، شدید علی العمّال، رحیم بالمساکین.» (تاریخ عصر غیبت، ص ۴۸۳. به نقل از: الملاحم و الفتن، ص ۱۳۷)

يُخْرِجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمَهْدِيَّ، يَسْقِيهِ اللَّهُ الْغَيْثَ وَتَخْرُجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَيُعْطَى الْمَالُ صِحَاحاً وَتَكْثُرُ الْمَاشِيَةُ وَتَعْظُمُ الْأُمَّةُ؛ (۱)

در پایان روزگار امت من، مهدی خروج می کند. خداوند در زمان او زمین را با باران رحمتش سیراب می کند، زمین گیاهانش را می رویاند. او ثروت را به طور مساوی بین مردم تقسیم می نماید. در آن زمان چهارپایان در جهان فراوان شود و امت را تکریم نموده و عظمت می بخشد.

بدین ترتیب در دولت کریمه مهدوی، کرامت انسان ها و حقوق بشردوستانه نه تنها محوریت دارد که به عالی ترین حد خود خواهد رسید. گفتاری از امیرمؤمنان علیه السلام بهترین شاهد روایی بر توصیف نوع کرامت بخشی به جامعه انسانی در عصر ظهور است:

سپس به کوفه روی می آورد که قرارگاه و منزل اوست. بردهٔ مسلمان در بندی نمی ماند جز این که او را می خرد و آزاد می سازد و بدهکاری نمی ماند مگر این که دین او را می دهد و مظلومه ای نمی ماند جز این که آن را می پردازد و کشته ای نمی ماند مگر این که دیه او را می دهد... و کشته ای نمی ماند جز این که دین او را می پردازد و خانواده او را تأمین می کند و همه امور را تدبیر و کارها را تنظیم می نماید تا آن جایی که زمین را سرشار از عدل و داد می نماید، همان گونه که به هنگامه ظهور او، از ظلم و جور لب ریز است... (۲)

در چنین وضعیتی که امام علیه السلام به منزله ملجأ و قله کرامت و اکرم الاکرمین عالمیان بوده، «امت اسلامی به سوی او پناه می برند، آن چنان که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می برند؛ عدالت را در سراسر گیتی می گستراند، هم چنان که پر از ستم شده، تا جایی که صفا و صمیمیت صدر اسلام را به آنها باز می گرداند.

۱- امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۵۰ - ۷۵۱. (به نقل از: عقداالدرر، باب ۷، ص ۱۴۴)؛ منتخب الأثر، ص ۴۷۳.

۲- امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۶۷۱ - ۶۷۲. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶)؛ معجم احادیث الامام المهدی، ص ۲۲)

«خفته ای را بیهوده بیدار نمی کند و خونی را (به ناحق) نمی ریزد» (۱) و بدین ترتیب «ساکنان آسمان، مردم زمین، پرندگان هوا، درندگان صحرا، و ماهیان دریا همه و همه از او خشنود می شوند». (۲)

۶. برخی مبانی و شاخصه های کرامت محوری جامعه مهدویت

اشاره

کرامت محوری و کرامت خواهی جامعه و دولت کریمه مهدوی دارای الزامات و مقوماتی است که می توان از آنها به مبانی و شاخصه های تحقق کرامت های مزبور نیز یاد کرد. روایات بسیاری نیز بر این الزامات و مقومات شاهدند که به گونه ای موجز برخی از آنها می آید:

یکم. عدالت و نفی تبعیض

تحقق عدالت و استیفای کامل حقوق همگان، از اساسی ترین مبانی و پایه های تأمین کرامت ها و ارزش های الهی و انسانی به شمار می رود. بدیهی است که عدالت به منزله شعار اصلی حکومت عدل گستر مهدوی، ضامن تحقق این کرامت های عالی خواهد بود؛ به فرموده پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم:

... فیملاً الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الأرض...؛ (۳)

پس زمین را از عدل و قسط پر می کند، همان گونه که از ستم و جفاکاری پر شده بود. هم ساکنان آسمان و هم ساکنان زمین از او خشنود هستند.

هم چنین امام صادق علیه السلام سوگند یاد می کند که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عدالت را هم چنان که سرما و گرما وارد خانه ها می شود، وارد خانه های مردمان می کند. (۴)

۱- قال النبی: «تأوی إليه أمته كما تأوی النحل إلى يعسوبها يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً، حتى يكون الناس على مثل أمرهم الأوّل لا یوقظ نائماً و لا یهريق دماً.» (منتخب الأثر، ص ۴۷۸)

۲- قال النبی: «یفرح به أهل السماء و أهل الأرض و الطیر و الوحوش و الحیتان فی البحر.» (منتخب الأثر، ص ۴۷۳)

۳- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱، روایت پانزدهم.

۴- «أما والله لیدخلنّ علیهم عدله جوف بیوتهم، كما یدخل الحرّ و القُرّ.» (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲)

از سویی اعمال عدالت در جامعه مهدوی بدون تبعیض بوده و حتی بدکاران از عدالت و مساوات امام علیه السلام بهره مند می گردند. امام باقر علیه السلام، نفی تبعیض پیش گفته را چنین شرح داده است:

... فَإِنَّهُ يَقْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَيُعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ، الْبِرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ؛ (۱)

آن حضرت (اموال را) برابر تقسیم می کند و میان همه مردم چه نیکوکار و چه بدکار، به عدالت رفتار می نماید.

عدالت ورزی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه ای است که در حیطة قضا و قضاوت نیز کرامت قضایی همگان تأمین می شود؛ زیرا امام با استفاده از علم لدنی و برحسب اشراف بر کنه و باطن وقایع، قضاوت می نماید و حتی به طلبیدن گواه شاهدان نیازی ندارد. (۲)

دوم. امنیت و صلح همه جانبه و پایدار

تحقق کامل امنیت و صلح فراگیر، از ویژگی های اساسی عصر ظهور است. خاستگاه بسیاری از حقوق و ارزش های بشری در کسب امنیت روانی، جانی، مالی و... نهفته و همانند تعامل عدالت و کرامت، میان امنیت واقعی و همه کرامت های عالی، تعاملی مستقیم و دو جانبه وجود دارد؛ زیرا تأمین امنیت به معنای مصونیت بخشی این کرامت ها از هرگونه گزند و آسیب محتمل است. در روایت معروف امام علی علیه السلام دوره امنیت و صلح فراگیر جامعه عادلانه مهدوی چنین تشریح گردیده است:

اگر به تحقیق، قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان که باید می بارد و زمین نیز رستنی هایش را بیرون می دهد و کینه از دل های بندگان زدوده می شود و میان دد و دام آشتی برقرار می شود؛ به

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

۲- قال الباقر (:) يقضى بقضاء داود و سليمان لايسأل بينه؛ «مهدی) بر اساس داوری های حضرت داوود و سلیمان داوری می کند و مطالبه گواه و دلیل نمی کند.» (تاریخ عصر غیبت، ص ۴۴۶)

گونه ای که یک زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می گذارد، همه سبزه و رستنی است و بر روی سرش زینت هایش را گذارده و نه ددی او را آزار می دهد و نه می ترساند. (۱)

سوم. فقدان تحمیل عقیده و تکریم اقلیت ها

در دولت کریمه مهدوی، اسلام آیینی برتر و متعالی است که با براهین و استدلال های روشن به جهانیان معرفی می شود اکثر آنان نیز آن را خواهند شناخت و پذیرفت. اگر معاندان و لجاجت پیشگانی هم به این امر تن ندهند و به حق ستیزی ادامه دهند، سرانجام مجبور خواهند شد که بر اساس جریان جهانی و عالم گیری حق جوینان اسلام، بدین حق گرایش یابند. بدین ترتیب، همان گونه که امام صادق علیه السلام می فرماید: «وقتی قائم آل محمد قیام می کند، مکانی بر روی زمین باقی نمی ماند مگر این که کلمه طیبه "لا إله إلا الله محمد رسول الله" در آن جا به آواز بلند گفته شود». (۲)

از سویی چون بخش اعظم جهانیان با میل و رغبت خود به دین اسلام می گروند، تحمیل عقیده در عصر و دولت کریمه مهدوی از اساس باطل و بی بنیاد است. همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره اجماعی بودن پذیرش حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

زمین را همان گونه که از ستم پر شده بود، از عدل سرشار می کند. اهل آسمان ها و اهل زمین و پرندگان آسمان به خلافت او رضایت می دهند. (۳)

البته علاوه بر رضایت همگان از این دولت کریمه و اجماعی بودن مشروعیت آن، عالمیان بنابه روایات پیش آمده، از آن فرح ناک و مسرور خواهند بود؛ زیرا

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۰.

۲- مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ترجمه حسین بن محمد ارومیه ای، ج ۲، ص ۲۲۷. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، روایت ۸۱)

۳- «يملاً الأرض عدلاً كما ملئت جوراً، يرضى بخلافته أهل السموات و أهل الأرض و الطير في الجوّ...» (بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۸، ص ۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۱۷، ص ۹۵)

محور کار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - همان طور که از نامشان نیز برمی آید - هدایت جامعه بشری است که بدیهی می نماید اصل و اساس هدایت، بر اقتناع می بایستی مبتنی باشد.

بنابر دلالت روایات، حضرت از همان ابتدای ظهور، کتب بدون تحریف زبور، تورات، انجیل و... را نمایان می سازد و بر اساس نسخ اصلی آنها با اهل کتاب محاجه، استدلال و گفت و گو می کند و آن بر آنان حکم می راند تا آن که ایشان به دین اسلام و حکومت جهان شمول مهدوی هدایت گردند. (۱) اوج اکرام و کرامت بخشی امام علیه السلام و دولت ایشان در این است که امام «... بین اهل تورات با تورات و بین اهل انجیل با انجیل و بین اهل زبور با زبور و بین اهل قرآن با قرآن، قضاوت خواهد کرد». (۲) بدین سان اگر اقلیت های دینی محدودی هم در جامعه مهدوی وجود داشته باشند، از تکریم آنها و احترام به عقایدشان کوتاهی نخواهد شد. (۳)

چهارم. رشد عقلانیت، شکوفایی علوم و فن آوری

کمال عقلانیت بشری در دوره ظهور، ضامن تحقق کرامت های عالی الهی و انسانی است. روایات فراوانی بیان گر آن است که عقول مردم در دوره ظهور به بالاترین مرحله کمال خویش می رسد؛ به فرموده امام باقر علیه السلام:

إذا قام قائمنا وضع يده على رؤس العباد فجمع به عقولهم و أكمل

به أخلاقهم؛ (۴)

۱- . برای رؤیت روایت مربوطه نک: مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۸ - ۲۲۹.

۲- . قال الباقر: «... و يحكم بين أهل التوراة بالتوراة و بين أهل الإنجيل بالإنجيل و بين أهل الزبور بالزبور و بين أهل القرآن بالقرآن». (نعمانی، الغیبه، ص ۱۲۵)

۳- . برای اطلاع بیشتر نک: «اهل کتاب و دولت مهدی» (قسمت اول)، فصل نامه انتظار موعود، ش ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۳؛ «اهل کتاب و دولت مهدی» (قسمت دوم)، ش ۱۵، بهار ۱۳۸۴.

۴- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ منتخب الأثر، ص ۴۸۲. گفتنی است که در برخی کتب روایی (کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵) به جای «أخلاقهم»، «أحلامهم» آورده شده است، یعنی حضرت قائم آرمان ها، آرزوها و فرزاندگی آنان را به تمامیت می رساند.

وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان می کشد و عقل آنها زیاد می شود و به واسطه این رشد عقلی، اخلاق آنها نیز کامل می گردد.

در عصر مهدوی دانش بشری به دست آوردهایی مافوق تصور می رسد و ۲۵ حرف از ۲۷ حرف کل دانش، کشف و در میان مردم منتشر می شود؛ همان گونه که امام صادق علیه السلام به تفصیل این شکوفایی علوم و بالندگی فن آوری را بیان نموده اند. (۱) بسیار هویداست که در این دوره طلایی معرفت بشری، کرامت ها و ارزش الهی به گونه غریبی بر جوامع انسانی مسلط می گردند و جنبه ملموسی می یابند و این گسترش کرامت ها و حکمت بر جامعه بشری به گونه ای خواهد بود که زنان خانه دار هم حکمت می آموزند و بی نیاز از دیگران بر اساس احکام الهی و نبوی به قضاوت می پردازند؛ به فرموده امام باقر علیه السلام:

... به مردم زمان قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آن چنان حکمتی عطا خواهد شد که حتی زنان در کانون خانه خویش بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش عادلانه و آگاهانه داوری می کنند و نیازی به دیگری ندارند. (۲)

پنجم. تأمین رفاه، بالندگی اقتصادی و معیشتی

حفظ کرامت های انسانی بدون توجه به رفاه و وضعیت معیشتی مردم در واقع فاقد معنای لازم است و در اسلام توجه به «معاد» و «معاش» با هم دیده شده و همین دو لازم و ملزوم هم دانسته شده اند. این تلازم در عصر ظهور در نهایت کمال محقق می گردد و همه انسان ها و به ویژه مؤمنان از حیث معیشت و رفاه به عالی ترین سطوح ممکن خواهند رسید. توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از این وضعیت بدین صورت است:

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲- . «.... توتون الحکمه فی زمانه حتّی إنّ المرثه لتقضى فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنه رسول الله.» (بحار الأنوار، ج ۵۲،

در آن زمان، امت من چنان از نعمت برخوردار شوند که هرگز امتی آن چنان از نعمت برخوردار نشده باشد؛ سرتاسر زمین محصول دهد و هیچ چیز را از آنان دریغ ندارد، اموال انبوه شود. هر کس نزد مهدی آید و بگوید به من مالی ده او بی درنگ می گوید: بگیر. (۱)

به فرموده امام صادق علیه السلام، حضرت ناچیزترین دیون و طلب های شیعیان را حتی اگر سیر و خشخاش باشد، پرداخت می کند و «در دنیا اعلام می دارد که هر کس طلبی از یکی از شیعیان دارد، بیاید بگیرد». (۲)

در دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رباخواری از بین می رود (۳) و اموال توسط حضرت بدون آن که شمارش شوند، تقسیم می گردند (۴) و تمام معادن و گنج های زیرزمینی در حکومت او آشکار و استخراج می شوند و بر روی زمین مخروبه ای نمی ماند مگر آن که به وسیله آن حضرت آباد شود. (۵) بدین ترتیب، جامعه بشری به استغنائی کامل خواهند رسید و حتی فقیری برای دریافت زکات، صدقات و اعانات یافت نخواهد شد. بخشی از روایات امام صادق علیه السلام در این باره بدین صورت است:

... و زمین خزینه های خود را آشکار می گردانند، به نوعی که خلائق همه آنها را در روی زمین می بینند و مرد در آن وقت کسی را می طلبد برای این که از مالش

به او اعطا نماید تا این که صلۀ رحم به جا بیاورد و یا این که از وجه زکات چیزی به او بدهد، چنین کسی که اینها را از او قبول نماید، یافت نمی گردد و خلائق

به سبب آن چه خدا از فضل خود به ایشان روزی کرده، مستغنی و بی احتیاج خواهند بود. (۶)

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۸.

۲- مهدی موعود، ترجمه دوانی، ص ۱۱۸۱.

۳- قال الصادق(ع): «و یذهب الربا.» (منتخب الأثر، ص ۴۷۴)

۴- «و یقسم المال و لایعده.» (تاریخ عصر غیبت، ص ۴۳۲، به نقل از: صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۱۸، ص ۳۹)

۵- «و تخرج له الكنوز و لایبقی فی الأرض خراب إلا یعمره.» (منتخب الأثر، ص ۴۸۲)

۶- مهدی موعود، ترجمه ارومیه ای، ج ۲، ص ۲۲۲. (به نقل از: شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۶۳)

ششم. کمال قوت و سلامت جسمی و روانی

از ضمانت ها و عوامل تحقق کرامت های عالی در دولت کریمه مهدوی

آن است که بیماری های جسمی و روانی انسان ها در این دوره از بین می رود

و قوای بدنی و روحی مؤمنان به طور شگفت آوری نیرومند می شود. امام صادق علیه السلام می فرماید:

هنگامی که حضرت قائم قیام کند، خداوند بیماری ها را از مؤمنان دور می کند و تن درستی را به آنان باز می گرداند. (۱)

امام زین العابدین علیه السلام این وضعیت را این گونه تشریح می نمایند:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آفات و بیماری و بلاها را از شیعیان ما دور خواهد کرد و قلب های آنان را به مانند پاره های آهن خواهد ساخت و قوت و توان مردان ایشان را به اندازه چهل مرد افزون خواهد نمود. در آن هنگام شیعیان حاکمان زمین و سروران آن خواهند گشت. (۲)

کرامت بخشی به مؤمنان در این دوره به جایی خواهد رسید که توانایی های شنوایی و بینایی آنها توسعه بی بدیل و شگفت آوری خواهد یافت؛ آن گونه که مؤمنان در شرق و غرب هم دیگر را با وجود اختلاف و بُعد مکانی، مشاهده خواهند نمود؛ (۳) و به فرمایش امام صادق علیه السلام:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما گستردگی و کشش ویژه ای می بخشد تا میان آنها و مهدی ما واسطه و نامه رسان یا فاصله ای نباشد. (۴)

البته در دولت کریمه، میان برخورداری از سطوح عالی ایمانی و کرامت های

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

۲- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۳. (به نقل از: مشکوٰۃ الأنوار، ص ۸۰)

۳- نک: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

۴- مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۰.

اعطایی خداوند متعال، رابطه مستقیمی وجود دارد و این گونه قابلیت ها و استعدادها در مؤمنان واقعی که همان شیعیان هستند، رؤیت پذیر و تحقق یافتنی است.

هفتم. رعایت و محترم شمردن حریم های خصوصی و عمومی

در نظریه ها و مکاتب مردم سالار امروزمین، دخالت و تعدی به حریم خصوصی افراد و یا عدم پاسخ به مطالبات در حوزه حقوق عمومی، از نشانه های حکومت های بسته و جامع القوا (توتالیتیر) است که خواه ناخواه نتیجه چنین عمل کردی، تضییع و تضییق کرامت ها و حقوق انسان ها خواهد بود. دولت کریمه مهدوی از این قبیل آفات و نقایصی به دور است و در مقابل چنین نظام های سرکوب گری قرار دارد. لذا در این حکومت، هرگونه تجاوز به حقوق عمومی و خصوصی مردم به شدت نفی و با آن مقابله می گردد. برای نمونه در دولت کریمه، حتی اشراف بر منزل دیگران، یا ریزش آب از ناودان منازل به محیط عمومی و یا اشراف مسجد به خانه های مردم و یا ساخته شدن بخشی از یک بنا در راه های عمومی، با برخورد حکومت مواجه خواهد شد و این موارد

هرچند با تخریب مسجد برطرف می گردد. روایت امام صادق علیه السلام گواه روشنی بر این کرامت خواهی و دفاع از حقوق خصوصی و عمومی مردم در این

دوره آرمانی است:

هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه منهدم می کند و هیچ مسجد مشرفی را نمی گذارد مگر این که کنگره و اشراف آن را خراب نماید و به حال ساده و بدون اشراف گذارد؛ شاه راه ها را توسعه می دهد؛ هر گوشه ای از خانه ها را که در راه عمومی قرار دارد، اصلاح می کند و ناودان هایی را که مشرف به راه مردم است، بر می دارد؛ هر بدعتی را برطرف می سازد و هر سنتی را باقی می گذارد... (۱)

۱- . مهدی موعود، ترجمه دوانی، ص ۱۱۲۱.

در حدیث مشابه دیگری، امام باقر علیه السلام می فرماید:

و وسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ، وَ كَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ فِي الطَّرِيقِ، وَ أَبْطَلَ الْكُنُفَ وَ الْمِيَازِيبَ إِلَى الطَّرِيقَاتِ...؛ (۱)

راه های اصلی را توسعه می دهد، بالکن هایی که به داخل راه ها آمده از بین می برد، ناودان هایی را که به کوچه ها می ریزد، برمی دارد...

نتیجه

جامعه بشری از دیرباز به کرامت و حقوق انسانی اهمیت می داده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ میلادی) مبتکر این حقوق نبوده، بلکه ادیان الهی به ویژه اسلام از نخستین مدافعان کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه بوده اند. امروزه وضع حقوق بشر، به دلایل متعددی از جمله فقدان ضمانت اجرا و کارآیی لازم این گونه اعلامیه ها و میثاق ها و استفاده سیاسی ابزاری از آنها، بحرانی تر و اسف ناک تر گشته و حتی علوم و فنون در خدمت پایمال کردن حقوق انسان ها در ابعاد وسیع و دهشت ناک قرار گرفته اند. هم چنین نگاه قرآنی و روایی به موضوع کرامت انسانی، حاکی از متونی غنی و شواهد بسیار ملموسی در این باره است. این قراین نشان می دهند که هیچ مکتبی به اندازه اسلام برای انسان و کرامت های وی ارزش و اهمیت قائل نشده است. آیات الهی و روایات معصومان علیهم السلام؛

منشأ و خاست گاه کرامت های انسانی را الهی می دانند و بین این دو تلازم کاملی را برقرار می نمایند.

در مبحث اصلی و تفصیلی مقاله، جایگاه کرامت های انسانی در عصر ظهور تبیین شد و مشخص گردید که زوال این کرامت ها از ملاحم و نشانه های اصلی دوران ماقبل ظهور است. آن گاه با استناد به روایات، امامت شیعی و از جمله امام

۱- ظهور حضرت مهدی، ص ۳۲۵. (به نقل از: شیخ مفید، الإرشاد، ص ۷۶۵)؛ بشاره الاسلام، ص ۲۵۸؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مظهر کرامت و سرآمد کریمان دانسته شدند و بر الهی بودن ریشه و خاست گاه کرامت های انسانی در دوره ظهور تأکید گردید. چنان که مستدل گذشت، حتی ادعیه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز سرشار از کرامت محوری و کرامت خواهی است. سپس بیعت نامه امام عصر با یاران خویش به گونه ای استدلالی منشور کرامت مداری و بشردوستی آموزه مهدویت مطرح گردید. آن گاه تشریح گردید که کرامت محوری و کرامت خواهی دولت کریمه مهدوی دارای الزامات و مقوماتی است که می توان آنها را مبانی و شاخصه های تحقق کرامت های مزبور یاد کرد. آن الزامات و مقومات عبارت بودند از:

۱. عدالت و نفی تبعیض؛

۲. امنیت و صلح همه جانبه و پایدار؛

۳. فقدان تحمیل عقیده و تکریم اقلیت ها؛

۴. رشد عقلانیت، شکوفایی علوم و فن آوری؛

۵. کمال قوت و سلامت جسمی و روانی؛

۶. رعایت و محترم شمردن حریم های خصوصی و عمومی.

بدین ترتیب، این نوشتار با پاسخ به پرسش اصلی خویش مدعا و مفروضی چنین را تأیید نمود: کرامت انسانی در اندیشه اسلامی و آموزه و دولت مهدوی خاست گاهی الهی دارد؛ انسان نه بر محور انسان مداری، بلکه بر مدار خدامداری به کرامت و بزرگواری می رسد و میان افزایش تقرّب به درگاه الهی و مماثلت با آن و افزایش کرامت های انسانی رابطه مستقیمی وجود دارد. به همین دلیل، مؤمنان واقعی یعنی شیعیان در دولت مهدوی از بالاترین کرامت ها و تعظیم ها برخوردارند.

فصل سوم: عدالت مهدوی و امنیت**اشاره**

در منابع اسلامی، آیات و روایات بسیاری درباره اهمیت دو مقوله اساسی و حیاتی عدالت و امنیت (۱) و جایگاه رفیع آنها در تمام ابعاد زندگی بشری وارد شده است. با نگاهی گذرا به روایاتی که درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و عصر ظهور ایشان وارد شده، به خوبی درک می شود که عدالت و امنیت از برترین و مقدم ترین نعمت ها و دست آوردهای امام موعود به بشر خواهد بود. ذکر این مسئله در روایات، متواتر است. انقلاب مصلحانه حضرت به منظور تکمیل دیانت و رسالت نبوی و امامت اصلاح گرایانه معصومان علیهم السلام، این نهضت را به پایان خواهد برد و

تمام اقوام و ملل و آحاد بشری، بدون هیچ گونه تبعیض و گزینشی، طعم و حلاوت عدالت و امنیت مهدوی را خواهند چشید و اسلام دین فراگیر خواهد شد و در جایگاه عادلانه و بایسته خود خواهد نشست.

در این فصل برای فهم وضعیت و نوع حکومت مهدوی در عصر ظهور و شناخت شاخصه های آن از جمله عدالت و امنیت و تعامل این دو مفهوم، افزون بر تفحص در روایات عصر ظهور، به سیره نظری و عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصومان علیهم السلام و به ویژه امام علی علیه السلام مراجعه خواهد شد. با توجه به اهمیت این موضوع، نوشتار حاضر تلاش دارد با نیم نگاهی به ماهیت، معانی و منزلت این دو مفهوم در اندیشه اسلامی، جایگاه آنها را نیز در حکومت مهدوی تا اندازه ای روشن سازد.

الف) بی عدالتی و ناامنی از شاخصه های اصلی دوره پیش از ظهور

بررسی زمینه های تاریخی بروز و تثبیت بی عدالتی و ناامنی در جهان اسلام، مسئله مهمی است که باید به ریشه و دلایل اساسی این پدیده اشاره کرد. ظهور اسلام در عصر جاهلی و حرکت عظیم تمدن ساز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در طول ۲۳ سال مجاهدت ایشان، به اصلاحات و ترقیات اساسی در عصر و اجتماع آن روز انجامید، ولی متأسفانه در تمام این مدت، عناصر منحط و فرصت طلب و مرتجع با مقاومت فعالانه در برابر این جنبش، به دنبال زنده کردن ریشه های جاهلیت و شرک و اشرافیت پیشین بودند. این باندهای سیاسی - اقتصادی فاسد یا در ساختارهای جدید حل و هضم نشدند و یا این که فریب کارانه خود را جزو گروندگان و مؤمنان به اسلام جای زدند. این حرکت های منافقانه و ریاکارانه، همواره مایه نگرانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. با ارتحال آن رهبر الهی، ریشه ها و حرکت های گذشته جاهلی دوباره سربرآورد و انقلاب و نهضت انسان ساز و معنوی نبوی را کند یا منحرف ساخت. برخی نمونه های مهم این انحراف عبارتند از: به شهادت رساندن سه امام نخستین تشیع و بروز فاجعه کربلا که به ترتیب در

سال های ۴۰، ۴۹ و ۶۱ هجری بزرگ ترین خسارت ها را به عالم اسلامی

وارد ساخت.

انحراف سیاسی امت اسلامی و عامل اساسی تثبیت بی عدالتی و ناامنی، ماجرای سقیفه در نیمه اول هجری است. در آن جریان برخی پس از تمرد از دستور و نص صریح نبوی مبنی بر اولویت امام علی علیه السلام برای جانشینی، امامت و ولایت در عرصه ظاهری و دنیوی را از امام غصب کردند. پس از آن، با احیای ریشه های ارتجاعی زندگی سیاسی - اجتماعی جاهلی و قبیله ای، روند برگشت به این دوران تیره آغاز و دنبال شد.

تبدیل خلافت به ملوکیت و تبعات منفی بعدی آن، انحراف های برخاسته از قضیه سقیفه را کامل کرد. هم چنین با افزایش گم راهی مردم و هواپرستی و هوس زدگی آنها بر اثر سیاست های وقت خلفا و حاکمان ستم گر، امامان معصوم کم کم یآوری مردمی را از دست داند و در جوّی پر از بی عدالتی و ناامنی و خفقان، در نهایت مظلومیت به شهادت رسیدند. از سوی دیگر، این اوضاع نامساعد به غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف انجامید. تا پیش از آن، سیاست فشار و اختناق، امامان را وادار کرده بود تا فعالیت خود را در نهان دارند و گفتار و کردار خویش را همراه با تقیه، در پوشش کتمان و رمز حفظ کنند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در چنین فضایی، در نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری به دنیا آمد. پنج سال از عمر شریف ایشان در زمان حیات پدر بزرگوارش گذشت؛ هنگامی که دستگاه حاکم خلفای عباسی امام حسن عسکری علیه السلام را به زندگی مخفیانه و محتاطانه واداشته بود. در نهایت، به سبب فشارهای مذکور و گم راهی مردم و همراهی نکردن آنها، غیبت صغرا از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ قمری به طول انجامید و امام پس از گذشت تقریباً هفتاد سال از غیبت صغرا، از سال ۳۲۹ تا کنون در غیبت کبرا به سر می برد، تا با اجازه الهی ظهور یابد و زمین را پر از عدل و امان کند.

افزون بر این، خودکامگان با حذف امام علی علیه السلام از صحنه خلافت، زمینه تحریف شریعت اسلامی و مسخ عدالت آرمانی را آغاز کردند. به یقین، می توان خودکامگی و زورمداری را به منزله بزرگ ترین عامل این تحریف و گسترش جو ناامنی فیزیکی و روانی در جهان اسلام به شمار آورد. در واقع، بخش گسترده ای از تاریخ نظام های سیاسی به نظام های خودکامه اختصاص دارد؛ حکومت هایی که شیوه اعمال قدرتشان بر زور و چیرگی خشونت آمیز و اجبار مبتنی بوده و به دلیل بی عدالتی، نامشروع به شمار می رفته اند. چنین حکومت هایی مجبور بوده اند برای مشروع و موجه نشان دادن خود، به تحریف دین، مفهوم عدالت و حذف مصادیق و اسوه های معصومان علیهم السلام پردازند و عملاً نیز در کار خویش تا پیش از عصر ظهور، به توفیق دست یافتند. اینان به نفع امنیت کاذب در سایه شمشیر، عدالت آرمانی را مسخ کردند و عقب راندند. در سایه چنین خفقانی، ائمه یازده گانه علیهم السلام را به شهادت رساندند و بسیاری از منادیان حق و رهروان آنها را شکنجه، تبعید یا شهید کردند و یا این که با افترا و تهمت و ناسزا آنان را از میدان به در ساختند. (۱)

از سوی دیگر، همواره تهدیدها و حملات پی در پی، از عوامل پدید آورنده ناامنی در جهان اسلام بوده است. اسلام در طول تاریخ، پیوسته درگیر معارضات و مخالفان سرسخت و کینه توز داخلی و خارجی بوده و این درگیری و منازعه از گذشته تاکنون به طور مداوم ادامه داشته است. اساساً موقعیت جغرافیایی جهان اسلام از همان ابتدای ظهور و گسترش، به گونه ای بوده که آن را در معرض تاخت و تازها و حملات پی در پی و سهم گین قرار داده است؛ حملاتی چون تهاجم مغول ها، جنگ های تحمیلی صلیبی، هجوم گسترده و همه جانبه استعمار

۱- . هم چنان که درباره سرنوشت این شیعیان در دعای ندبه چنین آمده است: «فقتل من قتل و سبی من سبی و اقصی من اقصی...؛ تا آن که به ظلم ستم کاران امت، گروهی کشته و جمعی اسیر و فرقه ای دور از وطن شدند.»

غربی به جهان اسلام و اشغال مستقیم کشورهای اسلامی (قرن ۱۹ میلادی و ۱۳ هجری)، تثبیت ناامنی، ایجاد رکود اقتصادی - اجتماعی، تخریب بنیان های فرهنگی و اجتماعی و به طور کلی انحطاط داخلی مشرق و جهان اسلام را به دنبال داشته که تأثیرات منفی و عقب نگه دارنده آنها تا به امروز باقی است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصومان علیهم السلام بروز ناامنی ها، بی عدالتی ها، جنگ ها، هرج و مرج ها و فتنه های فراوان را از ملاحم و نشانه های ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی های عصر غیبت یاد کرده اند. (۱)

امام علی علیه السلام در این زمینه فرموده است:

او [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند؛ هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند. در حالی که به نام تفسیر، نظریه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند، او نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد. در آینده، آتش جنگ میان شما افروخته می گردد و چنگ و دندان نشان می دهد. با پستان هایی پُر شیر که مکیدن آن شیرین، اما پایانی تلخ و زهر آگین دارد، به سوی شما می آید. آگاه باشید! فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمام داری حاکمیت پیدا می کند که غیر از خاندان حکومت های امروز است و کارگزاران حکومت ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد. زمین میوه های دل خود را برای او بیرون می ریزد و کلیدهایش را به او می سپارد. او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را که تا آن روز متروک مانده، زنده می کند. (۲)

هم چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ این پرسش که چه موقعی قائم شما قیام می کند، فرمود: «زمانی که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد». (۳)

۱- نک: نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۳۸.

۲- همان، ص ۱۹۰.

۳- «سئل عن النبی (متی یقوم قائمکم، قال) إذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً.» (بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۴۱، ص ۳۲۲، روایت

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روایت دیگری به شکل مفصل تری ناامنی و بی عدالتی پیش از ظهور را چنین بیان فرموده است:

منا مهدی هذه الأمة إذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و أغار بعضهم على بعض فلا كبير يرحم صغيراً و لا صغير يوقر كبيراً فبيعت الله عند ذلك مهدينا التاسع من صلب الحسين عليه السلام يفتح حصون الضلالة و قلوباً غفلاء يقوم بالدين في آخر الزمان كما قمت به في أول الزمان و يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً؛ (۱)

مهدی این امت از ماست. هنگامی که در دنیا هرج و مرج شود و فتنه ها آشکار گردد و راه زنان بر راه ها بایستند و بعضی از مردم به بعض دیگر تهاجم کنند و بزرگ به کوچک رحم نکند و کوچک تر احترام بزرگ تر را نگه ندارد، در چنین زمانی، مهدی ما که نهمین امام از صلب حسین علیه السلام است، برج و باروهای گمراهی و قلب های قفل شده را فتح می کند و در آخر الزمان برای دین به پا می خیزد، همان طور که من در اول زمان،

بدین قیام مبادرت کردم. او زمینی را که از جور پر شده، از عدل و داد، سرشار می سازد.

در همین زمینه، محمد بن مسلم از اباعبدالله علیه السلام چنین نقل می کند:

به درستی که برای قیام قائم ما - که بر او درود باد - نشانه هایی است که خداوند عزوجل آنها را برای مؤمنان قرار داده است.

او این علامت ها را از امام می پرسد و ایشان نیز با اشاره به آیه ۱۵۵ سوره بقره، می فرماید:

این که خداوند فرموده است: «و قطعاً شما را به چیزی [از قبیل] ترس

و گرسنگی و کاهشی در اموال و جان ها و محصولات می آزمایشیم و

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۵، ص ۲۶۶، روایت ۱۵۴.

شکیبایان را مژده ده»، یعنی این که مؤمنان پیش از خروج قائم این گونه آزمایش می شوند. (۱)

شایسته است پیش از این که به وضعیت عدالت و امنیت در عصر حکومت مهدوی اشاره شود، تعاریف این دو مفهوم را بررسی کنیم و جایگاه آنها را در منابع اسلامی بازخوانیم.

ب) مفهوم و جایگاه عدالت

ابهام در تعریف و معنا از دشواری های بحث مفهوم بنیادی عدالت است. البته این دشواری باعث نشده که مکاتب دینی، سیاسی، اجتماعی و... در ارائه دیدگاه های خود در این باره کوتاهی ورزند. برای مثال، فلسفه و اندیشه سیاسی غرب در این زمینه میراثی غنی دارد. در نظر برخی از اندیشه ورزان این حوزه، تعریف و شمارش همه معانی عدالت وهمی بیش نیست و این مفهوم دچار ابهامی علاج ناشدنی است. (۲) با وجود این، در اندیشه اسلامی کلمه عدل را معمولاً با چند معنا و کاربرد مختلف به کار می برند که برگرفته از قرآن، سنت نبوی و سخنان امام علی علیه السلام است. این معانی عبارتند از: راستی، درستی، داد، موزون بودن، رعایت تساوی و نفی هر گونه تبعیض، قراردادن و نهادن هر چیز در جای خویش، رعایت حقوق افراد و دادن حق به مقدار، رعایت استحقاق ها در افاضه وجود توسط خدای متعال و... .

۱- . عن محمد بن مسلم قال، سمعت أبا عبد الله (يقول: «إِنَّ لِقِيَامِ الْقَائِمِ عِلَامَاتٍ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ» قلت: "و ما هي جعلني الله فداك؟" قال: "ذلك قوله عَزَّوَجَلَّ (وَلَنَبَلُوَنَّكُمْ - يعني المؤمنين قبل خروج القائم - بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ)"؛ (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۰-۲۹۱، روایت ۱۲۲۸. (به نقل از: تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۴))

۲- . See: Cchaim Perelman, Justice ET raison, eed, p.۱۲-۱۴, ۱۹۷۰, edition de universite de .Bruxelles

هم چنین عدالت در فرقه ها و گرایش های گوناگون در اندیشه سیاسی اسلام مانند فلسفه سیاسی، فقه سیاسی، اندرزنامه نویسی، ادبیات سیاسی، تاریخ و فلسفه اجتماعی تعریف شده است. در آرای همه متفکران این نحله ها و مکاتب، تعبیر متعدد و همانندی از مفهوم عدالت به پیروی از قرآن و سنت، صورت گرفته که بخشی از آنها بدین شرح است:

۱. عدالت، خصیصه ماهوی نظم الهی حاکم در کائنات؛ (۱)

۲. عدالت به معنای «وضع کلّ شیء فی موضعه؛ قرار دادن هر چیز در جای خویش»؛

۳. عدالت به معنای «اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه؛ حق را به مقدار رساندن» و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق ها و نفی تبعیض و نامترداف با برابری مطلق؛

۴. عدالت به معنای اعتدال گرایی، میانه روی و رعایت ملکات متوسط؛ (۲)

۵. عدالت به معنای تعادل سه قوه در نفس و مدینه و سپردن راه بری نفس و مدینه به خرد و خردمندان؛

۶. عدالت به معنای راستی و راست کرداری و راست کردن؛

۷. عدالت به معنای تناسب و تساوی جرم با مجازات در حوزه قضا؛ (۳)

۸. عدالت به معنای تأمین مصلحت عمومی به بهترین صورت ممکن و اصلی ترین مبنای تأمین عمران و امنیت؛ (۴)

۹. عدالت در مدینه، به معنای تقسیم برابر خیرات مشترک عمومی؛ (۵)

۱- این تعریف از عدالت، در تمام آثار دانش مندان اسلامی آمده است. برای نمونه نک: اندیشه های اهل مدینه فاضله، ص ۲۵۸.

۲- نک: سیاست نامه، ج ۲، ص ۵۷ و ۹۸.

۳- نک: سیاست نامه، ج ۲، ص ۳.

۴- نک: مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۷۱-۷۲ و ۵۳۷-۵۴۳؛ همان، ج ۲، ص ۷۱۱-۷۱۶.

۵- نک: فصول المدنی، فصل ۵۸، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ هم چنین نک: اخلاق ناصری، ص ۳۰۱-۳۰۸.

۱۰. عدالت به معنای «حُسن در مجموع» و کمال فضایل و جور به معنای «مجموعه و تمام رذایل»؛ (۱)

۱۱. عدالت به معنای تقوای فردی و اجتماعی و هم سازی با نظم الهی حاکم

بر طبیعت؛

۱۲. عدالت به معنای انصاف؛ (۲)

۱۳. عدالت به معنای عقد و قرارداد اجتماعی افراد، برای تقسیم کار در زندگی مدنی مبتنی بر شریعت؛ (۳)

۱۴. عدالت به معنای مفهومی هم سان با عقل و خرد عملی؛ (۴)

۱۵. عدالت از دید فقها، به معنای ملکه راسخه ای که باعث ملازمت تقوا در ترک محرمات و انجام دادن واجبات می گردد؛

(۵)

۱۶. عدالت به معنای استقامت در طریق شریعت.

البته برخی از این تعریف ها رواج و اجماع بیشتری دارد. برای مثال، امام علی علیه السلام و بیشتر متفکران اسلامی از گذشته تاکنون، اذعان داشته اند که عدالت به معنای قرار دادن هر چیز در جای خویش و حق را به مقدار رساندن و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق هاست. بر مبنای این تعریف، هر چیز باید در جای مناسب خویش قرار گیرد و در جایگاه خود باید به انجام وظیفه ویژه خود پردازد. شاهد این مدعا این که در قرآن بر همین اساس در سوره کهف، از دو باغ سبز و خرم با میوه های فراوان سخن می رود:

۱- نک: فصول المدنی، فصل ۵۸، ص ۱۳۶.

۲- نک: نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، کلمات قصار، ش ۲۲۳، ص ۱۱۸۸.

۳- نک: الاشارات والتنبیها، ج ۴، ص ۶۱؛ هم چنین نک: الشفاء والالهیات، ص ۴۴۱.

۴- نک: نهج البلاغه، حکمت ۲۳۵، ص ۱۷۱.

۵- نک: الاصلاحات الفقهیه فی الرسائل العلمیه، ص ۱۳۹.

«كَلْنَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا»؛ (۱)

هر يك از اين دو باغ محصول خود را [به موقع] می داد و از [صاحبش] چیزی دریغ نمی ورزید.

یعنی باغ هم در حقیقت عادل است و عدالت یعنی این که در نظام هستی به وظیفه خود عمل می کند. موجودات دیگر نیز همانند این دو باغ بر پایه عدل استوارند. خواهیم دید که در عصر مهدوی، با حکم فرمایی عدالت، زمین و زمان و طبیعت نیز عدالت پیشه می کنند و با عمل به وظایف بایسته خویش، بشر را بیشتر بهره مند خواهند کرد و میوه ها و فایده های پنهان خود را برای بهینه ترین نوع استفاده به بشر تقدیم خواهند نمود.

درباره بیان منزلت عدالت، به دلیل بدیهی و مبرهن بودن شأن والای عدالت، به توضیح فراوان نیازی نیست. تنها ذکر همین نکته بس که مبنا و زیربنای تمامی اصول، در همه اندیشه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام، عدالت است. آیات الهی اشاره دارند که پیامبران را با مشعل های هدایت فرستادیم و به آنها کتاب و میزان دادیم تا عدالت را برپا دارند. بنابراین، چه بیانی رساتر از این که قرآن استقرار عدالت و گسترش آن را یکی از دو هدف اساسی و فلسفه بعثت انبیا ذکر کرده (۲) و آن را از صفات الهی و بارزترین خصیصه آفرینش و نیکوترین انسان معرفی کرده است. (۳) هم چنین اساس حکمیت و حکومت در قرآن، ایجاد قسط و عدل در جامعه به شمار می آید. از سوی دیگر، کثرت آیات و روایات درباره عدل و کلمات مترادف و متضاد این واژه، اهمیت جایگاه این مفهوم در

۱- .سوره کهف، آیه ۳۳.

۲- . (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ)؛ «به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.» (سوره حدید، آیه ۲۵)

۳- . نک: سوره شوری، آیه ۱۵؛ سوره مائده، آیه ۸؛ سوره نساء، آیه ۵۸؛ سوره نحل، آیه ۹۰.

قرآن و احادیث و به ویژه موارد مرتبط با عصر ظهور را بیان می کند.

ج) مفهوم و جایگاه امنیت

امنیت از مقوله های اساسی است که وجود آن در تمام ابعاد زندگی بشری به گونه ای قابل لمس و مؤثر احساس می شود و از دیرباز تاکنون در حیات انسانی منشأ تحولات و دگرگونی های فراوان شده است. ریشه «امن»، مشتقاتی مانند «ایمان»، «ایمنی» و «استیمان» دارد. این واژه را به مفهوم اطمینان، آرامش در برابر خوف، تفسیر و ترجمه کرده اند که بسیار به واقعیت نزدیک است و شامل دو بعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت می شود. از سویی، اطمینان، آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دلهره و نگرانی که موجب سلب آرامش و اطمینان می گردند، از کاربردهای دیگر این واژه است. هم چنین امنیت از موضوعات بسیار مهمی به شمار می آید که در قرآن و روایات به گستردگی آن اشاره شده است. صورت فارسی و عربی این کلمه به اشکال «امنیت» و «امنیه» در متون اسلامی موجود نیست. در مجموع از ریشه یا کلمه «امن»، ۶۲ کلمه مشتق شده و حدود ۸۷۹ بار در قرآن به کار رفته که از این تعداد کاربرد، ۳۵۸ مورد

آیات مکی و ۵۲۱ مورد آیات مدنی به شمار می روند. (۱) پیوند معنایی ناگسستنی این اصطلاح با کلمه های اسلام، ایمان و مؤمن اهمیت فوق العاده مفهوم امنیت را نشان می دهد. مفهومی که علاوه بر قرآن و روایات، در ادعیه اسلامی و شیعی بسیار دیده می شود.

این مفهوم در منابع اسلامی، عرصه وسیعی دارد و قلمروهای فردی و اجتماعی و زمینه های داخلی و خارجی، فکری و روحی، اخلاقی و اعتقادی، دنیایی و آخرتی را دربرمی گیرد و با شاخص های ایجابی و سلبی، از هر دو زاویه تعریف شدنی و دست رس پذیر است. البته این امر نسبی و نه مطلق به شمار می رود و تابع وضع، امکانات و توانایی های هر فرد و جامعه است و نباید آن را تنها به امکانات و تجهیزات نظامی، با اندازه های مادی و فیزیکی یا مقولات اقتصادی و مانند آن تعریف کرد، بلکه مفهومی عمیق تر، ظریف تر و فراگیر تر از موضوعات یاد شده داشته و بر ابعاد روحی، فکری، فرهنگی، اخلاقی، معنوی و اعتقادی و ارزش های الهی نیز انطباق کامل دارد. قرآن و روایات هر گونه امنیتی را سرچشمه یافته از ایمان و اعتقادات معنوی و الهی می دانند و خاستگاه هر گونه ناامنی در هر عرصه ای را بی ایمانی و صفات متقابل ایمان مانند شرک، کفر، ظلم و استکبار یاد کرده اند. هم چنین مؤمن و صفات ایمانی، اصلی ترین خاستگاه صدور کنش های امنیت زاست. می توان گفت که بستر سازی حیات معنوی طیبه و حسنه برای تربیت و تهذیب افراد چه در حوزه رفتارهای فردی و چه در عرصه های اجتماعی و دوری آنها از حیات سیئه و غیر ایمانی، اصلی ترین

۱- . برای اطلاع نك: المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم)، ج ۱، ص ۳۷۲ - ۳۷۳. کلمه «الْأَمِينُ» در مجموع سه بار، دوبار آن در سوره مکی انعام، آیات ۸۱ و ۸۲ و یک بار آن در سوره مدنی نساء آیه ۸۳ به کار رفته، کلمه «أَمْنًا» دوبار یکی در سوره مدنی بقره، آیه ۱۲۵ و دیگری در سوره مدنی نور، آیه ۵۵ استفاده شده و هم چنین واژه «أَمْنَةً» دوبار در سوره های مدنی آل عمران، آیه ۱۵۴ و انفال، آیه ۱۱ کاربرد داشته است.

سازوکار تأمین امنیت به شمار می آید. حال، چه در نظام اسلامی باشد، چه در عصر مهدوی و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. این نظام باید تلاش کند با تشویق حیات مؤمنانه و پشتیبانی از مؤمنان و مقابله با دشمنان جبهه ایمان، امنیت و عدالتی همه جانبه و فراگیر را برای همه شهروندان جامعه اسلامی و حتی غیرمسلمانانی که در پناه آن زندگی می کنند، فراهم آورد. البته این کار باید بدون غفلت از زندگی دنیایی و با تأمین نیازهای این جهانی باشد تا بتواند زمینه ورود سرشار از عافیت و سلامت و ایمن از عذاب را به زندگی آن جهانی و اخروی آماده سازد. بی گمان، حکومت های دنیایی تا پیش از ظهور، به اجرای کامل و بهینه این امور قادر نیستند و این گونه آرمان های عالی الهی و بشری به صورت کامل، تنها در عصر حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد.

آیات بسیاری درباره اهمیت امنیت و جایگاه والای آن در زندگی فردی، اجتماعی و اقتصادی انسان وجود دارد که نمونه هایی از آنها آورده می شود:

۱. قرآن یکی از اهداف برقراری حاکمیت خدا و جانشینی صالحان و طرح کلی امامت را تحقق امنیت معرفی کرده است:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ تَخْلُفَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ (۱)

خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.

علامه طباطبایی رحمه الله درباره این آیه فرموده است:

این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنان که عمل صالح هم دارند. به آنان وعده می دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می کند و زمین را در اختیارشان می گذارد و دینشان را در زمین متمکن می سازد و امنیت را جای گزین ترسی که داشتند می کند؛ امنیتی که دیگر از منافقان و کید آنان و از کفار و جلوگیری هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند. (۱)

بدین ترتیب، قرآن به گروهی از مسلمانان که دارای دو صفت ایمان و عمل صالح هستند و به یاری خداوند، حکومت جهانی مستضعفان را تشکیل خواهند داد، امنیت و از میان رفتن همه اسباب ترس و وحشت را نوید داده است.

۲. بنا به آیه «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا»، (۲) حضرت ابراهیم هنگام بنا نهادن کعبه، به این نیاز فطری توجه کرد و از خداوند خواست آن سرزمین را از نعمت «امنیت» برخوردار سازد. خداوند نیز بنا به آیه «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا»، (۳) آن جا را خانه امنی برای مردم قرار داد.

این ویژگی چنان عزیز است که موجب منت پروردگار بر آدمیان بوده و او را شایسته سپاس بندگی می کند. (۴) پروردگار جهان به همین سرزمین امن، برای بیان کیفیت آفرینش انسان سوگند یاد می کند. (۵) با اجابت دعای حضرت ابراهیم،

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۰۹.

۲- «و یاد کن هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا، این شهر را ایمن گردان.» (سوره ابراهیم، آیه ۳۵)

۳- «و چون خانه [کعبه] را محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم.» (سوره بقره، آیه ۱۲۵)

۴- «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ؛» «پس باید خداوند این خانه را پرستید. همان

[خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد.» (سوره قریش، آیه ۳ و ۴)

۵- «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ * لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛» «و این شهر امن و امان. [که] به راستی انسان را در نیکوترین

اعتدال آوردیم.» (سوره تین، آیه ۳ و ۴)

خداوند هم امنیت تکوینی به مکه داد؛ چنان که در طول تاریخ حوادث ناامن کننده کمتر آن جا اتفاق افتاده، و هم به آن جا امنیت تشریحی عطا فرمود؛ زیرا به فرمان الهی همه انسان ها و حتی جانوران در این سرزمین در امن و امان هستند. شکار حیوانات آن جا ممنوع است و حتی تعقیب مجرمانی، که به این حرم و خانه کعبه پناه برند نیز جایز نیست. تنها می توان برای اجرای عدالت در حق چنین مجرمانی، آذوقه را بر آنها بست تا بیرون آیند و تسلیم شوند.

امن دانستن خانه کعبه، در حقیقت اهمیت امنیت را بیان می کند که این بنای بسیار مقدس با آن توصیف شده است. این صفت کعبه در آیات بسیاری وجود دارد؛ هم چنان که در سوره تین، مکه مکرمه و شهر کعبه به «بلد امین» تشبیه شده است. علامه طباطبایی در این باره می فرماید:

مراد از «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» مکه مشرفه است، و بلد امینش خواند، چون امنیت یکی از خواصی است که برای حرم تشریح شده و هیچ جای دیگر دنیا چنین حکمی برایش تشریح نشده، و این حرم سرزمینی است که خانه کعبه در آن واقع است و خدای تعالی درباره آن فرموده: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا». (۱) و (۲)

۳. در قرآن، شهری که برخوردار از نعمت باشد، سرزمین آرمانی و مثالی معرفی شده است و بنا به آیه «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ»، (۳) تحقق نهایی چنین شهری در جایی به جز عصر و حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محقق نخواهد شد.

۴. یکی از مصداق های مهم واژه هایی مانند «نعمت»، «نعیم» و «برکات» در

۱- «آیا ندیده اند که ما [برای آنان] حرمی امن قرار دادیم.» (سوره عنکبوت، آیه ۶۷)

۲- تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۵۳۹.

۳- «و خدا شهری را مثال زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می رسید.» (سوره نحل، آیه ۱۱۲)

قرآن، امنیت دانسته شده است. برای نمونه، علامه طباطبایی در مورد آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ» (۱) به این معنا اشاره کرده و می نویسد:

برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقد آنها مورد آزمایش قرار می گیرد. (۲)

هم چنین ایشان در تفسیر آیه «وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (۳) با بیان

وضع ناامنی حاکم بر جامعه جاهلی پیش از اسلام، منظور از نعمت در آیه را چنین بر می شمارد:

منظور از نعمت، مواهب جمیلی است که خدای تعالی در سایه اسلام به آنان داده و حال و روز بعد از اسلام آنها را نسبت به پیش از اسلام بهبود بخشید. در دوران جاهلیت امنیت و سلامتی و ثروت و صفای دل نسبت به یک دیگر و پاکی اعمال نداشتند و در سایه اسلام صاحب همه اینها شدند. (۴)

علامه در تفسیر کلمه «نعیم» در «ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (۵) آورده است:

و نیز در مجمع البیان است که بعضی گفته اند: نعیم عبارت است از امنیت و صحت (منقول از مجاهد و عبدالله بن مسعود) و این معنا از امام ابو جعفر و ابو عبدالله علیهما السلام نیز روایت شده است. (۶)

۱- «و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم.» (سوره اعراف، آیه ۹۶)

۲- تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۲۵۲.

۳- «و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که دشمنان [یک دیگر] بودید. پس میان دل های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرت گاه آتش بودید که شما را از آن رهانید.» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳)

۴- تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۳۷۶.

۵- سوره تکوین، آیه ۸.

۶- امام باقر و امام صادق (در تفسیر این آیه فرموده اند: «امنیت یکی از نعمت های بزرگ خداوندی است و در برابر این موهبت بزرگ، انسان ها در روز قیامت مورد سؤال قرار خواهند گرفت و باید پاسخ دهند: "ثم لتسألن عن النعیم، قیل هو

الأمان." (نک: تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۶۰۷؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۳۸؛ هم چنین نک: بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۷۲، روایت هشتم)

ایشان در تفسیر خویش، در تبیین واژه های «حیات حسنه» (۱) و «حیات طیبه» (۲)، یکی از ویژگی های اصلی این نوع زندگی را بهره مندی از نعمت امنیت ذکر می کند؛ هم چنان که یکی از ویژگی های «حیات سیئه» را زندگی در ناامنی می داند. (۳)

۵. «اولوا الالباب» در قرآن، به امنیت و سلامت جاودانی بشارت داده شده اند، به تعبیر علامه مجلسی رحمه الله:

جمله «سَيَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»، حکایت کلام ملائکه است که اولوالالباب را به امنیت و سلامتی جاودانی و سرانجام نیک نوید می دهند؛ سرانجامی که هرگز دست خوش زشتی و مذمت نگردد. (۴)

از سوی دیگر بنا به آیه «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ» (۵) در روز سرنوشت، وقتی انسان های صالح در بهشت گام می نهند، به آنها نوید امنیت و سلامت می دهند و می گویند: به این باغ ها با سلامت و امنیت وارد شوید.

۶. هنگامی که خانواده حضرت یوسف علیه السلام وارد مصر شدند، وی از میان تمامی مواهب و نعمت های مصر، به مسئله امنیت اشاره می کند و به پدر و مادر و برادران خودش می گوید:

«ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ»؛ (۶)

ان شاء الله، با [امن و] امان داخل شهر شوید.

این نشان می دهد، نعمت امنیت ریشه همه نعمت هاست؛ زیرا هرگاه امنیت از

۱- . بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۱۰.

۲- . بحار الأنوار، ج ۷، ص ۴۶۵.

۳- . بحار الأنوار، ج ۷، ص ۴۶۵.

۴- . بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۴۷۵.

۵- . سوره حجر، آیه ۴۵.

۶- . سوره یوسف، آیه ۹۹.

میان برود، دیگر مسائل دفاعی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد. در محیط ناامن، نه اطاعت خداوند مقدر است، نه زندگی همراه با سربلندی و آسودگی فکر و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیش برد هدف های اجتماعی. (۱)

۷. امنیت بزرگ ترین پاداشی است که در تمیز اهل حق از باطل، به اهل حق اعطا می شود؛ همان گونه که قرآن می فرماید:

«فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ»؛ (۲)

کدام یک از [ما] دو دسته به ایمنی سزاوارتر است؟

در سخنان و روایات معصومان علیهم السلام نیز مطالب فراوانی درباره اهمیت و ضرورت امنیت وارد شده است که برای نمونه، تنها مواردی از آنها ذکر می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

من أصبح معافى في بدنه آمناً في سربه عنده قوت يومه فكأنما خیرت له الدنيا بحذافيرها؛ (۳)

هر که تنش سالم و در جامعه خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد، جهان سراسر مال اوست.

ایشان هم چنین فرموده است:

الأمن والعافیه نعمتان مغبون فیها کثیر من الناس؛ (۴)

امنیت و سلامت دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبونند.

امام صادق علیه السلام زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوار شمرده و فرموده است:

۱- . نک: تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۸۴.

۲- . سوره انعام، آیه ۸۱.

۳- . نهج الفصاحه، ص ۵۹.

۴- . نهج الفصاحه، ص ۵۹.

خمس خصال من فقد منهنّ واحده لم يزل ناقص العيش، زایل العقل، مشغول القلب: فأولها صحّة البدن والثانيه الأمن و...؛ (۱)

پنج چیز است که حتی اگر یکی از آنها برقرار نباشد، زندگی ناقص و ناگوار است، عقل نابود می شود و مایه دل مشغولی می گردد؛ نخستین این پنج چیز، سلامت و دومین آن امنیت است و...

در روایتی دیگر، امنیت، عدالت و فراوانی، سه نیاز اساسی مردم به شمار

آمده است:

ثلاثة أشياء يحتاج الناس طرّاً إليها: الأمن، والعدل والخصب؛ (۲)

سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی.

امام علی علیه السلام در بحث از اهداف عالی حکومت، یکی از دلایل پذیرش حکومت را تأمین امنیت برای بندگان مظلوم و محروم و پشتیبانی از آنها می شمارد. هم چنین در بیان نقش و اهمیت امنیت می فرماید: «رفاهیه العیش فی الأمن؛ (۳)

رفاه زندگانی در امنیت است.» و «لانعمه أهنأ من الأمن؛ (۴) هیچ نعمتی گوارتر از امنیت نیست.»

(د) عدالت، خاستگاه و بستر امنیت

اصولاً در چگونگی فهم وضعیت و نوع حکومت مهدوی، در عصر ظهور و شاخصه های آن مانند عدالت و امنیت، دو راه می توان در پیش گرفت: نخست، تفحص در روایات عصر ظهور و راه دوم مراجعه به سیره نظری و عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر معصومان علیهم السلام به ویژه امام علی علیه السلام.

۱- بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۷۱، روایت یکم.

۲- تحف العقول، ص ۳۳۴.

۳- شرح غررالحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۱۰۰.

۴- شرح غررالحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۴۳۵.

روشن است که معصومان علیهم السلام، همه در سیره و سنت یک شیوه دارند؛ زیرا همه از نوری یکتا آفریده شده و ترجمان وحی هستند. از سویی، حکومت آرمانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در واقع، ادامه تلاش های اصلاح طلبانه امامان معصوم علیهم السلام به ویژه برای به ثمر نشاندن حکومت نافرجام امام علی علیه السلام است که به دلیل فشار خودکامگان مسلط، و هواپرستی و گمراهی مردم ادامه نیافت. از سوی دیگر، مراجعه به سیره و سنت سیاسی - اجتماعی دیگر معصومان علیهم السلام به ویژه سیره علوی، رافع پاره ای از ابهام ها و کمبودهایی است که امروزه در فهم دقیق وضعیت عصر ظهور با آنها مواجه هستیم. به همین دلیل، در این گفتار ابتدا برای فهم ارتباط عدالت مهدوی و امنیت به سیره دیگر معصومان علیهم السلام رجوع می کنیم.

حضرت علی علیه السلام، عدالت را رمز بقا، استحکام و ترقی نظام سیاسی و ضامن ثبات و امنیت واقعی و منافی خشونت به شمار می آورد. امام، عدل را «رستگاری و کرامت»، «برترین فضایل»، «بهترین خصلت»، «بالاترین موهبت الهی» (۱)، «فضیلت سلطان»، «سپر و نگه دارنده دولت ها»، «مایه اصلاح رعیت»، «باعث افزایش برکات»، «مایه حیات آدمی و حیات احکام» و «مأنوس خلاق» ذکر می کند. ایشان حکومت را به «عدالت گستری» مشروط دانسته، نظام آمریت را بر «عدل» مبتنی می داند. از این دیدگاه «ملاک حکم رانی و قوی ترین بنیان، عدل است»؛ بنیانی که «قوام عالم به آن مبتنی است». (۲)

- ۱- «العدل فوز و کرامه»، «الإنصاف أفضل الفضائل». (بقا و زوال در کلمات سیاسی امیرمؤمنان)، (ص ۹۷)؛ «العدل أفضل سجه». (بقا و زوال در کلمات سیاسی امیرمؤمنان)، (ص ۱۰۰)؛ «الإنصاف أفضل الشیم». (بقا و زوال در کلمات سیاسی امیرمؤمنان)، (ص ۹۷)؛ «أسنى المواهب العدل». (بقا و زوال در کلمات سیاسی امیرمؤمنان)، (ص ۱۱۲)
- ۲- «العدل فضیله السلطان»، «العدل جُنه الدول»، «العدل يصلح الرعیه»، «العدل مألوف»، «اعدل تحکم»، «العدل نظام الأمر»، «بالعدل تتضاعف البرکات»، «العدل حیاه»، «العدل حیاه الأحکام»، «ملاک السیاسه العدل»، «العدل أقوى أساس». و «العدل أساس به قوام العالم». (میزان الحکمه، باب العدل، ص ۷۸-۹۰)

علی علیه السلام هیچ وقت برای حفظ امنیت و نظام سیاسی، از عدالت به نفع امنیت عقب ننشست، بلکه بر عکس، رعایت عدالت را ضامن امنیت، حفظ نظام، مایه روشنی چشم زمام داران و نفوذ محبت آنان در دل مردم می داند. امام علیه السلام در نامه به مالک اشتر می فرماید:

إِنَّ أَفْضَلَ قَرَّةٍ عَيْنِ الْوَلَاءِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ وَظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ وَ إِنَّهُ تَظْهَرُ مَوَدَّتَهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةٍ صَدُورِهِمْ؛ (۱)

تحقیقاً بهترین چیز (نور چشم) برای حاکمان، اقامه عدالت و استقرار عدالت در سطح کشور و جذب قلوب ملت است و این حاصل نشود مگر به سلامت سینه هایشان [خالی بودن از کینه و بغض حاکمان].

پس اگر زمام داران عادل پیشه باشند، قلب ها به سوی آنان جذب می گردد و عقده ها از دل ها بیرون می رود. این خود تضمین کننده استحکام ارکان دولت و پیوند محکم آن با ملت است. عدل محوری نظام سیاسی، باعث می شود مردم برای رسیدن به آرمان ها و خواسته های خود راه های منطقی را برگزینند. در غیر این صورت، نومییدی از عدالت، انسان ها را به نیرنگ، سوء استفاده، خلاف کاری، تضعیف اخلاق عمومی و ازهم پاشیدگی اجتماعی خواهد کشانید که خواه ناخواه، نتیجه آن ناپایداری امنیت و ثبات سیاسی نظام حاکمه و دولت است.

از دید امام علی علیه السلام، رهبران و کارگزاران نظام اسلامی با رعایت عدالت در سطوح مختلف سامانه سیاسی، نتایج مثبت فراوانی را به بار می آورند. این آثار برای شخص رهبران عبارتند از: استقلال و توان، نفوذ حکم، ارزش مندی و بزرگ مقداری، بی نیازی از یاران و اطرافیان، مورد ستایش قرار گرفتن زمان حکم رانی آنها و بالارفتن شأن، عظمت و عزت ایشان.

(۲)

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۹۸۸.

۲- «من عدل تمکن». (شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۲۷۵)؛ «من عدل عظم قدره». (شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۱۹۳)؛ «من عدل فی سلطانه استغنی من أعوانه». (شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۳۴۳)؛ «من کثر عدله حمدت أيامه». (شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۲۹۰)؛ «من عدل فی سلطانه و بذل إحسانه أعلى الله شأنه و أعزّ أعوانه». (شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۳۹۶)

به اعتقاد امام علی علیه السلام، «هیچ چیزی مانند عدالت، دولت‌ها را محافظت نمی‌کند» (۱) و عدل چنان سپر محکمی است که رعایت آن، موجب تداوم قدرت و اقتدار نظام سیاسی می‌گردد.

مهم‌ترین و فراگیرترین اثر عدالت در سازندگی و اصلاح جامعه است؛ زیرا «عدل، انتظام امور مردم و جامعه را سبب می‌شود» و «هیچ چیز به اندازه عدالت نمی‌تواند مردم را اصلاح کند»، اجرای عدالت «مخالفت‌ها را از بین می‌برد و دوستی و محبت ایجاد می‌کند» (۲) و در عمران و آبادانی کشور (توسعه اقتصادی - صنعتی) تأثیر بسزایی دارد. (۳) اگر عدالت در جامعه اجرا نشود، ظلم و ستم جای آن را خواهد گرفت و ظلم جز آوارگی و بدبختی و در نهایت، خشونت اثری نخواهد داشت. حضرت به یکی از والیان خود می‌فرماید:

استعمل العدل، و احذر العسف والحييف، فإن العسف يدعو بالجلاء، و الحييف يدعو إلى السيف؛ (۴)

به عدالت کار کن و از ستم و بیداد پرهیز که ستم، رعیت را به آوارگی وامی‌دارد و بی‌دادگری شمشیر در میان آورد.

از این سخنان نتیجه گرفته می‌شود که از دیدگاه امام علی علیه السلام، عدالت ورزی

۱- «لن تحصن الدول بمثل استعمال العدل فيها.» (شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۷۰)؛ «من عمل بالعدل حصن الله ملكه و من عمل بالجور عجل الله هلكه.» (شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۳۵۵)؛ «العدل جنه الدول.» (شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۶۲)؛ «إعدل تدم لك القدره.» (شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۱۷۸)

۲- «العدل قوام البريه.» (زوال و بقا در کلمات سیاسی امیرمؤمنان، ص ۹۹)؛ «حسن العدل نظام البريه.» (شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۱۳۸)؛ «عدل الساعه حيوه الرعيه و صلاح البريه.» (شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۱۷۵)؛ «العدل يستديم المحبه.» (شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۱۰۰)؛ «الإنصاف يرفع الخلاف و يوجب الائتلاف.» (شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۱۰۱)؛ «بالعدل تصلح الرعيه.» (شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۵۴)

۳- «ما عثرت البلدان به مثل العدل.» (زوال و بقا در کلمات سیاسی امیرمؤمنان، ص ۱۹۳)

۴- نهج البلاغه، حکمت ۴۶۸، ص ۱۳۰۴.

زامان داران باعث برچیده شدن خشونت گرایی و شورش مردم علیه حکومت می گردد و اطمینان، آرامش و محبت به نظام سیاسی، به جای احساس نومیدی و سرخوردگی و تنفر از حکومت، در دل ایشان جای می گیرد. با افزایش محبت و وفاداری مردم به نظام، تشمت، تفرقه، ناامنی و ناپایداری، به وحدت عمومی، امنیت و ثبات واقعی تغییر جهت خواهد داد. همین معانی در سخنان دیگر معصومان نیز آمده است. حضرت فاطمه علیها السلام در خطبه فدک می فرماید:

خدای سبحان، ایمان و اعتقاد به توحید را برای پاکیزه نگه داشتن از آلودگی و شرک واجب کرد و عدالت را برای تأمین اطمینان و آرامش دل ها لازم نمود؛ اطاعت مردم از حکومت را مایه انتظام ملت قرار داد و با امامت و رهبری، تفرقه آنها را رفع کرد و نیز عدالت در احکام را برای تأمین اُنس و هم بستگی و پرهیز از اختلاف و تفرقه قرار داد. (۱)

هم چنان که امام سجاد علیه السلام به والی و سلطان می فرماید:

حق مردم بر تو آن است که بدانی ایشان به دلیل ضعف خود و قوت تو

زیر فرمان روایی و رهبری تو قرار گرفته اند. پس واجب است که با آنها عدالت پیشه کنی و برایشان همانند پدری مهربان باشی و از نادانی هایشان گذشت نمایی و در عقوبت و مجازاتشان عجله نکنی و ضروری است درباره نیروی فرادستی خود نسبت به آنان، که عطیه الهی است، شکر خدا را به جای آوری. (۲)

از سوی دیگر در روایات، استبداد، سرکوب گری و خود کامگی، منشأ ناامنی و بروز شورش و بی ثباتی سیاسی و اجتماعی و از میان رفتن حکومت به شمار آمده است. از این رو، برای اعمال بهینه قدرت سیاسی و دست یابی به آرمان های والای حکومت مانند امنیت، برخورد دوستانه و مودت آمیز، بدون کاربرد خشونت

۱- نک: «اجرای عدالت، مهم ترین عامل بقای نظام»، روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۳۰۸۲، ۲۳ دی ۱۳۶۸.

۲- «اجرای عدالت، مهم ترین عامل بقای نظام»، روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۳۰۸۲، ۲۳ دی ۱۳۶۸.

و سرکوب گری مردم، توصیه شده است. بنابراین، با نهی شدید استبداددورزی،

بر رعایت عدالت در حقوق متقابل مردم و حکومت پافشاری گردیده است. اگر عدالت متعامل با امنیت به شمار آید، بدیهی است ظلم نیز مقارن با ناامنی

و بی ثباتی خواهد بود. امام علی علیه السلام، یکی از نشانه های ظلم را سرکوب کردن (تغلب) زبردستان می داند و چیرگی فرد بر فرودستان را از نشانه های

ستم گری می داند. (۱)

امام علیه السلام در بسیاری از سخنانش، استبداد، خودکامگی و خشونت کارگزاران نظام سیاسی با مردم را به شدت نهی کرده و برخورد ملاطفت آمیز و عادلانه با آنها را سفارش فراوان فرموده است. ایشان این شیوه را عامل بقا و ماندگاری حکومت و نومییدی دشمنان می داند و حقوق میان حکومت و مردم را دوسویه دانسته، این حقوق و رعایت آن را مایه انتظام در روابط مردم و عزت دین آنان به شمار می آورد. آن حضرت صلاح مردم را در صلاحیت حکومت ها و صلاح حکومت ها را در استواری و استقامت مردم می داند. (۲)

روشن است که دست آورد چنین امامت و حکومتی، چه در عصر علوی و چه در عصر مهدوی، عدالت و امنیت و حیات طیبه و کامل است و با ظلم، تغلب (چیرگی و سرکوب) و هم چنین اعمال خشونت منافات دارد.

ه) عدالت و امنیت، دست آورد فراگیر حکومت مهدوی

بنابر روایات، بشر در دوران حیات زمینی خود، تا قیام قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف، اسیر پراکنندگی، دشمنی و جنگ خواهد بود. این دوران پراکنندگی، نابرابری و ناامنی، با ظهور مهدی موعود و طلوع خورشید عدالت و امنیت، فرجامی خوش خواهد یافت. بنابر آیه ۵۵ سوره نور، پارسایان، به رهبری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خلیفه خدا

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۴۲، ص ۱۲۵۱.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷، ص ۶۸۱.

می شوند و دین حاکم می گردد. در این صورت، بنا به وعده الهی، امنیت جای ترس را می گیرد و بندگان خدا به خشنودی و خوش بختی حقیقی دست خواهند یافت. اثر این عدالت و امنیت فراگیر، چنان است که طبیعت نیز بر سر مهر خواهد آمد و همه گنج های خود را برای انسان رو خواهد کرد.

با این که اخبار و روایات بیان گر هرج و مرج و چیرگی بی عدالتی و ناامنی در عصر پیش از ظهور است، به نظر می رسد این وضعیت به صورت مطلق در همه جهان حاکم نباشد. بنابراین، این باور انحرافی که برای شتاب بخشیدن به ظهور حضرت، به افزایش فساد و ناامنی باید کمک کرد، کاملاً مردود و مخالف اسلام است؛ مگر نه این که خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، حضور خود را در عصر غیبت به خورشید پشت ابر تشبیه می کند، (۱) یا در روایتی دیگر می فرماید:

إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛ (۲)

به درستی که من مایه امان اهل زمین هستم؛ هم چنان که ستارگان مایه امنیت اهل آسمان ها هستند.

ده ها روایت از پیامبر و امامان وارد شده که خود و اهل بیت را مایه امان ساکنان زمین به شمار آورده اند. (۳) حضور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چه به صورت غایب و چه به صورت ظاهر و در زمان قیام، مایه بارش فیض و نعمات الهی به سوی مردم است. به طور طبیعی، این جریان در دوره حکومت مهدوی به کمال خود خواهد رسید و همه موانع موجود بر سر اتصال فیض میان خداوند و مردم، از طریق امام برطرف خواهد شد. البته آن هنگام، مردم این واسطه خیر و نعمت نامرئی را آشکارا خواهند دید و لمس خواهند کرد.

۱- «و أمّا وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالاتنفاع بالشمس إذا غیبتها عن الأبصار السحاب.» (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۲)

۲- بحار الأنوار، ج ۷۸، باب ۳۰، ص ۳۸۰، روایت یکم.

۳- قال رسول الله: «و أهل بیتی أمان لأهل الأرض.» (بحار الأنوار، ج ۲۳، باب ۱، ص ۳۷، روایت ۶۴)

همه امامان شیعه در زمان خود واسطه فیض بوده اند، اما مع الأسف به دلیل اختناق زمانه و سرکوب خودکامگان چیره از یک سو و هواپرستی و گمراهی مردم از سوی دیگر، نتوانستند بشر را به کمال و غایت تکامل الهی و انسانی خویش رهنمون سازند. بنابراین، میان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و دیگر امامان معصوم در این زمینه تفاوتی نیست، ولی به خواست خداوند، امام موعود کسی است که رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و طرح اصلاحی دیگر معصومان در اکمال دین و دست یابی به عدالت و امنیت و دیگر فضایل را به نتیجه نهایی می رسانند. روایات اثبات گر این مدعا فراوانند. برای نمونه، امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

ما امام مسلمانان و براهین الهی بر جهانیان و سرور مؤمنانیم؛ ما رهبر شریف ترین مسلمانان و... مایه امان ساکنان زمین هستیم؛ همان گونه که ستارگان مایه امان و حفظ آسمان ها هستند. ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما آسمان را از سقوط به روی زمین نگه داشته است و این به اجازه خداوند بستگی دارد. خداوند توسط ما زمین را از این که اهلش را نابود کند، نگه داشته است و به واسطه ما باران می فرستد و رحمت خویش را بر مردم می گستراند و به واسطه ما برکات زمین خارج و ظاهر می شود و اگر ما بر روی کره خاکی نبودیم، زمین اهل خود را فرومی برد. (۱)

امامان پاک ما به دلیل جو اختناق حاکم بر زمان خویش، آرمان های خود را در دوره قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جست وجو می کردند؛ هم چنان که امام علی علیه السلام درباره عدالت گستری و ایمنی عصر ظهور و سرشاری آن دوره از عدالت و امنیت و دیگر برکت ها می فرمایند:

ولو قد قام قائمنا لأنزلت السماء قطرها و لأخرجت الأرض نباتها و لذهبت الشحناء من قلوب العباد و اصطلحت السباع و البهائم حتى تمشي المرثه بين

۱- بحار الأنوار، ج ۲۳، باب ۱، ص ۵، روایت دهم.

العراق إلى الشام لاتضع قدميها إلا على النبات و على رأسها زينتها، ولا يهيجها سبع و لاتخافه؛ (۱)

هنگامی که، قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان که باید ببارد، می بارد و زمین نیز رستنی هایش را بیرون می دهد و کینه از دل های بندگان زدوده می شود و میان درندگان و چرندگان آشتی برقرار می گردد؛ به گونه ای که زنی میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می گذارد، همه سبزه و رستنی است

و زینت هایش را بر روی سرش گذارده و درنده ای او را نمی آزارد

و نمی ترساند.

روایات از این دست فراوانند که در ذیل به چند نمونه از آنها که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده اشاره می کنیم:

مردی از اهل بیت من خروج خواهد کرد و به سنت من عمل می کند و خداوند برای او از آسمان برکاتش را فرو می فرستد و زمین برکت هایش را خارج می سازد. به واسطه وی، زمین همان گونه که از ستم و جفاکاری پر شده، از برابری و داد سرشار می شود... (۲)

اگر از عمر دنیا تنها یک شب باقی مانده باشد، خداوند آن شب را به اندازه ای طول خواهد داد تا مردی از اهل بیت من به حکومت برسد... او زمین را از قسط و عدل پر می کند، همان گونه که پیش از آن از ستم و جفاکاری پر شده بود. وی خواسته و مال را برابر پخش می کند و خداوند در آن هنگام بی نیازی را در دل های این امت قرار می دهد... (۳)

از این دسته روایت ها، به خوبی فهمیده می شود که در حکومت جهان شمول

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴؛ تحف العقول، ص ۱۱۰. (در نسخه تحف العقول حدیث این گونه روایت شده که این زن

زنی را بر روی سرش قرار داده است.)

۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۲، روایت ۲۵.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۴، روایت ۳۵.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عدالت و امنیتی فراگیر در همه جای دنیا برقرار می شود و تنها مسلمانان از این فیض و رحمت خداوندی بهره مند نمی شوند، بلکه این بهره مندی به همه ساکنان زمین می رسد؛ زیرا در سراسر گیتی، «گنج ها بیرون آورده خواهد شد و شهرها و روستاهای شرک فتح می شود.» (۱) در چنین حکومتی، عدالت و امنیت و همه بهره های آسمان و زمین، بی تبعیض، نصیب همگان خواهد گردید؛ هم چنان که امام حسین علیه السلام در بیان مهمی می فرماید:

... إذا قام العدل وسع عدله البرّ و الفاجر؛ (۲)

هنگامی که برپا دارنده عدل قیام کند، گستردگی عدلش نیکوکار و فاجر را در برمی گیرد.

بهره حکومت جهان شمول و عدالت گستر و امنیت محور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نه تنها شامل مسلمانان و غیرمسلمانان و اقلیت های گوناگون می شود، بلکه حتی بدکاران را هم دربرمی گیرد. البته از روایات چنین برمی آید که حسنات و جاذبه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نهضت عدالت گستر او باعث جهان شمولی دیانت اسلام و اصلاح بدکاران و روی آوردن تمام مردم جهان به اسلام خواهد شد. روایت امام صادق علیه السلام بر این مدعا گواه است. از ایشان درباره تفسیر آیه «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» (۳) پرسیدند. امام علیه السلام فرمودند که این آیه درباره زمان قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در آن هنگام بر کره خاکی، جایی نمی ماند مگر آن که در آن ندای شهادتین (لا إله إلا الله و محمد رسول الله) بشنوند. (۴)

۱- قال رسول الله: «المهدى من ولدى... يستخرج الكنوز و يفتح مدائن الشرك.» (بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۱۸، ص ۹۶)

۲- بحار الأنوار، ج ۲۷، باب ۴، ص ۹۰، روایت ۲۴.

۳- «و هر که در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است و به سوی او باز گردانیده می شوند.» (سوره آل عمران، آیه ۸۳)

۴- «إذا قام القائم لا يبقى أرض إلا نودی فيها بشهادة أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسول الله.» (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۴، روایت ۱۲۴۷. (به نقل از: تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۶۲))

از سویی، با توجه به این که در طول تاریخ، بسیاری از بی عدالتی ها و خون ریزی ها و ناامنی ها متوجه شیعیان بوده، دوران امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، عصر قدرت و ایمنی و رفع بلا و مصائب از شیعیان است؛ توان دفاعی آنها بسیار بالا می رود و حکومت زمین و سروری آن به ایشان خواهد رسید. امام زین العابدین علیه السلام در این باره فرموده است:

إذا قام قائمنا أذهب الله عن شيعتنا العاهه، و جعل قلوبهم كزبر الحديد و جعل قوه الرجل منهم قوه أربعين رجلاً و يكونون حكام الأرض و سنامها؛ (۱)

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آفات و بیماری و بلایا را از شیعیان ما دور می سازد و قلب های آنان را به مانند پاره های آهن می گرداند و قوت و توان مردان ایشان را به اندازه چهل مرد افزون می کند. در آن هنگام شیعیان حاکمان زمین و سروران آن خواهند گشت.

با وجود این، در عصر حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همه مردم از امنیت و عدالت فراگیری برخوردار خواهند بود و عدالت در بیشترین حد و به صورت کامل و تمام اجرا می شود. در آن هنگام استیفای حقوق به صورت قطعی صورت خواهد گرفت و در قضاوت ها و محاکم، دیگر امکان هیچ خطا و اشتباهی نخواهد بود؛ زیرا امام علیه السلام خود میان مردم زندگی می کند و بر آنها حکومت و قضاوت خواهد کرد؛ قضاوتی که بدون نیاز به بینه و اماره صورت می گیرد. این حکومت و قضاوت به الهام الهی تکیه دارد و بر همین مبنا بر علم امام متکی است. امام علیه السلام از مردم درخواست بینه و شاهد نمی کند و به مانند داوود و سلیمان حکم واحدی می کند. (۲) بر همین مبنا، عدالت و ادای حقوق به صاحبان آن به شکل قطعی و

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۳، روایت ۱۲۴۰. (به نقل از: مشکوه الأنوار، ص ۸۰)

۲- قال ابو عبدالله: «إذا قام قائم آل محمد، حکم بین الناس بحکم داود لایحتاج إلی بینه یلهمه الله تعالی فیحکم بعلمه.» (بحار الأنوار، ج ۱۴، باب ۱، ص ۱۴، روایت ۲۳) قال ابو جعفر: «إنه إذا قام قائم آل محمد حکم بحکم داود و سلیمان لایسأل الناس بینه.» (بحار الأنوار، ج ۲۳، باب ۴، ص ۸۵، روایت ۲۸)

کامل صورت می پذیرد و کاملاً و بدون هیچ شبهه و خطایی انجام می گردد.

از دیگر نشانه ها و شاخصه های مهدوی که موجب پدید آمدن امنیت،

آرامش و ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می گردد، تقسیم درست و برابر و مبتنی بر استحقاق بیت المال و اموال مشترک عمومی است، هم چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید:

إذا قام قائم أهل البيت قسّم بالسوية و عدل في الرعيه فمن أطاعه فقد أطاع الله و من عصاه فقد عصى الله؛ (۱)

وقتی قائم اهل بیت قیام کند، [بیت المال را] با مساوات تقسیم می کند و به شهروندان عدل می ورزد. پس هر کس او را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و سرکشی از او همانند سرکشی از خداست.

نکته بسیار مهم در مبحث حکومت عدالت محور و امنیت گستر مهدوی این است که حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فاتح شهرهای شرک هستند و حتی چهره ترسیمی ایشان در روایات و هنگام قیام به گونه ای است که همواره شمشیر بر دوش دارند، اما در حقیقت، قیام امام، نظامی و میلیتاریستی و متکی بر اجبار و سرکوب نیست. بنابراین، نباید امنیت و عدالتی کاذب و در سایه شمشیر برقرار شود. قیام مصلحانه یاد شده، نهضتی ایمانی، اسلامی و انسانی برای رهانیدن همه بشر از زنجیرهای نفسانی، موانع و بندهای بی شماری است که طاغوتیان بر دست و پای انسان ها زده اند و بشر را از کمال واداشته اند و یا به پس رفت و قهقرا کشانده اند.

حرکت امیدبخش و زنده کننده حضرت که با پرچم ایمان و عدالت صورت می پذیرد، در نهایت مشروعیت و رضایت عمومی صورت می گیرد و با پذیرش همگانی همه ساکنان زمین و آسمان و حتی حیوانات و جنبندگان عالم هستی

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۵۰، روایت ۱۰۳؛ هم چنین نک: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱، روایت پانزدهم.

تحقق می یابد و همه با مباحثات و خشنودی به آن تن می دهند. در این میان، فرقی میان دین ها، نژادها، قومیت ها و هویت های گوناگون مردم گیتی نیست؛

زیرا نهضت مهدوی، حرکتی جهان گستر و عالم شمول برای نجات و رستگاری بشر است.

عدالت گستری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خود زمینه های تقویت و پابندگی مشروعیت حکومت ایشان و جذب دل های بیشتر مردم را به دنبال خواهد داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره اجماعی بودن پذیرش حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

... فیملاً الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً يرضى عنه ساكن السماء و ساكن الأرض...؛ (۱)

... پس زمین را از عدل و قسط پر می کند؛ همان گونه که از ستم و جفاکاری پر شده بود. هم ساکنان آسمان و هم ساکنان زمین از او خشنود هستند....

... يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً يرضى بخلافته أهل السموات و أهل الأرض والطير في الجوّ...؛ (۲)

زمین را همان گونه که از ستم پر شده بود، از عدل سرشار می کند. اهل آسمان ها و اهل زمین و پرندگان آسمان به خلافت او رضایت می دهند.

از دیگر ویژگی های عدالت مهدوی و جهان شمولی بدون تبعیض حرکت مصلحانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، این است که ایشان اصحاب خود را با هدایت الهی و بر اساس لیاقت و شایستگی، نه از یک جای خاص بلکه از کشورها و شهرهای گوناگون برمی گزینند. حرکت امام ویژه ناحیه یا کشور خاصی نیست، بلکه به همه جهانیان متعلق است تا آنان اسلام را با آغوش باز و خشنودی بپذیرند و

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۵۰، روایت ۱۰۳

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۸، ص ۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۱۷، ص ۹۵.

دستورهای آن را سرمشق زندگی رستگاران خود قرار دهند.

پیامبر گرامی اسلام درباره عدالت گستری و هم چنین اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده است:

مهدیّ یحکم بالعدل و یأمر به یصدّق الله عزّوجلّ و یصدّقه الله فی قوله یخرج من تهامه حین تظهر الدلائل والعلامات و له کنوز لاذهب و لافضّه إلّا خیول مطّهّمه و رجال مسوّمه یجمع الله له من أفاصی البلاد علی عدّه أهل بدر ثلاث مئه و ثلاثه عشر رجلاً معه صحیفه مختومه فیها عدد أصحابه بأسمائهم و بلدانهم و طبایعهم و حلاهم و کناهم کدّادون مجدّون فی طاعته؛ (۱)

مهدی به عدالت حکم و به آن امر می کند. خداوند عزوجل، او و کلامش را تصدیق می فرماید و هنگامی که نشانه و علامت ها آشکار می شوند، از مکه خروج می کند. وی دارای گنج هایی از طلا و نقره نیست، بلکه گنج های او اسب های خوش اندام و نیکومنظر و مردان مشخص شده ای هستند که خداوند آنها را برای وی از دورترین شهرها جمع آوری کرده که تعدادشان به عدد اهل جنگ بدر، ۳۱۳ نفر مرد است و صحیفه ای همراه مهدی وجود دارد که در آن اصحاب وی با ذکر اسامی، کشورها، محل سکونت و حتی نوع طبایعشان آمده است. اینان در راه اطاعت او کوشا هستند و رنج و سختی می کشند.

می توان چنین استنباط کرد که در حکومت جهانی مهدوی، حقی از کشورها یا به عبارتی بهتر، ایالت های این حکومت در هر کجای گیتی ضایع نمی شود. عدالت مهدوی و اسلامی ایجاب می کند که اقوام، کشورها و ملیت ها، شایستگان و نخبگان متصف به صفات لازمه اسلامی را در محیطی با ثبات و سرشار از آرامش و فارغ از هر گونه نزاع، به کارگزاری و مدیریت ایالات خویش، در چارچوب حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بگمارند و از مواهب گوناگون این

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۱۰، روایت چهارم.

حکومت، هم چون امنیت به گونه ای مساوی با دیگران بهره مند شوند.

نتیجه

همان گونه که گفته شد، عدالت و امنیت از برترین و مقدم ترین نعمت ها و دست آوردهایی است که امام موعود به بشر، آن هم در فراخنای گیتی هدیه خواهد کرد. انقلاب مصلحانه حضرت برای تکمیل دیانت، رسالت نبوی و امامت اصلاح گرایانه امامان معصوم علیهم السلام است؛ امامتی که به دلیل خود کامگی، اختناق و سرکوب خود کامگان ستم گر و چیره به فرجام نیکوی خویش نرسید. امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف این نهضت را به پایان خواهند برد و همه اقوام، ملل و انسان ها بدون هیچ گونه تبعیض و گزینشی طعم شیرین عدالت و امنیت مهدوی را خواهند چشید. اسلام دین فراگیر خواهد شد و در جایگاه عادلانه و بایسته خود خواهد نشست و شیعیان از آفات و بلیات و آسیب ها به دور خواهند ماند و در کمال امنیت، توان روزافزون خواهند یافت.

آن گاه بشر و تمام ساکنان و جنبندگان آسمان ها و زمین، با آغوشی باز بدین حکومت تن خواهند داد. قریه و شهر امن قرآنی و الهی در سایه عدالت گستره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد گردید و جانشینی زمین به صالحان و پارسایان خواهد رسید و ایمان به منزله سرچشمه اصلی امنیت، بر قلب ها و جان ها حکم فرما خواهد شد. حیات سیئه بشری، جای خود را به حیات طیبه و حسنه خواهد داد. آسمان ها و زمین نیز با پیشه کردن عدالت، همه بهره ها و نعمت های خود را برای استفاده بشر، تقدیم می کنند و ترس، هراس، ناامنی و بی عدالتی جای خود را به آرامش و قسط و عدل خواهد داد.

امنیت در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، غالب بر عدالت است و در سایه شمشیر، سرکوب و خود کامگی و اجبار نیست، بلکه بر روی کرد و مشی الهی و انسانی استوار است و از مشروعیت، مقبولیت و حقانیتی مبتنی بر رضایت و

پذیرش کامل مردم سود می برد. همین امر به جذب بیشتر قلب های مردم به سوی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و نهضت جهان شمول ایشان خواهد انجامید و حتی بدکاران نیز راه خوبی و رستگاری در پیش خواهند گرفت.

عدالت مهدوی حکم می کند که ملاک گزینش کارگزاران، قومیت پرستی و قبیله گرایی نباشد. برعکس، در گزینش آنها، اصلح بودن، شایستگی و کاردانی لحاظ می شود؛ هم چنان که امام در انتخاب ۳۱۳ یار خود، این ملاحظات را در نظر می گیرد و آنها را از کشورها و شهرهای مختلف و با هدایت الهی انتخاب می کند. عدالت و امنیت، چه در اندیشه اسلامی و چه در عصر مهدوی، در تعامل مستقیمی با یک دیگر قرار دارد و عدالت، خاستگاه و بستر امنیت است.

حضرت با رعایت مساوات و استحقاق های افراد، خیرات مشترک را میان مردم توزیع می کند و با حکمیت و قضاوت بر مبنای الهام و علم الهی خویش، زمینه هرگونه حکومت و داوری ناعادلانه و خطاآمیز را از بین می برد. بدین وسیله، زمینه های نارضایتی و اعتراض های مردمی را که بی ثباتی و ناامنی نتیجه آن است، از میان بر می دارد. در آن دوران، در دل مردم به جای اشمئزاز از حکومت، مهر و محبت جای گزین می شود.

فصل چهارم: مقایسه دو آموزه جهانی سازی غربی و جهانی سازی مهدوی

اشاره

جهانی شدن یا جهانی سازی، (۱) پدیده ای انکارناپذیر در عالم امروز است و جهان، با پیشرفت های روزافزون به ویژه در عرصه علوم، فن آوری، ارتباطات و اطلاعات، حمل و نقل و... هر روز بیش از پیش، به سوی تحقق تدریجی این امر گام برمی دارد. این فصل در سه گفتار اصلی، با تبیین مفهوم و برداشت های مختلف از این فرآیند، ماهیت اصلی پدیده جهانی شدن را وامی نماید؛ ماهیتی که در درون آن، سلطه گری، استکبارورزی، استثمار و امپریالیسم جدید نهفته و نمی توان از بسیاری جوانب متری و ایجابی آن چشم پوشید، تبعات و پی آمدهای منفی و

ویران گر آن نیز برای بشر و آحاد جامعه جهانی انکارناپذیر است.

با توجه به این پی آمدهای منفی، آموزه و پدیده جهانی سازی در اساس، پدیده لازم و مثبتی می نماید و باید از این راه برد به گونه نیکو سود جست و با اصلاح آفات و اعمال صحیح، آن را در خدمت بشر قرار داد؛ همان طور که ادیان الهی و به ویژه اسلام و حتی مصلحان بشری، جملگی جهانی اندیشیده اند و هم چنان که آموزه های قرآنی و روایی اسلامی نیز خود را به صورت جهان شمول مطرح کرده اند، طرح حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جهانی سازی مهدوی نیز در حقیقت راه برد آرمانی و نهایی جهان و پتانسه اسلامی و نسخه درمان جامعه بشری از آلام، حرمان ها و تنگناهای بی شمار است.

در این فصل، با مقارنه جهانی سازی مهدوی با جهانی سازی غربی، ویژگی ها و شاخصه های هر دو به ویژه در عصر مهدوی، تبیین می شود (۱) و با استدلال های لازم، برتری بی چون و چرای الگوی جهانی سازی مهدوی برای نجات بشر و حیات هستی، نمایان می گردد (۲) و به پرسش های ذیل پاسخ گفته می شود:

۱. جهانی شدن یا جهانی سازی به چه مفهومی است و چه برداشت هایی از آن وجود دارد؟ آثار مثبت و منفی آن کدام است و ماهیت واقعی جهانی سازی امروزی چیست؟

۲. آیا اسلام و ادیان الهی نیز دارای رسالت جهان شمول و جهان گرا بوده اند؟

۳. نهضت و آموزه جهانی سازی مهدوی چه ویژگی ها و شاخصه هایی دارد و وجوه تمایز و برتری آن از دیگر آموزه های جهانی سازی در چه شاخصه ها و ویژگی هایی نهفته است؟

مفروض این نوشتار را نیز به اجمال می توان این گونه طرح کرد:

با وجود جوانب مثبت پدیده جهانی سازی، ماهیت اصلی و فعلی این پدیده، غربی و به خصوص امریکایی، سلطه ورزانه و استکباری است، در حالی که نهضت و آموزه جهانی مهدوی، الگوی آرمانی و راه بردی برتر و متعالی بوده و نجات

۱ - See. Bahram Akhavan kazemi ,A comparison between Western Globalization and Mahdist Globalization “,The Bright future,(Quarterly۲, August ۲۰۰۷,p

۲- ن.ک: بهرام اخوان کاظمی، «المقایسه بین رویتین العولمه الغربیه و العولمه المهدویه»، مجله الموعود، العدد الاول، رجب ۱۴۲۷ ه.ق، ص ۷۶-۱۱۴.

بشر و حیات هستی را با خواست و اراده الهی به ارمغان خواهد آورد.

کفتار اول: مفهوم جهانی شدن و برداشت های مختلف از آن

الف) مفهوم جهانی شدن یا جهانی سازی

بی شک، جهانی شدن از متداول ترین اصطلاحات دهه حاضر در جهان و پدیده ای جدی و جاری، در عرصه کنونی و دهه های آینده است. روزنامه نگاران، سیاست مداران، مدیران تجاری، دانشگاهیان و دیگران، با به کار بردن این اصطلاح قصد دارند نشان دهند که پدیده ای ژرف در حال وقوع است که جهان را دگرگون می سازد و نظمی نو در عرصه اقتصاد، سیاست و فرهنگ جهانی ظهور و پدید می آورد. افراد متفاوت و با اغراض گوناگون، این اصطلاح را در موارد مختلف، چندان فراوان به کار برده اند که تعیین موضوع مورد بحث در جهانی شدن، کارکردهای این اصطلاح و آثارش بر نظریه و سیاست معاصر را دشوار کرده است. بنابراین، به رغم تداول اصطلاح جهانی شدن یا جهانی سازی، هنوز تعریف جامع و مانع و با زوایا و ابعاد روشن و محسوس برای این مفهوم جدید و دست خوش تحول که عمری کمتر از دو دهه دارد، بیان نشده است. (۱) البته تعاریف متعددی در این مورد عرضه شده است. برای نمونه، در تعریفی بسیط، جهانی شدن را با چرخش آزاد سرمایه، نیروی کار و اطلاعات تعریف کرده اند، یا آن را برای توصیف روندی به کار برده اند که در آن اقتصاد جهانی، نیروهای سیاسی و فرهنگی، به سرعت کره زمین را زیر نفوذ قرار می دهند و به

۱- . خوش بختانه کتب و مقالات بی شماری حتی به زبان فارسی درباره پدیده جهانی شدن نوشته شده است. برای نمونه نک: روندهای اخیر جهانی شدن و آلترناتیوهای واقعی آن، سرمایه داری در عصر جهانی شدن، جهانی شدن غربی سازی جهان، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن.

خلق یک بازار تازه جهانی، سازمان های سیاسی فراملی و فرهنگی جهانی تازه دست می زنند. به نظر اینان، دورنمای جهانی شدن، گسترش بازار جهانی سرمایه داری، زوال دولت ملت، گردش پرشتاب تر کالاها، انسان ها، اطلاعات و قالب های فرهنگی است و از منظری دیگر، شکوفایی جوامع مدنی، عامل کاهش موانع در راه تجارت آزاد و تعمیق وابستگی متقابل را در بر می گیرد و به یک سان سازی و یا مشابه کردن کشورها و فرهنگ های جهان می انجامد. در این زمینه، با توسعه ماه واره ها، گسترش نظام های ارتباطی و الکترونیکی و افزایش رسانه ها و کاربرد اینترنت و ازدیاد کانال های تلویزیونی و نفوذ فرامرزی آنها، مرزهای ملی از بین رفته و یا کم رنگ می شود؛ کشورها نقش گذشته خود را از دست می دهند و به جای قوانین داخلی، قوانین بین المللی حاکم می گردد.

در گذر همین فرآیند، قید و بندهای جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و... که بر روابط انسانی سایه افکنده، از بین می رود. بدین ترتیب، می توان جهانی شدن را به فرایندهایی تعریف کرد که بر اساس آن، همه مردم جهان در جامعه ای واحد و فراگیر به هم می پیوندند.

این مفهوم در نمایی عام عبارت است از: «در هم ادغام شدن» بازارهای جهانی در زمینه های تجارت و سرمایه گذاری مستقیم و جابه جایی و انتقال سرمایه، نیروی کار و فرهنگ در چارچوب آزادی بازار و شکافته شدن مرزهای ملی، رقابت بی قید و شرط در سطح جهانی، به ویژه در سطح قدرت های بزرگ، گسترش نوآوری های تکنولوژیک، رشد روزافزون تجدد و نوگرایی، جهانی شدن تولید و مبادله با هدف گذر از اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی، حرکت از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی، تمرکززدایی، توسعه فضای رقابتی مبتنی بر ائتلاف و ادغام، یک پارچگی بازارهای مالی جهانی و گسترده شدن مبادلات تجاری، مقررات زدایی و برداشته شدن ضوابط حمایت گرایانه بازرگانی داخلی و ملی.

می توان جهانی شدن را بر حسب تعاریف موجود، شکل گیری شبکه ای دانست که در چارچوب آن، اجتماعاتی که پیش از آن بر کره خاکی دورافتاده و منزوی بوده اند، بر پایه وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می شوند و ارتباط آنها با یک دیگر، چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی، بسیار نزدیک و متقارن و حتی چهره به چهره می گردد و هویت انسان ها از سیطره جامعه و ساختار اجتماعی ثابت خارج می شود و از هویت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در عرصه بین المللی متأثر خواهد گشت. کوتاه سخن آن که بسیاری از صاحب نظران، ویژگی های عصر جهانی شدن را در مفاهیمی چون ظهور دهکده الکترونیکی جهانی، انقلاب اطلاعاتی، فشردگی زمان و مکان، گسترش جهان آگاهی، پایان جغرافیا و عصر «سیرنیتیک» خلاصه کرده اند. دوره ای که روابط «فراملی» جانشین «روابط بین المللی» می گردد و جامعه مدنی جهانی به منزله شبکه ای از سازمان هایی که اهداف و آرمان هایش مرز نمی شناسد، به مثابه مظهري از روابط فراملی آشکار می گردد.

(ب) برداشت های مختلف از جهانی شدن

دیدگاه ها و دریافت های متنوعی درباره مسئله جهانی شدن وجود دارد. برخی جهانی شدن را چیزی فراتر از مرحله ای گذرا و موقت در تاریخ بشر نمی دانند. برعکس، عده ای دیگر آن را تبلور رشد سرمایه داری غرب و نوسازی تلقی می کنند. گروه سوم، جهانی شدن را تحولی اساسی در سیاست جهانی برمی شمردند که فهم آن نیازمند تفکر جدیدی است. (۱)

از منظر برخی صاحب نظران، در ره یافت های مختلف، سه نوع جهانی شدن به چشم می خورد: یکی جهان گرایی راستین و کامل که هم مادی و هم معنوی است و علاوه بر توسعه اقتصادی، تعادل سیاسی و اجتماعی و تعالی فرهنگی و انسانی

را دربردارد؛ دیگری، جهان گرایی ناقص و نارسا که تنها اقتصادی و تک ساحتی است؛ سوم، جهان گرایی کاذب و سلطه جویانه و تنازعی که همان جهانی سازی امریکایی با ماهیتی سیاسی و سلطه جویانه و انحصارطلبانه است که امریکا را در رأس قدرت جهانی در نظر می آورد و یکه تازانه، افزایش قدرت این کشور و افزایش وابستگی جهانی به امریکا را پی می گیرد.

(۱)

شاید بتوان گفت که درباره فرآیند جهانی سازی یا جهانی شدن دو دیدگاه اساسی وجود دارد: یکی دیدگاه مثبت نگر و دیگری منفی نگر. از دیدگاه مثبت، جهانی سازی می تواند با استفاده از عرصه فن آوری اطلاعات (IT) همانند پلی تمام دنیا و شهروندان آن را متحد کند و محرومیت های علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از بین ببرد یا کاهش دهد؛ هنجارهای پسندیده دینی، اخلاقی یا دست کم انسانی را بر جهان حکم فرما کند و نوعی وحدت بهینه، مثبت و متکامل را در میان بشر برقرار سازد. جهانی سازی می تواند مردم دنیا را هم پیکر کند تا همانند یک اندام در فکر صلاح و اصلاح یک دیگر برآیند و در سنگری یگانه، علیه تمام عوامل بازدارنده از تکامل مبارزه کنند.

اما بر مبنای دیدگاه دوم، فرآیند جهانی سازی فعلی اگرچه دارای برخی فواید از موارد پیش گفته است، در حقیقت هدف اصلی آن، چیزی نیست جز یک پارچه کردن جهان و ادغام آن در بازار مشترک جهانی، به رهبری دنیای سرمایه داری و به سردمداری امریکا؛ بازاری که همه مؤلفه های حیات اجتماعی (اقتصاد، سیاست و فرهنگ) را به سود منفعت طلبی و استکبارورزی داد و ستد می کند و سلطه بی چون و چرای تمدن غرب و استیلای بیشتر کشورهای ثروت مند علیه کشورهای فقیر را به دنبال دارد. امروزه حتی برخی از متفکران غربی از جهانی شدن به منزله خطر و تهدیدی بالفعل و بالقوه به منظور «امریکایی

۱- . نک: «آسیب شناسی جهانی شدن و جهانی سازی با مدل جهانی گرایی مهدویت»، ص ۱۶۰.

شدن» جهان، نام می برند.

به همین دلیل، برخی همانند والرش‌تاین، دان دویچ ولستی، با نگاهی بدبینانه، جهانی سازی را اقتصادی سازی جهان و استثمارگری (استعمار شونده‌گی) جهانی می دانند؛ زیرا نظریه آنان به جوهر هژمونیک، تنازعی و «هابسی - داروینیستی» این فرابرد معطوف شده است؛ فرایندی که در حقیقت، داروینیسم جهانی را ترویج می کند. نظریه «سیاست قدرت» هانس مورگنتا، راه برد و دکترین تنازع تمدن‌های هانتینگتون، سیاست جنگ صلیبی نومحافظه کاران امریکایی، یکه تازی، یک جانبه گرایی، نظامی گری آنان تحت عنوان مبارزه با تروریسم، تهدید و ارباب نظامی و امنیتی و براندازی یا اشغال گری و تجزیه کشورها و دولت‌ها، از جمله آثار و عوامل تحقق جهانی سازی غربی است که مدعی جامعه جهانی تک قطبی و سرمایه سالارانه با سلسله مراتب قدرت و سلطه بوده و علاوه بر استفاده از میلیتاریسم، از شیوه‌ها و ابزارهای تازه تحقیق علمی و فرهنگی و تطمیع اقتصادی و تکنولوژیک بهره می گیرد. بی دلیل نیست که دانش‌ورانی مانند پولانی، اسکات گری، هوتن و فرکلا- نیز از این فرابرد جهانی سازی، با تعبیری مانند غربی سازی، امریکایی سازی، و گاه «نئوامپریالیسم» در قالب نظام تازه تک قطبی و دهکده جهانی یاد کرده اند. (۱)

جهانی سازی از نوع غربی، پروژه‌ای تحمیلی و طرحی مهندسی - اجتماعی در سطح کلان سیستمی است که ایدئولوژی غربی را تحمیل می کند و با تکیه بر بنیادهای نئولیبرالیستی و سرمایه داری، در صدد فراگیر کردن شیوه زندگی امریکایی و غربی کردن انسان‌ها و ترویج فرهنگ مصرف و اصالت سرمایه است. پیروان این نگرش، جهانی شدن را مقوله‌ای ارادی و در کنترل عده‌ای خاص می دانند. به زعم آنان، این اراده در حال حاضر در اختیار جهان سرمایه داری قرار

۱- . نک: «آسیب شناسی جهانی شدن و جهانی سازی با مدل جهانی گرایی مهدویت»، ص ۱۶۲.

دارد. از این دیدگاه، جهانی شدن مرحله تازه ای از امپریالیسم به شمار می آید که در آغاز به صورت هم بستگی ظاهر شده و تازگی خود را در چهره جهانی نمایانده است. شون هیلی، از مخالفان جهانی شدن، آن را پروژه ای تحمیلی می داند و عقیده دارد که تنها حوزه های به خصوصی، جهانی شده اند. به گفته وی، «ثروت» در دهه نود، جهانی نشد، بلکه در دست عده ای خاص متمرکز گردید. تکنولوژی با آن که بسیار تواناتر از گذشته شده، اما جهانی نگشته و حتی رشد اقتصادی که پایه و اساس برتری تاریخی سرمایه داری به شمار می آید، صورت جهانی نیافته است. (۱)

ج) ابعاد و دست آوردهای منفی جهانی سازی غربی (به طور اخص)

به باور بسیاری، جهانی سازی غربی از غالب ترین برداشت های نظری و عملی از اصطلاح و مفهوم جهانی شدن به شمار می آید. به اعتقاد آنان، جهانی سازی در اساس خود مستلزم غربی شدن جهان و پوششی برای سلطه سرمایه داری است. بنابراین، این اصطلاح به طور غالب، واژه ای جایگزین برای گفتمان ها و مصطلحاتی کهنه تر همانند «امپریالیسم» و نیز «نوگرایی» به شمار می آید. جهانی شدن در مفهوم جایگزین «امپریالیسم»، توجه ما را به سلطه کشورهای بسیار توسعه یافته بر کشورهای در حال توسعه یا سلطه شرکت های فراملیتی بر اقتصادهای ملی و محلی معطوف می کند. از این گذشته، جهانی شدن می تواند به مثابه مفهومی پوششی، وحشت جهانیان را از استعمارگرایی خنثا سازد. این مفهوم می تواند در قالب گفتمان امپریالیسم نو، استثمار همیشگی بسیاری از کشورهای دنیا توسط ابرقدرت ها و شرکت های غول پیکر فراملی را پنهان کند و در نتیجه، برخی ابعاد مخرب تر و وحشیانه تر توسعه معاصر را مخفی نگاه دارد.

حتی کلیت جهانی شدن از نگاه منتقدان، نابودی سنن محلی، وابستگی مستمر

۱- نک: «جهانی شدن و تحول در مؤلفه های سیاست خارجی»، ص ۲۳-۲۴.

کشورهای فقیر به کشورهای ثروت مند، نابودی محیط زیست و همگون شدن فرهنگ ها و شیوه زندگانی روزمره را به همراه می آورد. دامنه این منتقدان، بسیار وسیع است؛ حتی مارکسیست ها، لیبرال ها و هواداران چند فرهنگی بودن جهان که بر تهدید حاکمیت ملی، سنن محلی و دموکراسی مشارکتی نیروهای جهانی انگشت می گذارند، یا هواداران محیط زیست که از پی آمدهای اکولوژیک ویران گر جهانی شدنِ عنان گسیخته هراس دارند و محافظه کاران که جهانی شدن را تهدیدی برای فرهنگ های ملی و محلی و تقدس سنت به شمار می آورند. (۱)

جهانی سازی غربی با سلطه بر اقتصاد و سیاست جهانی به دنبال نابودی ادیان و فرهنگ های بومی رقیب و جلوه دادن فرهنگ غربی به منزله فرهنگ برتر بوده و بحران هویت را در عرصه دیگر دول و ملت ها دامن زده است. پتراس، تصویری که از شکل و شمایل جهانی شدن نشان می دهد، چهره ای از یک نظام مبتنی بر امپریالیسم فرهنگی متکی بر سیطره مطلق اقتصادی غرب است. از منظر وی، این گونه امپریالیسم فرهنگی ای، به معنای نفوذ دائم و تسلط فرهنگی طبقه حاکم غرب بر توده ها به منظور نظام بخشی مجدد به ارزش ها، رفتارها، نهادها و هویت مردم استثمار شده و برای هم سوئی با منافع طبقات استثمارگر است. (۲)

لاییز و کاتز، جهانی شدن را به مثابه سلطه بی چون و چرای تمدن غرب می دانند. به باور آنها، استیلا همان چیزی است که در لوس آنجلس بسته بندی می شود و سپس به دهکده جهانی ارسال می گردد و آن گاه در مغز انسان های بی گناه می نشیند. گفته رابرتسون نیز همان نگرانی ها را دوچندان می کند:

جهانی شدن متضمن فشار بر جوامع، تمدن ها و سنت ها از منظر نمایش آنها روی صحنه جهانی - فرهنگی و با هدف توجه به هویت اندیشه ها و نمادهای مربوطه است. (۳)

۱- نک: «نظریه انتقادی جهانی شدن» ص ۱۲۸-۱۲۹.

۲- نک: «جهانی شدن»، ص ۸۰.

۳- نک: «جهانی شدن و تحول در مؤلفه های سیاست خارجی».

گفتنی است که جهان سرمایه داری به رهبری امریکا نیز از متفکران و نظریه پردازان مشهوری نیز سود می برد که فراوان هوادار نظریه جهانی سازی امریکایی در سایه مکتب لیبرال - دموکراسی هستند. از جمله به عقیده بارکر، جهانی شدن با توجه به گسترش سلطه سرمایه داری امریکا، امری طبیعی و تحقق آن به سود همه مردم جهان است، بنابراین، سرمایه داری امریکایی باید مردم تحت سلطه خود را قانع کند که راه و رسم امریکایی، همان پدیده ای است که آنان مطالبه می کنند و البته هژمونی امریکا امری طبیعی و به سود همه مردم جهان خواهد بود. (۱)

هم چنین فرانسیس فوکویا که فرجام تاریخ را در غلبه تمدن و فرهنگ امریکایی و مکتب لیبرال دموکراسی می بیند، با نخوتی آشکار، منظر خود را از جهانی شدن امریکایی چنین بیان می کند:

فرایندی بنیادی در کار است تا الگوی تکاملی مشترکی برای کل جوامع انسانی دیکته کند. به طور فشرده، جهانی شدن چیزی شبیه تاریخ جهانی بشر در راستای دست یابی به لیبرال دموکراسی است. (۲)

جالب این که این ادعاهای مغرورانه در حالی صورت می گیرد که امروزه بحران های متعددی در دنیای غرب (امریکا و اروپا) پیش می آید، از جمله: بحران معنویت، بحران مشروعیت، بحران هویت، بحران های اخلاقی، فساد اقتصادی و بحران محیط زیست. عارضه های این بحران ها نیز ظهور گسترده ای یافته است، مانند: آلودگی محیط زیست، ماشینی شدن و مادی شدن سپهر زندگی انسان غربی، افول نظام های تعلیم و تربیت، بی معنا شدن و یا کاهش معنای زندگی، از خودبیگانگی افراد و جوامع، ناهنجاری و گسیختگی خانواده ها، فقدان عدالت

۱- نک: «جهانی شدن و تحول در مؤلفه های سیاست خارجی».

۲- نک: «جهانی شدن و تحول در مؤلفه های سیاست خارجی».

اجتماعی، کنترل احزاب سیاسی، محدودیت آرا و عقاید عمومی و اعمال آن، ظهور تعصبات نژادی و ملی، نبود عاطفه و روابط صمیمانه میان افراد، بی احترامی به قانون و ظهور «وندالیسم اجتماعی»، تقلیل امنیت و رفاه اجتماعی، گسترش بی حد و مرز بی بند و باری های جنسی و خشونت های فردی و اجتماعی.

بنابر چنین حقایقی، جهان غرب و الگوی جهانی سازی غربی نتوانسته و نمی تواند در پرتو مکتب مادی گرایانه لیبرال - دموکراسی، ارمغان آورنده معانی جدید و آرمانی برای حیات بشری باشد. امروزه جامعه غرب از لیبرالیسم به «لیبرالیسم نو» گرایش یافته، اما حتی برجسته ترین فیلسوف جهان معاصر یعنی یورگن هابرماس این گرایش تازه غرب را به «لیبرالیسم وحشی» تعبیر کرده است؛ (۱) لیبرالیسمی که برای جهانیان چیزی جز افزایش جنگ، فقر و نابرابری به بار نیاورده و برای غربی ها نتیجه ای جز افزایش قدرت، ثروت و شکاف بیشتر کشورهای فقیر و غنی در بر نداشته و هژمونی آنها را بر جهان افزون کرده و به جای صلح جهانی، ناامنی های بین المللی را دامن زده است.

آیا در سایه جهانی سازی غربی، وقتی صاحبان قدرت مند کارتل ها و تراست ها که در عین حال نظام اطلاع رسانی جهانی را نیز در اختیار خود گرفته اند، در وضعیتی نابرابر، راه بر چشمان ملت های فقیر می بندند و از ره آورد این کورچشمی تحمیلی و ارتباطات یک سویه، دست در جیب رقیب ناتوان می کنند، می توان مانند فوکویاما هم چنان خوش بینانه از «اعتماد متقابل» سخن گفت؟

امروزه پنج غول اقتصادی یعنی امریکا، ژاپن، فرانسه، انگلیس و آلمان از جمع دویست کارتل و تراست بزرگ جهان، ۱۷۰ مورد از آنها را زیر یوغ خود گرفته اند. برپایه گزارش سازمان ملل متحد، اندازه منابع مالی و نقدینگی ۳۵۸ نفر از اعضای الیگارش قماربازان جهانی مساوی منابع مالی ۵/۲ میلیارد انسان است.

از سویی، حجم شگفت‌انگیز قدرت و ثروت در قالب شرکت‌های چندملیتی، به سادگی مرزهای دولتی و هویت‌های ملی را درهم می‌شکند و ارزش‌های مورد نظر لیبرالیسم نو را بر جهان حاکم می‌کند. متفکری به نام خوزه دو کاسترو در آثار گوناگون خود با آمار و ارقام ثابت کرده که همین کره‌خاکی می‌تواند چند برابر جمعیت کنونی خود را نان دهد و جهان هم در آرامش و صلح دائم به سر برد. وی در کتاب سیاه‌گرسانی جهان معاصر را چنین ترسیم کرده است:

در عصر ما اکثریتی هستند که خوراک ندارند و اقلیتی که خواب ندارند. آیا چنین وضعیتی، دست‌آوردهای مستقیم جهانی‌سازی به شیوه غربی نیست؟ البته این ابعاد منفی تنها به حوزه اقتصادی و رفاه‌زدگی کشورهای «دارا» و فقرزدگی کشورهای «ندار» ختم نشده است و تخریب بنیادهای فرهنگی، ارزشی و اخلاقی آنها را نیز به دنبال داشته و دارد. از دید هورکهایمر، جهانی‌شدن برای بورژوازی، حکم آب برای ماهی را دارد. بنابراین، بورژوازی ناگزیر است زمینه‌های فرهنگی مورد نیاز را در کشورهای مختلف بسترسازی کند، و چنین است که می‌بینیم جهانی‌شدن اقتصاد، از جهانی‌شدن فرهنگ و فروریختن ارزش‌ها و باورها و خرده‌فرهنگ‌های محلی، بومی و ملی سردرمی‌آورد. (۱)

بدیهی است که نتیجه و ابعاد منفی چنین جهانی‌شدنی به رفع فقر، نابرابری، تبعیض، جنگ و خشونت و... نینجامد. باید پرسید که چگونه چنین امری متوقع می‌تواند باشد، در حالی که امروزه کشورهای توسعه‌یافته صنعتی و فراصنعتی، کمتر از بیست درصد جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند، بیش از هشتاد درصد ثروت جهان را به کیسه کارتل‌ها و تراست‌های خودی ریخته‌اند!

مع الأسف اربابان کلیسا در جهان غرب نیز نتوانسته‌اند به مقابله لازم با تبعات منفی این گونه جهانی‌سازی یک‌سویه و امپریالیستی پردازند؛ هم‌چنان که فیلسوف

۱- نک: «جهانی‌شدن»، ص ۹۰ و ۹۶.

فرانسوی یعنی پیر بوردیو فراتر از این ادعا، کلیسای مسیحی را به هم سویی با این روند و منفعت خواری از این جریان ناسالم جهانی متهم کرده است.

به عقیده وی:

کلیسای کاتولیک، دشمن سرمایه داری نیست. این کلیسا مایل است مثنی از مزایای نئولیبرالیسم را از آن خود سازد و از اروپا می خواهد نئولیبرالیسم را با کاتولیسیسم درهم آمیزد. این همان سرمایه داری «کشیش زده» است. (۱)

جالب آن که امروزه بسیاری از تجاوزطلبی های امریکا و تهاجمات این کشور به دیگر کشورهای مستقل، با آموزه های «مسیحیت بنیادگرا» و همراهی کشیشان و کلیسای این نحله از مسیحیت صورت می گیرد که به آن «صهیونیسم مسیحی» (۲) نیز گفته می شود. بنابر صهیونیسم مسیحی، حضرت مسیح در بیت المقدس ظهور می کند و یهودیان را نجات می دهد و دیگر ادیان، تمدن ها و فرهنگ های متعارض خویش و از جمله مسلمانان را نابود می کند. از این رو، صهیونیسم هرگونه جنایت، سرکوب و قساوت را توجیه می کند. بنابراین، هم پیمایی و هم پیوندی مستحکم زمام داران امریکایی با صهیونیسم در این زمینه، توجیه پذیر است.

با تبیین برداشت های مختلف جهانی شدن و به ویژه ابعاد منفی پروژه جهانی سازی غربی، می توان به روشنی ادعا کرد که حکومت جهانی و جهان شمول حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هیچ کدام از شاخصه های منفی پیش گفته را ندارد و ضمن برخورداری از زوایا و ابعاد مثبت «جهانی سازی»، راه بردی حقیقی،

۱- «جهانی شدن»، ص ۹۰.

۲- اسامی دیگری نیز برای صهیونیسم مسیحی رایج است، از جمله: بنیادگرایی مسیحی، تجدید حیات یافتگان، مبلغان انجیل یا مبلغان جنگ جوی انجیل، پیروان خواسته های مسیح یا خواسته های خدا و تروریسم مقدس. آرا و اندیشه های این نحله بنیادگرایی مسیحی در کتاب هایی مانند تدارک جنگ بزرگ، جنگ جوی انجیل، مبلغان جنگ جوی انجیل در بستر جنگ هسته ای هر سه اثر کریس هال سل و دو کتاب دیگر به نام های زمین سیاره بزرگ، و در پیش گویی های انجیل جای امریکا کجاست نوشته کشیشی به نام هال لیندسی آمده است.

متعادل برای این طرح فراگیر است.

گفتار دوم: جهان گرایی و جهان شمولی اسلام

جهانی سازی یا جهان گرایی علاوه بر این که همواره از اهداف مصلحان بزرگ بشری بوده، از تعالیم و رسالت های ادیان بزرگ الهی سرچشمه می گیرد و می توان آن را از اصلی ترین آرمان های همه انبیا و ادیان بزرگ الهی و از جمله اسلام به شمار آورد. (۱) بنابراین، اصطلاح جهانی سازی واژه جدیدی نیست و در حقیقت در عصر حکومت مهدوی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این رسالت نبوی و هدف اولیای الهی و ائمه علیهم السلام را به بهترین شکل ممکن محقق خواهد ساخت و این طرح جهانی را تکمیل خواهد کرد؛ در غیر این صورت، خاتمیت دین اسلام معنای حقیقی خود را از دست می دهد و به واژه ای بی معنا تبدیل می شود.

ریشه های جهان شمولی دین اسلام، در مبتنی بودن آن بر فطرت، انعطاف پذیر بودن آموزه های آن و حرکت و تطابق اجتهاد آن بر مبنای مقتضیات زمان و مکان نهفته است. اسلام و دستورهای آن با فطرت انسانی که همان بعد ثابت حیات انسانی به شمار می آید، هم آهنگ است. به همین دلیل، اسلام دین جامع و فراگیر بوده و می تواند جهان شمول گردد. از سویی، عناصر جهانی شدن نیز در مذهب تشیع فراوان دیده می شود؛ از جمله آن که شیعه در بین دیگر مذاهب، بیشترین ملازمت را با خردورزی دارد. بنابراین، این عناصر را به روشنی در عقلانیت، اجتهاد، عدالت، مهدویت و فرازمانی و فرامکانی بودن پیام تشیع می توان دید.

۱- . برای اطلاع بیشتر از بحث روابط اسلام و جهانی شدن، معدود آثاری نگاشته شده است. برای نمونه نک: جهان شمولی اسلام و جهانی سازی (مجموعه مقالات)، ج ۲؛ مسلمانان و مسئله جهانی شدن، فصل نامه قبسات، پاییز ۱۳۸۳؛ فصل نامه کتاب نقد، ش ۲۴ و ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.

در تعالیم اسلامی از کره زمین، به «بیت» تعبیر شده و انسان به طور مطلق از هر نژاد و رنگ و زبان و ملیت و طبقه ای مالک این خانه به حساب آمده است. در تفکر قرآنی، انسان از هر نژاد و جنسیت و طبقه ای، نماینده و خلیفه خداوند در زمین به شمار می رود:

«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ»؛ (۱)

و اوست کسی که شما را در زمین جانشین [یک دیگر] قرار داد.

این مضمون دست کم در سه آیه دیگر (۲) آمده است که رسالت کلی همه انسان ها را در این زیست گاه که زمین نام دارد، تبیین می کند. پیامبران و رسولان الهی نیز راه نمای همه انسان ها هستند و تعلیم، تربیت و نظام بخشی به زیست فردی و گروهی انسان ها را بر عهده دارند تا مدیران جامعه بشری در همه ابعاد باشند.

قرآن کریم در رسالت اولین رسولان الهی چنین گفته است:

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»؛ (۳)

و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت.

و در خطاب به داوود پیامبر علیه السلام چنین آمده است:

«يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»؛ (۴)

ای داوود ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم.

این آیات بیان گر آن است که رسول حق، نماینده و مدیر منصوب الهی، در کل پهنه زمین، مأموریت رسالت دارد، نه در بخش خاص یا نژادی ویژه. درباره پیامبر

۱- . سوره انعام، آیه ۱۶۵.

۲- . سوره یونس، آیه ۱۴ و ۷۳؛ سوره فاطر، آیه ۳۹.

۳- . سوره بقره، آیه ۳۰.

۴- . سوره ص، آیه ۲۶.

اسلام، این رسالت جهانی و فراگیر با صراحت بیشتری مطرح گردیده است:

«تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»؛ (۱)

بزرگوار [و خجسته] است کسی که بر بنده خود، فرقان [کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشدار دهنده ای باشد.

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا»؛ (۲)

بگو ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم.

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا»؛ (۳)

و ما تو را جز [به سمت] بشارت گر و هشدار دهنده برای تمام

مردم نفرستادیم.

این آیات بیان می کند که هدف اسلام همانند دیگر ادیان بزرگ الهی، اصلاح کل جامعه انسانی در فراخنای گیتی و بدون توجه به حدود جغرافیایی و مرزهای ساختگی است. به همین دلیل، این ادیان و از جمله اسلام همه حکومت ها و دولت ها را ورای مرزها و نژادهایشان به یک دین و دولت واحد و مرکزی یگانه فرامی خواند؛ هم چنان که در آغاز رسالت اسلام، پیامبر به حکام ایران، مصر، حبشه، یمن، روم و... نامه نوشتند و آنان را به یگانگی و تن دادن به مدیریت واحد در جامعه انسانی دعوت می کردند.

برای تبیین این اصل محوری، کلمه «الناس» نزدیک به ۲۴۰ بار و کلمه «الانسان» نزدیک به ۶۵ بار در قرآن تکرار شده که واژه ای عام برای همه افراد انسانی به شمار می آید و در بسیاری از موارد، عمومیت و کلیت خطاب ها بسیار روشن است، از جمله:

۱- .سوره فرقان، آیه ۱.

۲- .سوره اعراف، آیه ۱۵۸.

۳- .سوره سبأ، آیه ۲۸.

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ»؛ (۱)

بگو ای مردم! من برای شما فقط هشدار دهنده ای آشکارم.

«قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»؛ (۲)

[خدا به او] فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم.

در این خطاب ها، هدایت الهی و آموزش های پیامبران برای همه انسان ها ضروری شمرده شده و فرقه ها و امتیازهای موهوم که امکان دارد یگانگی و یک پارچگی جامعه انسان را بگسلد، باطل و پوچ معرفی گشته است. بدین گونه نگرش قرآنی به انسان و رهبران جامعه انسانی، فراگیر و جهانی بوده که هیچ مرز و مانعی را در جهت اهداف بلند، جهان شمول و جهان وطنانه خویش نمی شناسد. (۳)

قرآن، به صراحت بر مسئله جهانی سازی تأکید کرده و آن را مسئولیت خطیر جامعه اسلامی به شمار آورده و از انسان ها می خواهد با تمام توان خود در ساخت و ساز ملت ها و اصلاح جوامع بشری در سراسر جهان بکوشند:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ

عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»؛ (۴)

و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.

و در جای دیگر می فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ

بِاللَّهِ شَهِيدًا»؛ (۵)

۱- .سوره حج، آیه ۴۹.

۲- .سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۳- .نک: «جهانی سازی اسلامی، جهانی سازی غربی»، ص ۱۰۸ - ۱۱۲.

۴- .سوره بقره، آیه ۱۴۳.

۵- .سوره فتح، آیه ۲۸.

اوست کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت، با آیینی درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می کند.

در این آیه، به برتری فرهنگ اسلامی اشاره شده تا شایستگی آن را بر دیگر فرهنگ ها در جهت جهانی سازی اسلام و ایجاد حیات طیبه برای همه عالمیان، مبرهن سازد. از دید آیات الهی، برکات الهی در چنین حیات مؤمنانه ای جهان را فراخواهد گرفت:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»؛ (۱)

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم.

هرگاه ایمان و تقوا (التزام به تعهدات انسانی) در جامعه گسترش یابد و انسان ها حریم خود و خدا را حفظ کنند، برکات الهی جهان را فرا خواهد گرفت و اگر مسلمانان، جهانیان را به این حقیقت رهنمون شوند، آن گاه زمام جهانی سازی بشردوستانه را به دست می گیرند و مسئولیت خویش را در برابر خدا و خلق به نیکوترین گونه به جا خواهند آورد. (۲) آن گاه فرهنگ اسلامی جهانی خواهد شد و گسترش آگاهی و دانایی و عدل جهان را در بر خواهد گرفت و تمام نظام های سلطه و استثمار جهانی فرو خواهد ریخت.

گفتار سوم: جهانی سازی مهدوی و شاخصه های آن

اشاره

چنان که گذشت، اسلام دینی با اصول و آرمان های جهانی به شمار می رود که از همان ابتدای ظهور خویش به دنبال ایجاد حیات طیبه در سطح عالم و برای تمام

۱- . سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲- . نک: «جهانی شدن، زمینه جهانی سازی یا در انتظار یوم موعود»، ص ۵۹.

انسان ها بوده است. براساس معتقدات اسلامی و شیعی، جهانی شدن اسلامی و حیات طیبه جهانی در آخرالزمان و در عصر و دولت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحقق قطعی خواهد یافت و این جهانی شدن، با هیچ پروژه و یا طرح جهانی سازی فعلی، نه از حیث نظری و نه علمی و نه از حیث شمولیت و فراگیری و مقیاس های موجود، مقایسه شدنی نیست و نمی توان آن را اندازه گیری کرد. فقط شناخت مقدماتی آن از راه احادیث وارده امکان پذیر است. به همین دلیل، پاره ای از ویژگی های دولت کریمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی سرشار از حیات طیبه ایشان را نه از باب حصر بلکه از باب احصا و اشاره، برمی شماریم:

۱. حاکمیت جهان شمول اسلام و برچیدگی شرک و اختلافات بشری

در نظریه های جهانی شدن غربی که زیربنای بسیاری از آنها مکتب لیبرال - دموکراسی است، با اعتقاد به نسبیت اخلاقی و ارزشی اعمال، اصل تساهل و رواداری افراطی در برابر تمام عقاید و ادیان از ادعاهای اصلی به شمار می آید و موضع حکومت بر مبنای لائیسزم، در برابر دیانت و مذهب، خنثاست. از منظر آنها، حمایت و هواداری از یک مذهب، مداخله در آزادی های فردی و مخدوش کردن آزادی عقیده و ابراز عقاید به شمار می رود. در حالی که سکولاریسم یا عرفی شدن و دنیاپرستی و اصالت امور دنیوی در سرلوحه جهانی سازی لیبرال - دموکراسی قرار دارد، در حکومت جهانی مهدوی، اسلام بدون هیچ گونه مجامله و تعارفی، آیین مطلق و برتر و متعالی به جهانیان معرفی شده و انسان ها نیز پس از شناسایی، آن را می پذیرند.

روایاتی در تأیید این مطلب وجود دارد؛ از جمله:

محمد بن مسعود در تفسیر عیاشی از رفاعه بن موسی روایت می کند که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا»، (۱) فرمود:

۱- «هر که در آسمان و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است.» (سوره آل عمران، آیه ۸۳)

وقتی قائم آل محمد قیام کند، مکانی بر روی زمین باقی نمی ماند مگر این که کلمه طیبه «لا اله الا الله، محمد رسول الله» در آن جا به آواز بلند گفته می شود. (۱)

هم چنین ایشان ضمن بیان مفصلی درباره عصر ظهور حضرت

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند:

وقتی قائم ما قیام کند، ... اهل هیچ دینی باقی نمی ماند مگر این که اظهار اسلام می کنند و با ایمان، مشهور و معروف می گردند.... (۲)

در جای دیگر می فرماید:

درباره این آیه از پدرم (امام باقر علیه السلام) پرسیدند: «با همه مشرکان مبارزه کنید، چنان که همگی به مبارزه شما برخاستند تا این که در زمین فتنه ای باقی نماند و دین و آیین از آن خدا باشد.» او فرمود: «تفسیر این آیه هنوز فرا نرسیده، چنان چه قائم قیام نماید کسانی که او را درک می کنند، چگونگی تفسیر این آیه را خواهند دید و سرانجام آیین محمد صلی الله علیه و آله و سلم مانند پایان شب به صبح صادق روشن شده و اثری از شرک بر روی زمین باقی نخواهد ماند.» (۳)

هم چنین امام باقر علیه السلام فرموده است:

در زمین هیچ ویرانه ای نمی ماند مگر این که آباد گردد و هیچ معبودی جز خداوند متعال از بت و غیر آن نمی ماند مگر این که دچار حریق گشته

و می سوزد. (۴)

در جای دیگر، امام صادق علیه السلام ضمن پاسخ به سؤال های مفضل و مطابق دانستن

۱- مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ترجمه حسین بن محمدولی ارومیه ای، ج ۲، ص ۲۲۷. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، روایت ۸۱)

۲- مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ترجمه حسین بن محمدولی ارومیه ای، ج ۲، ص ۲۲۴.

۳- عصر ظهور، ص ۳۵۷. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶)

۴- عصر ظهور، ص ۳۶۱. (به نقل از: کمال الدین، ص ۳۳۱)

آیه ۳۳ سوره توبه با عصر حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وی می فرماید:

...به خدا سوگند یاد می کنم ای مفضل، هر آینه اختلاف ملت ها و دین ها از میان برداشته می شود و همه دین برای خدا و یکی می گردد، چنان که خدای تعالی فرموده: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (۱) (در حقیقت دین نزد خدا همان اسلام است) و نیز فرموده: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (۲) (و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیان کاران است.) (۳)

۲. حاکمیت مطلق عدالت و دادورزی

همگان آگاهند که عدالت، ویژگی اصلی حکومت جهانی مهدوی است. بیشتر احادیث درباره عصر ظهور، به این ویژگی، نیاز و گم شده اساسی بشری اشاره کرده اند. به همین دلیل، فقط به ذکر احادیث معدودی در این باره بسنده می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

... اگر از عمر دنیا تنها یک شب باقی مانده باشد، خداوند آن شب را به اندازه ای طول خواهد داد تا مردی از اهل بیت من به حکومت برسد... او زمین را از قسط و عدل پر می کند، همان گونه که پیش از آن از ستم و جفاکاری پر شده بود... (۴)

حکومت جهان شمول مهدوی، در عدالت گسترتری نیز به گونه ای فراگیر و بدون تبعیض عمل می کند؛ هم چنان که امام حسین علیه السلام در کلام مهمی می فرماید:

... إذا قام قائم العدل وسع عدله البرّ والفاجر؛ (۵)

۱- . سوره آل عمران، آیه ۱۹.

۲- . سوره آل عمران، آیه ۸۵.

۳- . مهدی موعود، ج ۲، ص ۳۰۴ - ۳۰۵.

۴- . بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۴، روایت ۳۵.

۵- . بحار الأنوار، ج ۲۷، باب ۴، ص ۹۰، روایت ۲۴.

هنگامی که اقامه کننده عدل قیام کند، گستردگی عدلش نیکوکار و فاجر را دربر می گیرد.

عدالت یاد شده نیز گستره حوزه های فردی و اجتماعی بشری را شامل می شود. بر این مدعا نیز بیان امام باقر علیه السلام گواه است که می فرماید:

بدانید همان طور که سرما و گرما به داخل خانه هایشان نفوذ می کند، عدالت او [قائم] نیز به درون خانه هایشان راه خواهد یافت. (۱)

۳. برقراری امنیت و آرامش همه جانبه

بنابر روایت ها درباره حکومت جهان شمول حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ناامنی و هراس از زندگانی آحاد بشری رخت برمی بندد و امنیتی فراگیر در همه گیتی برقرار می شود؛ هم چنان که امام علی علیه السلام درباره ایمنی عصر ظهور و سرشاری آن دوره از امنیت و دیگر برکت هایی مانند عدالت می فرمایند:

اگر قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان که باید ببارد، می بارد و زمین نیز رستنی هایش را بیرون می دهد و کینه از دل بندگان زدوده می شود و میان درندگان و چرندگان آشتی برقرار می شود؛ به گونه ای که زنی میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می گذارد، همه سبزه و رستنی است و زینت هایش را بر روی سرش می گذارد، درنده ای او را نمی آزارد و نمی ترساند. (۲)

۴. رفاه و رشد پایدار اقتصادی، استغنای عمومی و رفع فقر

شکاف های اقتصادی، تبعیض های ناروا و فقر و فاقه برآمده از جهانی سازی غربی در نهضت جهانی سازی مهدوی، وجود ندارد و نه تنها این شکاف ها پرمی گردند، بلکه جامعه بشری به استغنای کامل می رسد؛ حتی فقیری برای دریافت صدقات

۱- . ظهور نور (ترجمه کتاب الشمووس المضيئه)، ص ۱۹۹. (به نقل از: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۴۴، روایت ۵۲۹)

۲- . بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

و اعانات یافت نخواهد شد. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

چون قائم ما قیام کند، زمین با نور پروردگار خود نورانی و روشن می شود و خلاق از نور و روشنایی آفتاب مستغنی و بی نیاز باشند و تاریکی زایل می گردد و مردم در ایام سلطنت آن حضرت بسیار عمر می کنند... و زمین خزینه های خود را آشکار می گرداند، به نوعی که خلاق همه آنها را بر روی زمین می بینند و مرد در آن وقت کسی را می طلبد برای این که از مالش به او عطا نماید تا این که صله رحم به جا بیاورد، یا این که از وجه زکات چیزی به او بدهد، چنین کسی که اینها را از او قبول کند، یافت نمی گردد و خلاق به سبب آن چه خدا از فضل خود به ایشان روزی کرده، مستغنی و بی احتیاج هستند.

(۱)

آن امام همام، این بی نیازی عمومی را چنین تشریح کرده است:

... و در میان خلاق به طریق حکم داوود و محمد صلی الله علیه و آله و سلم حکم می کند. در این وقت زمین خزینه های خود را ظاهر و برکات خویش را آشکار می گرداند و در این وقت مردی از شماها کسی را نمی تواند پیدا کند که صدقه ای به او بدهد یا احسانی در حق وی کند؛ زیرا همه مؤمنان غنی و مال دار هستند. (۲)

توسعه گسترده اقتصادی و انسانی پایدار و بالنده نهضت جهان شمول مهدوی در روایات نبوی نیز آشکار است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

يكون في أمتي المهدي... يتنعم أمتي في زمانه نعيماً لم يتنعموا مثله قط، البرّ والفاجر، يرسل السماء عليهم مدراراً و لاتدخر الأرض شيئاً من نباتها؛ (۳)

در امت من، مهدی قیام کند... و در زمان او، مردم به رفاه و نعمت هایی دست می یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند؛ همه چه نیکوکار و چه

۱- . مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۲. (به نقل از: شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۶۳)

۲- . مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۴-۲۲۵.

۳- . بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۸.

بدکار از آن جمله اند. آسمان باران رحمتش را بر آنان ببارد و زمین چیزی از رویدنی های خود را پنهان ندارد.

۵. رشد و ترقی علوم و فنون و شکوفایی و کمال عقلانیت بشری

جهان امروز که در مسیر جهانی شدن گام برمی دارد، از حیث پیشرفت علوم و تکنولوژی، ترقی انکارناپذیری کرده، ولی نه تنها این پیشرفت موجب رفع آلام بشری و رساندن انسان ها به امنیت و آرامش، مساوات و عدالت نگشته، بلکه میلیاردها مجهول دیگر در مسیر اکتشافات قرار دارد که بشر از حل آنها عاجز است و جهانی سازی غربی نیز نتوانسته به رفع این عجز و ناتوانی کمک کند. در حالی که دانش بشری در عصر حکومت جهانی مهدوی به دست آوردهایی مافوق تصور می رسد. امام صادق علیه السلام در بیانی بلیغ، از گوشه ای از پیشرفت های علمی آن عصر چنین یاد می فرماید:

دانش ۲۷ حرف است. همه علمی که پیامبران برای مردم آورده اند تنها دو حرف بیش نبوده و مردم تا به امروز جز آن دو حرف را نشناخته اند، ولی وقتی قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را ابراز می کند و آن را در میان مردم گسترش می دهد، آن گاه آن دو حرف را نیز ضمیمه می کند و همه ۲۷ حرف را در میان مردم منتشر می سازد. (۱)

روایات تبیین کننده وضعیت عصر ظهور، بیان گر آن است که عقول مردم در دوره ظهور به بالاترین مرحله کمال خویش می رسد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان کشیده و عقل آنها زیاد و فهمشان بالا می رود. (۲)

در دولت جهانی مهدوی، حتی دانش و بینش، آگاهی و شناخت صحیح، مفید، سازنده و کارگشا در خانه ها گسترش می یابد و حلقه های درس و بحث برای زن و

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، روایت ۷۳.

۲- ظهور نور، ص ۲۰۲. (به نقل از: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۹۵، روایت ۲۵۳)

مرد در سرتاسر جامعه بشری برقرار می شود. امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید:

... تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْثَةَ لَتَقْضَى فِي بَيْتِهَا بَكْتَابِ اللَّهِ وَ

سَنَّهُ رَسُولُهُ؛ (۱)

... به مردم زمان قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آن چنان حکمتی عطا خواهد شد که حتی زن در کانون خانه خویش بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش، عادلانه و آگاهانه داوری می کند (و به دیگری نیازی ندارد).

علاوه بر تبیین وضعیت عالی دانش و بینش بشری در عصر ظهور، این روایت بیان می کند که مردم آن روزگار، براساس آداب و مقررات دینی تربیت می شوند، احکام شریعت را می آموزند و بر پایه ای از فرهنگ و فرهیختگی سیر می کنند که حتی بانوان خانه دار براساس مقررات کتاب خدا و سیره عادلانه پیام آور بزرگ وی، می توانند قضاوت کنند.

۶. تکیه بر استدلال و اقناع و کسب مقبولیت و رضایت عمومی

هم چنین جهانی سازی عصر مهدوی بر استدلال و براهین عقلی مبتنی است. امام حسن علیه السلام درباره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

خداوند در آخرالزمان و روزگاری سخت در میان جهل و نادانی مردم، مردی را برمی انگیزد و او را با فرشتگان خود تأیید می کند و یاران او را حفظ می نماید و با آیات و نشانه های خویش او را نصرت می دهد و بر کره زمین غالب می گرداند تا آن جا که مردم - پاره ای از روی میل و گروهی بی میل و با اکراه - به دین خدا می گروند. سپس زمین را پراز عدل و داد و نور و برهان می کند. تمام مردم جهان در برابر وی خاضع می شوند و هیچ کافری باقی نمی ماند، مگر آن که مؤمن شود و هیچ بدکاری نمی ماند، جز این که اصلاح گردد... (۲)

۱- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۲- . حکومت جهانی حضرت مهدی از دیدگاه قرآن و عترت، ص ۲۷۸ - ۲۷۹. (به نقل از: الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۱)

این روایت به خوبی بر این مطلب تصریح دارد که برخی از مردم جاهل و گمراه در ابتدای حکومت حضرت، ممکن است با اکراه به حکومت وی تن دهند، ولی وقتی عدل گستری و برهان های شفاف و مستدل و نورانی وی را ملاحظه می کنند، در مقابل حکومت وی خاضع می شوند و با طوع و رغبت و رضایت مندی تمام به آن تن می دهند. بنابراین، نظام حکومت جهانی مهدوی را باید نظامی بر پایه مشروعیت کامل یعنی دارای مقبولیت، حقانیت و قانونیت دانست؛ مشروعیتی که مانند برخی از نظام های سیاسی به اصطلاح مدرن غربی امروزی با «دماغوژی» یا فریب افکار عمومی، با نظارت، دست کاری آرای عمومی و با نفوذ تبلیغات پرادمانه به دست نمی آید، بلکه محصول رضایت قلبی آحاد جامعه بشری و حتی دیگر موجودات عالم است.

۷. گفتمان واقعی و احتجاج با ادیان دیگر

بر مبنای روایات، در جهانی سازی مهدوی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون هیچ تعارفی همه موحدان و غیرموحدان و پیروان دیگر ادیان را به پیروی از اسلام و تعالیم نجات بخش آن با قاطعیت تکلیف می کند، ولی این به معنای اجبار صرف عقیدتی ایشان به پذیرش مطلق آیین اسلام نیست، بلکه محور کار حضرت همان طور که از نامشان نیز برمی آید، هدایت جامعه بشری است و اصل و اساس هدایت باید بر اقناع مبتنی باشد. روایات نیز دلالت می کنند که حضرت از همان ابتدای ظهور، کتب بدون تحریف زبور، تورات، انجیل و... را می یابد و بر اساس نسخ اصل آنها با اهل کتاب محاجه، استدلال و گفت و گو می کند و بر آن اساس بر آنها حکم می راند تا آن که ایشان به دین اسلام و حکومت جهان شمول مهدوی هدایت گردند. امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

به خدا سوگند! یاد می کنم هرآینه گویا قائم را می بینم، در حالی که پشت به حجرالاسود داده، بعد از آن حق خویش را [یعنی خلافت را] از خداوند

عالم می طلبد. بعد از آن می گوید: «ایها الناس! هر که در خصوص خدا با من محاجّه و گفت و گو نماید، هر آینه من نزدیک ترین خلائقم به خدا؛ ایها الناس! هر که در خصوص آدم علیه السلام با من گفت و گو و محاجّه نماید، هر آینه من نزدیک ترین خلائقم به آدم علیه السلام؛ ایها الناس! هر که در خصوص نوح علیه السلام با من گفت و گو نماید، هر آینه من نزدیکترین خلائقم به نوح علیه السلام؛ ایها الناس! هر که در خصوص ابراهیم علیه السلام با من محاجّه و گفت و گو کند، هر آینه من نزدیک ترین خلائقم به ابراهیم علیه السلام؛ ایها الناس! هر که در خصوص موسی علیه السلام با من محاجّه و گفت و گو نماید، هر آینه من نزدیک ترین خلائقم به موسی علیه السلام؛ ایها الناس! هر که در خصوص عیسی علیه السلام با من گفت و گو و محاجّه کند، هر آینه من نزدیک ترین خلائقم به عیسی علیه السلام؛ ایها الناس! هر که با من در خصوص محمد صلی الله علیه و آله و سلم گفت و گو و محاجّه کند، هر آینه من نزدیک ترین خلائقم به محمد صلی الله علیه و آله و سلم؛ و ایها الناس! هر که با من در خصوص کتاب خدا گفت و گو نماید، هر آینه من نزدیک ترین خلائقم به کتاب خدا.» بعد از این سخنان به مقام ابراهیم می رود و دو رکعت نماز در

آن جا می گزارد، بعد از آن حق خود را [یعنی خلافت را] از خدای

تعالی می طلبد. (۱)

امام باقر علیه السلام در بیانی دیگر، برخورد گفتمانی و استدلالی و محترمانه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با دیگر ادیان را چنین باز گو می فرماید:

چون قائم اهل بیت قیام می کند، اموال را بالسویه قسمت می نماید و در خصوص رعیت با عدالت حکم می کند؛ پس هر که او را اطاعت نماید، هر آینه خدا را اطاعت کرده و هر که با او مخالفت کند، هر آینه با خدا عصیان و مخالفت نموده و نامیدن او به مهدی از این بابت است که خدا او را به امورات مخفیة راه می نماید و تورات و سایر کتاب های خدا را در انطاکیه از مغاره بیرون می آورد و در میان اهل تورات با تورات و در میان اهل انجیل

با انجیل و در میان اهل زبور با زبور و در میان اهل قرآن با قرآن

حکم می فرماید... (۱)

۸. حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه

در جهانی سازی حکومت مهدوی، کرامت انسان ها و حقوق بشردوستانه نه تنها محوریت دارد، بلکه به عالی ترین حدّ خود خواهد رسید. امیرمؤمنان علیه السلام در بیانی، کرامت بخشی به جامعه انسانی در عصر ظهور را چنین تصویر می فرماید:

سپس به کوفه روی می آورد که قرارگاه و منزل اوست. برده مسلمان در بندی نمی ماند، جز این که او را می خرد و آزاد می سازد و بدهکاری نمی ماند، مگر این که دین او را می دهد و مظلومه ای نمی ماند، جز این که آن را می پردازد و کشته ای نمی ماند، مگر این که دیه او را می دهد... و کشته ای نمی ماند، جز این که دین او را پرداخته و خانواده او را تأمین می کند و همه امور را تدبیر و کارها را تنظیم می نماید تا آن جا که زمین را سرشار از

عدل و داد می نماید، همان گونه که به هنگامه ظهور او، از ظلم و جور لب ریز است... (۲)

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز ضمن تبیین برکات عصر ظهور، آن دوره را زمان تکریم و تعظیم امت معرفی می فرماید:

در آخرالزمان در میان امت، آن نجات بخش ملت ها قیام می کند. خدا کران تا کران قلمرو حکومت جهانی او را به وسیله باران سیراب می سازد و زمین، گیاه و نبات خویش را می رویاند؛ اموال عمومی را به طور عادلانه به مردم اعطا می کند و به دام داری و دام پروری اهمیت می دهد و امت را تکریم نموده و عظمت می بخشد. (۳)

۱- . مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۴۳-۲۴۴.

۲- . امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۶۷۱-۶۷۲. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶؛ معجم احادیث الامام المهدی، ص ۲۲)

۳- . امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۵۰-۷۵۱. (به نقل از: عقداالدّرر، باب ۷، ص ۱۴۴)

رعایت کرامت انسان ها و حقوق بشر دوستانه تنها به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ختم نمی شود، بلکه یاران وی نیز بر مبنای لحاظ و رعایت این امور با حضرت دست بیعت می دهند. حضرت علی علیه السلام در گفتاری طولانی در وصف بیعت ۳۱۳ تن از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

با او بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند؛ زنا نکنند؛ مسلمانی را دشنام ندهند؛ خون کسی را به ناحق نریزند؛ به آبروی کسی لطمه نزنند؛ به خانه کسی هجوم نبرند؛ کسی را به ناحق نزنند؛ طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند؛ مال یتیم را نخورند؛ در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند؛ مسجدی را خراب نکنند؛ مشروب نخورند؛ حریر و خز نپوشند؛ در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند؛ راه را بر کسی نبندند؛ راه را ناامن نکنند؛ از اعمال منافی عفت اجتناب کنند؛ خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند؛ به کم قناعت کنند؛ هوا دار پاکی باشند؛ از پلیدی گریزان باشند؛ به نیکی فرمان دهند؛ از زشتی ها باز دارند؛ جامه های خشن نپوشند؛ خاک را متکای خود سازند؛ در راه خدا، حق جهاد را ادا کنند؛ و... او نیز در حق خود تعهد می کند که از راه آنها برود؛ جامه ای مثل جامه آنها نپوشد؛ مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود؛ آن چنان که آنها می خواهند باشد؛ به کم راضی و قانع باشد؛ زمین را به یاری خدا، پر از عدل و داد کند، آن چنان که پر از جور و ستم شده است؛ خدا را آن چنان که شایسته است پرستد؛ برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند و... (۱)

جهانی سازی حکومت مهدوی، در عین صلابت و بی هیچ گونه تبعیض، بر عطوفت، صفا و صمیمیت و مهرورزی و تکریم انسان ها مبتنی است؛ حکومتی که حتی خفته ای را بی جهت بیدار نمی کند و با چنین آرامش بخشی به عالم بشر، پناه و مأوای جامعه بشری می گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در توصیف این وضعیت می فرماید:

۱- . جلوه های نور از غدیر تا ظهور، ص ۱۸۳-۱۸۴. (به نقل از: روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۶۵ و ۴۶۶)

مردم به سوی او پناه می برند، هم چنان که زنبوران عسل به ملکه خود پناه می برند؛ عدالت را در سراسر گیتی می گستراند، چنان که از ستم پر شده بود، تا جایی که صفا و صمیمیت صدر اسلام به آنها باز می گردد؛ هیچ خفته ای را [بی جهت] بیدار نمی کنند و هیچ خونی [به ناحق] ریخته نمی شود. (۱)

۹. نفی قومیت مداری و نژادپرستی

قومیت مداری و نژادگرایی در نهضت جهانی سازی مهدوی وجود ندارد و از منظرها و ملاک های تقوا و شایسته سالاری، برای اصلاح امور مادی و معنوی بشری به شکل جهانی اندیشیده و عمل می شود. گزینش ۳۱۳ یار اصلی امام از کشورهای مختلف، بر مبنای تقوا، شایستگی و کاردانی، از نمونه های صدق این گفتار است. نویسنده عالی قدر کتاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از ولادت تا ظهور در تحقیق جالبی به نام، شهر و کشورهای یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره می کند و براساس جغرافیای امروز، قریب ۲۳ کشور (۲) را خاستگاه و محل سکونت این افراد معرفی می کند. (۳) این امر نشان می دهد که نهضت جهانی مهدوی، به قومیت و ملیت خاصی متکی نیست و ملاک حرکت و تکاپوی آن و گزینش کارگزارانش، ملاک های قرآنی و الهی است. همین ویژگی به همراه ویژگی های دیگر حکومت طیبه مهدوی، باعث می گردد که حکومت جهانی مزبور مورد رضایت همه اهل عالم، ملل و نحل مختلف و نظام های سیاسی گوناگون قرار گیرد و با اجرای کامل عدالت، شکاف ها و محرومیت های ناشی از استکبارورزی و زیاده خواهی ملل و دول زورمند از جهان رخت بریندد و استعدادها و توان مندی ها و استیفای

۱- . منتخب الأثر، باب ۷، ص ۴۷۸، روایت دوم.

۲- . برخی از این نواحی و کشورها عبارتند از: عراق، قاره افریقا، عربستان سعودی، ایران، لبنان، ارمنستان، فرانسه، مصر، ترکیه، یمن، بیت المقدس، سوریه، بحرین، هندوستان، مرو واقع در شوروی سابق، افغانستان، اردن، عمان، پاکستان، اتیوپی، ازبکستان و منطقه قفقاز.

۳- . ص ۵۸۷-۶۰۰.

فراگیر تمام حقوق جوامع بشری - اعم از ضعیف یا قوی، محقق شود و به اصطلاح امروزی، جهان نه با توسعه ناموزون بلکه با توسعه موزون مواجه گردد.

روایات بسیاری بر نفی قومیت پرستی و نژادگرایی نهضت جهانی موعود اشاره می کنند. نه تنها اعراب و قریش در این دولت جهانی، قوم و طبقه ممتاز شناخته نمی گردند، بلکه بسیاری از آنها بر حسب آزمایش ها و ابتلائات عصر مهدوی، مرتد می شوند و حضرت فوج فوج آنها را نابود می کند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه تنها به دلیل مشابهت قومی با ایشان، ملاحظه آنها را نمی کند، بلکه بر حسب

مبانی متقن الهی، ایشان را به علت کفر و نفاقشان گردن می زند و بر آنها بسیار سخت می گیرد. (۱)

۱۰. حکومت شبه فدرالی و احترام به دیگر ملل

از برخی روایات، این گونه به نظر می رسد که ملل دیگر حکومت جهانی مهدوی و جهانی سازی وی در قالب نوعی حکومت مشابه فدرالیسم و در کنار تبعیت از حکومت مرکزی جهانی، دارای آزادی هایی در تبعیت از رسوم و فرهنگ های ملی غیر متعارض با اسلام هستند و حضرت این حق و احترام را برای آنها نگاه می دارد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

وقتی قائم قیام کند، قطایع و حکومت های طایفه ای از بین خواهند رفت. (۲)

با وجود این، امام صادق علیه السلام می فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند، به هر منطقه ای نماینده ای می فرستد و به او می گوید: «حکومت در اختیار توست، هر چه مصلحت می بینی عمل کن.» (۳)

۱- . نک: مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۴۰ - ۲۴۲.

۲- . ظهور نور، ص ۲۰۲. (به نقل از: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۳، روایت ۴۰۹)

۳- . ظهور نور، ص ۲۰۳. (به نقل از: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۷۳، روایت ۷۱۲)

۱۱. نوسازی و احیای دین بر مبنای مقتضیات جدید

لحاظ مقتضیات زمانی و مکانی و حرکت بر مبنای تحولات تازه و پاسخ گویی

به امور جدید، از ویژگی های فرابرد جهانی شدن است. پیش تر گذشت که اسلام و به ویژه تشیع، به پشتوانه ماهیت خود و بر مبنای سنت مترقی اجتهاد،

این انعطاف پذیری را همیشه به همراه دارد. نظام جهانی سازی مهدوی نیز از این ویژگی ضروری غافل نیست و کاملاً بدان مجهز است و در عصر مهدوی،

جهان با احیای اسلامی جدید و نوسازی دینی مواجه خواهد گردید. امام صادق علیه السلام می فرماید:

چون قائم قیام می کند، امر تازه و احکامی تازه می آورد، هم چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در اول اسلام همین گونه عمل نمود و خلائق را به امر جدید دعوت نمود... (۱) آن حضرت کارهای مشابه رسول خدا انجام می دهد. وی همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امور جاهلیت را بر هم زد، امور قبل از خود را بر هم می زند و قائم، دین اسلام را تازه می کند. (۲)

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

قائم کتابی جدید، امری جدید و حکمی جدید می آورد و بر عرب

سخت می گیرد. (۳)

ایشان در جایی دیگر، ضمن تشبیه سیره حکومت مهدوی با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ابطال احکام جاهلیت می فرماید:

... هم چنین است قائم وقتی قیام می کند، باطل می گرداند احکامی را که

در ایام مصالحه با کفار در دست خلائق بوده و با عدالت در میان خلائق رفتار می کند. (۴)

۱- . مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۴. (به نقل از: الارشاد، ص ۳۶۴)

۲- . مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۴۶.

۳- . ظهور نور، ص ۱۹۹. (به نقل از: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۴۰، روایت ۵۰۲)

۴- . مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۸۴. (به نقل از: تهذیب، ج ۶، باب ۷۰، ص ۱۵۴، روایت یکم)

بدین گونه جهانی سازی مهدوی، به احیا و تجدید اسلام ناب و نوسازی جدید آن برحسب مقتضیات جدید معطوف خواهد بود. بدیهی است که چنین امری به شفافیت اسلام و افزایش پیروی آن دین حنیف می انجامد و دیگر به بحث و فحص های طاقت فرسای علمی و حوزوی برای فهم و دریافت آرای واقعی شارع مقدس نیازی نیست و اکثر شیوه های درسی و اجتهادی و استنباطی، کهنه و بی استفاده خواهند شد. عالم عالی قدر، آیت الله قزوینی در اثر خویش این مطلب را در تحلیلی جامع این گونه بیان فرموده اند:

خدا می داند که این تحول مطلوب و مترقی چگونه خواهد بود، اما به نظر می رسد بسیاری از کتاب های فقه و حدیث، نوسازی گردد و نقش بسیاری از موضوعات کتاب های اصولی به پایان برسد؛ چرا که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قواعد عمومی برای دریافت مسائل شرعی و مقررات دینی را بیان می کند و در پرتو همان ها، دانش مندان از بسیاری از بحث های اصولی و قواعد آن بی نیاز می گردند. کتاب های مربوط به شرح حال راویان احادیث که به کتاب های رجالی معروفند و نیز شرح حال و بیوگرافی آنان و تقسیم بندی روایات به صحیح و ضعیف و اصطلاحاتی از این گونه، همه و همه نقششان به پایان می رسد؛ چرا که این بحث ها بیشتر به حدس و ظن تکیه دارد و در عصر غیبت و به خاطر نرسیدن دست مردم به امام معصوم مورد استفاده قرار می گیرد. اما در عصر ظهور، مردم به مقررات و احکام قطعی دست می یابند و از اینها بی نیاز می گردند.

و نیز در عصر ظهور، بیشتر کتاب های تفسیری از اعتبار ساقط می شود؛ چرا که مردم با رشد فکری و ژرف نگری برخاسته از فرهنگ عصر ظهور، به تفسیرهای برخاسته از نظرات افراطی افراد، بهایی نمی دهند. از این رو، تنها تفاسیر برخاسته از روایات رسیده از پیامبر و اهل بیت باقی می ماند.

همین گونه قرائت های مختلف از قرآن شریف که دلیلی برای آنها نازل نشده است، برداشته می شود؛ چرا که مردم، قرآن و قرائت صحیح آن را به گونه ای که بر قلب مصفای محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرود آمده است، از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می آموزند و تفسیر و پیام و مفهوم آن را آن گونه که خدا اراده فرموده است، می شناسند و بر معارف بلند و راز و رمز و شگفتی های آن که هم چنان ناشناخته و پوشیده است، آگاهی می یابند... (۱)

۱۲. تحول شگرف در حوزه ها و فضاهای ارتباطی و رسانه ای

فضاهای ارتباطی و رسانه ای در دولت جهانی مهدوی، دچار تحولات شگرف و بنیادینی خواهد شد که ساده ترین تعبیر از روایات، بحث استفاده از رسانه هایی مانند اینترنت و تلویزیون و ارتباط مردم با یک دیگر از این طرق را به ذهن متبادر می کند. گویا این روایات، بر پیشرفت های وسیعی در این زمینه دلالت دارند و می توان این دوره را از حیث وصف وضعیت رسانه ها و ارتباطات، به دوره ای بسیار فراتر از دوره ظهور ابررسانه ها تشبیه کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ فِي الْمَشْرِقِ لِيرَى أَخَاهِ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهِ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛ (۲)

مؤمن در عصر قائم در حالی که در مشرق است، برادر خویش را در

مغرب می بیند و همان گونه آن که در مغرب است، برادر مؤمن خویش را در مشرق می بیند.

در جای دیگر فرموده اند:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ، حَتَّى لَا يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ؛ (۳)

۱- امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۳۵-۷۳۶.

۲- امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۷۳. (به نقل از: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۵۶)؛ مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۹۸.

۳- امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۳۳ (به نقل از: اصول کافی، ج ۸، ص ۲۴۰؛ خرائج، ج ۲، ص ۸۴۰؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۵۷)؛ مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۰.

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما، گستردگی و کشش ویژه ای می بخشد تا میان آنان و مهدی ما واسطه و نامه رسان یا فاصله ای نباشد.

فهم روایت اول با وجود پیشرفت های امروزی در عرصه فن آوری ارتباطات همانند تلویزیون و اینترنت، دشوار و پیچیده نیست. اما با توجه به روایت دوم، به نظر می رسد که پیشرفت های عصر ظهور در عرصه گسترش فضاهای ارتباطی، تنها تکنولوژی و ابزارهای ارتباطی نباشد، بلکه مؤمنان به واسطه سطوح عالی ایمانی خود، برخوردار از کمالات اعطایی الهی می شوند و گوش و چشم های آنان دارای قدرت فرابینی و فراشنوایی و فرامکانی می گردد و همان طور که می توانند در هر لحظه با یک دیگر ملاقات سمعی و بصری کنند، به طریق اولی با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز ارتباط خواهند داشت و از فیض مطلق وجود او در ورای مکان ها و زمان ها استفاده خواهند کرد. در عصر حضور که هر چیز به کمال نهایی خود می رسد، تجهیز انسان های مؤمن به چنین مواهب الهی، دور از ذهن نیست. به همین دلیل، می توان تصور کرد که با این پیشرفت ها در خلقت انسان های برگزیده، کشف دیگر کرات در فضاهای لایتناهی و افشای میلیاردها اسرار نهفته در کائنات برای بشر عصر ظهور نه تنها ممکن، بلکه در منتهای حد، با رهبری زعیم موعود، صورت خواهد گرفت و اسرار بی شمار کائنات برایشان کشف خواهد گردید.

۱۳. رعایت آرمانی حقوق محیط زیست و جان داران

جهانی سازی مهدوی همانند جهانی سازی غربی، تأثیرات و تبعات تخریبی برای محیط زیست و ساکنان موجود در آن ندارد؛ در حالی که امروزه جهان با

مشکلات زیست محیطی عظیمی همانند سوراخ شدن لایه ازن، گرم شدن زمین بر اثر گازهای گل خانه ای، نابودی جنگل ها، روند رو به انقراض پاره ای از موجودات، آلودگی های صنعتی و شیمیایی محیط زیست و... مواجه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خشنودی تمام موجودات انسانی و غیرانسانی از حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را با عبارت زیبای «یرضی عنه ساکن الأرض والسماء» (۱) بیان فرموده اند و در جای دیگر، حکومت ایشان را مایه رفاه و فرح و شادمانی تمام موجودات به شمار آورده، می فرمایند:

یفرح به أهل السماء و أهل الأرض والطير والوحوش والحيتان فی البحر؛ (۲)

ساکنان آسمان و مردم زمین، پرندگان، درندگان و ماهیان دریا، همه در سایه لطف و حکومت او شادمان و فرح ناک هستند. بسیار بدیهی است که این شادمانی، بدون تصور رعایت آرمانی حقوق همه جان داران و حفظ حقوق محیط زیست آنها در دولت جهان شمول مهدی موعود، محقق و میسر نیست. هم چنین در روایتی از امام حسن علیه السلام نقل شده که «در دولت حضرت مهدی، درندگان آزادانه [و بدون مزاحمت] زندگی می کنند.» (۳) این امر بیان گر اوج صلح و آرامشی است که دولت جهان شمول مهدوی برای بشر به ارمغان خواهد آورد؛ دولتی که عالم را به سمتی سوق خواهد داد که تمام آیات الهی به منتهای ظهور خود برسند، حق و باطل از هم جدا شوند و بر اساس پاره ای استنباط ها، دیگر معصیت خدای سبحان انجام نشود و باری تعالی، با کمترین مداخله هوای نفس و بدون وسوسه شیطان، به طور خالص عبادت گردد. مردگان نیز با اشک شوق، خواهان رجعت به دنیا و احیای خویش از خداوند

۱- نک: ظهور نور، ص ۲۰۷. (به نقل از: التشریف بالمنن، ص ۱۴۶، روایت ۱۷۵)

۲- منتخب الأثر، باب ۳، ص ۴۷۲، روایت ۳.

۳- نک: حکومت جهانی مهدی از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۲۷۹. (به نقل از: الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۱)

ص: ۱۲۷ می گردند تا افتخار و آرزوی زندگی در این دوره نیز برای آنها نیز محقق شود و موعود الهی را یاری رسانند.

نتیجه

در این نوشتار، مفهوم جهانی شدن یا جهانی سازی و برداشت های مختلف از آن تبیین گردید. جهانی سازی غربی یا امریکایی، از اصلی ترین آموزه های این پدیده در این زمان است. سپس با تشریح پی آمدهای کلیت راه برد مورد نظر، ضمن نفی نکردن پی آمدهای مثبت آن، تبعات منفی و ویران گر جهانی سازی غربی نیز بیان شد. در بطن این آموزه، چه در حوزه نظری و چه در حوزه عملی، سلطه گری، هژمونی طلبی، استکبارورزی، استثمار و امپریالیسم نهفته است. این گونه جهانی سازی به دلیل ماهیت تعرضی و استکباری و انحصارطلبانه خویش، فرایندی مادی، یک سویه، مصنوعی، و غیر جهان شمول و سکولار به شمار می آید که هدفی جز یک پارچه سازی جهانی و ادغام آن در بازار مشترک جهانی به رهبری دنیای سرمایه داری و سردمداری امریکا را دنبال نمی کند؛ بازار سودگرایانه و سود محورانه مادی که همه مؤلفه های حیات اجتماعی (اقتصاد، سیاست و فرهنگ) را به سود منفعت طلبی و استکبارورزی و سلطه بی چون و چرای تمدن غرب و استیلای بیشتر آنها علیه دیگر کشورها و فرهنگ ها داد و ستد می کند و مدعی جامعه جهانی تک قطبی سرمایه سالارانه و میلیتاریستی است. می توان آن را پروژه ای تحمیلی و یک طرح مهندسی - اجتماعی در سطح کلان سیستمی دانست؛ پروژه ای که می کوشد ایدئولوژی های غربی را با تکیه بر بنیادهای نئولیبرالیستی و سرمایه داری به کل جامعه بشری تحمیل کند و از این طریق در صدد فراگیر کردن شیوه زندگی امریکایی و غربی کردن انسان ها و ترویج فرهنگ مصرف و اصالت سود و سرمایه است. هم چنین نابودی سنن و فرهنگ های محلی و نابودی ادیان رقیب، نابودی محیط زیست، و وابستگی مستمر کشورهای

ضعیف به کشورهای غربی را دنبال می کند و به دروغ سعی دارد نظام فکری و اجرایی لیبرال - دموکراسی را الگوی تکاملی مشترک برای کل جوامع انسانی معرفی و دیکته کند؛ در حالی که در عمل، ناکارآمدی این ایده، چه در سپهر اندیشه و چه در حوزه عمل و اجرا، ثابت شده و بحران های فعلی گریبان گیر رژیم های غربی مؤید اثبات این مدعاست.

برای اثبات مدعای این نوشتار، به جهان شمولی تعالیم عالیه اسلام و سزاواری آموزه جهانی سازی مهدوی برای ارائه الگویی جهان شمول، فراگیر، امیدزا و تحرک آفرین برای تکامل جامعه بشری و نجات آن از ورطه ها، حرمان ها و تنگناهای موجود، به گونه ای مستدل اشاره گردید. بنابر استدلال های پژوهش، آموزه جهانی سازی مهدوی می تواند ترجمان بخش مثبت فرایند جهانی شدن فعلی باشد، یعنی با استفاده از عرصه های مختلف فن آوری و دیگر مواهب خداداد در عصر ظهور، همانند پلی تمام دنیا و شهروندان آن را متحد کند و محرومیت های علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از بین ببرد؛ هنجارهای پسندیده دینی، اخلاقی و انسانی را بر جهان حکم فرما سازد و نوعی وحدت بهینه، مثبت و متکامل را در میان بشر ایجاد کند. دولت جهانی مهدوی، با زعامت آخرین معصوم الهی، می تواند خاتمیت دین و رسالت جهان شمول نبوی را تکمیل سازد و معنا بخشد تا مردم دنیا همانند یک اندام و با تبعیت از تعالیم عالیه و نوسازی شده اسلامی، در فکر صلاح و اصلاح یک دیگر برآیند و در سنگری واحد علیه تمام عوامل مخل تکامل بشری و پلشتی های گیتی و زیست بوم خود مبارزه کنند و با رخت بر بستن هوا و هوس های شیطانی، به عبودیت و خلوص در پرستش الهی دست یابند. بدیهی است که این امر، تنها در پرتو حکومت جهانی مهدوی و تشخیص ویژه آن به شاخصه هایی از جمله موارد ذیل فراهم می گردد:

۱. حاکمیت جهان شمول اسلام و برچیدگی شرک و اختلافات بشری؛

۲. حاکمیت مطلق عدالت و دادورزی؛

۳. برقراری امنیت و آرامش همه جانبه؛

۴. رفاه و رشد پایدار اقتصادی، استغنای عمومی و رفع فقر؛

۵. رشد و ترقی علوم و فنون و شکوفایی و کمال عقلانیت بشری؛

۶. تکیه بر استدلال و اقناع و کسب مقبولیت و رضایت عمومی؛

۷. گفت‌وگو و آشنایی و احتیاج با دیگر ادیان؛

۸. حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه؛

۹. نفی قومیت‌مداری و نژادپرستی؛

۱۰. حکومت شبه فدرالی و احترام به دیگر ملل؛

۱۱. نوسازی و احیای دینی بر مبنای مقتضیات جدید؛

۱۲. تحول شگرف در حوزه‌ها و فضاها و ارتباطی و رسانه‌ای؛

۱۳. رعایت آرمانی حقوق محیط زیست و جان داران.

واضح است دولت جهانی مهدوی با این ویژگی‌های آرمانی، خواهد توانست طرح آرمانی جهانی سازی دولت کریمه اهل بیت و حیات طیبه موعود قرآن را در فراخنای گیتی محقق سازد.

فصل پنجم: آموزه مهدویت و حقوق محیط زیست

اشاره

موضوع محیط زیست (۱) و ضرورت صیانت و حمایت از آن در تمام ادوار تاریخ بشر، اهمیت ویژه ای داشته است، تا جایی که این امر، انسان ها را واداشته که در چند دهه اخیر، با وضع مقررات و قواعد ویژه ای، حقوق خاصی را تحت عنوان حقوق محیط زیست تدوین کنند. با وجود این، هنوز هم بشر مدرن نتوانسته تبعات ویران گر حیات صنعتی، ماشینی و مصرفی خود را بر محیط زیست نظارت کند و جهان همواره با روند تخریب و آلودگی روز افزون آن رو به روست.

این فصل، نظر به ضرورت طرح مباحث نو و گشودن زوایای جدید در حوزه

مهدویت، نوع نگرش به محیط زیست و جایگاه آن را در حیات طیبه مهدوی بررسی نموده و اثبات می کند که حقوق محیط زیست و هم چنین حقوق جان داران و گیاهان در عصر ظهور به کامل ترین شکل رعایت می شود (۱) و همه موجودات و حتی محیط زیست آنها به عالی ترین حد تحقق قابلیت های بالقوه خویش، خواهند رسید. (۲)

الف) نگرشی به حقوق محیط زیست در جهان امروز

محیط زیست، از اصلی ترین دغدغه های بشر و جهان مدرن در چند دهه گذشته تاکنون بوده است. بر همین مبنا، ایجاد و تحول حقوق و تکالیف آن، چه داخلی و چه بین المللی، از مسائل بسیار مهمی به شمار می آید که بسیاری از صاحب نظران، دولت مردان، و شماری از سازمان های جهانی و معاهدات بین المللی را به خود معطوف و مشغول کرده است.

البته اصطلاح محیط زیست دست کم به معنای امروزی آن در بسیاری از زبان ها نو و تازه به شمار می آید و پیشینه آن، در زبان فرانسه به قرن دوازدهم برمی گردد؛ هرچند این اصطلاح از آغاز دهه ۱۹۶۰ میلادی کاربرد پیوسته پیدا کرده است.

تمدن ها و فرهنگ های پیشین به محیط زیست احترام گذاشته اند. برای نمونه، ایرانیان میترا یا خورشید را می پرستیدند، هندیان و مصریان رودخانه های گنگ و نیل را مقدس می داشتند و بابلیان ستارگان را می پرستیدند. کتاب هایی هم چون ریگ ودا (کتاب مقدس هندوان)، تورات و قانون حمورابی نیز به خصوص حفظ منابع طبیعی و پرهیز از آلودگی محیط زیست پرداخته اند. اقوام دیگر چون فنیقی ها، لیدی ها، هیتی ها، مایا و اینکا نیز به تقدیس پدیده های طبیعی پرداخته اند.

آسیب های زیست محیطی، با ظهور انقلاب صنعتی در قرن هجدهم، به ویژه در جهان صنعتی غرب شکل بسیار ملموس تری یافت و پس از آن در قرن بیستم، خسارات زیست محیطی با قضایایی هم چون تریل اسمیلتر (۳) در ۱۹۴۱، کانال

۱- ee. Bahram Akhavan kazemi, The teachings of Mahdiism and Environmental Rights –

“,The Bright future,(Quarterly ۱, August ۲۰۰۶, p. ۱۳۰-۱۵۴.

۲- ن.ک: بهرام اخوان کاظمی، «الاطروحه المهدویه و حقوق الیبعه»، مجله الموعود، العدد الثانی، الرجب ۱۴۲۸ ه.ق، ص ۶۵-

۷۹.

۳- .Trial smelter.

کورفو (۱) در ۱۹۴۶، اختلاف دریاچه لانو (۲) در ۱۹۵۷، اختلاف سد گات (۳) در ۱۹۶۸، قضیه کاسموس ۹۴۵ (۴) در فضا در سال ۱۹۷۸، فاجعه کارخانه شیمیایی بوپال هند (۵) در سال ۱۹۸۴، فاجعه نیروگاه هسته ای چرنوبیل در ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ و آلودگی های ناشی از حریق عمده چاه های نفت کویت توسط عراق در جنگ دوم خلیج فارس، شکل عینی تر و بحرانی تری یافت و نشان داد که بشر برای چیرگی بر این خطرها، نیازمند عزمی جهانی و برنامه ریزی دقیق، قاطع و فراگیر در سطوح محلی، منطقه ای و بین المللی است؛ در غیر این صورت، حیات بشری دچار نابودی و انهدام روزافزونی خواهد شد.

امروزه تهدیدهای زیست محیطی، دامنه وسیعی را دربرمی گیرد؛ آب و هوا، میزان حرارت و گرم شدن دمای زمین، بالا آمدن سطح دریاها، حفظ گونه های مختلف و به ویژه گونه های نادر گیاهی و جانوری، فرسایش لایه ازن، آثار فعالیت های صنعتی ناشی از اعمال انسان، تخریب جنگل ها، آلودگی آب ها، باران های اسیدی، آلودگی های صوتی، نظامی، هسته ای و مانند آن. از سویی، برخی از این ضایعات زیست محیطی، خود نیز منشأ ضایعات گسترده تری شده اند؛ برای نمونه، کارشناسان معتقدند که قطع درختان جنگلی به صورت انبوه و انتشار ممتد ضایعات صنعتی در فضا، باعث تغییرات بسیار منفی در وضعیت آب و هوای جهانی و بالا آمدن سطح آب دریاها و به تبع آن، زیر آب رفتن دشت های ساحلی و گسترش امواج گرمازا گردیده؛ هم چنان که سوخت های فسیلی و استفاده نامتناسب و گسترده از آنها، باعث افزایش دی اکسید کربن زمین

۱- .Corfu channel case

۲- . Lake lanoux Arbitration

۳- .Gut dam Arbitration

۴- .Soviet satellite cosmos ۹۴۵ case

۵- . در این سال، نشت گاز متیل ایزو سایانیت از کارخانه ای اطراف یونیون در بوپال هند، موجب مرگ دوهزار نفر و آسیب دیدن دویست هزار نفر گردید.

و ایجاد پدیده گازهای گل خانه ای شده است. وجود گازهای سمی منتشر شده از فعالیت های صنعتی انسانی، به اسیدی شدن باران ها می انجامد و آب های مصرفی و فضای حیاتی موجودات دریایی را مسموم می کند و سلامت انسان ها را به خطر می اندازند.

امروزه موضوعات محیط زیستی را از جهت روابط بین الملل پدیده های جدیدی نمی دانند، اما با توجه به وخامت اوضاع آن، رهبران جهان به طور فزاینده ای مسائل محیط زیستی را از موضوعات حاشیه ای و جانبی، به دستور کار اصلی سیاسی شان منتقل کرده اند؛ (۱) هم چنان که همین روش نیز در مورد عمل کرد سازمان های بین المللی و جهانی در نحوه برخورد پیش گیرانه از آلودگی محیط زیست مشاهده می شود و تصویب و عقد ده ها معاهده و کنوانسیون زیست محیطی، بیان کننده چنین اهمیت روزافزونی است.

اصطلاح محیط زیست به یک منطقه یا تمام سیاره و حتی به فضای خارجی ای اطلاق می شود که آن را احاطه نموده است. یونسکو برای محیط زیست، از اصطلاح «بیوسفر» (۲) یا لایه حیاتی نام برده که از تعاریف دامنه دار در این باره بوده و عبارت است از: محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر، همه حیات در آن استمرار دارد. در حقیقت، بیوسفر یا لایه حیاتی، همان لایه و قشر نازکی به شمار می رود که این کره خاکی را در میان گرفته و شامل زمین و هزار متر بالا و عمق زمین و اقیانوس هاست.

آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی تأثیر گذار در حیات هر موجود زنده نیز محیط زیست به شمار می روند. هم چنین از نظر برخی از کنوانسیون های محیط زیستی، محیط مذکور این بخش ها را شامل می شود:

۱. منابع طبیعی اعم از تجدیدپذیر و تجدید ناپذیر، مانند هوا، آب، خاک و

۱- نک: حقوق بین الملل محیط زیست و تحقیقی از دانشگاه هاروارد (ترجمه)، ص ۳۱.

۲- Biosphere.

تمام جانوران و گیاهان و تأثیر متقابل این عوامل در یک دیگر؛

۲. اموال و دارایی هایی که جزو میراث فرهنگی هستند؛

۳. مناظر و چشم اندازهای ویژه.

از این رو، محیط زیست ساخت دست بشر، شامل بناها، آثار تاریخی، ساختمان های گوناگون و یا مناظر و چشم اندازهای ویژه که بخشی از محیط زیست به شمار می آیند، باید در برابر خرابی حراست شوند؛ (۱) همان طور که منابع طبیعی کره زمین از جمله هوا، آب، زمین، گیاهان، حیوانات و به ویژه نمونه های معرف اکوسیستم های طبیعی باید به نفع نسل های حاضر و آینده، برحسب نیاز با برنامه ریزی و مدیریت دقیق محافظت گردند و با منطقی کردن مدیریت تولید و مدیریت منابع، تعارض موجود میان توسعه و محیط زیست حل شود، اما مع الأسف انسان عصر فراصنعتی و دوره «بیوتکنوالکترونیک»، نتوانسته بر معضل نابودی و تخریب محیط زیست خویش فائق آید و هر روز با بیشتر نابود کردن جنگل ها، افزایش بیابان ها، آلودگی هوا، آب و خاک، محیط زیست و انقراض گونه هایی از حیات جانوری و گیاهی بیش از پیش روبه روست و این فرایند در مداری بسته و قهقراپی، همواره تکرار می شود و باز هم سرعت تخریب محیط زیست از سرعت ترمیم آن روزافزون تر است.

(ب) حقوق محیط زیست در سیره نبوی و معصومان

در بحث آموزه مهدویت، همواره نظر کردن به سیره عموم معصومان راه گشا و ضروری است؛ زیرا حاکمیت و امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقطه پایانی و تکمیل رسالت نبوی و امامت دیگر معصومان علیهم السلام خواهد بود. بدیهی است که این سیره، آموزه مهدویت را شرح و تبیین می کند؛ همان طور که این آموزه نیز مکمل و مبین سیره مورد نظر است. بدین لحاظ در این جا جایگاه حقوق موجودات اعم از

۱- نک: حقوق محیط زیست، ص ۷.

جانوری و گیاهی و محیط زیست آنها به اجمال بررسی می شود تا مدخلی مقدماتی برای تبیین بحث مذکور در آموزه مهدویت باشد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به موضوع محیط زیست بسیار اهمیت داده اند. برای نمونه، احادیث فراوانی از ایشان در مورد اهمیت درخت و درخت کاری و آبادانی محیط زیست نقل شده است؛ از جمله فرموده اند:

چه نیکو مالی است نخل که در گِل محکم است؛

اگر رستاخیز برپا شد و نهالی در دست یکی از شما بود، اگر می تواند آن را بکارد باید بکارد؛

هر که درختی بنشانند، خدا به اندازه میوه ای که از آن درخت برون می شود، پاداش برای وی ثبت می کند؛

هر که درختی بکارد، هر بار که انسانی یا یکی از مخلوقات خدا (به اندازه میوه ای که از آن درخت برون می شود) از آن بخورد، برای او صدقه محسوب می شود. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث ارزش مند دیگری، کاشت درخت، جاری کردن نهر و حفر چاه را سه مورد از صدقات جاریه، هم پای اثر «فرزند صالح» و «ساخت مسجد» به شمار آورده که پاداش آن نیز برای فاعل آن تا ابد، دوام می یابد:

هفت چیز است که پاداش آن برای بنده در قبر او و پس از مرگش دوام دارد: کسی که علمی تعلیم دهد، یا نهری به جریان آورد، یا چاهی حفر کند، یا نخلی بکارد، یا مسجدی بسازد، یا مصحفی به ارث گذارد، یا فرزندى بر جا نهد که پس از مرگش برای او آمرزش خواهد. (۲)

توصیه های پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم در مورد حفظ حقوق حیوانات و برخورد ملاطفت آمیز با آنها فراوان است. ایشان علاوه بر نهی شدید از اذیت و کشتن

۱- برای مشاهده احادیث نك: نهج الفصاحه، ص ۲۶۸.

۲- نك: نهج الفصاحه، ص ۲۶۸.

نا به جای حیوانات، بر رسیدگی کامل به آنها تأکید می‌ورزند؛ از جمله فرموده اند:

هر حیوان، پرنده یا غیر آن به ناحق کشته شود روز قیامت با قاتل خویش مخاصمه کند؛

هر که گنجشکی را بیهوده بکشد، روز قیامت آن گنجشک بیاید و نزد عرش فریاد زند و گوید: پروردگارا! از این پیرس برای چه مرا بی فایده کشت؛

هر که گنجشکی را به ناحق بکشد، خدا روز قیامت از وی بازخواست کند؛

زنی به جهنم رفت؛ برای آن که گربه ای را بسته بود و چیزی بدو نخوراند و نگذاشت از چیزهای زمین بخورد تا بمرد. (۱)

آن حضرت بر ساخت و ساز و عمران محیط زیست تأکید فراوانی داشته است؛ هم چنان که ایشان افراد را از زندگی در خانه های ویران برحذر می‌داشتند و دعای چنین کسی را همانند فردی که در حفظ حیوان تحت مالکیت خویش اهمال می‌ورزد، اجابت ناشدنی می‌دانستند:

سه کسند که خدا دعایشان را نمی‌پذیرد: مردی که در خانه ویران جای گیرد و مردی که کنار راه اقامت گزیند و مردی که حیوان خود را رها کند و سپس دعا کند که خدا آن را نگه دارد. (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خرج کردن برای اسب را هم چون نفقه ضروری می‌داند و ضمن همانند دانستن آن با صدقه، امساک کردن در این باره را نهی می‌فرماید و سفارش می‌کند که پیشانی این حیوان را نوازش کنند تا برکت بیفزاید. (۳) تأکید حضرت، با توجه به کاربرد گسترده حیواناتی مانند اسب در امور نظامی و حمل و نقل، صورتی نمادین دارد. در واقع، این توجه بر حفظ حقوق دیگر حیوانات نیز ناظر است؛ هم چنان که مردم را به تکریم گاو، مهتر چهارپایان توصیه می‌فرماید. (۴)

۱- . نک: نهج الفصاحه، ص ۲۱۲.

۲- . نهج الفصاحه، ص ۲۱۲.

۳- . نهج الفصاحه، ص ۳۵. (باب الفرس - الخیل)

۴- . «أكرموا البقر فإنه سيد البهائم.» (بحار الأنوار، ج ۱۳، باب ۷، ص ۲۰۸، روایت سوم)

هم چنین از امام صادق علیه السلام نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مردم را از شلاق زدن، به خصوص به صورت چهارپایان و کشتن زنبور عسل و داغ نهادن بر صورت بهائم نهی فرموده است. (۱) امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری نهی از شلاق زدن به صورت حیوانات را بدین علت دانسته اند که حیوانات با صورت خود خداوند را تسبیح می کنند. (۲) نیز امام حسین علیه السلام در این باره فرموده اند:

برای هر چیزی حرمتی نهاده اند و حرمت چهارپایان در صورت آنها

نهفته است. (۳)

در روایات اسلامی انسان های بی عقل، در ردیف چهارپایان به شمار آمده اند (۴) و یا حتی انسانی که شهوتش را بر عقلش حاکم می کند، بدتر از چهارپایان به حساب آمده است. (۵) از این رو، حیوانات به دلیل فقدان عقل در مرتبه پایین تر از انسان ها قرار داده شده اند، ولی این مسئله دلیلی بر تجویز مراعات نکردن حقوق آنها نیست. در برخی روایات، جانوران به چهار دسته تقسیم شده اند: اول، انسان ها که کامل ترین موجودات هستند، سپس چهارپایانند که گاو مهتر آنها به شمار می آید، سوم، دسته پرندگان هستند که مهتر آنها عقاب است و چهارم، حیوانات وحشی هستند که شیر مهتر آنهاست. در این روایت، امام علی علیه السلام تصریح فرموده اند که گاو، عقاب و شیر برای صنف های زیرمجموعه خویش، از خداوند با تضرع درخواست رزق و شفاعت می کنند. (۶) پس همه حیوانات اهل تسبیح خداوند هستند و به شیوه خویش خداوند را عبادت می کنند. با توجه به

- ۱- «قال نهی رسول الله عن ضرب وجوه البهائم و نهی عن قتل النحل و نهی عن الوسم فی وجوه البهائم.» (بحار الأنوار، ج ۶۴، باب ۸، ص ۲۱۵، روایت ۲۸)
- ۲- نک: بحار الأنوار، ج ۶۴، باب ۹، ص ۲۸۸، روایت ۲۵.
- ۳- نک: بحار الأنوار، ج ۶۴، باب ۸، ص ۲۱۵، روایت ۲۸.
- ۴- «فأما من عدم العقل فإنه يلحق بمنزلة البهائم.» (بحار الأنوار، ج ۶۱، باب ۴۷، ص ۳۲۳، روایت سی ام)
- ۵- «من غلب شهوته عقله فهو شرّ من البهائم.» (بحار الأنوار، ج ۶۰، باب ۳۹، ص ۲۹۹، روایت پنجم)
- ۶- نک: بحار الأنوار، ج ۵۸، باب ۴، ص ۱۱، روایت پنجم.

این نوع نگرش دین اسلام به حیوانات و حتی گیاهان، علت توصیه این دین حنیف به رفتار محبت آمیز و محترمانه و مودت آمیز بیشتر مشخص می شود.

در سیره امام علی علیه السلام نیز بر حمایت از حقوق محیط زیست و رعایت حقوق حیوانات تأکید فراوان شده است. دستور حضرت علی علیه السلام برای جمع آوری مالیات (درباره رعایت کردن حیواناتی که از آنها برای جمع آوری مالیات استفاده می شود)، از بهترین منشورهای اسلامی در زمینه رعایت حقوق حیوانات به شمار می رود. این بخش از نامه که در واقع در سال ۳۶ هجری برای کارگزاران نگارش یافته، نحوه گردآوری و نوع برخورد و نگره داری این حیوانات را برای تحویل به بیت المال مسلمانان شرح می دهد و عمل به این دستور را مایه هدایت و بزرگی پاداش الهی به شمار می آورد:

در رساندن حیوانات، آن را به دست چوپانی که خیرخواه و مهربان، امین و حافظ، که نه سخت گیر باشد و نه ستم کار، نه تند براند و نه حیوانات را خسته کند، بسپار. سپس آن چه از بیت المال جمع آوری شد، برای ما بفرست تا در نیازهایی که خدا اجازه فرموده مصرف کنیم. هرگاه حیوانات را به دست فردی امین سپردی، به او سفارش کن تا بین شتر و نوزادش جدایی نیفکند و شیر آن را ندوشد تا به بچه اش زیان وارد نشود. در سوار شدن بر شتران عدالت را رعایت کند و مراعات حال شتر خسته یا زخمی را که سواری دادن برای او سخت است بنماید. آنها را در سر راه به درون آب ببرد و از جاده هایی که دو طرف آن علف زار است، به جاده بی علف نکشاند و هر چند گاه، شتران را مهلت دهد تا استراحت کنند و هرگاه به آب و علف زار رسید، فرصت دهد تا علف بخورند و آب بنوشند تا آن گاه که به اذن خدا بر ما وارد شوند، فربه و سرحال، نه خسته و کوفته باشند تا آنها را بر اساس رهنمود قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تقسیم نماییم. عمل به دستورهای یاد شده مایه بزرگی پاداش و نیز هدایت تو خواهد بود. (۱)

۱- نهج البلاغه، ترجمه و شرح محمد دشتی، نامه ۲۵، ص ۳۶۷-۳۶۸، بند ۲.

ج) حقوق زیست محیطی در عصر مهدوی**اشاره**

با تأملی کوتاه در روایات ویژه عصر ظهور، به خوبی فهمیده می شود که فضای زیست و موجودات ساکن در قلمرو آن، در نهایت کمال از مواهب حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برخوردار می گردند و طعم آسایش، آرامش و حیات طیبه مبتنی بر عدالت را خواهند چشید. موارد زیر، برخی از ویژگی های محیط زیست در عصر ظهور درباره رعایت کامل حقوق مورد نظر آن است. البته یاد آوری آنها از باب حصر نیست و تنها اشاره ای اجمالی است:

۱. تطهیر و نورانیت زمین

زمین در عصر مهدوی، با لطف الهی از هرگونه جور و ظلمی تطهیر می شود و با نور الهی منور و تابان می گردد. کلمات جور و ظلم با کلماتی مانند طغیان، میل و انحراف، مترادف معنایی دارند. بدیهی است که هرگونه آلودگی، زیرمجموعه معانی جور و ظلم قرار می گیرد؛ زیرا هرگونه آلودگی به معنای انحراف از طبیعت مخلوق الهی و به معنای تعدی از حق و حرکت به سوی باطل است؛ هم چنان که ظلم، به هرگونه تجاوز از حق، اعم از تجاوز کم و زیاد اطلاق می شود. هم چنین ظلم در لغت به معنای تاریکی و شکافی است که در زمین به وجود می آید و به معنای «تجاوز از حد و قرار دادن چیزی در جای نامناسب» (۱) نیز آمده است. ابن فارس می گوید:

ظلم به دو معنا گفته می شود: نخست به مفهوم مخالف نور و روشنایی و دوم قرار دادن چیزی در جایگاهی که شایسته آن نیست. (۲)

حکومت ظلم ستیز و عدالت محور مهدوی بر طبق این تعاریف، بر مبنای آرمانی تطهیر محیط زیست از هرگونه آلودگی و انحراف است و از طهارت و

۱- نک: لسان العرب، ج ۱۲، ص ۳۷۳؛ هم چنین نک: معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۲۶.

۲- معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۴۶۸.

حیات طیبه آن محافظت خواهد کرد.

امام رضا علیه السلام در این زمینه می فرماید:

يَطْهَرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيَقْدَسُهَا مِنْ كُلِّ ظَلَمٍ... فَإِذَا خَرَجَ، أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَهُوَ الَّذِي تَطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ؛ (۱)

خداوند به واسطه او، زمین را از هر گونه جور و ظلم تطهیر و منزه می کند... پس هنگامی که وی (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) خروج کند، زمین با نور پروردگار، نورانی گشته، ترازوی عدالت در میان مردم حکم فرما می گردد. پس از آن، دیگر هیچ کس ظلم نمی کند و او کسی است که زمین برایش درنور دیده می شود.

۲. رضایت و سرور موجودات و محیط زیست

روایات بی شماری در تبیین عصر مهدوی، از نهایت رضایت تمامی ساکنان و موجودات در زمین و آسمان از حکومت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف حکایت می کند. پر واضح است که این رضایت و سرور همگانی نمی تواند بدون تأمین حقوق محیط زیست و ساکنان آن باشد. در روایات متعددی به خصوص از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این معنا چنین ذکر شده است:

... يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوْ؛ (۲)

زمین از عدل پر می شود همان طور که قبلاً از جور پر شده بود. در خلافت او اهل زمین و اهل آسمان و پرنده در هوا، از این حکومت راضی و خوش حال هستند.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۲۱، روایت ۲۹.

۲- نک: بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۴۰، ص ۲۱۹، روایت نوزدهم؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۸، روایت ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۱، ص ۸۰، روایت ۳۷ و بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۱، ص ۹۵، روایت ۳۸.

امام علی علیه السلام نیز فرموده اند:

از قیام وی اهل آسمان و ساکنان زمین فرح ناک می شوند. او زمین را پر از عدل می کند، چنان که پر از ظلم و ستم باشد.

(۱)

۳. امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی

محصول عدالت گستری و ظلم ستیزی حکومت مهدوی و رعایت حقوق محیط زیست و ساکنان آن، چیزی غیر از امنیت و برقراری صلح و دوستی در فراخنای هستی نیست. همان طور که برحسب روایات، کینه ها و اختلاف ها از جامعه بشری رخت برمی بندد، از عالم حیوانی و جانوری نیز این کینه ها و عوامل نزاع، ناپدید خواهد شد و حتی حیواناتی که به کینه جویی و تقابل با هم شهره دارند، در کمال مسالمت و آرامش به زندگی مودت آمیز در کنار هم خواهند پرداخت؛ هم چنان که در حدیث معروفی، نشان بر وضع امنیت بی سابقه در عصر ظهور آمده است که زنی به همراه زینت آلات خود از عراق به شام در کمال آرامش و بدون مزاحمت عامل انسانی و حیوانات وحشی مسافرت می کند و نیز چنین آورده شده که حیوانات وحشی و چهارپایان در آن عصر، در کمال صلح و مسالمت با یک دیگر به سر می برند. (۲) در روایتی دیگر فرموده اند:

حیوانات وحشی امنیت می یابند، چنان که همانند چهارپایان اهلی در راه های زمین به گردش درآمده، به چرا مشغول می شوند. (۳)

در روایتی دیگر، این وضعیت بدین صورت تشریح شده است:

اسمه اسم النبی یأمر بالعدل ویفعله و ینهی عن المنکر ویجتنبه، یکشف الله به الظلم ویجلو به الشک والعمی یرعی الذئب فی آیامه مع الغنم یرضی عنه ساکن السماء والطیر فی الجوّ والحیتان فی البحار...؛ (۴)

۱- مهدی موعود، ترجمه علی دوانی، ص ۲۹۳.

۲- «اصطلحت السباع و البهائم» (نک: بحار الأنوار، ج ۱۰، باب ۷، ص ۱۰۴، روایت یکم)

۳- «و تأمن الوحوش حتی ترعی فی طرق الأرض كأنعامهم» (بحار الأنوار، ج ۵۳، باب ۲۹، ص ۸۶، روایت ۸۶)

۴- بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۴۰، ص ۲۱۹، روایت نوزدهم.

او هم نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. به عدالت امر می فرماید و خود بدان عمل می کند و از منکر نهی می فرماید و خداوند توسط وی از ظلم جلوگیری می کند و شک و نبود بصیرت ها را می زداید. گرگ و گوسفند در روزگار او با هم به چرامی پردازند و ساکنان آسمان و پرنده در هوا و ماهی های دریا از او راضی و خشنود هستند.

هم چنین در کنزالفوائد از ابن عباس و یثگی های عصر ظهور ذکر شده که یکی از آنها این است: «گرگ، میش، گاو، شیر، انسان و مار از جان خود ایمن باشند.» (۱) نیز امام صادق علیه السلام با تشریح برکت دهی آسمان و زمین در این دوره می فرماید: «همه وحوش و درندگان در امنیت کامل خواهند بود.» (۲) بنابراین، طبق فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «مردم در رفاه و چهارپایان در آسایش هستند.» (۳) ایشان در روایت دیگری که گویای اوج حفظ حقوق محیط زیست در آن عصر طیه است، می فرماید:

... نامش نام من است. در موقع ظهور او پرندهگان در آشیانه هایشان و ماهیان در دریاها (با کمال آزادی و دور از هرگونه ترس و مزاحمت دشمن) تولید نسل می کنند و نهرها کشیده می شود و چشمه ها می جوشد و زمین دو برابر محصول خود را می رویاند... (۴)

۴. فعلیت یابی همه قابلیت های محیط زیست در عالی ترین حد

در اصیل ترین منابع دینی، عدالت به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای خویش، ایفای اهلیت ها و رعایت و استیفای همه حقوق ها آمده است. بنابراین در حکومت مهدوی هر موجودی اعم از انسان، حیوان و نبات باید به عالی ترین

۱- . مهدی موعود، ص ۲۵۷.

۲- . مهدی موعود، ص ۳۷۴.

۳- . مهدی موعود، ص ۲۹۴.

۴- . مهدی موعود، ص ۱۰۹۵.

جایگاه و تحقق تمام استعدادها و قابلیت های خود برسد.

در عصر مهدوی، افزون بر جامعه بشری، محیط زیست ارضی و سماوی و تمام موجودات ساکن در آنها به عالی ترین و نهایی ترین حد تحقق قابلیت های خود دست می یابند و به عبارت روشن تر، آنها نیز عدالت پیشگی را سرلوحه خود قرار می دهند. به همین دلیل، آسمان و زمین ثروت های مکنون خود را بیرون می ریزند و هرگونه آلودگی و تلوث را با یاری خدای منان و مواهب حکومت مهدوی از خود دور می سازند و پوشش گیاهی، تمام عالم را فرا می گیرد؛ هم چنان که بنا بر روایت، زنی مسافر، راه عراق و شام را در امنیت می پیماید، آمده که وی «در مسیر خویش گام نمی گذارد مگر بر نبات و گیاهان» (۱) و این نشانه ای از پوشش گسترده گیاهی در سراسر جهان است که شام و عراق با مناطقی تقریباً کم آب و علف و نیمه خشک، در عصر ظهور، پوشیده از گیاه می شوند. برخی از روایات بیان کننده تحقق تمام استعدادهای بالقوه محیط زیست در دوران ظهور است، از جمله:

فیخطب الناس فتستبشر الأرض بالعدل وتعطى السماء قطرها والشجر ثمرها والأرض نباتها وتترین لأهلها... و تخرج لهم الأرض كنوزها...؛ (۲)

پس [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] مردم را خطاب می کند، سپس زمین را به عدالت، بشارت می دهد. در این هنگام آسمان باران خود را عطا می کند و درختان میوه های خود را فرو می فرستند. زمین تمام رستنی های خویش را عرضه می کند و خود را برای اهل عالم با این گیاهان زینت می بخشد...؛ هم چنان که زمین برای مردم، گنج های خود را خارج می سازد.

یظهر الله له كنوز الأرض و معادنها و ينصره بالرعب...؛ (۳)

خداوند گنج ها و معادن زمین را برای او آشکار می سازد و وی را با رعب خویش یاری می دهد.

۱- «ولا تضع قدمها إلا على النبات.» (بحار الأنوار، ج ۱۰، باب ۷، ص ۱۰۴، روایت یکم)

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، باب ۲۹، ص ۸۶، روایت ۸۶.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۲۲، روایت ۳۱.

ذکر دو روایت از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلمدر این مورد نیز به تنویر مطلب کمک بیشتری می کند:

... یخرج رجل من أهل بیتی و یعمل بستتی وینزل الله له البرکه من السماء و تخرج الأرض برکتها...؛ (۱)

مردی از اهل بیت من خروج کرده، به سنت من عمل می کند و خداوند برای وی برکت های خویش را از آسمان فرو می فرستد و زمین نیز برکات خود را خارج می سازد....

یتنعم أمتی فی زمانه نعیماً لم یتنعموا مثله قطّ البرّ والفاجر، یرسل السماء علیهم مدراراً و لاتدخر الأرض شیئاً من نباتها؛ (۲)

امت من در زمان وی از نعماتی متنعم می شود که قبلاً از آنها بهره مند نشده بودند و نیکوکار و فاجر، جزو بهره مندان این نعمت ها هستند. آسمان بر آنها باران هایش را نازل کرده، زمین چیزی از رویدنی هایش باقی نمی ماند مگر این که آنها را برویاند و تأخیری در این مورد روا نمی دارد.

۵. آبادانی و توسعه موزون محیط زیست

مطالب پیشین به خوبی گویای اوج آبادانی محیط زیست در عصر ظهور است. با وجود این، در پاره ای از روایات به گونه ای دقیق تر و مصداقی تر به این

آبادانی اشاره شده و حتی آمده که تمام ویرانه های زمین آباد می گردد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

... خداوند دین خود را به وسیله او بر تمام مکتب های جهان پیروز می گرداند، هرچند مشرکان ناخشنود و مخالف باشند؛ ویرانی های زمین آباد می گردد.... (۳)

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۱، ص ۸۰، روایت ۳۷.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۱، ص ۷۸، روایت ۳۷.

۳- عصر ظهور، ص ۳۵۷.

هم چنین در تفسیر آیه «مُدْهَامَّتَانِ» از امام صادق علیه السلام منقول است که در عصر ظهور، «بین مکه و مدینه از درختان نخل متصل می گردد»، (۱) و نیز در بخشی از کلام خود در مورد این عصر، می فرماید:

امام [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] مسجدی در بیرون کوفه می سازد که هزار در داشته باشد و خانه های کوفه به نهر کربلا و «حیره» متصل می شود، به طوری که مردی در روز جمعه سوار استر تندرو می شود تا خود را به نماز برساند، ولی به نماز نمی رسد. (۲)

شیخ طوسی با ذکر روایتی در کتاب تهذیب می نویسد:

امیرالمؤمنین علیه السلام به «حیره» تشریف برد و فرمود: «روزی برسد که کوفه به حیره وصل شود و چنان مرغوبیت پیدا می کند که یک ذرع زمین آن به چند اشرفی فروخته می شود و مسجدی در حیره بنا می شود که دارای پانصد در باشد! و نماینده قائم در آن نماز می گزارد؛ زیرا مسجد کوفه برای آنها تنگ خواهد بود، دوازده پیش نماز عادل در آن جا نماز می گزارند.» (۳)

این روایات از آبادانی و توسعه موزون محیط زیست انسانی، حیوانی و نباتی در کل عالم حکایت می کند که این نیز نتیجه حمایت کامل از حقوق زیست محیطی در آن دوران درخشان است. در نتیجه چنین وضعیتی، حتی کره زمین از وضعیت بهینه خویش و از این که در زیر قدم های یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

قرار می گیرد، به خود بالیده، احساس غرور و افتخار می کند. امام باقر علیه السلام در

این مورد می فرماید:

۱- . عصر ظهور، ص ۳۶۵. (به نقل از: بحار الأنوار، ج ۵۶، ص ۴۹)

۲- . مهدی موعود، ص ۱۱۱۶.

۳- . مهدی موعود، ص ۱۱۳۴-۱۱۳۵.

گویا من یاران قائم را می بینم که بر شرق و غرب جهان احاطه پیدا کرده اند و همه چیز تحت فرمان آنهاست؛ حتی درندگان زمین و پرندگان شکاری آسمان در پی رضایت آنها خواهند بود و همه چیز حتی این نقطه زمین بر نقطه دیگر آن اظهار فخر و غرور می کند و می گوید: امروز مردی از یاران قائم بر من قدم نهاد و عبور کرد. (۱)

۶. مقابله با آلاینده ها و رعایت حریم های خصوصی و عمومی در حیات مدنی

این موارد نه تنها مصادیق دقیقی از حفظ حقوق محیط زیست است، بلکه حتی اگر آلایندگی محیط زیست به اشراف بر یک منزل یا ریزش آب از ناودان های منازل به محیط عمومی منحصر باشد و یا این که مسجد به خانه های مردم مشرف گردد و یا حتی بخشی از یک بنا در راه های عمومی ساخته شده باشد، با برخورد حکومت روبه رو می شود و در هر حال، این مورد با تخریب مسجد، برطرف می گردد. در کتاب ارشاد، ابوبصیر در حدیثی طولانی از امام صادق علیه السلام در این مورد چنین روایت می کند:

هنگامی که قائم ماقیام کند، چهار مسجد را در کوفه منهدم می کند و هیچ مسجد مشرفی را نمی گذارد، جز این که کنگره و اشراف آن را خراب می کند و به حال ساده و بدون اشراف می گذارد؛ شاه راه ها را توسعه می دهد؛ هر گوشه ای از خانه ها را که واقع در راه عمومی است، اصلاح می کند و ناودان ها را که مشرف به راه مردم است، برمی دارد؛ هر بدعتی را برطرف می سازد و هر سنتی را باقی می گذارد... (۲)

۷. استفاده از راه کارها و فن آوری های جدید در محیط زیست

در عصر ظهور، رشد و ترقی علوم و فنون به اوج خود می رسد و دانش بنابه

۱- . عصر ظهور، ص ۳۶۸. (به نقل از: بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷)

۲- . مهدی موعود، ص ۱۱۲۱.

روایات از دو حرف به ۲۷ حرف خواهد رسید؛ (۱) ضمن این که شکوفایی و کمال عقلانیت بشری و افزایش فهم و درک جامعه انسانی یکی از مواهب خداداد عصر ظهور به شمار می آید. (۲) پر واضح است در چنین وضعیت بالنده و سرشار از فن آوری های جدید، هزاران ابزار جدید علمی برای مقابله با آلاینده های صنعتی در دست رس بشر قرار خواهد گرفت و جهان از وجود تمامی آنها رهایی خواهد یافت. هم چنین در آن عصر، با تعالی جامعه، بشر که اصلی ترین آلاینده محیط زیست است، از ارتکاب این گونه اعمال، عاقلانه و بر مبنای اعتقاد عملی به دیانت خویش، پرهیز خواهد کرد.

۸. گسترش حفظ محیط زیست به فضاها و مابین زمین

برخی از خبرگان مباحث مهدویت معاصر، بر این باورند که بنابر روایات متعدد، کره های بسیاری در آسمان ها وجود دارد که آباد و دارای مخلوقاتی غیر از نوع انسان، فرشته و جن هستند. علامه مجلسی مجموعه ای از این روایات را در بحار الأنوار گرد آورده است؛ به اعتقاد استاد علی کورانی و عده ای دیگر، شماری از آیات قرآن نیز بر این معنا دلالت دارد، از جمله این آیه شریفه:

ای گروه جنیان و انسیان، اگر می توانید از کرانه های آسمان و زمین به بیرون رخنه کنید، پس رخنه کنید، [ولی] جز با [به دست آوردن] تسلطی رخنه نمی کنید. (۳)

کورانی در ادامه این آیه می نویسد:

یعنی به زودی زندگی روی زمین در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد مرحله جدیدی می شود که به طور کلی با گذشته ها تفاوت دارد. (۴)

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، روایت هفتم.

۲- نک: ظهور نور، ص ۳۰۲. (به نقل از: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۹۵، روایت ۲۵۳)

۳- سوره رحمن، آیه ۳۳.

۴- نک: عصر ظهور، ص ۳۷۰.

البته منظور ایشان آن است که بشر در عصر ظهور، با فتح دیگر کره های مسکون و معمور توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت وی مواجه خواهد گشت.

از این مبحث نتیجه می گیریم که در آن عصر نورانی، هم محیط زیست و هم صیانت و محافظت از آن، ابعاد بسیار گسترده تری نسبت به جهان فعلی می یابد و قلمرو آن به همه کره های تحت سیطره حکومت حضرت کشانیده خواهد شد.

۹. تعالی معنوی محیط زیست و همراهی آن با حیات طیبه مهدوی

بیان شد که حتی حیوانات وحشی در دولت مهدوی، تعالی پیشه می کنند و با کنار گذاشتن توحش، رام گشته، تکامل می یابند و درندگی را کاملاً کنار می گذارند. جالب این که در برخی روایات، حیوانات عادی نیز کارهای مخرب را کنار می نهند تا جایی که حیوانی مانند موش، به تعبیر ابن عباس، «دیگر انبانی را پاره نمی کند»^(۱) اما این تکامل خواهی تنها به حیوانات و نباتات محدود نمی گردد، بلکه جمادات نیز به این حیات طیبه وارد می شوند و نهضت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را مساعدت و همراهی می کنند. ابوبصیر در این مورد، از امام صادق علیه السلام

چنین نقل می کند:

...وقتی با اراده خدا، قائم قیام نماید و چون حضرت ظهور نماید، کافران و مشرکان از قیام و ظهور وی ناراضی و نگرانند؛ زیرا اگر کافر و یا مشرکی در پشت صخره ای نهان شود، آن صخره به صدا درآید و گوید: ای مسلمان، در پناه من کافر و یا مشرکی مخفی شده است؛ او را به قتل برسان! وی اقدام می کند و او را به هلاکت می رساند.^(۲)

۱- . مهدی موعود، ص ۲۵۷. (در همین منبع از ابن عباس نقل شده که در حکومت حضرت مهدی، خوک ها معدوم می شوند که البته نگارنده، چنین روایتی ندیده است و اگر هم روایت موثقی باشد، ناظر بر این است که در حکومت حضرت با انعدام خوک ها، زمینه انجام شدن گناه (خوردن گوشت حرام این حیوان) را از بین می برد؛ والله اعلم.)

۲- . عصر ظهور، ص ۳۵۶. (به نقل از: مجمع البحرین، ص ۸۷)

۱۰. عاری بودن قیام مهدوی از تخریب های زیست محیطی

تمامی روایات بر این مطلب تصریح دارند که در دوره ظهور، یاران امام به مجازات و قتل و نابودی ستم گران اقدام خواهند کرد و جامعه اسلامی و دیگر جوامع جهانی را از لوٹ وجود سرکشان و ستم پیشگان پاک سازی می کنند؛ زیرا بدون این اقدامات، هرگز بساط ظلم زورمداران برچیده نمی شود و عدالت، حاکم نمی گردد و اگر امام با سیاستِ ملایمت و گذشت با آنها رفتار کند، هرگز ترفندها و توطئه های جدید مستکبران و فاسدان در زمین از بین نخواهد رفت. حضرت در عصر قیام، توبه ظاهری هیچ مجرم و جنایت کاری را نمی پذیرد و همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در براندازی نظام جاهلی، جهاد پیشه کرد و با کافران به قتال و کارزار پرداخت، قیام مهدوی نیز علاوه بر تأسی به

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه، حتی سخت گیری بر ستم گران را جای گزین رأفت نبوی می کند.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

اما شباهت داشتن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به جد گرامی اش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، قیام و ظهور او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول او و ستم گران و طاغوت هاست. وی به وسیله شمشیر و ایجاد ترس در دل دشمنان، پیروز می گردد و لشکریان او شکست نمی خورند. (۱)

اما مع الأسف برخی از دشمنان و یا حتی دوستان ناآگاه در مورد اعمال خشونت و کشتار حکومت مهدوی، چنان راه غلو پیشه می گیرند که قاطعانه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را برافروزنده جنگ هسته ای با دشمنان یاد می کنند! به اعتقاد نگارنده، نه تنها در عصر ظهور به سلاح هسته ای نیازی نیست، بلکه نبرد حکومت مهدوی و یاران آن حضرت با دشمنان، تخریب زیست محیطی و ایجاد فجایع محیط زیستی را به دنبال نخواهد داشت. برخی از ادله این مدعا چنین است:

۱- عصر ظهور، ص ۳۵۳. (به نقل از: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸)؛ هم چنین نک: مهدی موعود، ص ۱۱۲۶.

یکم. بنابر برخی ارزیابی‌ها، بر اثر جنگ هسته‌ای معمولی در جهان امروز، دست کم ۵/۱ میلیارد انسان کشته خواهند شد. ابرهای هسته‌ای ایجاد شده بر اثر انفجار اولیه، به ظهور زمستانی طولانی مدت با کاهش دمای حدود پنجاه درجه زیر صفر می‌انجامد و زمین مدت‌ها از نور خورشید محروم خواهد شد و گیاهان در این مدت از رویش بازخواهند ایستاد و شاید بسیاری از آنها و از جمله حیوانات نابود گردند. حال بنابه روایت‌های قبلی، چگونه ممکن است قیامی باعث رضایت و خشنودی همه ساکنان سماوی و ارضی گردد و در عین حال، هم آنها و هم محیط زیست را به بدترین شکل نابود کند؛ ضمن آن که آثار و تشعشعات چنین جنگی، دیرپا و ده‌ها سال مرگ‌بارتر خواهد بود و این نیز با ماهیت حیات طیبه آرمانی مهدوی منافات دارد! مگر نه این که طبق روایات، حکومت مهدوی، حکومتی است که حتی خفته‌ای را بی‌جهت بیدار نمی‌کند، (۱) پس چگونه امکان دارد در قیام امام، سلاح‌هایی این چنین مخرب به کار گرفته شود؛ آن هم در دوره‌ای که امنیت در جهان فراگیر می‌گردد؟

دوم. با توجه به روایات پیش‌گفته، مبنی بر افزایش فهم و گسترش دانش بشری در عصر ظهور، امام می‌تواند با ابزارهای جدید که بر فن‌آوری‌های جدیدی مبتنی است، هم به مبارزه با سلاح‌های مخرب ستم‌کاران عالم پردازد و هم این که تأثیر این سلاح‌ها را خنثا ساخته، آنها را در واقع بی‌اثر و خلع سلاح کند. بنابراین، امام می‌تواند با استفاده از علم زمانه خویش، شمشیر را که به منزله سلاح نمادین حضرت در روایات آمده، به سلاح‌ها و ابزارهای متعارف و کارآمد روز متحول سازد؛ (۲) ابزارهایی که در عین تأثیر گذاری، فاقد آلاینده‌گی و تخریب

۱- . منتخب الأثر، ص ۴۷۸، باب ۷، روایت دوم.

۲- . همه پیامبران الهی مخصوصاً پیامبران اولوالعزم در زمان ظهور خود، به علم و به عبارتی ابزار متناسب با زمان خود مجهز بوده‌اند؛ مثلاً در زمان عیسی (با توجه به پیشرفت علم طب و رونق آن، وی امراض صعب‌العلاج را شفا داد و به اذن خدا مرده را زنده کرد. در زمان موسی (علم سحر رونق داشت و این پیامبر به عصای سحرآمیز مجهز شده بود. در زمان پیامبر اسلام)، علم فصاحت و بلاغت و شعر و شاعری در بین اعراب رونق داشت و ایشان به قرآنی مجهز شدند که سرآمد فصاحت و بلاغت در عالم بشری گردید.

زیست محیطی باشند.

سوم. بنابه روایات، قتال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند کشتارهای بی هدف امروزی نیست. حضرت با استفاده از علم لدنی خویش، تنها اصلاح ناپذیران را هلاک می سازد (۱) و دیگر بدکاران اصلاح پذیر را به حال خود رها می کند تا توبه کنند و اصلاح شوند؛ همان طوری که در روایات، نعمات عصر ظهور، هم برای نیکوکاران و هم بدکاران، ملحوظ گشته است.

از سوی دیگر، طبق روایت، بخش چشم گیری از جامعه بشری پیش از حکومت مهدوی از بین می رود. بنابراین، نمی توان آن را محصول عملیات نظامی و تخریبی حضرت دانست، بلکه قبل از ظهور، این اتفاق بر اثر منازعات جوامع انسانی حاصل می گردد. بدین ترتیب در همه گیتی فریاد منجی و موعود خواهی بلند گشته، همگان نجات خود را از خداوند و فرستاده وی طلب می کنند. بنابراین، این گونه فجایع انسانی و زیست محیطی، محصول دوره قبل از ظهور است. امام صادق علیه السلام در این مورد می فرماید:

قبل از ظهور قائم، دو نوع مرگ و مردن گریبان مردم را می گیرد: یکی مرگ سرخ و دیگری مرگ سفید. مرگ سرخ با شمشیر است و مرگ سفید طاعون و از هر هفت نفر، پنج نفر از بین می روند و دو نفر باقی می مانند. (۲)

امام علی علیه السلام هم فرموده اند:

لا تخرج المهدی حَتَّى یقتل ثلث و یموت ثلث و یبقی ثلث؛ (۳)

۱- . منتخب الأثر، ص ۳۵۵.

۲- . حیدری کاشانی، حکومت عدل گستر، ص ۲۱۳.

۳- . حیدری کاشانی، حکومت عدل گستر، ص ۲۱۳.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نمی کند تا این که قبل از او ثلث مردم کشته می شوند و ثلث دیگر می میرند و ثلثی باقی می مانند.

چهارم. طبق روایات فراوان، قیام مهدوی با رعب و نصرت الهی و با کمک فرشتگان و حتی جبرئیل و میکائیل همراه است. بنابراین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سلاح های مخربی مانند سلاح هسته ای نیازی نخواهد داشت و در صورت تمسک ایشان به سلاح های جدید، بدیهی است که چنین تقابلی، مستظهر به نصرت الهی و مؤید به مساعدت فرشتگان و فاقد هر گونه تخریب زیست محیطی و یا فجایع انسانی خواهد بود و چنین تفکری از اساس، محال و حتی تناقض نما (پارادوکسیکال) است. برخی از روایاتی که نصرت الهی در حکومت و قیام مهدوی را نشان می دهند، عبارتند از:

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

قائم در کنف حمایت جبرئیل و میکائیل است. (۱)

۲. شیخ مفید در کتاب ارشاد از ابوبکر حضرمی روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

گویا قائم را در بلندی کوفه (شهر نجف) می بینم که با پنج هزار فرشته در حالی که جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ و مؤمنان پیش روی او قرار دارند، به آن جا آمده است و لشکری خود را در شهر پراکنده می سازد. (۲)

۳. امام صادق علیه السلام می فرماید:

... خداوند صاحب الأمر را با سه لشکر از فرشتگان و مؤمنان و رعبی (که در دل پادشاهان و گردن کشان می اندازد) تأیید می کند. (۳)

۱- . نک: مهدی موعود، ص ۲۸۹.

۲- . مهدی موعود، ص ۱۱۱۹.

۳- . مهدی موعود، ص ۱۱۲۵.

۴. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در کلامی طولانی در شرح ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام وی فرموده اند:

او دین خدا را بر همه ادیان غالب گرداند و با نصرت خدا و فرشتگان تأیید شود. پس زمین را پر از عدل و داد کند، چنان که پر از جور و ستم

شده بود. (۱)

با این توضیحات روشن می شود که قیام الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حیات طیبه قرآنی و عاری از هرگونه آلودگی و تلوث و آلاینده‌گی معطوف است و چشمه جوشان طهارت، صلح، صفا، پاکی و صمیمیت در سپهر حیات انسانی، جانوری و نباتی و حتی عرصه های فرازمینی خواهد بود.

نتیجه

در فصل حاضر، در جهت تبیین وضعیت حقوق محیط زیست در آموزه و حیات طیبه مهدوی، ابتدا به وضعیت حقوق یاد شده و اهمیت محیط زیست و وضعیت بحرانی آن در جهان امروز اشاره گردید و سپس با هدف تشریح هرچه بیشتر موضوع حاضر در حکومت جهانی موعود، به طور اجمال، این مسئله در سیره نبوی و سایر معصومان بررسی شد. نتیجه این بررسی، نشان می دهد که توجه ویژه حکومت مهدوی به موضوع محیط زیست و تعالی بخشی به آن، به شکل کاملاً نمایان، از تفکر اسلامی و سنت ناب نبوی و علوی سرچشمه می گیرد. آن گاه به طور اخص، مبحث حاضر در آموزه مهدوی، ژرف نگری گردید و این نتیجه به دست آمد که در عصر ظهور، حقوق محیط زیست به گونه کامل رعایت می شود و موجودات و محیط زیست آنها در گستره هایی به وسعت جهان هستی، در حیات مادی و معنوی ارتقا و تکامل می یابند و ضمن همراهی رضایت مندانانه و شاید مبتنی بر شعور، به نهایت تحقق استعدادها و قابلیت های بالقوه خویش

می‌رسند. در آن زمان، عالم هستی از هرگونه تلوث، آلودگی و آلاینده‌گی مادی و معنوی، تطهیر و پاک می‌شود و با اشراق الهی، منور و مشعشع می‌گردد. آن‌گاه با نابودی شیطان و وساوس شیطانی، تسبیح و حمد الهی تمام موجودات و حتی جمادات، بیش از پیش با انسان متعالی این عصر نوپدید و سعید، هم‌نوا تر می‌شود. در پایان، برخی از ویژگی‌های زیست محیطی دوران طیبه مهدوی به اجمال یادآوری می‌گردد:

۱. تطهیر و نورانیت زمین؛

۲. رضایت و سرور موجودات و محیط زیست؛

۳. امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی؛

۴. فعلیت یابی قابلیت‌های محیط زیست در عالی‌ترین حد؛

۵. آبادانی و توسعه موزون محیط زیست؛

۶. مقابله با آلاینده‌ها و رعایت حریم‌های خصوصی و عمومی در حیات مدنی؛

۷. استفاده از راه‌کارها و فن‌آوری‌های جدید در حفظ محیط زیست؛

۸. گسترش حفظ محیط زیست به فضاها و ماورای زمینی؛

۹. تعالی معنوی محیط زیست و همراهی آن با حیات طیبه مهدوی؛

۱۰. عاری بودن نبردها و قیام مهدوی از تخریب‌های زیست محیطی.

بنابراین، محیط زیست و موجودات هستی با این تحول و استحاله ایجابی، به اصل و وضع اصلی و طبیعی و الهی خود باز خواهند گردید و بنا به تعریف عدل (قرار گرفتن هر چیز در جای خود و استیفای اهلیت‌ها و استحقاق‌ها) عدالت در مورد آنها اجرا خواهد شد و به نهایت اهلیت و سزاواری و تحقق استعدادها و قابلیت‌های مکنون خویش دست خواهند یافت.

ص: ۱۵۶

ص ۱۵۶ سفید

فصل ششم: آموزه مهدویت و لیبرال – دموکراسی

اشاره

انسان ها و به ویژه متفکران و مکاتب الهی و غیر الهی، از بدو اندیشه ورزی جامعه بشری، به دنبال ترسیم جامعه ای آرمانی بوده اند (۱) که به زیستی نسل بشر و سعادت آدمیان را تأمین کند. علاوه بر نهضت های عملی و فکری پیامبران، دست کم از شش قرن قبل از میلاد مسیح علیه السلام، مکاتب بشری نیز این تلاش ها را نظریه پردازی کرده اند و این مساعی در الهیات و فلسفه سیاسی و فکری ایران و یونان باستان بیشتر مشهود است. از مشهورترین این نظریه پردازی ها، می توان به «نیک شهر» یا «کالیپولیس» (۲) افلاطون (۴۲۷ - ۳۲۷ قبل از میلاد) اشاره کرد که این فیلسوف

۱- . برای نمونه نک: آرمان شهر در اندیشه ایرانی؛ مدینه فاضله در متون اسلامی.

۲- Kallipolis.

کوشید تا گم شده خود یعنی عدالت را در آن پی جویی و مجسم کند و به همین دلیل، عنوان اصلی کتاب این متفکر یعنی جمهوری به «عدالت» اختصاص یافت.

از سوی دیگر، مدعیان مکتب لیبرال - دموکراسی، در جهان حاضر، این نحله فکری و عملی را آرمانی ترین الگوی زندگی و مدیریت جامعه بشری به شمار می آورند و در واقع، به گونه ای مستقیم یا غیرمستقیم، مدعی هستند که لیبرال - دموکراسی تجسم و مقصد نهایی آرمان ها و الگوهای مدائن فاضله بشری است و همه کشورها باید آن را کم عیب ترین مدل مدیریت جوامع انسانی دانسته، بدان اقتدا کنند. پیروی از آن، می تواند نجات بخش باشد و انسانیت را به سر منزل نهایی برساند. متفکران امریکایی مانند فوکویاما با فروپاشی شوروی و تضعیف ایدئولوژی های رقیب دموکراسی های لیبرال، معتقدند که «لیبرال - دموکراسی شکل نهایی حکومت در جوامع بشری است».

بنابر انگاره این مدعیان، لیبرال - دموکراسی توانسته و می تواند آرمان ها و آرزوهای دیرپای بشر را محقق کند و منجی گرای و انتظار مصلح موعود برآمده از عالم غیب بی فایده است و خواب و خیالی بیش نیست و تفکری «فاناتیک» (۱) به شمار می آید. آن چه عینیت و واقعیت دارد، تحقق اکثر آرزوهای مترقی بشری در دامن لیبرال - دموکراسی، آن هم نه در آینده ای نامعلوم بلکه در عصر فعلی است.

نوشتار حاضر، علاوه بر پاسخ به ماهیت شناسی الگوی لیبرال - دموکراسی، واقعیت سراب گونه و معضلات نظری و عملی آن را آشکار ساخته، بر نهایی بودن مقصد آن برای رفع حرمان ها و آلام بشری خط بطلان می کشد. آن گاه این الگو را تا جای ممکن با مردم سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی و سپس با الگوی دین سالاری سپهری مهدوی مقایسه می کند و براین ادعا پای می فشارد که هم چنان الگو و آرمان نهایی جامعه فاضله بشری، در حیات طیبه حکومت

۱- Fanatic. (تعصبی، افراطی، جزمی، کوتاه بینانه)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نهفته است و بشر با تحقق انتظاری فعال، باید در زمینه سازی و تحقق آن بکوشند.

در این فصل، ابتدا مفهوم لیبرال - دموکراسی و معایب آن بازکاوی می شود، آن گاه با اعتقاد به این که انقلاب و نهضت اسلامی ایران زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، نوع نظام مردم سالاری دینی جمهوری اسلامی ایران و تمایزات آن با لیبرال - دموکراسی عیان می گردد، سپس وضعیت دین سالاری سپهری در حکومت جهانی مهدوی به گونه ای مقایسه ای با آن دو، تشریح خواهد شد. این فصل در حقیقت، به روایی سنجی دو الگوی مدعی نجات و ترقی بخشی بشری خواهد پرداخت و پس از اثبات بی اعتباری لیبرال - دموکراسی در این زمینه، سرآمدی و برتری آموزه طیبه مهدویت و دین سالاری سپهری مهدوی را بیان خواهد کرد.

گفتار اول: سیری در مفهوم و مبانی دموکراسی و لیبرالیسم

الف) مفهوم دموکراسی

دموکراسی اندیشه ای سیاسی و نیز نوعی سازوکار و نظام اداره جامعه و از اندک مفاهیم سیاسی دیرپای فلسفه سیاسی به شمار می رود و به ویژه در دو سده اخیر رونق و ترویج یافته است. این مفهوم از استوارترین و پابرجاترین مفاهیم سیاسی در عمر طولانی خویش، تحولات و فراز و نشیب های بسیار به خود دیده و به قاطعیت می توان گفت، بشر مدرن هنوز در استفاده از این مفهوم جنجال برانگیز و آرامش خیز، به اجماع نظر و توافق دست نیافته است. به قول دیوید هلد، تاریخ اندیشه دموکراسی، بغرنج و تاریخ دموکراسی گیج کننده است.

دموکراسی کلمه ای یونانی به شمار می رود و کاربرد اجتماعی و سیاسی آن به معنای «حاکمیت مردم» یا «حق همگان برای شرکت در تصمیم گیری در امور همگانی» از نیمه دوم قرن پنجم قبل از میلاد از آتن آغاز شد. دموکراسی یا

حکومت مردم سالاری که در متون کلاسیک «حکومت مردم بر مردم و برای مردم» تعریف شده، تلفیقی از دو لفظ یونانی «Demos» به معنای عامه مردم و «Kratos» به معنای قدرت، حکومت، اداره امور و حاکمیت است که امروزه به نام حاکمیت یا آرای مردم از آن نام برده می شود. با وجود تعاریف متعدد از دموکراسی، در واقع مشارکت سیاسی شهروندان برای تصمیم گیری، مفروض اساسی دموکراسی و تعریف آن است ولی عمدتاً سه اصل آزادی، برابری و مشارکت در تصمیم گیری های سیاسی، از مبانی آن به شمار می آید. برخی هم این اصول را شامل سه اصل مشروعیت، برابری، آزادی و تبعات آن می دانند.

بعضی در دیدگاهی گسترده تر، اصول اساسی دموکراسی را این گونه

تعبیر کرده اند:

نشأت گرفتن قدرت و قانون از اراده مردم، آزادی افکار عمومی و اتکای حکومت به آن، وجود مکانیسم های مشخص برای ابراز افکار عمومی از جمله احزاب سیاسی، اصل حکومت اکثریت عددی در مسائل مورد اختلاف در افکار عمومی مشروط به وجود تساهل و مدارای سیاسی، محدود بودن اعمال قدرت حکومتی به رعایت حقوق و آزادی های فردی و گروهی، تکثر و تعدد گروه ها و منافع و ارزش های اجتماعی، امکان بحث و گفت و گوی عمومی و مبادله آزاد افکار درباره مسائل سیاسی، قوت جامعه مدنی، اصل نسبییت اخلاقی و ارزشی، تساهل نسبت به عقاید مختلف و مخالف، برابری سیاسی گروه های اجتماعی از لحاظ دست رسی به قدرت، امکان تبدیل اقلیت های فکری به اکثریت از طریق تبلیغ نظرات گروهی، استقلال قوه قضائیه در راستای تأمین و تضمین آزادی های مدنی افراد و گروه ها، تفکیک قوا یا استقلال حداقل سه قوه از یک دیگر و امکان ابراز مخالفت سازمان یافته و وجود اپوزیسیون قانونی. (۱)

۱- حسین بشیریه، «تاریخ اندیشه ها و جنبش های قرن بیستم، اندیشه های لیبرال - دموکراتیک»، ص ۴۱.

البته پیچیدگی، گستردگی و مبهم بودن معنای دقیق دموکراسی و اصول آن، مشکلاتی را نیز در تعیین انواع آن ایجاد کرده و باعث تقسیم بندی های متفاوت و متکثر از این اصطلاح شده است.

(ب) مفهوم لیبرالیسم

لیبرالیسم و یا فلسفه آزادی خواهی با عناصر و ویژگی های فکری خویش، مهم ترین مفهوم هم پیوند دموکراسی و از فراهم آوردن گان تفکر سکولاریسم بوده است. لیبرالیسم در معنای وسیع، مجموعه روش ها، سیاست ها و ایدئولوژی هایی به شمار می رود که فراهم آوردن آزادی هرچه بیشتر برای فرد را سفارش می کنند. اعتقاد به آزادی، اختیار، اراده و مجاز بودن انسان به پروراندن خود به گونه آزاد، از دیگر دست آوردهای لیبرالیسم است. از جمله، لیبرالیسم سیاسی، به آزادی فکر و آزادی عمل فرد تا مرز آزادی دیگران سفارش می کند و با طرف داری از اصالت فرد عقیده دارد که انسان ها خردمندند و خرد، ضامن آزادی فردی و آزادی، ضامن زندگی خردآمیز است. سلب آزادی از سوی هرگونه عامل مخل و اعم از هرگونه اقتدار، چه دولتی و چه مذهبی، به معنای نفی خردمندی و نفی خردمندی، نفی آزادی به شمار می رود. بنابراین، آزادی فردی ضامن مصالح عقلایی بشر بوده و باید از ابتکار آزادی فردی و خصوصی پاس داری کرد. در این زمینه، دین و مذهب هم در عرصه زندگی خصوصی مردم جای می گیرد و لیبرالیسم بر اساس باور خود به تساهل و مدارا، به انتخاب آزادانه عقاید و نبود بازخواست مذهبی و عقیدتی از سوی دولت معتقد گردید؛ هم چنان که آزادی عقاید و مذهب و آزادی بی قید و شرط در قلمرو اندیشه ها و عقاید سیاسی و معتقدات مذهبی را شرط پیشرفت و تکامل فرد و افراد اجتماع به شمار آورد و با شخصی و خصوصی برشمردن مذهب در حوزه حیات فردی، دیانت و مذهب را محترمانه از صحنه های اجتماعی به عرصه های فردی و خصوصی به عقب راند و منزوی کرد.

لیبرالیسم با شخصی کردن مذهب، به تمایز بین مسائل عمومی و اجتماعی و ضرورت مداخله نکردن در امور خصوصی افراد توسط هرگونه قدرت خودسرانه و استبداد طبقاتی، مذهبی و حزبی، توجه دارد و حکومت یا دولت و یا هرگونه اقتدار دیگر را مجاز به مداخله در قلمرو خصوصی شامل زندگی اجتماعی، اقتصادی و مذهبی نمی‌داند. بنابر لیبرالیسم، خود مصالح و منافع فرد باید راه‌نمای او در زندگی باشد و فرد باید تأمین منافع فردی خویش را دنبال کند. لیبرالیسم با طرح اندیشه‌هایی مانند فردگرایی، انسان‌گرایی و عقل‌گرایی زمینه‌ساز پیدایش و تثبیت سکولاریسم گردید.

ج) مبانی سکولاریستی لیبرال - دموکراسی

اشاره

سکولاریسم (۱) از ویژگی‌های اساسی و سرنوشت‌ساز فرهنگ، تمدن و نظام‌های سیاسی جهان غرب در یکی دو سده گذشته بوده و بازتاب‌های بسیار فراوانی در حیات سیاسی و اجتماعی این گونه نظام‌ها برجای گذاشته و به طور اجمالی باعث انزوای نقش مذهب و خنثا کردن حضور عینی آن در این عرصه‌ها گشته است. در واقع، سکولاریسم از مهم‌ترین مقومات و فراهم‌آوردندگان لیبرال - دموکراسی در اندیشه و عمل، به شمار می‌آید.

«سکولر» (۲)، یعنی دنیوی یا آن‌چه به این جهان‌خاکی مربوط می‌شود، مشتق از کلمه «سکولوم» (۳) به معنای امور این دنیاست. سکولاریسم به معنای دنیاپرستی یا اعتقاد به اصالت امور دنیوی و رد آن‌چه غیر آن به شمار می‌آید، به کار رفته است. هم‌چنین برای سکولاریسم مترادف‌های بسیاری همانند علمانیت، لادینی (به عربی)، دنیاویّت و گیتی‌گرایی، اصالت امور دنیوی، عرفی شدن، دنیاپرستی،

۱- Secularism .

۲- seculaire به زبان فرانسوی و secular به زبان انگلیسی.

۳- Saeculam .

جداننگاری دین و دنیا، غیرمقدس و غیرروحانی، افول دین، هم نوایی با این دنیا، رهایی جامعه از قید دین، و در معانی عقلانیت، علم گرایی، نوگرایی و مدرنیسم و این جهانی، جابه جایی باورها و نهادهای دینی، تقدس زدایی از عالم و جامعه و غیره ذکر شده است. با توجه به هم پیوندی تام لیبرال - دموکراسی و سکولاریسم، برخی اندیشه ها و نظریه های معرفتی، بر زمینه سازی و پیدایش و تحقق آنها کاملاً مؤثر بوده اند، از جمله:

۱. اندیشه قداست زدایی

بر مبنای این اندیشه، فرد و جامعه سکولار به امر مقدس اعتقاد و اعتنا ندارد. اعتقاد به امر مقدس که از مشترکات همه ادیان است، در فرایند سکولاریزاسیون فاقد حرمت و ارزش معنوی گردید و در برابر، آن چه صرفاً ارزش دنیوی و مادی دارد، اهمیت و ارزش یافت.

۲. سیانتیسم یا اصالت علم و علم زدگی و تعامل آن با پوزیتیویسم

۲. سیانتیسم (۱) یا اصالت علم و علم زدگی و تعامل آن با پوزیتیویسم (۲)

براساس این باور، گزاره ها فقط به میزانی که با کمیات یا امور واقع تجربی پیوند دارند، محتوای حقیقی و صدق دارند. علم زدگی با هر دینی که شالوده مابعدالطبیعی دارد، قطع نظر از ادعای وحی آسمانی، ناسازگاری به بار می آورد. سرانجام سیانتیسم شکل دین (غیر الهی) را به خود گرفته و به صورت علم پرستی در آمده است. (۳) هم چنین سیانتیسم همراه با پوزیتیویسم یا اثبات گرایی و مذهب تحصلی زمینه ساز سکولاریسم بوده اند؛ زیرا برخی از پوزیتیویست ها، شناسایی انسان را در قلمرو علوم فیزیکی و شیمیایی منحصر دانسته اند و مدعی شده اند که بازگشت همه معارف واقعی و از آن جمله علوم انسانی، به علوم

۱- .Scientism

۲- .Positivism

۳- . نک: «علم و دین» فرهنگ و دین؛ برگزیده مقالات دایره المعارف دین، ص ۴۱۲-۴۱۴. (مقاله علم و دین)

طبیعی است و به نفی ثبوت امری و رای تجربه پرداخته اند؛ بنابراین، مذهب تحصلی در این معنا، به نام «مذهب اصالت علم» نیز خوانده شده است. (۱)

۳. گرایش به اصالت حس و انسان شناسی مادی

گرایش به اصالت حس در معرفت شناسی انسان عصر روشن گری به بعد، بدین معناست که راه شناخت حقایق جز تجربه حسی نیست و تنها آن چه به صورت ملموس و از راه حواس مشاهده و درک شود، امکان شناسایی دارد و در حوزه بررسی علمی و معلومات بشری قرار می گیرد؛ بنابراین، حقایق متافیزیکی و دینی حتی اگر رد هم نشود، اثبات پذیر نیست و در حوزه معلومات بشری قرار نمی گیرد. در نتیجه، برخی از دانش مندان عصر خردگرایی در بهترین صورت، معارف متافیزیکی را نه رد کردند و نه اثبات پذیر دانستند و برخی دیگر به دیده شک به آنها نگریستند و پاره ای نیز آنها را انکار و طرد کردند.

از سویی نگرش سکولاریستی، در حقیقت از نوعی انسان شناسی مادی گرا سرچشمه گرفته است که انسان و نیازهای فطری او و نیز اسرار خلقت وی را در بعد مادی و فیزیکی خلاصه می کند و آرمان خلقت را تنها در برخورداری های دنیوی و مادی می گنجاند.

۴. قرارداد اجتماعی و نفی حق الهی حکومت

تئوری الهی حکومت دارای چند نظریه فرعی است. طبق یک نظریه، مشروعیت الهی حکومت به گونه مستقیم از عالم الوهی اخذ می شود و بنابر نظر دیگر، میان عالم الهی و حکومت، کلیسا قرار دارد. بر اساس این نظریه، کلیسا قائل به نقش میانجی خود در اعطای مشروعیت الهی به حکومت است. از این رو، خود را قدرتی برتر از امپراتور و دیگر حاکمان می دانست. در اواخر قرون وسطا، ابتدا تئوری برتری معنوی کلیسا و نقش میانجی آن رو به افول گذاشت و

۱- نک: فلسفه عمومی یا مابعدالطبیعه، ص ۱۵۶.

سپس با ترویج و تثبیت تئوری الهی حکومت که مطابق آن، امپراتور و شاه نماینده و سایه خدا در زمین بود، کلیسا اقتدار معنوی و سیاسی خود را از دست داد و به نهادی حاشیه ای و محکوم حکومت، تبدیل شد. از سویی، با گسترش اندیشه های دموکراتیک و بر مبنای نظریه قرارداد اجتماعی متفکرانی مانند جان لاک و مونتسکیو، حق الهی حکومت نیز تضعیف گشت و به جای آن حکومت و حاکمان، به مثابه نمایندگان با شرایطی مقید به خدمت به مردم و مصالح عامه سرکار آمدند و حکومت به جای حق، وظیفه ای و کالت گونه و مدت دار به شمار آمد و چنین نظام فکری و سازوکار اداره اجتماع، باعث انزوای بیشتر نهاد کلیسا و واسطه گری کلیسایان در امر حکومت گردید. هم چنان که بر مبنای دموکراسی، بی توجهی به شرایع الهی و حتی نفی آن در امور تقنینی و اجرایی حکومت ها لازمه اصالت بخشیدن به مردم در مقابل اصالت خدا و قانون الهی شد.

۵. اومانیسیم، دئیسم و آتئیسم

۵. اومانیسیم، (۱) دئیسم (۲) و آتئیسم (۳)

«اومانیسیم» یا مکتب اصالت انسان و انسان گرایی، نظامی فکری است که انسان و بشر گرایی افراطی، اساس و محور جهان بینی آن را شکل می دهد و طبیعتاً با جهان بینی دینی که خدا گرایی، اساس و محور آن است، سازگار نیست. اومانیسیم با عطف توجه و اهتمام به انسان و مسائل مربوط به وی، راه حل مشکلات بشری را بیش از آن که در حوزه ایمان به خدا بجوید، از ره گذر عقل و خرد آدمی جست وجو می کند. اومانیسیم محصول رنسانس و عصر روشن گری و مندرج در مکتب لیبرالیسم است. ظهور تفکر اومانستی در جهان غرب که با اصالت های دینی و اندیشه خدامحوری تعارض داشت، از نظر نمود و بروز در عرصه اجتماع

۱- .Humanism

۲- .Deism

۳- .Atheism

دو شکل متفاوت داشت:

شکل نخست آن «دئیسم» بود که اولاً، دین را جدای از حقایق و احکام و حیانی می پذیرفت و دیگر آن که، وجود خدا را به منزله موجودی ماورای طبیعی که پس از آفریدن جهان آن را به حال خود رها کرده و هیچ گونه نقشی در اداره آن ندارد، معرفی می کرد.

دیگری «آئیسم» بود که آشکارا وجود خدا را انکار می کرد و طرف دار الحاد و بی دینی بود. رشد و گسترش این دو عقیده به قرن هجدهم و پس از آن باز می گردد؛ زیرا در این قرن که مشهور به «عصر عقل» (۱) است، اومانیست های غربی از رشد شتابنده علم جدید در حوزه طبیعت شناسی سرمست و مغرور شده، در پی استقلال و بی نیازی از وحی آسمانی بودند. (۲)

۶. اندیویدو آلیسم یا فلسفه اصالت فرد

۶. اندیویدو آلیسم (۳) یا فلسفه اصالت فرد

فلسفه اصالت فرد از فلسفه های اومانیستی به شمار می آید که پس از رنسانس ظهور کرد. در تاریخ فلسفه سیاسی، ابتدای قرن هفدهم، آغاز ظهور و رشد این فلسفه است. در این فلسفه، انسان گرایی در شکل فردگرایی آن نمایان شد؛ یعنی علایق، امیال، منافع و مسرت و سعادت فرد به صورت عریان از ویژگی های نژادی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی مورد توجه قرار گرفت و عقل و خرد آدمی رکن اساسی و مستقل کمال و نیک بختی او به شمار رفت.

این اندیشه اومانیستی که خود از نتایج عقل گرایی (راسیونالیسم) (۴) عصر جدید بود، مبدأ پیدایش تفکر اومانیستی دیگری به نام فلسفه حقوق طبیعی شد. شالوده این فلسفه را این نظریه تشکیل می داد که در طبیعت آدمی، عناصری وجود دارد

۱- Age of Reason .

۲- نک: ریشه ها و نشانه های سکولاریسم، ص ۵۷.

۳- Individualism .

۴- Rationalism .

که در تمام افراد بشر مشترک است و این عناصر مشترک، مدار وحدت افراد به شمار می رود و معیارهای حقوق، قانون اساسی و حکومت صالح را میسر می سازد و انسان را از تعالیم و احکام مذهبی و ماورای طبیعی بی نیاز می کند. (۱) بدین ترتیب، اومانیسیم و اندیویدوآلیسم به سکولاریسم انجامید.

۷. راسیونالیسم یا اصالت عقل

عقلانیت یا عقل گرایی از اصول اساسی نظری پیدایی و پایایی سکولاریسم به حساب می آید. عقل گرایی افراطی که در تقابل با الهیات «دگماتیک» کلیسای قرون وسطا در عصر روشن گری، شکل و نضج گرفت، آموزه دینی معاد و حیات اخروی و بهشت و سعادت ابدی در سرای دیگر را به گونه ای دنیوی تفسیر و بشر را به نوعی آخرت اندیشی دنیاپرستانه دعوت کرده است. این عقل گرایی افراطی زمینه ساز سکولاریزم شد؛ زیرا دین نه تنها در سایه عقل بسندگی از صحنه اجتماع و سیاست حذف گشت، بلکه اصل حقانیت آن نیز از اندیشه عقلی انسان به بوته فراموشی سپرده شد. دولت سکولار نیز مبتنی بر جدایی دین از سیاست، نفی مرجعیت دین در زندگی سیاسی و اجتماعی و بر مبنای اعتقاد به استقلال عقل آدمی در شناخت پدیده ها و مصالح سیاسی تشکیل شد. از این منظر، سیاست دایره نفوذ عقل آدمی به شمار می آید، پس سیاست پدیده ای عقلانی و نه دینی است؛ زیرا دین در آن جایی حضور و نفوذ دارد که عقل به آن دست رس نداشته باشد.

۸. پلورالیسم یا کثرت گرایی

۸. پلورالیسم (۲) یا کثرت گرایی

«پلورالیسم» و سکولاریسم رابطه و تعاملی تنگاتنگ دارند و مایه بالیدن دو جانبه یک دیگرند. این دو اندیشه، مبنای مشترک نظری نیز دارند؛ هم چنان که هر

۱- نک: تاریخ فلسفه سیاسی، ج ۲، ص ۵۴۹.

۲- Pluralism.

دو نیز از مؤلفه های لیبرالیسم به شمار می آیند. دینی که سکولار شده و به دیانت شخصی روی آورده و تجربه قلبی را مدار دین داری قرار داده است، در حقیقت، آگاهانه یا ناآگاهانه، تسلیم مبنای نظری و دینی پلورالیسم شده و گوهر دین را نه اعتقاد که شریعت قلبی می داند و به خرد و منفعت پرستی آن به گونه ای انسان مدارانه، دنیاگرایانه، نسبی و متغیر می نگرد و تفسیر به رأی می کند.

گفتار دوم: انتقادات عمومی از دموکراسی

اشاره

نقد دموکراسی پیشینه ای طولانی دارد تا جایی که افلاطون و ارسطو نیز از منتقدان آن بوده اند؛ (۱) اما به طور کلی دو دسته از دموکراسی ایراد گرفته اند: دسته اول مخالفان دموکراسی هستند که اصل و اساس دموکراسی را زیر سؤال می برند و دسته دیگر کسانی اند که معتقدند رژیم دموکراتیک برابر با ایده آل و تئوری دموکراسی اندک تحقق می یابد. این دسته پیش نهادهایی می کنند که متضمن راه حل هایی است.

مطالعه تاریخ نشان می دهد که محققان، پیایی و به تناوب، برخی موضع اول و بعضی روش دوم را اختیار کرده اند. در این بخش به تأمل درباره استدلال های مربوط به دسته اول می پردازیم:

اغلب منتقدان این گروه، انسان های سرشناسی هستند. به نظر آنان دموکراسی، قلمرو تفرقه، تشتت و بی ثباتی و نیز عرصه دیکتاتوری اکثریت و باعث بی مایگی و کم استعدادی است. آنان معتقدند که رژیم های مبتنی بر حزب بازی، وحدت ملی را ضایع می کند و نوعی جنگ داخلی به وجود می آورد؛ انتخابات و پارلمان بازی باعث می شود که افراد کم هوش و میان مایه به قدرت برسند. چون بسیاری کسانی که در فعالیت های سیاسی شرکت می کنند، بازی سیاسی در

۱- برای نمونه نک: بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، ص ۲۴؛ مدل های دموکراسی، ص ۱۷.

کشمکش افراد به تأمین منافع شخصی می انجامد و این امر خود افزایش عوام فریبی را سبب می گردد که نتیجه اش فراموش شدن منافع عمومی است. دموکراسی از دید این منتقدان، الزاماً به هرج و مرج و لذت جویی توده ها و یک مشت مساوات جویی مادی می انجامد و مفهوم نفع عام به مفهومی مبتذل تبدیل می گردد و معلوم می شود که «قلمرو آزادی» چیزی جز قلمرو ماده و مقدار و کمیت نیست. (۱)

الف) مبهم بودن ماهیت و مبانی دموکراسی

چنان که گذشت، ابهام در تار و پود، اصول و مبانی و ماهیت دموکراسی، از معایب بزرگ آن به شمار می رود. تنوع و تکثر انواع دموکراسی ها مانع ایجاد وحدت نظر در بسیاری از اساسی ترین مفاهیم این اصطلاح گردیده و گاه به تعارض های موجود در آن دامن زده است. گفته می شود که دموکراسی در سه مفهوم متفاوت «حکومت اکثریت»، «حکومت قانون» و «تعدد گروه های قدرت» به کار می رود. به عقیده برخی، «میان این سه برداشت تعارضاتی وجود دارد که موجب ابهام در معانی دموکراسی شده و همین ابهام، زمینه تعابیر گوناگون از دموکراسی در قرن بیستم را فراهم آورده است.» (۲)

دموکراسی مفهومی پیچیده و چندبعدی دارد و ابهام در معنای آن، به تأکید صاحب نظران و هواداران دموکراسی بر وجوه خاصی از آن برمی گردد. خود دموکراتیک خواندن حکومت های گوناگون، به دلایلی چندان شگفت آور نیست؛ زیرا سنت اندیشه دموکراتیک بسیار گسترده و مشحون از اندیشه های متفاوت و حتی متعارض درباره مبانی پیدایش دولت، نهاد انسان، کار ویژه های حکومت و

- ۱- . برای آگاهی بیشتر نک: «سلسله مقالات آلن دوبنوا درباره موضوع دموکراسی»، ترجمه بزرگ نادرزاد، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۶۹ - ۷۸، خرداد و تیر تا بهمن و اسفند ۱۳۷۲.
- ۲- . «تاریخ اندیشه ها و جنبش های قرن بیستم، اندیشه های لیبرال - دموکراتیک».

غیره است. (۱)

«حکومت به وسیله مردم» شاید مفهومی عاری از ابهام به نظر آید، اما ظواهر همیشه گمراه کننده اند و تاریخ اندیشه دموکراسی پیچیده و از دریافت های متضاد حکایت می کند. عرصه های نبود توافق بسیار گسترده است و در واقع هر یک از اجزای عبارت فوق، دشواری های مربوط به تعریف را به همراه دارد. «اندرو وینسنت» در این باره می نویسد:

مشکل دیگر اندیشه حاکمیت مردم این است که چه کسی یا کسانی به عنوان مردم به حساب می آیند. چنین کسانی بر حسب نظریه اراده عمومی، کل مردم هستند. اما ممکن است مجموعه ای از نمایندگان و یا رأی دهندگان به عنوان مردم تلقی شوند. البته در طی یک قرن و نیم گذشته، رأی دهندگان یا افراد حائز شرایط رأی دادن در حال تحول و تغییر بوده اند. به عبارت دیگر تعریف مردم پیوسته در حال دگرگونی بوده است. (۲)

حال واژه های «حکومت»، «حکومت به وسیله مردم» و «مردم» به چه معناست؟

اگر فقط از ابهامات موجود در واژه «مردم» آغاز کنیم، این سؤال ها

مطرح می شوند:

۱. چه کسانی را باید «مردم» برشمرد؟

۲. چه نوع مشارکتی برای آنها در نظر گرفته شده است؟

۳. شرایط مفروض برای هدایت به مشارکت کدامند؟

واقعیت آن است که انواع دموکراسی ها، هنوز نتوانسته اند پاسخ های قطعی به این سؤال بدهند تا جایی که دیوید هلد در این باره می گوید:

کوشش به منظور محدود کردن معنای «مردم» به گروه های معینی از آنها، از قبیل صاحبان دارایی، سفیدپوستان، مردان تحصیل کرده، صاحبان مشاغل و

۱- . بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، ص ۴۲.

۲- . نظریه های دولت، ص ۱۷۱.

مهارت های ویژه، بزرگ سالان و فقط مردان، سابقه ای دیرینه دارد. هم چنین درباره آن چه «حکومت» به وسیله «مردم» قلمداد می شوند، در قالب دریافت ها و مباحث گوناگون، داستان سرایی می شود. (۱)

بسیاری دیگر از شارحان دموکراسی به صراحت گفته اند که دموکراسی غربی هیچ نوع معنای دقیق و مورد توافقی ندارد و پرسش از چیستی معنای دموکراسی، تردیدپذیر و دارای برداشت های متفاوتی است که قانع کننده نیستند. (۲)

ب) تعارض بین اصل آزادی و اصل برابری

از مهم ترین تعارض هایی که در فلسفه سیاسی غرب و اندیشه و نظام دموکراسی مطرح بوده، تعارض بین دو اصل آزادی و برابری است که دو اصل از سه اصل مشترک دموکراسی ها را شامل می شود. تبیین این تعارض بسیار ساده و از این قرار است که اگر همه مردم برابر شمرده شوند، آزادی آنها به خطر خواهد افتاد؛ زیرا ایجاد برابری، محتاج مداخله دولت در زندگی افراد و تحدید آزادی های (منفی) آنهاست و اگر همه مردم آزاد گذارده شوند، خواه ناخواه برابری افراد به خطر می افتد؛ زیرا عموم افراد به واسطه اختلاف هایی که در ثروت و قدرت و مانند آن دارند، پس از مدت کوتاهی مقابل دیگران برتری جویی می کنند. به هر حال بیشتر دانش مندان هم نظرند که این دو غایت عظیم دموکراسی، به طور کامل با هم جمع پذیر نیستند و تا حدود زیادی با یک دیگر تنافر دارند.

در قرن بیستم، بیشتر لیبرال های راست گرا مانند فریدریش هایک، رابرت نوزیک و میلتون فریدمن، برابری را محل آزادی و جمع ناپذیر با آن می دانند و سخن گفتن از «عدالت اجتماعی» در جامعه مرکب از افراد آزاد را موجب پیدایش قدرتی برتر و سلب آزادی انسان ها می شمارند. برخی از متفکران

۱- . مدل های دموکراسی، ص ۱۴-۱۶.

۲- . نک: دموکراسی، ص ۱۴.

دموکراسی برای فرار از تعارض هم‌گرایی آزادی و برابری، همایش این دو عنصر اصلی را به دموکراسی‌های قدیم و در عرصه نظری مربوط دانسته‌اند.

ج) صورتی بودن اصل برابری در دموکراسی

گفته شد که اصل برابری از سه اصل مشترک دموکراسی‌ها بوده است، اما آن‌چه واقعاً در این شیوه حکومتی پذیرفته گردید، مساوات اسمی بود که زیر لوای آن بر بسیاری از نابرابری‌های واقعی در جامعه سرپوش گذاشته شد و برابری در دموکراسی به برابری در شانس و فرصت محدود گردید. به عبارت دیگر، دموکراسی نه به معنای برابری انسان‌ها، نه به معنای برابری ثروت و نه به معنای هم‌سانی وضع و حال مردم است، بلکه بر مبنای برابری صورتی شهروندان در مقابل قانون و فرصت یک‌سان آنان برابری‌هایی به وجود می‌آورد که شرط توسعه و ضرورت وجودی همه جوامع تحول یافته است. هدف دموکراسی، ایجاد فرصت برای برابر شدن افراد نیست، بلکه کارش این است که فرصت برابر به آدم‌ها بدهد تا نابرابر باشند.

د) محدودیت‌ها و موانع مشارکت سیاسی برابر در دموکراسی لیبرال

در قرن بیستم، خطرهای تازه‌ای مفهوم دموکراسی کلاسیک را تهدید کرد که از خطر استبداد اکثریت کمتر نبود و درحقیقت موجب تحولی در معنای دموکراسی شد. واقعیت اقتصاد سرمایه‌داری در عمل، بی‌شک محدودیت‌هایی بر حق مشارکت سیاسی ایجاد کرده است. حق رأی در دموکراسی‌های امروزی، بلاشرط شده و حق انتخاب احزاب سیاسی مختلف وجود دارد، اما چنین حقوقی ضامن «برابری فرصت‌ها»ی عملی در مشارکت اجتماعی و سیاسی نبوده

است. متغیرهای گوناگون چون سطوح مختلف درآمد، آموزش شهرنشینی، حاشیه‌نشینی و غیره در میزان مشارکت سیاسی و نابرابری آن در بین عموم مردم مؤثر بوده است.

ه) انتقادات بر رژیم نمایندگی

بیشترین انتقادات حقوقی از دموکراسی، بر «رژیم نمایندگی» شده است. این انتقادات بسیار گسترده بوده و نمی توان به همه آنها اشاره کرد. منتقدان، رژیم نمایندگی و آزادی در دموکراسی را، فقط به زمان انتخاب نمایندگان محدود می دانند و معتقدند پس از انتخابات، مردم به کناری گذاشته می شوند. به گفته میخلز، رأی دهنده همواره رأی حاکمیت و حقوق سیاسی خود را به داخل صندوق می اندازد و نمایندگی چیزی جز قبولاندن اراده خود به منزله اراده جمع نیست. بر این مبنای، هیچ وقت منتخبان، نماینده واقعی رأی دهندگان نیستند و در حقیقت رژیم نمایندگی یک توهم حقوقی بیش نیست و اساساً دو طرف قراردادی وجود ندارد که بتوان صحبت از یک قرارداد اجتماعی با مبنای حقوقی به میان آورد. در اغلب موارد، رأی دهندگان به تعبیر جیوان سارتوری، نمی دانند که چرا و به چه چیزی رأی می دهند و معمولاً آرای اکثریت نارسایی از رأی دهندگان پیروز می شود که در واقع تنها اقلیتی از کل جمعیت را تشکیل می دهد. (۱)

از دیگر معایب رژیم نمایندگی آن است که در انتخابات مبتنی بر اکثریت، قوت و شدت عقاید ابراز شده منعکس نمی شود. رأی انتخاب کننده میانه رو و معتدل با رأی انتخاب کننده مصمم و انتخاب کننده متعهد و مبارز برابر است. عیب دیگر آن که گاهی رأی دهنده به فرد مرجح خود رأی نمی دهد، بلکه علیه کسی که بیشتر از او نفرت دارد، رأی می دهد.

و) تضاد بین اراده همگانی و آزادی های فردی

منتقدان دموکراسی معتقدند که یکی از تضادهای اصولی در دموکراسی، تضاد بین اراده همگانی (دموکراسی) و آزادی های فردی و اجتماعی است. اغلب اتفاق می افتد که دو مفهوم آزادی و دموکراسی یکی انگاشته شده و بدون توجه به

معانی حقیقی کاملاً متفاوتشان، به جای هم به کار می روند. بعضی از متفکران چون روسو و اغلب سوسیالیست ها به پیروی از این فیلسوف فرانسوی، آزادی را تنها در چارچوب دموکراسی واقعی میسر می دانند. در حالی که دموکراسی و آزادی از دیدگاه فیلسوفان آزادی خواه، دو مفهوم متفاوت و در بعضی موارد احیاناً متضاد است. از نظر هایک نقطه تلاقی آزادی و دموکراسی این جاست که در نظام آزاد همه در برابر قانون برابرند. این برابری خواه ناخواه، به این درخواست دموکراتیک می انجامد که همه به تساوی، خواهان مشارکت در ایجاد قوانین باشند. اما مسئله اساسی برای طرف داران آزادی عبارت است از محدود کردن قدرت جبری هر حکومتی، چه دموکراتیک چه غیر آن، در حالی که دموکرات های جزم گرا تنها یک محدودیت برای حکومت قائلند و آن عقیده جاری اکثریت است. هایک می نویسد:

تفاوت بین این دو آرمان (آزادی و دموکراسی) وقتی به وضوح آشکار می شود که مفهوم مخالف هر کدام را معین کنیم. مفهوم مخالف دموکراسی عبارت است از حکومت مقتدر (خود رأی) و مفهوم مخالف آزادی، حکومت توتالیتر است. هیچ یک از این دو سیستم ضرورتاً نافی مخالف دیگری نیستند، یعنی دموکراسی می تواند دارای قوای توتالیتر باشد و از سوی دیگر حکومت مقتدر خودرأی را می توان تصور نمود که طبق اصول آزادی عمل می کند. (۱)

(ز) تعارض روش های وصول به دموکراسی با مبانی دموکراسی

منتقدان «روح» و «ماده»، دموکراسی را با یک دیگر متعارض و متنافر می دانند. مسئله مشروعیت وسایل مورد استفاده برای رسیدن به هدف های مطلوب که در واقع به مسئله حدود مفهوم «قانونیت» باز می گردد، از دیرباز موضوع بحث و

۱- «ظهور اندیشه آزادی و پیوند آن با اقتصاد سیاسی»، ص ۱۳.

جدل بوده و این پرسش مطرح می شده است که آیا برای وصول به هدف های عالی «دموکراتیک» می توان وسایلی به کار برد یا راه هایی در پیش گرفت که دموکراتیک نباشد.

سن ژوست، می گفت: «به دشمنان آزادی، آزادی ندهید.» امروزه نیز هرگونه تبلیغ سیاسی در جوامع غربی از همین اصل سرمشق می گیرد. «بسیاری از لیبرال ها، آزادی بیان و عقیده را برای هرکسی به رسمیت می شناسند، تنها به این شرط که در مورد اصول ایدئولوژیکی معتاد مألوف آنان رد و تردیدی

پیش نیاید.» (۱)

امروزه ملاحظه می شود که نخبگان در کشورهای لیبرال - دموکراسی، به تناوب از شیوه های غیردموکراتیک، آنارشیستی و حتی فاشیستی و عوام فریبانه با بهره گیری از عناصر مدرن عصر ارتباطات در جهت وصول به حاکمیت، سود می جویند. ناگفته نماند که پوپر، فیلسوف پرآوازه لیبرال - دموکراسی نیز با قائل شدن به اباحی گری معتقد است که دموکراسی را هرچند با توسل به شیوه های زور و خشونت، باید استوار نگاه داشت که این خود اجتماع نقیضین است و جای شکی باقی نمی گذارد که مقوله دموکراسی با تناقض های بسیاری روبه رو بوده و از مسیر اصلی منحرف شده است. وی می نویسد:

جامعه باز (دموکراسی) ممکن است نه تنها از جانب جباران و اقلیت ها بلکه از سوی اکثریت نیز آسیب ببیند. بنابراین به حق می توان در برابر اکثریت ها از جامعه باز و نهادهای آزاد دموکراتیک دفاع کرد. چه بسا مردم فریبان و مستبدینی که به شیوه های خاص خود، اکثریت توده های مردم را همراه خویش ساخته و به نام حمایت مردمی، جامعه باز و نهادهای دموکراتیک را از بین برده اند؛ البته شرط اصلی جامعه باز، تساهل سیاسی است؛ با این حال تساهل نسبت به گروه هایی که ضد تساهل دموکراتیک هستند، به بنیاد

۱- «دموکراسی، حاکمیت مردم و پلورالیسم»، ص ۲۸.

جامعه باز آسیب می رساند. بنابراین، در صورت لزوم و وجود تهدیدات خطیر، باید دشمنان تساهل و هواداران خشونت را سرکوب کرد. (۱)

ح) صوری بودن اصل تفکیک قوا در دموکراسی

دموکراسی های مدرن مدعی اند، اصل تفکیک قوا از اسلوب های اساسی است که آزادی و برابری شهروندان را در مقابل هیمنه و قدرت دولت و حکومت حفظ می کند؛ سازوکاری که برای جلوگیری از تبدیل حکومت اکثریت به دیکتاتوری و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت در نظر گرفته شده است.

منتقدان دموکراسی بر این ادعاوند که اصل تفکیک قوا در عمل، دو معضل را برای دموکراسی های غربی پیش آورده است: اول آن که تقسیم کامل این سه قوه از یک دیگر در عمل امکان پذیر نیست و در رژیم هایی که سه قوه را از یک دیگر کاملاً منفک می دانند، اختلالات فراوانی آشکار شده و گاه نظام را فلج و دچار ناکارایی کرده است. هم چنین به طریق اولی، ایجاد موازنه کامل بین سه قوه امکان پذیر نیست و همیشه قدرت یکی از دو قوه مجریه و مقننه بر دیگری چیره می شود. به همین دلیل نیز تفاوت هایی بین دموکراسی های غربی در کشورهای مختلف به وجود آمده است. بسته به این که قوه مقننه بر قوه مجریه چیره شود یا برعکس، رژیم را پارلمانی یا ریاستی می نامند که هر یک از آنها نیز معایبی دارد. برای نمونه، بی ثباتی حکومتی در رژیم های پارلمانی مانند جمهوری سوم فرانسه، کشور را با مشکلاتی روبه رو کرد. به همین دلیل در جمهوری پنجم فرانسه، سعی شد که قوه مجریه را از تابعیت قوه مقننه برهانند. در نتیجه بر اقتدار قوه مجریه افزوده شد، به گونه ای که قوه مقننه از تجاوزات قوه مجریه، مصون نماند. هم چنین اختیار انحلال مجلس یا مراجعه به همه پرسی از جمله مواردی است که وضع قوه مقننه را در مقابل قوه مجریه متزلزل می سازد.

۱- «اندیشه های لیبرال - دموکراتیک، لیبرالیسم کارل پوپر»، ص ۱۴.

دوم این که با وجود احزاب سیاسی و مسئله اکثریت، چگونه می توان قوای سه گانه را که همه در دست حزب حاکم قرار می گیرد، از هم منفک دانست. برای مثال، در نظام پارلمانی انگلستان، اصل تفکیک قوا در عمل مدت ها بی معنا بوده است. البته فقط در سال های اخیر به دلیل قدرت گرفتن نسبی احزاب کوچک از یک طرف و افزایش ترمدهای حزبی از طرف دیگر، پارلمان می تواند حتی بر ضد حزب حاکم نیز وارد عمل گردد.

(ط) امکان خطا و صلاحیت نداشتن اکثریت در تصمیم گیری های سیاسی

به عقیده بعضی، خرده ای که نقادان امروز به دموکراسی گرفته اند، تنها انتقاد از «قانون اکثریت» است. این که هرکس با رأی برابر در امور دولت شرکت کند، کار درستی به نظر می آید. اما همین کار ممکن است خطرناک هم جلوه کند؛ زیرا صلاحیت همه برابر نیست. به بیان ساده تر، این درست همان محمضه ای است که تمام دموکراسی ها گرفتار آن هستند. نتیجه مستقیم رأی گیری، در واقع به منزله تصمیم گیری اکثریت است. از این رو، تصور این که مرجعیت و اقتدار (اتوریت) که امری کیفی به شمار می آید، بتواند از اکثریت که امری کمی است صادر شود، باور صادقی نیست؛ زیرا این تصور که اکثریت حقیقت را می گوید، بلافاصله انتقاد دیگری را پیش می آورد؛ کمیت نه تنها کیفیت را نمی سازد بلکه اغلب، آن را ضایع می کند. در نتیجه، صلاحیت، بصیرت و تدبیر داشتن اکثر مردم در کار سیاست امری تردیدپذیر است و نمی توان بر صحت همیشگی آن تأکید کرد و اساساً قاعده اکثریت یکی از تکنیک های مختلف برای شناختن آرای مردم به شمار می آید. حتی اکثریت مردم و اراده آنان را نمی توان امر واحدی شمرد و اصل اکثریت، با مفهوم دموکراسی متعارض است؛ چون خواه ناخواه در بسیاری از دموکراسی ها، با به کرسی نشستن نظر اکثریت، نظر اقلیت ها و حقوق آنها در مشارکت و تصمیم گیری سیاسی پای مال و یا تحدید و تقلیل می شود.

(ی) دموکراسی و امکان بروز استبداد اکثریت

در نقد دموکراسی گفته اند که استبداد دموکراتیک توده ها و افکار عمومی به همان اندازه استبداد فردی، با آزادی های فردی و جمعی تضاد دارد؛ زیرا تن دادن به نظر اکثریت متضمن خطر استبداد بالقوه است. از سوی دیگر دموکراسی، اندیشه «قدرت مطلقه» را دور نمی اندازد، فقط این نظریه را نمی پذیرد که قدرت وجه امتیاز یک نفر باشد. دموکراسی هم چنین «قانون حاکمیت قوی تر» را منکر نمی شود؛ زیرا «اصل اکثریت» نوعی قانون است که حق را به طرف نیرومندتر می دهد. بنابراین، علت پیروی افراد از «اکثریت» الزاماً این نیست که اکثریت حق دارد و حقیقت را معرفی می کند، بلکه به این علت است که اکثریت زور بیشتری دارد. بدین ترتیب، دموکراسی نیز از استبدادگرایی مصون نیست. یکی از راه های علاج این ایراد آن است که هواداران دموکراسی بر «اکثریت مؤثر» و نه «اکثریت عددی یا کمی» معتقدند. اکثریت مؤثر شامل کسانی است که در خصوص غایات حکومت، آگاهی کامل و وحدت نظر دارند و یا اکثریت «جامعه سیاسی» را تشکیل می دهند.

(۱)

(ک) خطر فریب افکار و آرای عموم و نفوذپذیری آن

این رأی مردم در نظام دموکراسی تا چه حد تعیین کننده اصلی در عرصه های سیاست است، جای جدل های فراوانی را باز می گذارد. رأی مردم و نتیجه انتخابات تا چه اندازه منعکس کننده اراده واقعی مردم است؟ تبلیغات و در امان نبودن رأی دهندگان از خطر فریب و نفوذ، عضویت در ماشین های بزرگ سیاسی - اصطلاحی که ماکس وبر در مورد احزاب سیاسی به کار می برد - و حق انتخاب محدود بین چند حزب، تا چه حد به فرد امکان می دهد خواست واقعی خود را از طریق رأی منعکس کند؟ به این سؤال هنوز پاسخ قطعی داده نشده است.

۱- . برای مطالعه بیشتر نک: «نسل قدیم لیبرال - دموکرات های قرن بیستم»، ص ۲۹، ۳۱ و ۳۲.

علاوه بر آن، امروزه مسئله خودداری قشر بزرگی از شهروندان از شرکت در انتخابات نیز مطرح می شود.

ل) دموکراسی نخبه گرا مانعی بر سر راه مشارکت واقعی مردم

وجود الیت های (نخبگان) سازمان یافته و نیرومند در دموکراسی های امروز، موانعی بر سر راه مشارکت واقعی عمومی در زندگی سیاسی به وجود آورده است تا جایی که برخی از نظریه پردازان معاصر همانند رابرت دال، دموکراسی را اصولاً چیزی بیش از تعدد و رقابت نخبگان به شمار نمی آورند. از دید وی «دیکتاتوری» حکومت یک اقلیت و دموکراسی یا «پولیاری» حکومت چند اقلیت است. (۱)

رابرت میخلز نیز با نظریه قانون «الیگارش آهنین» به توصیف حکومت ها و از جمله نظام دموکراسی نخبه گرا پرداخته و جوامع را محکوم به قبول حکومت «اقلیت متنفذ» دانسته است. نظارت الیت ها بر تصمیم گیری سیاسی در دموکراسی معاصر، مانع از توسعه برابری اجتماعی و اقتصادی نیز شده است. بدین سان، مفهوم قدیم دموکراسی اکثریتی، جای خود را به دموکراسی الیستی داده است. در دموکراسی نخبگان، آزادی فردی و حکومت اکثریت و برابری به منزله درون مایه دموکراسی کلاسیک، جای خود را به دموکراسی به منزله روش و شیوه ای برای تشکیل رهبری سیاسی می دهد. پلورالیست های معاصر، دموکراسی را در عمل چیزی بیش از فعالیت و رقابت چندین الیت نمی دانند. آنان نظر دموکرات های رادیکالی چون ژان ژاک روسو را در این مورد که «صدای مردم صدای خداست» و «اقلیت همیشه اشتباه می کند»، ایده آلیستی می شمارند.

از دیدگاه دموکراسی نخبه گرای امروزی، دموکراسی نه حکومت اکثریت و توده ها بلکه حداکثر وسیله ای برای مشورت با اکثریت و حفظ منافع

اقلیت هاست. فهم مردم برای رسیدگی به امور پیچیده کافی نیست؛ نقش آنان تنها باید رضایت دادن باشد نه حکومت کردن. دموکراسی از این دیدگاه وقتی تحقق می‌یابد که حکومت از خواست‌ها و تقاضاهای مستقیم توده‌های مردم مصون باشد. بدین سان، نظریه پردازان درباره دموکراسی در قرن بیستم گرایش «ضد اکثریتی» پیدا کرد.

(م) نشانه‌های بحران و انحطاط دموکراسی لیبرال در قرن بیستم

در سال‌های دهه شصت میلادی، کشورهای پیشرفته صنعتی از جمله اغلب کشورهای اروپای غربی وارد مرحله‌ای از پیشرفت شدند که از دید هواداران لیبرال - دموکراسی، دوران سعادت و رفاه اقتصادی و از نظر سیاسی دوران حکومت عقل، مدیریت، تخصص و پایان گرفتن تشنج‌های سیاسی - اجتماعی و از دید منتقدان لیبرال - دموکراتیک، دوران اسارت و از خودبیگانگی انسان و در نتیجه بی‌اعتنایی انسان‌ها به مسائل سیاسی و امور عمومی و از بین رفتن مشارکت آگاهانه و بالتبع پوچی و زوال درونی این نظام‌ها بود.

امروزه در نظام‌های لیبرال - دموکراسی، مشارکت افراد در امور سیاسی، ضعیف و محدود و یا بی‌محتوا و صوری و با بی‌اعتنایی توده‌ها همراه شده است. روند «ذره‌ای شدن» (۱) جوامع صنعتی و تنهایی انسان، نتیجه منطقی ایدئولوژی زدایی، رفاه و دیوان‌سالاری و سکولاریسم افراطی این نظام است.

امروزه لیبرال - دموکراسی، علاوه بر برکناری سیاسی توده‌ها، با کاهش قدرت پارلمان، تبدیل احزاب به بنگاه‌های تجاری، کاهش نقش اپوزیسیون و بسترسازی مناسب برای ظهور توتالیتاریسم روبه‌روست و بی‌دلیل نیست که عده‌ای از «فروپاشی الگوی اجتماعی دموکراتیک» (۲) سخن می‌گویند.

۱- Atomisation.

۲- «نگاهی به تحولات پایان قرن بیستم»، ص ۷.

از سوی دیگر، اعتقاد به نسبت اخلاق و انسان مداری، به وضعیت بحران های لیبرال - دموکراسی دامن زده است، به قولی:

آن گاه که مردم باور خود را نسبت به اصول اخلاقی از دست بدهند یا به گفته سورکین وقتی تمدن ها از پویایی فرهنگی بازمانند، دوران تباهی فرارسد... . لذا زوال دموکراسی و کاهش اعتبار دموکراسی غربی، موضوعی نیست که منحصر به کشوری خاص باشد. امروزه، هم اصول دموکراسی لیبرال مورد تردید قرار گرفته و هم مشارکت مردم که یا دچار بی علاقه می شوند یا تحت تأثیر عوامل غیرسیاسی مانند فوتبال، تبلیغات سینما و غیره، چهره های عمومی را بر چهره ها و نیروهای سیاسی ترجیح می دهند. (۱)

به نظر می رسد که ارزش اعتماد، سرمایه گران بهای اجتماعی و اقتصادی در جوامع غربی لیبرال، رو به کاهش است؛ در حالی که بسیاری از متخصصان غربی در صدد احیای این ارزش در جوامع خود هستند.

فرانسیس فوکویاما شارح نظریه خوش بینانه «پایان تاریخ»، از جمله صاحب نظران در این زمینه است که در کتاب خود به نام اعتماد، به تشریح ضرورت وجود «اعتماد» در لیبرال - دموکراسی غربی می پردازد. وی در واقع احیای ارزشی را دنبال می کند که سال ها پیش از جامعه غربی رخت بر بسته است.

گفتنی است که فوکویاما «بحران اعتماد» و کتاب با این عنوان را پس از ارائه نظریه و کتاب پایان تاریخ و واپسین انسان می نگارد. نظریه پایان تاریخ، لیبرال - دموکراسی را شکل نهایی و حکومت پیروز در جوامع بشری و نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک بشر و پایان تاریخ می داند! اما نگاه نویسنده در کتاب اعتماد، درون گرایانه و همراه با آسیب شناسی و هشدار است. ارزیابی های فوکویاما از جوامع غربی، بی تردید برای جهان سوم که به نسخه برداری کورکورانه از

۱- «واکنش های سیاسی و نشانه های انحطاط دموکراسی در ایتالیا»، ص ۳۵.

الگوهای غربی در شتابند، اهمیت دارد. وی ضمن تأکید بر مبانی فرهنگی، بر ضرورت ارتقای روح کار جمعی، وجدان کاری، سطح اعتماد و روحیه مردم آمیزی خودجوش در جوامع لیبرال - دموکراسی به ویژه امریکا، پای فشردن و این موارد را رمز موفقیت های پایدار در جوامع بحران زده مزبور دانسته است. (۱)

گفتار سوم: مردم سالاری دینی ج.ا.ا، زمینه ساز دین سالاری سپهری مهدوی

مطالب پیش گفته بسیاری از ضعف ها و تعارض های نظری و عملی لیبرال - دموکراسی را عیان ساخت؛ گرچه به هیچ وجه نیز منکر پاره ای از شایستگی های آن نیست. هوا داران دموکراسی نیز به این معایب معترفند، ولی ادعا می کنند که اگرچه دموکراسی های غربی با تئوری دموکراسی محض فاصله بسیار دارند، دست کم به اهدافی که توده های مردم در طول تاریخ در نظر داشته اند

و به جامعه ای که انسان ها از نظر مادی و در آرزوی رسیدن به آن بوده اند، نزدیک تر هستند.

حتی اگر با خوش بینی این ادعا پذیرفته شود، به هیچ وجه نمی توان الگوی بحران زده دموکراسی و تمامیت آن را الگوی نهایی و برترین نظام سیاسی به شمار آورد و آن را برای تمام نظام ها توصیه کرد و به گفته دوبنوا:

اگر دموکراسی به معنای غربی آن، ریشه در تاریخ و تشکیلات و نهادهای سیاسی اروپا دارد و اگر دموکراسی لیبرال با اخلاق یهودی و مسیحی و نیز با فلسفه روشن گری اروپا در قرن هیجدهم عمیقاً مربوط است، پیاده کردن چنین نظامی در کشورهای جهان سوم را چگونه باید توجیه کرد؟ (۲)

این نظام که مبتنی بر مفهومی آشفته است و به تعبیر کارل کوهن، از مدافعان

۱- . برای اطلاع بیشتر نک: «پایان تاریخ و بحران اعتماد؛ بازشناسی اندیشه های فوکویاما»، ص ۱۳.

۲- . «دموکراسی، حاکمیت مردم و پلورالیسم»، ص ۳۰.

دموکراسی، «در نتیجه بی بند و باری لفظی، آشفتگی فکری، و حتی اندکی فریب کاری عمدی، اصطلاح دموکراسی تا حد زیادی معنای خود را از دست داده است. این اصطلاح که در جهان سیاست تقریباً به هر چیزی اطلاق می شود، به جایی رسیده است که دیگر تقریباً هیچ معنایی ندارد.» (۱) کوهن، چاره معایب دموکراسی را نه در خوش بینی و نه در بدبینی بدان می بیند بلکه به تلاش برای بهبود و رفع معایب آن معتقد است. (۲)

از سویی، در واقع الگوی نظام دموکراسی لیبرال را نمی توان برای تمامی جوامع و نظام های سیاسی تجویز کرد و این مدل، با رفع نقایص اساسی خویش، باید ویژگی های بومی، مذهبی و فرهنگی این جوامع را به دست آورد. ظهور آموزه و نظام مردم سالاری دینی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در حقیقت یکی از اشکال نقادی، بومی و دینی شده دموکراسی غرب در کشور ما و جهان اسلامی است. در حقیقت با تدوین نظری و نضج عملی این آموزه، دموکراسی غرب با چالشی جدید مواجه گشته و در صورت توفیق

و تحقق روزافزون مردم سالاری دینی، این چالش ها افزایش و قوت چشم گیرتری خواهند یافت.

شیوه ها و راه های مختلفی برای بحث از مردم سالاری دینی وجود دارد؛ برای مثال می توان در دین سیاسی و عملی امام علی علیه السلام و آرمان های حکومت علوی به تجسم عینی و مصادیق برجسته مردم سالاری دینی دست یافت؛ (۳) هم چنان که می توان آیات و روایات متعدد در این زمینه ها را بررسی کرد و یا به تجربه مزبور در کشورهای اسلامی پرداخت. راه دیگر و طریق مختار این نوشتار، این است که با نقد دموکراسی لیبرال و ارزیابی الگوی مردم سالاری دینی و با عنایت به منابع

۱- . دموکراسی، ص ۱۴.

۲- . دموکراسی، ص ۴۱۷.

۳- . برای نمونه نک: «آرمان های حکومت در نهج البلاغه»، ص ۱۲۹-۱۴۸.

اصیل اسلامی، الگوی دین سالاری سپهری مهدوی را تا جای ممکن ترسیم کرد.

گفتنی است بحث امکان یا امتناع تحقق دموکراسی در جوامع دینی از دیرباز و حتی در یکی دو سده اخیر همواره مطرح بوده و متفکران بسیاری در این زمینه نظریه پردازی کرده اند؛ از جمله برخی از روشن فکران مذهبی و روحانیان موافق با دموکراسی دین سالارانه، با روی کردی درون دینی در این چند محور، برای وفاق اسلام و دموکراسی تلاش داشته اند:

الف) سازگاری و بدیل یابی نهادها و کنش های دموکراتیک موجود فعلی با نهادهای مدنی صدر اسلام همانند شورا، بیعت و...؛

ب) انطباق فلسفه سیاسی دموکراسی با فلسفه سیاسی حکومت در اسلام؛

ج) مشروط و محدود کردن دموکراسی غربی و تلقی آن به مثابه زیرمجموعه ای از دین اسلام و مندرج در آن؛

د) پذیرفتن دموکراسی به مثابه نوعی روش حکومت در اسلام؛

ه) تأویل مجدد مفاهیم دموکراتیک در سنت اجتهادی و تحلیل زبانی اسلام.

از شارحان برجسته این نظریات، از اهل سنت می توان به کواکبی، عبده، حسن البنا و در میان شیعیان به علامه نائینی رحمه الله اشاره کرد. در حالی که اشخاصی مانند ابوالاعلی مودودی و منیرالحسینی به شدت با هرگونه چارچوب نظری تبیین دموکراتیک حکومت دینی مخالفت ورزیده اند.

امام خمینی رحمه الله نیز در باب دموکراسی غربی و نوع اسلامی آن، آرا و اندیشه های مبسوطی ارائه کرده اند. ایشان با فراست کامل به ابهام، تغییر و تلؤن مفهوم و رژیم دموکراسی معتقد بوده اند و با لحاظ برتری و وضوح اسلام و حکومت اسلامی نسبت به این نحله فکری و شکل حکومتی، نوع غربی آن را نفی کرده اند. به باور امام رحمه الله، پدیده دموکراسی و آزادی های غربی، پدیده ای مصنوع، دست ساز، سیال و در جهت منافع غربی هاست که همواره و فریب کارانه این واژگان را به نفع خود

تأویل و تفسیر می کنند و بدین ترتیب، ایشان هم منتقد اصل و اساس دموکراسی غربی بوده اند و هم رژیم های دموکراتیک غربی را از واقعیت دموکراسی اصیل بیگانه می شمرده اند و آنها را با آرمان های مورد ادعای فلسفه دموکراسی منطبق نمی دانسته اند. باور امام رحمه الله بر مبنای تحقق دموکراسی اصیل در جامعه دینی است و بارها ایشان برتری حکومت اسلامی را بر دموکراسی یادآور شده و آن را دموکراسی درست و حقیقی خوانده اند و بر جامعیت و کمال حکومت اسلامی پای فشرده اند. (۱)

اما در مقایسه لیبرال - دموکراسی با مردم سالاری دینی، باید گفت که دموکراسی در بهترین شکل و کارآمدترین صورت، تنها تأمین کننده مصالح مادی مردم است؛ در حالی که حکومت اسلامی علاوه بر این، وظیفه اصلی خود را انسان سازی و بازسازی و ارتقای امور معنوی مردم به شمار می آورد و اصلی ترین ممیزه آن با لیبرال - دموکراسی، این است که خدامداری را جایگزین فردگرایی و انسان محوری می کند تا جایی که حتی عده ای از متفکران معاصر اسلامی، ترجیح داده اند به جای کلمه مردم سالاری دینی، از واژه هایی مانند «دین سالاری مردمی» (۲) و یا «دموکراسی قدسی» (۳) استفاده کنند. هم چنین اصل نسبیّت اخلاقی و ارزشی و آزادی های منفی گونه دموکراسی غربی در اندیشه حکومت اسلامی جایی ندارد و مردود است و آزادی تنها در محدوده های اسلامی پذیرفته می شود.

در مردم سالاری دینی، اصالت فرد و فردگرایی افراطی لیبرال - دموکراسی نفی می شود؛ گرچه اعتقاد به ارزش والای فرد و حقوق و آزادی های فردی مانند حق مالکیت، تأمین جانی و مالی از جایگاه عالیّه ای در این نحلّه برخوردار است. در مردم سالاری دینی، در کنار احترام به حقوق فرد، جمع اصالت داشته و این باور

۱- . برای اطلاع بیشتر نک: «دموکراسی و آزادی از دیدگاه امام خمینی (ع)»، ص ۷۲-۹۱.

۲- . نک: «مردم سالاری دینی یا دین سالاری مردمی؟»، ص ۲-۶.

۳- . نک: دموکراسی قدسی.

وجود دارد که فرد همیشه به تشخیص عقلانی مصالح خود قادر نیست و انزال شرایع الهی و پیامبران، در حقیقت برای مساعدت انسان ها و جوامع صورت گرفته است تا در انتخاب راه درست و مشی در آن، یاری گر افراد باشند.

مردم سالاری دینی علاوه بر رد تساهل و رواداری افراطی لیبرال - دموکراسی، با اعتقاد به خاتمیت و جامعیت و علو اسلام نسبت به تمام ادیان، افراد را در انتخاب آزادانه عقاید در همه زمینه های سیاسی، اجتماعی و مذهبی، صاحب اختیار دانسته و معتقد است که دولت نباید تفتیش و بازخواست عقیدتی اعمال کند.

مردم سالاری دینی، حکومت مشروع را تنها بر اصل «رضایت» و قرارداد اجتماعی مبتنی نمی داند، بلکه وجه اصلی مشروعیت را به واسطه الهی بودن حکومت، در مقبولیت شرعی آن می داند و آن گاه رضایت مردم را در قالب شریعت و محدوده آن می پذیرد و فعلیت حکومت را حاصل مطاوعت و همراهی مردم به شمار می آورد. بدین ترتیب، برخلاف دموکراسی، اراده الهی منشأ قدرت و قانون و حاکمیت بوده، سپس در این چارچوب، بر اراده مردم مبتنی است.

سکولاریسم در مردم سالاری دینی، به معنای «عرفی شدن» و «دنیاپرستی» و یا اعتقاد به اصالت امور دنیوی و رد آن چه غیر آن است - از جمله مذهب - جایی ندارد. هم چنان که لیبرالیسم اقتصادی، به معنای آزادی مطلق افراد در فعالیت اقتصادی و نفی کامل کنترل سیاسی و دخالت دولت در اقتصاد را نفی می کند و در کنار احترام به مالکیت های خصوصی، مداخله دولت در پاره ای از امور اقتصادی را برای جلوگیری از ایجاد شکاف های طبقاتی و شکل گیری انحصارات، لازم می شمارد.

مردم سالاری دینی علاوه بر اعتقاد به ضرورت کسب رضایت عامه، بر این باور است که همواره خواست اکثریت، کاشف از حق و همواره موافق و مقارن با حق

و حقیقت نیست و با احترام کامل به خواست مردم و نظر اکثریت و خرد و عقل جمعی، هیچ گاه، «فرد» یا «جمع» را بر خدا و شریعت الهی مقدم نمی دارد و مصالح جمعی را در قالب چارچوب های اسلامی، بر خواست و مصالح فردی مقدم می کند. با وجود این اختلاف های اساسی که بین مردم سالاری دینی و دموکراسی لیبرال وجود دارد، می توان مشابَهت هایی نیز بین آنها ترسیم کرد. برای نمونه، میان مردم سالاری دینی و لیبرالیسم که مهم ترین منبع فکری، فلسفی و نظری نظام های دموکراتیک است، می توان به موارد مشابهی مانند نمونه های ذیل اشاره کرد:

۱. دفاع از دولت مشروط و مقید به قانون، آزادی و حقوق مدنی به ویژه مالکیت خصوصی، و بیزاری از قدرت خودسرانه و استبدادی اعم از طبقاتی، توده ای، مذهبی، حزبی و کوشش برای به وجود آوردن شکل های دیگری از کاربست قدرت اجتماعی و تحدید و مشروط کردن حکومت به خدمت در جهت مصالح عموم مردم و رعایت قانون؛

۲. تفکیک حوزه های دولت و جامعه، تحدید و کنترل قدرت دولتی در مقابل حقوق فرد و جامعه و تأکید بر چندگانگی مراکز قدرت؛

۳. محدود و مشخص کردن حدود دخالت دولت در زندگی خصوصی و مدنی به قیود نیرومند و اجرایی و تأکید بر مداخله نکردن دولت در امور خصوصی؛

۴. بیان آزادانه عقاید شخصی و تضمین حقوق و آزادی های فردی و حق انتخاب برابر و آزاد؛

۵. حمایت از تمرکززدایی و پشتیبانی از آزادی های محلی، گروهی و خودگردانی بومی؛

۶. برابر انگاشتن همه مردم در بهره گیری از فرصت ها و امکانات موجود؛

۷. حمایت از نظام نمایندگی و پارلمانتاریسم، انتخابی شدن مناصب و تأکید بر

تفکیک قوا به منزله یکی از ابزارهای کنترل قوا و نظارت بر سه قوه؛

۸. عدالت اجتماعی بر مبنای لحاظ شایستگی افراد.

هم چنین به نظر می رسد برخی از مشابهاات مردم سالاری دینی و دموکراسی های غربی بدین قرار باشد:

۱. مشارکت سیاسی شهروندان برای تصمیم گیری در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ...؛

۲. آزادی افکار عمومی و اتکای حکومت بر آن؛

۳. ضرورت حکومت قانون و تعدد گروه های قدرت؛

۴. وجود سازوکارهای مشخص برای ابراز افکار عمومی از جمله احزاب سیاسی؛

۵. قوت جامعه مدنی و خودجوشی و تکثر آن؛

۶. محدود بودن اعمال قدرت حکومتی به رعایت حقوق و آزادی های فردی و گروهی؛

۷. تکثر و تعدد گروه ها و منافع و ارزش های اجتماعی؛

۸. امکان تبدیل اقلیت های فکری به اکثریت از طریق تبلیغ نظارت گروهی؛

۹. امکان بحث و گفت و گوی عمومی و مبادله آزاد افکار درباره تمام مسائل اجتماعی؛

۱۰. برابری سیاسی گروه های اجتماعی از لحاظ دست رس به قدرت؛

۱۱. استقلال قوه قضائیه در جهت تأمین و تضمین آزادی های مدنی افراد و گروه ها؛

۱۲. تفکیک قوا یا استقلال حداقلی سه قوه از یک دیگر؛

۱۳. امکان ابراز مخالفت سازمان یافته در نظام و امکان وجود «اپوزیسیون قانونی».

گفتار چهارم: دین سالاری سپهری مهدوی

اشاره

در این نوشتار به طور اجمالی، برتری الگوی دین سالاری سپهری مهدوی در برابر الگوی لیبرال - دموکراسی با ذکر دلایل و پاره ای استنادات روایی تبیین می شود، اما این نکته نیز اهمیت دارد که چون دین سالاری مهدوی، آخرین مرحله تکاملی الگوی مردم سالاری دینی است، در مبحث بعدی به برخی آفات محتمل مردم سالاری دینی اشاره می شود.

الف) فقدان آفات مردم سالاری دینی در دین سالاری سپهری مهدوی

مردم سالاری دینی در برخی موضوعات و حوزه های محتمل ذیل، امکان دارد با چالش و خطر روبه رو شود و به عبارتی آفت ها و خطر هایی در کمین آن باشد

که بدیهی است این آفات و مخاطره ها، در الگوی دین سالاری مهدوی جای نخواهد داشت:

۱. نبود تنویر لازم ماهیت و مبانی دموکراسی دینی؛

۲. امکان صوری شدن اصل برابری؛

۳. رفع نکردن ایرادات بر رژیم نمایندگی؛

۴. تعارض یابی روش های وصول به مردم سالاری دینی با مبانی آن؛

۵. امکان صوری شدن اصل تفکیک قوا؛

۶. تبیین نکردن دقیق حقوق متعامل دولت و مردم؛

۷. حاکمیت یافتن مردم سالاری نخبه گرا به مثابه مانعی بر سر مشارکت واقعی مردم؛

۸. تحقق الیگارشسی آهنین به واسطه احزاب و تبدیل احزاب به بنگاه های تجاری و ماشین های جمع آوری رأی در موسم انتخابات؛

۹. کم رنگ شدن و تضعیف نقش اپوزیسیون قانونی؛

۱۰. ضعیف، محدود، بی محتوا و صوری شدن مشارکت سیاسی؛

۱۱. افزایش بی‌اعتنایی سیاسی، انفعال و از خود بیگانگی و «اتمیزه شدن» اجتماعی افراد در اثر عواملی مانند ماشین‌ساز، افزایش مجادلات و درگیری‌های بی‌حاصل جناح‌های سیاسی حاکم؛

۱۲. کاهش قدرت پارلمان به منزله یکی از مظاهر اساسی مردم‌سالاری دینی؛

۱۳. خطر فریب افکار عمومی و نفوذپذیری آن به واسطه عوامل مخمل داخلی و خارجی؛

۱۴. تضعیف بنیادها و مبانی دینی حکومت اسلامی و رواج مذهب زدایی، اباحه‌گری، لائیسزم و سکولاریسم در سطح نخبگان و خواص و آحاد اجتماع.

ب) شاخصه‌های برتری دین‌سالاری سپهری مهدوی

۱. نمونه فرجامین، اکمل و بهینه تمام‌نظام‌های بشری

بی‌شک حکومت دین‌سالاری مهدوی که نه تنها مردمی و جهانی است بلکه کل‌سپهر آفرینش را به منزله «امری جدید» در برخواهد گرفت، سرآمد همه مکتب‌ها و نظام‌های فکری و سیاسی جهانی و مرحله فرجامین و بهینه‌ترین آنها خواهد بود؛ زیرا هراس، ناامنی و بی‌عدالتی گسترده قبل از ظهور، نشان از ناکارآمدی و به‌بن‌بست رسیدن تمام نظام‌های بشری دارد و لیبرال - دموکراسی نیز از این شمول مستثنا نیست. امام علی علیه السلام در این زمینه فرموده است:

او [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند. در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد.

در آینده، آتش جنگ میان شما افروخته می‌گردد و چنگ و دندان نشان می‌دهد. با پستان‌هایی پُر شیر که مکیدن آن شیرین، اما پایانی تلخ و زهر آگین دارد، به سوی شما می‌آید. آگاه باشید! فردایی که شما را از آن

هیچ شناختی نیست، زمام داری حاکمیت پیدا می کند که غیر از خاندان حکومت های امروز است و عمّال و کارگزاران حکومت ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد. زمین میوه های دل خود را برای او بیرون می ریزد و کلیدهایش را به او می سپارد. او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را که تا آن روز متروک مانده اند، زنده می کند. (۱)

هم چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ پرسشی درباره هنگام قیام قائم، فرمود:

زمانی که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد. (۲)

در عصر مهدوی، جهان با احیای اسلامی جدید و نوسازی دینی مواجه خواهد گردید. امام صادق علیه السلام نیز فرموده اند:

یهدم ما قبله كما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و يستأنف الإسلام جدیداً؛ (۳)

گذشته را ویران می سازد همان طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین کرد و اسلام را از نو آغاز می کند. (۴)

هم چنین امام باقر علیه السلام ضمن تشبیه سیره حکومت مهدوی با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ابطال احکام جاهلیت، می فرمایند:

... هم چنین است قائم وقتی قیام می کند، احکامی را که در ایام مصالحه با کفار در دست خلیف بود، باطل می گرداند و با عدالت در میان خلیف رفتار می کند.

بدین گونه، دین سالاری مهدوی، به احیا و تجدید اسلام ناب و نوسازی جدید

۱- نهج البلاغه، ص ۱۹۰، خطبه ۱۳۸.

۲- «سُئِلَ عَنِ النَّبِيِّ (مَتَى يَقُومُ قَائِمُكُمْ، قَالَ) إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرَجًا وَ مَرَجًا.» (بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۴۱، ص ۳۲۲، روایت ۱۷۶)

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲؛ نعمانی، الغیبه، باب ۱۳، ص ۲۳۱، روایت سیزدهم.

۴- مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۴. (به نقل از: الإرشاد، ص ۳۶۴)

آن برحسب مقتضیات جدید معطوف بوده و بدیهی است چنین امری به شفافیت اسلام و افزایش پیروی آن دین حنیف خواهد انجامید.

هم چنین ایشان درباره سرآمدی دولت مهدوی بر تمام نظام ها می فرماید:

إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرَ الدُّوَلِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلُ بَيْتِ لَهْمِ دَوْلَةٍ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لَوْلَا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِمِثْلِ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ (۱)

دولت ما آخرین دولت هاست و هیچ خاندانی که صاحب دولتند، نمی ماند، مگر این که پیش از حکومت ما به قدرت می رسند تا وقتی شیوه ما را دیدند نگویند ما نیز اگر به قدرت می رسیدیم مانند اینان رفتار می کردیم و این همان سخن خدای تعالی است که می فرماید: «و عاقبت برای پرهیزکاران است.»

۲. خدامحوری و عینیت کامل دین و سیاست

نفی نظریه سکولاریسم و جداسازی حکومت از دین، از مبانی نظری حکومت جهانی مهدوی است که از مبانی اصلی لیبرال - دموکراسی نیز به شمار می آید. از آن جا که حکومت جهانی مهدوی حکومتی الهی است، نخستین مبنا و شالوده فکری و عقیدتی آن را خداپرستی شکل می دهد. از این رو، سیاست، ابزاری در خدمت اهداف دینی است و فضیلت گرایی در اوج خود خواهد بود. اساساً سیاست و حکومت، در حکومت عدل مهدوی، ابزار اجرا و تحقق دیانت و شریعت هستند و گرنه ارزش ذاتی ندارند. هم چنان که دین و شریعت ملاک اصلی عدالت و تعیین جایگاه و محل بایسته قرارگیری هر چیزی در جامعه اسلامی است، زنده کردن حق، دین، و شریعت و میراندن باطل، ملاک استیفای حقوق به شمار می آید. حکومت عدل مهدوی، در حقیقت نسخه و ادامه حکومت علوی است.

برای فهمیدن رابطه دین و سیاست در حکومت مهدوی باید به بیان علی علیه السلام نگاه کرد؛ آن جا که در نهج البلاغه، هدف خود را از پذیرش حکومت با جمله «لنرد المعالم من دینک و نظهر الإصلاح فی بلادک، فیأمن المظلومون من عبادک و تقام المعطله من حدودک» (۱) بیان می فرماید. امام علیه السلام با تضرع به خدا عرض می کند که هدفش از قبول حکومت، عشق به قدرت و دست یابی به فزونی متاع دنیا نیست؛ تنها بدان منظور است که نشانه های دین خدا را به جایی که بوده، بازگرداند و اصلاح را در شهرهای او ظاهر کند تا بندگان ستم دیده خداوند در امان باشند و حدود ضایع شده الهی اقامه شود.

بنابراین، در حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، وحدت اساسی میان دین و سیاست برقرار است و سیاست و حکومت، وسیله و ابزار اجرای منویات دیانت شریف اسلام به شمار می آید و اوامر حکومت حضرت، قدسی بوده، اطاعت از آنها مأجور در گاه الهی و سرپیچی از آن گناه و مستوجب عقاب است. این ویژگی در هیچ مکتب و نظام سیاسی در این مرتبه دیده نمی شود. در همین زمینه امام باقر علیه السلام می فرماید:

إذا قام قائم أهل البيت قسّم بالسويّه و عدل في الرعيه فمن أطاعه فقد أطاع الله و من عصاه فقد عصى الله؛ (۲)

وقتی قائم اهل بیت قیام کند، [بیت المال را] با مساوات تقسیم می کند و به شهروندان عدل می ورزد. پس هر کس او را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و سرکشی از او مانند سرکشی و گناه نسبت به خداست.

در حکومت دین سالار مهدوی برخلاف لیبرال - دموکراسی و بسیاری دیگر از نظام های غربی، تمایلات و هواهای نفسانی جایی ندارد و بنابه روایات، با از بین رفتن زمینه های بسیاری از گناهان، دروازه های برکت بر عالمیان گشوده خواهد

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱، روایت پانزدهم؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۵۰، روایت ۱۰۳.

شد. امیرالمومنین علیه السلام در این باره می فرماید:

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرماندهان (فرمان داران) را به شهرها می فرستد تا به عدالت بین مردم حکم کنند؛ گوسفند با گرگ یک جا خواهند بود؛ بچه ها با عقرب و مار بازی می کنند؛ بدون آزار و اذیت... بدی می رود و خوبی باقی می ماند؛ رونق کشاورزی بی اندازه می شود؛ زنا، شرب خمر و ربا رخت برمی بندد؛ مردم به عبادت، شریعت و دیانت روی می آورند؛ نماز جماعت رونق می گیرد؛ عمرها طولانی می شود؛ امانات ادا می شود؛ درختان پرمیوه می شوند؛ برکات فراوان می گردد؛ اشرار نابود می شوند؛ اخیار باقی می مانند؛ دشمنان اهل بیت علیهم السلام باقی نمی مانند. (۱)

۳. جهان گیری اسلام، محو شرک و نفی تساهل افراطی

در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (۲)

دین اسلام، پس از ظهور آن حضرت، تنها دین حاکم بر جهان خواهد بود؛ چنان که دین و سیاست نیز از هم تفکیک ناپذیرند و بلکه سیاست و حکومت، در خدمت دین و اهداف متعالی آن است؛ در حالی که در لیبرال - دموکراسی، اعتقاد به نسبت اخلاقی و ارزشی، اعمال اصل تساهل و رواداری افراطی در برابر تمام عقاید و ادیان، جزء ادعاهای اصلی به شمار می آید و موضع حکومت بر مبنای لائیسزم، در مقابل دیانت و مذهب، خنثا بوده و از منظر آنها حمایت و جانب داری از یک مذهب، به معنای مداخله در آزادی های فردی و مخدوش کردن آزادی عقیده و ابراز عقاید است. در حالی که سکولاریسم یا عرفی شدن و دنیاپرستی و اصالت امور دنیوی در سرلوحه مکتب لیبرال - دموکراسی قرار دارد، در حکومت جهانی مهدوی، بدون هیچ گونه مجامله و تعارفی، اسلام آیین مطلق و برتر و

۱- . منتخب الأثر، ص ۵۹۳. (به نقل از: کشف الأسرار)

۲- . برخی آیات که تفاسیر آنها بر جهانی بودن اسلام و نهضت مهدوی دلالت دارد عبارتند از: سوره انبیاء، آیه ۱۰۵؛ سوره قصص، آیه ۵؛ سوره نور، آیه ۵۵؛ سوره حج، آیه ۴۱.

متعالی به جهانیان معرفی می گردد و آنان نیز پس از شناسایی، اسلام را می پذیرند؛ هم چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

فرمان روایی او شرق و غرب عالم را در برمی گیرد. خداوند به واسطه او دین خود را بر همه ادیان غالب می گرداند و در زمین خرابه ای باقی نمی ماند و همگی آباد می شود. (۱)

محمد بن مسعود در تفسیر عیاشی از رفاعه بن موسی روایت می کند که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا» (۲) فرمود:

وقتی قائم آل محمد قیام کند، مکانی در روی زمین باقی نمی ماند مگر این که کلمه طیبه لاله الاالله، محمد رسول الله در آن جا به آواز بلند گفته می شود. (۳)

خداوند نیز در شب معراج به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

به واسطه قائم از خاندان تو، زمین خود را با تسبیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر و تمجید خود آباد می سازم و زمین را از دشمنان پاک می سازم و دوستان خود را وارث آن می گردانم. (۴)

دین سالاری مهدوی، بر مبنای این روایات و توضیحات، دولتی جهانی و مبتنی بر آموزه های وحیانی و دینی خواهد بود و با پذیرش اسلام از سوی همه مردم جهان و عالم گیر شدن آن، دیگر هیچ مرزی میان مردم نخواهد بود. از این رو، گستره توسعه سیاسی نیز به مرزهای ملی محدود نبوده، بلکه انسان ها دغدغه های مشترکی خواهند داشت و در سختی ها و ناملایمات، هم پیکر و در کنار هم خواهند بود. زندگی سیاسی، دیگر نه معطوف به کسب منافع گروهی یا نژادی و

۱- . امالی، ص ۲۳۱.

۲- . «هر که در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است.» (سوره آل عمران، آیه ۸۳)

۳- . مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۴. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، روایت ۸۱)

۴- . منتخب الأثر، ص ۱۶۸.

حتی ملی، بلکه در جهت سعادت بشر و صلاح و اصلاح همه انسان ها خواهد بود. محور این جامعه، خدا و احکام خداست و تعالیم اسلامی برای اداره جامعه جهانی کافی خواهد بود؛ در حالی که در لیبرال - دموکراسی، قراردادهای، قوانین موضوعه، تمایلات بشری، الحاد و حاکمیت سکولاریسم محور و مبانی اصلی است و عنان این مکتب و نظام سیاسی در کف بی کفایت سرمایه داری استیلاطلب قرار دارد.

۴. امام معصوم و انسان کامل در رأس حکومت

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که مظهر انسان کامل است، در دین سالاری سپهری، عالی ترین و عادلانه ترین نوع مدیریت را عرضه می کند. برای پیشرفت ها در عصر ظهور، عواملی باید تحقق یابد؛ وجود رهبری معصوم، پاک و منزله از هر نوع عیب و نقص (از قبیل احساسات حیوانی، خشم، غضب بی جا، شهوت، کبر، غرور و خودخواهی) یکی از آنهاست. او فقط به خدا وابستگی دارد و برخلاف نظام های سیاسی ملیت و سلطه طلب موجود، به همه ملت ها، جمعیت ها و نژادها، با چشم مهربانی و برابری نگاه می کند و فرقی بین اقوام، نژادها و ملیت ها نمی گذارد. بدین ترتیب، دین سالاری سپهری مهدوی در تمام جهات با حکومت های موجود در عالم فرق دارد. حاکم، نوع حکومت، قوانین و نظامات جاری در آن، هیچ همانندی ای با حکومت های موجود در عالم ندارد؛ نوع حکومتش الهی و بر مبنای ایمان به خدای یگانه و توحید خالص بوده، متحد کردن جماعت ها و ملت ها، برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات بیهوده، برقرار کردن توحید کلمه، ایجاد همکاری و ارتباط بین مردم از اهداف آن به شمار می آید. حاکم آن نیز امام معصوم، احیا کننده شریعت نبوی و مجری قوانین اسلامی و دستوره های الهی است. اسلام می خواهد تمام اختلافات و جدایی ها را که به نام های گوناگون پدید آمده، به وسیله عقیده توحیدی، از میان بردارد. تمامی اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی و زبانی

باید از میان برود و سبب امتیاز، افتخار و اعتبار نباشد و حتی در آن حکومت، اختلاف دینی هم باید کنار گذاشته شود و همه، در زیر پرچم اسلام تسلیم فرمان خدا باشند. این همان حکومت واحد جهانی است که در آن، کره زمین با یک حاکم، یک نوع حکومت و با یک شیوه و روش عادلانه اداره می شود. اسلام برای بشر چنین حکومتی را پیش بینی کرده و در حدود وظیفه تشریح، مقدمات آن را فراهم ساخته و عملی شدن آن را به آماده شدن زمینه کامل آن موکول کرده است. اساساً حفظ انسانی کامل به عنوان ولی الله الاعظم و نگه داری آن در پشت پرده غیبت، برای تشکیل چنان حکومت واحد جهانی است؛ زیرا انسان های عادی عهده دار تشکیل چنان حکومتی نخواهند بود. (۱)

بدین لحاظ برخلاف لیبرال - دموکراسی که با عقل گرایی افراطی همه چیز را صرفاً به انسان و عقلانیت مادی وی واگذار می کند، در جامعه مهدوی، رهبری آسمانی نقش اساسی ایفا می کند و مهربانانه تر از اولیای انسان ها، هدایت کشتی طوفان زده بشری را برعهده خواهد گرفت؛ هم چنان که در روایات آمده: «وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ؛ (۲) مهدی موعود از پدران و مادران بر امت خود مهربان تر است»؛ انسان کامل و معصومی که به گفته خویش، لحظه ای از یاد شهروندان خود غافل نیست و همواره بلاگردان آنهاست. (۳)

۵. پشت گرمی و مؤید به رعب و نصرت الهی

طبق روایات فراوان، قیام و دولت طیبه مهدوی با رعب و نصرت الهی و با

۱- . نک: «عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام».

۲- . روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳- . «إِنَّا غَيْرُ مَهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ؛ ما هرگز در رعایت و مراقبت شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم.» (احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷) - «بِیْ يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِیْ وَ شِيعَتِیْ؛ خداوند به وسیله من بلاها را از شیعیان و خاندانم دفع می کند.» (شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۶)

کمک فرشتگان و حتی جبرئیل و میکائیل همراه و محقق خواهد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه می فرماید:

قائم در کنف حمایت جبرئیل و میکائیل است (۱)... او دین خدا را بر همه ادیان غالب گرداند و با نصرت خدا و فرشتگان تأیید شود. پس زمین را پر از عدل و داد کند، چنان که پر از جور و ستم شده بود. (۲)

شیخ مفید در کتاب ارشاد از ابوبکر حضرمی روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام فرموده است:

گویا قائم را در بلندی کوفه (شهر نجف) می بینم که با پنج هزار فرشته در حالی که جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ و مؤمنان

پیش روی او قرار دارند، به آن جا آمده است و لشکرهای خود را در شهر پراکنده می سازد. (۳)

هم چنین امام صادق علیه السلام فرموده اند:

...خداوند صاحب الأمر را با سه لشکر از فرشتگان و مؤمنان و رعبی (که در دل پادشاهان و گردن کشان می اندازد) تأیید می کند. (۴)

با این توضیحات روشن شد که دین سالاری مهدوی که معطوف به تحقق حیات طیبه قرآنی است، نسبت به تمام نظام های بشری امتیازی بی بدیل دارد و آن مؤید و مستظهر بودن به نصرت لایزال الهی است.

۶. فراگیری سپهر آفرینش

اگر مکاتب و نظام هایی مانند لیبرال - دموکراسی، به مردمی بودن خود تفاخر

۱- نک: مهدی موعود، ص ۲۸۹.

۲- مهدی موعود، ص ۱۱۳۵.

۳- مهدی موعود، ص ۱۱۱۹.

۴- مهدی موعود، ص ۱۱۲۵.

می کنند، دین سالاری مهدوی نه تنها مردمی بلکه جهانی و در مرتبه ای بسیار بالاتر «سپهری» است؛ یعنی تمام هستی و سپهر آفرینش را دربر گرفته و در این جغرافیای گسترده، همه را اعم از جمادات، نباتات، حیوانات و انسان ها را از خود به اذن و برکت الهی، منتفع می سازد. بنابه روایات، زمین در عصر مهدوی، با لطف الهی از هرگونه جور و ظلمی تطهیر می شود و با نور الهی منور و تابان می گردد. امام رضا علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

يَطْهَرُ اللهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جُورٍ وَيَقْدَسُهَا مِنْ كُلِّ ظَلَمٍ... فَإِذَا خَرَجَ، أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ نُبُورَ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلَمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَهُوَ الَّذِي تَطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ؛ (۱)

خداوند به واسطه او، زمین را از هرگونه جور و ظلم تطهیر و منزه می کند. پس هنگامی که وی (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) خروج کند، زمین با نور پروردگار، نورانی شود و ترازوی عدالت در میان مردم حکم فرما گردد.

پس از آن، دیگر کسی ظلم نمی کند و او کسی است که زمین برایش درنور دیده می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در کلامی زیبا، خشنودی تمام موجودات انسانی و غیرانسانی از حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را با عبارت «يرضى عنه ساكن الأرض و السماء» (۲) بیان فرموده اند و در بیانی دیگر، حکومت مزبور را مایه رفاه و فرح و شادمانی موجودات به شمار آورده، می فرمایند:

يفرح به أهل السماء و أهل الأرض و الطير و الوحوش و الحيتان في البحر؛ (۳)

ساکنان آسمان و مردم زمین، پرندگان، درندگان و ماهیان دریا، همه در سایه لطف و حکومت او شادمان و فرح ناک هستند.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۲۱، روایت ۲۹.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۱، ص ۱۰۴، روایت ۳۹.

۳- منتخب الأثر، باب ۳، ص ۴۷۲، روایت سوم.

بسیار بدیهی است که این شادمانی، بدون تصور رعایت آرمانی حقوق همه جان داران و حفظ حقوق و رعایت محیط زیست آنها در دین سالاری سپهری مهدوی محقق و میسر نمی شود و با تأملی کوتاه در روایات مختص به عصر ظهور، به خوبی می فهمیم که فضای زیستی و موجودات ساکن در این قلمرو، در نهایت کمال از مواهب حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برخوردار می گردند و طعم آسایش، آرامش و حیات طیبه مبتنی بر عدالت را خواهند چشید.

۷. برخورداری از نهایی ترین حد مشروعیت (حقانیت، مقبولیت، قانونیت)

دین سالاری احیاگر مهدوی که با پرچم ایمان و عدالت صورت می پذیرد، در نهایت مشروعیت و رضایت عمومی صورت می گیرد و با پذیرش همگانی ساکنان زمین و آسمان و حتی حیوانات و جنبندگان عالم هستی تحقق می یابد و همه با مباحثات و خشنودی به آن تن می دهند. در این میان، فرقی میان دیانت ها، نژادها، قومیت ها و هویت های گوناگون مردم گیتی نیست؛ زیرا نهضت مهدوی، حرکتی جهان گستر و عالم شمول برای نجات و رستگاری همه بشر است. عدالت گستره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خود زمینه های تقویت و پایداری مشروعیت حکومت ایشان و جذب دل های بیشتر مردم را به دنبال خواهد داشت.

دین سالاری مهدوی حکومتی ولایی است که مشروعیت حکومت از ولایت و مشیت خداوند سرچشمه می گیرد و در عین واقعیت، دارای عالی ترین حد کمال از حیث مشروعیت است؛ برخلاف حکومت های امروزی بشر و نظام لیبرال - دموکراسی که منشأ مشروعیت آنها خدایی نیست یا مشروعیتی ناقص و کاذب و نوعاً محصول دماغوژی یا عوام فریبی و دست کاری افکار است. براین اساس، هیچ یک از حکومت های بشری از مشروعیت دینی برخوردار نیستند، اما حکومت ولایی که از ولایت و مشیت خداوند سرچشمه می گیرد، چنین مشروعیتی را دارد؛ زیرا خداوند، آفریدگار و مالک انسان و جهان است و بالذات حق تصرف در امور بندگان خود را دارد.

با این توضیحات و بنابر روایات، می توان نتیجه گرفت که دین سالاری مهدوی، مورد رضایت اهل عالم، ملل و نحل مختلف و نظام های سیاسی گوناگون بوده، از لحاظ آنها دارای سه درجه مشروعیت کامل یعنی مقبولیت، قانونیت و حقانیت است.

۸. غالبیت خواست الهی بر خواست و نظر اکثریت

چنان که بیان شد، از اصلی ترین شعار های لیبرال - دموکراسی، حکومت اکثریت و تجمیع خواست اکثریت و پاسخ به آنها در قالب نظریه قرارداد اجتماعی است؛ اما در آموزه مهدویت یا دین سالاری مهدوی، همانند مردم سالاری دینی ضمن اعتقاد به ضرورت کسب رضایت عامه، این باور نظری و عملی وجود دارد که همواره خواست اکثریت، کاشف از حق نیست، همان طور که عنایت به دیدگاه ها و سخنان امام علی علیه السلام در این زمینه بسیار راه گشاست. ایشان بر رضایت توده ها و اکثریت مردم تأکید بسیاری داشتند و جلب رضایت و اعتماد آنان را ضروری، مفید، مشکل گشا و مقتضای حق می دانستند و از والیان خود می خواستند تا راه موفقیت و خدمت را از طریق توده و اکثریت بجویند؛ زیرا به تعبیر امام علیه السلام:

بی شک توده ها ستون فقرات جامعه دینی، تکیه گاه مکتب و وسیله شکست دشمنان می باشند. پس باید با آنها بود و بر آنها تکیه زد و به خواست و نیاز آنها توجه کرد. (۱)

و در جای دیگر می فرماید:

محبوب امور نزد زمام دار اسلامی، باید مؤثرترین آنها در حق و فراگیرترین آنها در عدل و جامع ترین آنها برای رضایت عامه جامعه باشد. (۲)

از سوی دیگر از دید امام علیه السلام، نظر اکثریت همواره موافق و مقارن با حق و

۱- نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، نامه ۵۳، ص ۹۹۶، روایت ۱۳.

۲- نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، نامه ۵۳، ص ۹۹۶، بند ۱۱.

حقیقت نیست. امام علیه السلام پایه حکومت خود را بر پیروی از حق و اقامه آن نهاد و خود، محور و مفسر حق بود. از این رو هرگاه اکثر جامعه، از حق پیروی می کردند، پیش رو آنان بود، ولی اگر از حق سر باز می زدند، او هم چنان با حق بود و از جدایی اکثریت باطل، بیم نداشت. هم چنان که به عمار فرمود:

ای عمار! اگر دیدی علی از راهی رفت و همه مردم از راه دیگر، تو با علی برو و دیگران را رها کن. یقین بدان علی هرگز تو را به راه هلاکت نمی برد و از شاه راه رستگاری خارج نمی سازد. (۱)

از این سخنان نتیجه می گیریم که دین سالاری مهدوی و مردم سالاری دینی، در کنار احترام کامل به خواست مردم و نظر اکثریت و خرد و عقل جمعی، هیچ موقع، «فرد» یا «جمع» را بر خدا و شریعت الهی مقدم نمی دارد و در کنار رعایت چارچوب های اسلامی، به مصالح جمعی اهتمام می ورزد و آن را بر خواست و مصالح فردی مقدم می کند.

۹. الهی دانستن مبانی عدالت، تفاوتی ماهوی با لیبرال - دموکراسی

عمومی ترین تعریف عدالت در اندیشه اسلامی، قرار گرفتن هر چیز در جای خویش، حق را به حق دار رساندن، ایفای اهلیت و رعایت استحقاق هاست. این تعریف درباره نوع عدالت حاکم بر نظام مهدوی نیز صدق می کند. در چنین نظامی، قرار گرفتن هر چیز در جای خود و استیفای مداوم حقوق، به تعادل، ثبات، استقامت و پایداری نظام سیاسی می انجامد. شریعت مبنای اصلی عدالت در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. دیانت شریف اسلام، ملاک و مناط عدالت به شمار می آید. مبنای توافق و تعاملات میان افراد و عرف حاکم در میان مردم باید بنا بر عدالت مبتنی بر شریعت باشد. هم چنین برخی دیگر از شاخصه های عدالت سیاسی مهدوی عبارتند از: نفی خودکامگی و تغلب، بسترسازی مشارکت برابر و

آزادانه عموم در عرصه های گوناگون، توزیع قدرت و مناصب سیاسی و میزان مشارکت بر حسب استحقاق، شایستگی و کارآمدی افراد، شیوه منصفانه و مبتنی بر رعایت استحقاق های تمام افراد جامعه در توزیع بیت المال و خدمات و منافع، نفی برابری و یک سان سازی مطلق در میان اجتماع و ایجاد زمینه های دست یابی مردم به فضایل و مراتب مختلف علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سرانجام تمهید همه زمینه های تحقق توان مندی ها و استعدادهای بالقوه همه شهروندان جامعه.

اساساً مفهوم عدالت در اندیشه فعلی غرب و نظام لیبرال - دموکراسی، در قالب های انسانی و غیرروحانی و فایده انگارانه و به صورت مفهومی متغیر، نسبی و زمینی، نه در چارچوب شرایع آسمانی، بیان شده است. لذا عدالت در بیشتر نظریه ها و مباحث در لیبرال - دموکراسی، نسبییت داشته، تابع هر نوع ذوق و سلیقه مشاهده می شود. از سویی، نظام های سیاسی لیبرال - دموکراسی، چه در حوزه نظری و چه در حوزه اجرایی، به نظر بسیار پیشرفته به نظر می آیند، ولی در واقعیت، عدالت در نظام سیاسی به معنای پیش گفته به چشم نمی آید. از دلایل اصلی آن می توان به این موارد اشاره کرد: تلون، ابهام و سیالیت در مفهوم دموکراسی، حاکم شدن و حاکمیت ایت ها (نخبگان) و الیتسم (نخبه گرایی) به جای مشارکت عموم مردم، حاکمیت ماشین ها والیگارشسی های قدرت مند حزبی بر خواست و اراده مردم، فرآیند تبلیغات عوام فریبانه در عرصه سیاست و دست کاری افکار عمومی، افراط در اکثریت گرایی و نادیده گرفتن دیدگاه های اقلیت و ضعیف و آسیب پذیر بودن نظام نمایندگی و... .

۱۰. مساوات طلبی حقیقی

در آموزه مهدوی، دیگر شکاف های اقتصادی، تبعیض های ناروا و فقر ماحصل عمل کرد لیبرال - دموکراسی سرمایه داری و سلطه طلب غربی وجود ندارد و به جای مساوات طلبی صوری و ظاهری، مساوات واقعی و برابری بر مبنای استحقاق، برقرار می شود و همه در برخورداری از فرصت ها برای بالفعل کردن

استعداد های خویش، مساوی خواهند بود. بر این مبنا، نه تنها شکاف های مزبور در اقصی نقاط دنیا پرمی گردند، بلکه جامعه بشری به استغنا کامل می رسد و حتی فقری برای دریافت صدقات و اعانات یافت نخواهد شد. چنین وضعیتی، محصول توسعه وسیع اقتصادی و انسانی پایدار و بالنده نهضت جهان شمول و سپهری مهدوی است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

... و در میان خلایق به طریق حکم داوود و محمد صلی الله علیه و آله و سلم حکم می کنند. در این وقت زمین، خزینه های خود را ظاهر و برکات خویش را آشکار می گرداند و در این وقت مردی از شما کسی را نمی تواند پیدا کند که صدقه ای به او بدهد یا احسانی در حق وی نماید؛ زیرا که همه مؤمنان غنی و مال دار هستند. [\(۱\)](#)

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

... فَإِنَّهُ يُقَسِّمُ بِالسُّوْيَةِ وَيُعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ، الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ؛ [\(۲\)](#)

آن حضرت (اموال را) برابر تقسیم می کند و میان همه مردم، نیکوکار و بدکار، به عدالت رفتار می نماید.

بر اساس این روایت، در مواردی که برابری میان مردم از مظاهر عدالت است، اموال به تساوی تقسیم می شود، نه این که در همه موارد به همگان یک سان پرداخت گردد. در واقع، برابری میان مردم با هدف تأمین ضروریات و امکانات اولیه زندگی است تا همه افراد و قشرها از یک حد منطقی و رفاهی معقول برخوردار باشند.

۱۱. امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی

امنیت از مقوله هایی است که حاکمان و سیاست مداران پیوسته بدان توجه

۱- . مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۴ - ۲۲۵.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

داشته اند، اما در بسیاری از نظام های دنیا و از جمله در لیبرال - دموکراسی، این امنیت در حیطه فیزیکی و از حیث روانی برای شهروندان فراهم نیست و نبود دین در عرصه های فردی، جمعی و اجتماعی، باعث شده تا مردم از مبنای اصلی امنیت یعنی ایمان، طمأنینه و آرامش روانی برخوردار نشوند. این امر، نابسامانی ها و ناهنجاری های فراوان رفتاری سیاسی را برای ایشان به ارمغان آورده است. در مقابل، برقراری امنیت واقعی و همه جانبه بر مبنای ایمان در جامعه یکی از آرمان های دین سالاری مهدوی به شمار می آید، به گونه ای که جان و مال و حیثیت افراد جامعه از تجاوز دیگران حفظ شود. تحقق امنیت برای همه شهروندان، به ویژه مظلومان و مستضعفان رسالت حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، زیرا این قشر بیشتر در معرض ناامنی اند. بدین علت، امیرالمؤمنین علیه السلام ایجاد امنیت برای مظلومان را یکی از آرمان های حکومت اسلامی و علوی می داند. (۱) از سویی، محصول عدالت گستری و ظلم ستیزی حکومت مهدوی و رعایت حقوق همه کائنات و موجودات در سپهر گیتی، چیزی غیر از امنیت و برقراری صلح و دوستی در فراخنای هستی نمی تواند باشد. همان طور که برحسب روایات، کینه ها و اختلاف ها از جامعه بشری رخت برمی بندد، این کینه ها و عوامل نزاع، از عالم حیوانی و جانوری نیز ناپدید خواهد شد. حتی حیواناتی که به کینه جویی و تقابل با هم شهره هستند، در کمال مسالمت و آرامش به زندگی مودت آمیز در کنار هم خواهند پرداخت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره موعود و امنیت آن عصر طیبه فرموده اند:

... نامش نام من است. در موقع ظهور او پرندگان در آشیانه هایشان و ماهیان در دریاها (با کمال آزادی و دور از هرگونه ترس و مزاحمت دشمن) تولید نسل می کنند و نهرها کشیده می شود و چشمه ها می جوشد و زمین دو برابر محصول خود را می رویاند... (۲)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

۲- مهدی موعود، ص ۱۰۹۵.

بدین ترتیب در دین سالاری مهدوی برخلاف نظام های سیاسی فعلی و غربی، امنیت، آرامش و ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به وفور و بالاترین حد برای همگان تأمین خواهد گردید؛ زیرا عدالت در بیشترین حد و به صورت کامل و تمام اجرا می شود. در آن هنگام استیفای حقوق به صورت قطعی صورت خواهد گرفت و در قضاوت ها و محاکم، دیگر هیچ خطا و اشتباهی پیش نخواهد آمد؛ زیرا امام علیه السلام خود میان مردم زندگی می کند و بر آنها حکومت و قضاوت خواهد کرد. قضاوتی که بدون نیاز به بینه و اماره صورت می گیرد و این حکومت و قضاوت به الهام الهی و بر همین مبنا به علم امام متکی است. بدین ترتیب، امام علیه السلام از مردم بینه و شاهد درخواست نمی کند و به مانند داوود و سلیمان حکم واحدی می نماید. (۱)

۱۲. صفا و صمیمیت در تقابل با فرآیند «ذره ای شدن» اجتماعی

فردگرایی و مادی گرایی افراطی و سکولاریستی لیبرال - دموکراسی و اکتفا به عقلانیت سوداگرایانه و منفعت محور انسان غربی، باعث از بین رفتن پیوند های عاطفی میان افراد اجتماع و گسترش انزوا و بی اعتنائی سیاسی و اجتماعی گردیده است؛ فرآیندی که جامعه شناسان غربی از آن به «ذره ای شدن» یا «اتمیزاسیون» فرد و اجتماع یاد می کنند. افراد در نتیجه این پدیده، علائق جمعی خود را از دست داده، همانند ذره های گسسته از یک دیگر، فاقد پیوند های عاطفی، احساسی و صمیمیت و تعاملات لازم می گردند. این مشکل هم چنان گریبان گیر انسان غربی است. اما این مسئله در دین سالاری مهدوی به شدت معکوس است. امام باقر علیه السلام درباره صمیمیت و برادری در عصر ظهور می فرماید:

إذا قام القائم جئت المزملة و يأتي الرجل إلى كيس أخيه فيأخذ حاجته لا يمنعه؛ (۲)

۱- . نك: بحار الأنوار، ج ۱۴، باب ۱، ص ۱۴، روایت ۲۳.

۲- . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳.

هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، رفاقت و دوستی خالصانه (در میان مردم) رایج می گردد و اگر مردی دست در جیب برادرش فرو برد و به اندازه نیازش بردارد، برادرش او را منع نمی کند.

ایشان بروز این صمیمیت و برادری کامل را در هنگامه رشد عقول و تکامل اخلاقی در عصر ظهور می داند و می فرماید:

«آیا شما نزد برادرتان می روید و دست در جیب او می برید و به اندازه نیازتان برمی دارید و او مانع شما نمی گردد؟» راوی می گوید: «گفتم این رسم در میان ما نیست.» امام فرمود: «پس جالب توجه نیست.» گفتم: «آیا هلاکت در پیش است؟» فرمود: «این مردم هنوز به رشد عقلانی نرسیده اند.» (۱)

امام کاظم علیه السلام نیز آرزوی خود را در نحوه تعاملات پیوند های اجتماعی مسلمانان چنین بیان می دارد:

«ای عاصم! چگونه پیوندهای اجتماعی را محکم می دارید و دیگران را در مال خود شریک می سازید؟... آیا در تنگ دستی ها کسی از شما به دکان یا منزل برادرش می رود و آن چه را نیاز دارد برمی دارد و (صاحب آن) مانع او نمی گردد؟» گفت: «نه چنین نیستیم.» امام فرمود: «شما (در روابط اجتماعی) آن طور که من دوست دارم نیستید.» (۲)

بسیار واضح است که این فرمایش و خواست امام، در حیات طیبه مهدوی به بهینه ترین صورت، محقق خواهد شد.

۱۳. اوج تحقق جوامع مدنی و تعاملات سیاسی و اجتماعی در فضای «فرا ابرسانه ای»

جامعه مدنی در ادبیات سیاسی غرب و هم چنین در لیبرال - دموکراسی، به تشکل های مردمی و خودجوشی گفته می شود که به منزله حلقه واسطه و ارتباطی

۱- عصر زندگی، ص ۱۵۵ - ۱۵۶.

۲- عصر زندگی، ص ۱۵۶ - ۱۵۷.

میان افراد و گروه های اجتماعی با دولت انجام وظیفه می کند و در واقع مطالبات مردم را به دولت منتقل می سازد. از جانب دیگر بر عمل کرد این نهاد نظارت می کند؛ زیرا بر مبنای این الگوی سیاسی، معمولاً میان خواسته های افراد و گروه های سیاسی با دولت، نوعی ناهم سازی و تعارض فرض می گردد و هر یک از این دو به دنبال به دست آوردن امکانات و اختیارات بیشتر، و تحدید و تعدیل افزون تر دیگری است.

اما در دین سالاری مهدوی به هیچ وجه از این رابطه تقابلی و نسبتاً خصمانه خبری نیست. در واقع هم گرایی کاملی میان افراد، گروه ها و جوامع مدنی در یک سو، و دولت در سوی دیگر وجود دارد. در حقیقت دو دستگی و اختلاف مطالبات و اهداف میان آنها دیده نمی شود و الگوی فعالیت سیاسی هر دو، همکاری و مشارکت سیاسی فعال متعهدانه با رهبری امام معصوم، بر اساس شریعت و هدایت الهی، برای زمینه سازی سعادت و فضیلت اخلاقی در عرصه جهانی است. هم چنین فضاهاى ارتباطی و رسانه ای در دولت جهانی مهدوی، دچار تحولات شگرف و بنیادینی خواهد شد که بسیار فراتر از دوره ظهور ابررسانه های فعلی است. این امر امکان ارتباطات بسیار گسترده تر، رخ به رخ و حتی به تعبیری نوعی دین سالاری مستقیم را محقق خواهد ساخت؛ زیرا امکان ملاقات مستقیم و همیشگی همه مردم با یک دیگر و با کارگزاران سیاسی و حتی امام معصوم علیه السلام در هر لحظه وجود دارد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

مؤمن در عصر قائم در حالی که در مشرق قرار دارد، برادر خویش را که در مغرب است می بیند و همان گونه آن که در مغرب قرار دارد، برادر مؤمن خویش را در مشرق می بیند. (۱)

و نیز فرموده اند:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما، گستردگی و کشش ویژه ای می بخشد تا میان آنان و مهدی ما واسطه و نامه رسان یا فاصله ای نباشد. (۱)

با توجه به این روایت ها، به نظر می رسد که پیشرفت های عصر ظهور در عرصه گسترش فضاهای ارتباطی تنها به تکنولوژی و ابزارهای ارتباطی منحصر نباشد، بلکه مؤمنان به واسطه سطوح عالی ایمانی خود، از کمالات اعطایی الهی برخوردار می گردند و گوش و چشم آنان دارای قدرت فراشنوایی و فرابینی و به عبارتی فرامکانی خواهد شد. همان طور که در هر لحظه با یک دیگر ملاقات سمعی و بصری دارند، می توانند به طریق اولی با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز ارتباط داشته باشند و از فیض مطلق وجود او، در ورای مکان ها و زمان ها استفاده کنند و در نزد ایشان و برای متابعت و انقیاد دائم از آن حضرت دائم الحضور باشند. بدیهی است در آن عصر که هر چیز و از جمله انواع تعاملات افراد و دولت به کمال نهایی خود می رسد، تجهیز مؤمنان که اشرف مخلوقاتند، به چنین مواهب الهی دور از ذهن نیست و در این صورت، توسعه و مشارکت سیاسی آگاهانه به متعالی ترین حد خود خواهد رسید.

۱۴. تکامل عقول بشری و مشارکت سیاسی عاقلان

نگرش دین سالاری مهدوی به عقل و عقلانیت، به هیچ وجه افراطی، مادی و منفعت انگارانه و تک سویه نیست. برعکس، عقل در جهان بینی توحیدی جایگاهی بس بالا و والا دارد. عاقلان نیز از حرمت و کرامت ویژه ای برخوردارند. برتری عقلی پیامبران، از امتیازات آنان بر دیگران بوده است. آنها در پرتو عقل توانستند بشر را در جهت سعادت دنیوی و اخروی هدایت کنند. مطابق احادیث، انجام دادن فرایض دینی به تنهایی، نشان دهنده کمال و تعالی شخصیت انسان نیست،

۱- . مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۰.

بلکه کمال ربانی عقل، نشان دهنده تکامل شخصیت اوست.

عقل، انسان را به معرفت درست خداوند رهنمون می سازد و در حوزه عمل او را به تسلیم در برابر اوامر و نواهی الهی برمی انگیزد، همان طور که علم و دانش از مکارم و مفاخر انسانی است. فرشتگان بر حضرت آدم علیه السلام که از موهبت «علم الأسماء» بهره مند بود، سجده کردند. عقل نیز در پرتو هدایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به رشد و کمال وافی می رسد و شکوفا می گردد. کوتاه بینی ها، تنگ نظری ها و افکار دون و ناپسند با افزایش بصیرت عمومی، از جامعه رخت برمی بندد. امام باقر علیه السلام در همین باره می فرماید:

وقتی قائم ماقیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان کشیده،

عقل آنها زیاد و فهمشان بالا می رود... (۱) در زمان مهدی به شما

حکمت بیاموزند. (۲)

در دین سالاری و نیک شهر مهدوی، با وجود تکریم عقل و تجلیل از ره آورد برهان عقلی و تجربه حسی، هدایت اصلی به وحی الهی را به امام معصوم می سپرند و با گسترش دانش و آگاهی میان مردم، زمینه حضور فعال آنها را در عرصه عمومی آماده می کنند. در آن هنگام عقول مردم تکامل می یابد و طبعاً کنش های سیاسی - اجتماعی نیز که بر اساس جهل و رقابت های ناسالم به تعارض تبدیل شده، جای خود را به همکاری و تعاون و عقلانیت در عرصه سیاسی - اجتماعی می دهد و ریشه منازعات بی حاصل سیاسی و اجتماعی، سودجویی ها و کنش های نامعقول، از جامعه برطرف می گردد.

۱۵. تحول بنیادین در ماهیت و عمل کرد احزاب و امکان حذف تحزب

در دولت مهدوی زمینه های تعارض و اختلاف از بین رفته و امت واحده ایجاد

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

خواهد شد. بدین ترتیب، علل به وجود آورنده احزاب و گروه‌ها نیز از بین خواهد رفت؛ زیرا شکاف‌های گوناگون در سطح اجتماع، دلیل اصلی پدید آمدن احزاب و گروه‌های متنوع است. گروه‌بندی‌ها و احزاب متعددی از شکاف‌های جنسی، سنی، طبقاتی، قومی، نژادی، هویتی، تاریخی و... برای حفظ منافع این جوامع مدنی و دفاع برای افزایش این منافع به وجود می‌آید. بدیهی است، وقتی حکومتی عادل و فاضل برقرار باشد که زمینه تبعیض‌های ناروا، نابرابری‌ها و شکاف‌ها را بر کند، دیگر به وجود احزاب و گروه‌های مختلف نیازی نیست. وجود این گروه‌بندی‌ها ممکن است جامعه و امت واحده عصر مهدوی را دچار تفرقه و انشعاب کند. امروزه در تعریف حزب به‌گردد هم‌آیی پایدار گروهی از مردم گفته می‌شود که از عقاید مشترک و تشکیلات منظم برخوردارند و با پشتیبانی مردم برای به دست آوردن قدرت سیاسی از راه‌های قانونی مبارزه می‌کنند. از آن‌جا که در حکومت مهدوی، همه با رضایت کامل و افتخار این حکومت را پذیرفته و به شهروندی آن تن داده‌اند، اساساً مبارزه‌ای علیه حکومت وجود نخواهد داشت تا حزبی بخواهد آن را نمایندگی کند. علاوه بر آن، چنین حکومتی، زمینه‌های مشارکت واقعی شهروندان را در تمام امور حکومت بسترسازی می‌کند، مشارکت آنها را بر اساس میزان اهلیت، کاردانی و استحقاق آنها می‌پذیرد و از چنین افرادی در اداره جامعه با آغوش باز استقبال می‌کند.

در دین سالاری مهدوی، حزب الله که همان امت واحده است، جای احزاب متفرق را می‌گیرد و همه مردم در حزبی واحد که همان تشکل اصلی مؤمنان است جای گرفته، مجدداً امت واحده قرآنی با حیات طیبه محقق می‌شود. البته به نظر می‌رسد در صورت بقای گروه‌ها و احزاب متعدد سیاسی در عصر ظهور، تعاملات انسانی و اسلامی، نه رقابت‌های کاذب و سیاست‌های ماکیاویستی میان آنها حاکم باشد و همه آنها آرمان‌های واحد و والا را از طرق متنوع دنبال کنند.

۱۶. سیره گفتمانی و احتجاجی واقعی با ادیان و اقلیت ها

بر اساس روایات، در دین سالاری مهدوی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون هیچ تعارفی همه موحدان و غیرموحدان و پیروان دیگر ادیان را به پیروی از اسلام و تعالیم نجات بخش آن با قاطعیت تکلیف می کند، ولی این به معنای اجبار صرف عقیدتی ایشان به پذیرش مطلق آیین اسلام نیست، بلکه محور کار حضرت، همان طور که از نامشان نیز می آید، هدایت جامعه بشری است و اصل و اساس هدایت باید مبتنی بر اقناع باشد. روایات نیز به این مطلب اشاره دارند که حضرت از همان ابتدای ظهور، کتب بدون تحریف زبور، تورات، انجیل و ... را پیدا می کند و بر اساس نُسخ اصل آنها با اهل کتاب محاجّه، استدلال و گفت و گو کرده، بر آن اساس بر آنها حکم می راند تا آن که ایشان به دین اسلام و حکومت جهان شمول مهدوی هدایت گردند. امام باقر علیه السلام نیز علاوه بر اشاره به این مسئله، برخورد گفتمانی و استدلالی و محترمانه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با دیگر ادیان را به وضوح تشریح فرموده اند. (۱)

بدین ترتیب می توان استنباط کرد گفتمان و احتجاج و اقناع سازی که

شعار لیبرال - دموکراسی است، به نحو احسن در دین سالاری مهدوی محقق خواهد شد.

۱۷. نفی قومیت مداری و نژادپرستی و احترام به دیگر ملل و اقوام

امروزه در بسیاری از نظام های لیبرال - دموکراسی دنیا، قومیت و نژادگرایی، چه در حیطه نظری و چه در حیطه عملی، هم در میان رهبران و کارگزاران و هم در میان شهروندان، به گونه ای افراطی مشاهده می شود. دسته بندی هایی مانند کشورهای شمال، دول دارا و غنی و سازمان های سیاسی، اقتصادی و نظامی مانند

۱- مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۸-۲۲۹ و ۲۴۳-۲۴۴. هم چنین برای اطلاع بیشتر نک: «اهل کتاب در دولت مهدی (۱)».

گروه هشت، ناتو، اتحادیه اروپا و... نیز بیشتر بر همین مبادی و هم بستگی های قومی، نژادی و استکباری مبتنی است. بی دلیل نیست که درخواست مصرانه ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا به دلیل مسلمان بودن این کشور پس از گذشت سالیان متمادی همواره رد گردیده است و یا این که در بسیاری از کشور های غربی، گروه های نژادپرستی مانند «نئونازی ها» به شدت فعال هستند!

قومیت مداری و نژادگرایی مکاتب غربی و از جمله لیبرال - دموکراسی در دین سالاری مهدوی جایی ندارد و از منظرها و ملاک های تقوا و شایسته سالاری، برای اصلاح امور مادی و معنوی بشری، به شکل جهانی اندیشیده و عمل می شود. ویژگی دیگر عدالت مهدوی و جهان شمولی بدون تبعیض حرکت مصلحانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، این است که ایشان اصحاب خود را با هدایت الهی و بر اساس شایستگی و ملاک های قرآنی و الهی، از کشورها، قومیت ها، ملیت ها و شهرهای گوناگون برمی گزینند، نه از یک نقطه خاص. این امر نشان می دهد که حرکت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف مختص ناحیه یا کشور خاصی نیست، بلکه متعلق به همه جهانیان است و همین امر به همراه دیگر ویژگی های حکومت طیبه مهدوی، باعث می گردد که حکومت جهانی مزبور مورد رضایت همه اهل عالم قرار گیرد. با اجرای کامل عدالت، شکاف ها و محرومیت های ناشی از استکبارورزی و زیاده خواهی ملل و دول زورمند از جهان برداشته خواهد شد و استعدادها، توان مندی ها و استیفای فراگیر تمام حقوق جوامع بشری محقق خواهد گردید و در جهان، به اصطلاح امروزی، توسعه موزون برقرار خواهد شد.

هم چنین بر اساس برخی روایات، این گونه به نظر می رسد که در دین سالاری سپهری مهدوی، در عین عالم گیر بودن حکومت اسلام، ملل دیگر نیز در قالب نوعی حکومت مشابه فدرالیسم، علاوه بر تبعیت از حکومت مرکزی جهانی، دارای آزادی هایی در تبعیت از رسوم و فرهنگ های ملی غیرمتعارض با اسلام هستند و حضرت این حق و احترام را برای آنها ملحوظ می فرماید. امام صادق علیه السلام

در این زمینه می فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند، به هر منطقه ای نماینده ای می فرستد و به او می گوید: «حکومت در اختیار توست، هر چه مصلحت می بینی عمل کن.» (۱)

بدین ترتیب می توان استنباط کرد که در حکومت جهانی مهدوی، حقی از کسی ضایع نمی شود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز درباره عدالت گستری و هم چنین اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده است:

مهدیّ یحکم بالعدل و یأمر به یصدّق الله عزّوجلّ و یصدّقه الله فی قوله یخرج من تهامة حین تظهر الدلائل و العلامات و له کنوز لاذهب و لافضّه إلاّ خیول مطهّمه و رجال مسوّمه یجمع الله له من أقاصی البلاد علی عدّه أهل بدر ثلاث مئه و ثلاثه عشر رجلاً معه صحیفه مختومه فیها عدد أصحابه بأسمائهم و بلدانهم و طبایعهم و حلاهم و کناهم کدّادون مجدّون فی طاعته؛ (۲)

مهدی به عدالت حکم کرده، به آن امر می فرماید. خداوند عزوجل او و کلامش را تصدیق می کند و هنگامی که نشانه و علامت ها آشکار می شوند، از مکه خروج می کند. وی دارای گنج هایی از طلا و نقره نیست، بلکه گنج های او اسب های خوش اندام و نیکومنظر و مردان مشخص شده ای هستند که خداوند آنها را از دورترین بلاد برای وی جمع آوری کرده که تعدادشان به عدد اهل جنگ بدر، ۳۱۳ نفر است و صحیفه ای همراه مهدی قرار دارد که در آن اصحاب وی با ذکر اسامی، کنیه ها، کشورها، محل سکونت و حتی نوع طبایعشان آمده است. اینان در راه اطاعت او کوشا هستند و رنج و سختی می کشند.

۱۸. حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشر دوستانه

برخلاف شعار های کذب و استفاده ابزاری لیبرال - دموکراسی از موضوع

۱- نک: ظهور نور، ج ۲، ص ۲۰۲ - ۲۰۳. (به نقل از: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۳، روایت ۷۱۲)

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۱۰، روایت چهارم.

حقوق بشر، در دین سالاری مهدوی، کرامت انسان ها و حقوق بشردوستانه نه تنها محوریت دارد، بلکه به عالی ترین حدّ خود خواهد رسید. امیر مؤمنان علیه السلام، کرامت بخشی به جامعه انسانی در عصر ظهور را چنین تصویر می فرماید:

سپس به کوفه روی می آورد که قرارگاه و منزل اوست. برده مسلمان در بندی نمی ماند، جز این که او را می خرد و آزاد می سازد و بده کاری نمی ماند، مگر این که دین او را می دهد و مظلومه ای نمی ماند، جز این که آن را می پردازد و کشته ای نمی ماند، مگر این که دیه او را می دهد... و کشته ای نمی ماند، جز این که دین او را پرداخته و خانواده او را تأمین می کند و همه امور را تدبیر و کارها را تنظیم می نماید تا آن جایی که زمین را سرشار از عدل و داد می نماید، همان گونه که به هنگامه ظهور او، از ظلم و جور لب ریز است.... (۱)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز علاوه بر تبیین برکات عصر ظهور، آن دوره را زمان تکریم و تعظیم امت معرفی فرموده است. (۲)

رعایت کرامت انسان ها و حقوق بشردوستانه، تنها به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ختم نمی شود، بلکه یاران وی نیز بر مبنای لحاظ و رعایت این امور با حضرت دست بیعت می دهند. حضرت علی علیه السلام در گفتاری طولانی در وصف بیعت ۳۱۳ تن از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که به واقع می توان از آن به منشور حقوق بشردوستانه دولت و آموزه طیبه مهدوی یاد کرد، می فرماید:

با او بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند؛ زنا نکنند؛ مسلمانی را دشنام ندهند؛ خون کسی را به ناحق نریزند؛ به آبروی کسی لطمه نزنند؛ به خانه کسی هجوم نبرند؛ کسی را به ناحق نزنند؛ طلا، نقره، گندم و جو ذخیره

۱- امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۶۷۱ - ۶۷۲. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶؛ معجم احادیث الامام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۲)

۲- امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۵۰ - ۷۵۱. (به نقل از: عقدالدرر، باب ۷، ص ۱۴۴)

نکنند؛ مال یتیم را نخورند؛ در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند؛ مسجدی را خراب نکنند؛ مشروب نخورند؛ حریر و خز نپوشند؛ در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند؛ راه را بر کسی نبندند؛ راه را ناامن نکنند؛ از اعمال منافی عفت اجتناب کنند؛ خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند؛ به کم قناعت کنند؛ طرف دار پاکی باشند؛ از پلیدی گریزان باشند؛ به نیکی فرمان دهند؛ از زشتی ها باز دارند؛ جامه های خشن بپوشند؛ خاک را متکای خود سازند؛ در راه خدا، حق جهاد را ادا کنند؛ و ... او نیز در حق خود تعهد می کند که از راه آنها برود؛ جامه ای مثل جامه آنها بپوشد؛ مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود؛ آن چنان که آنها می خواهند، باشد؛ به کم راضی و قانع باشد؛ زمین را به یاری خدا، پر از عدل و داد کند، آن چنان که پر از جور و ستم شده است؛ خدا را آن چنان که شایسته است بپرستد؛ برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند و.... (۱)

۱۹. اخلاق و تربیت مداری، رعایت حریم های خصوصی و عمومی در حیات مدنی

انسان در دین سالاری مهدوی، به نهایت تزکیه و بلوغ و تکامل اخلاقی می رسد، برخلاف لیبرال - دموکراسی که در مورد تربیت اخلاقی افراد دغدغه ندارد و آن را امری فردی و دخالت در حیطه خصوصی آنها می شمارد، الگوی توسعه اسلامی در سیره معصومان علیهم السلام، تلاش برای نیروسازی و تربیت و آماده سازی آنها بوده است. نگاه به سیره امام علی علیه السلام در این زمینه راه گشاست. ایشان به عثمان بن حنیف، فرمان دار بصره، درباره ضرورت بینش دهی و تعلیم امت توسط امام می فرماید:

ألا و إنَّ لكلَّ مأموم إماماً یقتدی به و یستضیء بنور علمه؛ (۲)

بدان هر پیروی، پیشوایی دارد و به او اقتدا می کند و از نور علم وی منور و آگاه می شود.

۱- . جلوه های نور از غدیر تا ظهور، ص ۱۸۳ - ۱۸۴.

۲- . نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۹۶۶، بند ۲.

و نیز فرمود:

و علی الإمام أن یعلم أهل ولايته حدود الإسلام و الإیمان؛ (۱)

بر امام است که به افراد تحت ولایت خویش اسلام و ایمان را بیاموزد.

بر مبنای همین سیره علوی، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در آن حیات طیبه موعود، خود به تعلیم و تفسیر واقعیت های قرآن به مردم همت می گمارد و بواطن نامکشوف این مصحف شریف را برای آنها تشریح می کند. واضح است که برپایی این دانشگاه همگانی، نه تنها به معنای مداخله در زندگی خصوصی و آزادی استقلال اعتقادی مردم نیست، بلکه بالندگی و شکوفایی کلیت افراد و اجتماع را سبب می شود. علاوه بر این که در حیات طیبه مهدوی، هرگونه تجاوز نابه جا به حقوق عمومی و خصوصی مردم به شدت نفی می شود. برای نمونه، حکومت اسلامی در آن عصر، حتی با مشرف بودن خانه ها یا ریزش آب از ناودان ها به محیط عمومی و یا اشراف مسجد به خانه های مردم و یا ساخته شدن بخشی از بنا در راه های عمومی، برخورد خواهد کرد و این موارد هرچند با تخریب مسجد، برطرف می گردد. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه منهدم می کند و هیچ مسجد مشرفی را نمی گذارد، جز این که کنگره و اشراف آن را خراب می کند و به حال ساده و بدون اشراف می گذارد. شاه راه ها را توسعه می دهد، هر گوشه ای از خانه ها را که واقع در راه عمومی است، اصلاح می کند و ناودان ها را که مشرف به راه مردم است، برمی دارد. هر بدعتی را برطرف می سازد و هر سنتی را باقی می گذارد... (۲)

۲۰. صلح طلبی و نفی سیاست امپریالیستی و جنگ افروزانه لیبرال - دموکراسی

با وجود شعارهای صلح طلبانه نظام های سرمایه داری لیبرال - دموکرات به

۱- شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۳۱۸.

۲- مهدی موعود، ص ۱۱۲۱.

رهبری امریکا، در جهان امروز هم چنان سلطه طلبی و جنگ افروزی منفعت محورانه این گونه کشورها، به ویژه با روی کرد تقابلی و سرکوب گرایانه در برابر بیداری و نهضت جهانی اسلام به چشم می آید. مداخله نظامی وحشیانه لیبرال - دموکراسی ایالات متحده در عراق و افغانستان و سعی در تحمیل نظامی طرح خاورمیانه جدید و اعمال جنایات بی شمار در لبنان و فلسطین، با هم دستی رژیم غاصب صهیونیستی، از ارمان های دموکراسی و لیبرالیسم برای بشر است. با وجود این، برپایی صلح جهانی از آرمان های متعالی و پیوسته بشر در طول تاریخ بوده و بر اساس مبانی دینی، بستر صلح جهانی در سایه برپایی حکومت جهانی مهدوی تحقق می یابد. صلح عادلانه جهانی در حکومت مهدوی، با تکمیل عقلی و رشد علمی، تأمین می گردد. به بیان دیگر، زمینه اقامه قسط و عدل با بهره گیری کامل از عقل، فراهم می شود.

نکته بسیار مهم در مبحث حکومت عدالت محور و امنیت گستر مهدوی این است که حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فاتح شهرهای شرک هستند و حتی تصویر ایشان در روایات و هنگام قیام گونه ای ترسیم شده که همواره شمشیر بر دوش دارند، اما واقعیت این است که قیام امام، نظامی و میلیتاریستی و متکی بر اجبار و سرکوب نیست. (۱) بنابراین، نباید امنیت و عدالتی کاذب و در سایه شمشیر برقرار شود. قیام مصلحانه یاد شده، نهضتی ایمانی، اسلامی و انسانی برای رهانیدن بشر از زنجیرهای نفسانی و موانع و بندهای بی شماری است که طاغوت ها بر دست و پای انسان فعلی زده اند و تکامل و کمال بشری را راکد کرده یا به پس رفت و قهقرا کشانده اند.

هم چنین در دین سالاری مهدوی اختلاف و درگیری بین ملل و دول متنوع وجود نخواهد داشت؛ زیرا اساس بسیاری از این درگیری ها، اجرا نشدن عدالت و وجود شکاف ها و محرومیت های ناشی از استکبارورزی و زیاده خواهی ملل و

۱- . برای نمونه و توضیح بیشتر نک: «بررسی چند حدیث شبهه ناک درباره عدالت آفتاب عالم تاب»

دول زورمند است. با رفع و از بین بردن این استکبارورزی ها و کینه ها، عداوت جای خود را به محبت، سازش و هم زیستی مسالمت آمیز، با جهت گیری های معنوی و کمال خواهانه خواهد داد. این دولت طیبه، مورد رضایت اهل عالم قرار خواهد گرفت. بنابراین، برخلاف تصور فعلی و آن چه در جهان حاکم است، در امت واحده مهدوی، نه تنها شاهد درگیری و نزاع نخواهیم بود، بلکه میزبان جهانی سرشار از صلح و هم بستگی خواهیم بود که در عین پاره ای کثرت ها و تنوع ها، در واقع یک پارچه است و وحدت را در کثرت می توان مشاهده کرد.

نتیجه

در این فصل طی گفتارهایی چهارگانه، ابتدا مفهوم لیبرال - دموکراسی و معایب آن بازکاوی شد. آن گاه با اعتقاد به این که انقلاب اسلامی ایران زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، نوع نظام مردم سالاری دینی در ایران اسلامی و تمایزات آن نسبت به لیبرال - دموکراسی نمایان گشت. سپس وضعیت دین سالاری سپهری در حکومت جهانی مهدوی به گونه ای مقایسه ای با آن دو تشریح گردید و در واقع، نوشتار حاضر با ماهیت شناسی الگوی لیبرال - دموکراسی، واقعیت سراب گونه و معضلات نظری و عملی آن را به صورت استدلالی تبیین کرد و بر نهایی بودن مقصد این مکتب و سامانه اداره اجتماع، برای رفع حرمان ها و آلام بشری خط بطلان کشید. در حقیقت، این فصل به روایی سنجی دو الگوی مدعی نجات و ترقی بخشی بشری پرداخت و این ادعا را اثبات کرد که هم چنان الگو و آرمان نهایی جامعه فاضله بشری، در حیات طیبه حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نهفته است و بشر باید با تحقق انتظاری فعال، در زمینه سازی و تحقق آن بکوشد.

هم چنین به طور اجمالی برتری الگوی دین سالاری سپهری مهدوی در مقابل الگوی لیبرال - دموکراسی با ذکر دلایل و پاره ای استنادات روایی بر مبنای شاخصه های ذیل تشریح گردید:

۱. نمونه فرجامین، اکمل و بهینه تمام نظام های بشری؛
۲. خدامحوری و عینیت کامل دین و سیاست؛
۳. جهان گیری اسلام، محو شرک و نفی تساهل افراطی؛
۴. امام معصوم و انسان کامل در رأس حکومت؛
۵. پشت گرم و مؤید به رعب و نصرت الهی؛
۶. فراگیری سپهر آفرینش؛
۷. برخورداری از نهایی ترین حد مشروعیت (حقانیت، مقبولیت، قانونیت)؛
۸. غالبیت خواست الهی بر خواست و نظر اکثریت؛
۹. تفاوت ماهوی با لیبرال - دموکراسی در الهی دانستن مبانی عدالت؛
۱۰. مساوات طلبی حقیقی؛
۱۱. امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی؛
۱۲. صفا و صمیمیت در تقابل با فرآیند «ذره ای شدن» اجتماعی؛
۱۳. اوج تحقق جوامع مدنی و تعاملات سیاسی و اجتماعی در فضای «فرا ابررسانه ای»؛
۱۴. تکامل عقول بشری و مشارکت سیاسی عقلایی؛
۱۵. تحول بنیادین در ماهیت و عمل کرد احزاب و امکان حذف حزب؛
۱۶. سیره گفتمانی و احتجاجی واقعی با ادیان و اقلیت ها؛
۱۷. نفی قومیت مداری و نژادپرستی و احترام به دیگر ملل و اقوام؛
۱۸. حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشر دوستانه؛
۱۹. اخلاق و تربیت مداری، رعایت حریم های خصوصی و عمومی در حیات مدنی؛

۲۰. صلح طلبی و نفی سیاسی امپریالیستی و جنگ افروزانه لیبرال - دموکراسی.

بدین ترتیب و پس از اثبات بی اعتباری لیبرال - دموکراسی و استناد به شاخصه های برتر روایی، سرآمدی و برتری آموزه طیبه مهدویت و دین سالاری سپهری مهدوی اثبات گردید.

فصل هفتم: نظریه های هم گرایی و آموزه مهدویت

اشاره

در گذشته و حال، فقدان هم گرایی و هم بستگی میان کشور های مختلف، از مهم ترین علل منازعات و بروز ناامنی و جنگ بوده است. به همین دلیل، خیل گسترده ای از صاحب نظران روابط بین الملل، در تبیین علل ایجابی و موانع سلبی هم گرایی، تئوری های مختلفی را پردازش کرده اند (۱) و مع الأسف، استمرار منازعات و خصومت ها و

۱- ن.ک: بهرام اخوان کاظمی، «نظریه های همگرایی و آموزه مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۸۷ ص ۴۶-۷۸.

بی پایانی جنگ های فراگیر و بی ثباتی پیمان های هم گرایی، نشان از ناکامی تئوری ها، دولت ها، نهاد ها و سازمان های بین المللی (۱) در

ایجاد هم گرایی و برتری بر علل افتراقات بین المللی دارد.

این نوشتار، ضمن پرداختن به نظریه های کارکرد گرایی و نوکارکرد گرایی و نظریه کانتوری و اشیگل درباره هم گرایی، ناکامی های این نظریه ها و سازمان های بین المللی و منطقه ای را در تحقق آن هم گرایی در صحنه جهانی تبیین می کند و آن گاه به بررسی مبانی هم گرایی در آموزه مهدویت (۲) و دولت جهان شمول مهدوی و امتیازات آن در برابر تئوری های هم گرایی (۳)

فعلی می پردازد. بنابراین، این پژوهش، پرسش از خصوصیات و مبانی هم گرایی در نظریه های غربی و آموزه مهدویت را پی می گیرد و در این باره، نقصان و ناکامی نظریه های غربی و سازمان های بین المللی را در ایجاد هم گرایی در عرصه جهانی و منطقه ای مفروض می انگارد. این مفروض بر مناسب و آرمانی بودن

۱- International organizations

۲- Doctrine

۳- Convergence theories

الگوی هم‌گرایی مهدوی برای ایجاد هم‌بستگی و هم‌گرایی جامعه جهانی در قالب امت واحده جهانی تأکید می‌ورزد.

گفتار اول: نظریه‌های هم‌گرایی

هم‌گرایی منطقه‌ای در واقع نوعی هم‌بستگی میان دو یا چند کشور هم‌جوار متعامل است و محصول آن وضعیتی خاص است که وفاداری‌ها و علقه‌های ملی را به سطحی بالاتر از سطح ملی یعنی منطقه هم‌بسته تعریف و جانشین می‌کند. بدیهی است نتیجه بی‌درنگ چنین هم‌گرایی در سطح منطقه، چیزی جز دست‌یابی به امنیت و هم‌کاری نخواهد بود.

صاحب‌نظران روابط بین‌الملل در تبیین علل هم‌گرایی، تئوری‌های مختلفی را پردازش کرده‌اند. برای مثال، صاحبان نظریه‌های کارکردگرایی و نوکارکردگرایی در این قلمرو معتقدند که حوزه‌های انسانی و فنی در هم‌گرایی کشورهای هم‌جوار دارای تأثیر برتر هستند. به عبارت دیگر، عوامل فنی و تکنیکی این کشورها به مثابه متغیر مستقل در ایجاد هم‌گرایی به مثابه متغیر وابسته مدخلیت اساسی دارند. در تکمیل این دیدگاه نوکارکردگرایان با لحاظ نقش مهمی برای عامل اراده انسانی هم‌گرایی را نتیجه اراده

سیاسی جهت فائق آمدن بر الزامات ناشی از نیازها و پیچیدگی های فنی می دانند. لذا بر عامل اراده و عزم سیاسی در ایجاد هم گرایی پای می فشارند.

بدین ترتیب، اگر از منظر کارکرد گرایان و نوکارکردگرایان به موضوع هم گرایی نگریسته شود، افزایش هم گرایی معطوف به تحکیم صلح و امنیت و هم کاری های متقابل، نیازمند افزایش ظرفیت های فنی و تکنولوژیک کشورها و تقویت عامل اراده و عزم سیاسی آنها در ایجاد و توسعه هم گرایی است.

از سویی، نظریه کانتوری و اشپیگل نیز از معروف ترین نظریه های هم گرایی است. این نظریه، هم گرایی را یک وضعیت می پندارد و معتقد است که در حقیقت، وضعیت و ویژگی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قومی، نژادی، فرهنگی، زبانی و جغرافیایی کشورهای هم جوار و نوع و میزان روابط آنها موجب هم گرایی می گردد. بنابراین، نوع وضعیت و ویژگی های کشورها حرف اول را در هم گرایی آنها می زند.

برخی پنداشته ها در دیدگاه هم گرایی به منزله وضعیت یا همان نظریه کانتوری و اشپیگل چنین است:

یکم. نظام بین الملل متشکل از چندین نظام تابع منطقه ای است؛

دوم. نظام های تابعه منطقه ای متشکل از یک، دو و یا چند کشور هم جوار متامل با پیوندهای مشترک قومی زبانی فرهنگی اجتماعی و تاریخی است؛

سوم. احساس همانندی و هویت منطقه ای این کشورها گاه با طرز تلقی و نوع عمل کرد کشورهای بیرون از آنها تشدید می شود.

چهار عامل از منظر این نظریه باعث تمایز الگوهای کشورهای منطقه ای و تبیین رفتار آنهاست:

یکم. ماهیت سطح انسجام تشابه و میزان مبادلات بین آنها؛

دوم. ماهیت خصمانه یا دوستانه بودن ارتباطات درون منطقه ای؛

سوم. سطح قدرت بالقوه و بالفعل در نظام منطقه ای و توان کشورها در میزان اثرگذاری بر یک دیگر؛

چهارم. ساختار (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) روابط درون منطقه ای.

این نظریه میزان هم گرایی را معلول چهار عامل زیر می داند:

یکم. عامل اجتماعی، یعنی تأثیر تشابه ابعاد اجتماعی واحدها در هم بستگی یا عدم هم بستگی آنها؛

دوم. عامل سیاسی، یعنی دخیل بودن نوع نظام سیاسی و تشابه و تجانس کشورها در هم گرایی یا هم بستگی آنها؛

سوم. عامل اقتصادی، یعنی دخیل بودن میزان و نوع تولید و توزیع منابع و ذخایر کشورها در هم گرایی و یا هم بستگی آنها؛

چهارم. عامل سازمانی، یعنی تأثیر میزان سازمان یافتگی کشورها و نوع مشارکت آنها در سازمان های منطقه ای و بین المللی در هم گرایی یا هم بستگی آنها.

این نظریه، منطقه هم گرا شده را شامل سه بخش مرکزی حاشیه و مداخله گر می داند. بخش مرکزی، به بخش یا کشورهای منطقه ای گفته می شود که به دنبال ارتباطات لازم با کشورهای بیرون از منطقه در راستای اهداف نظام منطقه ای است. (۱)

اگر قصد بر این باشد که با الهام از این نظریه برای هم گرایی کشورهای یک منطقه نسخه ای تجویز شود، باید اذعان نمود که کشورهای یاد شده باید از وضعیت بسیار مناسبی به واسطه پیوندها و مشترکات مذهبی، قومی، زبانی فرهنگی، اجتماعی و

۱- در مبحث تبیین نظریه های هم گرایی به شکل آزاد و تلخیصی از اثر زیر بهره گرفته شده است: سیدحسین سیف زاده، نظریه پردازی در روابط بین الملل؛ مبانی و قالب های فکری، ص ۳۰۲ - ۳۲۰، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۶ شمسی. همچنین برای اطلاع بیشتر از نظریه ها درباره هم گرایی، منطقه گرایی و انسجام اتحادها نک: جیمز دوئرتی و رابرت فالتر گراف، نظریه های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه علی رضا طیب و وحید بزرگی، ج ۲، ص ۶۶۵ - ۷۱۹، نشر قومس، تهران ۱۳۷۲ شمسی.

تاریخی سود برند. اما این احساس همانندی و هویت منطقه ای باید از مداخله ها و تبلیغات سوء فرامنطقه ای مصون بماند و سعی شود که سطح انسجام مشابهت واحدها و میزان مبادلات بین آنها ارتقا یابد و ارتباطات درون منطقه ای همواره دوستانه ماند و تلاش گردد سطح قدرت بالقوه و بالفعل کشورها و تأثیرگذاری آنها در یک دیگر تا جای ممکن یک دست و متعادل گردد. افزایش تشابه و تجانس ابعاد اجتماعی واحدها و تقریب نوع نظام سیاسی آنها به ارتقای هم گرایی ها خواهد افزود که این امر نیز به افزایش میزان سازمان یافتگی کشورها و مشارکتشان در سازمان های منطقه ای وابسته خواهد بود. هم چنان که به نظر می رسد با ایجاد تعادل و نفی تمایز میان بخش های سه گانه مرکزی حاشیه و مداخله گر به نحو بهتری به هویت منطقه ای و احترام به حق حاکمیت و رأی برابر کشورها می توان دست یازید و انگیزه مشارکت و هم کاری روزافزون آنها را ارتقا داد.

در بسیاری از نظریه های هم گرایی، سازمان های بین المللی نقش محوری دارند و دارای جایگاه شاخصی در هم گرایی و هم کاری کشور های مختلف به شمار می آیند. به همین دلیل، در گفتار بعد به بررسی اجمالی نقش و میزان موفقیت این نهاد ها در راستای تحقق اهداف یاد شده پرداخته می شود.

گفتار دوم: نقش سازمان های بین المللی و منطقه ای در هم گرایی

سازمان های مختلف بین المللی از اصلی ترین نهادها به شمار می روند که به ویژه در سده اخیر و در سطح بین المللی و جهانی، در راستای هم گرایی و هم کاری کشورها پا به میدان نهاده اند. سابقه تکوین سازمان های بین المللی جدید به قرن نوزده بر می گردد، اما تلاش جدی در جهت توسعه نهادهای بین المللی چندجانبه و شکوفایی نهضت سازمان سازی، پدیده قرن بیستمی است که در عرصه قرن فعلی نیز به چشم می خورد. برنامه عملی و رویه و عرف سازمان سازی به شدت در این عصر ادامه دارد. اساس ظهور سازمان ها و حتی نظریه های روابط بین الملل، تنفر از جنگ و ضرورت اندیشه ورزی فردی و جمعی در نظارت این پدیده و شناسایی علل آن بوده است.

سازمان ها در معنای اعم در حقیقت به دنبال نوسازی، اصلاح، تجهیز، تداوم و تسهیل حیات نظام چند دولتی در عرصه های جهانی فرامنطقه ای و منطقه ای هستند تا روابط بین المللی و حتی اداره درونی نظام های مختلف دولت ها و سطح حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نوع تعامل و هم کاری آنها از وضعیت بهتر و سامان یافته تری برخوردار گردد.

موضوعاتی مانند عدم کفایت و نارسایی نظام های سیاسی منفرد جهانی در جلوگیری از جنگ های خانمان سوز، گسترش تجارت و ارتباطات روزافزون بین المللی، حرکت به سوی جهانی شدن و گسترش هم بستگی های اقتصادی، نهضت جهان شمولی حقوق بشر و افزایش مسائل مبتلابه جهانی مانند محیط زیست و ضرورت مقابله با تروریسم و سلاح های کشتار جمعی، به ظهور و گسترش روزافزون نظامی جدید و برپایه بازی گران جدید یعنی نهادها و سازمان های بین المللی فرامنطقه ای و منطقه ای انجامیده است. دست یابی به صلح و امنیت و هم گرایی و هم کاری، دو پایه مهم و مبنایی وجه تأسیس و حیات این سازمان ها، حتی در این عصر به شمار می روند. از جمله فواید و انتظارات متوقع از سازمان های بین المللی به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱. تشویق هم گرایی، هم آهنگی و هم کاری افزون تر بین المللی و رفع تشتت و افتراق های بین دولی؛

۲. تمهید ترتیبات و نظامات منظم و اعتمادپذیر برای برقراری نظم و ثبات بین المللی و پاس داری از صلح و حمایت از دولت های ضعیف؛

۳. ایجاد ضمانت معتبر مقتدر و اعتمادپذیر برای حمایت و نگهبانی از موافقت های بین المللی؛

۴. ارائه روند سریع و کارآمد در قانون گذاری بین المللی و تمهید بهتر ایجاد حقوق بین الملل و جرح و تعدیل آن؛

۵. ایفای نقش شارح و مجری مقتدر حقوق بین الملل و حل و فصل دعاوی؛

۶. ارائه خدمات مشترک و تقسیم عادلانه کار و مسئولیت بین المللی و ایجاد و توسعه یک دستگاه اداری مرکزی و جهانی؛

۷. نظارت بر فعالیت ها و عمل کردهای مختلف دولت ها به ویژه در حوزه حقوق بشر؛

۸. تربیت کادرها و نیروها و رهبران بین المللی اندیش و به مثابه نمایندگان بی طرف بشریت.

در مورد عمل کرد سازمان های بین المللی، اعم از جهانی، فرامنطقه ای و منطقه ای و این که آیا توقع های پیش گفته را محقق نموده اند یا خیر، دیدگاه های متعارضی وجود دارد. (۱)

برای نمونه، در کنار دیدگاه قائل به برخی موفقیت های نسبی این سازمان ها در جهت قاعده گذاری فرادولی و رشد و تنوع کارگزاری های بین المللی و کمک به حفظ صلح، دیدگاهی بسیار مهم نیز به شکست و نارسایی سازمان های بین المللی در

۱- برای اطلاع بیشتر از مباحث کام یابی ها و ناکامی های سازمان های بین المللی نک: اینیس. ل. کلاد، ارزیابی سازمان های بین المللی در قرن بیستم، ترجمه فرهنگ رجایی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۶۶ شمسی.

حیطه های عمل کردی و ایجاد هم گرایی و حفظ صلح و امنیت در سراسر عالم معتقد است.

به علاوه، طرفداران این دیدگاه شکست های زیر را برای سازمان های یاد شده ذکر می نمایند:

۱. شکست در زمینه ضمانت اجرا و ناکامی در تهیه سازوکارهای کارآمد برای حفظ نظم و برقراری ثبات و تضمین امنیت و ایجاد نهادی نظام مند و کارآمد برای حفظ نظم و جلوگیری از جنگ و حلّ مخاصمات به ویژه در منطقه؛

۲. جانشینی استعمار جدید به جای استعمار قدیم در قالب عمل کرد سازمان ها به ویژه با استفاده از طرح هایی مانند قیومیت که تا یکی دو دهه پیش کاربرد داشت؛

۳. شکست در میانجی گری و ایفای نقش بی طرف جهانی؛

۴. گرایش بیشتر به سلطه ملی گرایی تا پرورش بین الملل گرایی؛

۵. حرکت پاره ای سازمان ها به سوی اتحادیه های منسوخ و نه بین الملل گرا مانند ناتو؛

۶. عدم توفیق در ایجاد و نهادینه کردن مرکزی برای اداره نظام جهانی و رهبری غیرمتأثر از دولت ها؛

۷. عدم توفیق در افزایش اجماع جهانی و روند دموکراتیزاسیون بین المللی؛

۸. ضعف و ناکارآمدی سازمان های جهانی به دلیل سیستم فلج کننده حق و تو در سازمان ملل و تأثیرپذیری از نفوذ قدرت های بزرگ؛

۹. تأثیرپذیری منفی سازمان های منطقه ای و دولت های عضو از قدرت های جهانی و منطقه ای و تنش های میان آنها و خدشه برداری نسبی استقلال تصمیم گیری آنها؛

۱۰. دشواری در تأمین بی طرفی و فراهم آوری نیروهای بی طرف؛

۱۱. عدم توازن قدرت در منطقه و وجود قدرت های مرکز و کشورهای حاشیه ضعیف در سازمان های منطقه ای.

عدم توازن یاد شده معمولاً حاکمیت و حق رأی برابر اعضا را در سازمان زیر سؤال می برد و از استقلال تصمیم گیری به ویژه کشورهای حاشیه ای ضعیف به شدت می کاهد. (۱)

گفتار سوم: مبانی هم گرایی در آموزه های اسلامی و مهدوی

اشاره

مسئله هم گرایی در قالب سیاست خارجی و دیپلماسی کشورها با یک دیگر مطرح و موضوعیت می یابد؛ زیرا سیاست خارجی عبارت از مجموعه خط مشی ها، تدابیر،

۱- نک: بهرام اخوان کاظمی، «نقش سازمان های منطقه ای در پایداری و امنیت کشور های عضو»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۰۹ - ۲۱۰، بهمن و اسفند ۱۳۸۳.

روش ها و انتخاب مواضعی است که یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی در چارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می نماید. به عبارت دیگر، سیاست خارجی بازتاب اهداف و سیاست های یک دولت در صحنه روابط بین الملل و در ارتباط با سایر دولت ها، جوامع و سازمان های بین المللی، نهضت ها، افراد بیگانه و حوادث و اتفاقات جهانی است. (۱)

به باور برخی دیگر از صاحب نظران، «سیاست خارجی عبارت است از خط مشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسائل خارج از کشور و برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و منافع خود اتخاذ می نماید». (۲)

از سویی، وسیله اجرای این سیاست دیپلماسی است؛ زیرا سیاست خارجی، خط مشی و برنامه رسیدن به هدف های داخلی و خارجی دولت را در عرصه بین المللی مشخص می کند و دیپلماسی طریقه و شیوه اعمال خط مشی ها و برنامه های خارجی و کیفیت اجرای آنها را برعهده دارد. در واقع، دیپلماسی روشی برای حل و فصل مسائل درباره روابط خارجی دولت به وسیله گفت و گو یا هر روش مسالمت آمیز دیگر است.

۱- منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ اصول و مسائل، ص ۱۸، نشر دادگستر، تهران ۱۳۷۷ شمسی.

۲- جواد منصور، نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۱، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۵ شمسی.

هم چنین اصول و بنیادهای نظری و شیوه‌ها و راه کارهای اجرایی، دو بخش اصلی سیاست گذاری خارجی هر کشوری را تشکیل می دهد.

الف) توحید، خدامحوری و محو شرک

توحید از مهم ترین مبانی سیاست خارجی و نظریه هم گرایی دولت اسلامی و مهدوی است. این اصل، محور اصلی دیپلماسی در اسلام را تشکیل می دهد. اعتقاد به یگانگی خدا زیربنا و اساس همه ادیان آسمانی به خصوص اسلام بوده و تمام شئون آن اعم از عقاید و احکام و اخلاق بر آن استوار است. مبنای قرآن کریم دعوت به خدای یگانه است و تنها گناه ناآمرزیدنی را شرک به خدا برمی شمارد. (۱)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز دعوت خویش را از توحید شروع کرد و توحید، هدف اصلی سیاست خارجی آن حضرت بود. (۲)

آن بزرگ وار در دوران دعوت سرّی و همگانی، به توحید و یگانگی خداوند استوار فرامی خواند. آن گاه که سران قریش سیاست تطمیع را در پیش گرفتند و سعی کردند تا از طریق ابوطالب، عموی پیامبر، مانع از دعوت رسول الله شوند، پیامبر فرمود:

۱- «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» (سوره نساء، آیه ۴۸).

۲- برای اطلاع بیشتر نک: بهرام اخوان کاظمی، «اصول سیاست خارجی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»، سیاست نبوی؛ مبانی، اصول و راه بردها، ص ۵۷۱ - ۵۹۷، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران ۱۳۸۶ شمسی.

من از ایشان چیزی نمی خواهم، جز این که یک کلمه بگویند و بر تمام عرب سیادت کنند و عجم را زیر فرمان خویش آورید و آن کلمه «لا إله إلا الله» است و پس از آن از بت پرستی دست بردارند. (۱)

هم چنین پیامبر اسلام در نامه هایی که به سران و پادشاهان آن روزگار مانند خسرو پرویز نوشته اند، قبل از هر چیزی آنان را به توحید دعوت کرده و در اکثر نامه های خود به بزرگان و سران مسیحی به این آیه اشاره فرموده است: (۲)

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا»؛ (۳)

بگو: «ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم.»

توحید در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز محور هم گرایی در حوزه داخلی و خارجی نظام مهدوی است و دین اسلام، تنها دین حاکم بر جهان خواهد بود، چنان که

۱- ابن هشام، سیره النبی، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، ص ۲۶۷، انتشارات اسلامیه، تهران ۱۳۴۸ شمسی.

۲- برای مثال، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نامه خویش به قیصر روم به این آیه استناد نموده اند. در این باره نک: علی

بن حسین علی احمدی، مکاتب الرسول، ص ۹۰ و ۱۰۵، انتشارات المطبقة العلمیه، قم ۱۳۷۹ قمری.

۳- سوره آل عمران، آیه ۶۴.

دین و سیاست نیز از هم تفکیک ناپذیرند و بلکه سیاست و حکومت، در خدمت دین و اهداف متعالی آن است و بدون هیچ گونه تردیدی، اسلام آیین مطلق و برتر و متعالی در نزد جهانیان پذیرفته می شود، هم چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

فرمان روایی او شرق و غرب عالم را دربر می گیرد، خداوند به واسطه او دین خود را بر همه ادیان غالب می گرداند و در زمین خرابه ای باقی نمی ماند و همگی آباد می شود. (۱)

بنابراین، بر مبنای این گونه روایات می توان اذعان کرد که هم گرایی در آموزه مهدوی، جهانی و مبتنی بر آموزه های وحیانی و دینی خواهد بود و با پذیرش اسلام در نزد همه مردم جهان و عالم گیر شدن آن، دیگر هیچ مرزی میان مردم نخواهد بود. از این رو، گستره توسعه و پیش رفت همه جانبه به مرزهای ملی محدود نیست، بلکه انسان ها دغدغه های مشترکی خواهند داشت و در سختی ها و ناملایمات، هم پیکر و در کنار هم خواهند بود. زندگی سیاسی، دیگر به کسب منافع جمعی - گروهی یا نژادی و حتی ملی معطوف نیست، بلکه در راستای سعادت بشر و صلاح و اصلاح همه انسان ها

۱- شیخ صدوق، امالی، ج ۱، ص ۲۳۱، نجف ۱۳۸۴ قمری.

خواهد بود. محور این جامعه، خدا و احکام خداست و تعالیم اسلامی برای اداره جامعه جهانی کافی است.

لذا نظام مهدوی افزون بر مردمی و جهانی بودن، کل سپهر آفرینش را با احیای کتاب و سنت نبوی دربر خواهد گرفت و به فرموده امام علی علیه السلام سرآمد همه مکتب‌ها و نظام‌های فکری و سیاسی جهان و مرحله فرجامین و بهینه‌ترین آنها خواهد بود؛ زیرا هراس، ناامنی و بی‌عدالتی گسترده قبل از ظهور، نشان از ناکارآمدی و به بن بست رسیدن همه نظام‌های بشری دارد. (۱)

هم‌چنین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که در پاسخ به این پرسش که چه موقعی قائم شما قیام می‌کند، فرمود:

إذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً؛ (۲)

زمانی که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد.

۱- نک: نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۳۸، ص ۱۹۰، مؤسسه انتشارات حضور، قم ۱۳۸۱ شمسی.

۲- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۴۱، ص ۳۲۲، روایت ۱۷۶، انتشارات دارالکتب اسلامیة، قم، [بی تا]. برای تبیین استدلالی ملاحم و علایم ظهور، نک: مصطفی صادقی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، چاپ دوم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم ۱۳۸۵ شمسی.

به عبارت دیگر، نظام مهدوی با ایجاد هم‌گرایی، به فضای هرج و مرج گونه و آنارشسیسم جهانی پایان می‌دهد و جامعه‌ای یک‌پارچه، هم‌سو، متعالی و بهینه را جانشین آن می‌سازد.

در عصر مهدوی، جهان با احیای اسلامی جدید و نوسازی دینی مواجه خواهد گردید. امام صادق علیه السلام نیز در همین باره می‌فرماید:

یهدم ما قبله كما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و یستأنف الإسلام جدیداً؛^(۱)

گذشته را ویران می‌سازد همان طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین نمود و اسلام را از نو آغاز می‌کند.

در حکومت دین‌سالار، خدامحور و هم‌گرای مهدوی، تمایلات و هواهای نفسانی جایی ندارد و بنا به روایات، با از بین رفتن زمینه‌های بسیاری از گنا‌هان، دروازه‌های برکت به سوی عالمیان و نظام‌های سیاسی متحد مهدوی گشوده خواهد شد. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید:

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمان دهان (فرمان داران) را به شهرها می‌فرستد تا به عدالت بین مردم حکم کنند، گوسفند با گرگ در یک جا خواهند بود، بچه‌ها با

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲؛ نعمانی، الغیبه، باب ۱۳، ص ۲۳۱، روایت سیزدهم.

عقرب و مار بدون آزار و اذیت... بازی می کنند، بدی می رود و خوبی می ماند، رونق کشاورزی بی اندازه می شود، زنا، شرب خمر و ربا رخت برمی بندد، مردم به عبادت، شریعت و دیانت روی می آورند، نماز جماعت رونق می گیرد. عمرها طولانی می شود، امانات ادا می شود، درختان پرمیوه می شوند، برکات فراوان می گردد، اشرار نابود می شوند، اخیار می مانند، دشمنان اهل بیت باقی نمی مانند. (۱)

ب) تحقق وحدت و هم گرایی در پرتو حکومت امام معصوم

یکی از مهم ترین ویژگی های هم گرایی در نظام مهدوی، انجام آن در پرتو امامت و حکومت امام معصوم است، هم چنان که در سیره نبوی و علوی نیز چنین بوده است. برای نمونه، حکومت از دید امام علی علیه السلام تأثیری مستقیم در وحدت و یک پارچگی امت دارد؛ زیرا امتی که با داشتن هدف الهی، در مسیر تکامل گام برمی دارد، به ناچار باید به رهبری تمسک جوید که تبلوری از آرمان الهی و پذیرفته مقتدا و دلیل تحرک و پویایی

۱- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۵۹۳، انتشارات مکتب داوری، قم. (به نقل از: کشف الاستار)

باشد. امام در خطبه ۱۴۶ با اشاره به سیاستی که زمام دار برای حفظ نظام باید به کار گیرد، لزوم حکومت و نقش آن را در وحدت امت چنین بیان می فرماید:

و مكان القیم بالأمر مكان النظام من الخرز یجمعه و یضمُّه فإذا انقطع النظام تفرّق و ذهب ثمّ لم یجتمع بحذافیره أبدأ؛^(۱)

نقش زمام دار نسبت به ملت، مانند رشته ای است که مهره ها را گرد آورده و به یک دیگر پیوند می دهد. اگر رشته بگسلد، دانه ها از هم می پاشد و به تمامی گرد نمی آیند.

امام علیه السلام با این تشبیه ساده، آرمان عالی وحدت امت را بستگی به وجود قیم و سرپرستی برمی شمرد که به دور از اختلاف نظرها و جدای از عوامل تفرقه و تبعیض، امت را در یک محور بنیادین گرد آورد و متشکل سازد و از تشتت و تفرق که سبب آسیب پذیری است، مصونیت دهد. طبیعی است چنین توفیقی برای هر زمام دار حاصل نمی آید، بلکه زمام داری صالح باید تا با توجه به رمز وحدت و با اهتمام به پر کردن شکاف ها و در هم ریختن دیوارهای تبعیض، جاده اتحاد و هم بستگی امت را در پرتو مکتب توحید هموار سازد.

۱- نهج البلاغه، ترجمه و شرح سید علی نقلی فیض الاسلام، خطبه ۱۴۶، ص ۴۴۲، بند ۲، [ابی نا]، [ابی جا]، ۱۳۵۱ شمسی.

با پیروی از آموزه های علوی پیش گفته، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به منزله مظهر انسان کامل، عالی ترین و عادلانه ترین نوع مدیریت و شامل ترین و هم گرا ترین آنها را عرضه می کند. پیش رفت ها در عصر ظهور، معلول عواملی است که یکی از آنها وجود رهبری معصوم، پاک و منزله از هر نوع عیب و نقص مانند احساسات حیوانی، خشم، غضب بی جا، شهوت، کبر و غرور و خودخواهی است. او فقط به خدا وابسته است و برخلاف نظام های سیاسی سلطه طلب موجود، به همه ملت ها، جمعیت ها و نژادها، با چشم مهربانی و برابری نگاه می کند و فرقی بین اقوام، نژادها، ملیت ها نمی گذارد و به همه با دید یک سان می نگرد.

بدین ترتیب، دین سالاری سپهری مهدوی در تمام جهات با حکومت های موجود در عالم فرق دارد. حاکم، نوع حکومت، قوانین و نظامات جاری در آن، هیچ شباهتی با حکومت های موجود در عالم ندارد؛ نوع حکومتش، الهی و بر مبنای ایمان به خدای یگانه و توحید خالص است و هدفش متحد کردن جماعت ها و ملت ها، برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات بیهوده، برقرار کردن توحید کلمه، ایجاد هم کاری و ارتباط بین مردم است. حاکم آن نیز امام معصوم، احیاکننده شریعت نبوی و مجری قوانین اسلامی و دستورات الهی است. اسلام می خواهد تمام اختلافات و جدایی ها را

که به نام های گوناگون پدید آمده، به وسیله عقیده توحیدی از میان بردارد. تمامی اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی و زبانی باید از میان برود و سبب امتیاز، افتخار و اعتبار نباشد و حتی در آن حکومت، اختلاف دینی هم باید کنار گذاشته شود و همه، در زیر پرچم اسلام تسلیم فرمان خدا باشند. این همان حکومت واحد جهانی است که کره زمین با یک حاکم، یک نوع حکومت و با یک شیوه و روش عادلانه اداره می شود. (۱)

بدین ترتیب، رهبری آسمانی در جامعه مهدوی نقش اساسی ایفا می کند و مهربانانه تر از اولیای انسان ها، هدایت کشتی طوفان زده بشر را برعهده خواهد گرفت، هم چنان که در روایات آمده است:

وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ؛ (۲)

مهدی موعود از پدران و مادران بر امت خود مهربان تر است.

او انسان کامل و معصومی است که به گفته خویش، لحظه ای از یاد شهروندان این امت واحده غافل نیست و همواره بلاگردان آنان است. (۳)

۱- نک: حبیب الله طاهری، «عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام»، مجله انتظار، ش ۲.

۲- علی اکبر مهدی پور، روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص، نوشته کامل سلیمان) ج ۱، ص ۱۲۹، چاپ سوم: تهران ۱۳۷۶ شمسی.

۳- «إِنَّا غَيْرُ مَهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ؛ ما هرگز در رعایت و مراقبت شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم.» (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷) «بِیْ يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِیْ وَ شِیْعَتِیْ؛ خداوند به وسیله من بلاها را از شیعیان و خاندانم دفع می کند.» (شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۶)

ج) رسالت تحقق امت واحده و هم‌گرایی در سپهر جهان و آفرینش

اسلام آیین فطرت است و از این رو، طبیعت تکامل‌پذیر انسانی ایجاب می‌کند که سرانجام روزی تمام بشر به این آیین روآورند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز عهده دار رسالت آن بود که همگان را به چنین دین جهان‌شمولی فراخواند و آنان را در امت واحدی گرد آورد. در واقع، آرمان‌نهایی اسلام رسیدن به امت واحد بشری و نیز از میان رفتن مرزهای جغرافیایی و قید و بندهای مرزی و به وجود آمدن کشور واحد جهانی، تحت حاکمیت قانون واحد الهی است. هدف رسالت و سیاست خارجی ایشان، سرعت بخشیدن به روند حرکت تکاملی جامعه بشری برای رسیدن به این مرحله آرمانی و مطلوب‌نهایی بوده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بسیاری از نامه‌ها از جمله نامه به کسری، شخصیت و رسالتش را چنین معرفی می‌کند:

... فَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَى النَّاسِ كَأَنَّهُ لَأُنذِرَ مِنْ كَانَ حَيًّا؛ (۱)

من پیامبر خدایم که به سوی همه مردم جهان فرستاده شده ام تا هر کسی را که زنده است هشدار دهم.

بدین ترتیب، آرمانی که پیام جهان شمول و دیدگاه و سیاست جهانی نبوی دنبال می کرد، چیزی جز رسیدن به امت واحد و متشکل در سراسر زمین نبود. ریشه های جهان شمولی دین اسلام در مبتنی بودن آن بر فطرت، انعطاف پذیر بودن آموزه های آن و حرکت و تطابق اجتهاد آن بر مبنای مقتضیات زمان و مکان نهفته است. اسلام و رسالت نبوی و دستورهای آن با فطرت انسانی که همان بُعد ثابت حیات انسانی است، هم آهنگی دارد و به همین دلیل، اسلام دین جامع و فراگیری بوده و طرح نظام سیاسی آن جهان شمول می تواند گردد و امت واحد اسلامی را محقق سازد.

روی کرد جهان شمولانه و جهان وطنانه سیاست خارجی نبوی، علاوه بر سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مستندات قرآنی بسیاری دارد. از جمله، در تعالیم اسلامی از کره زمین، به «بیت» و خانه تعبیر شده و انسان به طور مطلق از هر نژاد و رنگ و زبان و ملیت و طبقه ای مالک این خانه به حساب آمده است. در تفکر قرآنی (۱)،

انسان، از هر نژاد و جنسیت و طبقه ای، نماینده و خلیفه خداوند در زمین است. این مضمون دست کم در سه

آیه دیگر در سوره های یونس (آیه های ۱۴ و ۷۳) و فاطر (آیه ۳۹) آمده است که رسالت کلی همه افراد را در این زیست گاه زمین، تبیین می کند. پیامبران و رسولان الهی نیز راه نمایانی برای همه انسان ها هستند و تعلیم و تربیت و نظام بخشی به زیست فردی و گروهی انسان ها را بر عهده دارند تا مدیران جامعه بشری در همه ابعاد باشند (۱).

این آیات بیان گر آن است که رسول حق و نماینده و مدیر منصوب الهی، در کل پهنه زمین مأموریت می یابد و نه در بخشی خاص یا نژادی ویژه. درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، این رسالت جهانی و فراگیر با صراحت بیشتری مطرح گردیده است (۲).

این آیات بیان گر آن است که هدف اسلام همانند دیگر ادیان بزرگ الهی، اصلاح کلیت جامعه انسانی در فراخنای گیتی و بدون توجه به حدود جغرافیایی و مرزهای ساختگی است. به همین دلیل، این ادیان و از جمله اسلام همه حکومت و دولت ها را ورای مرزها و نژادهایشان به یک دین و دولت واحد و مرکزی یگانه فرا می خواند، هم چنان که در آغاز رسالت اسلام، پیامبر به حکام ایران، مصر، حبشه، یمن، روم و... نامه می نویسد و آنان را به یگانگی و تن دادن به مدیریت واحد در جامعه انسانی دعوت می کند.

۱- ن.ک: سوره بقره، آیه ۳۰ و سوره ص، آیه ۲۶.

۲- ن.ک: سوره فرقان، آیه ۱ و سوره اعراف، آیه ۱۵۸ و سوره سبأ، آیه ۲۸.

برای تبیین این اصل محوری، واژه های «الانسان» و «الناس» در قرآن بارها به کار رفته است. نزدیک به ۲۴۰ بار کلمه «الناس» در قرآن آمده است و نزدیک به ۶۵ بار کلمه «الانسان» تکرار شده است که واژه ای عام برای همه افراد انسانی است و در بسیاری از موارد، عمومیت و کلیت خطاب ها بسیار روشن است؛ این خطاب های قرآنی (۱)، هدایت الهی و آموزش های پیامبران را برای همه انسان ها ضروری شمرده اند و فرق ها و امتیازهای موهوم که ممکن است یگانگی و یک پارچگی جامعه انسانی را بگسلد، باطل و پوچ معرفی کرده اند. بدین گونه، نگرش قرآنی به انسان و رهبران جامعه انسانی، فراگیر و جهانی است که هیچ مرز و مانعی را در راستای اهداف بلند جهان شمول و جهان وطنانه خویش نمی شناسد.

بدین ترتیب، نتیجه سیاست خارجی جهان شمول و جهان وطنانه نبوی، گسترش ایمان و تقوا و التزام به تعهدات انسانی و گسترش عدالت و نفی همه نظام های سلطه و استثمار در پهنه گیتی و گستره بشریت به شمار می رود و در واقع، جهانی سازی الهی و بشردوستانه نبوی، مایه نزول برکات مادی و معنوی در سطح جامعه موحد و یک پارچه

۱- ن.ک: سوره حج، آیه ۴۹ و سوره بقره، آیه ۱۲۴.

جهانی می گردید که متأسفانه، احیای نظام جاهلی با نقطه عزیمت از انحراف سقیفه مایه سلب این نعمت از جامعه بشری تا ظهور دولت مهدوی شد.

با پیروی از فرمان های الهی و اقتدا به سیره نبوی و علوی، حکومت دین سالار مهدوی نه تنها مردمی، بلکه جهانی و در مرتبه ای بسیار بالاتر «سپهری» است، یعنی هم گرایی آن، تمام هستی و سپهر آفرینش را دربر می گیرد و در این جغرافیای گسترده، همه را اعم از جمادات، نباتات، حیوانات و انسان ها از خود به اذن و برکت الهی بهره مند می سازد. برای نمونه و بنا به روایات، زمین در عصر مهدوی با لطف الهی از هر گونه جور و ظلمی تطهیر می شود و با نور الهی منور و تابان می گردد.

امام رضا علیه السلام در تأیید مراتب فوق می فرماید:

«خداوند به واسطه او، زمین را از هر گونه جور و ظلم تطهیر و منزه می نماید. پس هنگامی که وی خروج کند، زمین با نور پروردگار، نورانی می گردد و ترازوی عدالت در میان مردم حکم فرما می شود. پس از آن، دیگر کسی به دیگری ظلم نمی کند و او کسی است که زمین برایش در نور دیده می شود. (۱)»

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۲۱، روایت ۲۹.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بیانی زیبا، خشنودی همه موجودات انسانی و غیرانسانی از حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را با عبارت «یرضی عنه ساکن الأرض والسماء» بیان فرموده است و در بیانی دیگر، آن حکومت را مایه رفاه و فرح و شادمانی همه موجودات به شمار می آورد و می فرماید:

«ساکنان آسمان و مردم زمین، پرندگان، درندگان و ماهیان دریا، همه در سایه لطف و حکومت او شادمان و فرح ناک هستند.

«(۱)»

با تأملی کوتاه در روایات ویژه عصر ظهور، به خوبی فهمیده می شود که فضای زیستی و موجودات ساکن در این قلمرو، به منزله کلیتی هم بسته و کالبد واحد، در نهایت کمال از مواهب حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برخوردار می گردد و طعم آسایش، آرامش و حیات طیبه مبتنی بر عدالت را خواهد چشید.

(د) دعوت

بی تردید دعوت انبیای الهی از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مهم ترین و اصلی ترین هدف ارسال رسل و جوهر سیاست خارجی آنان از ابتدا تا انتهای مأموریتشان به شمار

۱- منتخب الأثر، باب ۳، ص ۴۷۲، ب ۳، روایت سوم.

می رود. دعوت عبارت است از درخواست مسلمانان از نامسلمانان برای پذیرش اسلام. این کار توسط پیامبر داعی یا نمایندگان وی صورت می پذیرد. دعوت، تکلیفی الهی و از احکام منصوص اسلام و جزء ضروریات دین اسلام و در مبحث فقه، زیرمجموعه مسائل عبادتی به شمار می رود؛ زیرا قصد قربت در آن شرط است.

این اصل از مبانی هم گرایی و روابط خارجی دولت نبوی و دولت اسلامی است که به تناسب شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی نحوه تحقق آن، تنوع می یابد. به همین دلیل و با نگاه به اهمیت مبنایی این اصل، آیات متعدد قرآن کریم، پیامبران را دعوت کنندگان دینی معرفی می کنند. بر این اساس، نخستین وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و رهبران دینی و امامان معصوم علیهم السلام، همانا دعوت بشر به تعالیم و ارزش های وحیانی است. هم چنین اصل دعوت امری حیاتی و دایم برای تداوم اسلام است و بدیهی است که ترک این واجب کفایی و امر تکلیفی علاوه بر تهدید دارالاسلام، به عقوبت اخروی خواهد انجامید، ضمن آن که لازمه جهان گرایی و نگرش جهان وطنانه اسلام، برخورداری از دعوت همیشگی و فراگیر عالمیان به اسلام است.

قرآن کریم علاوه بر محوریت دعوت در رسالت جهان شمول نبوی و سیاست خارجی ایشان، دعوت و ارشاد را از مزایای امت اسلامی شمرده است:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ (۱)

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید. به کار پسندیده فرمان می دهید، و از کار ناپسند بازمی دارید.

قرآن تارکان این دعوت را لعنت می کند، آن جا که خدای متعال می فرماید:

«لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ * كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنِ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ»؛ (۲)

از میان فرزندان اسرائیل، آنان که کفر ورزیدند، به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند. این [کیفر] از آن روی بود که عصیان ورزیده و از [فرمان خدا] تجاوز می کردند [و] از کار زشتی که آن را مرتکب می شدند، یک دیگر را باز نمی داشتند....

در این جا برخی دیگر از نصوص قرآنی ذکر می شود که با صیغه امر، پیامبر را به دعوت موظف نموده و حاکی از وجوب دعوت است:

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۲- سوره مائده، آیه ۷۸ و ۷۹.

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَحِادِثْهُمْ بِآيَاتِنَا هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»؛ (۱)

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است مجادله نما. در حقیقت، پروردگار تو به [حال] کسی که از راه منحرف شده داناتر، و او به [حال] راه یافتگان [نیز] داناتر است.

یکی دیگر از آیات مبنی بر وجوب دعوت در سوره شوری است:

«فَلِدْلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ»؛ (۲)

بنابراین به دعوت پرداز، و همان گونه که مأموری ایستادگی کن، و هوس های آنان را پیروی مکن.

و یا در سوره فصلت، دعوت به خدای یگانه زیباترین سخن به شمار آمده است:

«وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»؛ (۳)

۱- سوره نحل، آیه ۱۲۵.

۲- سوره شوری، آیه ۱۵.

۳- سوره فصلت، آیه ۳۳.

و کیست خوش گفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید: «من [در برابر خدا] از تسلیم شدگانم»؟

این آیات و از جمله آیه پیش (آل عمران، ۶۴) به خوبی بیان می کنند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در روابط خارجی خویش با غیر مسلمانان، پیش از هر امری به دعوت آنان به خدای واحد موظف بوده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سیره خود نیز بر این اصل، بیش از هر چیز دیگر تأکید کرده و پیش از ادعای وظیفه دعوت، در هیچ موردی دستور جهاد و قتال صادر نفرموده است. در این باره نمونه های فراوانی در سیره ایشان به چشم می خورد، از جمله: صلح حدیبیه، ارسال پیام و سفیر به دربار پادشاهان و سران غیرمسلمان جهان. (۱) این دعوت نامه ها واقعاً اعجاب برمی انگیزند تا جایی که کتاب هایی با عنوان «مکاتب الرسول»، آنها را ذکر و تشریح نموده اند. بنابراین، سیاست خارجی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشان می دهد که ایشان در آن عصر، به اکثر ملل عالم و سران آن نامه نوشته و قاصد و سفیر فرستاده و آنان را پیش از هر اقدام دیگر، بارها به اسلام و توحید دعوت کرده است.

۱- نک: سید عبدالقیوم سجادی، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، ص ۵۰، انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۳ شمسی؛ وهبه الزحیلی، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، ص ۳۲۰، انتشارات دارالفکر، دمشق ۱۹۹۲ میلادی.

البته اصل دعوت در دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تابع مقتضیات زمانی و مکانی بوده است. برای نمونه، حضرت به مدت سه سال رسالت خود را پی گرفته و پس از آن خویشاوندانش را به اسلام دعوت کرده و پس از سه سال از آغاز بعثت، دعوت خویش را آشکار نموده است. ایشان در مراحل بعدی نیز همواره دعوت را بر جنگ مقدم می داشته اند. بنابر نقلی، امام علی علیه السلام فرموده است:

پیامبر مرا به یمن فرستاد و فرمود یا علی با هیچ کس جنگ مکن، مگر این که اول او را به اسلام دعوت کرده باشید. (۱)

هم چنین انعطاف و ملایمت، ویژگی دیگر دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شمار می رود که در واقع، باعث افزایش و نفوذ بیشتر دعوت الهی ایشان می گردید، همان طور که قرآن مجید این گونه برخورد رأفت آمیز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را رحمت الهی به شمار می آورد:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»؛ (۲)

۱- نک: حسین علی منتظری، فقه الدوله الاسلامی، ج ۲، ص ۷۱۱، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۴۰۲ قمری.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم خو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند.

از سوی دیگر، راه برد دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تأکید بر مشترکات بوده است، چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نامه به نجاشی، نبوت حضرت عیسی علیه السلام و پاک دامنی حضرت مریم را اشتراکی با مسیحیان حبشه یاد می کند. (۱) از شواهد دیگر آن که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نامه به اسقف روم در قسطنطنیه، بر حقانیت حضرت عیسی علیه السلام و دیگر پیامبران پیشین تأکید می نماید. (۲)

گفتنی است که خداوند متعال در سوره نحل، آیه ۱۲۵ برخی از قواعد درباره دعوت را بیان فرموده است. بنابر مضمون این آیه شریف، واژه هایی چون حکمت، پند نیکو (موعظه حسنه) و جدل نیکو و عمل صالح از قواعد اساسی دعوت است، هم چنان که دعوت در سیاست خارجی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مراحل سزای و سپس علنی داشته و با شیوه های مسالمت آمیز و پس از آن، قهرآمیز پی گرفته می شده است.

همه ویژگی های دعوت نبوی در سیره حکومت مهدوی وجود دارد و اولین بانگ ایشان از خانه کعبه و در هنگامه ظهور، دعوتی جهان شمول و فراخوانی همگانی بر

۱- نک: مکاتب الرسول، ص ۱۲۱.

۲- نک: مکاتب الرسول، ص ۱۶۹؛ علی احمد میانجی، مکاتیب الرسول، ص ۱۶۹، انتشارات یس، قم ۱۳۶۳ شمسی.

مبنای احیای کتاب و سنت است، همان گونه که امام باقر علیه السلام هم گونی دعوت مهدوی با دعوت نبوی را در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین بیان فرموده است:

سَنَّةُ سُنَّتِي يَقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ؛ (۱)

سیرت و سنت او سیرت و سنت من است؛ مردم را بر دین و آیین من به پا خواهد داشت و آنان را به کتاب پرودگارم دعوت می کند.

امام باقر علیه السلام، در توضیح بیشتر دعوت مهدوی می فرماید:

يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ وَ الْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ؛ (۲)

او مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر، ولایت علی بن ابی طالب و بی زاری از دشمنان او دعوت می کند.

بنابراین، هم گرایی مهدوی براساس چنین دعوتی به کتاب و سنت و احیای دوباره آن صورت می پذیرد.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۱، انتشارات موسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۱۶ قمری.

۲- الزام الناصب، ص ۱۷۷. (به نقل از: مسعود پورسیدآقایی و دیگران، تاریخ عصر غیبت، ص ۴۲۷، چاپ دوم: مؤسسه انتشارات حضور، قم ۱۳۸۳ شمسی)

ه) احیا و اقامه حق و دفع باطل محور هم‌گرایی

اقامه و احیای حق و دفع باطل، از ملاک‌ها و مبانی هم‌گرایی در نظام سپهری مهدوی است و این اصل چه در سیاست داخلی و چه خارجی این نظام جاری است. به عبارت دیگر، حق‌مداری و باطل‌ستیزی، جامع افراد و مانع‌اغیار است و از اصلی‌ترین ممیزات دوستان و متحدان نظام مهدوی از دشمنان و معاندان آن به شمار می‌رود، هم‌چنان‌که این اصل از بزرگ‌ترین آرمان‌های حکومت از نگاه علی‌علیه السلام است و ایشان بارها مبنا و دلیل پذیرش حکومت را اقامه حق و ممانعت از باطل و مبارزه با آن اعلام نموده است. عبدالله بن عباس می‌گوید:

در منطقه «ذی‌قار» در گذرگاه جنگ بصره، شرف‌یاب محضر امیرمؤمنان علیه السلام شدم. دیدم نعلین خود را وصله می‌زنند. در این حال رو به من کرد و گفت: این نعل چقدر ارزش دارد؟ در پاسخ گفتم: قیمتی ندارد. علی علیه السلام فرمود: به خدا قسم! این نعل کهنه در نظر من ارزشمندتر از حکومت بر شماست، مگر آن‌که بتوانم حقی را برپا دارم، یا جلوی باطلی را بگیرم. (۱)

بدین ترتیب، امام علیه السلام اقامه حق و دفع باطل را اساسی ترین وظیفه خویش می شناسد و حکومت را برای تحقق حق به دست گرفته است. دیگر وظایف اصلی در سایه این وظیفه سامان می یابد و زمینه های سیر به سوی اهداف متعالی در دولت حق فراهم می شود و امنیت لازم به دست می آید و دین داری، معنایی حقیقی می یابد. گفتنی است، «حق» در نهج البلاغه به دو گونه به کار می رود: یکی، حق در برابر ناحق به معنای «عدل» در برابر «ظلم» و دیگری حق به معنای «صحيح» در برابر باطل (ناصحيح). عدم رعایت و ترك این دو جهت توسط مردم، منشأ پیدایی جنگ های دوران حکومت امیرمؤمنان علیه السلام شد. امام علی علیه السلام پایه حکومت خویش را براساس اقامه عدل و بازگرداندن امور اجتماعی به مجاری اسلامی بنا نهاد. ایشان در مورد حق مداری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

و كان عوناً بالحقّ على صاحبه و المعلى للحقّ بالحقّ؛^(۱)

(پیامبر) کمک و یاور حق بود و با حق، صاحب حق را کمک می کرد، اما نه به هر روشی، حتی باطل و ناصحيح، بلکه به وسیله حق، حق را آشکار می ساخت.

۱- نک: بهرام اخوان کاظمی، «آرمان های حکومت از دیدگاه امام علی علیه السلام»، نشریه حکومت اسلامی، ش ۱۷، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۳۷.

(و) عدالت، مساوات طلبی و تبعیض ستیزی

تحقق و اقامه عدالت، از اساسی ترین مبانی حکومت نبوی و علوی است. برای نمونه، عدالت ورزی از دید امام علیه السلام مایه روشنی چشم زمام داران و نفوذ محبت آنان در مردم و استحکام حکومت (۱).

و باعث اقامه حدود الهی می شود که در سایه آن همه چیز احیا و راست می گردد و یا فرموده اند:

جعل الله سبحانه العدل قوام الأنام و تنزيهاً من المظالم و الآثام و تسنيئاً للإسلام؛ (۲).

خدای سبحان عدالت را مایه استواری انسان ها و ستون زندگانی آنان، و سبب پاکی از ستم کاری ها و گناهان و روشنی چراغ اسلام قرار داد.

بالعدل تصلح الرعيه؛ (۳)

با عدالت مردمان اصلاح می شوند.

-
- ۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۱۰۰۶، بند ۳۶.
 - ۲- عبدالواحد التميمي الآمدي، شرح غررالحكم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۳۵، انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بيروت ۱۴۰۷ شمسی.
 - ۳- عبدالواحد التميمي الآمدي، شرح غررالحكم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۹۲.

می توان گفت هر نوع نابسامانی، نشان از بی عدالتی است. اگر عدالت هدف حکومت قرار گیرد و لوازم تحقق آن فراهم آید، جامعه و امور سامان می یابد و همگان لباس عافیت و سلامت و کرامت به تن می کنند.

بدیهی است که عدالت و نفی هر گونه تبعیض، به منزله شعار اصلی حکومت عدل گستر مهدوی، ضامن تحقق عالی ترین سطح هم گرایی در عرصه گیتی و سپهر آفرینش خواهد گردید، همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

پس زمین را از عدل و قسط پر می کند، همان گونه که از ستم و جفاکاری پر شده است. هم ساکنان آسمان و هم ساکنان زمین از او خشنود می شوند. (۱)

از سویی، به کار بستن عدالت در جامعه مهدوی چنان بی تبعیض صورت می پذیرد که حتی بدکاران از عدالت و مساوات امام هم بهره مند می گردند. امام باقر علیه السلام، نفی تبعیض پیش گفته را چنین شرح داده است:

آن حضرت (اموال را) برابر تقسیم می کند و میان همه مردم چه نیکوکار و چه بدکار، به عدالت رفتار می نماید. (۲)

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱، روایت پانزدهم.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

ز) امنیت، صلح و مودت فراگیر

دست یابی به امنیت دو یا چندین جانبه و صلح پایدار از اهداف اصلی و مطلوب کشور های طالب هم گرایی است. با وجود این، تحصیل این اهداف در آموزه های اسلامی به شکلی عینی لحاظ گردیده است. برای نمونه، امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه ایجاد امنیت برای مظلومان را از آرمان های حکومت اسلامی و علوی می داند و یا فراهم کردن امنیت همه جانبه را مقصدی اساسی برمی شمرد که در سایه آن رشد و تعالی مردمان سامان می یابد. (۱)

ایشان اسلام را مایه امنیت اساسی معرفی می کند و می فرماید:

الحمد لله الذي شرع الإسلام... فجعله أمناً لمن علقه؛ (۲)

سپاس خدای را که راه اسلام را گشود... و آن را برای هر که به آن چنگ زند، امنیت قرار داد.

از این رو، برقراری امنیت واقعی و همه جانبه بر مبنای ایمان در جامعه، از آرمان های اساسی دین سالاری مهدوی است، به گونه ای که جان و مال حیثیت افراد جامعه از

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱، ص ۴۰۷، بند ۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵، ص ۳۱۳، بند ۱.

تجاوز دیگران در امان باشد. تحقق امنیت برای همه شهروندان، به ویژه مظلومان و مستضعفان، رسالت این حکومت فراگیر جهانی است؛ زیرا آنان بیش تر در خطر ناامنی اند. از سویی، محصول عدالت گسترده و ظلم ستیزی حکومت مهدوی و رعایت حقوق همه کائنات و موجودات در سپهر گیتی، چیزی جز امنیت و برقراری صلح و دوستی در فراخنای هستی نمی تواند باشد و چنان که برحسب روایات، کینه ها و اختلاف ها از جامعه بشری رخت برمی بندد، این کینه ها و عوامل نزاع از عالم حیوانی و جانوری نیز ناپدید خواهد شد و حتی حیواناتی که به کینه جویی و تقابل با هم شهره بوده اند، در کمال مسالمت و آرامش به زندگی مودت آمیز در کنار هم خواهند پرداخت. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم درباره موعود و امنیت آن عصر طیبه فرموده است:

... نامش نام من است، در موقع ظهور او پرندگان را در آشیانه هایشان و ماهیان در دریاها (با کمال آزادی و دور از هرگونه ترس و مزاحمت دشمن) تولید نسل می کنند و نهرها کشیده می شود و چشمه ها می جوشد و زمین دو برابر بیشتر از محصول همیشه می رویاند... (۱)

۱- علی دوانی، مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ص ۱۰۹۵، انتشارات دارالکتب الإسلامیه، تهران ۱۳۶۸ شمسی.

بدین ترتیب، امنیت، آرامش و ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دین سالاری مهدوی برخلاف نظام های سیاسی بشری برای همگان تأمین خواهد گردید. از دیگر دلایل چنین وضعیتی آن است که در عصر حکومت مهدوی، عدالت در بیشترین حد و به صورت کامل و تمام اجرا می شود و ادای حقوق به صاحبان آن به شکل قطعی صورت پذیرفته و کاملاً و بدون هیچ شبهه و خطایی انجام می گردد و همین مسئله، مایه محو منازعات و کینه ها و تثبیت آرامش، امنیت و ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در همه نظام ها خواهد شد و آنها را در زیر لوای حکومت مهدوی، به اتحاد و هم گرایی واقعی ره نمون خواهد ساخت و هر نوع خشونت و استیلاطلبی دولت های زورگو به ملل ضعیف را سرکوب و محو خواهد کرد و با برقراری صلح و مودتی عادلانه، نظامی متحد و با حقوقی متساوی را جانشین نظام کشورهای مرکزی (متروپل) و حاشیه ای خواهد گزید.

بنابراین، در نظام هم گرای مهدوی، دیگر شکاف ها و خندق های اقتصادی، تبعیض های ناروا و فقر و فاقه برآمده از عمل کرد نظام های سلطه طلب وجود نخواهد داشت و مساوات واقعی و برابری بر مبنای استحقاق، برقرار خواهد شد و همه کشورها و ملل در برخورداری از فرصت ها برای بالفعل کردن استعداد های خویش، مساوی

انگاشته خواهند شد. بر این مبنا، نه تنها شکاف های یاد شده در همه جای دنیا پر می گردند، بلکه جامعه بشری به استغنائی کامل می رسد و حتی فقری برای دریافت صدقات و اعانات یافت نخواهد شد. چنین وضعیتی، محصول توسعه وسیع اقتصادی و انسانی پایدار و بالنده نهضت جهان شمول و سپهری مهدوی است. در همین زمینه امام صادق علیه السلام می فرماید:

... و در میان خلایق به مانند داوود و محمد صلی الله علیه و آله و سلم حکم می کند. در این وقت زمین خزینه های خود را ظاهر و برکات خویش را آشکار می گرداند و در این وقت مردی از شماها کسی را نمی تواند پیدا کند که صدقه ای به او بدهد، یا احسانی در حق وی نماید؛ زیرا که همه مؤمنان غنی و مال دار هستند. (۱)

ح) نفی ملیت و قومیت مداری

ملی گرایی افراطی (شوینسم)، قومیت و نژادپرستی، در بسیاری از نظام های سیاسی گذشته و حال دنیا چه در حیطه نظری و چه در حیطه عملی و هم در میان رهبران و کارگزاران و هم در میان شهروندان وجود داشته است. جای گرفتن این کشورها در

دسته بندی هایی مانند کشورهای شمال، دولت های دارا و غنی و سازمان های سیاسی و اقتصادی و نظامی مانند گروه هشت، ناتو، اتحادیه اروپا و... نیز بیشتر بر همین مبادی و هم بستگی های قومی، نژادی و استکباری مبتنی است.

اما در آموزه هم گرایی نظام مهدوی، ملیت پرستی مفرط، قومیت مداری و نژادگرایی جایی ندارد و با در نظر داشتن منظرها و ملاک های تقوا و شایسته سالاری، برای اصلاح امور مادی و معنوی بشر، اندیشیده و عمل می شود. افزون بر این، از دیگر ویژگی های عدالت مهدوی و جهان شمولی بدون تبعیض حرکت مصلحانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که ایشان اصحاب خود را با هدایت الهی و براساس لیاقت و شایستگی و ملاک های قرآنی و الهی و نه از یک نقطه خاص که از کشورها، قومیت ها، و ملیت ها و شهرهای گوناگون برمی گزینند. از این رو می توان گفت که حرکت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف ویژه ناحیه یا کشوری خاص نیست، بلکه همه جهان را دربر می گیرد؛ زیرا برای دست یابی به اهداف حکومت اسلامی و مهدوی، لازم است مناصب براساس لیاقت و شایستگی تقسیم شود و مسئولان و کارگزاران حکومت، با کفایت ترین و خدمت گزارترین افراد باشند. امام علی علیه السلام در همین باره به مالک اشتر فرموده است:

و لا تقبلن فی استعمال عَمَالِك و أمرائك شفاعة الا شفاعة الكفايه و الأمانه؛(۱)

در گزینش کارکنان و فرمان‌روایان، شفاعت و وساطت کسی را میپذیرد، مگر شفاعت شایستگی و امانت داری آنان را. امام علیه السلام در عهدنامه مالک، سفارش می‌کند که کارمندان، پس از آزمایش و امتحان و نه میل و استبداد، به کار گمارده شوند و از میان آنان، افرادی گزینش گردند که با تجربه تر و پاک تر و پیش گام تر در اسلامند.(۲)

از نظر امام علیه السلام سزاوارترین شخصی به خلافت، تواناترین و داناترین آنان به فرمان خداست.(۳)

اقتدا به این سیره نبوی و علوی به هم راه دیگر ویژگی های حکومت طیبه مهدوی باعث می‌گردد که آن حکومت جهانی به هم‌گرایی کامل برسد و همه اهل عالم، ملل و نحل مختلف و نظام های سیاسی گوناگون از آن خرسند گردند. آن گاه با اجرای کامل عدالت، شکاف ها و محرومیت های برآمده از استکبارورزی و زیاده خواهی ملل و

۱- محمد مهدی شمس الدین، نظام الحکم و الاداره فی الاسلام، ص ۳۰۱، چاپ سوم: قم ۱۴۱۱ قمری.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۱۰۱۱، بند ۴۳.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳، ص ۵۵۸، بند ۲.

دولت های زورمند از میان ملل و دولت های عالم برمی خیزد و استعدادها و توان مندی ها به کار می آید و همه حقوق افراد جوامع بشری اعم از ضعیف یا قوی برآورده می شود و به اصطلاح امروزی، جهان نه با توسعه ناموزون بلکه با توسعه موزون مواجه می گردد.

هم چنین بنا بر برخی از روایات، با وجود آن که دین سالاری سپهری مهدوی و اسلام و قوانین اسلامی بر سراسر گیتی حاکم است، دیگر ملت ها نیز در قالب نوعی حکومت همانند فدرالیسم، ضمن پیروی از حکومت مرکزی جهانی، آزادی هایی در پیروی از رسوم و فرهنگ های ملی غیرمتعارض با اسلام دارند و حضرت این حق و احترام را برای آنها پاس می دارد، چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند به هر منطقه ای نماینده ای می فرستد و به او می گوید: حکومت در اختیار توست، هر چه مصلحت می بینی عمل کن! (۱)

بدین روی، می توان استنباط کرد که در حکومت جهانی مهدوی، حقی از کشورها یا به عبارتی بهتر ایالت های این حکومت در هر جای گیتی ضایع نمی شود.

۱- نک: محمدجواد وزیری فرد، ظهور نو، (ترجمه کتاب الشمس المضيئه، نوشته علی سعادت پرور، ص ۲۰۲ - ۲۰۳، چاپ دوم: انتشارات احیاء کتاب، تهران ۱۳۸۰ شمسی). (به نقل از: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۳، روایت ۷۱۲)

هم چنین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره عدالت گستری و هم چنین تنوع ملیت های اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده است:

مهدی به عدالت حکم و امر می کند. خداوند عزوجل او و کلامش را تصدیق می نماید و هنگامی که نشانه و علامت ها آشکار می شوند، از مکه خروج می نماید. وی گنج هایی از طلا و نقره ندارد، بلکه گنج های او اسب های خوش اندام و نیکومنظر و مردان ویژه ای هستند که خداوند آنان را برای وی از دورترین بلادها گرد هم می آورد که تعدادشان به عدد اهل جنگ بدر، ۳۱۳ نفر است و صحیفه ای هم راه مهدی است که در آن نام ها، کنیه ها، کشورها، محل سکونت و حتی نوع طبایع اصحابش آمده است. اینان در راه اطاعت او کوشایند و رنج و سختی می کشند. (۱)

این بیان به خوبی نشان می دهد که تفکر ملیت و قومیت محورانه و نژادپرستانه در انتخاب اصحاب و مدیران عرصه جهانی نظام هم گرای مهدوی وجود ندارد و آنان براساس شایسته سالاری و میزان اهلیت و استحقاقشان از جای جای عالم گزینش می شوند.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۱۰، روایت ۴.

(ط) هم زیستی مسالمت آمیز

دو واژه «سلام» و «صلح» در فرهنگ و فقه سیاسی اسلام اهمیت ویژه ای دارند و بی دلیل نیست که اسلام در روابط بین الملل و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز در رسالت و سیاست خویش، اصل هم زیستی مسالمت آمیز را از مهم ترین اصول حاکم میان پیروان خود و دیگر ملت ها مطرح کرده است؛ زیرا مقتضای فطرت انسان در مناسبات و روابط خود با هم نوعانش، هم زیستی و مسالمت است. جنگ و ستیز از نگاه اسلامی، حالتی عارضی و موقت و نه طبیعی و دائمی دارد. آیات فراوانی در قرآن این مطلب را تأیید می کند که به برخی از آنها اشاره می شود:

«قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي * فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ»؛^(۱)

بگو: «خدا را می پرستم، در حالی که دینم را برای او بی آرایش می گردانم. پس هرچه را غیر از او می خواهید، پرستید.»

«وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»؛^(۲)

۱- سوره زمر، آیه ۱۴ - ۱۵.

۲- سوره یونس، آیه ۹۹.

و اگر پروردگار تو می خواست، قطعاً هر که در زمین است همه آنها یک سرایمان می آوردند. پس آیا تو مردم را ناگزیر می کنی که بگردند؟

«فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ»؛ (۱)

پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند.

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»؛ (۲)

در دین هیچ اجباری نیست.

«وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا»؛ (۳)

و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً»؛ (۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید، همگی به اطاعت [خدا] در آیید.

۱- سوره کهف، آیه ۲۹.

۲- سوره بقره، آیه ۲۵۶.

۳- سوره انفال، آیه ۶۱.

۴- سوره بقره، آیه ۲۰۸.

بنابر این آیات چنین استنباط می شود که ایجاد عقیده در نهاد آدمی هرگز با تحمیل و زور سازگار نیست و دیگر، آن که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روابط و تحقق رسالت و سیاست خویش با خشونت و ناسازگاری بیگانه است و مبنای دعوت و سیاست عام وی بر تفاهم و مسالمت و ملایمت استوار است و در واقع، جنگ و خصومت ورزی بر مبنای تخصم دشمنان و استمرار عناد آنان، بر رفتار سیاسی دولت نبوی عارض می گشته است، هم چنان که آیه ۱۲۵ سوره نحل، پیامبر را به موعظه نیکو و بهترین گفتمان با مخالفان سفارش می نماید.

علاوه بر آیات متعدد قرآن، عمل کرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز بر هم زیستی مسالمت آمیز تأکید دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از هجرت به مدینه نزدیک به شش سال درگیر جنگ با دشمنان اسلام بود، اما آن گاه که دولت خویش و دارالاسلام را اندکی ایمن یافت، راه برد صلح و هم زیستی مسالمت آمیز را دنبال کرد که نمود عینی آن پیمان صلح حدیبیه (۱) در سال ششم هجری بود.

با نگاه تاریخی نیز می توان دریافت که آن حضرت در حل و فصل اختلافات، شیوه هایی چون مذاکره و بحث آزاد، حکمیت و داوری، سازش و وساطت را به کار

۱- برای اطلاع بیشتر از ماجرا و متن پیمان صلح حدیبیه نک: صالح احمد العلی، دولت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، ترجمه هادی انصاری، ص ۲۴۱ - ۲۵۱، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم ۱۳۸۱ شمسی.

می بسته است. شواهد تاریخی بسیاری در تاریخ اسلام، همانند منشور مدینه در آغاز هجرت و ورود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه و انعقاد پیمان دفاعی و یا بی طرفی با قبایل مختلف و انعقاد صلح حدیبیه و مذاکره با هیئت مذهبی مسیحیان نجران، این مطلب را تأیید می کند. گفتنی است که در این میان، منشور مدینه اهمیت ویژه ای برای تبیین دیپلماسی مسالمت آمیز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد و حتی مفاد و مباحث آن در حقوق بین الملل امروز نیز برای طرح و بررسی شایسته است. این منشور، چند ماهی پس از ورود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه مطرح شد و هم زیستی و تفاهم مسلمانان با قبایل مستقر در مدینه و حومه آن را گسترش بخشید. در واقع، این پیمان مسالمت آمیز در سال اول هجری توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم میان مهاجران و انصار از یک سوی و یهودیان مدینه از سوی دیگر منعقد گردید و به طور کلی، بر آن دلالت داشت که یهودیان در دین و دارایی خود آزاد باشند و مسلمانان و یهودیان مانند یک ملت در مدینه زندگی کنند و در انجام مراسم دینی خود آزاد باشند و به هنگام جنگ با دشمن به یک دیگر کمک کنند و شهر مدینه را محترم بدانند و در هنگام اختلاف و رفع آن، شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به داوری پذیرند. (۱) هم چنین

۱- منشور مدینه و متن آن که به عنوان قانون اساسی مدینه هم از آن یاد می کنند، در آثار متعددی ذکر گردیده است. برای نمونه نک: مکاتب الرسول، ص ۲۴۱؛ سیدخلیل خلیلیان، حقوق بین الملل اسلامی، ص ۲۹۹، چاپ چهارم: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۲ شمسی.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بارها از ابزارهای مسالمت آمیز متنوع و صلح جویانه ای مانند مذاکره، اعزام مبلغان و سفیران، تألیف قلوب، تولی و تبری و ابزارهای بشردوستانه ای مانند عتق و فک رقبه یا آزادی بندگان برای تحقق اهداف سیاست خارجی و رسالت الهی خویش سود می جست است. (۱)

بدبختانه جهان امروز با وجود شعارهای صلح طلبانه، هم چنان در گیر سلطه طلبی و جنگ افروزی های منفعت محورانه قدرت های کوچک و بزرگ است. با وجود این، برپایی صلح جهانی از آرمان های متعالی و همیشگی بشر و همه نهاد ها و سازمان های بشری در طول تاریخ بوده است.

بر اساس مبانی دینی، بستر صلح جهانی در سایه برپایی حکومت جهانی مهدوی با اقتدا به سنت مسالمت جویانه و صلح طلبانه نبوی و علوی تحقق می یابد. در حکومت جهانی و هم گرای مهدوی، با اجرای عدالت و تکمیل عقلی و رشد علمی، صلح عادلانه جهانی تأمین می گردد. به بیان دیگر، با بهره گیری کامل از قسط و عقل، زمینه اقامه هم گرایی معطوف به صلح و هم زیستی پایدار و متسالم فراهم می شود.

۱- برای نمونه و اطلاع بیشتر نک: محمدابراهیم آیتی، چکیده تاریخ پیامبر اسلام، تلخیص جعفر شریعت مداری، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۸ شمسی.

گفتنی است که حکومت مهدوی در فتح سنگرهای شیطانی شرک و پلشتی از قدرت شمشیر و نیروی قاهره نیز سود می برد، اما واقعیت این است که امام عجل الله تعالی فرجه الشریف قیامی نظامی و میلیتاریستی و متکی بر اجبار و سرکوب نخواهد کرد. (۱)

بنابراین، نباید امنیت و عدالتی کاذب و در سایه شمشیر برقرار شود. قیام مصلحانه یاد شده، نهضتی ایمانی، اسلامی و انسانی برای رهایی همه بشر از زنجیرهای نفسانی و موانع و بندهای بی شماری است که طاغوتیان بر دست و پای انسان فعلی زده اند و تکامل و کمال بشری را ایستا کرده و یا به پس رفت و قهقرا کشانده است.

هم چنین در نهضت جهان شمول مهدوی که عدالت را به گونه کامل اجرا می کند و همه استعدادها و توان مندی ها را محقق می نماید و همه حقوق را برمی آورد، اختلاف و درگیری ملت ها و دولت های متنوع و متبوع به وجود نخواهد آمد؛ زیرا اساس بسیاری از این درگیری ها، اجرا نشدن عدالت و وجود شکاف ها و محرومیت های ناشی از استکبارورزی و زیادخواهی ملت ها و دولت های زورمند است. بی گمان، با رفع و از میان رفتن این استکبارورزی ها و کینه ها، عداوت جای خود را به محبت و سازش، هم زیستی مسالمت آمیز، هم گرایی و هم بستگی کامل، با جهت گیری های معنوی و

۱- برای نمونه و توضیح بیشتر نک: علی اکبر مهدی پور، «بررسی چند حدیث شبهه ناک درباره عدالت آفتاب عالم تاب»، مجله انتظار، ش ۱۴، زمستان ۱۳۸۳.

کمال خواهانه به رهبری دولت طیبه مهدوی خواهد داد و دولت ها و ملت های این نظام الهی نیز با وجود پاره ای کثرت ها و تنوع ها، در واقع واحد و یک پارچه خواهند شد و وحدت را در کثرت می توان مشاهده کرد.

به باور برخی از محققان، مسالمت جویی و خوش رفتاری دولت مهدوی با اقلیت های دینی چنان خواهد بود که به آنان و به ویژه به یهود و نصارا اجازه داده خواهد شد که بر دین خود با قبول شرایط ذمه باقی بمانند. این محققان، کشتار این اقلیت ها را در صورت نپذیرفتن دین اسلام، مغایر با قرآن و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصومان علیهم السلام و اصول مسلم اسلامی می دانند و این گونه روایات را از نظر سند نیز ضعیف برمی شمردند.^(۱)

وانگهی در آن زمان، بسیاری از اهل کتاب به دلیل آشکاری حقانیت اسلام و بینات اسلامی و شکوفایی عقلی عمومی و براهین و احتجاج های استدلالی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با اهل کتاب، با طوع و رغبت به اسلام می پیوندند.

(ی) کرامت محوری و بشردوستی

انسان ها بالاتر از حق حیات، دارای حق کرامتند. این حق امری زوال پذیر نیست. کرامت یعنی این که انسان دارای شرف و عزت و حیثیت ارزشی است. کرامت و ارزش

۱- نک: مجتبی تونه ای، موعودنامه؛ فرهنگ الفبایی مهدویت، ص ۱۱۵، انتشارات میراث ماندگار، قم ۱۳۸۴ شمسی.

انسانی در دین اسلام نیز برای آدمی ثابت شده و موجب بروز حق و تکلیف است. حفظ حریت و آزادمنشی انسان ها و نفی بندگی از ابناء بشر از این کرامت ها به شمار می رود، هم چنان که امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه ای فرمود:

ای مردم! حضرت آدم نه مولود بنده ای داشت و نه کنیزی و همه مردم آزادند، لیکن خداوند تدبیر و اداره بعضی از شما را به بعضی دیگر سپرده است. (۱)

کرامت انسان ها و حقوق بشردوستانه در هم گرایی آموزه مهدوی نیز نه تنها محوریت دارد، بلکه به عالی ترین اندازه خود خواهد رسید. امام علی علیه السلام در بیانی، کرامت بخشی به جامعه انسانی در عصر ظهور را چنین تصویر می فرماید:

سپس به کوفه روی می آورد که قرارگاه و منزل اوست. برده مسلمانی در بندی نمی ماند، جز این که او را می خرد و آزاد می سازد و بده کاری نمی ماند، مگر این که دین او را می دهد و مظلومه ای نمی ماند، جز این که آن را می پردازد و کشته ای نمی ماند، مگر این که دیه او را می دهد...

۱- «آرمان های حکومت از دیدگاه امام علی علیه السلام»، ص ۱۴۳. (به نقل از: ملامحسن فیض، الوافی، ج ۱۴، ص ۲۰)

و کشته ای نمی ماند، جز این که دین او را می پردازد و خانواده او را تأمین می کند و همه امور را تدبیر و کارها را تنظیم می نماید تا آن جای که زمین را از عدل و داد سرشار می نماید، همان گونه که به هنگامه ظهور او، از ظلم و جور لب ریز است. (۱)

هم چنین پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز در بیانی ضمن تبیین برکات عصر ظهور، آن دوره را زمان تکریم و تعظیم امت معرفی فرموده است. (۲)

رعایت کرامت انسان ها و حقوق بشردوستانه تنها به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی انجامد، بلکه یاران وی نیز بر مبنای لحاظ و رعایت این امور با حضرت دست بیعت می دهند و موظف می گردند این کرامت ها را در سراسر گیتی و همه بلادی که در آن جا مأموریت و یا مدیریت دارند، به بالاترین اندازه رعایت نمایند. علی علیه السلام در گفتاری طولانی در وصف بیعت ۳۱۳ تن از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گفتاری دارد که به واقع، آن را منشور حقوق بشردوستانه دولت و آموزه طیبه مهدوی می توان یاد کرد. (۳)

۱- سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق علی کرمی و سید محمد حسینی، دفتر نشر الهادی، قم ۱۳۷۶ شمسی.

۲- «آرمان های حکومت از دیدگاه امام علی علیه السلام»، ص ۷۵۰ - ۷۵۱. (به نقل از: عقد الدرر، ص ۱۴۴، باب ۷، چاپ جدید مسجد مقدس جمکران)

۳- محمد حسین رحیمیان، جلوه های نور از غدیر تا ظهور، ص ۱۸۳ - ۱۸۴، انتشارات دارالثقلین، قم ۱۳۷۹ شمسی.

ک) اخلاق و تربیت مداری

هم‌گرایی و اتحاد دولت‌ها در نظام مهدوی جهت‌گیری‌هایی الهی و اهدافی متعالی دارد و جامعه و امتی با اخلاق و تکامل یافته را پی‌جویی می‌کند. تربیت چنین امتی از اصلی‌ترین وظایف امام معصوم به‌شمار می‌رود. به همین دلیل، در دین سالاری سپهری مهدوی، آدیان به نهایت تزکیه و بلوغ و تکامل اخلاقی می‌رسند. نگاه به سیره امام علی علیه السلام در این زمینه راه‌گشا است. از جمله ایشان در نامه ۴۵ نهج البلاغه به عثمان بن حنیف، فرمان‌دار بصره، درباره ضرورت بینش‌دهی و تعلیم امت توسط امام فرموده است:

ألا وإن لكلّ مأموم إماماً يقتدى به ويستضيء بنور علمه؛^(۱)

بدان هر پیرو، پیشوایی دارد و به او اقتدا می‌کند و از نور علم وی نورانی و آگاه می‌شود.

و نیز فرمود:

و علی الإمام أن یعلم أهل ولايته حدود الإسلام و الإيمان؛^(۲)

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۹۶۶، بند ۲.

۲- شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۳۱۸.

بر امام است که به افراد تحت ولایت خویش اسلام و ایمان را بیاموزد.

بر مبنای همین سیره علوی در روایات آمده است که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در آن حیات طیبه موعود خود به تعلیم و تفسیر واقعیت های قرآن به مردم همت می گمارد و بواطن نامکشوف این مصحف شریف را برای آنان تشریح می کند و بالندگی و شکوفایی کلیت افراد و اجتماع را سبب می شود.

گفتنی است، نهج البلاغه حاکم جامعه اسلامی را «ملک» یا «سلطان» یاد نمی کند که به معنای تملک یا سلطه گری است، بلکه با کلماتی مانند «امام» (پیشوا و رهبر) و «والی» از او یاد می کند. رهبر و امام، جمعیت و امتی را به دنبال خود می کشاند و خود پیش قراول و طلایه دار حرکت است. والی و ولایت، به معنای پیوستگی است. والی امت و رعیت، کسی است که امور مردم را به عهده دارد و با آنها پیوسته است. با تأمل در مفهوم حکومت در نهج البلاغه، درمی یابیم ولی امر و متصدی کارهای مردم در رأس حکومت است و تکلیفی الهی دارد. او انسانی است که بیشترین بار و سنگین ترین مسئولیت را بر دوش دارد. از سوی دیگر، مردم نیز باید با همه ارزش های مادی و معنوی و آرمان هایشان گرامی داشته شوند و دین و دنیای آنان با هم و در تعامل ماند.

مفهوم سلطه گری و زورمداری و افزون طلبی در حکومت علوی وجود ندارد و مقصد اصلی امام علیه السلام آخرت است که از گذرگاه دنیا می گذرد. وظیفه اصلی حکومت نیز تمهید بستر زمینی این حرکت برای آدمیان است. بدین ترتیب، اصلاح، رشد و بالنده کردن همه اصناف مردم گیتی، در جنبه های مادی و معنوی، روحی و جسمی از وظایف و آرمان های حکومت اسلامی در حیطه داخلی و خارجی است. امر الهی به پیامبر برای تزکیه مردم نیز همین نکته به شمار می رود و این سنت حسنه و رسالت معصومان، در نظام مهدوی به فرجام و نتیجه نهایی خواهد رسید.

(ل) جهاد و نفی هرگونه سلطه طلبی و مشروعیت جنگ توحیدی

اصل جهاد و قتال با دشمنان و محاربان با خدا و جامعه اسلامی از مبانی و اصولی به شمار می رود که باعث هم گرایی در دولت مهدوی است. در حقیقت، امت هم بسته وی امتی مجاهد است؛ زیرا جهاد توحیدی، از ضروریات دینی رسالت و دولت نبوی و علوی به شمار می رود. افزون بر این، شناخت ماهیت دشمنان خدا که دشمنان خلق نیز هستند و ستیز مداوم با ایشان و هوشیاری در برابر توطئه های آنان و به دوستی نگرفتن و عدم وابستگی و کمک نگرفتن از آنان، از جمله مسائلی است که قرآن در ده ها آیه، به چندین گونه آن را مطرح نموده، آگاهی لازم در این زمینه ها را شرط ایمان واقعی

شمرده و آن را عاملی تعیین کننده در حیات سیاسی جامعه اسلامی برشمرده است. از طرفی، اسلام افزایش عده و عده بیشتر را برای ترساندن دشمنان اسلام و آسیب رسانان به امنیت جامعه اسلامی لازم می داند. برای نمونه، برخی از این آیات در زیر می آید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ»؛ (۱)

و هرچه در توان دارید از نیروها و اسب های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد - بترسانید.

«هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ»؛ (۲)

- آنهايند [منافقان] دشمنان شما، در برابر آنان هشيار باشيد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ»؛ (۳)

- مردم باايمان، دشمنان مرا و دشمنان خودتان را دوست نگيريد.

۱- سوره انفال، آیه ۶۰.

۲- سوره منافقون، آیه ۴.

۳- سوره ممتحنه، آیه ۱.

باید پذیرفت که جهاد از واژه های نام آشنای قرآنی است که شرط اساسی ایمان و تنعم در بهشت جاودان و میزان و معیار درجه بندی امتیازات در جامعه اسلامی معرفی شده است. جهاد اگرچه در راه خدا انجام می گیرد، نفع آن در حیات سیاسی به خود مؤمن و جامعه اسلامی و تضمین سلامت و امنیت آن برمی گردد:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛^(۱)

مؤمنان آنانند که ایمان به خدا و رسول آورده اند و تردیدی به دل راه نداده اند و در راه خدا به مال و جان جهاد کرده اند.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»؛^(۲)

- ای پیامبر! با کفار و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر باش.

آیات جهاد در دو دسته جای می گیرند: نخست، آیات مقید که جهاد را بر وجود فتنه و ظلم و آغاز جنگ و ایجاد ناامنی از نزد نامسلمانان مبتنی می سازد. این دسته از آیات بیشتر ماهیت جهاد و جنگ دفاعی را بیان می کنند که حق مشروع تمام جوامع و

۱- سوره حجرات، آیه ۱۵. همچنین ن. ک: سوره عنکبوت، آیه ۶ و سوره بقره، آیه ۲۱۸.

۲- سوره تحریم، آیه ۹.

انسان هاست؛ دوم آن آیات مطلق که به طور مطلق به قتل کفار و مشرکان دستور می دهند. (۱) برخی خاورشناسان با توسل به این آیات کوشیده اند اسلام را جنگ طلب و جنگ محور بشناسانند. با وجود این، هرگز جهاد در تفکر اسلامی برای کشورگشایی، قتل و نابودی نفوس نبوده و ماهیتی اصلاحی و دعوت گرایانه دارد. به عبارتی، خود به یکی از مراحل دعوت تبدیل می شود و به تعبیر مفسران حالت دفاعی به خود می گیرد، چنان که سیره سیاسی دولت نبوی چنین بوده است.

از دیدگاه بیشتر مفسران شیعی و سنی، جهاد ماهیتی اصلاحی و در جهت دعوت اسلامی دارد. از نظر آنان، جنگ های سلطه طلبانه و توسعه جویانه نه فقط مشروعیت ندارد، بلکه از نظر متون اسلامی به شدت نکوهیده است. بنابراین، جهاد دعوت به سوی خدا و به منظور برافراشتن «کلمه الله» و نابودی باطل و ریشه کنی مفسده و ناامنی برآمده از کردار مشرکان و مفسدان است. هم چنین لزوم دعوت پیش از جهاد و مشروع نبودن جهادی که به دعوت نپرداخته، از اموری است که همه فقیهان و مفسران بر آن اتفاق نظر دارند. (۲) علامه طباطبایی با تأیید ماهیت تدافعی جهاد در اسلام می نویسد:

۱- این آیات از این جمله اند: «فَاتْلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً» (سوره توبه، آیه ۳۶)؛ «فَاتْلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» (سوره انفال، آیه ۳۹)؛ «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» (سوره توبه، آیه ۵).

۲- نک: سید عبدالقیوم سجادی، «اصول سیاست خارجی در قرآن»، نشریه علوم سیاسی، ش ۱۵، پاییز ۱۳۸۰، ص ۱۷۴.

قتال در راه خدا، چه دفاعی و چه ابتدایی، در حقیقت دفاع از حق انسانیت است و آن، همان حق حیات است؛ زیرا شرک به خدای سبحان هلاک انسانیت و مرگ فطرت و خاموشی چراغ در درون دل هاست و قتال که همان دفاع از حق انسانیت است، این حیات را بر می گرداند و بعد از مردن آن حق را دوباره زنده می سازد. (۱)

بنابراین، اصل جهاد در سیره سیاسی نبوی، علوی و مهدوی نیز ماهیتی دعوت گرایانه دارد و برای احیای فطرت انسان ها با ماهیتی تدافعی خواهد بود.

هم چنین برحسب آموزه های دفاعی معصومان علیهم السلام جنگ طلبی مذموم است و تنها جنگ در راه حق و اهداف توحیدی پذیرفته می نماید. بدین سان، اساس سیاست داخلی و خارجی و هرگونه اتحاد و هم گرایی، نفی جنگ طلبی بوده و اگر بنا باشد که جنگی توجیه پذیرد، تنها برای حاکم گرداندن توحید و تفکر توحیدی بر همه سوی عالم خواهد بود. برای نمونه، امام سجاد علیه السلام در دعای ۲۷ صحیفه سجادیه برای سپاهیان و مرزداران اسلامی چنین دعا می فرماید:

۱- محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۶۶، انتشارات اسلامی، قم ۱۳۶۸ شمسی.

... و آنها را برای عبادت از جنگ و محاربه کفار فراغت بخش و از دفع و طرد آنها آسوده ساز تا با تو به خلوت و راز و نیاز پردازند و تا آن که دیگر در معموره زمین هیچ کس غیر تو را پرستش نکنند و پیش احدی جز ذات یگانه تو کسی جبهه به خاک مذلت نسازند(۱)... پروردگارا و این نعمت غلبه و استیلای مسلمین را در تمام اقطار عالم تعمیم ده.(۲)

هم چنین امام علیه السلام، شریعت و عدالت و معرفت خواهی و جهاد در راه استیلای توحید را از ویژگی های سپاهیان اسلامی به شمار آورده است:

پروردگارا! هرگاه از قشون اسلام که اهل ملت و شرع تو هستند، مرد جنگ جویی با آن کافران به جنگ برخیزد، یا آن که از پیروان سنت و آیینت مردی با عدالت و معرفت با آنها به جهاد و دفاع رو آورد، به این مقصود که دین توحیدی تو برتری یابد و حزب و سپاه تو نیرومندتر

۱- امام علی بن الحسین، صحیفه سجادیه، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، ص ۲۶۴، انتشارات اسلامی، تهران، [بی تا].

۲- امام علی بن الحسین، صحیفه سجادیه، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، ص ۲۶۵.

شود و بهره خلق از معرفت بیشتر گردد، تو ای خدا بر آن مرد جنگ جو و مجاهد امر جنگ را سهل و آسان گردان و... (۱).
 امام سجاد علیه السلام در این بخش از دعای خود برای سپاهیان، صفات و ویژگی های متعددی را همانند صبر، ثبات، پایداری، شجاعت، سلامت جسمی، اخلاق نیکو، حسن سیاست یا تدبیر، شهادت طلبی، رهبانیت در جهاد، خلوص و حسن نیت، عدالت ورزی و دوری از ریا ذکر فرموده است. (۲).

بدین ترتیب، در سیاست و آموزه های دفاعی معصومان علیهم السلام و از جمله حضرت سجاد علیه السلام، نیروهای نظامی نه تنها جنگ طلب و استیلاجو و مظهر اعمال خشونت نامشروع نیستند، بلکه می بایستی از متدین ترین و مخلوق و فرهیخته ترین افراد اجتماع باشند و بدیهی است که چنین بینشی متعالی درباره نیروهای نظامی در نوع خود بی مانند است (۳).

و سپاهیان و اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم به این صفات عالی آراسته اند و مایه جذب قلوب و پیوستگی دیگر ملت ها و امت ها به یگانه امت مهدوی خواهند گردید.

۱- امام علی بن الحسین، صحیفه سجادیه، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، ص ۲۶۶.

۲- امام علی بن الحسین، صحیفه سجادیه، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، ص ۲۶۷.

۳- نک: بهرام اخوان کاظمی، «دکترین و سیاست های دفاعی - امنیتی در صحیفه سجادیه»، نشریه حکومت اسلامی، ش ۴۴، تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۶۵ - ۱۹۱.

(م) نفی سییل و لزوم عزت مندی مسلمین

اصل نفی سییل در کلیه قلمروهای داخلی و خارجی از اصول ارزش مند اسلامی در همه عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به شمار می رود که از نص آیه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (۱) برآمده است. این اصل بر همه معاهدات و رفتارهای نظام سیاسی اسلامی حکومت دارد و بدیهی است که هم گرایی و اتحاد این نظام با دیگر دولت ها از این اصل بنیادین تأثیر می پذیرد.

مفسران در تفسیر این آیه اقوال مختلفی ذکر کرده اند؛ بعضی «سییل» را به مفهوم حجت و دلیل دانسته اند و آیه را چنین معنا کرده اند: «خداوند کافران را با حجتی برتر در مقابل مؤمنان قرار نداده است.»

عده ای گفته اند که مقصود از نفی سییل، نفی سلطه کفار بر مؤمنان در قیامت است. اما بیشتر عالمان به این آیه بر منع و عدم جواز فروش عبد مسلمان به کافر استدلال کرده اند؛ زیرا این امر موجب مسلط شدن کافر بر عبد مسلمان و خواری او می گردد. بنابراین، بیع عبد مسلمان به کافر از آن روی جایز نیست که موجب استیلای کافر می گردد. پس هر چیز سبب سلطه کفار بر مؤمنان و مسلمانان شود، ممنوع و

۱- «خداوند، سییل و طریقی برای کافران بر مؤمنان قرار نداده است.» (سوره نساء، آیه ۱۴۱)

تحمل ناپذیر خواهد بود. این استدلال وقتی درست می نماید که کلمه «سییل» به معنای سلطه و سلطنت و نه حجت و برهان، لحاظ شود. بر این اساس، آیه «نفی سییل» اساس روابط خارجی و امنیتی دولت اسلامی مطرح می گردد و بر دیگر آیات حاکمیت می یابد. برای نمونه، اگر دولت اسلامی با غیرمسلمانان عهد و پیمانی منعقد کند، به حکم صریح قرآن مبنی بر وجوب وفای به عهد (اوفوا بالعهد) لازم است که دولت اسلامی به میثاق و پیمان منعقد شده پای بند ماند، اما اگر این پیمان موجب استیلا- و برتری سیاسی و نظامی و فرهنگی کافران بر مؤمنان گردد، فاقد اعتبار است و از ذیل وجوب وفای به عهد خارج می گردد. بنابراین، روابط خارجی و امنیتی نظام اسلامی با غیرمسلمانان می باید به گونه ای تنظیم گردد که زمینه های سلطه و برتری کافران بر مسلمانان را فراهم نیاورد، در غیر این حالت چنین روابطی نامشروع و غیرشرعی خواهد بود.

به هر روی، براساس اصل نفی سییل، راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه های مختلف سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی باید بسته شود. اسلام از نظر سیاسی و امنیتی، ظلم و استبداد و استعمار را نفی می کند و مداخله بیگانگان را در امور داخلی کشور اسلامی و تصمیم گیری های سیاسی جایز نمی داند و

از نظر نظامی نیز تسلط بر مقدرات و تدابیر نظامی را مهم برمی شمرد. در ضمن، بر عدم وابستگی اقتصادی و جلوگیری از نفوذ فرهنگی و منع استشاره و مشورت در حوزه های فرهنگی و نظامی در روابط خارجی تأکید می ورزد. بنابراین، قاعده نفی سبیل، دو جنبه ایجابی و سلبی را بیان می کند که جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان است و جنبه ایجابی آن بیان گر وظیفه دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه های وابستگی و موجبات ناامنی است.

افزون بر این آیه، درباره این اصل به آیات دیگر نیز استدلال شده است. آن آیات، مؤمنان را از پذیرش و قبول ولایت کافران برحذر می دارند و یا به عواقب منفی و زیان بار آن هشدار می دهند.^(۱) برخی از مفسران برای نفی سلطه کافران و عدم جواز آن به آیه ۱۱۸ سوره آل عمران هم استدلال کرده اند که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مِن دُونِكُمْ»^(۲) خداوند سبحان، در این آیه مؤمنان را از دوستی با بیگانگان نهی می کند. گفته اند مقصود از «بطانه»، دوستی و قرابت هم دلانه است. بنابراین، مسلمانان نباید کافران را دوست و هم راز و از صنف «خودی ها» بدانند؛ چون این امر

۱- از جمله به سوره نساء، آیه ۱۳۸ و ۱۳۹؛ سوره انفال، آیه ۷۳ و سوره مائده، آیه ۵۵ - ۶۵ استدلال شده است.

۲- «ای اهل ایمان، غیر را به بطانه نگیرید.» (سوره آل عمران، آیه ۱۱۸).

موجبات سلطه آنان بر مسلمانان را فراهم می سازد^(۱).

و تأثیر و پی آمد منفی چنین سلطه ای نیز به طور قطع مغایر با عزت مسلمانان و اهداف بلیغ رسالت نبوی است؛ زیرا قرآن کریم در آیات متعدد دیگری ولایت کافران و یهودیان و نصرانیان را بر مسلمین به شدت نفی نموده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ»^(۲).

ای کسانی که ایمان آورده اید، به جای مؤمنان، کافران را به دوستی خود مگیرید.

از سویی، از مدارکی که قاعده فقهی نفی سبیل را تأیید می کند حدیثی به نام «حدیث اعتلا»ست. این حدیث در جلد چهارم کتاب من لایحضره الفقیه «باب میراث اهل الملل» از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده و متن آن چنین است:

الإسلام يعلو و لا يعلی علیه و الکفار بمنزله الموتی لایحجون و لایورثون^(۳).

۱- برای اطلاع بیشتر نک: «اصول سیاست خارجی در قرآن»، ص ۱۷۵ - ۱۷۷.

۲- سوره نساء، آیه ۱۴۴.

۳- نک: ابوالفضل شکوری، فقه سیاسی اسلام، (اصول سیاست خارجی)، ج ۲، ص ۳۹۰، [بی جا]، [بی نا]، ۱۳۶۱ شمسی. (به نقل از: سید محمود بجنوردی، قواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۱۵۹)

اسلام همیشه علو و برتری دارد و هیچ چیزی بر آن علو نمی یابد و کافران به منزله مردگان هستند؛ نه حجابی بر آنها لازم است و نه این که ارثی به آنها تعلق می گیرد.

از سوی دیگر، سلطه کفار بر مسلمین، موجب حقارت و پستی و ذلت مسلمانان در برابر غیرمسلمانان خواهد شد که این نیز با اهداف والای اسلام و رسالت نبوی مغایرت کامل دارد؛ زیرا که قرآن، پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان را دارای عزت معرفی می کند:

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛^(۱)

عزت ویژه خداوند و پیغمبرش و مؤمنان است، لکن منافقان نمیدانند.

بنابر این آیه، عزت برای خدا و پیامبر و مسلمانان است، پس باید بنا بر قاعده راه هرگونه تسلط و نفوذ و برتری تشریحی کافران بر مسلمانان نفی شود و یکی از نشانه های کامل بودن دین نیز همین است.^(۲) با توجه به اسوه بودن نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و تبعیت کامل ایشان از فرمان های قرآنی، در سیاست خارجی و نوع هم گرایی دولت مهدوی، این اصل به برترین گونه رعایت خواهد شد، چنان که امت واحد اسلامی در

۱- سوره منافقون، آیه ۸.

۲- نک: فقه سیاسی اسلام، ص ۳۹۲.

دوره ظهور به نهایت عظمت و عزت مندی خود خواهد رسید و همان طور که پیش از این آمد، پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز در بیانی ضمن تبیین برکات عصر ظهور، آن دوره را زمان تکریم و تعظیم امت معرفی فرموده است.

(ن) وفای به عهد و تعهدات

اصل وفا به تعهدات از مهم ترین اصول اسلامی، چه در سیاست و چه در روابط و حقوق بین الملل است. آیات قرآنی و روایات، به ویژه روایات نبوی با تأکید بر ضرورت پای بندی به همه تعهدات و پیمان ها، تنها در صورت تخلف طرف مقابل، نقض تعهد را جایز دانسته اند و در غیر آن، وفای به عهد را به حکم عقل و شرع لازم می دانند. مستندات قرآنی و روایی در این زمینه فراوان است کما اینکه قرآن می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»؛ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید، به قراردادها [ی خود] وفا کنید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در همین زمینه فرموده است:

لا دين لمن لا عهد له... المؤمنون عند شروطهم؛ (۲)

۱- سوره مائده، آیه ۱. همچنین ن. ک: سوره بقره، آیه ۱۷۷ و سوره رعد، آیه ۲۰ و سوره اسراء، آیه ۳۴ و سوره مؤمنون، آیه ۸.

۲- شیخ مرتضی انصاری، المکاسب، ص ۲۱۵، [بی نا]، تبریز ۱۳۷۵ شمسی.

کسی که پای بند به عهد خود نیست، از دایره دیانت خارج است... ایمان مؤمنان در گرو پای بندی به تعهداتشان است.

اصل وفای به عهد و تعهدات، بر مبنای آیات و سنت و سیره نبوی، دربردارنده موارد زیر است:

۱. اصل بقای معاهده ها و اعتبار آن تا زمان انقضای مدت؛

۲. عدم جواز خدعه و غدر به طرف مقابل و وجوب وفای به عهد تا زمان انقضای مدت؛

۳. عدم جواز نقض قطعی پیمان، مگر آن که طرف مقابل غدر و خدعه کند و یا آن را کاملاً نقض نماید.

سیره نبوی و علوی و سیاست خارجی ایشان نیز پای بندی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام به همه پیمان ها و تعهدات کتبی و شفاهی را نشان می دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به همه عقود خود اعم از دائمی، موقت، معین و نامعین متعهد بوده که از برجسته ترین موارد آن، التزام و پای بندی حضرت به مفاد صلح نامه حدیبیه را می توان برشمرد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با ناگواری تمام، به دلیل احترام به این پیمان، افراد تازه مسلمانی را که از شکنجه و آزار قریش به

سوی مدینه هجرت کرده بودند، باز می گرداند(۱)

و حتی در چنین شرایط سخت و پرمضيقه ای از لزوم رعایت پیمان ها دست نمی کشید و کارگزاران و فرستادگان خویش را نیز به رعایت این التزام سفارش می فرمود و در این میان، فرقی نمی گذارد که طرف معاهده مسلمان، یا یهودی و یا نصرانی و یا کافر و معاند باشد.(۲)

با توجه به هم سانی سیره نبوی و علوی با سیره مهدوی و این که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در حقیقت در پی احیا و اقامه کتاب و سنت خواهد بود، اصل وفای به عهد و تعهدات نیز از مبادی و بنیان های سیاست خارجی و آموزه هم گرایی دولت جهان شمول مهدوی به شمار می رود. از سویی، با خدعه و رزاق و پیمان شکنان به شدت مقابله خواهد شد و تثبیت سنت وفای به عهد، باعث بقای کامل معاهدات و در نتیجه، استحکام هم بستگی و هم گرایی کامل ملت های جهان در تحت رایت و لوای دولت مهدوی خواهد گردید.

۱- نک: دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، ص ۶۴؛ هم چنین نک: آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، ص ۳۵۰.

۲- از منابع ارزش مندی که با تفصیل بسیار از جای گاه اصل وفای به تعهدات سخن رانده، کتاب زیر است: عباس علی عظیمی شوشتری، حقوق قراردادهای بین المللی در اسلام، انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۷۸ شمسی.

نتیجه

فقدان هم‌گرایی و هم‌بستگی میان کشورهای مختلف، از مهم‌ترین علل منازعات و بروز ناامنی و جنگ در عرصه‌های جهانی، بین‌المللی و منطقه‌ای به‌شمار می‌رود. استمرار منازعات و خصومت‌ها و بی‌پایانی جنگ‌های فراگیر، و بی‌ثباتی پیمان‌های هم‌گرایی، نشان از ناکامی تئوری‌ها، دولت‌ها، نهاد‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در ایجاد هم‌گرایی و تفوق بر علل افتراقات جهانی و بین‌المللی دارد.

این نوشتار، ضمن پرداختن به نظریه‌های کارکردگرایی و نوکارکردگرایی و نظریه کانتوری و اشیپگل درباره هم‌گرایی، ناکامی‌های این نظریه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را در تحقق هم‌گرایی در صحنه جهانی تبیین می‌کند. آن‌گاه مبانی هم‌گرایی در آموزه مهدویت و دولت جهان شمول مهدوی تبیین می‌شود و امتیازات آن بر تئوری‌های هم‌گرایی فعلی تشریح می‌گردد. مفروض این پژوهش، نقصان و ناکامی نظریه‌های غربی و سازمان‌های بین‌المللی را در ایجاد هم‌گرایی در عرصه جهانی و منطقه‌ای بیان می‌کند و مناسب و آرمانی بودن الگوی هم‌گرایی مهدوی را برای ایجاد هم‌بستگی و هم‌گرایی جامعه جهانی در قالب امت واحد جهانی اثبات می‌نماید.

مهم ترین نقطه ضعف نظریه های هم گرایی جهان معاصر، ناتوانی آنها در ارائه الگویی جهان شمول و فراگیر جهت هم گرایی است. بیشتر این نظریه ها، شماری از عوامل را علت هم گرایی و هم بستگی یاد می کنند که آن عوامل فاقد کفایت و جامعیت لازم است. وانگهی می توان اذعان کرد که این تئوری ها در بهترین و آرمانی ترین صورت، عامل ناهم گونی و افزایش افتراقات در عرصه بین المللی هستند و مناطقی از جهان را در مقابل یک دیگر قرار می دهند. برای نمونه، محصول این نظریه ها، معاهدات و پیمان های هم گرایی دو یا چندجانبه ای است که کشورهای غنی را از کشورهای فقیر جدا می کنند و یا به همین گونه، کشورهایی را با چند ویژگی مشترک مانند قومیت، نژاد، سطح فن آوری، ایدئولوژی های غیرالهی، تشابه نظام سیاسی و امثال آن، تقسیم بندی و جدا می سازند. کارکرد گرایان و نوکارکرد گرایان، افزایش هم گرایی را نیازمند افزایش ظرفیت های فنی و تکنولوژیک کشورها و تقویت عامل اراده و عزم سیاسی آنها در ایجاد و توسعه هم گرایی می دانند و بنابر نظریه کانتوری و اشپیگل نیز هم گرایی را وضعیتی می پندارند و معتقدند که در حقیقت وضعیت و ویژگی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قومی، نژادی، فرهنگی، زبانی و جغرافیایی کشورهای هم جوار و نوع و میزان روابط آنها موجب هم گرایی می گردد.

برخی از این معیارهای طبقه بندی و یا موضع گیری های مناطق هم گرا و متحد در لوای پیمان های بین المللی در نظر ادیان الهی و وجدان بشری درست و صحیح نمی نمایند و عمل کرد منفعت محورانه و استیلاطلبانه آنها، به بروز بیشتر ناامنی و مخاصمه جویی و جنگ طلبی در عرصه گیتی انجامیده است، هم چنان که وجود سه بخش مرکزی، حاشیه و مداخله گر در نظریه های هم گرایی و در حوزه عمل آنها، به عدم رعایت حق حاکمیت و رأی برابر کشورهای به اصطلاح هم گرا انجامیده است.

سازمان های مختلف بین المللی از اصلی ترین نهادهایی هستند که به ویژه در سده اخیر و در سطح بین المللی و جهانی، برای هم گرایی و هم کاری کشورها پا به میدان نهاده اند. اما این نهادها در کسب اهلیت و کفایت لازم در پذیرش مسئولیت ها و تحقق انتظارات راه درازی در پیش دارند و به همین دلیل، بنابر دیدگاهی بسیار مهم، سازمان های بین المللی در حیظه های عمل کردی و ایجاد هم گرایی و حفظ صلح و امنیت در سراسر عالم، نارسا و شکست پذیرند. برخی از مهم ترین ادله این مدعا بدین شرح است:

۱. شکست در زمینه ضمانت اجرا و ناکامی در تهیه سازوکارهای کارآمد برای حفظ نظم و جلوگیری از جنگ؛

۲. جانشینی استعمار جدید به جای استعمار قدیم؛

۳. شکست در میانجی‌گری و ایفای نقش بی‌طرف جهانی؛

۴. گرایش بیشتر به سلطه ملی‌گرایی تا پرورش بین‌المللی‌گرایی؛

۵. حرکت پاره‌ای سازمان‌ها به سوی اتحادیه‌های منسوخ و نه بین‌المللی‌گرا مانند ناتو؛

۶. عدم توفیق در نهادینه کردن مرکزی برای اداره نظام جهانی و رهبری غیرمتأثر از دولت‌ها؛

۷. عدم توفیق در افزایش اجماع جهانی و روند دموکراتیزاسیون بین‌المللی؛

۸. ضعف و ناکارآمدی سازمان‌های جهانی به دلیل سیستم فلج‌کننده «حق و تو» در سازمان ملل و تأثیرپذیری از نفوذ قدرت‌های بزرگ؛

۹. تأثیرپذیری منفی سازمان‌های منطقه‌ای و دولت‌های عضو از قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و تنش‌های میان آنها و خدشه برداری نسبی استقلال تصمیم‌گیری آنها؛

۱۰. دشواری در تأمین بی‌طرفی و فراهم آوردن نیروهای بی‌طرف؛

۱۱. عدم توازن قدرت در منطقه و وجود قدرت‌های مرکز و کشورهای حاشیه ضعیف در سازمان‌های منطقه‌ای.

در مقابل، مهم ترین ویژگی نظریه هم گرایی در آموزه مهدوی، الهی بودن و برخورداری از مبانی جامع، فراگیر، توحیدی و جهانی است و لذا برخلاف نظریه های جدید، ملاک های نارسای ملیت، قومیت، نژاد، زبان و امثال آن، در این الگو جایی ندارد و برعکس با این ملاک ها مبارزه می شود.

هم چنین به کمک استدلال، با استمداد از راه برد های قرآنی و پیروی از سنت نبوی و سیره علوی و با کندوکاو در روایات درباره عصر ظهور، جامعیت، کفایت و سپهری بودن هم گرایی در آموزه و دولت مهدوی تشریح می گردد. مبانی هم گرایی در آموزه های اسلامی و مهدوی، به ایجاد امت واحد و حیات طیبه برای جامعه هم بسته و هم پیکر بشری خواهد انجامید و سپهر آفرینش را بر مبانی توحیدی متحد خواهد ساخت. این مبانی عبارتند از:

۱. توحید، خدامحوری و محو شرک؛

۲. تحقق وحدت و هم گرایی در پرتو حکومت امام معصوم؛

۳. رسالت تحقق امت واحد و هم گرایی در سپهر جهان و آفرینش؛

۴. دعوت؛

۵. احیا و اقامه حق و دفع باطل محور هم گرایی؛

۶. عدالت، مساوات طلبی و تبعیض ستیزی؛

۷. امنیت، صلح و مودت فراگیر؛

۸. نفی ملیت و قومیت مداری؛

۹. هم زیستی مسالمت آمیز؛

۱۰. کرامت محوری و بشردوستی؛

۱۱. اخلاق و تربیت مداری؛

۱۲. جهاد و نفی هرگونه سلطه طلبی و تنها مشروع دانستن جنگ توحیدی؛

۱۳. نفی سبیل و لزوم عزت مندی مسلمانان؛

۱۴. وفای به عهد و تعهدات.

هم چنین چون مسئله هم گرایی در قالب سیاست خارجی و دیپلماسی کشورها نسبت به یک دیگر مطرح و موضوعیت می یابد، اصول هم گرایی پیش گفته را بخش بسیار مهمی از سیاست خارجی و دیپلماسی دولت مهدوی می توان دانست.

فصل هشتم: احیاءگری ایمان الهی و حیات مؤمنانه، زمینه ساز و راه برد دولت مهدوی

اشاره

بستر و زمینه سازی برای ایجاد شرایط ظهور از وظایف مهم منتظران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت است. همواره در دوران غیبت، منتظران کوشیده اند معنای انتظار فعال و نه منفعلانه را دریابند و راه برد هایی پیشه کنند تا زمینه ظهور امام غایب را فراهم آورند. در این میان، چه راه بردی، محوری برای زمینه سازی ظهور و تداوم دولت مهدوی به شمار می رود و زیربنای دیگر راه بردها و دست آوردها مانند امنیت همه جانبه و فراگیر در این دولت خواهد بود؟

به نظر می رسد راه برد احیاءگری ایمان الهی و حیات مؤمنانه و توحیدی و ترویج و تقویت آن، جایگاهی اساسی و محوری در زمینه سازی ظهور و تداوم دولت مهدوی دارد^(۱) و زیربنای دیگر راه بردها و دست آوردها مانند امنیت فراگیر و همه جانبه در دولت

۱- ن.ک: بهرام اخوان کاظمی، «احیاءگری ایمان الهی و حیات مؤمنانه، زمینه ساز و راهبرد دولت مهدوی»، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۸، ص ۱۰۱-۱۱۷.

مهدوی به شمار می رود، هم چنان که در آموزه های قرآنی و روایی، ایمان یا امنیت معنوی، سرچشمه و مبنای اصلی تحقق حیات طیبه و ایمن و همه عطایای الهی است.

گفتار اول: احیای ایمان الهی و تعامل آن با تحقق امنیت و حیات طیبه در قرآن

قرآن کریم به تعامل ایمان الهی و حیات طیبه و ایمن اشاره فرموده و سرچشمه اصلی حیات طیبه و امنیت واقعی را در امنیت معنوی و آن را نیز در ایمان به خدا و کسب رضای الهی یاد کرده است. به اعتقاد قرآن، امنیت دنیایی، نسبی است و امنیت واقعی در جهان آخرت برقرار خواهد شد و اگرچه مؤمن در دنیا به ابتلائات و ناامنی های ظاهری ممکن است دچار شود، به پشتوانه مدد الهی دارای امنیت و آرامش معنوی است. این امنیت سرچشمه همه امنیت ها و آرامش ها و زیربنای زندگی پاکیزه و آرمانی قرآنی است.

قرآن، امنیت را از برکات نازل الهی بر مؤمنان و مایه افزایش ایمان آنان می داند و می فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ»؛ (۱)

اوست آن کس که در دل های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (۱) و با اشاره به جملات پیشین این آیه مانند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ»، امنیت را در همه ابعاد و به ویژه بُعد معنوی آن، مبتنی بر تحصیل ایمان به خدای متعال می داند و چنین امنیت معنوی و دست آورد ایمانی را مایه سعادت و ایمنی انسان از شقاوت به شمار می آورد. به تعبیر وی، هر نفس متحیر و مضطربی با یاد خدا اطمینان و تسکین می یابد و احساس نشاط، سلامتی و عافیت می کند. این رکن وثیق، سعادت او را ضمانت و تضمین می کند و مایه انبساط و آرامش می شود، آن گونه که نوش دارو برای مارگزیده مایه راحتی و آرامش است. علامه عقیده دارد:

این معنا حکمی است عمومی که هیچ قلبی از آن مستثنا نیست، مگر این که کار قلب به جایی برسد که در اثر از دست دادن بصیرت و رشدش دیگر نتوان آن را قلب نامید. البته چنین قلبی از ذکر خدا گریزان و از نعمت طمأنینه و سکون محروم خواهد بود، هم چنان که فرموده:

«فَأَنبَأَهَا لَمَّا تَعَمَّى الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعَمَّى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (۱) و نیز فرموده «لَهُمْ قُلُوبٌ لَّمَّا يَفْقَهُونَ بِهَا» (۲) و نیز فرموده «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ» (۳)

علامه با توجه به آیه ۱۲۵ سوره انفال، معنای شرح صدر و توسعه سینه را با ایمان اطمینان قلب و امنیت حاصله یکی دانسته (۴) و معتقد است همان طور که از مضمون آیات برمی آید، این دو با خواست الهی محقق خواهند شد و نتیجه هدایت انسان هستند. (۵) در تفکر قرآنی، ظلم و شرک در مقابل ایمان و امنیت هستند، هم چنان که در سوره انعام می فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»؛ (۶)

۱- «در حقیقت، چشم ها کور نیست لیکن دل هایی که در سینه هاست کور است». (سوره حج، آیه ۴۶) «دل هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی کنند». (سوره اعراف، آیه ۱۷۹)

۲- «خدا را فراموش کردند، پس [خدا هم] فراموششان کرد». (سوره اعراف، آیه ۱۷۹)

۳- سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمدباقر همدانی، ج ۱، ص ۴۸۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.

۴- سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمدباقر همدانی، ج ۱، ص ۴۸۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.

۵- نک: سوره انعام، آیه ۸۲.

۶- سوره انعام، آیه ۸۲.

کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده اند، آنان راست ایمنی و ایشان راه یافتگانند.

این آیه شریفه، ظلم را شرک و در مقابل ایمان شمرده است و اهتدا و ایمنی از ضلالت و یا عذاب را که اثر ضلالت و گمراهی است، مترتب بر داشتن صفت ایمان و زایل گشتن صفت ظلم برشمرده است. (۱) بدین ترتیب، امنیت و اهتدا تنها بر ایمانی مترتب می شود که صاحبش از هرگونه ظلم برکنار باشد. (۲)

گفته شد که ایمان و امنیت معنوی پایه و مبنای همه امنیت هاست و با اتکا به ذات الهی همگان می توانند خود را سرشار از ایمان کنند و به امنیت واقعی دست یابند. بی دلیل نیست که آیات الهی در معرفی ذات ایمنی بخش الهی، وجود خداوند را با اسامی «سلام» و «مؤمن» یاد کرده اند، هم چنان که در سوره حشر می فرماید:

«هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ»؛ (۳)

۱- نک: المیزان، ج ۱، ص ۴۷.

۲- نک: المیزان، ج ۷، ص ۳۸۷.

۳- سوره حشر، آیه ۲۳.

اوست خدایی که جز او معبودی نیست؛ همان فرمانروای پاک سلامت [بخش، و] مؤمن [به حقیقت حقّه خود که] نگهبان [است].

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد:

کلمه سلام به معنای کسی است که با سلام و عافیت با تو برخورد کند، نه با جنگ و ستیز و یا شر و ضرر، و کلمه مؤمن به معنای کسی است که به تو امنیت بدهد و تو را در امان خود حفظ کند. (۱)

بنابه آیات دیگر الهی نیز می توان فهمید که عدم خوف و اندوه و تأمین هدایت و امنیت از دست آوردهای ایمان است که خداوند متعال بدان در آیه شریفه «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (۲) بشارت داده است. در تفسیر المیزان درباره این آیه و شرح حال این اولیای الهی و هم چنین در بیان صفات مؤمنان مورد خطاب آیه ۸۲ سوره انعام، شرحی آمده است که به خوبی دیدگاه قرآن را درباره امنیت معنوی بیان می کند:

۱- المیزان، ج ۱۹، ص ۳۸۲.

۲- «آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می شوند». (سوره یونس، آیه ۶۲)

به همین دلیل این گونه اشخاص غرق در نعمت های خدا و غرق در مسرتی هستند که غم و اندوهی با آن نیست و غرق در لذت و سروری هستند که دیگر آلوده به الم و اندوه نیست و غرق در امنیتی هستند که دیگر خوفی با آن نیست؛ چون همه این عوارض سوء وقتی عارض می شوند که انسان سوئی را درک بکند و شر و مکروهی ببیند و کسی که هیچ چیزی را شر و مکروه نمی بیند، او جز خیر و جمیل مشاهده نمی کند و وقایع را جز به مراد دل و موافق با رضا نمی بیند. پس اندوه و ترس و هر سوء دیگر و هر چیز که مایه اذیت باشد، در چنین کسی راه ندارد، بلکه او از سرور و ابتهاج و امنیت به مرحله ای رسیده که هیچ مقیاسی نمی تواند اندازه اش را معلوم کند و جز خدا هیچ کس نمی تواند بر آن احاطه یابد و این مرحله، مرحله ای است که مردم عادی توانایی تعقل و پی بردن به کنه آن را ندارند، مگر به گونه ای تصور ناقص. (۱)

بدین ترتیب، زندگی در پناه ایمان و امنیت معنوی، همان حیات طیبه است، هم چنان که قرآن نیز فرموده است:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (۱)

در همین زمینه در آیه ۹۲ سوره انعام، (۲) استعاراتی آمده است و قرآن ضلالت را به مرگ، ایمان و هدایت یافتن را به زندگی، هدایت به سوی ایمان را به احیا، راه پیدا کردن به اعمال صالح را به نور و جهل را به ظلمت تشبیه کرده است.

بدین ترتیب، عواملی مانند گناه، شرک و ظلم که به ایمان آسیب می‌رسانند، از نشانه‌های حیات سیئه به شمار می‌روند و به امنیت معنوی نیز آسیب می‌رسانند. (۳)

از منظر قرآن، در صورتی امنیت معنوی علاوه بر سطح فردی، در سطح اجتماعی و عمومی حکم فرما خواهد شد که اعضای جامعه با خداترسی و پیشه کردن تقوا بر تعاون بر محور برّ و تقوا نیز اجتماع کنند. علامه در تفسیر آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (۴) و آیه «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (۵) به این معنا اشاره نموده است:

۱- «هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیات [حقیقی] بخشیم». (سوره نحل، آیه ۹۷)

۲- «أَوْ مَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ «آیا کسی که مرده [دل] بود و زنده اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن، در میان مردم راه برود، چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکی هاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این گونه برای کافران آن چه انجام می‌دادند زینت داده شده است». (سوره انعام، آیه ۱۲۲)

۳- نک: المیزان، ج ۷، ۴۶۵.

۴- «و در نیکوکاری و پرهیزکاری با یک دیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید». (سوره مائده، آیه ۲)

۵- «بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد». (سوره بقره، آیه ۱۷۷)

و کلمه تقوا به معنای مراقب امر و نهی خدا بودن است و در نتیجه، برگشت معنای تعاون بر برّ و تقوا به این است که جامعه مسلمین بر برّ و تقوا و یا به عبارتی، بر ایمان و عمل صالح ناشی از ترس خدا اجتماع کنند و این همان اصلاح و تقوای اجتماعی است و در مقابل آن تعاون بر گناه یعنی عمل زشت که موجب عقب افتادگی از زندگی سعید است و بر عدوان که تعدی بر حقوق حقه مردم و سلب امنیت از جان و مال و ناموس آنان است، قرار می گیرد. (۱)

بنابر این عبارات، ایجاد ناامنی برای مردم از مصادیق تعاون بر گناه و دشمنی دانسته شده که هر دو نیز از ویژگی های حیات سیئه محسوب می شوند.

گفتار دوم: احیای ایمان الهی و تعامل آن با تحقق امنیت و حیات طیبه در روایات

امنیت در فرهنگ معصومان علیهم السلام همانند امنیت در فرهنگ قرآنی، مفهومی عمیق و گسترده دارد و از اصلی ترین زیرساخت های حیات طیبه و مؤمنانه به شمار می آید و مبنا و سرچشمه اصلی چنین امنیتی، از ایمان الهی سرچشمه می گیرد. بنابراین، ابعاد

وجودی انسان ها را دربر می گیرد و دنیا و آخرت را شامل می شود. آموزه های روایی بیان می کنند که اساس، بر امان الهی و ایمان و ایمنی از عذاب و قهر خداوند متعال است تا انسان به اعتماد و اطمینان برسد و صاحب نفس مطمئنه گردد. امنیت اساسی که همان امنیت معنوی است و هم چنین حیات طیبه و مؤمنانه با سکینه و با دخول در ابواب دارالسلام امن الهی و احیای قلب و مبارزه با نفس و شهوات و سیر و سلوک الی الله و وصل به مدارج کمال و معرفت و شهود محاضر قدس میسر است. در میدان آزمون دنیا و سرای آخرت، مؤمن کسی است که با هدایت و مدد الهی از بیشترین ایمان یا امنیت معنوی سود می جوید. گفتنی است بعضی از روایات ایمان را به شمشیری همیشه آماده در آزمون دنیا تعبیر کرده اند، هم چنان که امام علی علیه السلام می فرماید:

ایمان ریشه حق و حق راه هدایت است. شمشیر ایمان شمشیری آراسته و زیننده و سلاحی همیشه آماده است؛ زیرا که دنیا میدان آزمون آن است. (۱)

۱- «الایمان أصل الحقّ، و الحقّ سبیل الهدی، و سیفه جامع الحلیه، قیم العده، الدنیا مضماره...». (محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۹، باب الایمان، ح ۱۲۵۰، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲ ش)

هم چنین امام صادق علیه السلام در بیان چرایی نهادن نام مؤمن بر انسان باایمان فرموده است وی از خدا امان می خواهد و خدا به او امان می دهد(۱) و چون از عذاب خدا در امان است و روز قیامت خود را در امان خدا درمی آورد، خدا امان خواهی او را می پذیرد.(۲)

امام علی علیه السلام در عباراتی گوناگون امنیت اساسی و معنوی را نتیجه ایمان دانسته و آن را به افرادی نوید داده که خداوند را پناهگاه خود می دانند:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّهُ مَنْ اسْتَنْصَحَ اللَّهَ وَفَّقَ وَ مَنْ اتَّخَذَ قَوْلَهُ دَلِيلًا هَدَىٰ لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ فَإِنَّ جَارَ اللَّهِ آمِنٌ وَ عَدُوهُ خَائِفٌ؛(۳)

ای مردم! هرکس خدا را ناصح و خیرخواه خود قرار دهد، موفق می شود و هرکسی قول او را دلیل و راهنما قرار دهد، به استوارترین راه هدایت خواهد شد. کسی که خود را در پناه خداوند قرار دهد، در امنیت و آرامش خواهد بود و هرکس دشمن خدا باشد، خائف و هراس ناک است.

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «انما سمی المؤمن مؤمناً، لانه یؤمن علی الله فیجیزا امانه». (نک: محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۹۶ و ج ۶۷، ص ۶۰، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، بی تا)

۲- «إنما سمی المؤمن لأنه یؤمن من عذاب الله تعالی، و یؤمن علی الله یوم القیامه فیجیز له ذلك...» (بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۶۳)

۳- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، ص ۲۰۰، خ ۱۴۷، بند ۱۱، قم: مؤسسه انتشارات حضور، ۱۳۸۱ ش.

امام علی علیه السلام، نتیجه ایمان پویندگان راه خدا و مؤمنان را احیای عقل و قلب و میراندن شهوات و دست یافتن به امنیت و آرامش روح و جسم می داند:

قد أحیا عقله و أمات نفسه، حتّی دقّ جلیله و لطف غلیظه، و برق له لاعمع کثیر البرق، فأبان له الطّریق، و سلک به السّبیل، و تدافعته الأبواب إلی باب السّیلامه، و دار الإقامه، و ثبتت رجلاه بطمأنینه بدنه فی قرار الأمن و الرّاحه، بما استعمل قلبه، و أرضی ربّه؛(۱)

[پوینده راه خدا] عقلش را زنده کرد و نفس خویش را کشت تا آن جا که جسمش لاغر و خشونت اخلاقش به نرمی گرایید، برقی پرنور برای او درخشید و راه را برای او روشن کرد و در راه راست او را کشاند و از دری به در دیگر برد تا به در سلامت و سرای جاودانه رساند که دو پای او در قرارگاه امن با آرامش تن استوار شد. این، پاداش آن بود که دل را به درست به کار گرفت و پروردگار خویش را راضی کرد.

امام علی علیه السلام مسائلی مانند فقر، مرض و بیماری قلب را بزرگ ترین محرومیت ها می داند، همان طور که بزرگ ترین دردهای باطنی انسان ها را کفر، شقاق، ضلال و نفاق

۱- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، ص ۳۲۶، خ ۲۲۰.

می‌شمارد و این امر را از عوامل تهدیدکننده ایمان و امنیت و طمأنینه نفس، امنیت روح و روان و جسم و جان انسان‌ها می‌شناسد. در جای دیگر می‌فرماید:

ألا وإنَّ من البلاء الفاقه و أشدَّ من الفاقه مرض البدن و أشدَّ من مرض البدن مرض القلب؛(۱)

آگاه باشید که فقر نوعی بلاست و سخت‌تر از تنگ‌دستی، بیماری تن و سخت‌تر از بیماری تن، بیماری قلب است. آگاه باشید که همانا، عامل تن‌درستی، تقوای دل است.

بنابر روایات، خاستگاه امنیت معنوی فرد مؤمن و باتقوا، خوف الهی است. این خوف نیز با تأمین و تحصیل ایمان الهی، تعامل کاملاً مستقیمی دارد. هر قدر مؤمن از خدا ترسان باشد، از غیر خدا نمی‌ترسد و دیگران او را صاحب هیبت می‌دانند. در ادامه به روایات دلالت‌کننده بر این مطالب، اشاره مختصر می‌شود:

به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، خدای متعال می‌فرماید:

به عزت و جلالم قسم که یک بنده را دو امنیت و دو ترس با هم ندهم. اگر در دنیا از من ایمن است، در روزی که بندگانم را جمع کنم، او را

۱- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، ص ۵۲۴، ح ۳۸۸.

بترسانم و اگر در دنیا از من بترسد، روزی که بندگانم را جمع نمایم، ایمنش کنم(۱)... هر که از خدا ترسد، خدا همه چیز را از او بترساند.(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در عبارت دیگری امید و خوف را برای مؤمن سرچشمه سعادت و امنیت یاد کرده است:

من رجا الله سعد و من خاف الله أمن و الهالك المغرور من رجا غير الله و خاف سواه؛(۳)

هر کس به خدا امیدوار است، به سعادت راه یافته و کسی که پروای الهی دارد، به امنیت می رسد و سرنوشت فرد مغروری که به غیر خدا امید بسته و از غیر خدا خوف و خشیت دارد، هلاکت است.

علی علیه السلام نیز ضمن این که ایمان را مایه امنیت می داند (من آمن امن)،(۴) خوف الهی را مایه امنیت می شمارد و مردم را به محاسبه نفس، عبرت گیری و بصیرت ورزی و تفهم و تعلم - که در یک راستا و متعامل با هم هستند - توصیه می فرماید:

۱- قال الله تعالى: «و عزّتی و جلالی لا أجمع لِعبدی آمنین و لا خوفین ان هو آمنی فی الدنيا أختته يوم أجمع عبادي و ان هو خافنی فی الدنيا آمنته يوم أجمع عبادي». (مرتضی فرید تنکابنی، نهج الفصاحه، ص ۵۹، بی جا، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ش)

۲- «من خاف الله خوّف الله من کلّ شیء». (مرتضی فرید تنکابنی، نهج الفصاحه، ص ۱۳۹)

۳- بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۲۲، باب ۸، ح ۱۳۳.

۴- بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۱۶۳، باب ۹۳، ح ۵۴.

من حاسب نفسه ربح و من غفل عنها خسر و من خاف أمن و من اعتبر أبصر و من أبصر فهم و من فهم علم؛(۱)

کسی که به محاسبه نفس بپردازد، سود برده است و کسی که از این کار غفلت ورزد، دچار خسران می شود و کسی که خوف الهی داشته باشد، ایمن می گردد و کسی که عبرت گیرد، بینا می شود و کسی که بینا گردد، فهمش بالا می رود و در این صورت دانا می گردد.

امام حسین علیه السلام هم در این زمینه می فرمایند:

و لا تخافنّ إلّا الله عزّوجلّ و أنت فی حرز و أمان؛(۲)

از غیر خدای عزوجل به هیچ وجه نترس، آن گاه در حرز و امان خواهی بود.

امام موسی بن جعفر علیه السلام اعتقاد به وحدانیت الهی و جمله «لا اله الا الله» را مایه امنیت دنیوی و اخروی مؤمن می داند:

إنّ لا إله إلّا الله أمن للمؤمن فی حیاته و عند موته و حین یبعث؛(۳)

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۷۳، باب ۴۵، ح ۲۷.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۲، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.

۳- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۰۳، باب ۵، ح ۴۱.

به درستی که «لا اله الا الله» مایه امنیت و امان مؤمن در زندگی و هنگام مرگ و زمان برانگیختگی وی در روز رستاخیز است. مشابه این روایت، روایتی به نقل از امام رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که خداوند عزوجل می فرماید:

کلمه لا اله الا الله حصنی فمن قالها دخل حصنی و دخل حصنی آمن من عذابی؛^(۱)

کلمه «لا اله الا الله» برج و باروی من است و هر کس آن را بگوید در برج و باروی من وارد شده و هر کس داخل آن شود، از عذاب الهی در امان است.

در نقل قول های دیگر از امام رضا علیه السلام در ادامه این حدیث آمده است که «بشروطها و أنا من شروطها»^(۲) یعنی امنیت از عذاب الهی بر شروطی متکی است و اعتقاد به ولایت و امامت من از جمله این شروط است.

۱- بحار الانوار، ج ۳، ص ۵، باب ۱، ح ۱۴.

۲- بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۶، باب ۱، ح ۱۶.

همان طور که در بخش آیات ذکر گردید، در روایات هم «سلام»، شعار و پرچم صلح خواهی و امنیت مؤمنان و مسلمانان و از نشانه های حیات طیبه در دنیا و آخرت است. از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده اند که فرمود:

المؤمن يبدأ بالسلام و المنافق يقول حتى يبدأ بي؛^(۱)

مؤمن ابتدا به سلام می کند و منافق می گوید باید به من سلام کنند.

روایات بسیاری بر استحباب پیشی جستن بر سلام کردن آمده است، هم چنان که امام حسین علیه السلام در روایتی به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، پیشی گیرنده بر سلام را نزد خدا و رسولش مقدم می شمارد و بنابه روایت پدر گرامی شان امام علی علیه السلام: برای هر سلام کردن هفتاد حسنه است که ۶۹ تا از آن برای سلام کننده و تنها یکی برای پاسخ دهنده است. امام حسین علیه السلام در این حدیث سلام را قبل از شروع به هر سخنی لازم دانسته (السلام قبل الکلام) و می فرمایند:

السلام تحية لملتنا و أمان لذمتنا؛^(۲)

سلام، تحیت ملت ما و امان و امنیتی است که بر عهده ماست.

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۳۵ (به نقل از: کنز العمال، خ ۷۷۸).

۲- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۱۷، روایت ۴۶، باب ۹۷.

قرآن و روایات امنیت معنوی را به مؤمن نوید می دهند. به فرموده امام علی علیه السلام «مؤمن ساده دل، بزرگوار، امین نفس خویش و همواره ترسان و اندوه گین است»^(۱). با وجود این، همه چیز برای وی کرنش می کنند، چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

همه اشیا برای مؤمن کرنش می کنند و همه اشیا به او احترام می گذارند. اگر برای خدا اخلاص ورزد، خداوند همه چیز را از او هراسان سازد، حتی حشرات و خزندگان و درندگان زمین و پرندگان آسمان و ماهیان دریا را...^(۲) و آنها در برابر مؤمن خاضع و تسلیمند.^(۳) مؤمن کسی است که هر چیزی از او بیمناک، زیرا او در دین خدا قدرت مند و عزیز است، از هیچ چیز نمی ترسد و این نشانه هر مؤمنی است.^(۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

- ۱- «المؤمن غرّ کریم، مأمون علی نفسه حذر محزون». (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۸۹، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۶۶ش)
- ۲- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۶۲؛ الکافی، ج ۲، ص ۲۴۱.
- ۳- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۵.
- ۴- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۱.

مؤمن در هنگام خوشی و آسایش سپاس گزار است و در هنگام گرفتاری و بلا، شکیبیا و در زمان ناز و نعمت ترسان است. (۱)

مؤمن زاهد است و «ثمره زهد آسایش است»، (۲) همان طور که امام صادق علیه السلام می فرماید:

آسایش برای مؤمن در دنیا محال است. (۳)

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

آسایش در دنیا و برای اهل دنیا خلق نشده، بلکه در بهشت و برای بهشتیان آفریده شده است. (۴)

از این رو می توان فهمید که وجود امنیت معنوی برای مؤمن در دنیا، با دچار شدن وی به ابتلائات مختلف ناسازگاری ندارد، بلکه مؤمن بنابه روایات و در آزمون های سخت دنیایی، ممکن است با مخاطرات و حتی ناامنی های دنیایی روبه رو شود و حتی

۱- «المؤمن شاکرٌ فی السراء، صابر فی البلاء، خائف فی الرّخاء». (غررالحکم، ص ۸۹)

۲- میزان الحکمه، باب الخوف.

۳- میزان الحکمه، باب الخوف.

۴- «المؤمن الذی نفسه منه فی عناء و الناس منه فی راحه». (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱۴۳۶)

رنگ آسایش دنیوی را هم نبیند. بنابه روایات، حتی نفس مؤمن نیز از او در رنج است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

مؤمن کسی است که نفسش از او در رنج است و مردم از او در آسایش هستند.

بنابر این روایات، احیاگری ایمان و حیات طیبه توحیدی از اصلی ترین سازوکارهای زمینه سازی ظهور و ایجاد دولت امنیت گستر و ایمانی مهدوی به شمار می آید. اگرچه مؤمنان منتظر در عصر غیبت با ناگواری ها و ابتلائات فراوانی روبه رو می شوند، باید استقامت ورزند و راه برد توحیدی و احیاگرانه ایمانی خود را به منزله اصلی ترین و مبنایی ترین اقدام خود، استمرار و تقویت بخشند تا این راه برد با ظهور امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، با قوت و گستردگی جهانی دنبال و تثبیت شود و حاکمیت توحیدی بر سراسر عالم مستولی گردد.

گفتار سوم: احیای ایمان الهی و تعامل آن با تحقق امنیت و حیات طیبه در دولت مهدوی

بنابر روایات، درباره دوران ظهور راه برد احیای ایمان الهی و حیات مؤمنانه، تأثیری اساسی در زمینه سازی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد، بلکه این راه برد با قوت و قدرت ایشان تا حاکمیت نهایی توحید بر عالم، دنبال خواهد شد. لذا بدون هیچ تردیدی در حکومت جهانی مهدوی، اسلام آیینی مطلق، برتر و متعالی به جهانیان شناسانده می شود و آنان نیز آن را می شناسند و می پذیرند. لذا جهان گیری اسلام و محو شرک از اصلی ترین ویژگی های دولت مهدوی است و دین اسلام در آن عصر طلایی، تنها دین حاکم بر جهان خواهد بود، هم چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

فرمان روایی او شرق و غرب عالم را دربر می گیرد؛ خداوند به واسطه او دین خود را بر همه ادیان غالب می گرداند و در زمین خرابه ای باقی نمی ماند و همگی آباد می شود. (۱)

۱- شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۳۱.

هم چنین محمد بن مسعود در تفسیر عیاشی از رفاعة بن موسی روایت می کند که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا» فرمود:

وقتی قائم آل محمد قیام کند، مکانی بر روی زمین نمی ماند، مگر این که کلمه طیبه «لا إله الا الله محمد رسول الله» در آن جا به آواز بلند گفته می شود. (۱)

امام صادق علیه السلام ضمن بیان مفصلی درباره عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند:

وقتی قائم ما قیام کند ... اهل هیچ دینی باقی نمی ماند، مگر این که اظهار اسلام می کنند و با ایمان مشهور و معروف می گردند. (۲)

هم چنین بنابر روایتی دیگر، ایشان می فرماید:

از پدرم (امام باقر علیه السلام) درباره این آیه «با همه مشرکان مبارزه کنید، چنان که همگی به مبارزه شما برخاستند تا این که در زمین فتنه ای باقی نماند و

۱- علی دوانی، مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار)، ترجمه: حسین بن محمد ولی ارومیه ای، ج ۲، ص ۲۲۷، قم: انتشارات مسجد جمکران، چاپ پنجم. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۸۱)

۲- علی دوانی، مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار)، ترجمه: حسین بن محمد ولی ارومیه ای، ج ۲، ص ۲۲۴.

دین و آیین از آن خدا باشد» پرسیدند. او فرمود: تفسیر این آیه هنوز فرا نرسیده؛ چنان که قائم قیام نماید، کسانی که او را درک می کنند، چگونگی تفسیر این آیه را خواهند دید و سرانجام آیین محمد صلی الله علیه و آله و سلم مانند پایان شب به صبح صادق روشن خواهد شد و اثری از شرک بر روی زمین باقی نخواهد ماند. (۱)

امام باقر علیه السلام نیز فرموده است:

در زمین هیچ ویرانه ای نمی ماند مگر این که آباد گردد و هیچ معبودی جز خداوند متعال از بت و غیر آن نمی ماند مگر این که دچار حریق گردد و می سوزد. (۲)

هم چنین امام صادق علیه السلام ضمن پاسخ به سؤال های مفضل و قابل تطبیق دانستن آیه ۳۳ سوره توبه با عصر حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وی می فرماید:

... یاد می کنم مفضل! هر آینه اختلاف ملت ها و دین ها از میان برداشته می شود و همه دین برای خدا و یکی می گردد، چنان که خدای تعالی

۱- علی کورانی، عصر ظهور، ترجمه: عباس جلالی، ص ۳۵۷، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶)

۲- علی کورانی، عصر ظهور، ترجمه: عباس جلالی، ص ۳۶۱. (به نقل از: کمال الدین، ص ۳۳۱)

فرموده: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»؛^(۱) «دین در نزد خدا، اسلام است و بس».

هم چنین قرآن کریم می فرماید:

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»؛^(۲)

و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیان کاران است.

از روایت های پیرامون حکومت جهان شمول حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فهمیده می شود که با حاکمیت توحید و حیات ایمانی، ناامنی و هراس از زندگانی آحاد بشری رخت برمی بندد و امنیتی فراگیر در سراسر گیتی برقرار می گردد، هم چنان که امام علی علیه السلام درباره ایمنی عصر ظهور و سرشاری آن دوره از امنیت و دیگر برکت هایی مانند عدالت می فرماید:

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۹.

۲- سوره آل عمران، آیه ۸۵.

اگر به تحقیق، قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان که باید ببارد می بارد و زمین نیز رستنی هایش را بیرون می دهد و کینه از دل بندگان زدوده می شود و میان دد و دام آشتی برقرار می شود، به گونه ای که یک زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می گذارد، همه سبزه و رستنی است و بر روی سرش زینت هایش را بگذارد و نه ددی او را آزار دهد و نه بترساند. (۱)

زمین در عصر مهدوی با لطف الهی از هرگونه جور و ظلمی تطهیر می شود و با نور الهی منور و تابان می گردد. با این وصف، حکومت ظلم ستیز و عدالت محور مهدوی، بر مبنای تطهیر زمین از هرگونه آلودگی و انحراف بوده و آن را به وضعیتی آرمانی برگشت خواهد داد و از طهارت و حیات طیبه آن حفاظت خواهد کرد.

امام رضا علیه السلام در تأیید مراتب فوق می فرماید:

خداوند به واسطه او، زمین را از هرگونه جور و ظلم تطهیر و منزه می نماید... پس هنگامی که وی خروج کند، زمین با نور پروردگار نورانی می شود... (۱)

از آن جا که حکومت جهانی مهدوی الهی است، نخستین مبنا و شالوده فکری و عقیدتی آن خداپرستی است و از این رو، دولت مزبور، ابزاری در خدمت اهداف دینی، احیای توحید و حیات مؤمنانه است و در آن، فضیلت و هدایت گرایی و مقابله با امیال شیطانی در اوج خواهد بود:

او (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند. در حالی که به نام تفسیر، نظریه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند، او نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد... . زمین میوه های دل خود را برای او بیرون می ریزد و کلیدهایش را به او می سپارد. او روش عادلانه در

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱، روایت ۲۹، باب ۲۷.

حکومت حق را به شما می نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را که تا آن روز متروک مانده اند، زنده می کند. (۱)

بدین ترتیب، در حکومت دین سالار مهدوی، تمایلات و هواهای نفسانی جایی ندارد و بنابه روایات، با از بین رفتن زمینه های بسیاری از گنا هان، دروازه های برکت بر عالمیان گشوده خواهد شد. امیر مؤمنان علیه السلام، ضمن اشاره به این برکت ها، در ادامه فرموده است:

...زنا، شرب خمر و ربا رخت برمی بندد؛ مردم به عبادت، شریعت و دیانت روی می آورند؛ نماز جماعت رونق می گیرد؛ عمرها طولانی می شود؛ امانات ادا می شود؛ درختان پرمیوه می شوند؛ برکات فراوان می گردد؛ اشرار نابود می شوند؛ اخیار باقی می مانند؛ دشمنان اهل بیت علیهم السلام باقی نمی مانند. (۲)

بر مبنای این روایات و توضیحات می توان پذیرفت که حکومت مهدوی، جهانی و مبتنی بر آموزه های وحیانی و دینی خواهد بود و با پذیرش اسلام در نزد همه مردم جهان و عالم گیر شدن آن، دیگر هیچ مرزی میان مردم نخواهد بود. محور این جامعه، خدا و احکام خداست و تعالیم اسلامی برای اداره جامعه جهانی کافی است.

۱- نهج البلاغه، خ ۱۳۸، ص ۱۹۰.

۲- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۹۳، قم: مکتب داورى.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به منزله مظهر انسان کامل، عالی ترین و عادلانه ترین نوع مدیریت را عرضه می کند. پیش رفت ها در عصر ظهور، معلول عواملی است که یکی از آنها وجود رهبری معصوم، پاک و منزّه از هر نوع عیب و نقص (مانند احساسات حیوانی، خشم، غضب بی جا، شهوت، کبر و غرور و خودخواهی) است. او سرآمد پارسایان است و نوع حکومتش، الهی و بر مبنای ایمان به خدای یگانه و توحید خالص است و هدفش متحد کردن جماعت ها و ملت ها، برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات بیهوده، برقرار کردن توحید کلمه، ایجاد همکاری و ارتباط بین مردم است. حاکم آن نیز امام معصوم، احیاکننده شریعت نبوی و مجری قوانین اسلامی و دستورات الهی است.

بنابر این، با حاکمیت توحید و احیای ایمان و حیات مؤمنانه در دولت مهدوی، تمامی اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی و زبانی از میان می رود و همه مؤمنان، در زیر پرچم اسلام تسلیم فرمان خداوند متعال خواهند بود. بنابر حکومت واحد جهانی، زمین با یک حاکم، یک نوع حکومت و با یک شیوه و روش عادلانه به نام حیات طیبه مهدوی اداره می شود.

نتیجه

بر مبنای یافته‌های این نوشتار و اثبات مفروض آن، می‌توان تصریح کرد که راه برد احیاگری ایمان الهی و حیات مؤمنانه و توحیدی و ترویج و تقویت آن، تأثیری اساسی و محوری در زمینه‌سازی ظهور و تداوم دولت مهدوی دارد و زیربنای دیگر راه بردها و دست آوردها مانند امنیت فراگیر و همه‌جانبه در دولت مهدوی است، هم‌چنان‌که بنابر آموزه‌های قرآنی و روایی، ایمان یا امنیت معنوی، سرچشمه و مبنای اصلی تحقق حیات طیبه و ایمن و همه‌عطایای الهی است.

در حقیقت، آیات و آموزه‌های قرآنی این نکته بسیار مهم را بیان می‌کنند که حیات طیبه و هرگونه امنیتی، در نهایت از ایمان و اعتقادات معنوی و الهی سرچشمه می‌گیرد و حیات سیئه و هرگونه ناامنی در هر عرصه‌ای، بالأخره علتش به بی‌ایمانی و صفات متقابل ایمان مانند شرک، کفر، ظلم، استکبار و... برمی‌گردد. از سویی، مؤمن و صفات ایمانی، اصلی‌ترین خاستگاه صدور کنش‌های امنیت‌زاست.

بنابر نتیجه‌پایانی، بسترسازی حیات معنوی طیبه و حسنه برای تربیت و تهذیب افراد، چه در حوزه رفتارهای فردی و چه اجتماعی و دوری آنها از حیات سیئه و غیرایمانی، اصلی‌ترین سازوکار جامعه آرمانی و موعود اسلامی یا همان حیات طیبه است و

نظام های زمینه ساز و منتظران باید بکوشند با تشویق حیات مؤمنانه و پشتیبانی از مؤمنان و تقابل با دشمنان جبهه ایمان، زمینه ساز عصر ظهور گردند. بدیهی است با ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ایشان این راه برد را با قوت و اتقان کامل، به پیش خواهند برد و زمینه ورود سرشار از عافیت و سلامت و ایمن از عذاب مؤمنان را به زندگی آن جهانی و اخروی تمهید می سازند.

از آن جا که همه آیات الهی و روایات معصومان به طور صریح بر تعامل مثبت بین احیای ایمان الهی و حیات مؤمنانه با تحقق امنیت و حیات طیبه تأکید دارند، در ذیل این راه برد اصلی، سازوکار های زیر را به طور خلاصه از عوامل زمینه ساز دولت مهدوی و راه بردهای این حکومت می توان شمرد:

۱. دست یابی به ایمان واقعی به منزله مایه اصلی نزول برکات الهی از جمله امنیت و طمأنینه معنوی و ایمنی از ضلالت و عذاب و تحصیل حیات طیبه موعود الهی؛

بسیاری از آیات قرآنی (۱) و روایات، این ایمان واقعی را تشریح کرده اند و بدیهی است دست یابی به امنیت معنوی نیاز به تحقق ایمان مزبور دارد. برای نمونه، امام علی علیه السلام در

۱- برای اطلاع از ویژگی های قرآنی و روایی ایمان و مؤمنان، نک: میزان الحکمه، ج ۱، باب الایمان، ص ۲۹۷ - ۳۴۲. به عنوان نمونه در آیات زیر ویژگی های مؤمنین ذکر شده است: سوره توبه، آیه ۷۱؛ سوره یوسف، آیه ۱۰۶؛ سوره مؤمنون، آیه ۱ و ۱۱؛ سوره قصص، آیه ۵۲؛ سوره سجده، آیه ۱۵ و ۱۹؛ سوره شوری، آیه ۳۶ و ۴۰؛ سوره فتح، آیه ۲۹؛ سوره بینه، آیه ۵ و

جایی چهار رکن ایمان را توکل بر خدا، وا گذاشتن کارها به خدا، گردن نهادن به فرمان خدا و راضی بودن به قضای خدا (۱) ذکر کرده است و در جای دیگر فرموده: عزت نفس، خویشتن داری و خرسند بودن به قدر کفاف از پایه های ایمان است. (۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان را دارای ده رکن شناخت، فرمان بری از خدا، علم، عمل، پاک دامنی، سخت کوشی، شکیبایی، یقین، خوشنودی و تسلیم (در برابر خدا) می داند و می فرماید اگر هر یک از این ده رکن کم شود، رشته ایمان از هم پاشیده می شود. (۳) از نظر امام صادق علیه السلام پارسایی، ایمان را در بنده استوار و طمع و آزمندی، ایمان را از دل بیرون می کند، هم چنان که علایم پنج گانه مؤمن از دیدگاه امام چهارم علیه السلام پارسایی در خلوت، صدقه دادن هنگام تنگ دستی، صبر هنگام مصیبت و حلم و روزی هنگام عصبانیت و صداقت ورزی در زمان خوف است. (۴)

- ۱- هم چنین امام علی علیه السلام در جای دیگر چهار ستون ایمان را صبر، یقین، جهاد و عدالت ذکر کرده است. (نک: بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۶۳، ج ۷۲، ص ۳۳، ج ۶۸، ص ۲۸۸)
- ۲- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۱۳۵۱.
- ۳- بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۷۵.
- ۴- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۴، ح ۱۴۷۲.

البته این ارکان و ویژگی های ایمان و مؤمنان برای نمونه ذکر شد و واضح است کسب این صفات و ارکان، شرط اصلی دست یابی به امنیت معنوی و زمینه سازی و تحقق حیات طیبه موعود قرآنی و مهدوی است.

۲. انجام اعمالی صالح و اعتقاد به وحدانیت الهی و عدم پرسش غیر خدا؛

امین نفس خود بودن، احیای قلب و می راندن شهوات و جلوگیری از بیماری های نفسانی و قلبی و دردهای باطنی، مانند شقاوت، ضلالت و نفاق که بنابه متون اصیل اسلامی از عوامل تهدید ایمان و طمأنینه و امنیت معنوی هستند.

در این زمینه احادیث فراوانی وجود دارد. از جمله پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

هرکس بیشترین فکر و تلاشش، رسیدن به خواهش های نفسانی باشد، حلاوت ایمان از قلبش گرفته می شود.

یا امام صادق علیه السلام فرموده است:

چشیدن شیرینی ایمان بر دل های شما حرام گشته، مگر آن گاه که دل هایتان از دنیا روی گردان شوند... (۱).

۱- «حرام علی قلوبکم أن تعرف حلاوه الايمان حتى تزهد فی الدنیا». (الکافی، ج ۲، ص ۱۲۸)

بی گمان بنده به سبب یکی از پنج کار که همگی مانند هم و شناخته شده هستند، از ایمان خارج می شود: کفر، شرک، گمراهی، فسق و ارتکاب کبائر. (۱)

۳. از ابتلائات دنیایی نهراسیدن و چشم داشت به بهشت به منزله سرای واقعی سعادت و امنیت و فریفته ناز و نعمت دنیا نشدن و به آسایش ظاهری دنیا دل بستن و پیشه کردن زهد؛

۴. برخورداری از شعار همیشگی «تحت و سلام» در رفتارهای فردی و اجتماعی و تقدم جویی بر آن؛

بر این مبنا، منتظران واقعی و هم چنین شهروندان مؤمن دولت مهدوی، متصف به شعار سلام، صلح جویی و مسالمت خواهی هستند، همان طور که شعار بهشتیان نیز سلام است.

۵. شکر و سپاس گزاری نعمات الهی و اجتناب از کفران و ناسپاسی برای برکات و نعمت هایی که خداوند ارزانی بندگان خود نموده است؛

۱- «وقد يخرج من الايمان بخمس جهات من الفعل، كلها متشابهات معروفات: الكفر، و الشرك، و الضلال، و الفسق، و ركوب الكبائر». (حسن بن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۳۳۰، قم: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق)

در روایات بسیاری شکرگزاری این نعمات، مایه دوام آنها و باعث ایجاد امان و امنیت از غیر خدا دانسته شده است. در این زمینه امام حسین علیه السلام ضمن سفارش فراوان به ضرورت سپاس از نعمت ها می فرماید:

لا زوال للنعماء إذا شكرت و لا بقاء لها إذا كفرت و الشكر زیاده فی النعم و أمان من الغیر؛^(۱)

هنگامی که از نعمت ها شکرگزاری کردید، آنها پایان نمی پذیرد و اگر به آنها کفر و ناسپاسی ورزیدید، باعث نابودی آنها می شود. شکرگزاری مایه زیادی نعمت ها و ایجاد امنیت و ایمنی از دیگران می گردد.

۶. داشتن پروای الهی و عدم خوف از غیر خدا؛

ایمان و امنیت معنوی مقتضی آن است که مؤمن همیشه ضمن پروای الهی از غیر خدا نیز خوف نداشته باشد. البته در روایات، ترس الهی که برخلاف «جبن» است، تقسیماتی دارد، از جمله می فرماید:

۱- بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۶۰، باب ۱۱، ح ۷۲.

ترس پنج گونه است: خوف، خشیت، وجل، رهبت و هیبت. خوف از آن گناه کاران است، خشیت ویژه دانش مندان، وجل از آن فروتنان و خاشعان و رهبت از آن عابدان و هیبت از آن عارفان... (۱)

۷. قرائت آیات الهی و دعاهاى مأثوره و توسل و تمسك به آنها؛

در بسیاری از روایات خواندن برخی آیات و دعاها سازوکارهای تأمین امنیت معنوی و حتی مادی ذکر گردیده است. برای مثال در روایات آمده که مسافر با خواندن سوره «ذاریات» در سفر ایمن خواهد ماند (۲) و یا امام صادق علیه السلام فرموده است که خواندن سوره «ممتحنه» در سفر، مسافر را تا برگشت به خانه اش از حوادث سفر ایمن می دارد و خواندن سوره «نوح» باعث تسهیل و گشایش در سفر می شود (۳) امام علی علیه السلام نیز خواندن سوره نساء را در روز جمعه مایه امان و ایمنی از فشار قبر به شمار آورده است (۴). هم چنین در روایات خود جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» برای مسلمانان امان دانسته شده که با خواندن آن در امان قرار می گیرند. در این روایات درباره علت حذف «بسم الله الرحمن الرحيم» از سوره براءت چنین آمده است:

۱- میزان الحکمه، باب الخوف، ش ۱۵۳.

۲- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، باب ۵۱، ج ۸، ص ۲۴۶، ح ۹۳۶۱، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.

۳- نک: میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، باب ۵۱، ج ۸، ص ۲۴۶، ح ۹۳۶۱، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.

۴- بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۴۹، باب ۴، ح ۲۶.

أَنَّ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أَمَانٌ وَ الْبِرَاءَةُ كَانَتْ إِلَى الْمَشْرِكِينَ فَأَسْقَطَ مِنْهَا الْأَمَانَ؛ (۱)

چون «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» امان است و در سوره براءت، از کافران براءت جسته می شود و به همین دلیل حذف شده است.

کلمه امنیت و امان نیز به وفور در ادعیه وارد شده است. در ادعیه معصومان جملاتی مانند «یا محی الموتی»، «یا ولی الصالحین و یا امان الخائفین و یا مجیب المضطربین» و «یا لجأ اللاجئین» آمده است. همین توجه به سرچشمه امنیت در زیارت امام حسین علیه السلام در عید فطر مشهود است، آن جا که می فرماید: «یا مولای أتیتک خائفاً فآمنی».

درباره تأثیر خواندن دعای جوشن کبیر و تأمین امنیت در بحارالانوار آمده که امام علی علیه السلام می فرماید:

پیامبر در بعضی غزوه ها از جوشن و لباس جنگی سنگین در رنج بود و خدا جبرئیل را به پیامبر نازل کرد و جبرئیل به ایشان گفت: ای محمد! خداوند به تو سلام می کند و می گوید که این جوشن را از تن خارج کن و این دعا (جوشن کبیر) را بخوان و این دعا امانی برای تو و اُمت است.

پس هر کس هنگام خروج از منزل بخواند، یا آن را با خود حمل کند، خداوند او را در حفاظت خویش قرار می دهد و بهشت را بر او واجب می کند و به او توفیق انجام اعمال صالح را عطا می فرماید. (۱)

از سویی در روایات، زیارت امام حسین علیه السلام آن هم حداقل سه بار در سال مایه امنیت از فقر شمرده شده است، (۲) هم چنان که از امام موسی بن جعفر روایت شده که «اولادتان را با تربت حسین علیه السلام کام بگشایید؛ زیرا مایه امان و حفظ او خواهد بود». (۳)

از امامان معصوم علیهم السلام نیز ادعیه ای به عنوان «حرز» و امان ذکر شده که مؤمنان با خواندن یا حمل آنها در امان و حفاظت الهی خواهند بود. برای مثال، امام صادق علیه السلام با ذکر «حرز» و دعای مربوطه فرموده است که «این حرز جلیل و دعایی عظیم است و هر کس صبح آن را بخواند، تا وقت عشا در امان الهی است و هر کس موقع عشا آن را بخواند، تا صبح در محافظت خدای متعال قرار خواهد گرفت». (۴)

۱- نك: بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۸۲، باب ۵۲، ح ۳.

۲- «عن ابی الحسن علیه السلام: من أتى قبر الحسين علیه السلام فى السنه ثلاث مَرَّات آمن من الفقر». (شیخ محمد بن الحسن الحر العاملى، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۴، ص ۴۳۸، باب ۴۰، ح ۱۹۵۵۰، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق)

۳- «حَنَكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتَرْبَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ أَمَانٌ». (بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۲۴، باب ۱۶، ح ۲۴)

۴- بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۳۰۰، باب ۴۵، ح ۶۲.

به خوبی می توان فهمید که از وظایف منتظران واقعی، قرائت آیات الهی و دعاهاى مأثوره و توسل و تمسك به آنها برای دست یابی به حیات طیبه موعود الهی است، هم چنان که این راه برد و عبادت های طولانی و شب زنده داری های عابدانه، در زمان ظهور با قوت و کثرت تمام، توسط امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران ایشان و دیگر مؤمنان دنبال می شود.

۸. تمسك به امامت و ولایت امامان معصوم عليهم السلام و دوست داری آنان؛

این مورد نیز از سازوکارهای تحقق حیات طیبه و تأمین امنیت در همه ابعاد آن به ویژه بُعد معنوی و ایمانی آن است؛ زیرا در تفکر شیعی و بنابه آیه سوم سوره مائده، اکمال و تکمیل دین با امامت و جانشینی علی علیه السلام و فرزندان و ائمه دوازده گانه محقق خواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بسیاری از روایات با تصریح به این مطلب، اهل بیت عليهم السلام را مایه امان و امنیت امت خویش و حتی ساکنان زمین به شمار آورده اند، از جمله فرموده اند:

و اهل بیتی امان لأهل الأرض؛^(۱)

اهل بیت من مایه امان ساکنان زمین هستند.

و اهل بیتی امان لأمتی من الضلالة فی أديانهم؛^(۲)

۱- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۷، باب ۱، ح ۶۴.

۲- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۴۶، باب ۱۳، ح ۱۶.

و اهل بیت من مایه امان آنها از گمراهی و ضلالت در دیانت هایشان هستند.

أمن لمن التجأ إليهم و أمان لمن تمسك بهم؛(۱)

هر کس به اهل بیت من پناه برد، در امان است و امنیت نصیب کسانی می شود که به آنان تمسک کرده اند.

ولایتی و ولایه اهل بیتهی أمان من النار؛(۲)

ولایت من و ولایت اهل بیتم مایه امان و ایمنی از آتش جهنم است.

إنَّ أهل بیتهی أمان لكم فأحبّوهم بحبّی و تمسکوا بهم لن تضلّوا؛(۳)

به درستی که اهل بیت من مایه امان برای شما هستند، پس همان طور که مرا دوست دارید، آنها را نیز دوست بدارید و در نتیجه، هرگز گمراه نخواهید شد.

۱- بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۵۱، باب ۵، ح ۲۲.

۲- بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۳۰۸، باب ۸، ح ۱۳.

۳- بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۱، باب ۴۱، ح ۲۰۷.

امام زین العابدین علیه السلام در تأیید ضرورت تکمیل ایمان با تمسک به امامت برای دست یابی به رحمت و برکات وافر الهی و امنیت جامع، در عبارتی بسیار زیبا فرموده اند:

نحن ائمه المسلمين و حجج الله على العالمين و سادة المؤمنين و قادة الغر المحجلين... نحن أمان أهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل السماء و نحن الذين بنا يمسك الله «السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ» و بنا يمسك الأرض أن تميد بأهلها و بنا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ و بنا ينشر الرّحمه و يخرج برکات الارض و لولا ما فى الأرض مَنّا لساخت بأهلها؛(۱)

ما امامان مسلمانان و براهین الهی بر جهانیان و سروران مؤمنانیم. ما رهبر شریف ترین مسلمانان و... مایه امان ساکنان زمین هستیم، همان طور که ستارگان مایه امان و حفظ اهل آسمان ها هستند. ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما آسمان را از سقوط به روی زمین نگه داشته است و این به اجازه خداوند بستگی دارد. خداوند توسط ما زمین را از این که اهلش را با امتداد یافتن نابود کند، نگه داشته است و به واسطه ما باران

۱- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۵. باب ۱، ح ۱۰.

می فرستد و رحمت خویش را بر مردم می گستراند و به واسطه ما برکات زمین خارج و ظاهر می شود و اگر ما بر روی کره خاکی نبودیم، زمین اهل خود را فرومی برد.

بدین ترتیب، احیاگری ایمان الهی و حیات مؤمنانه، اصلی ترین عامل زمینه ساز و راه برد تحقق حیات طیبه موعود و دولت مهدوی است و تحقق این نعمت و برکت الهی و تکمیل و تتمیم نبوت و امامت و رسالت های معصومان علیهم السلام، به لطف وجود و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و با همین راه برد و سازوکار صورت خواهد گرفت.

فصل نهم: تبیین نقش راهبردی فرهنگ در زمینه سازی ظهور

اشاره

امروزه از «فرهنگ» به عنوان مجموعه ایی کیفی شامل ارزش ها، فراورده های هنری، مذهبی، فلسفی، و تجلیات فکری، ذوقی و عاطفی یاد می نمایند (۱) که با ویژگی مهم آفرینندگی ضامن حیات جوامع انسانی و تمدن بشری است. بُعد توحیدی و معنوی فرهنگ، وجه غالب آن است به همین دلیل می توان ادیان الهی را مهمترین خاستگاه فرهنگ های خلاق و مولد به شمار آورد. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)، نیز یک پدیده عظیم فرهنگی است که با ابتناء بر بنیادهای اسلام شیعی بر پا گردید. یکی از این مبانی استوار این تحول عظیم فرهنگی، توجه به موضوع مهدویت و زمینه سازی جهت استقرار نظام آرمانی مهدی موعود (ع) بوده است به

۱- ن.ک: بهرام اخوان کاظمی، «تبیین نقش راهبردی فرهنگ در زمینه سازی ظهور»، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۹، ص ۴۱-۵.

همین دلیل تعجب آور نیست که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، توجه به امام عصر (ع) و آموزه مهدویت، چه در ایران و چه در کشورهای مسلمان و چه در سطح دنیا، افزایش فوق العاده ای یافته است در حقیقت، این انقلاب فرهنگی، داعیه دار شروع اصلاحاتی در عرصه حیات بشری است که وجه نهایی و کمال فرایند اصلاحی آن در دوره ظهور امام غائب (ع)، تکمیل خواهد گردید.

با این توضیحات به خوبی روشن می شود که فرهنگ و فرایند اصلاح فرهنگی واجد نقش بی بدیل و راهبردی در زمینه سازی ظهور است و انقلاب اسلامی ایران نیز وقتی موفق خواهد بود که در راستای دستیابی به این اهداف اصلاح و فرهنگی حرکت کند. با توجه به این مطالب مقدماتی نوشتار حاضر تلاش نموده است موضوع نقش راهبردی فرهنگ در زمینه سازی ظهور را با طراحی پرسش های زیر و پاسخ به آنها تبیین نماید:

۱- آیا آسیب پذیری و انحطاط در جوامع فعلی، بیشتر از ناحیه و حوزه فرهنگی است یا تمدنی و تکنیکی؟

۲- احیاء و اعتلای فرهنگی واجد چه نقش بی بدیلی در زمینه سازی ظهور است؟ آیا چنین احیایی بیشتر باید در زمینه فرهنگ معنوی صورت پذیرد یا در حوزه فرهنگ مادی و تمدنی؟

۳- فرهنگ در جامعه و دولت زمینه ساز می بایستی واجد چه ماهیت و ویژگی های اساسی باشد؟ و مهمترین مؤلفه های فرهنگی دولت مهدوی کدام است؟

بر اساس این پرسش ها، فرضیه زیر قابل طرح است:

«به نظر می رسد که آسیب پذیری و انحطاط در جوامع فعلی، بیشتر از ناحیه فرهنگی است تا تمدنی و تکنیکی، به همین دلیل احیاء فرهنگی و اعتلای جوانب معنوی فرهنگ، واجد نقش بی بدیل و راهبردی در زمینه سازی ظهور و حتی در دولت مهدوی است و می توان تحقق توحید و سپس عدالت را در اصلاح انحرافات اعتقادی و رفتاری، از مهمترین مؤلفه های فرهنگی و راهبردهای دولت مهدوی به شمار آورد»

مقاله حاضر تلاش دارد با آزمون این فرضیه و روایی سنجی آن، به پرسش های مطروحه پاسخ دهد.

گفتار اول: چیستی فرهنگ و معنا کاوی آن

در قرن بیستم و طلیعه قرن بیست و یکم، نظریه پردازی و تحلیل انتقادی در باره فرایندها و فرآورده های فرهنگی در جوامع معاصر، منظرها و حجم و مطالعات گسترده ایی به خود اختصاص داده است البته عوامل متعددی در این موضوع مؤثر بوده است همچنان که مهاجرت های گسترده و افزایش بی سابقه تماس ها و ارتباطات فرهنگی، باعث توجه فزاینده به تفاوت های موجود میان فرهنگ ها گشته است. همچنین در خود کشور های غربی از بعد از جنگ دوم جهانی به دلایل مختلفی صحنه فرهنگی کاملاً دگرگون شد و "صنعت فرهنگ" نوعی آمیختگی میان تجارت و فرهنگ بوجود آورد. گسترش شبکه های ارتباطی در سطح جهان موجب شد تا رسانه ها نقش عمده ایی در اشاعه و گسترش فرهنگ مدرن ایفا کنند. افزون بر این، فرایند جهانی شدن فرهنگ، واکنش های مقاومت آمیزی را برانگیخته است (۱). بدیهی است که مجموع عوامل پیش گفته ضرورت بررسی موضوع فرهنگ و تکثر آن، و ضرورت آسیب شناسی و بهینه سازی این پدیده مهم را، بیش از پیش در سطوح ملی، بین المللی و جهانی افزایش داده است.

۱- برای اطلاع بیشتر ر.ک به: حسین بشیریه، نظریه های فرهنگ در قرن بیستم، تهران، مؤسسه فرهنگی آینده پویان، ۱۳۷۹، ص ۷.

اما تبیین مفهوم فرهنگ، حجم انبوهی از نظریات و تعاریف متنوع را بخود اختصاص داده است. سرادوارد تایلر در کتاب کلاسیک خود با عنوان "فرهنگ ابتدایی"، فرهنگ را چنین تعریف کرده است: مجموعه پیچیدگی‌های شامل دانش‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، رسوم و هرگونه توانایی و عادات دیگری است که به وسیله انسان به عنوان جامعه اکتساب می‌شود (۱). یکی دیگر از نویسندگان سه تعریف کلی از فرهنگ ارائه داده است. نخست فرهنگ به عنوان فرایند عمومی تکامل و توسعه فکری، معنوی و زیبا شناختی؛ دوم فرهنگ به عنوان شیوه خاص زندگی مردمی خاص یا دورانی خاص؛ و سوم فرهنگ به عنوان فراورده‌های فعالیت فکری و هنری، در ذیل تعریف اول کل فلسفه و اندیشه و هنر و خلاقیت فکری یک عصر یا کشور می‌گنجد؛ در ذیل مقوله دوم رسوم، آداب، مراسم و مناسک یک قوم یا دوران جای می‌گیرد و در ذیل تعریف سوم شعر و ادبیات و هنرهای مختلف مندرج است (۲).

در معنایی گسترده تر فرهنگ عبارت از همه فراورده‌ها و تولیدات انسانی است که در مقابل فرایندها و تولیدات طبیعت قرار می‌گیرد حتی اگر این معنا را گسترش

Sir Edward Taylor, Primitive culture :Researches into the Development of - ۱
Mythology,philosophy,Religion,Language,Art and Custom.(John Murray Ltd.London,
vol.۱.p.۱ (۱۸۷۱).

۲- Raymond Williams, Keywords (London, Fontana, ۱۹۸۳), pp.۸۷-۹۰

بیشتری بدهیم طبیعت نیز جزئی از فرهنگ می شود زیرا

"طبیعت" به عنوان مفهوم، برداشتی انسانی و انتزاعی است و از این رو مانند دیگر پدیده های فرهنگی دارای تاریخ است. امروزه از «فرهنگ» به عنوان مجموعه ایی کیفی شامل ارزش ها، فراورده های هنری، مذهبی، فلسفی، و تجلیات فکری، ذوقی

و عاطفی یاد می نمایند که ضامن حیات جوامع انسانی و تمدن بشری است (۱) از نظر گیدنز؛ فرهنگ عبارت است از ارزش هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می کنند، و کالاهای مادی که تولید می کنند. در این تعریف، ارزش ها به معنای آرمانهای انتزاعی هستند، حال آنکه هنجارها، اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می رود آنها را رعایت کنند. هنجارها نشان دهنده «باید ها» و «نبایدها» در زندگی اجتماعی هستند. (۲)

- ۱- ر. ک به؛ بهرام اخوان کاظمی «راهبردهای اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی و تضمین امنیت فرهنگی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سوم، بهار ۱۳۷۸، ص ۸۰-۸۱. همچنین برای اطلاع بیشتر از تعاریف فرهنگ، ر. ک به؛ چنگیز پهلوان، فرهنگ شناسی، گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران، نشر قطره، چاپ دوم ۱۳۸۲، ص ۳۵-۷۳.
- ۲- ر. ک به آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳، ص ۳۶.

بر همین مبنا نیز می توان اذعان نمود که "فرهنگ سیاسی" نیز، مجموعه نگرش ها و ارزش هایی است که به فرایند و زندگی سیاسی شکل می بخشد. در واقع یک نظام سیاسی فقط از ساختارها تشکیل نمی شود بلکه شامل مجموعه ای از طرز فکرها و رفتارهای کم و بیش بهم پیوسته می شود که به آن فرهنگ سیاسی می گویند که متأثر از فرهنگ عمومی جامعه است ضمن آنکه محصول عملکرد نظام سیاسی و برآیندی از رفتار عمومی، سلیقه ها و تجربه های شخصی محسوب می شود. نگرش و جهت گیری های سیاسی یک جامعه نسبت به پدیده قدرت، حکومت و نظام سیاسی، همچنین کیفیت خواستها و تکالیف متقابل بین مردم و حکومت در فرهنگ سیاسی بررسی می شود. زیرا این فرهنگ، مجموعه ای از ایده ها و ارزش ها است که عمل سیاسی در قالب آن رخ می دهد. فرهنگ سیاسی شامل تلقی مردم و جهت گیری آنها نسبت به نظام سیاسی و کارکردهای آن، ساختارها و نهادها و عملکردهای سیاسی است بنابراین مقولات مهمی مانند میزان تحزب، مشارکت سیاسی، شیوه رأی دادن، حمایت یا بی اعتنایی نسبت به نظام سیاسی در مقوله فرهنگ سیاسی بررسی می شود زیرا مقولات یاد شده تا حد قابل توجهی به ارزش ها، اعتقادات، انگاره ها و نهادهای نهادینه شده بستگی دارد که معمولاً در فرهنگ سیاسی جای می گیرند.

باید خاطر نشان نمود که هنجارهای فرهنگی در دو معنای متفارق به کار می روند: یکی هنجار رایج و آماری و دیگری هنجار مطلوب و آرمانی. بر این مبنا برخی صاحب نظران، فرهنگ را صرفاً به معنای مجموعه هنجارهای آرمانی و مطلوبی به کار می برند که انتظار می رود مردم در کردارهای خود آنها را مراعات کنند. اما فرهنگ در معنایی گسترده تر در بر گیرنده هنجارهای رایج و متداول نیز هست. به ویژه در نظریه های فرهنگ توده ای در قرن بیستم به این معنا از هنجار توجه بسیار بیشتری معطوف شده است. فرهنگ توده ایی مدرن، به تعبیرهای گوناگون همان فرهنگ "مُنحط" یا "عوامانه" یا "توده ای" یا "کاذبی" است که به هر حال متداول است و مردم در آن زیست می کنند. بدین لحاظ فرهنگ "توده ای" را به معنای مجموعه ای از هنجارهای رایج و غیر آرمانی به حساب می آورند که از هنجارهای فرهنگ آرمانی فاصله گرفته است (۱).

از آنجا که مبادی بنیادین آموزه های اسلامی بر ارزش های الهی مبتنی است و اصلی ترین صبغه انقلاب اسلامی ایران نیز، بُعد ارزشی و فرهنگی آن است، مفهوم

۱- ر.ک به: بشیریه، نظریه های فرهنگ در قرن بیستم، پیشین، ص ۸ و ۱۰.

شناسی «ارزش ها» (۱)

و تبیین این واژه نیز مفید خواهد بود. به اعتقاد بروس کوئن «ارزش ها احساسات ریشه داری هستند که همگی اعضای یک جامعه در آن سهیمند» (۲)

در حقیقت؛ ارزش ها به باور داشت های ریشه داری اطلاق می شوند که اعضای یک گروه در هنگام برخورد با پرسش های راجع به شایست و ناشایست ها، آنها را در نظر می گیرند. یک گروه ممکن است برای مواردی ارزش مثبت، برای موارد دیگری ارزش منفی قائل شود (۳). ارزش ها از عناصر تشکیل دهنده فرهنگ ها هستند همچنانکه اندیشمندانی مانند آنتونی گیدنز، از زاویه فرهنگ و هنجارها به تعریف ارزش ها پرداخته اند. به نظر این اندیشمند:

«ارزش ها، عقایدی است که افراد یا گروه های انسانی در باره آنچه که مطلوب، مناسب، خوب یا بد است دارند. ارزش ها نماینگر جنبه های اساسی تنوعات در فرهنگ انسانی است. آنچه را

۱- values

۲- بروس کوئن، در آمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰، ص ۵۶.

۳- ر.ک به؛ بروس کوئن، در آمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰، ص ۴۸.

که افراد ارج می نهند به شدت از فرهنگ ویژه ای که در آن زندگی می کنند تأثیر می پذیرد»^(۱).

لازم به یاد آری این نکته مهم است که یکی از اصلی ترین خاستگاه های بنیادین ارزش ها ، مذاهب و ادیان الهی هستند که نقش اساسی را در تولید و حفظ و استحکام ارزش ها ایفا می نمایند و بدین سان ، مذاهب از اصلی ترین عوامل خلق و آفرینش و هویت بخشی به فرهنگ ها ، هنجار ها و رفتار های اجتماعی می باشند.^(۲)

گفتار دوم: معنا شناسی تمدن

مفهوم تمدن تا به حال بحث و اختلاف نظر بسیاری از پژوهشگران را برانگیخته است. این کلمه مصدری عربی از باب تفعّل و اسم مصدر فارسی است. علامه دهخدا تمدن را "تخلّق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و همجیّه و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت" دانسته و همو به نقل از اقرب الموارد، تمدن را دارای خصیصه مولد

۱- گیدنز، جامعه شناسی ، پیشین، ۱۳۷۳ ، ص ۷۸۷-۷۸۸.

۲- برای توضیح بیشتر ، ر.ک ؛ آبراهام هرولد مزلو، مذاهب، ارزش ها و تجربه های والا، ترجمه علی اکبر شاملو. تهران، آگه، ۱۳۸۶.

بودن (مولده) برشمرده است. وی با توجه به سایر لغت نامه ها، تمدن را به ترتیب به "در شهر بود باش کردن و انتظام شهر نمودن و اجتماع اهل حرفه"، و "اقامت کردن در شهر"، "شهرنشینی" و "مجازاً تربیت و ادب" معنی کرده است. (۱)

در زبان عربی در کنار اصطلاح تمدن، مترادفهایی مانند "حضاره"، "ثقافه" و "مدنیه" آمده است. همچنان که قاموس "المنهل" تمدن را به معنای "متحضر و مهذب" گرفته و تمدن سازی را با افعال عربی "تحضیر، تمدن، تهذیب، تثقیف" یاد کرده است. (۲)

در زبانهای انگلیسی و فرانسوی، اصطلاح تمدن با واژه های Civilization بر گردان می شود که در تلفظ با هم متفاوتند و هر دو برگرفته از ریشه کلمه انگلیسی Civil، به معنای "مدنی" و "با تربیت اجتماعی" می باشند. این کلمه در فرهنگهای انگلیسی مترادف با کلمات مؤدب، بانزاکت، نجیب، مبادی آداب، قابل احترام، شهرنشین و آمده

- ۱- رکه: علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۴، تهران، دانشگاه تهران، ج اول از دوره جدید، بهار ۷۳، ص ۶۱۱۰۹.
- ۲- رکه: عبدالنور جبور، سهیل ادیس و، المنهل (قاموس فرنی عربی)، بیروت، دارالعلم للملایین، دارالاداب، الطبعهالتاسعه، ۱۹۸۶م، ص ۲۰۷.

(۱) و در فرهنگهای فرانسوی زبان آن را مترادف با کلمات پیشرفت و ترفیع، ترقی و توسعه، تحول و تطور ذکر می کنند. (۲)

در قرآن مجید برای تمدن، لفظی با ریشه "م - د - ن" و یا "ح - ض - ر" که در عربی از آن کلمه "حضاره" به معنی تمدن ساخته اند وجود ندارد. اما چند کلمه قرآنی "امت"، "قریه"، و "قرن" ارتباط نزدیکی با این واژه دارند. "قرن" به معنای قومی که در یک زمان زندگی می کنند و "قرین و همراه" هم هستند معنی شده است و "قریه" اسم موضعی است که مردم در آنجا جمع می شوند و نیز برای جمع مردم نیز در قرآن آمده است. لفظ قریه (و جمع آن قُری) و قرن در اغلب آیات در موارد ذم به کار رفته و هلاکت و عذاب اهل مکان یا دیاری را نتیجه ظلم یا کفر و یا فسق و آنها دانسته است.

اما تعاریفی که از "تمدن" در دوران معاصر شده است، دامنه وسیعی را دربرمی گیرد "هنری لوکاس" معتقد است که پاسخ به این سؤال که "تمدن چیست؟" دشوار است و راه به مسائل فلسفی می برد. پدیده های درهم تنیده تمدن، هم مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را دربرمی گیرد و هم گسترش و کمال هنر، ادبیات، تفریحات، علم، اختراع

۱- رک کامران بختی، فرهنگ انگلیسی - فارسی، مترادف و متضاد، تهران، نشر کلمه، ج اول، ۱۳۷۱، ص ۸۹

۲- Voir, Paul ROBERT, PETIT ROBERT, LE ROBERT, ۱۹۸۹, p. ۳۲۰

ها، فلسفه و دین را. (۱) یکی

از بهترین تعاریف تفصیلی تمدن مربوط به ویل دورانت نویسنده "تاریخ تمدن" است؛ از نظر وی تمدن را می توان به شکل کلی آن، عبارت از نظم اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان پیدا می کند. (۲)

تمدن، نظامی است اجتماعی، که آفرینش فرهنگی را شتاب می بخشد و عرف و اخلاق و قانون نگاهدارنده آن است و نیز نظامی است اقتصادی، که با مداومت تولید و مبادله برقرار می ماند. تمدن آفرینش فرهنگ است زیرا برای نوآوری و اظهار و آزمون و برخورداری از اندیشه ها، زمینه و آزادی لازم را تسهیل و فراهم می کند. تمدن رشته ای است پیچ در پیچ و زودگسل از روابط انسانها که دشوار به دست می آید و آسان تباه می شود.

گفتار سوم: خاستگاه دینی فرهنگ و تقدم و ارجحیت آن بر تمدن

۱- رک به: هنری لوکاس، ، تاریخ تمدن، عبدالحسین آذرنگ، تهران، ج ۱، توس، بی تا، ص ۷۱۶ و ۷.

۲- ویل دورانت، درآمدی بر تاریخ تمدن، احمد بطحایی و، تهران، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، ج اول، ۱۳۶۵ ص ۳.

درباره وجوه تشابه و تمایز فرهنگ و تمدن، سخن، بسیار گفته اند. در گذشته بسیاری از جامعه شناسان واژه های فرهنگ و تمدن را برای تمایز اقوام وحشی و ابتدایی با اقوام فرهیخته به کار می بردند اما بعدها نیز بین این دو واژه متعامل نیز تمیز گذاری شد. مثلاً "اشپنگلر"، فیلسوف آلمانی، به تفارق و تعامل تمدن و فرهنگ اشاره می کند و فرهنگ را مجموعه ای کیفی تر و در حکم امکانات حیات جامعه می داند و تمدن را به مثابه صورت خارجی و کمی این مجموعه کیفی به شمار می آورد.

به نظر "آلفردوبر" تمدن قبل هر چیز دیگر معرفت علمی و فنی تسلطی است که به کمک این دو بر منابع طبیعی به وجود می آید و منظور او از فرهنگ، فرآورده های هنری، مذهبی، فلسفی و سایر محصولات مشابه یک جامعه می باشد. این تمیز گذاری با تمیز گذاری رایج میان "فرهنگ مادی" و "فرهنگ غیرمادی" در نوشته های انسان شناسی و باستان شناسی، همانندی فراوان دارد.

"باتامور" نیز در این حوزه سخن رانده است (۱).

البته بحث وی در مورد تمایز "تمدن" و "فرهنگ" تا حدی دچار ابهام است زیرا از یک سوی او بر طرز تلقی "آلفردوبر" از رابطه این دو به مثابه "فرهنگ مادی (تمدن) و فرهنگ غیرمادی (فرهنگ)" تأکید

۱- رک. تی بی باتامور، جامعه شناسی، سیدحسن منصور، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰، صص ۱۳۵، ۱۳۴.

ورزیده و آن دو را دو عنصر کلیت فرهنگی به شمار آورده است و در جای دیگر، تمدن را همانند یک مجموعه فرهنگی دربرگیرنده فرهنگ مادی و غیرمادی توصیف کرده است. از سوی دیگر دقیقاً مشخص نیست که از دید باتامور، از تمدن و فرهنگ کدام یک وظیفه انتقال علوم و معارف بشری را برعهده داشته و کدام یک ایستاتر هستند؟

برخی از جامعه شناسان و انسان شناسان غربی رابطه بین تمدن و فرهنگ و جامعه را به طور کلی در مفهوم "ساخت" بازتاب داده اند. زیرا ساخت، شامل کلیه آثار فرهنگی و تمدنهای کاملی است که همانند یک ملاط ساخت جامعه را فرامی گیرد (۱) به نظر می رسد که در بحث ساخت گرایان، چندان تمایزی میان تمدن و فرهنگ نهاده نشده و هر دو، عنصر و ملاط اصلی ساخت های اجتماعی جوامع می باشند.

از سویی این اعتقاد وجود دارد که گرچه میان دو واژه تمدن و فرهنگ تفاوت و تمایز معنایی وجود دارد ولی هر دو، دوروی یک سکه بوده و رابطه میان آنها چیزی به مانند رابطه جسم و جان در انسان، یعنی رابطه اعمال و حرکات و تظاهرات جسمانی و حالات و تجلیات فکری و ذوقی و عاطفی است. رابطه میان آنها ارتباطی متقابل و

۱- ر.ک به: غلامعباس توسلی، نظریه های جامعه شناسی، تهران، سمت، چاپ سوم، ۱۳۷۱، ص ۱۴۶، ۱۴۷

متعامل است و هریک تحول و تطور دیگری را موجب گشته و هر دو درهم مؤثر و لازم و ملزوم یکدیگرند. (۱)

بدین ترتیب و به اختصار می توان در بازشناسی تمدن و فرهنگ، تمایز آنها را به مثابه فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی پذیرفت. تمدن، مظاهر مادی پیشرفت همانند ترقی، تکنولوژی و صنعت و را در برمی گیرد و فرهنگ شامل جلوه ها و آثار و مظاهر معنوی، همانند دین، هنر، فلسفه، اخلاق و می شود.

این تمیز گذاری در نگاه راهبردی از این جهت اهمیت دارد که امروزه افول و عقب افتادگی جهان اسلامی عموماً در حوزه تمدن اسلامی و نه فرهنگ اسلامی است. یعنی برآنیم و عقیده داریم که در حال حاضر هم فرهنگ اسلامی از همه فرهنگها برتر است و این همان معنای "حدیث اعتلاء" از پیامبر (ص) است که "اسلام برتری می گیرد و چیزی بر آن علو و برتری نمی یابد." این برتری به واسطه شامخیت مقام فرهنگ اسلامی

۱- برای اطلاع بیشتر از نظرات مختلف در این باره نگاه کنید به «فرهنگ و تمدن اسلامی»، (مصاحبه با اساتید: مصطفی محقق داماد، غلام رضا اعوانی، فتح الله مجتبیایی، جلال الدین مجتبوی)، نامه فرهنگ، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۲، ص ۳۳-۱۱.

است. در حالی که تمدن و پیشرفت آن از یک سو به کوشش و تلاش خود افراد جوامع بستگی دارد و از سوی دیگر به اوضاع و احوال و حوادث دورانها مربوط می شود

از این مبحث می توان نتیجه گرفت که فرهنگ اسلامی از تمدن اسلامی تمایزپذیر نیست چون دین و وحی الهی، اساس مشترک آنها است و به تعبیری فرهنگ آنها همان دین می باشد؛ از این رو در یک تمدن دینی، دین فقط یک عامل از عوامل تشکیل دهنده فرهنگ نیست بلکه واقعیت دین داری، کل فرهنگ را تشکیل می دهد و هرچیزی از وحی الهی نشأت می گیرد و در حقیقت، دین باوری و خدامداری (و نه انسان مداری)، و ضرورت اتصال به عالم ربوبی، رکن اصلی تمدن و فرهنگ اسلامی و شرط اساسی تجدیداعتلای آن در دوره قبل و بعد از ظهور است همان گونه که علت اصلی بحران و افول تدریجی تمدن غرب در جایگزینی انسان به جای خدا و فردیت پرستی است..

فرید وجدی " در تأکید بنیادین بودن نقش دین و معنویت- و یا همان فرهنگ معنوی- برای تأسیس تمدن در کتاب "دین در عصر دانش"، بر این باور است که:

تمدن با هر سرزمینی سازگار و با هر نژادی قابل دوام است ولی در سرزمینی که ارکان تمدن یکنواخت و هماهنگ باشد یعنی نیروی مادی و معنوی، قوای جسمی و روحی به طور مساوی تکامل پیدا کند و در راه آن کوشیده شود،

تمدن می تواند در راه ترقی گام بردارد. این نکته را هم نمی توان نادیده گرفت که هرگاه رشد صنعتی همدوش رشد اخلاقی نباشد، اجتماع به سوی توحش اخلاقی رهسپار می گردد و ارکان چنین تمدنی که فقط تمدن صنعتی آن تکامل یافته است به سوی تزلزل و نابودی است (۱).

گفتار چهارم: مروری بر ضعف ها و آسیب های فرهنگی جهان معاصر

اشاره

نگاهی اجمالی به وضعیت تمدن و فرهنگ دنیای معاصر بخوبی نشان می دهد که اگر چه هرروز و هر ساعت بر پیشرفت های مادی و تمدنی بشر افزوده می گردد ولی رشد تمدن مادی و یا به عبارتی رشد بخش مادی فرهنگ با بخش معنوی آن، همراه نبوده و جهان شاهد پسرفت در حوزه فرهنگی است و فراورده های معنوی فرهنگ همانند اخلاق و دین باوری با توسعه ایی موزون، همپا با تمدن و پیشرفت های مادی ارتقا و تعالی نیافته اند لذا وضعیت فرهنگی موجود چه در جهان کنونی و چه در جهان اسلام از شرایط مطلوبی برخوردار نیست و حتی کشور ما نیز از این آسیب مصون نمانده است و به همین دلیل انجام اصلاحات فرهنگی جهت تمهید ظهور دولت

۱- مصطفی زمانی، ، اسلام و تمدن جدید، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۴۸، ص ۳۲.

موعود ، ضروری به نظر می رسد. بنا به این ضرورت ، در سطور آتی به برخی از نارسائی های فرهنگی در نظام های غربی ، و اسلامی اشارات مختصری می شود.

الف) در نظام های غربی

نگرشی کوتاه به جهان معاصر نشان می دهد که در عصر فرامدرنیته که علم و فن آوری استیلا دارد و انواع مکاتب به ظاهر عقلانی و پیشرفته بشری سردمدارند، نه تنها سعادت که صلح، امنیت و آرامش واقعی برای بشر حاصل نیامده است بلکه بسیاری از انسان ها با معضلات بی شماری مانند جنگ، گرسنگی، بی سوادی، عقب ماندگی، جهل و خرافه پرستی مواجهند و فرایند تدریجی انحطاط فرهنگی بوضوح به چشم می خورد. جنگ ها و تهدید های بی پایان، هم چنان بر فضای زیست روانی و فیزیکی انسان ها سایه می افکند. از سوی دیگر، انسان و جامعه به ظاهر پیشرفته و متمدن غربی نیز با دوری از تعالیم الهی، سر در گریبان تمایلات نفسانی و مادیت صرف سوداگرایانه نهاده و در حقیقت معنا و هویت واقعی انسانی و فرهنگی خود را از دست داده و در بحران معنای زندگی و تحیر، گم گشتگی و از خود بیگانگی بیشتری قدم نهاده است.

تمدن غربی، امروزه شباهتی به افسانه "شاه میداس" پیدا کرده است. میداس تقاضا کرده بود که به هرچه دست می زند طلا شود و این قدرت را پیدا کرده بود، اما گرسنه و تشنه ماند چون آب و نان هم در دست او تبدیل به طلا می شد، آن چنان درمانده گشت که از دیویزینوس خواست که این قدرت شگفت را از او بگیرد.

در حال حاضر ایالات متحد آمریکا با فروپاشی شوروی، مدعی تمدن جهان مدارانه خود است و این در حالی است که این کشور در غرقاب بحرانهای اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی دست و پا می زند؛ و شواهد زیادی در دهه های اخیر در این زمینه وجود دارد از جمله مناسب است به نتیجه تحقیقات اداره پلیس کالیفرنیا و اداره آموزش و پرورش آن ایالت درباره مشکلات نظم و آرامش و انضباط دانش آموزان توجه کنیم. در این پژوهش مشکلاتی که چهل سال پیش از نظر انضباطی و حفظ نظم در مدارس آن جا وجود داشته با مشکلات دهه ۸۰ مقایسه شده است:

مشکلات دهه چهل: صحبت کردن سرکلاس، جویدن آدامس، سروصدای اضافی در مدرسه، دویدن در راهروها، بی انضباطی در سر صف، پوشیدن لباس نامناسب، استفاده نکردن از ظرف آشغال.

مشکلات دهه هشتاد: استفاده از مواد مخدر، استفاده از الکل، خودکشی، تجاوز جنسی، دزدی، سرقت و آتش افروزی، کتک کاری و ایجاد انفجار. (۱)

این گزارش که درباره یکی از مهمترین نهادهای جامعه یعنی آموزش و پرورش می باشد، میزان ناامنی و انحطاط فرهنگی جامعه غربی و خصوصا امریکا را نشان می دهد. در اینجا اشاره به بعضی از نظرات مطرح شده از این منظر به تمدن غربی خالی از فایده نیست:

رنه گنون، "فردیت پرستی" را علت اساسی سقوط و انحطاط کنونی باختر زمین می داند، زیرا همین فردگرایی به نحوی از انحاء، محرک و موجد رشد و تکامل بی نظیر پست ترین امکانات نوع بشر گردیده است. فردیت پرستی، بیش از هر چیز مستلزم نفی اشراق و شهود روحی است که استعدادی فوق بشری است. مقصود وی از "فردیت پرستی" نفی هر گونه اصله عالیه و برتر از فردیت و در نتیجه محدود کردن تمدن، در جمیع

۱- بهرام اخوان کاظمی، بالندگی و اعتلای مجدد تمدن اسلامی در عصر نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران، واحد پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیما ج.ا.ا، شماره ۷۹۶، مرداد ۱۳۷۶، ص ۱۱۹.

شوون به یگانه عواملی است که جنبه انسانی و مادی صرف دارند. راه حل "گنون" برای غلبه بر نابسامانی تمدن غرب و نجات انسان، وفاق و همگامی نهضت گونه غرب و شرق در بازگشت به معنویت است.^(۱)

یکی دیگر از دیدگاه‌های ناظر به انحطاط فرهنگی جهان غرب مربوط به "ژان فوراستیه" است وی در کتاب "تمدن سال ۲۰۰۱" به اختصار در پی تشریح و تبیین مشکلات تمدنی بشر در زمان حال و آینده است او ضمن تشریح فراز و نشیبهای اقتصادی در قرن بیستم، به تشریح ناکامیهای بشر در قرن بیستم پرداخته است به نظر وی:

انسان متعارف ثروتمند امروزی، از انسان متعارف فقیر دیروزی خوشبخت تر نیست. بدون تردید حتی از او بدبخت تر هم هست. چرا که در گذشته کار سخت شبانه روزی، کمبود تغذیه، کمبود سوخت، فقر دهشتبار و نبود امکانات رفاهی، زندگی را بر انسان دشوار می ساخت. اما با تمام این مشکلات، بشر آن روز بی دغدغه بود و گاهی آهنگی و آوازی و خنده ای نیز از در و دیوار زندگی به گوش می رسید. امروز آن مشکلات اقتصادی دیگر کمتر وجود دارد،

۱- ر.ک به؛ رنه گنون، بحران دنیای متجدد، ضیاءالدین دهشیری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲، ص ده.

بسیاری از مردم از پاره ای امکانات برخوردارند اما در عوض سرسام، هذیان، حرص، تشویش، عصبانیت و زیاده طلبی نیز چون خوره به جان هستی و زندگی افتاده است. (۱)

در دو سه دهه گذشته کلیسای کاتولیک و اتیکان نیز بارها به بحران موجود در تمدن غرب اشاره کرده و تاکید نموده است که غرب به سوی تباهی و مرگ پیش می رود و تنها راه نجات آن گرایش به خدا و همگامی با اوست. از جمله در سال ۱۳۷۶، کاردنیال راتزنیگر " رئیس مجمع دفاع از مکتب کاتولیک و یکی از عاملان اصلی انتخاب جانشین پاپ، طی مصاحبه ای در رم بر نارضایتی خود از روند دنیای امروز تأکید کرد و اظهار داشت:

"اگر به اطراف خود نگاهی بیاندازیم، می بینیم که دنیا سراسر از فساد، الکلیسم و مواد مخدر پر شده است. این سبک زندگی ما را مجبور می کند به همدیگر به چشم یک رقیب نگاه کنیم. در زندگی غربی ما هرچه داریم باز بیشتر می خواهیم و این راه انسان را به

۱- ژان فوراستیه، تمدن سال ۲۰۰۱، ترجمه خسرو رضایی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۴.

طرف مرگ، خستگی از زندگی و دوست نداشتن خود و دیگران سوق می دهد.

تنها راه نجات انسان انتخاب کردن خدا و همگام بودن با وی و اعتماد به اوست. دنیای غرب با حرکت در زمینه های تکنیکی و مادی، اوضاع جهان سوم را وخیمتر کرده و نهادهای مذهبی اخلاقی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه را از بین می برد.

(۱)

همچنین در جهان امروز اگرچه گسترش ارتباطات الکترونیکی و اینترنتی، موجبات پیشرفت های علمی شگرفی را پدید آورده است ولی همین ابزار علمی و فرهنگی نیز به خاطر سوء استفاده و کاربری های غلط، آسیب های خطرناکی را متوجه فرهنگ بشری نموده و انحطاط های اخلاقی خانمان سوزی را ایجاد کرده است که آمریکائیان در این زمینه پیشقراول هستند.

به عنوان نمونه و به گزارش موسسه آنالیز ام.بی.ای- در خرداد ۱۳۸۹-، ۲۴ میلیون سایت غیر اخلاقی در جهان وجود دارد که ۱۲ درصد از کل وب سایتها را در بر می

گیرد. بر این اساس ۴۰ میلیون امریکایی پرسه زن در این نوع سایتها، مشغول ترین کاربران موضوعات غیر اخلاقی در اینترنت هستند. از هر ۳ کاربر یکی زن بوده و ۷۰ درصد از کاربران بین سنین ۱۸ تا ۲۴ ساله هستند که به طور ماهانه به این سایتها مراجعه می کنند. صنعت موضوعات مستهجن در امریکا سالانه ۲.۸۴ میلیارد دلار و در جهان ۴.۹ میلیارد دلار درآمد را مستقیماً نصیب صاحبانش کرده است بنا به این گزارش فقط در سال ۲۰۰۶ بالغ بر ۹۷ میلیارد دلار درآمد از اینترنت بطور مستقیم و غیر مستقیم مربوط به موضوعات مرتبط با مستهجن بوده است که نه امریکایی ها بلکه چینی ها این رقم های بزرگ را به جیب زده اند. همچنین روزانه ۵/۲ میلیارد ایمیل مستهجن در اینترنت به جعبه نامه کاربران ارسال می شود که این رقم معادل ۸ درصد از کل ایمیل ها را شامل می شود. گزارش مزبور حاکی از آن است که ۲۵ درصد از تمام کلمات جستجو شده در اینترنت محتوای غیر اخلاقی دارند که معادل ۶۸ میلیون درخواست کلمه در روز است.

به گزارش این بررسی، ۳۵ درصد از تمام دانهادهایی که در اینترنت می شود موضوع مستهجن داشته است. همچنان که ۳۴ درصد از کاربران به طور ناخواسته مثلاً از طریق پاپ آپ و تبلیغات ناگهانی محتویات این موضوع را روی صفحه خود دیده اند. روزی

۱۱۶ هزار جستجوی مستهجن و غیر اخلاقی در مورد موضوعات افراد کم سن و سال نیز در امریکا صورت می گیرد و ۱۱ سالگی اولین سن در امریکا است که به جستجوی موضوعات غیر اخلاقی در اینترنت پرداخته می شود. همچنین ۲۰ درصد از کارمندان اعلام کرده اند هنگام کار در اداره فیلم های مستهجن روی اینترنت می بینند. گزارش مزبور اذعان دارد که در هر ثانیه ۳۰۷۵ دلار پول صرف موضوعات مستهجن آنلاین می شود همچنین ۲۸۲۵۸ کاربر اینترنت هر ثانیه این نوع سایتها را باز کرده و تماشا می کنند و در هر ثانیه نیز ۳۷۲ کاربر کلمات غیر اخلاقی را تایپ می کنند. هر ۳۹ ثانیه نیز در امریکا یک ویدیوی مستهجن تولید شده و روی اینترنت گذاشته می شود. (۱)

متأسفانه این رویکرد های غیر اخلاقی و ضد فرهنگی واجد تاثیرات بسیار مخربی در سست نمودن نظام خانواده در غرب شده است تا جائیکه در برخی

از این کشورها یا تمایل به تشکیل خانواده کم شده و یا تشکیل رسمی و متعهدانه خانواده جای خود را را به "همزیستی غیر رسمی" و ناپایدار داده است. شاهد این مدعا آن است که بنا به آمارهای رسمی دفتر فدرال آلمان در سال دو هزار و هشت میلادی دو بیست و هشت

۱- «آمریکاییان، مستهجن بازترین های اینترنت»، ۱۶/۳/۱۳۸۹، کدخبر: ۱۰۲۵۴۶، پایگاه خبری، تحلیلی تابناک (<http://www.tabnak.ir>)

هزار کودک - در این کشور به ظاهر متمدن غربی - بدون ازدواج متولد شدند که سی و دو درصد نوزادان این کشور را تشکیل می دهند که این رقم در شرق این کشور بیش از ۵۰٪ است. (۱)

به نظر می رسد که با توجه چنین نشانه هایی از انحطاط تدریجی اخلاقی و فرهنگی نظام های غربی ، نظریه رویارویی یا برخورد تمدنها ساموئل هانتینگتون و درگیری ، تعارض و جنگ نرم این فرهنگ مادی با فرهنگ متعالی اسلامی در حال تحقق است. (۲)

۱- « یک سوم کودکان آلمانی نامشروع هستند »، ۱۴/۲/۸۹، کد خبر: ۹۶۷۰۰، پایگاه خبری، تحلیلی تابناک (<http://www.tabnak.ir>)

۲- هانتینگتون بی آنکه همچون برخی از تحلیل گران، پایان جنگ سرد را ختم ستیزه های ایدئولوژیک تلقی کند، آن را سرآغاز دوران جدید "برخورد تمدنها" می انگارد. به نظر وی تمدن بالا-ترین گروه بندی فرهنگی و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی است و بر این اساس، خصومت هزار و چهارصدساله اسلام و غرب در حال افزایش است و روابط میان دو تمدن اسلام و غرب آبستن بروز حوادثی خونین می شود. بدین ترتیب، "پارادایم برخورد تمدنی" دیگر مسائل جهانی را تحت شعاع قرار می دهد و در عصر نو، صف آرایهای تازه ای بر محور تمدنها شکل می گیرد و سرانجام نیز تمدنهای اسلامی و کنفوسیوسی در کنار هم، رویاروی تمدن غرب قرار می گیرند. خلاصه این که کانون اصلی درگیریها در آینده، بین تمدن غرب و اتحاد جوامع کنفوسیوسی شرق آسیا و جهان اسلام خواهد بود. در واقع درگیریهای تمدنی آخرین مرحله تکامل درگیری در جهان نو است. (برای اطلاع بیشتر ر.ک به: ساموئل هانتینگتون، نظریه برخورد تمدنها و منتقدانش، ترجمه و ویراسته مرتضی امیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چ ۲، ۱۳۷۵، صص ۲۳-۲۲).

(ب) در برخی کشورهای اسلامی

متأسفانه وضعیت فرهنگی کشورهای اسلامی نیز از آسیب‌های تمدن مادی و جنگ نرم آن مصون نمانده و کار بدانجا کشیده است که حتی کشورهایمانند عربستان، که مقدس‌ترین اماکن مذهبی مسلمانان را در خود جای داده است دچار معضلات فرهنگی و اخلاقی عدیده‌ای گشته است. به اعتقاد کارشناسان، فساد اخلاقی و انحرافات جنسی روز افزون در عربستان سعودی امروز دیگر تنها یک ناهنجاری فرهنگی و اجتماعی و قابل کتمان کردن نیست و به مشکلی بزرگ در این کشور تبدیل شده است. لذا برای اثبات این مدعا تنها به ذکر چند گزارش مستند در این باره پرداخته می‌شود.

بنا به گزارش "العالم"، سئوالات زیادی در محافل مختلف اجتماعی و فرهنگی بویژه خانواده‌های عربستانی در باره علت گسترش فساد اخلاقی و انحرافات جنسی در این کشور مطرح است و امروزه آشکارا در رسانه‌های سعودی از ازدواج‌های غیرقانونی،

تجاوز به نوامیس، خرید و فروش مشروبات الکلی، بازداشت منحرفان جنسی در رسانه های سعودی منتشر می شود، در حالیکه قبلا انتشار این دست اخبار خط قرمز بود و دولت سعودی با سیاست پنهان کاری سعی در کتمان آن داشت. در همین راستا، "علی الحناکی" رییس بخش وزارت امور اجتماعی عربستان در شهر مکه مکرمه گفته است:

انواع فساد اخلاقی در عربستان دیگر تنها پدیده های زشت نیستند بلکه به یک معضل و مشکل بزرگ برای دولت و مردم تبدیل شده اند و اقدامات کنترلی نتوانسته آن را مهار کند

در این گزارش به مطلب مجله آمریکایی "آتلانتیک" این چنین اشاره شده است که:

دولت عربستان که به عقاید وهابیت ملتزم است، از اختلاط بین زن و مرد جلوگیری می کند اما فساد اخلاقی علنی در این کشور رو به افزایش است و این در حالی می باشد که انواع این فساد بصورت مخفی رواج دارد. (۱)

پاره ایی از صاحب نظران و آگاهان عربستانی نیز بر صحت این موضوعات ناخوشایند مهر تائید زده اند از جمله "امل زاهد" نویسنده زن عربستانی تاکید می کند: چاره

۱- «گسترش فساد اخلاقی در عربستان سعودی»، مورخ ۲۰/۲/۱۳۸۹، کد خبر: ۹۷۸۸۰ پایگاه خبری، تحلیلی تابناک (<http://www.tabnak.ir>)

ای نداریم که اعتراف کنیم در جامعه عربستان انواع فساد اخلاقی در حال افزایش بوده و در بیشتر خیابان های شهرهای عربستان مظاهر فساد علنی شده است. وی با بیان اینکه انحرافات جنسی در عربستان معضلی پیچیده و خطرناک شده ، خاطر نشان کرد است: افزایش و رواج موسیقی های مبتذل و انتشار مطالب گمراه کننده جوانان سعودی را در معرض فساد و خانواده های این کشور را در آستانه فروپاشی قرار داده است. وی تاکید کرده است: دولت سعودی با اعمال زور و سیاست های سختگیرانه نتوانسته است مانع رواج و گسترش فساد اخلاقی و انحرافات جنسی در جامعه عربستان شود و بیشتر جوانان عربستانی از خطرهای پیش روی خود آگاه نیستند. (۱)

ج) در جمهوری اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک انقلاب فرهنگی تمام عیار، به ویژه تا پایان دهه ۱۳۶۰، هنوز متأثر از فضای ارزشی انقلاب و جنگ تحمیلی بود و کاستی ها و آفات فرهنگی چه در سطح مسئولین و چه در سطح مردم کمتر به چشم می خورد متأسفانه به دلایل مختلف داخلی و خارجی این فضای ارزشی و فرهنگی دچار خدشه هایی

۱- « گسترش فساد اخلاقی در عربستان سعودی»، مورخ ۲۰/۲/۱۳۸۹، کد خبر: ۹۷۸۸۰ پایگاه خبری، تحلیلی تابناک (<http://www.tabnak.ir>)

گردیده و موجبات نگرانی دلسوزان انقلاب را فراهم آورده است(۱).

وبی دلیل نیست که رهبر معظم انقلاب، به طور مکرر به ضرورت جدی گرفتن بخش فرهنگ و رفع مطلوبیت از این بخش(۲) اشاره نموده اند.

حتی جنبه های فرهنگی عملکرد دولت های پس از انقلاب در ارزیابیها تا حدی زیادی مغفول واقع شده و ارزیابیهای مزبور نوعاً دارای رویکرد های تخصصی سیاسی و اقتصادی است و بسیاری از کارشناسان هم متوجه این نقیصه شده اند. به عنوان نمونه معاون پژوهش های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، با بر شمردن چالش های اجتماعی ده سال آینده ایران، به بیان آمارهای متعدد از جمله رسیدن آمار راستگویی ایرانیان به زیر ۴۰ درصد و رشد ۱۳۳ درصدی فساد اقتصادی و اختلاس پرداخته و اذعان داشته است:

۱- نگارنده این موضوع را در اثر خود بررسی نموده است. ر.ک به: بهرام اخوان کاظمی، نقد و ارزیابی گفتمان های سیاسی و اجتماعی مطرح در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مرداد ۱۳۸۹.

۲- ر.ک بیانات رهبرانقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و هیئت دولت، مورخ ۴/۶/۱۳۸۶، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: (<http://www.leader.ir>).

«همه از طرح تحول اقتصادی صحبت می کنند اما یک نفر مقاله ایی نوشته است که در کنار تحول اقتصادی نیازمند طرح تحول اجتماعی هم هستیم. جامعه ای که به دنبال توزیع ثروت در کشور است باید به فکر چند میلیون نفر معتاد، شکاف طبقاتی، آمار بالای طلاق، رشوه و ارتشاء، بی عدالتی، پارتی بازی و... هم باشد اما کسی به تحول فرهنگی فکر نمی کند.»^(۱)

از سوی دیگر ضعف "فرهنگ کار" نیز از امراض فرهنگی موجود در کشورمان به شمار می آید. فرهنگ کار به عنوان شیوه زندگی، نقش بنیادی و زیربنایی در ارتقای سطح پویایی جوامع دارد. زمانی که فرهنگ کار نهادینه شود، کار به عنوان یک ارزش تلقی می شود و همه افراد جامعه در سطوح مختلف کار کردن را مسیر توسعه موزون جامعه دانسته و از طریق کار صحیح و بهینه؛ به توسعه اقتصادی کمک می کنند. در نگرش اسلامی، عبادت دانستن کار گامی بسیار بزرگ و موثر در ارتقای فرهنگ عمومی است و اگر به کار به عنوان یک عبادت نگاه شود، تلاش و کوشش افراد بیشتر و مشکلات در پرتو تلاش رفع می شود بسیاری از محققان و جامعه شناسان علت اصلی

۱- سید رضا صالحی، «راستگویی ایرانیان به زیر ۴۰ درصد رسیده است»، هفته نامه سلامت، مورخ ۲۷ مهر ۱۳۸۷، شماره ۱۹۱، ص ۳.

عقب ماندگی، توسعه نیافتگی و ناکارآمدی موجود در جهان سوم را ضعف فرهنگ و اخلاق کار دانسته اند. از جمله به ادعای برخی از مطالعه ها و پژوهش هایی هم که در ارتباط با علل توسعه نیافتگی در ایران صورت گرفته اند یکی از موانع عمده در این راه موانع فرهنگی به ویژه ضعف فرهنگ و اخلاق کار در ایران و وجود ناکارآمدی در سامانه نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان است. از مصادیق و نشانه های بارز ضعف فرهنگ کار و ناکارآمدی مذکور، می توان به وجود نسبی و پرنوسان نشانه هایی مانند: کم کاری، تنبلی، و فرار و یا غیبت از محل کار و اتلاف وقت در آن، کم برنامه گی و بی انضباتی و کار هیاتی، پایین بودن ضریب بهره وری، بیکاری پنهان، بی مسئولیتی و بی انگیزگی و ضعف وجدان کاری، پایین بودن ساعت متوسط کاری، تعطیلی های فراوان، مدرک گرایی، وجود فرهنگ مصرف زدگی، رفاه طلبی و تجمل گرایی، ضعف کار جمعی و سازمانی، ناهمخوانی مشهود مدارک تحصیلی با نوع کار تخصصی، فقدان بستر های لازم کارآفرینی و خلاقیت های عملی، مغفول ماندن توجه به فرهنگ کار و مهارت های حرفه ایی در نظام آموزشی، و بوروکراسی های دست و پاگیر در سازمان ها و ادارات دولتی و خصوصی اشاره کرد. ضمن اینکه پدیده هایی همچون ولگردی، بزهکاری، فحشاء، فعالیت های مخفی و

خلاف، از جمله تبعات بیکاری به شمار می روند. همچنین باید خاطر نشان کرد که وجود اینگونه ناکارآمدیها و ضعف فرهنگ کار نیز مورد تایید و اشاره دستگاه ها و مراکز پژوهشی قرار گرفته است (۱).

در همین راستا یکی از اصحاب اندیشه؛ بیست عامل عقب ماندگی ایرانیان را در فرهنگ جامعه جستجو نموده است. مصطفی ملکیان با اعتقاد به اولویت فرهنگ بر سیاست، وظیفه روشنفکر را نقد فرهنگی جامعه می داند تا نقد سیاسی دولت. و بر همین مبنای عوامل عقب ماندگی ایرانیان را این بیست عامل می داند: پیشداوری، جزمیت و جمود، خرافه پرستی، بها دادن - زیاد از حد - به داوری های دیگران نسبت به خود، هم رنگی با جماعت، تلقین پذیری، القاء پذیری، تقلید، پذیرش صرفاً تعبدی، شخصیت پرستی، تعصب، اعتقاد به برگزیدگی، تجربه نیندوختن از گذشته، جدی نگرفتن زندگی، نسبت نسنجی در امور، دیدگاه مبتذل نسبت به کار، قائل نبودن به ریاضت، از دست رفتن قوه تمیز بین خوشایند و مصلحت، زیاده گویی، زبان پریشی، و ظاهر نگری. از نظر ملکیان فرهنگ مزبور زیر بنای سیاست و اقتصاد فعلی است و

۱- ر.ک به: « دومین گزارش مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی پیرامون اشتغال جوانان»، مندرج در پایگاه اینترنتی مجلس شورای اسلامی: www.majles.ir

حاکمان، زائیده این فرهنگ و رژیم سیاسی مولود مردم است و رژیم سیاسی بهتر به فرهنگ بهتر نیاز دارد. (۱)

فرهنگ سیاسی کشورمان نیز خالی از آفات نبوده است همچنان که نگارنده در اثر دیگری (۲)

، فرهنگ سیاسی ایران را - از دید خود و برخی صاحب نظران - دارای صفات منفی زیر دانسته است: ضعف فرهنگ سیاسی مشارکتی و مدنی، قوت فرهنگ سیاسی تبعی - احساسی و توده ای، تأثیر پذیری از فرهنگ سیاسی عشیره ای (۳)،

تبارگمانی و خویشاوند سالاری، ضعف روحیه کار جمعی، عزلت جویی و سیاست و جمع گریزی، عوام زدگی، وجود روحیه فرد گرایی صوفیانه، بیش مطلق گرایی، ضعف

۱- ر.ک به، مصطفی ملکیان، «بیست عامل عقب ماندگی ایرانیان»، ۲۶ خرداد ۱۳۸۵، (مندرج در بخش فرهنگ و اندیشه سایت آفتاب نیوز: www.aftabnews.com)

۲- ر.ک به: بهرام اخوان کاظمی، علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۸۸، ص ۲۲۹-۲۴۹.

۳- برای اطلاع بیشتر ر.ک به، محمود سریع القلم، «مبانی عشیره ای فرهنگ سیاسی ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره های ۱۳۶-۱۳۵ آذر و دی ۱۳۷۷، ص ۳۳-۴۴، شماره ۱۳۷-۱۳۸، بهمن و اسفند ۱۳۷۷، ص ۱۰۰-۸۶، شماره ۱۴۰-۱۳۹ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸، ص ۷۶-۵۸

روحیه اعتماد ورزی و مسئولیت پذیری. عدم تساهل و سعه صدر، شخصیت پرستی، رابطه ورزی بجای ضابطه گرایی، تعصب و افراط گرایی، تملق گوئی و... خلاصه کرد هر چند نیز در این زمینه، همانند سایر مباحث علوم انسانی نمی توان موارد و مصادیق یاد شده را حاصل قوانین مطلقاً علمی دانست و آنها را حاقّ واقع به شمار آورد.

مضافاً باید یاد آور شد که در چند سال اخیر و بویژه این ایام، ضعف عفاف و بد حجابی در جامعه، از سوی بسیاری اصول گرایان و صاحبان اندیشه و همچنین از سوی مراجع عظام تقلید به عنوان معضل اجتماعی و آفت فرهنگی و اخلاقی نگران کننده در کشور مطرح گردیده است (۱) که البته در این بین نمی توان از تاثیرات مخرب

۱- این نگرانی ها تا آنجا پیش رفته است که یکی از اساتید دانشگاهی و موسوم بهاصولگرا به نام ابراهیم فیاض، در گفت و گویی با هشدار نسبت به شکل گیری انقلاب جنسی در ایران به دولت پیشنهاد داده است تا با سرعت و به صورت انقلابی خانه های ده متری، بیست و سی متری دنج و کم مئونه را برای تخلیه جنسی ایجاد کند. وی در این گفت و گو با تاکید بر این که نمی توان گزینه جنسی را در خیابان ارضا کرد، افزوده است: «با این وضعیت اگر پیش برویم ما در ایران حتما در چند سال آینده با مشکل مواجه خواهیم بود. که اوج آن در همجنس گرایی و روابط زنان و مردان همسر دار خواهد بود که احتمالاً با تبلیغات دشمن هم تقویت خواهد شد». (ر.ک به: «خانه های ۱۰ تا ۳۰ متری برای مهار ابتدال»، ۱۱/۳/۱۳۸۹، کدخبر: ۱۱۱۹۲۷، پایگاه خبری، تحلیلی فردا: (<http://ww.fardanews.com>) البته اگرچه این اظهارات تا حدی غلو آمیز به نظر می رسد ولی حاکی از احساس نگرانی صاحب نظران از وضعیت منفی فرهنگ عفاف در بخش هایی از کشور است.

فرهنگی عملکرد ماهواره های خارجی و تهاجم فرهنگی آنها غافل شد (۱) ضمن اینکه عملکرد رسانه ملی نیز در این زمینه فرهنگی نیز راضی کننده نبوده است تا جایی که آیت الله حسین نوری همدانی - از مراجع عظام تقلید - ضمن تاکید بر لزوم انجام فعالیتهای فرهنگی در زمینه گسترش عفاف و حجاب و ضروری شمردن تاسیس که وزارتخانه ای به این منظور، از تلویزیون به مثابه خشتی کننده فعالیت های فرهنگی یاد نموده اند و با بیان اینکه اصلاح فعالیتهای فرهنگی ابتدا در تلویزیون باید انجام شود،

۱- نظرسنجی جدید صدا و سیما- در خرداد ۸۹- نشان می دهد که مخاطبان ماهواره در تهران طی یک سال گذشته افزایش معناداری پیدا کرده اند. ۴/۴۵ درصد از مردم تهران بیننده ماهواره هستند که نسبت به سال گذشته ۱۰ درصد رشد پیدا کرده اند. از این مقدار ۹/۴۰ درصد بیننده شبکه های فارسی زبان هستند و ۱۴ درصد فقط شبکه خارجی می بینند. میانگین زمان تماشای ماهواره ۲ ساعت و ۵ دقیقه است. ۹/۴۸ درصد از بینندگان ماهواره فارسی وان می بینند. ۶/۵۰ درصد از پرسش شوندگان گفتند که ماهواره با فرهنگ ما سازگاری ندارد و ۸/۳۴ درصد مخالفت کردند و گفتند که ماهواره منطبق با فرهنگ ما است (ر.ک به: « میانگین زمان تماشای ماهواره در تهران»، ۲۴/۳/۱۳۸۹، کد خبر: ۱۱۲۹۸۵، پایگاه خبری، تحلیلی فردا: (<http://www.fardanews.com>))

بر ضرورت اصلاح برنامه های فرهنگی عفاف و حجاب بویژه در صدا و سیما تاکید و یادآور شده است برنامه های فرهنگی باید با منطق و استدلال به مخاطبان ارائه شود و البته در این زمینه باید با برخی برنامه های ضد دینی مقابله شود. (۱)

البته دامنه انتقاد از وضعیت فرهنگی کشور، توسط مراجع دیگری هم صورت گرفته است از جمله آیت الله مجتبی تهرانی در درس اخلاق اخیر خود، به شدت از کوتاهی مسئولان در تربیت دینی جامعه، و برخوردهای شعاری با مسائل و مشکلات جامعه به ویژه در مسأله رواج بی حیایی و بی عفتی انتقاد کرده است. این استاد اخلاق و مرجع تقلید، هدف از بعثت انبیای الهی را تربیت جامعه و خارج کردن انبای بشر از حیوانیت و کشاندن آنها به وادی انسانیت و الهی شدن عنوان کرده و با تأکید بر سریع الحصول بودن حرکت جامعه به سمت فساد، خواستار برخورد قاطع با مظاهر فساد شده و بر

۱- «انتقاد آیه الله نوری از سفر مسئولان به چین»، مورخ ۲۴/۳/۱۳۸۹، کدخبر: ۱۰۴۳۵۵، پایگاه خبری، تحلیلی

این باور است که بدون این مواجهه، جامعه حتی بدون تحریک نیز، خود به خود به سمت فساد خواهد رفت. (۱)

همچنین آیت الله مکارم شیرازی در دیدار رییس جمهور احمدی نژاد با ایشان، یکی دیگر از نگرانی ها را مساله فرهنگ دانسته و در اظهارات مهمی بیان داشته اند:

هم اینک به مسائل اقتصادی و سیاسی اهمیت زیادی داده می شود البته باید این گونه باشد، اما نگرانی ما این است که به مسائل فرهنگی به آن مقدار که انتظار می رود اهمیت داده نمی شود... امر به معروف و نهی از منکر بسیار کم رنگ شده، حجاب که یک مساله فردی نیست و تبدیل به یک نماد اسلام شده ولی متاسفانه در این ایام وضع نامناسبی پیدا کرده است... نظام جمهوری اسلامی منهای مسائل فرهنگی فقط اسمی از آن می ماند و اگر مسائل اقتصادی و سیاسی خوب شود، اما مسائل فرهنگی واقعا تضعیف شود نمی توان نام اسلامی بر این نظام گذاشت، عده ی زیادی از متدینین از این مسائل فرهنگی

۱- آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی «جامعه را نمی توان با شعار اداره کرد»، <http://www.tabnak.ir>

۱۳۸۹/۳/۱، کدخبر: ۹۹۸۷۸

رنج می برند. سزاوار است این مسئله مورد توجه و عنایت خاصی قرار گیرد، نکند مشغول شدن به مسائل سیاسی و اقتصادی ما را از این مسائل دور کند، زیرا مسائل فرهنگی تاثیر فراوانی در مسائل اقتصادی و سیاسی دارد، اگر این نگاه نسبت به مسائل فرهنگی اصلاح شود مردم می توانند بهتر و متحد تر در مقابل دشمن بایستند... باید برای احیای مسائل فرهنگی، حوزه های علمیه را در سراسر کشور تقویت کنیم. باید به موازات پنج برابر کردن بودجه ورزش توسط دولت، بودجه مسائل فرهنگی را چند برابر کنیم. (۱)

ایشان در بیان دیگری علت مشکلات اخلاقی نگران کننده در جامعه امروزی را متولی خاص نداشتن نسبت به مسائل اخلاقی در جامعه دانسته و برفوریت ایجاد وزارت امر به معروف و نهی از منکر (۲) جهت رسیدگی به مسائل اخلاقی در مدارس و دانشگاه ها

۱- «سخنان مهم آیت الله مکارم در دیدار با احمدی نژاد»، ۹۲/۱۲/۱۳۸۸، کد خبر: ۹۰۸۶۸، پایگاه خبری، تحلیلی تابناک (<http://www.tabnak.ir>)

۲- البته اگر چه تاکنون بحثی در باره تاسیس وزارت امر به معروف و نهی از منکر در کشور مطرح نشده است ولی خوشبختانه اخیرا طرح یک فوریتی امر به معروف و نهی از منکر که با ۱۰۳ امضا در مجلس شورای اسلامی ارائه شد با ۱۷۲ رأی موافق، ۱۲ رأی مخالف و ۲۶ رأی ممتنع در اوایل خرداد ۸۹ به تصویب رسیده است. این طرح دارای ۲۸ ماده است و طراحان شرایط، حدود و کیفیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر را مبتنی بر اصل هشتم قانون اساسی شامل تعاریف و الزامات آورده اند. بخشی از طرح مزبور ناظر به اعمالی است که در جامعه علنی باشد یا بروز اجتماعی داشته باشد و یا بدون ضرورت تجسس ثابت شود که مضر به منافع عمومی و امنیت ملی است. همچنین امر به معروف و نهی از منکر در مرحله تذکر لسانی، کتبی و ارائه شکایت و گزارش به مراجع ذی صلاح وظیفه همگانی است و در مرحله یدی به حکومت اختصاص دارد. در بخش دیگری از این طرح آمده است: به عنوان امر به معروف و نهی از منکر نمی توان دیگران را به پذیرش یا ترک عقیده ای خاص، اکراه یا اجبار و وادار کرد. ر.ک به: پایگاه خبری صدا و سیما ج.ا.ا، (www.IribNews.ir)، مورخ ۰۲/۰۳/۱۳۸۹

تاکید نموده اند و عدم رسیدگی به مسائل اخلاقی در جامعه را باعث ایجاد ناهنجاریهای سیاسی و اقتصادی دانسته اند^(۱).

متأسفانه در حال حاضر در مورد متولی اصلی طرح سامندهی حجاب و عفاف و انجام امر به معروف و نهی از منکر و اینکه چنین امری به عهده دولت هست یا خیر؟ اختلاف نظرهای جدی در بین مسئولین با حوزویان^(۲) و اصحاب فرهنگی^(۳).

وجود دارد

۱- «وزارت امر به معروف و نهی از منکر تشکیل شود»، ۱۵/۲/۱۳۸۹، کد خبر: ۹۶۹۰۰، پایگاه خبری، تحلیلی تابناک (<http://www.tabnak.ir>)

۲- ر.ک به: «واکنش ها به سخنان احمدی نژاد در باره حجاب»، روز نامه خبر، ۲۶/۳/۱۳۸۹، شماره ۸۴۳۲، ص ۴، و «واکنش انتقادی آیت الله مصباح به احمدی نژاد»، ۲۷/۳/۱۳۸۹، کد خبر: ۱۰۴۸۸۹، پایگاه خبری، تحلیلی تابناک (<http://www.tabnak.ir>)

۳- از جمله علی مطهری عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی ضمن انتقاد شدید از وضعیت غیر قابل تحمل حجاب در برخی از مناطق کشور، معتقد است که امر به معروف و نهی از منکر یعنی یک اصلاح مستمر اجتماعی و برخوردار از حوزه وسیع که منحصر به مساله عفاف و حجاب نیست از نظر وی همه فقها نیز متفق القول اند که آن بخش از امر به معروف و نهی منکر که نیاز به اعمال قدرت دارد وظیفه دولت اسلامی است و وظیفه مردم نیست. ایشان با طرح این سوال که چرا بر مساله پوشش در اداره ها و اماکن دولتی نظارتی وجود ندارد؟ و بدتر اینکه اعتقاد به نظارت به این امور در دولت فعلی وجود ندارد؟ بر این اعتقاد است که اگر دولت در اماکن عمومی نظارت کافی داشته باشد ۶۰ درصد موضوع بی حجابی و ضعف فرهنگ عفاف حل می شود. از نظر این نماینده اصول گرا، «روح و جان انقلاب اسلامی همین مسائل فرهنگی است. هر قدر در انرژی هسته ای و پرتاب ماهواره پیشرفت کنیم اما در مسائل فرهنگی و سبک زندگی بخواهیم راه غربی ها را در پیش بگیریم توفیقی به دست نیاورده ایم. مهم این است که سبک زندگی اسلامی را تحقق بخشیم» (ر.ک به: «علی مطهری: دولت مانع ورود بدحجابها به دانشگاه شود»، ۱۳۸۹/۲/۲۱، کد خبر: ۴۷۵۳۹، پایگاه خبری، تحلیلی تابناک (<http://www.tabnak.ir>) و «علی مطهری: آقایان احمدی نژاد و مشائی اعتقادی به نظارت دولت بر مسئله حجاب ندارند»، ۱۳۸۹/۳/۱، <http://www.khabaronline.ir>، کد مطلب: ۶۳۲۲۷

و انتقادات متعددی نیز در این باره متوجه رییس جمهور و دولت وی شده است که یکی از آنها جدی نگرفتن اصل امر به معروف و نهی از منکر توسط دولتیان است و مسلماً این تفاوت آراء و سلیقه ها به استمرار نابسامانیهای موجود در بخش فرهنگ و اخلاق اجتماعی دامن می زند

گفتار پنجم: ضرورت ها و راهکار های احیای فرهنگ در راستای تمهید ظهور

الف) دیدگاه های امام راحل (ره)

ظهور انقلاب اسلامی ایران اساساً با داعیه بستر سازی انقلاب جهانی امام عصر صورت پذیرفته است (۱) و

این مطلب همواره مورد اذعان امام راحل (ره) بوده و ایشان همیشه بر لزوم آمادگی برای فرج مهدی موعود (ع) تاکید داشته و می فرمودند:

۱- البته این داعیه بی دلیل نیست همچنان که روایات قابل توجهی در این زمینه و در تمجید ایرانیان و نیز اهالی قم به عنوان زمینه سازان ظهور آمده است. برای اطلاع بیشتر ر.ک به: - نجم الدین طبسی، نشانه هایی از دولت موعود، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۶، ص ۶۵-۷۴. - علی کورانی، عصر ظهور، ترجمه مهدی حقی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ هشتم، بهار ۱۳۸۶، ص ۷۲.

و ما باید در اینطور روزها و در اینطور ایام اللّٰه توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت . ان شاء اللّٰه به زیارت ایشان، طوری باشد که روسفید باشیم پیش ایشان. تمام دستگانهایی که الآن به کار گرفته شده اند در کشور ما- و امیدوارم که در سایر کشورها هم توسعه پیدا بکند- باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی- سلام اللّٰه علیه ..(۱)

بدیهی است از منظر امام (ره)، یکی از آمادگی های مهم و سرنوشت ساز در بستر سازی ظهور ، می باید در زمینه فرهنگی باشد همچنان که پیدایی و پایایی انقلاب اسلامی ایران ؛ یکی از آشکارترین نماد های اصلاح و اعتلای فرهنگ ایرانیان بوده است و در تایید این مدعا باید افزود که امروزه اصلی ترین رهیافت توضیح این انقلاب ، در بین صاحب نظران ، رهیافت فرهنگی است و محور این رهیافت، توجه اساسی به نقش عنصر فرهنگ و بویژه باورهای اسلامی و بطور خاص، مکتب تشیع ، در ایجاد انقلاب و تحول اجتماعی است(۲). قدردانی های مکرر امام خمینی از مجاهدت ها و

۱- صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۴۸۳

۲- برای اطلاع بیشتر در این باره ؛ ر، ک به ؛ محمد شجاعیان ، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۲، ص ۹۷-۲۱۹.

تحول و بیداری ملت ایران، یکی از بهترین شواهد تحول و تعالی بی سابقه رفتار و فرهنگ سیاسی مردم ایران است همانطور که ایشان شرافت، همت و فداکاری اسلام خواهانه ی این مردم را ستایش نموده (۱).

و خود را منت گذار آنها دانسته است (۲) و وجود چنین امت و پیروانی متعهد و مجاهد را به پیشگاه پیامبر (ص) و امام عصر (عج) تبریک عرض می کند (۳).

و در بیانی امت ایران را بهتريت امت اسلامی در طول تاریخ و حتی بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله (ص) و کوفه در عهد امیرالمومنین و حسین بن علی (صلوات الله و سلامه علیهما) می داند و در پیشگاه چنین ملتی را برای خود افتخار به حساب می آورد (۴).

۱- ر، ک به؛ در جستجوی راه از کلام امام (دفتر ششم) رهبری انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۱۵۱-۱۵۲، (بیانات مورخ ۱۷/۶/۱۳۶۱).

۲- ر، ک به؛ در جستجوی راه از کلام امام (دفتر ششم) رهبری انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۸۲. بیانات مورخ ۱۲/۱۲/۱۳۵۷

۳- ر، ک به؛ در جستجوی راه از کلام امام (دفتر ششم) رهبری انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۱۰۶. بیانات مورخ ۲۳/۱۱/۱۳۶۱.

۴- امام خمینی، وصیتنامه سیاسی، الهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۱۲.

دیدگاه‌های امام(ره) درباره مبحث تمدن و فرهنگ، اعم از تمدن غربی و اسلامی بسیار گسترده است. ایشان بارها تأکید می‌فرمایند که اسلام هیچ ضدیت و تقابلی با فرهنگ و تمدن ندارد بلکه با فرهنگ و تمدن فسادآور و مبتنی بر مادیات و شهوات مخالف است. امام(ره) به خوبی به افشاگری تمدن مورد ادعای شاه سابق پرداخته و بر جنبه‌های فسادآوری و وارداتی بودن آن تأکید می‌ورزیدند؛ ضمن آن که اسلام را دارای تمدنی بالنده و پویا و فراگیر به شمار می‌آوردند و بر توحیدی بودن و عدالت خواهانه بودن این تمدن و حکومت اسلامی پای می‌فشردند. ایشان به شدت ضمن مبارزه با اتهامات دشمنان اسلام که این دیانت را کهنه پرست و ناکارآمد در جهت اداره جوامع معرفی می‌کنند، نه تنها اسلام را دارای تمدن درخشان می‌دانستند بلکه وظیفه مسلمانان و علما را آن برمی‌شمردند که در جهت اعتلای این تمدن و فرهنگ حرکت کرده و با تأسیس حکومت اسلامی و قبضه قدرت، در مقابل استکبار و ستمکاران قدعلم کنند و جمهوری اسلامی را پناهگاه امن مسلمانان جهان قرار دهند و در نهایت آرزومندند که ایران در راه پیشرفت و ترقی و سعادت انسانی به گونه‌ای حرکت کند که سرمشق جامعه بشری قرار گیرد. به تعبیر امام(ره) "اسلام خود از پایه گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است و هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید، بدون شک از

پیشرفته ترین کشورها خواهد بود و ما امیدواریم که با پیروزی خود این مطلب را به جهانیان ثابت کنیم." (۱)

ایشان معتقد بودند که دست کم از مشروطه به بعد فرهنگ حاکم بر ایران، فرهنگی وابسته، استعماری و فاسد بوده است (۲)

و نباید بلافاصله امید داشت با شکسته شدن این سد بزرگ شیطانی ما به بهشت موعود برسیم و می افزودند:

ما به یک خرابه رسیده ایم. یک خرابه ای که فرهنگش سالهای طولانی لازم دارد تا عوض بشود. مغزها که در آن رژیم تربیت شده است به تربیت خاصی، طول یک نسل می خواهد تا اینکه تغییر بکنند. همه چیز باید تغییر بکند (۳).

از منظر ایشان، فرهنگ از امور مهمی است که در رأس امور تقریباً واقع شده است (۴) و

مملکت صحیح با فرهنگ صحیح محقق می شود (۵) و راه اصلاح هر مملکتی، فرهنگ آن

۱- روح الله خمینی، صحیفه نور، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ج ۴، ص ۴۹، برای اطلاع از سایر بیانات امام درباره این موضوع، رک. روح الله خمینی، صحیفه نور، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ج ۱، ص ۸۷ ج ۳، ص ۲۰۰، ج ۴، ص ۲۶۲ و ص ۱۹۲، ج ۵، ص ۱۲۹، ج ۸، صص ۶۳ و ۴ و ۳، ج ۲۰، ص ۱۲۶، ج ۲۱، صص ۱۷۸، ۱۷۷.

۲- صحیفه نور، ج ۵، ص ۵۱

۳- صحیفه نور، ج ۱۲، ص: ۴۷

۴- صحیفه نور، ج ۱۲، ص: ۴۷

۵- صحیفه نور، ج ۱، ص ۳۹۰

مملکت است؛ اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود^(۱) زیرا

فرهنگ مبدأ همه خوشبختیها و بدبختیهای ملت است و فرهنگ ناصالح و تربیتهای حاصل آن، موجب فساد بوده و جوان استعماری تحویل مملکت می دهد و اگر فرهنگ، فرهنگ صحیح، حقانی و متناسب با منافع اسلامی و ملی باشد، جوانهای صحیح به بار می آورد.^(۲)

از نظر امام راحل، فرهنگ در کنار آموزش باید پرورش داشته باشد و جوانان باید تحت تربیت اسلامی و انسانی قرار گیرند و تحقق چنین امری، ضمانت عدم خیانت آنها به کشورشان خواهد بود. ایشان، تحول فرهنگی را به معنای برخورداری این فرهنگ از استقلال فکری و استقلال باطنی، به حساب می آوردند.^(۳)

۱- صحیفه نور، ج ۳، ص ۳۰۵-۳۰۶

۲- صحیفه نور، ج ۳، ص ۳۰۶

۳- صحیفه نور، ج ۹، ص ۷۵

ایشان در تمثیل بسیار جالبی فرهنگ را سایه ای از نبوت؛ و فرهنگها را سایه ای از نبی به شمار می آورند و در بیان شیوای زیر ، وظیفه الهی اصحاب فرهنگ را اقتدا به پیامبران و الگو گیری از آنان در ایفای وظیفه انسان سازی می داند:

کأنه فرهنگ سایه ای است از نبوت؛ و فرهنگها سایه ای هستند از نبی . این سایه باید عمل کند به آنطوری که ذی ظل عمل کرد... هر حرکتی پیغمبرها می کنند همانی است که مطابق رضای خداست . به حرکت او، به تحریک او حرکت می کنند. از خودشان حرکت ندارند.. شما هم، فرهنگها هم، ظل انبیا باید باشید ..(۱)

من ان شاء الله امیدوارم که همه شما موفق باشید و همه ما موفق باشیم به اینکه انسانها ساخته بشود در این مملکت . انسان سازی باشد مملکت . چنانچه برنامه اسلام انسان سازی است . فرهنگ ان شاء الله انسان ساز باشد.(۲)

(ب) دیدگاه های مقام رهبری

۱- صحیفه نور ، ج ۷ ، ص ۴۲۹

۲- صحیفه نور ، ج ۹ ، ص ۷۶

به تبعیت از اندیشه های امام راحل (ره)، در سیره نظری و عملی مقام معظم رهبری نیز بر وظیفه و تعهد انقلاب اسلامی در زمینه سازی ظهور و ضرورت تجهیز و اعتلای فرهنگی در این مسیر تاکید فراوان گشته است به باور ایشان:

قیام اسلامی در ایران، برای اقامه عدل بود. پیغمبران که آمدند، برای اقامه عدل و قسط آمدند. بشریت که با عطش تمام منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و می خواهد مهدی موعود بیاید و چشم انتظار آن حضرت است، برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند. این است آن پیامی که انقلاب اسلامی برای دنیا دارد و خودش هم متعهد و متکفل آن است. (۱)

مقام رهبری به ضرورت احیا و اعتلای مجدد تمدن اسلامی و شایستگی ملت هوشمند و شجاع ایران در انجام دادن این مهم تأکید ورزیده و ضمن تشریح آفتهای موجود در رسیدن به این هدف دشوار، توصیه ها و راهبردهایی عرضه داشته اند. مقام رهبری در بیان اهمیت مسائل فرهنگی و فرهنگ ملی اسلامی اظهار می دارند:

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران و قشرهای مختلف مردم، در روز ولادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۳۷۱/۱۰/۱۷، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: (<http://www.leader.ir>).

"این جانب به مسائل فرهنگی بهای زیادی می دهم و اعتقاد راسخ دارم که قوام یک کشور و ملیت یک ملت به فرهنگ آن ملت است و بیش از هر چیز فرهنگ یک ملت وجه تمایز او را با سایر ملتها نشان می دهد." (۱)

رهبر انقلاب اهمیت سرمایه گذاری، به ویژه در امور فرهنگی را برای حفظ استقلال، رسیدن به خودکفایی، تأمین رفاه عمومی، تحکیم تدین مردم و تحقق یک تمدن اسلامی خاطرنشان کرده و مسأله فرهنگ را مسأله اول کشور به حساب می آورند و معتقدند بدون تردید با پشتیبانی و تقویت بنیه های فرهنگی، پیشرفت کشور در تمامی زمینه ها تضمین خواهد شد و اگر فرهنگ کشور اصلاح و پایه های آن مستحکم نشود به احتمال زیاد برنامه ریزی در همه کارها ابتر خواهد بود و به نتایج قطعی آن نمی توان امیدوار بود. (۲) به اعتقاد ایشان، دفاع ملی در برابر خصومت و رزی قدرتهای استکباری لزوماً متکی به فرهنگ، دانش و آموزش و در نتیجه کتاب و تولید کتاب است. (۳)

- ۱- بیانات مقام معظم رهبری، تلکس شماره ۲۴۲-۲۰/۹/۷۵ خبرگزاری ج.ا.ا.
- ۲- رک. به؛ بیانات مقام معظم رهبری، تلکس شماره ۲۴۲-۲۰/۹/۷۵ خبرگزاری ج.ا.ا.
- ۳- رک. به؛ بیانات مقام معظم رهبری، تلکس شماره ۷۵/۸/۱-۲۰۱، خبرگزاری ج.ا.ا.

مقام رهبری در یکی از تعابیر خود از امکان تحقق "حیات طیبه اسلامی" یاد کرده اند و بهره گیری از این حیات طیب و پاک را شایسته ملت متعهد و متدین ایران اسلامی می دانند. حیات طیبه ای که به وسیله ارزشهای اسلامی و استقرار حاکمیت اسلام بر کشور سایه خواهد افکند و مردم ایران با ایستادگی در مقابل دشمن، پایداری در عرصه سازندگی، پایبندی به معارف و ارزشهای دینی و حفظ قدرت سیاسی، اجتماعی و ملی، این حیات طیبه را به سایر ملتها منتقل می کند. ملتی که عزت و سربلندی خود را از استقامت و خودباوری و نفی خودباختگی و تجمع بر محور اسلام ناب و ایستادگی در مقابل قدرتهای بزرگ به دست آورده است. (۱)

به باور رهبر انقلاب، با تنبلی، بی حالی، اظهار ذلت، ضعف و ناتوانی و پایبندی به خرافات و بی اعتنایی به ارزشهای والای اسلامی نمی توان یک کشور را بر طبق خواسته خداوند و فرهنگ قرآنی تجدید بنا کرد. (۲) ایشان

گرچه ایران اسلامی و ملت قهرمان ایران را شایسته تجدید اعتلای تمدن اسلامی می داند، اما همین مردم و مجریان کشور را به تخلق به اخلاق اسلامی، نوسازی معنوی و داشتن وجدان کاری، انضباط اقتصادی و

۱- بیانات مقام معظم رهبری، همشهری، شماره ۱۲۱۲، مورخ ۲۰/۱۲/۷۵.

۲- بیانات مقام معظم رهبری، همشهری، شماره ۱۲۱۲، مورخ ۲۰/۱۲/۷۵.

انضباط اجتماعی و پرهیز از اسراف فرامی خوانند. در اسفند ماه سال ۷۵، رهبر معظم انقلاب، مراحل چهارگانه انقلاب را از دید خود به ۱- پیروزی انقلاب اسلامی ۲- شکست دشمن در جنگ تحمیلی ۳- آغاز بازسازی و ۴- نوسازی معنوی و استقرار عدالت اجتماعی تقسیم و تبیین کردند و در اجتماع عظیم مردم خوزستان بیان داشتند که:

"سازندگی هنوز به همه اهداف خود نرسیده است؛ گام اصلی، نوسازی معنوی و استقرار عدالت است البته این قدم چهارم هم برداشته شده است؛ منتها باید روزبه روز شتاب بیشتری پیدا کند. موفقیت آن وقتی است که بتوانیم معنویت و دین و اخلاق و عدالت و معرفت و سواد و توانائی های گوناگون را در میان جامعه مستقر کنیم. (۱)

آیت الله خامنه ای معتقد است پس از تشکیل نظام عادلانه و برقراری عدالت اجتماعی، متمم انقلاب اسلامی؛ ترویج و توسعه مکارم اخلاقی در میان مردم و سپس در بین آحاد جامعه بشری است. (۲)

ایشان در پیام نوروزی سال ۷۶، آن سال را سال تحول اخلاقی و پرهیز از اسراف و تجمل گرایی معرفی نموده اند که از عوامل انحطاط می باشد

۱- بیانات مقام معظم رهبری، اطلاعات، شماره ۲۱۰۰۸، مورخ ۱۹/۱۲/۷۵

۲- بیانات مقام معظم رهبری، ایران، شماره ۵۳۴، مورخ ۲۰/۹/۷۵.

ضمن آنکه از انفعال و خودباختگی و تحجر به عنوان آفتهای حیات طیبه و جامعه اسلامی یاد می کنند. (۱)

مقام رهبری در خلال سال های قبل از ۱۳۸۴ در منظری عام به راهبردهای اعتلای تمدن اسلامی و تحقق حیات طیبه اسلامی و موارد مُمد و مخل آن اشاره نموده اند. ایشان با تأکید اساسی بر نوسازی معنوی و فرهنگی و عدالت محوری، در اردیبهشت ۱۳۸۰، نظام سیاسی دهساله نبوی در مدینه را نمونه کامل حاکمیت اسلام برای کلیه ادوار و زمانی و مکانی دانسته و هفت شاخص و مهم و برجسته آن را: ایمان و معنویت، قسط و عدل، علم و معرفت، صفا و اخوت، اصلاح اخلاقی و رفتاری، اقتدار و عزت، و کار و حرکت و پیشرفت دائمی به شمار آوردند.

ایشان، دولت در نظام اسلامی را دولت کریمه دانسته و شرایط تحقق چنین دولتی را؛ عزت، سربلندی، اعتقاد راسخ به راه اسلام و انقلاب، نفوذ ناپذیری و پایداری، قدر دانستن متاع گرانقدر انقلاب، و بیان آرمانها و حرفهای نوبرای جامعه بشری از جمله مرد مسالاری دینی، اعلام داشته و تصریح کردند؛ فلسفه وجودی دولت در نظام اسلامی، تبدیل حرفهای خوب به اقدامات خوب و اعمال صالح است و برای تحقق این مهم

۱- بیانات مقام معظم رهبری، رسالت، شماره ۳۲۹۷، مورخ ۱۷/۳/۷۶.

باید دولت را دولت کار و عمل قرار داد. برخی توصیه های فرهنگی ایشان در افزایش کارآمدی دولت به شرح زیر است:

- اولویت کامل مسئله عدالت در همه سیاست گذاریها و برنامه ریزیها و اجرای پروژه ها.

- پرهیز مسئولان از اشرافی گری و ممانعت از تجمل گرایی آنان در راستای تحقق عدالت و نفی پیامدهای منفی این پدیده مذموم در فرهنگ عمومی.

- رعایت امانت و درستکاری توسط مسئولان و حفظ کامل و دقیق بیت المال و رعایت اولویتها در هزینه کردن اعتبارات به عنوان مصادیق امانت داری دولت و کارگزاران آن.

- مبارزه قاطع با مفاسد مالی و اقتصادی و هر نوع فساد و اسراف و تبذیر در دوایر مختلف و تحت هر نام و توجیه و ضرورت رعایت مفاد نامه ۸ ماده ای به سران سه قوه در این باره.

- تقویت و استقرار معنویت و اخلاق و افزایش تدین مردم به عنوان مهم ترین وظیفه دولت.

- جلوگیری از شیوع فساد و مقابله با تظاهر به بی دینی و مظاهر فساد. (۱)

با روی کار آمدن دولت نهم در سوم تیر ۱۳۸۴، مقام رهبری، مقام رهبری در موارد متعددی، سفارش ها، توصیه ها و تذکرات لازم را به دولت نهم و کارگزاران آن بصورت شفاهی و کتبی ایفاد نموده اند که بوضوح عمل به آنها به ارتقا افزون تر سطح فرهنگ در نظام ج.ا.ا. مدد خواهد بخشید که برخی از آنها به شرح زیر است:

- ضرورت جدی گرفتن بخش فرهنگ و رفع مطلوبیت از این بخش

- انتقاد پذیری، عدم رنجش از انتقاد و استقبال از آن با سعه ی صدر

- توجه بسیار جدی به نهضت علمی در کشور و جبران عقب ماندگیها و افزایش بودجه های تحقیقاتی (۲)

- اجرای طرح امنیت اخلاقی و اجتماعی (۳)

۱- ر.ک به؛ بیانات مقام رهبری در دیدار مسئولان نظام، اطلاعات، شماره ۲۲۰۷۷، ۱۵ آذر ۱۳۷۹، ص ۷.

۲- ر.ک به؛ بیانات رهبرانقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و هیئت دولت، مورخ ۴/۶/۱۳۸۶، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری: (<http://www.leader.ir>).

۳- ر.ک به؛ بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهور و جمعی از مدیران اجرایی و کارگزاران سراسر کشور، مورخ ۹/۴/۱۳۸۶ (ر.ک به <http://www.leader.ir>).

مقام رهبری با اشاره به جهت گیری ارزشی و انقلابی دولت نهم تصریح می نمایند که: «باروی کار بودن یک دولت حزب الهی و رئیس جمهور مکتبی زمینه برای حرکت عمیق فرهنگی بیش از پیش فراهم است و همه دستگاههای مسوول باید در جهت ارتقای ارزش های اخلاقی و ایمانی جامعه به طور جدی تلاش کنند(۱)».

«

با این وجود، ایشان به دولت نهم و شخص ریاست جمهور سفارش اکید نموده اند که از بخش فرهنگ رفع مظلومیت شود. زیرا خیلی از مشکلات جامعه با فرهنگ سازی حل می شود و عمده ی قوای دشمنان در جبهه ی فرهنگی به کار گرفته شده است. مقام رهبری، فرهنگ سالم را با هوای سالم و قابل استنشاق مقایسه کرده اند که باید غیر مسموم باشد و به شدت به دست اندرکاران دولت نهم سفارش می نمایند. که فرهنگ کشور با سرمایه گذاری وقت و امکانات لازم، دارای تحرک و جهت گیری ارزشی شود.(۲) لذا با توصیه ی پیشرفت و تعالی بویژه با ابزار فرهنگی چنین ادغان نموده اند.

۱- ر.ک به، بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهور و جمعی از مدیران اجرایی و کار گزاران سراسر کشور،

مورخ ۹/۴/۱۳۸۶

۲- ر.ک به؛ بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و هیئت وزیران، مورخ ۴/۶/۱۳۸۶، (ر.ک به؛

<http://www.leader.ir>

«فرهنگ را دست کم نگیرید، خیلی مهم است. بنابراین صرف وقت کنید و در بودجه هم برایش پول و فصول قابل توجهی بگذارید تا جهت ارزشی به فرهنگ بدهید. از جمله کارهایی که مسئولین فرهنگی دولت خیلی باید به آن پردازند و واقعا یک دقیقه در آن فرو گذار نکنند این که به فرهنگ عمومی جامعه و ابزارها و وسایل فرهنگی، جهت ارزشی بدهند. چون تلاش زیادی شده تا جریان های فرهنگی و عامل های فرهنگی هنر و ادبیات و شعر و سینما و بقیه در جهت غیر ارزشی حرکت کنند و راه بیفتند شما باید کمک کنید و همه تلاشتان را بکنید که به تحركات فرهنگی کشور در جهت ارزشی جهت بدهید»^(۱).

توصیه مقام رهبری به دولت نهم، تحقق پیشرفت و جلو بردن قافله علم و جبران عقب ماندگی ها از طریق میان بر پیشرفتهای علمی است. از منظر ایشان، کشف راههای جدید با طی مقدمات علمی و گسترش علم و دانش و تعلیم در میان مردم، از ابزارهای

۱- ر.ک به؛ بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و هیئت وزیران، مورخ ۴/۶/۱۳۸۶، (ر.ک به؛ <http://www.leader.ir>)

مهم جبران این عقب ماندگی ناشی از دوران ما قبل از انقلاب است (۱) و باید تلاش شود تا فرهنگ «علم گرایی و علم محوری» در همه بخشها؛ گفتمان مسلط جامعه بشود. (۲)

و دولت اسلامی علاوه بر تامین نیازهای مادی مردم و حل مشکلات معیشتی، توجه به مسائل فرهنگی، اخلاقی و رشد علمی جامعه را نیز باید مد نظر قرار دهد و بسترهای لازم برای جریان اندیشه صحیح و اخلاق فاضله در جامعه را باید بوجود آورد. (۳)

گفتار ششم: وضعیت و مؤلفه های فرهنگی جامعه قبل و بعد از ظهور

الف) ملاحم و آفات فرهنگی جامعه قبل از ظهور

در روایات دال بر ملاحم و نشانه های دوره قبل از ظهور، معمولاً سخن از آفات معنوی و قهقهرای انسانیت در حوزه ضعف معنویات و اخلاق است و به عبارتی می توان این نارسائی ها را در حوزه فرهنگ قلمداد کرد و شاید بتوان گفت بشریت در

۱- ر.ک به؛ بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و هیئت وزیران، مورخ ۴/۶/۱۳۸۶، (ر.ک به؛

<http://www.leader.ir>)

۲- ر.ک به؛ بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با روسای دانشگاهها، موسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی، مورخ

(۲۳/۵/۱۳۸۵، (ر.ک به؛ <http://www.leader.ir>)

۳- ر.ک به؛ بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با جمعی از مدیران اجرایی و کارگزاران سراسر کشور، مورخ ۹/۴/۱۳۸۶،

(ر.ک به؛ <http://www.leader.ir>)

دوره قبل از ظهور، در عین انحطاط فرهنگی، از حیث مادیات و تمدن مادی با پیشرفت ظاهری روبرو باشد هرچند که نتیجه چنین پیشرفت مادی، بدون برخورداری از فرهنگ معنوی، توحیدی و اخلاقی، نتیجه ای جز سقوط و انحطاط نخواهد داشت.

در بسیاری از روایات منقول از پیامبر(ص) و معصومان(ع) از زوال مکارم اخلاقی و بروز ناامنی ها، بی عدالتی ها، جنگ ها، هرج و مرج ها و فتنه های فراوان و فساد گسترده به عنوان ملاحم و نشانه های ظهور مهدی موعود(عج) و ویژگی عصر غیبت یاد شده است، از جمله خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه(۱)

چنین مضامینی دارد؛ هم چنان که پیامبر مکرم اسلام(ص) در این زمینه می فرماید:

مهدی این امت از ماست. هنگامی که در دنیا هرج و مرج شده و فتنه ها آشکار شود و راه ها مورد راه زنی قرار گرفته و بعضی از مردم به بعض دیگر تهاجم کنند و بزرگ به کوچک رحم نکنند و کوچک تر احترام بزرگ تر را نگه ندارد، در چنین زمانی مهدی ما که نهمین امام از صلب حسین است برج و باروهای گمراهی و قلب های قفل شده را فتح می کند و در آخرالزمان برای دین قیام

۱- ر.ک به: نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات حضور، قم ۱۳۸۱ ش، خطبه ۱۳۸، ص ۱۹۰،

می کند؛ همان طور که من در اول زمان، بدین قیام مبادرت کردم. او زمینی را که از جور پرشده، از عدل و داد، پر و سرشار می سازد. (۱)

عصر فرومایگی فرهنگی قبل از ظهور و ملاحم این دوره که مسخ همه ارزش ها و اخلاقیات الهی و انسانی را دربردارد، از دید امام علی (ع) - با نگاهی به حکومت بنی امیه - به گونه‌ی مشابهی بیان شده و دارای ویژگی‌هایی مانند این موارد شناخته شده است: تثبیت، استواری و تهاجم باطل، ظهور و قوت یابی جهالت و نادانی و دروغ‌گویی، قلت حق‌گرایان و راست‌گویان، نقض قوانین الهی، دشمنی فرزند با پدر، کثرت فرومایگان و کمیابی کریمان، گرگ صفتی عامه مردم و درنده‌خویی پادشاهان، تظاهر به دوستی در عین دشمنی قلبی، نابودی مستمندان، افتخارجویی به انجام گناه، و شگفت آور شدن پاک‌دامنی. (۲)

ب) ملاحم و مؤلفه‌های فرهنگی جامعه پس از ظهور (دولت مهدوی)

اشاره

-
- ۱- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۵، ص ۲۶۶، روایت ۱۵۴، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم، [بی تا].
 - ۲- ر.ک به؛ نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات حضور، قم ۱۳۸۱ ش، خطبه ۱۵۱، ص ۱۰۸

نماد حکومت مهدوی ، تکامل و تعالی اساسی در ابعاد معنوی فرهنگ است و اگرچه در ابعاد مادی فرهنگی و تمدنی جوامع بشری نیز این پیشرفت به وفور ملاحظه می گردد اما کارویژه و محور اصلی این حکومت ، انجام اصلاح فرهنگی آنهم در حوزه معنویت و اخلاق ، با ابتدا به فرهنگ توحیدی است و مقدم بر ارتقا ابعاد مادی تمدنی ، به اعتلای فرهنگی نظر دارد و بر همین مبنا در مباحث آتی به صورت اجمالی ، به ذکر برخی از ویژگی های فرهنگی این دولت موعود می پردازیم.

۱: تفوق فرهنگ توحیدی

حکومت جهانی مهدوی حکومتی است الهی که نخستین شالوده فکری، عقیدتی و فرهنگی آن خداپرستی است همچنان که پیامبر (ص) می فرماید :

فرمانروائی او شرق و غرب عالم را در بر می گیرد ، خداوند به واسطه او دین خود را بر همه ادیان غالب می گرداند و در زمین خرابه ایی باقی نمی ماند ، و همگی آباد می شود. (۱)

از امام صادق (ع) فرمود: «وقتی قائم آل محمد قیام کند مکانی در روی زمین باقی نمی ماند مگر اینکه کلمه طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله در آنجا به آواز بلند گفته می

شود»^(۱) نتیجه استقرار فرهنگ توحیدی خدامحور در حکومت مهدوی؛ ظهور دولتی جهانی و مبتنی بر آموزه های وحیانی و دینی خواهد بود و با پذیرش اسلام از سوی همه مردم جهان و عالم گیر شدن آن، دیگر هیچ مرز و امتیازات و اعتبارات بیهوده میان مردم نخواهد بود. محور این جامعه، خدا و احکام خدا است و تعالیم اسلامی برای اداره جامعه ی جهانی کافی است،

۲: تعالی معنوی و اخلاقی در حیات طیبه مهدوی

تعالی معنوی و حیات طیبه ، مهمترین ویژگی فرهنگی و تربیتی نظام مهدوی است امام علی(ع) در زمینه تبیین این نظام هدایتگر و متعالی و عاری از گناه ، خبائث و رذائل اخلاقی فرموده است:

او [حضرت مهدی(عج)] خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند. در حالی که به نام

۱- مجلسی ، مهدی موعود ، ج، ۲ پیشین ، ص ۲۲۴ (به نقل از تفسیر عیاشی ، ج ۱ ، ص ۱۸۳ ، ح ۸۱)

تفسیر، نظریه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند، او نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد..(۱):

بدی می رود و خوبی باقی میماند. رونق کشاورزی بی اندازه می شود. زنا، شرب خمر و ربا رخت برمی بندد، مردم به عبادت، شریعت و دیانت روی می آورند، نماز جماعت رونق میگیرد. عمرها طولانی می شود، امانات اداء میشود، درختان پرمیوه میشوند، برکات فراوان میگردد، اشرار نابود میشوند، اختیار باقی میمانند، دشمنان اهل بیت باقی نمی مانند.(۲)

۳: تشخیص فرهنگی امام عصر (عج)

امام مهدی (عج)، به عنوان انسان اکمل، مظهر عالی ترین مؤلفه های فرهنگ متعال و معنوی است. بر مبنای روایات، وی متواضع ترین فرد جهان بشری در برابر خداوند بوده(۳) و در شتاب به سوی نیکی ها و بزرگواری ها، مجاهد و مجتهدی سخت کوش

۱- نهج البلاغه، ترجمه دشتی، پیشین، ص ۱۹۰.

۲- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، قم، مکتب داوری ص ۵۹۳ (به نقل از کشف الاستار)

۳- «قال الرضا(ع): یكون أشد الناس تواضعاً لله عزوجل». (ر.ک به: لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، قم، مکتب داوری ص ۴۳۶)

است. (۱)

او کمال موسی، شکوه عیسی و شکیبایی ایوب را دارد (۲)

و می توان وی را سرآمد تهجدپیشگان و شب زنده داران و ساجدان به درگاه الهی به شمار آورد. بدین خاطر هر گونه تعالی و پیشرفت در عصر ظهور، معلول عواملی است که یکی از مهم ترین آنها وجود رهبری معصوم، پاک و منزّه از هر نوع عیب و نقص و برخوردار از غایت مکارم اخلاقی است. او فقط وابسته به خدا است و بر خلاف نظام های سیاسی ملیت و سلطه طلب موجود؛ به همه ملت ها، جمعیت ها و نژادها، با چشم مهربانی و برابری نگاه می کند و فرقی بین اقوام / نژادها، ملیت ها نمی گذارد و به همه با دید یکسان می نگرد. به تعبیر امام علی بن موسی الرضا(ع):

او عالم ترین، حکیم ترین، باتقواترین، صبورترین، بخشنده ترین و عابدترین مردمان است... و اگر چشمان او به خواب رود، قلبش بیدار است... (۳)

۴: اصلاح کلیه انحرافات با تحقق عدالت

۱- «قال الرضا(ع): الجحاح المجاهد المجتهد.» (ر.ک به: همان، به نقل از: جمال الاسبوع، ص ۴۱۰)

۲- بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۸۱.

۳- مسعود پورسیدآقایی و دیگران، تاریخ عصر غیبت، چاپ دوم: انتشارات حضور، قم ۱۳۸۳ش ص ۴۳۷ و ۴۳۹. (به نقل از:

الزام الناصب، ص ۹ و ۱۰)

اگر چه توحید و خدا باوری، هسته اصلی فرهنگ، چه در دولت زمینه ساز و چه در دولت مهدوی است ولی تحقق عدالت نیز در اصلاح انحرافات اعتقادی و رفتاری این دو دولت، نقش به سزایی دارد و می توان برپایی عدالت را از مهمترین مؤلفه های فرهنگی دولت مهدوی به شمار آورد. در حقیقت کارکرد عدالت در اندیشه اسلامی و مهدوی، بیش از آن که اقتصادی باشد فرهنگی، اعتقادی و عقلانی است یعنی اجرای عدالت، کلیه اعوجاجات، انحرافات، ناموزونی ها و نبود اعتدال ها را اصلاح می کند بنابراین در خط مقدم این فرایند عدالت ورزی و معتدل سازی، اصلاح انحرافات عقیدتی و سپس اخلاقی قرار دارد و بواسطه این اصلاح و از برآیند آن، اصلاحات اقتصادی و نظام توزیعی عادلانه و ایفای سایر استحقاق ها صورت می پذیرد. البته معنا کاوی واژه عدالت نیز مؤید این ادعا است.

در توضیح بیشتر باید افزود کلمه عدل را معمولاً با چند معنی و کاربرد در اندیشه های اسلامی یاد می کنند که عبارت اند از: راستی، درستی، راست ایستادن، راست کردن یا راست و درست قرار گرفتن و نشستن، اصلاح کردن و یا ایجاد تغییر، برگشتن از یک مسیر غلط به مسیر صحیح دیگر، داد، مثل، موزون بودن، رعایت تساوی و نفی هر گونه

تبعیض، قرار دادن و نهادن هر چیز در جای خویش، رعایت حقوق افراد و دادن حق به حق دار، رعایت استحقاق ها در افاضه ی وجود توسط خدای متعال.

از سوی دیگر، «اعتدال» واجد معنای راستی، میانه روی، راست شدن، صاف شدن است همچنین مترادف های متعددی مانند ظلم، طغیان، میل، انحراف، برای جور وجود دارد.

برای تبیین بیشتر، مراجعه به معجم "لسان العرب" مفید است. "ابن منظور" در این تألیف در باب مفهوم عدل بیان می دارد که آن چه که در نفوس انسانی، مایه ی اعتدال و مرتبی و استقامت و انتظام می شود، عدالت است و چنین انسانی مستقیم و راست و درست است. (۱) متضاد آن جور است. جور در این جا مغایر راستی و درستی و اعتدال بوده و به معنی انحراف است. از منظر ابن منظور، ظلم در لغت به معنی تاریکی و شکافی است که در زمین به وجود می آید و همچنین به معنای «تجاوز از حد و قرار

۱- العدل: مقام فی النفوس انه مستقیم و هو ضد الجور. العلامه ابن منظور، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، المجلد التاسع، ۱۴۰۸ هـ-، ۱۹۸۸ م، ص ۸۳.

دادن چیزی در جای نامناسب» می باشد. (۱)

به تعبیر راغب، «ظلم تجاوز از حق را گویند، چه این تجاوز کم باشد چه زیاد. لذا در گناه بزرگ و کوچک هر دو به کار می رود» (۲)

دو معنای لغوی «راست» و «انحراف» در معنای اصطلاحی راستی و نادرستی گنجانده شده است. نیاز به گفتن نیست که مفاهیم درست و نادرست به طور التزامی در اصطلاحات «عدل» و «جور» قرار دارد؛ زیرا این دو اصطلاح اغلب در کلی ترین معنا استعمال می شوند، به گونه ای که ارزش های اخلاقی و مذهبی را در برمی گیرند. مفهوم عدل به معنای درستی و راستی، معادل مفاهیم منصفانه و انصاف است که شاید به طور دقیقتری در اصطلاح استقامت یا مستقیم و راست بودن بیان شده اند.

بدین ترتیب تحقق عدالت و رفع جور و ستم در معنای مطلق آن و مساوی با محو همه انحرافات، از جمله شرک، کفر، گناه، امیال نفسانی، و طاعنی گری های فردی و اجتماعی است همان گونه که امام علی (ع) در باره نابودی فساد اخلاقی و کلیه انحرافات در عصر ظهور فرموده اند:

۱- بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۳۷۳.

۲- العلامة الراغب الاصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۲ هـ - ۱۹۷۲ م، ص ۳۲۶.

« خداوند در در آخرالزمان مردی را بر می انگیزد که کسی از منحرفان و فاسدان نمی ماند مگر این که اصلاح گردد»^(۱)

و بدیهی است که این هدف بزرگ در حوزه فرهنگ بشری ، با کارویژه عدالت محقق می گردد همچنان که پیامبر اکرم (ص) می فرماید:... او زمین را از قسط و عدل پر می کند همان گونه که پیش از آن از ستم و جفا کاری پر شده بود...^(۲)

بدین ترتیب ، کارویژه اصلاحی و ترجیحاً فرهنگی عدالت ، شامل تصحیح و راست نمودن کلیه جوامع و افراد بشری و حتی فاجران آنها نیز می گردد و این معنا در روایات و از جمله در روایتی از امام حسین(ع) به صورت زیر نقل شده است :

«... اذا قام قائم، العدل وسع وسعه عدل البر و الفاجر ^(۳) هنگامی که قائم قیام می کند، عدل گسترده می شود و این گستردگی عدالت، نیکوکار و فاجر را در بر می گیرد».

۱- « یبعث الله رجلاً فی آخرالزمان ولا یبقی طالح ال صلح » اثباه الهدی ، ج ۳، ص ۵۲۴.

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، قم، دارالکتب الاسلامیه، [بی تا]، ج ۵۱، ح ۳۵، ص ۸۴.

۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، قم، دارالکتب الاسلامیه، [بی تا]، ج ۲۷، ح ۲۴، ص ۹۰، باب ۴

امام خمینی (ره) در فراز بسیار زیبا و بلیغی این کارویژه فرهنگی، تربیتی و اصلاح گرایانه، مطلق و موسّع از عدالت را چنین بیان فرموده است:

هر یک از انبیا که آمدند، برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت را در همه عالم بکنند لکن موفق نشدند. حتی رسول ختمی - صلی الله علیه و آله و سلم - که برای اصلاح بشر آمده بود و برای اجرای عدالت آمده بود و برای تربیت بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا، و آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت. انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش این ایجاد عدالت است در انسان. اگر اخلاقش اخلاق منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد، این عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید یک انحرافات و کجی هایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان.

وقتی که ایشان ظهور کنند... تمام بشر را از انحطاط بیرون می آورد، تمام کجیها را راست می کند: *يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جَوْرًا* همچو نیست که این عدالت همان که ماها از آن می فهمیم که نه یک حکومت عادلانه باشد که دیگر جور نکند آن، این هست اما خیر، بالاتر از این معناست. ... تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست. حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافات هست ولو خودش نداند. در اخلاقها انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می کند انحرافش معلوم است. و ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجیها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال ... از این جهت، این عید، عید تمام بشر است... تمام بشر را ایشان هدایت خواهند کرد ان شاء الله، و ظلم و جور را از تمام روی زمین بر می دارند به همان معنای مطلقش. (۱)

۵: اعتلای فرهنگ در گرو تحقق کامل امر به معروف و نهی از منکر

در عصر ظهور ابعاد معنوی فرهنگ در بستر احیای امر به معروف و نهی از منکر تحقق می یابد و «مهدی و یاران او امر به معروف و نهی از منکر می کنند»^(۱) و خداوند به وسیله حضرت مهدی(ع) این امت را پس از آن که تباه شده اند، اصلاح می کند^(۲).

و او آثار گمراهی و هوا و هوس را نابود خواهد کرد؛ همان طور که در دعای ندبه که آهنگ فراق و نوای جدایی از امام غایب بوده، این اشاره آمده است:

«کجاست آن که ریسمان های دروغ و افترا را خواهد گسیخت؟ کجاست آن که آثار گمراهی و هوی و هوس را نابود خواهد کرد؟»

بر همین منوال، امام هیچ بدعتی را و نمی گذارد، مگر این که آن را ریشه کن کند و از هیچ سنتی الهی نمی گذرد، مگر این که آن را برپا نماید.^(۳)

بدین ترتیب، عصر ظهور، با انجام بهینه این دو فریضه الهی و اصلاحی، دوران تکمیل و متمم مکارم اخلاقی و معنوی خواهد بود؛ دوره ای که با عملیات اصلاحی دولت

۱- «قال الباقر(ع): المهدي و أصحابه... يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر». ر.ک به: محمد بن ابراهیم جعفر نعمانی، الغیبه، ترجمه محمدجواد غفاری، ص ۲۴۲، روایت ۲۶، انتشارات صدوق، قم ۱۳۷۶ شمسی)

۲- «قال النبی(ص): ... لیصلح الأمة بعد فسادها.» (بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۳)

۳- «قال الباقر(ع): ... و لا یتروک بدعه إلا أزالها و لاسنه إلا أقامها.» (بحار الأنوار، ج ۵۸، روایت یازدهم)

مهدوی، آدمیان به نهایت تزکیه نفسانی، بلوغ و تکامل اخلاقی و فرهنگی می‌رسند و ایمان آنها از حیث عقیدتی و عمل کامل می‌شود و در نتیجه، مسلمانان و مؤمنان عزت می‌یابند و منافقان و بی‌دینان ذلیل می‌گردند؛ همان گونه که در دعای افتتاح، این وضعیت آرمانی و دولت کریمه مطالبه گردیده است.

به تعبیر امام علی بن موسی الرضا(ع)، امام عصر(عج) در حوزه انجام معروفات و ترک منہیات شرعی و اخلاقی، خود پیش‌قراول بوده و پیش از همه به اوامر و نواهی الهی آمر و عامل می‌باشد:

او برای مردم از خودشان سزاوارتر، از پدر و مادرشان مهربان‌تر و در برابر خداوند از همه متواضع‌تر است. آن چه به مردم فرمان می‌دهد، خود بیش از دیگران به آن عمل می‌کند و آن چه مردم را از آن نهی می‌کند، خود بیش از همگان از آن پرهیز می‌کند... (۱).

۶: نظامنامه و میثاق فرهنگی دولت مهدوی

۱- پورسیدآقایی و دیگران، تاریخ عصر غیبت، پیشین، ص ۴۳۷ و ۴۳۹

در مجموعه دعاهای حضرت مهدی (ع) که «صحیفه مهدیه» یا «صحیفه المهدی»^(۱) نامیده می شود نیز می توان نظام فرهنگی دولت مهدوی را مشاهده کرد در یکی از معروف ترین این ادعیه^(۲)

امام عصر (عج) ضمن درخواست هدایت الهی برای خود و امتش از خداوند متعال توفیق فرمان برداری، شناخت و معرفت، جدیت و شوق و رغبت به علم آموزی، زهد و بی رغبتی به دنیا، نصیحت و خیرخواهی، نیت پاک و بی آرایش، رأفت و رحمت، وقار و متانت توبه، حیا و عفت، تواضع و سعه صدر، صبر و قناعت، پایداری، دادگری و مهربانی، انصاف و سرشت نیکو مسئلت می نماید و از خداوند برای اصناف مختلف امت اسلامی، پرهیز و دوری از: گناه و نافرمانی، غذای حرام و شبه ناک، ظلم و تعدی، خیانت، سخنان بیهوده و غیبت، را طلب می فرماید.^(۳)

۱- برای نمونه ر.ک به: جواد قیومی اصفهانی، صحیفه المهدی، تحقیق مؤسسه النشر الاسلامی، قم، [بی تا]؛ سیدمرتضی مجتهدی، صحیفه مهدیه، ترجمه محمدحسن رحیمیان، انتشارات دارالثقلین، قم ۱۳۷۹ شمسی.

۲- [۲] اللهم الرزقنا توفیق الطاعه و بعد المعصیه و....

۳- ابراهیم بن علی الكفعمی، مصباح الكفعمی، ص ۲۸۱، منشورات اسماعیلیان، قم، [بی تا].

نظام و منشور فرهنگی دولت مهدوی در پیمان نامه حضرت با یارانش نیز قابل مشاهده است آنجا که امام مهدی(ع) با یاران عابد و زاهد خود جهت شروع عملیات اصلاحی و الهی عدالت گسترش، میثاقی می بندد که به واقع می توان از آن به منشور فرهنگی دولت طیبۀ مهدوی یاد کرد :

با او بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند، زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا و نقره و گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم را نخورند، در مورد چیزی که یقین ندارند گواهی ندهند، مسجدی را خراب نکنند، مشروب نخورند، حریر و خز نپوشند، در برابر سیم و زر سرفروود نیاورند، راه را بر کسی نبندند، راه را ناامن نکنند، از اعمال منافی عفت اجتناب کنند ، خوراکی را انبار نکنند، به کم قناعت کنند، طرفدار پاکی باشند، از پلیدی گریزان باشند، به نیکی فرمان دهند، از زشتی ها باز دارند، جامه های خشن بپوشند، خاک را متکای خود سازند، در راه خدا حقّ جهاد را ادا کنند و...^(۱)

امام عصر(ع) نیز در بیان دیگری خود را مکلف به این بیعت نامه و منشور فرهنگی دانسته اند(۱)؛

امام مهدی(ع) بر مبنای همین میثاق الهی و فضیلت مدارانه، «یارانش را در همه شهرها پراکنده می کند و به آنان دستور می دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنان را فرمان روایان اقلیم های مختلف می گرداند و به آنان فرمان می دهد که شهرها را آباد سازند»(۲).

به همین دلیل، حاصل چنین سیره الهی و فرهنگی، همانطور که پیامبر (ص) می فرماید تعظیم و تکریم امت اسلامی خواهد بود(۳) و بنا به فرموده امیرمؤمنان(ع) ،

۱- منتخب الاثر، پیشین، ص ۴۶۹.

۲- قال الصادق(ع): «يفرق المهدي أصحابه في جميع البلدان و يأمرهم بالعدل و الإحسان و يجعلهم حكماً في الأقاليم و يأمرهم بعمران المدن» (ر.ك به: تاريخ عصر غیبت پیشین، ص ۴۸۳. به نقل از: الامام المهدي، ص ۲۷۱)

۳- سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق علی کرمی و سید محمد حسینی، ص ۷۵۰ - ۷۵۱، نشر الهادی، قم. (به نقل از: عقدا الدرر، انتشارات مسجد جمکران، باب ۷، ص ۱۴۴)؛ منتخب الاثر، ص ۴۷۳.

رعایت فرهنگ الهی و انسان دوستانه در عصر ظهور منجر به آزادی کلیه بردگان، پرداخت کلیه بدهی بدهکاران و دیون کشته شدگان، و پرداخت همهٔ مظالم می گردد(۱).

۷: تعالی فرهنگی بر مبنای تربیت و آموزش

در نظام مهدوی، آدمیان به نهایت تزکیه و بلوغ و تکامل اخلاقی و فرهنگی می رسند، فساد و انحراف ها اصلاح گشته و کینه های بندگان از دل هایشان زدوده می گردد(۲).

و غنا و بی نیازی جای حرص و طمع را خواهد گرفت.(۳) الگوی توسعه فرهنگی در سیره معصومان(ع)، به ویژه معصومانی که فرصت تشکیل حکومت یافته اند، تلاش برای نیروسازی و تربیت و آماده سازی آن ها بوده است؛ نگاه به سیره امام علی (ع) در این زمینه راهگشا است از جمله ایشان در نامه ۴۵ نهج البلاغه به عثمان بن حنیف _ فرماندار بصره _ در باره ضرورت بینش دهی و تعلیم امت توسط امام فرموده است: «بدان هر پیروی، پیشوائی دارد و به او اقتدا می کند و از نور علم وی منور و آگاه

می

۱- سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق علی کرمی و سید محمد حسینی، ص ۶۷۲-۶۷۱ (به نقل از: تفسیر عاشی، ج ۱، ص ۶۶)

۲- «و یرفع الشحناء و التباض»، ابن طاووس، ملاحم، ۱۵۲.

۳- «و یرفع الشحناء و التباض»، ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۱.

شود» (۱) و نیز فرمود: «بر امام است که به افراد تحت ولایت خویش اسلام و ایمان را بیاموزد» (۲)

بر مبنای همین سیره علوی در روایات آمده است که امام عصر (ع)، در آن حیات طیبه موعود؛ خود به تعلیم و تفسیر واقعیت های قران به مردم همت می گمارد و بواطن نامکشوف این مصحف شریف را برای آنها تشریح می کند. و این گسترش فرهنگ علم آموزی و حکمت در جامعه بشری به گونه ای خواهد بود که به فرموده امام باقر (ع) در زمان مهدی به مردم حکمت یاد می دهند (۳)

تا جائیکه زنان خانه دار هم حکمت می آموزند و بی نیاز از دیگران بر اساس احکام الهی و نبوی به قضاوت می پردازند (۴).

۱- علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام، (بی جا)، (بی نا) ۱۳۹۲ ق، نامه ۴۵، بند ۲، ص ۹۶۶.
 ۲- عبدالواحد التیمی الا-مدی، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، بیروت، موسسه الا-علمی للمطبوعات، ۱۴۰۷، ص ۳۱۸.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۴- «.... توتون الحکمه فی زمانه حتی إن المرئه لتقضى فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنه رسول الله.» (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲)

از امام علی(ع) وضعیت شگرف آموزشی و تربیتی عصر ظهور، چنین توصیف شده است:

« گویا شیعیانم را می بینم که در مسجد کوفه گرد آمده اند و با برپایی چادر هایی، مردم را به همان ترتیبی که قرآن فرود آمده بود، آموزش می دهند»^(۱)

کانون این نظام گسترده آموزشی و فرهنگی مساجد خواهد بود و در عصر ظهور مساجد فراوان و عظیمی ساخته خواهد شد همانطور که امیر مؤمنان خبر از ساخت مسجدی در این عصر می دهد که در شهر "حیره" بنا گشته و دارای پانصد در و دوازده امام جماعت خواهد بود^(۲) و حتی ساخت گسترده مساجد در کلی نواحی عالم مانند قسطنطنیه و حوالی آن به فراوانی صورت خواهد گرفت^(۳)

افزون بر این، امام صادق(ع) خبر داده است که در این زمان در بیرون شهر کوفه (ظهر الکوفه) مسجدی با هزار در

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴، نعمانی، غیبه، ص ۳۱۸..

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵.

۳- احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۱۲.

خواهد ساخت (۱)

و امام باقر نیز در روایتی، امام عصر را سازنده مسجدی با هزار در در منطقه ایی به نام "عَرِي" معرفی نموده است (۲).

۸: محو جهالت و تکامل عقلانیت در فرهنگ مهدوی

درنگرش توحیدی عقل جایگاهی بس بالا- و والا- دارد همچنان که پیامبران الهی در پرتو عقل توانستند بشر را در جهت سعادت دنیوی و اخروی هدایت کنند، در دولت مهدوی نیز در پرتو هدایت حضرت مهدی (ع) عقلها نیز به رشد و کمال وافی رسیده و شکوفا می گردند. و با افزایش بصیرت عمومی؛ کوته بینیها، تنگ نظریها و افکار دون و ناپسند از جامعه رخت می بندد است. عقول مردم در دوره ظهور به بالا-ترین مرحله کمال خویش می رسد؛ امام باقر (ع) در همین باره می فرماید وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان می کشد و عقل آنها زیاد می شود و به واسطه این رشد عقلی، اخلاق آنها نیز کامل می گردد. (۳) بسیار بدیهی است که اولین لازمه این تکامل عقلانی، محو کامل جهالت است.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ۳۳۰.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ منتخب الأثر، ص ۴۸۲. گفتنی است که در برخی کتب روایی (کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵) به جای «أخلاقهم»، «أحلامهم» آورده شده است، یعنی حضرت قائم آرمان ها، آرزوها و فرزاندگی آنان را به تمامیت می رساند.

بدین ترتیب می توان گفت که کمال عقلانیت بشری در دوره ظهور، ضامن اعتلای فرهنگ و مدنیت است. افزون بر این، روایات فراوان دیگری بیان گر آن است که در عصر مهدوی، شکوفایی دانش بشری بدانجا می رسد که ۲۵ حرف از ۲۷ حرف کل دانش، کشف و در میان مردم منتشر می شود؛ همان گونه که امام صادق (ع) به تفصیل این شکوفایی علوم و بالندگی فن آوری را بیان نموده است. (۱)

بسیار هویداست که در این دوره طلایی فرهنگ و معرفت بشری، ارزش های الهی و انسانی

و مکارم اخلاقی در وجوهی متعالی بر جوامع انسانی حاکم می گردند

۹: تأمین رفاه ضامن اعتلای فرهنگ

اعتلای فرهنگ بدون توجه به رفاه و وضعیت معیشتی مردم در واقع فاقد معنای لازم است و در اسلام توجه به «معاد» و «معاش» با هم دیده شده و همین دو لازم و ملزوم هم دانسته شده اند. این تلازم در عصر ظهور در نهایت کمال محقق می گردد و همه

انسان ها و به ویژه مؤمنان از حیث معیشت و رفاه به عالی ترین سطوح ممکن خواهند رسید. توصیف پیامبر(ص) از این وضعیت بدین صورت است:

در آن زمان، امت من چنان از نعمت برخوردار شوند که هرگز امتی آن چنان از نعمت برخوردار نشده باشد؛ سرتاسر زمین محصول دهد و هیچ چیز را از آنان دریغ ندارد، اموال انبوه شود. هر کس نزد مهدی آید و بگوید به من مالی ده او بی درنگ می گوید: بگیر. (۱)

استنتاج

نگاهی اجمالی به وضعیت تمدن و فرهنگ دنیای معاصر بخوبی نشان می دهد که اگر چه با سرعت سرسام آوری بر پیشرفت های مادی و تمدنی بشر افزوده می گردد ولی رشد تمدن مادی و یا به عبارتی رشد بخش مادی فرهنگ با بخش معنوی آن ، همراه نبوده و جهان شاهد پسرفت در حوزه فرهنگی است و فراورده های معنوی فرهنگ همانند اخلاق و دین باوری با توسعه ایی موزون ، همپا با تمدن و فناوری های مادی ارتقا و تعالی نیافته اند لذا وضعیت فرهنگی موجود چه در جهان کنونی و چه در جهان اسلام از شرایط مطلوبی برخوردار نیست و حتی کشور ما نیز از این آسیب

مصون نمانده است و به همین دلیل انجام اصلاحات فرهنگی جهت تمهید ظهور دولت موعود، ضروری به نظر می رسد.

آن چه از این مباحث استنتاج می شود آن است که چون بنیاد اصلی فرهنگ و تمدن اسلامی خدامحوری و اسلامیت آن است (۱)،

تقرب بیشتر به این اصل و پاسداشت افزونتر آن نیز شرط اصلی بقا و اعتلای مجدد فرهنگ اسلامی و تمهید زمینه ظهور به شمار می رود زیرا دین فقط یک عامل از عوامل تشکیل دهنده فرهنگ نیست بلکه واقعیت دین داری، کل فرهنگ را تشکیل می دهد و هر چیزی از وحی الهی نشأت می گیرد

این نوشتار تلاش نموده تا این مدعا را ثابت کند که آسیب پذیری و انحطاط در جوامع فعلی، بیشتر از ناحیه فرهنگی است تا تمدنی و تکنیکی، به همین دلیل احیاء فرهنگی و اعتلای جوانب معنوی فرهنگ، واجد نقش بی بدیل و راهبردی در زمینه سازی ظهور و حتی در دولت مهدوی است و می توان تحقق توحید و سپس عدالت را

۱- برای تایید این مدعا می توان به نظر مرحوم علامه محمدتقی جعفری نیز استناد جست، که معتقد بودند: "عدالت" و "کرامت انسانی" نیروهای اصلی نگاهدارنده و پایدارکننده تمدنها هستند که در قالب اعتراف انسان به حقانیت الهی نهفته اند و اگر انسان آن را اقرار نکند سقوط قطعی است. (رک. جعفری، محمدتقی، «عدالت و کرامت انسانی نیروهای اصلی نگاهدارنده تمدنها هستند»، جام، شماره ۲۷، تیر ۱۳۷۳، صص ۴۹، ۵۰).

در اصلاح انحرافات اعتقادی و رفتاری، از مهمترین مؤلفه های فرهنگی و راهبردهای دولت مهدوی به شمار آورد .

اگر چه توحید و خدا باوری، هسته اصلی فرهنگ، چه در دولت زمینه ساز و چه در دولت مهدوی است ولی تحقق عدالت نیز در اصلاح انحرافات اعتقادی و رفتاری این دو دولت، نقش به سزایی دارد و می توان برپایی عدالت را از مهمترین مؤلفه های فرهنگی دولت مهدوی به شمار آورد . در حقیقت کارکرد عدالت در اندیشه اسلامی و مهدوی، بیش از آن که اقتصادی باشد فرهنگی و اعتقادی است یعنی اجرای عدالت کلیه اعوجاجات، انحرافات، ناموزونی ها و نبود اعتدال ها را اصلاح می کند.

از دیگر مؤلفه های اعتلای فرهنگی در زمینه سازی ظهور و حتی در دولت مهدوی می توان به تعالی معنوی و اخلاقی، تحقق کامل امر به معروف و نهی از منکر، محو جهالت و تکامل عقلانیت، رهبری و مدیریت صالحان، تربیت و آموزش، و تأمین رفاه اشاره کرد که فرایند اصلاح انحرافات و تکمیل مکارم اخلاقی را تحت پیشوایی امام معصوم (ع) و جانشینان منصوص او در دوره قبل و بعد از ظهور به سامان می رسانند و زمینه حاکمیت فرهنگ توحیدی و مهدوی را فراهم می سازند.

فصل دهم: بایسته ها و شاخصه های علمی جامعه و حکومت زمینه ساز

اشاره

نماد حکومت مهدوی و عصر ظهور، تکامل و تعالی بنیادین انسان ها و جوامع بشری در ابعاد معنوی و فرهنگی است و اگرچه در ابعاد مادی تمدنی نیز این پیشرفت به وفور ملاحظه می گردد اما کارویژه و محور اصلی این حکومت، انجام اصلاح فرهنگی آنهم در حوزه معنویت و اخلاق، با ابتنا به فرهنگ توحیدی است و اعتلای فرهنگی مقدم بر ارتقا ابعاد مادی تمدنی است.

بدین ترتیب بی گمان، فرهنگ و فرایند اصلاح فرهنگی واجد نقش بی بدیل و راهبردی در زمینه سازی ظهور است.

یکی از ستون های اصلی فرهنگ، در کلیه ظروف زمانی و مکانی، علم و عقلانیت است و در واقع، ماهیت و جهت گیری علم

و علم آموزی، صورتبندی و سمت و سوی فرهنگی هر کشور و جامعه ای را مشخص می کند. در توضیح بیشتر باید افزود که امروزه از «فرهنگ» به عنوان مجموعه ای کیفی شامل ارزش ها، فراورده های علمی، هنری، مذهبی، فلسفی، و تجلیات فکری، ذوقی و عاطفی یاد می نمایند که با ویژگی مهم «آفرینندگی» ضامن حیات جوامع انسانی و تمدن بشری است و بدیهی می نماید که چنین آفرینندگی و خلاقیت، بدون بهره وری از علم و عقلانیت و ابتناء بر آن، قابل تحقق نیست.

در روایات متعددی عصر ظهور، دوره رشد و ترقی علوم و فنون، و شکوفایی و کمال عقلانیت بشری به شمار آمده است و عالم بشری و جامعه توحیدی مهدوی، با توسعه و ارتقاء علمی شگرف و بی سابقه ای روبرو خواهد گردید. با چنین اوصافی می توان بخوبی استنباط نمود که یکی از بایسته ها و شاخصه های اصلی جامعه و حکومت زمینه ساز هم، می بایستی در حوزه توسعه علمی و ارتقاء دانش باید باشد و این وظیفه بر دوش دانشگاه ها و حوزه های علمیه گذارده شده است.

اما سؤال اصلی که پرسش این پژوهش نیز می باشد این است که این علم زمینه ساز، و مقبول و ممدوح در منابع اسلامی دارای چه ماهیتی بوده و بایسته ها و شاخصه های اصلی آن کدام است؟ و اساساً جامعه و دولت زمینه ساز و مراکز علمی می باید به دنبال چگونه علمی در بستر سازی ظهور بوده و معلمین و متعلمین چنین علمی از چه ویژگی های باید برخوردار باشند؟

مفروض اصلی نوشتار حاضر بر این مدعا پی ریزی شده که « به نظر می رسد که منظور از علم متعالی، مقبول و ممدوح در روایات اسلامی، علم نافع می باشد و این علم و ویژگی های آن مانند: در مسیر عبودیت الهی، عقلانی، کاربردی و خیر بودن و برخوردار از خصیصه اصلاح گری و هماهنگی با فطرت و ضدیت آن با هواهای

نفسانی و ...؛ به خوبی در آموزه های روایی تعریف شده است و این تعاریف از علم نافع؛ در بردارنده نوعی مهندسی و الگوسازی برای اکتساب و آموزش و تعلم و تعلیم دانش در جامعه و حکومت زمینه ساز است». همچنین و بر این مبنا؛ می توان از نتایج چنین پژوهشی، نقش علمی دانشگاه ها و حوزه های علمیه را در زمینه سازی ظهور تبیین نمود و از راهکارهای مهم علم آموزی صحیح و منطبق با آموزه های اسلامی، در عرصه های علمی، دانشگاهی و حوزوی و در راستای تمهید ظهور، سود جست.

گفتار اول: تعالی و پیشرفت همه جانبه علمی و عقلانی در عصر ظهور

در جهان بینی توحیدی، علم و عقل جایگاهی بس متعالی و والا- دارد. عاقلان و عالمان نیز از حرمت و کرامت ویژه ای برخوردارند. یکی از امتیازات پیامبران الهی برتری عقلی آنان بر دیگران بوده است، آنان در پرتو عقل توانستند بشر را در جهت سعادت دنیوی و اخروی هدایت کنند، در احادیث آمده است که انجام فرایض دینی به تنهایی نشان گر کمال و تعالی شخصیت انسان نیست، بلکه کمال ربانی عقل، نشان دهنده تکامل شخصیت انسان است و وی را به معرفت درست خداوند رهنمون نموده و در حوزه عمل او را به تسلیم در برابر اوامر و نواهی الهی بر می انگیزد. همانطور که علم و

دانش یکی از مکارم و مفاخر انسانی است و حضرت آدم (ع) به دلیل این که از موهبت «علم الاسماء» بهره مند بود، مسجود فرشتگان گردید.

در عصر حکومت جهانی مهدوی هم دانش بشری به دستاوردهایی مافوق تصور می رسد و در پرتو هدایت حضرت مهدی(ع) عقلها نیز به رشد و کمال وافی رسیده و شکوفا می گردند. و با افزایش بصیرت عمومی؛ کوتاه بینها، تنگ نظریها و افکار دون و ناپسند از جامعه رخت می بندد زیرا که امام عصر(ع)، به عنوان عالم ترین و عابد ترین فرد در کره خاکی، مدیریت جامعه انسانی را بر عهده می گیرد همچنان که امام رضا(ع) در باره ایشان می فرماید:

« دلالتہ فی خصلتین ، فی العلم و استجابہ الدعوہ (۱)...یکون

اعلم الناس ، و احکم الناس ، و اتقی الناس ، و احلم الناس ، و اسخی الناس ، و اعبد الناس... و تنام عیناه و لا ینام قلبه... (۲) »

۱- ابی جعفر محمد بن الصدوق ، (ابن بابویه القمی) ، الخصال ، ج ۱ ، جامعه مدرسین ، قم ، ۱۳۶۲ ش ، ص ، ۱۷۰

۲- علی الیزدی الحائری ، الزام الناصب فی اثبات الحجج الغائب عجل فرجه ، تهران ، نشر داود ، ۱۳۷۹ ، ص ۹.

« مهدی (عج) دو نشانه بارز دارد که با آن شناخته می شود، یکی دانش بیکران و دیگری استجابت دعا... او دانا ترین، حکیم ترین، پرهیز کار ترین، بردبارترین، بخشنده ترین و عابد ترین مردمان است... دیدگانش در خواب فرو می رود ولی دلش همیشه بیدار است... »

امام علی(ع)، دانش امام عصر را از همه افزون تر و مرحمتش را از همه گسترده تر می داند(۱)و

امام باقر(ع) ریشه داری علم به کتاب خدا و سنت پیامبر(ص)، در دل مهدی(ع) را اینگونه توصیف نموده است:

«انَّ العلم بکتاب الله و سنَّه نبیه لینبت فی قلب مهدینا کما ینبت الزرع علی احسن نباته»(۲)

علم به کتاب خدا و سنت پیامبر در دل مهدی ما ریشه می دواند آن چنان که گیاه در دل مساعدترین سرزمین ها ریشه می دواند. «

۱- « اکثر کم علماً ، و ارحمهم رحماً »، (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۱۵، ۵۱)

۲- مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ۳۱۷، صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، بی تا، ۳۰۹.

امام صادق علیه السلام در بیانی بلیغ، از گوشه ایی از پیشرفتهای علمی آن عصر چنین یاد می فرماید:

« دانش بیست و هفت حرف است. همه علومی که پیامبران برای مردم آورده اند تنها دو حرف بیش نبوده، و مردم تا به امروز جز آن دو حرف را نشناخته اند؛ ولی وقتی قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را ابراز می کند و آن را در میان مردم گسترش می دهد، آنگاه آن دو حرف را نیز ضمیمه می کند، و همه بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر می نماید. [\(۱\)](#)»

روایات دال بر تبیین وضعیت عصر ظهور، بیانگر آن است که عقول مردم در دوره ظهور به بالاترین مرحله کمال خویش می رسد به فرموده امام باقر علیه السلام:

«...من قام قائمنا، وضع یده علی رؤس العباد فجمع بها عقولهم.» [\(۲\)](#)

«وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان کشیده و عقل آنها زیاد و فهمشان بالا می رود». در دولت جهانی مهدوی، حتی دانش و بینش، آگاهی و شناخت صحیح، مفید، سازنده

۱- مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ۳۳۶.

۲- مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ۳۲۸.

و کارگشا در خانه ها گسترش می یابد و حلقه های درس و بحث برای زن و مرد در کران تا کران جامعه بشری برقرار می شود به فرموده امام باقر علیه السلام: ... توتون الحکمه فی زمانه حتی انّ المرأه لتقضى فی بیتها بکتاب الله و سنّه رسوله. (۱) ... به مردم زمان قائم علیه السلام آنچه حکمتی عطاء خواهد شد که حتی زن در کانون خانه خویش بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش عادلانه و آگاهانه داوری می کند و نیازی به دیگری ندارد. علاوه بر تبیین وضعیت عالی دانش و بینش بشری در عصر ظهور، این روایت بیانگر این واقعیت است که مردم در روزگار حاکمیت آن حضرت، بر اساس آداب و مقررات دینی تربیت شده و احکام شریعت را آموخته و بر پایه ایی از فرهنگ و فرهیختگی سیر می نمایند که حتی یک بانوی خانه دار می تواند بر اساس مقررات کتاب خدا و سیره عادلانه پیام آور بزرگ وی، قضاوت کند.

همچنین عصر مهدوی مبتنی بر استدلال و براهین عقلی است. بر مبنای آنچه که از روایات بر می آید، محور کار حضرت مهدی، هدایت جامعه بشری است و بدیهی است اصل و اساس هدایت می بایستی مبتنی بر اقناع باشد. روایات بسیاری و بویژه

روایت امام باقر (ع) نیز دال بر این مطلب است که حضرت از همان ابتدای ظهور، کتب بدون تحریف زبور، تورات، انجیل و... را پیدا کرده و بر اساس نُسخ اصل آنها با اهل کتاب محاجّه، استدلال و گفتگو کرده و بر آن اساس بر آنها حکم می راند تا آنکه ایشان به دین اسلام و حکومت جهانشمول مهدوی هدایت گردند. (۱)

در مجموعه دعاهای حضرت مهدی

که «صحیفه مهدیه» یا «صحیفه المهدی» نامیده می شود نیز علم و معرفت خواهی و اقتران آن با فرهنگ توحیدی، عبودیت، تقوا، و اصلاح گری و مقابله با هواهای نفسانی موج می زند:

اللهم ارزقنا توفيق الطاعة ، و بعدالمعصيه ، و صدق النيه و عرفان الحرمة و اكرما بالهدى و الاستقامه و سدّد السنننا بالصواب و الحكمة و املا قلوبنا بالعلم و المعرفة و طهر بطوننا من الحرام و الشبهه ...وتفضّل على علمائنا بالزهد و النصيحة ، و على امتعلمين بالجهد و الرّغبة و على المستمعين بالاتباع و المواعظه

۱- محمدباقر مجلسی، مهدی موعود، ج ۲، (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ترجمه علی دوانی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۲۸.

بار الها! به ما توفیق فرمان برداری و پرهیز از گناه و نافرمانی و نیت پاک و بی آلایش و شناخت و معرفت به آن چه نزد تو ارزش مند است، عطا فرما و ما را به هدایت و پایداری تکریم نما و زبان ما را به صدق و صواب بر کلام حکیمانه و شایسته گویا ساز و دل ما را از علم و معرفت لب ریز فرما و شکم ما را از اطعام حرام و شبهه ناک پاک گردان و دست ما را از ظلم و تعدی و تجاوز باز دار و چشم ما را از گناه و خیانت محفوظ دار و گوش ما را از شنیدن سخنان بیهوده و غیبت مسدود گردان! به دانش مندان ما زهد و بی رغبتی به دنیا و نصیحت و خیرخواهی و به دانش آموزان ما جدّیت و شوق و رغبت ادا فرما! و...

«(۱)»

این عبارت زیبا، بلند و متعالی از ادعیه امام عصر(ع)، به روشنی نشان می دهد که در اندیشه اسلامی و مهدوی، علم و آموزش آن، بدون ابتدا بر مبادی ایمانی و توحیدی فاقد فایده واقعی، معنا و دلالت لازم می باشد و جامعه و حکومت منتظر و زمینه ساز نیز، باید به دنبال چنین علم توحیدی در تمهید ظهور باشند..

۱- ابراهیم بن علی الکفعمی، مصباح الکفعمی، قم، منشورات اسماعیلیان، [بی تا]، ص ۲۸۱.

گفتار دوم: فضیلت علم نافع

علم آموزی از مسلم ترین و پسندیده ترین معروفات اسلامی است که هم آیات الهی و هم روایات معصومین (ع) بر این مطلب به وضوح، تصریح نموده اند. قرآن در سوره زمر آیه ۹، اهل علم و دانشمندان را به هیجوجه با نادانان یکسان نمی شمارد فهم این نکته را از ویژگی های خردمندان به شمار می آورد (۱).

همچنانکه در آیه یازده سوره مجادله، آمده است که خداوند متعال، مقام اهل ایمان و دانشمندان را رفیع می گرداند (۲).

همچنین در روایات متعددی؛ علم به عنوان

سرسلسله و غایت بسیاری از خیرات و فضائل بشمار آمده است و - همانطور که شواهد آن ارائه خواهد گردید - بدون شک منظور از چنین علمی، علم نافع می باشد.

به عنوان نمونه پیامبر اکرم (ص) در فضیلت دانش، بیانات فراوانی دارند از جمله فرموده اند:

« العلم رأس الخیر کله ، والجهل رأس الشر کله (۳)... العلم

حیاه الا سلام و عماد الدین (۴).. طلب العلم افضل عندالله من الصلاه و الصیام و الحج و الجهاد فی سبیل

۱- قل هل یتسوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون انما یتذکر اولوالالباب

۲- یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اتوا العلم درجات

۳- محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۷، تهران، اسلامیه، بی تا، ص ۱۷۵.

۴- علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق، خ ۲۸۶۶۱.

الله (۱)...

طالب العلم رکن الا سلام و يعطى اجره من النبیین (۲)...

اقرب الناس من درجه النبوه اهل العلم و الجهاد (۳)... العلم

افضل من العباده (۴)...

فضل العالم على العابد كفضل القمر على سائر النجوم... ان الفضل العالم على العابد كفضل الشمس على الكواكب (۵)...

والذى نفس محمد بيده ، العالم واحد اشدّ على ابليس من الف عابد لأنّ العابد لنفسه

والعابد لغيره (۶)

علم در رأس کلیه امور خیر قرار دارد همچنان که در رأس کلیه امور شر ، جهل جای گرفته است... علم مایه حیات اسلام و ستون دین است... جوینده دانش ، رکن اسلام می باشد و به او همانند پیامبران اجر و پاداش داده خواهد شد... نزدیک ترین مردم به درجه نبوت ، اهل علم و جهاد هستند... علم از عبادت با فضیلت تر است... فضیلت و برتری عالم بر عابد ، همانند برتری و فضیلت ماه و یا خورشید بر سایر ستارگان است... قسم به آن کسی که جان محمد در دست اوست تحمل وجود یک عالم برای شیطان از تحمل هزار عابد ، سخت تر است زیرا [فایده] عابد برای نفس خویش است و [فایده] عالم برای دیگران است «

۱- کتزالعمّال ، خ ۲۸۶۵۵.

۲- کتزالعمّال ، خ ۲۸۷۲۹.

۳- ملا محسن فیض کاشانی ، مهجه البيضاء فی تهذیب الاحیاء ، ج ۱، شرح علی اکبر غفاری ، قم، انتشارات اسلامی ، بی تا ، ص ۱۴.

۴- کتزالعمّال ، خ ۲۸۵۷.

۵- بحارالانوار ، ج ۲ ، ص ۱۹.

۶- کتزالعمّال ، خ ۲۸۹۰۸ ، میزان الحکمه ، ج ۷ ، ص ۴۶۱.

چنین تعابیر ارجمندی از مقام علم و جویندگان دانش نیز، در کلام امام علی (ع) به کرات وارد شده است از جمله فرموده اند :

« راس الفضائل العلم ، غایه الفضائل العلم (۱)... لا شرف کا لعلم (۲)..»

لا کتر انفع من العلم (۳).. العلم حیاه (۴)... العلم

افضل هدایه (۵)... العلم

مصباح العقل (۶)... العلم حرز (۷).. رأس العلم التمییز بین الاخلاق ، و اظهار محمودها و قمع مذمومها (۸)..»

علم در رأس کلیه فضائل قرار دارد ، و غایت همه فضائل علم می باشد... هیچ شرفی و هیچ گنجی مانند علم نیست.. علم مایه حیات است... برترین و با فضیلت ترین هدایت ؛ علم می باشد... چراغ عقل ، دانش است... علم دژی مستحکم است... سر و رأس دانش ، عبارت از متمایز سازی اخلاق، و اظهار موارد پسندیده آن ، و از میان برداشتن اخلاقیات ناپسند و مذموم است»

بدیهی است چنین تکریمی از علم ، فقط مختص علم نافع است و در روایات بسیاری بدین مطلب ، تصریح گردیده است ، به عنوان مثال ؛ امام باقر (ع) در این باره فرموده

۱- میزان الحکمه ، ج ۷، ص ۴۴۷.

۲- علی ابن ابیطالب (ع) ، نهج البلاغه ، ترجمه و شرح محمد دشتی ، قم، موسسه انتشارات حضور، ۱۳۸۱، حکمت ۱۱۳ ، ص ۴۷۰.

۳- بحار الانوار ، ج ۱ ، ص ۱۶۵.

۴- میزان الحکمه ، ج ۷، ص ۴۵۲.

۵- میزان الحکمه ، ج ۷، ص ۴۴۸.

۶- میزان الحکمه ، ج ۷، ص ۴۴۸.

۷- الحیاه با ترجمه احمد آرام ، ج ۱ ، ص : ۱۷۲

۸- میزان الحکمه ، ج ۶، ص ۵۲۸

اند: «عالمی که از علم او منفعت حاصل آید، از عبادت هفتاد هزار عابد برتر و با فضیلت تر است.» (۱)

همچنین به تعبیر پیامبر گرامی؛ فواید علم نافع پس از مرگ عالم، بمانند صدقه جاریه و فرزندان صالح فرد متوفا، پس از مرگ، باقی خواهد ماند و ثواب اعمال مزبور، با مرگ صاحبان این سه مورد، مستمراً ادامه خواهد داشت (۲).

گفتار سوم: تعلیم علم نافع؛ یک معروف بزرگ اسلامی

در روایات اسلامی، از تعلیم دانش های نافع و سودمند، به عنوان یک معروف بسیار مهم و بزرگ یاد شده و از سوی دیگر؛ نافعیت علم، مشروط به تعلیم آن گشته است همچنانکه امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه در فرازی از وصیتنامه خویش به فرزندش امام حسن (ع) می فرماید:

«اعلم انه لا- خیر فی علم لا- ینفع و لا- یتنتفع بعلم لا یحقّ تعلّمه (۳)، بدان که بدرستیکه خیری در علمی که از آن سودی برده نمی شود وجود ندارد و علمی هم که قابل یادگیری نیست نیز فاقد انتفاع و بهره گیری است.»

۱- «عالم ینتفع بعلمه، افضل من عباده سبعین الف عابد»، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸.

۲- قال رسول الله صلّى الله عليه و آله: اذا مات الرّجل انقطع عمله الا من ثلاثه صدقه جاریه و علم ینتفع به و ولد صالح یدعو له.

۳- نهج البلاغه، ترجمه و شرح دشتی، نامه ۳۱، ص ۳۷۷، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۶۴.

امیر مؤمنان (ع) در فرازهای زیبا و دل انگیزی، اهمیت و مقام ارجمند تعلیم علم نافع را به عنوان یک معروف و عمل بسیار نیکو، به تفصیل یاد آور شده و ضمن تشبیه آن با امور و اجبات مهمی مانند جهاد، عبادت، و...، تحقق بهینه بسیاری از این واجبات و بسیاری از معروفات و مستحبات اسلامی و حتی اطاعت الهی را وابسته به علم آموزی دانسته اند:

«تعلّم العلم فان تعلمه حسنه و مدارسته تسبیح ، و البحت عنه جهاد ، و تعلیمه لمن لا- یعلّمه صدقه و هو انیس فی الوحشه ، و صاحب فی الوحده ، و سلاح علی الاعداء ، و زین الاخلاء ، و یرفع الله به اقواماً یجعلهم فی الخیر ائمه یقتدی بهم ، ترمق اعمالهم و تقتبس آثارهم...» (۱)

با علم یطاع الله و یعبد و بالعلم یرف الله و یوحّد و بالعلم توصل الی رحام و به یرف الحلال و الحرام ، العلم امام العقل و العقل تابعه ، یلهمه السّعدا و یحرّمه الا شقیاء (۲)

دانش بیاموزید، زیرا که آموختن دانش ثواب و حسنه است و مذاکره اش تسبیح و جستجوی از آن جهاد و یاد دادنش به کسی که آن را نمی داند صدقه می باشد. دانش انیس خلوت و یار تنهایی و حربه ای علیه دشمن و زیور دوستان خداوند است. خداوند به واسطه دانش مردمانی را بلند مرتبه گرداند و آنها را پیشوای در خوبیها کند که به آنها تاسی جویند و کردارشان مورد توجه قرار گیرد و آثارشان اقتباس شود... با علم ، خداوند یکتا اطاعت و

۱- بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۶۶، این حدیث از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل شده است، ر.ک به: همان ص ۱۷۱.

۲- بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۶۶.

پرستش می شود و توحید باورمند می گردد، بوسیله علم، صله ارحام انجام می شود و حلال و حرام الهی شناخته می گردد. علم جلودار عقل است و عقل تابع آن می باشد سعادت‌مندان از علم ملهم گشته و اشقیا از علم محروم می شوند»

همچنانکه امام علی (ع) بیان داشته است که انفاق هر چیزی از آن می کاهد مگر علم، که چنین نیست (۱) و آموزش علم، قوی ترین چیزی است که باعث تثبیت و اتقان علم انسان (۲)

می گردد و تزکیه و پاکیزگی عقل (۳)، از نتایج آن است.

شایان ذکر است که در روایات اسلامی، آموزش و تعلیم، عالی ترین صدقه و بخشش به حساب آمده است (۴)

و بر این نکته تصریح گردیده است که «کسی که علمی را به دیگری بیاموزد، تا روز قیامت اجر عمل کننده بدان علم، به او تعلق خواهد گرفت (۵)».

گفتار چهارم: ضرورت پیشگامی عالمان و اصحاب دانش در فریضتین

۱- کل شی ینقص علی الانفاق الا العلم، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۴۶۹.

۲- امام علی (ع): علم الناس علمک و تعلم علم غیرک، فتکون قد اتقنت علمک و علمت ما لم تعلم، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۱.

۳- امام علی (ع): اعون الا شیاء علی تزکیه العقل، التعلیم، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۴۷۱.

۴- ما تصدق الناس بصدقه افضل من علم ینشر، کنز العمال، خ ۲۸۸۰۹، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۴۶۹.

۵- پیامبر (ص): من علم فلما فله اجر من عمل به الی یوم القیمه، بحار الانوار، ج ۱، ص: ۲۰۶.

با توجه به اینکه علم آموزی و تعلیم و تعلم دانش های سودمند ، از سرآمدان و اصلی ترین معروفات اسلامی است ، می توان استنباط کرد که عالمان و دانش پژوهان این علم ، می بایستی از پیشگامان انجام دو فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر باشند. روایات اسلامی نیز بر این نکته مهم ، به خوبی تصریح نموده اند به عنوان نمونه امام جواد «ع» در این زمینه فرموده اند:

« دانشمندان، چون از پند دادن خودداری کنند، خیانت ورزیده اند، اگر گمراهی را ببینند و او را راهنمایی نکنند، یا مرده دلی را ببینند و او را زنده نسازند، بد کرده اند، زیرا که خدای متعال، در قرآن، از ایشان پیمان گرفته است که به نیکی و به آنچه بدان فرمان رفته است فرمان دهند، و از آنچه از آن ممنوع شده اند دیگران را باز دارند، و اینکه در نیکی و پرهیزگاری مددکار یک دیگر باشند، و در گناه و دشمنی مددکار نباشند. (۱)»

گفتار پنجم: تعریف علم نافع

اشاره

برای تعریف علم نافع و اینکه منظور از این معروف اسلامی چیست، مراجعه به روایات ائمه معصومین (ع) راهگشا است و به همین دلیل در مباحث آتی تلاش شده است که معنای علم و دانش نافع، از منظرهای روایی تبیین گردد بدین لحاظ می توان تعارف زیر را برای دانش مزبور، بر شمرد:

الف) به معنای خیر

یکی از معانی علم نافع، علمی است که ناظر بر «خیر» و امور خیر باشد همانگونه که در روایات متعددی؛ علم به عنوان سرسلسله و غایت بسیاری از خیرات و فضائل بشمار آمده است به عنوان نمونه پیامبر اکرم (ص) در این راستا فرموده اند: « العلم رأس الخیر کله، والجهل رأس الشر کله (۱) ...»

اساساً در تفکر اسلامی، امور خیر با علم و عقلانیت درک می شود و میان دیانت و عقلانیت نیز، تلازم مستقیمی برقرار است (۲)

و علم نیز به مثابه چراغ هدایتگر عقل به شمار آمده است (۳).

ازسویی پیامبر مکرم اسلام؛ نافع بودن علم را با خیر بودن آن یکی دانسته اند (۴).

ب) مترادف با احسن (نیکوترین و بهترین)

۱- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۷۵.

۲- این معنا در این حدیث از پیامبر (ص)، آمده است: انما یدرک الخیر بالعقل، و لا دین لمن لا عقل له (بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۵۸).

۳- امام علی (ع): العلم مصباح العقل، میزان الحکمه، ج ۷، ص ۴۴۸.

۴- خیرالعلم ما نفع، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۱۴.

از معانی ذکر شده در روایات برای علم نافع، بهترین و نیکوترین علوم و احسن دانش ها است در همین راستا و در تایید این معنا، امام علی «ع» می فرمایند:

« العلم أكثر من أن يحاط به، فخذوا من كل علم أحسنه(۱) »

«دانش بیش از آن است که بتوان همه آن را فرا گرفت، پس از هر دانشی نیکوترین آن را بگیرید.»

ج) مترادف باصالح و یا ناظر به اصلاح

برخی از روایات این معنا از علم نافع را بیان می کنند به عنوان نمونه امام علی (ع) می فرمایند:

« خیر العلوم ما اصلحك... خیر العلم ما اصلحت به رشادك و شرّه ما افسدت به معادك (۲)».. علم لا يصلحك ضلال ، و مال

لا ینفعك وبال(۳)

بهترین دانش ها ، علومی است که تو را اصلاح کند...خیرترین آنها ، علومی است که هدایت تو را اصلاح کند و شریر ترین دانش ها ،

۱- الحیاه با ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص ۱۱۵

۲- میزان الحکمه ، ج ۶، ص ۵۲۹.

۳- میزان الحکمه ، ج ۶، ص ۵۰۶.

علمی است که معاد تو را فاسد نماید..دانشی که تو را اصلاح ننماید ، مایه ضلالت و گمراهی است و مالی که به تو سودی نرساند ، وبال تو خواهد بود»

(د) به معنای مطابق و هماهنگ با فطرت

امام علی در حکمت ۳۳۸ نهج البلاغه سودمندی هر گونه علمی را مشروط به تطابق آن با فطرت دانسته و در این راستا فرموده است:

«العلم علمان: مطبوع و مسموع ، ولا ینفع المسموع اذا لم یکن المطبوع (۱)»

علم بر دو گونه است: علم فطری و علم اکتسابی؛ علم اکتسابی اگر هماهنگ با علم فطری نباشد سودمند و نافع نخواهد بود»

بر مبنای این رویت شریف ، هر گونه علوم اکتسابی یعنی دانش هایی که با درس و بحث بدست می یابند برای اینکه سودمند گردند می بایستی با فطرت الهی که انسان بر مبنای آن آفریده شده است ناسازگار نباشد بلکه باید با آن تطابق و هماهنگی داشته باشد.

(ه) به معنای علم قلبی و فرا حسی (و شهودی)

از منظر روایات اسلامی، علم نافع، بیش از آنکه علمی اکتسابی باشد، دانشی خداداد و از فیوضات الهی به شمار می رود که بنا به لطف الهی در قلوب شایستگانی که خداوند مصلحت بداند، گنجانده می شود. امام صادق (ع) در این زمینه و اینکه چگونه می توان به این علم نافع و قلبی دست یازید، می فرماید:

« دانش به آموختن نیست، بلکه نوری است که در دل هر کس که خدای تبارک و تعالی بخواهد هدایتش کند، می افتد بنابراین، اگر خواهان دانش هستی، نخست حقیقت عبودیت را در جان خودت جو یا شو و دانش را از طریق به کار بستن آن بجوی و از خداوند فهم و دانایی بخواه تا تو را فهم و دانایی دهد. [\(۱\)](#)

چنین علم قلبی را می توان علم سودمند نامید همانطور که پیامبر مکرم اسلام در بیانی بدین مطلب تصریح نموده اند:

۱- بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۷ و ۲۲۵. ترجمه میزان ص ۴۰۴

« عِلْمٌ لَا يُتَفَعُّ بِهِ كَكَتْرٍ لَا يُنْفَقُ مِنْهُ... الْعِلْمُ عِلْمَانِ عِلْمٌ بِاللِّسَانِ وَهُوَ الْحُجَّةُ عَلَى صَاحِبِهِ وَ عِلْمٌ بِالْقَلْبِ وَهُوَ النَّافِعُ لِمَنْ عَمِلَ بِهِ (۱) »

دانشی که از آن بهره برده نشود مانند ثروتی است که از آن انفاق نمی شود... علم دو علم است: یکی به زبان است پس آن فایده ندارد جز این که سبب اتمام حجت است و گفته می شود تو که می دانستی چرا عمل نکردی. و دیگری علمی است که در قلب، که آن برای کسی که بدان عمل می کند، علم نافع است..»

نکته دیگر در باره قلبی بودن علم نافع، این است که چنین دانشی فرا حسی بوده و منحصر در حواس پنجگانه و درک توسط آنها نیست در تایید این مدعا، می توان به بیان امام صادق «ع»- در «رساله هلیله»، خطاب به پزشک و دانشمند هندی اشاره نمود:

« اگر بر نادانی خود پای فشاری، و چنان پنداری که دریافت چیزها جز به حواس میسر نشود، من تو را آگاه می کنم که حواس به خودی خود اشیا را درک نمی کنند، و راه شناختی برای حواس بدون قلب وجود ندارد. قلب است که راهنمای حواس است، و اشیایی که مدعی هستی قلب آنها را از راه حواس ادراک می کند، در ادراک آنها به وسیله حواس، قلب مؤثر اصلی است... می دانی چه بسا هست همه یا برخی از حواس از میان می رود، و در این حال سنجش سود و زیان چیزها، چه امور پنهان و چه آشکار، با قلب است. و قلب است که (به استفاده از سودمند) فرمان می دهد، و (از چیزهای زیانبخش)

۱- شیخ حسن دیلمی، ارشاد القلوب الی الصواب، ترجمه سید عباس طباطبایی، قم، جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ ش،

بازمی دارد. و امر نهی او نافذ است، و داوری او درست در می آید ... آیا این را نمی دانی که پس از نابود شدن حواس قلب باقی خواهد ماند؟ (۱)»

(و) به معنای علمی کاربردی

دانش فاقد عمل و بدون کاربرد، علمی سودمند نیست بلکه دانش های کاربردی را می توان در زمره علوم نافع به حساب آورد همچنانکه کاربردی شدن علوم، به توسعه و رشد و پیشرفت آنها نیز خواهد افزود. امام علی (ع) در این باره اظهار فرموده اند:»

انفع العلم ما عمل به ... العلم رشد لمن عمله به، نافع ترین علم، دانشی است که بدان عمل شود (۲) ... علم، برای کسی که به آن عمل کند، مایه رشد است (۳).» از نظر این امام

۱- الحیاه با ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص: ۱۲۶

۲- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۵۲۹

۳- ارشاد القلوب، ترجمه طباطبایی، ص: ۵۴

همام، شدیدترین عذاب‌ها در روز قیامت، نصیب کسی است که علم غیر سودمندی را آموزش داده است (۱).

(ز) به معنای علمی غالب بر هواهای نفسانی

نبی مکرم اسلام، علمی را که بر هواهای نفسانی فائق شود را علم نافع دانسته و فرموده است: «من غلب علمه هواه فذالك علم نافع (۲)»

، به این معنا که هر که دانشش بر هوسش چیره آید این دانش دانشی سودمند است.

گفتار ششم: برخی ویژگی‌های علم نافع

اشاره

در آموزه‌های روایی، علم نافع دارای خصوصیات و شاخصه‌های متعددی است که به اختصار، برخی از آنها یادآوری می‌شود:

-
- ۱- «اشد الناس عذابا یوم القیمه من علم علما فلم ینتفع به»، الحیاه با ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص: ۱۲۹
 - ۲- فضل بن حسن حفید شیخ طبرسی، مشکاها لاناوار، نجف، ناشر: حیدریه، ۱۳۸۵ق، ص ۸۵.

الف) علم نافع در مسیر عبودیت الهی و احیای دین

یکی از اهداف و خصوصیات دانش نافع در روایات ، حرکت در جهت عبودیت الهی و احیای دین و پاسداشت شعائر اسلامی است و صاحبان چنین دانشی در مرتبه پایین تر از انبیا قرار می گیرند. پیامبر اکرم(ص) فرموده است:

« من طلب باباً من العلم لیحیی به الا سلام کان بینه و بین الانبیاء درجه فی الجنة (۱)... أَنَّ اللَّهَ يُطَاعُ بِالْعِلْمِ وَ يُعْبَدُ بِالْعِلْمِ وَ خَيْرُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَ شَرُّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ،

کسی که بابی از علوم را برای آنکه اسلام را احیا کند ، طلب نماید؛ مابین او و انبیاء در بهشت ، تنها یک درجه فاصله خواهد بود... بدرستی که خداوند با علم ، اطاعت می شود و با علم پرستیده می گردد و خیر دنیا و آخرت با علم است و شر دنیا و آخرت با جهل بدست می آید(۲).»

امام کاظم «ع» در بیانی تفصیلی ؛ دانش را شامل شناسایی خداوند و نعمات و خواسته های پروردگار و نحوه صیانت از دیانت می داند ایشان می فرمایند:

۱- کنز العمال ، خ ۲۸۸۳۳ .

۲- بحار الأنوار ، ج ۱ ، ص ۲۰۴

« دانش مردمان را در چهار چیز یافتم : نخست اینکه پروردگار خود را بشناسی، دوم اینکه بدانی که با تو چه خوبیها کرده است (و به تو چه نعمتها داده است، از نعمت هستی گرفته تا دیگر نعمتها)، سوم اینکه بدانی از تو چه خواسته است، و چهارم آنکه بدانی چه چیز تو را از دین بیرون می برد، و گمراه می کند(۱)»

(ب) اتصاف به علم نافع از صفات متقین

در آموزه های اسلامی میان علم نافع و تقوا تعامل مستقیم وجود دارد و اتصاف به علم نافع از صفات متقین به شمار آمده است و می توان اذعان نمود که عالم متصف به چنین علمی ، باید صفات متقین را داشته باشد به همین خاطر می توان استنباط کرد که میان پرهیزکاری و تیقن و تقوا و علم، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. این برداشت بخوبی از خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه ، قابل دریافت است و امام علی (ع) در این خطبه که در شرح سیمای پرهیزکاران و اوصاف متقین است به موضوع علم نافع هم اشاره نموده اند.

در فراز اول این خطبه و بعد از حمد و ستایش خداوند و اینکه معصیت گناه کاران و اطاعت مومنان برای خداوند ، زیان یا سودی ندارد ، امام (ع) در توصیف پرهیزکاران ، برخورداری و بهره مندی آنها را از علم نافع مورد تاکید قرار داده و فرموده است :

۱- الحیاه با ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص: ۱۱۳

«...فالمتمقون فيها هم اهل الفضائل : منطقهم الصواب ، و ملبسهم الاقتصاد ، و مشيهم التواضع ، غصوا ابصارهم عما حرم الله عليهم ، و وقفوا اسماعهم على العلم النافع لهم...» (۱)

...اما پرهیزکاران! در دنیا دارای فضیلت های برترند، سخنانشان راست، پوشش آنها میانه روی، و راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است. چشمان خود را بر آنچه خدا حرام کرده می پوشانند، و گوش های خود را وقف دانش سودمند کرده اند... باید افزود که عالم برخوردار از دانش نافع و سود بخش در مسیر نور و تقوای الهی است به همین خاطر نظر به وجه وی، عبادت شمرده شده است. (۲)

ج) امتزاج علم نافع با حلم و بردباری

امام (ع) در فراز های بعدی خطبه ۱۹۳ یا همان خطبه همّام، پرهیزکاران بهره مند از علم نافع را، به دانشمندان بردبار و نیکوکاران با تقوا

و خائف از خوف الهی، قلمداد نموده است:

۱- نهج البلاغه، ترجمه و شرح محمد دشتی، ص ۲۹۵.

۲- پیامبر (ص): النظر الی وجه العالم، عبادة، بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۹۵.

« و اما النهار فحلما علماء، ابراراً اتقياء. قد برأهم الخوف بَرَى القِداح... »

پرهیزکاران در روز، دانشمندانی بردبار، و نیکوکارانی با تقوا هستند که ترس الهی آنان را چونان تیر تراشیده، لاغر کرده است. »

د) علم نافع؛ علمی در جهت صلاح و مصالح دینی و دنیایی

از منظر روایات؛ علم نافع علمی است که در جهت و در خدمت صلاح و مصالح دینی و دنیایی باشد همانطور که امام علی (ع) فرموده است: ثمره العلم العمل للحیاه (۱)، که به تعبیری گسترده تر، بدین معنا است که ثمره و محصول علم می باید تبدیل به عملی برای حیات و زندگانی مادی و معنوی بشری گردد. این معنا به خوبی در فرازی بلند از خطاب امام صادق (ع) به شاگردش مفضل، ذکر شده است آنجا که امام فرموده است:

« ای مفضل! به خاطر داشته باش که دانستن چه چیزهایی بر آدمی روا گشته، و دانستن چه چیزهایی منع شده است. دانستن آنچه را که در آن، صلاح دین و دنیای انسان است به وی ارزانی داشته اند. و از جمله آنچه صلاح دین وی در آن است، شناختن خدای متعال است با دلایل و شواهدی که در آفرینش برپا است، و شناختن وظایف لازم در دادگری نسبت به همه مردمان، و نیکویی کردن در باره پدر و مادر، و گزاردن امانت، و کمک رسانی

به دوستان، و همانند اینها از چیزهایی که شناختن و قبول کردن آنها در طبع و فطرت هر امتی، از موافق و مخالف، وجود دارد. و به همین گونه به آدمی دانش هر چه را صلاح دنیای وی در آن است ارزانی داشته اند، همچون کشاورزی و درختکاری، و بهره برداری از زمینها، و دامداری، و بیرون آوردن آب از دل زمین، و شناخت گیاههای دارویی، و کانهایی که انواع گوهرها از آنها به دست می آید، و کشتیرانی و دریانوردی، و غواصی در دریا برای بیرون آوردن گوهر، و فنون شکار جانوران صحرايي و دریایی و پرندگان، و صنعت و صنعتگری، و بازرگانی و سوداگری، و جز اینها، که شماره آن فراوان است و شرح آن به درازا می کشد و همه آنها وسیله بهتر شدن کار در این جهان است. بنا بر این به آدمی اجازه تحصیل علمی که به وسیله آنها دین و دنیای خود را اصلاح کند داده اند، و از دانستن آنچه که نه در شأن او است و نه توانایی دانستن آن را دارد، او را باز داشته اند، مانند علم غیب و آنچه در آینده خواهد شد، و بعضی از آنچه پیشتر وقوع یافته است ...

پس بنگر، که چگونه به انسان دانش همه آنچه برای دین و دنیایش بدان نیازمند است داده شده، و جز این بر او پوشیده مانده است... (۱)»

گفتار هفتم: ویژگی ها و بایسته های

اشاره

عالمان و طالبان علم

در روایات اسلامی به خوبی و گسترده‌گی صفات پسندیده و ناپسند جهت عالمان و متعلمان بیان شده است که در حقیقت مبین دایره معروفات و منهیات اسلامی در

حیطه علم آموزی است. صفات مزبور در این روایات یا به صورت کلی و یا بصورت جزئی و موردی اشاره گردیده اند.

الف) ویژگی های کلی

در روایات و آموزه های روایی، فراز های کلی وجود دارد که صفات حمیده و شایسته را برای عالمان و متعلمان و دانش پژوهان، بر شمرده است که ابتدا صفات کلی و ارجمند عالمان، مورد اشاره قرار می گیرد:

پیامبر خدا(ص) در این باره فرموده اند:

« ینبغی للعالم ان یکون قلیل الضحک ، کثیر البکاء ، لا یمازح ، لا یصاخب ، و لا یماری ، و لا یجادل ، ان تکلم ؛ تکلم بحق ، و ان صمت ، صمت عن الباطل ، و ان دخل ، دخل برفق ، و ان خرج ، خرج بحلم ^(۱)»

زینده است که دانشمند کم بخندد، بسیار بگرید، شوخی نکند، داد و فریاد نکند، ستیزه ننماید، بحث و مجادله نکند، اگر سخن گفت سخن حق بگوید و اگر خاموش ماند، از باطل خاموشی گزیند، اگر وارد بحث شد با ملایمت وارد شود و اگر از بحث کنار کشید با بردباری کنار کشد.»

امام علی (ع) هم، برخی صفات مزبور را چنین بر شمرده است::

« لا يكون العالم عالماً حتى لا يحسد من فوقه ، ولا يحتقر من دونه ، ولا يأخذ على علمه شيئاً من حطام الدنيا (۱)... ان العالم ثلاث علامات : العلم ، والحلم ، والصمت (۲)... عالم ، عالم نیست مگر آن گاه که به فرادست خود رشک نوزد، فرودست خود را کوچک نشمارد و در عزای (آموختن) دانش خود چیزی از متاع بی ارزش دنیا نگیرد...عالم را سه نشانه است : دانش و بردباری و خاموشی .»

امیر مؤمنان(ع) در فراز بسیار زیبایی دیگری، منشور ارزشمندی را برای علم نافع و علم پژوهی ، ارایه می دهند و می فرمایند:

« سر علم فروتنی است، و چشم آن پاکیزه بودن از رشک ... و عقل آن شناخت اسباب امور. و از ثمره های آن است پرهیزگاری و دوری گزیدن از هوای نفس، و دامن فروچیدن از گناهان، و دوست داشتن برادران و سخن نیوشیدن از دانشمندان ... و زشت شمردن نزدیکی به باطل، و نیکو شمردن پیروی از حق، و راست گفتن، و پرهیز کردن از شادیهای غافلانه، و از کارهای پشیمانی آور. علم بر عقل کسی که فرزانه است می افزاید، و در آموزنده خویش صفات پسندیده پدید می آورد ... و آزمندی را فرو می نشاند،

۱- میزان الحکمه ، ج ۶ ، ص ۴۹۵.

۲- الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۷. بحار الانوار، ج ۲ ، ص ۵۹.

و مکر را از میان می برد، و بخل را می کشد، و جانور وحشی آزاد را اسیر می کند، و راه راست دور از دسترس را نزدیک می سازد. (۱)»

اما در روایات گسترده ای هم، حقوق عالمان بر متعلمین و دانش پژوهان مورد تنویر قرار گرفته است از جمله امام علی (ع) اظهار فرموده اند:

« از جمله حقوق شخص دانشمند بر تو این است که (هر گاه در میان جمعی بود) بر همگان سلام کنی و به او نیز اختصاصاً سلام گویی، روبه رویش بنشینی، در حضور او بادت و چشم و ابرو اشاره نکنی، در مخالفت با نظر او نگویی: ((فلانی چنین گفته است)) نزد او از کسی غیبت نکنی، در مجلسش در گوشه صحبت نکنی، جامه اش را نگیری، اگر خسته بود، در سؤال کردن اصرار نوری از طول مجالستش به تنگ نیایی، زیرا حکایت همنشینی با او حکایت درخت خرمایی است که انتظار می کشی تا کی از آن چیزی برای تو بیفتد همانا پاداش مؤمن دانشمند بیشتر از روزه دار شب زنده داری است که در راه خدا بجنگد هر گاه دانشمند بمیرد، رخنه ای در اسلام پدید آید که تا قیامت چیزی آن را نبندد. (۲)»

«

۱- الحیاه با ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص: ۱۲۸ و اصول کافی، جلد اول، کتاب فضل العلم، باب النوادر

۲- کنز العمال، خ ۲۹۳۶۳، ۲۹۳۶۴. ترجمه میزان الحکمه، ص ۴۰۰.

امام سجاد(ع) نیز به زیبایی، حقوق اساتید و دانشمندان را بر شاگردانشان، تبیین کرده اند :

« حق استاد تو این است که به او احترام گذاری، محضرش را موقر داری، با دقت به سخنانش گوش بسپاری، رویت به او باشد و به او توجه نمایی، صدایت را بر او بلند نکنی، هر گاه کسی از او سؤالی کند تو جواب ندهی، بلکه بگذاری خودش جواب دهد در محضر او با کسی سخن نگویی، در حضور او از کسی غیبت نکنی، اگر پیش تو از او بدگویی شود، از وی دفاع کنی عیبهایش را بپوشانی، خوبیها و صفات نیکش را آشکار سازی، با دشمن او همنشینی نکنی و با دوستش دشمنی نوری هر گاه این کارها را کردی فرشتگان خدا درباره ات گواهی دهند که تو برای رضای خدای بلند نام، نه برای مردم، نزد آن استاد رفته ای و دانش او را فراگرفته ای (۱)....»

حق شاگرد تو این است که بدانی خداوند، به واسطه علم و دانشی که به تو داده و از خزانه های (دانش) خود برای تو گشوده، تو را سرپرست شاگردانت ساخته است بنابراین، اگر مردم را خوب آموزش دهی و با آنان درستی و بدرفتاری نکنی و از تعلیمشان به ستوه نیایی، خداوند از فضل خود بر دانش تو بیفزاید اما اگر دانش خود را از مردم مضایقه کنی یا وقتی برای آموختن دانش نزد تو آمدند با ایشان درستی و بدرفتاری کنی، بر خدای عزوجل سزاوار است که علم و شکوه آن را از تو بگیرد و جایگاه تو را از دل مردم بپندازد. (۲)»

۱- شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش، ص ۵۶۷. بحارالانوار، ج ۲، ص ۴۲. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، تهران، دارالحدیث، ۱۴۲۵ ق، ۱۳۸۳، ص ۴۰۱.

۲- محمد بن زین الدین ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ج ۴، قم، مطبعه سید الشهداء، ۱۴۰۳ ق، ص ۷۴ و ۵۴. ترجمه میزان الحکمه، ص ۴۰۱.

ب) ویژگی های موردی

اشاره

برخی از صفات ممدوح و پسندیده نیز چه برای عالمان و چه برای دانش پژوهان ، به صورت موردی در روایات آمده است که اجمالاً به برخی از آنها اشاره می شود:

۱: حرص ورزی در تعلّم و دانش پژوهی

در خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه، در اوصاف پرهیزکاران ، حرص ورزی در علم آموزی از صفات متقین به شمار آمده است:

« و من علامه احدهم انک تری له قوه فی دین و حزمًا فی لین و ایمانًا فی یقین و حرصًا فی علم و علمًا فی حلم، (۱)»

و یکی از نشانه های پرهیزکاران این است که او را اینگونه می بینی ؛ در دینداری نیرومند ، نرمخو و دور اندیش است. دارای ایمانی پر از یقین، حریص در کسب دانش ، با داشتن علم بردبار...»

۲: برخورداری از نرم خویی و ملایمت در تعلیم و تعلّم

۱- نهج البلاغه ، ترجمه و شرح دشتی ، ص ۲۹۶.

پیامبر در این زمینه فرموده است: «لینوا لمن تعلمون و لمن تتعلمون منه» (۱)، با کسانی که به آنها آموزش می دهید و یا از آنها علم فرا می گیرید به نرم خویی و ملایمت رفتار نمائید»

همچنین امام علی (ع)، سرآمد و رأس علم را رفاقت و مدارا و رأس جهالت را ایجاد شکاف و اختلاف می دانند (۲)

امام صادق (ع) هم فرموده اند: علی العالم اذا علم ان لا یعنف ، و اذا علم ان لا یأنف (۳) ، یعنی «بر دانشمند است ، که هر گاه آموزش دهد، درشتی و خشونت نکند و هر گاه کسی بخواهد به او علم آموزد، ننگش نیاید.»

۳: ضرورت تفهیم ، تدبّر و تأمل ورزی در علم آموزی

در آموزه های روایی هیچ علمی مانند تفکر نیست (۴)

و مکرراً بر ضرورت تفهیم ، تدبّر و تأمل ورزی در علم آموزی تاکید شده است از جمله - پیامبر خدا(ص) فرموده اند:

« کونوا للعلم وعاه و لا تكونوا له رواه (۵)... همه العلما الوعایه ، و همه السفها الروایه (۶)

۱- بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۲.

۲- رأس العلم الرفق ، رأس الجهل الخرق ، میزان الحکمه ، ج ۶، ص ۵۲۸.

۳- ورام ابن ابی فراس ، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر) ، ج ۱، قم ، مکتبه فقیه ، بی تا ، ص ۸۵. ترجمه میزان الحکمه ، ص ۴۰۲.

۴- امام علی (ع): لا علم کالتفکر ، نهج البلاغه ، ترجمه و شرح دشتی ، حکمت ۱۱۳ ، ص ۴۷۰.

۵- کنز العمال ، خ ۲۹۳۳۵ ، میزان الحکمه ، ج ۶ ، ص ۵۱۱

۶- کنز العمال ، خ ۲۹۳۳۷ ، میزان الحکمه ، ج ۶ ، ص ۵۱۱

دریابنده علم باشید، نه روایت کننده آن... - اهتمام دانایان به فهمیدن است و اهتمام نادانان به روایت کردن.»

۴: ضرورت کتابت و ثبت نوشته ها در علم آموزی

موضوع حفظ و ثبت نوشته ها و و دریافت های علمی دارای نقش انکار ناپذیری در ر اکتساب و رشد دانش می باشد تا جایی که امام علی (ع)، نگاشته های عالمان و دانش پژوهان را به مثابه عیار سنجش دانش و عقلا نیت آنها به حساب آورده اند فرموده اند: کتابه العالم میزان عقله^(۱)، یعنی؛ نگارش و نگاشته های عالم، میزان و معیار عقل وی است

۵: ضرورت سختکوشی و تحمل سختی و مشقت و ذلت در علم آموزی

دانش پژوهی نیازمند سعی و تلاش های طاقت فرسای بسیاری است به همین دلیل، جهد ورزی و پشتکار در کسب دانش مورد توصیه اکید روایات اسلام می است همچنانکه پیامبر (ص) فرموده اند:

« من لم یصر علی ذلّ التعلّم ساعةً بقی فی ذلّ الجهل ابداً^(۲)،

کسی که ساعتی ذلت را در کسب دانش بر نمی تابد، تا ابد در ذلت جهالت باقی خواهد ماند.»

امام علی (ع) هم اظهار می دارند که « دانش و با تن آسایی به دست نمی آید^(۳)».

۱- میزان الحکمه، ج ۶، باب العلم، ص ۴۴۵.

۲- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۴.

۳- لا یدرک العلم بالراحه الجسم، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۵۳۵.

گفتار هشتم: صفات مذموم (منکرات و منہیات) در علم آموزی

اشاره

صفات مذموم و نهی شده بسیاری در روایات آمده است تا عالمان و دانش پژوهان از آنها احتراز ورزند از جمله امام علی (ع) فرموده اند:

« خذوا من العلماء ما بدالکم ، وایاکم ان تبطلوه الخصال أربع لتباهو به العلماء ، او تماروا به السفهاء أتراووا به فی المجالس ، أو تصرفو وجوه الناس الیکم لترؤس(۱)»

از علم هر آنچه که برایتان پیش می آید فرا گیرید و زنهاری که آن را برای چهار کار بیاموزید: برای فخر فروشی بر علماء، یا ستیزه کردن با نادانان ، یا خودنمایی در مجالس ، یا جلب کردن توجه مردم به خود و ریاست کردن بر آنها.»

برخی دیگر از این صفات ناپسند در حوزه علم آموزی بدین شرح است:

الف) ریا کاری ، شهرت طلبی و فریبکاری

پیامبر خدا(ص) در مذمت علم آموزی با هدف ریاکاری ، شهرت طلبی و فریبکاری فرموده اند :

« من تعلم العلم رياءً و سمعه يريده به الدنيا نزع الله برکته و ضيق عليه معيشته و وکله الله الى نفسه و من وکله الله الى نفسه هلك (۱)... من ابتغى العلم ليخدع به الناس لم يجد ریح الجنة (۲)،

هر کس دانش را برای ریا و شهرت طلبی بیاموزد و هدفش از آن دنیا باشد، خداوند برکنش را از او بگیرد و زندگیش را بر او تنگ سازد و او را به خودش واگذارد و هر کس که خداوند او را به خودش واگذارد، هلاک شود... کسی که به علم برای فریب مردم روی آورد، رایحه بهشت را استشمام نخواهد نمود»

(ب) ارتزاق ناروا (استئکال) از علم

در روایات اسلامی، ارتزاق ناروا یا استئکال از علم مذمت شده است. که در حقیقت به معنای بهره و ارتزاق نامشروع مادی و غیر مادی از علم توسط عالم نمایانی است که بی بهره از دانش هستند که یکی از مصادیق بارز چنین افراد ی، در عصر فعلی؛ کسانی هستند که از مدارک جعلی و عناوین تقلبی علمی برای فریب مردم و تحصیل منافع خویش استفاده می کنند. - امام صادق (ع) در این باره فرموده است:

۱- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۰۰.

۲- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۷۶.

« هر که علم خود را وسیله ارتزاق قرار دهد، نیازمند شود (راوی می گوید): عرض کردم: فدایت شوم! در میان شیعیان و دوستان شما گروهی هستند که دانشهای شما را فرا می گیرند و آنها را در میان شیعیان شما پخش می کنند و به خاطر این کار به آنها احسان و هدیه و احترام می شود حضرت فرمود: اینان ارتزاق کننده نیستند، بلکه ارتزاق کننده به علم کسی است که، بی آن که از علمی برخوردار باشد و از جانب خدای عزوجل هدایتی یافته باشد، برای پایمال کردن حقوق و رسیدن به حطام دنیوی، فتوا دهد.»^(۱)

از سوی دیگر، در روایات، استثکال از علم نیز شامل مواردی هم گشته است که عالمی در پاسخ به نیاز مردم در فهم دین، علم خویش را مخفی نماید و با مباحثات و با طفره رفتن از پاسخ به آنها و انجام احتکار علوم خویش، از ایشان مزد طلب کند و سرنوشت این صنف از عالم نمایان، علاوه بر گرفتاری در فقر^(۲)

، مسخ چهره در قیامت، و سقوط در آتش دوزخ آنهم با لجامی آتشین، عنوان شده است.^(۳)

۱- «... انما المستأكل بعلمه الذي يفتي بغير علم ولا هدى من الله عزوجل ليبتل به الحقوق طمعاً في حطام الدنيا»، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۱۷.

۲- قال ابا عبدالله (ع): من استأكل بعلمه افتقر، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۱۷.

۳- ر.ک به: میزان الحکمه، ج ۶، ص ۴۷۴-۴۷۶.

ج) کتمان علم نافع در آموزش

همانطور که در آیات الهی موضوع کتمان علم نافع مذمت و تفتیح شده است (۱).

در روایات نیز، همین رویکرد ملا-حظه می گردد. به عنوان مثال؛ نبی مکرم اسلام می فرماید: هر کس که علم نافع خود را کتمان کند خداوند در روز قیامت، به دهانش لجامی از آتش خواهد زد (۲)،

همچنین؛ امام علی (ع)، کاتم علم نافع را جاهل شمرده شده است (۳).

استنتاج

ای پژوهش در پی پرسش از ماهیت علم زمینه ساز، و مقبول و ممدوح در منابع اسلامی و بایسته ها و شاخصه های اصلی آن بود و اینکه اساساً جامعه و دولت زمینه ساز و مراکز علمی می باید به دنبال چگونه علمی در بستر سازی ظهور بوده و معلمین و متعلمین «منتظر»، از چه ویژگی های باید برخوردار باشند؟

مستندات روایی ارایه شده مبین بایسته ها، شاخصه ها، و راهبرد های علمی جامعه و حکومت زمینه ساز بوده و بیانگر آن است که منظور از علم متعالی، مقبول و ممدوح

۱- برای نمونه ر. ک: به: آیات ۱۵۹ و ۱۷۴ سوره بقره.

۲- من کتم علماً نافعاً عنده الجمعة الله يوم القيامة بلجام من النار، کنز العمال، خ ۲۹۱۴۴.

۳- من کتم علماً فکانه جاهل به، بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۷.

در روایات اسلامی، علم نافع می باشد و این علم و ویژگی های آن مانند: در مسیر عبودیت الهی ، عقلانی ، کاربردی و خیر بودن و برخورداری از خصیصه اصلاح گری و هماهنگی با فطرت و ضدیت آن با هواهای نفسانی و ... ؛ به خوبی در آموزه های روایی تعریف شده است و این تعاریف از علم نافع؛ در بردارنده نوعی مهندسی و الگوسازی برای اکتساب و آموزش و تعلم و تعلیم دانش در جامعه و حکومت زمینه ساز است. همچنان که در سیره نظری و عملی حضرت مهدی و دولت ایشان، نیز علم و معرفت خواهی و اقتران آن با فرهنگ توحیدی، عبودیت، تقوا، و اصلاح گری و مقابله با هواهای نفسانی موج می زند.

بر مبنای توضیحات و مستندات مندرج در این نوشتار و نتایج این پژوهش ، می توان به خوبی و روشنی نقش علمی دانشگاه ها و حوزه های علمیه را در زمینه سازی ظهور تبیین نمود و از راهکارهای مهم علم آموزی صحیح و منطبق با آموزه های اسلامی ، در عرصه های علمی ، دانشگاهی و حوزوی و در راستای تمهید ظهور ، سود جست.

منابع

الف: فارسی و عربی

۱. قرآن مجید (ترجمه محمد مهدی فولادوند، چاپ اول: انتشارات دارالقرآن الکریم، تهران ۱۴۱۵ قمری)
۲. علی ابن ابیطالب (ع) نهج البلاغه، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام، [بی نا] تهران، ۱۳۵۱ شمسی.
۳. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه انتشارات حضور، قم ۱۳۸۱ شمسی.
۴. نهج البلاغه، به کوشش صبحی صالح، بی نا، بیروت، ۱۳۸۷ ق،
۵. امام علی بن الحسین، صحیفه سجادیه، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، انتشارات اسلامی، تهران، [بی تا].
۶. آربلاستر، آنتونی، دموکراسی، ترجمه حسن مرتضوی، انتشارات آشتیان، تهران ۱۳۸۲ شمسی.
۷. آیتی، محمد ابراهیم، چکیده تاریخ پیامبر اسلام، تلخیص جعفر شریعت مداری، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۸ شمسی.
۸. ابن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا (ع)، محمد بن علی، شرح محمد تقی اصفهانی

مشهور به آقا نجفی، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۳ق.

۹. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد اول، چاپ پنجم: انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۶ شمسی.

۱۰. ابن سینا، الاشارات و التنبیهات، جلد چهارم، انتشارات دفتر نشر کتاب، تهران ۱۳۶۲ شمسی.

۱۱. -----، الشفاء و الالهیات، به کوشش الاب قنوتی و سعید زاید، قاهره ۱۹۶۴ میلادی.

۱۲. ابن منظور، لسان العرب، جلد ۱۲ و ۹، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۹۸۸م، ۱۴۰۸ق.

۱۳. ابن هشام، عبدالملک، سیره النبی، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، انتشارات اسلامیة، تهران ۱۳۴۸ شمسی.

۱۴. ابو محمد بن شعبه الحرانى، تحف العقول، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۳۶۳ شمسی.

۱۵. ابی جمهور، محمد بن زین الدین بن، عوالی اللثالی، ج ۴، مطبعه سید الشهداء، قم، ۱۴۰۳ ق.

۱۶. ابی فراس، ورام ابن، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ج ۱، مکتبه فقیه، قم، بی تا.

۱۷. احمدی، علی بن حسین علی، مکاتب الرسول، انتشارات المطبقة العلمیه، قم ۱۳۷۹ قمری.

۱۸. اخوان کاظمی، بهرام، «آرمان های حکومت در نهج البلاغه»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۲۹-۱۴۸.

۱۹. -----، « نظریه های همگرایی و آموزه مهدویت »، فصلنامه مشرق موعود، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۸۷ ص ۴۶-۷۸.

۲۰. ----- «تبیین نقش راهبردی فرهنگ در زمینه سازی ظهور»، نشریه علمی پژوهشی مشرق موعود، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۹، ص ۴۱-۵.
۲۱. ----- «احیاء ایمان الهی و حیات مؤمنانه، زمینه ساز و راهبرد دولت مهدوی»، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۱۱، پائیز ۱۳۸۸، ص ۱۰۱-۱۱۷.
۲۲. ----- «الاطروحه المهدویه و حقوق البیعه»، مجله الموعود، العدد الثانی، الرجب ۱۴۲۸ ه.ق، ص ۶۵-۷۹.
۲۳. ----- «المقایسه بین رویتین العولمه الغربیه و العولمه المهدویه»، مجله الموعود، العدد الاول، رجب ۱۴۲۷ ه.ق، ص ۷۶-۱۱۴.
۲۴. ----- «دکترین و سیاست های دفاعی - امنیتی در صحیفه سجادیه»، نشریه حکومت اسلامی، ش ۴۴، تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۶۵ - ۱۹۱.
۲۵. ----- «اصول سیاست خارجی پیامبر(ص)»، مندرج در: سیاست نبوی؛ مبانی، اصول و راه بردها، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران ۱۳۸۶ شمسی.
۲۶. ----- «دموکراسی و آزادی از دیدگاه امام خمینی»، نشریه دانشگاه اسلامی، شماره ۹ و ۱۰، تابستان و پاییز ۷۲، ۱۳۷۸-۹۱.
۲۷. ----- «علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۲۸. ----- «نقد و ارزیابی گفتمان های سیاسی و اجتماعی مطرح در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۲۹. ----- «راه بردهای اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی و تضمین امنیت فرهنگی»، فصل نامه مطالعات راه بردی، شماره سوم، بهار ۱۳۷۸ ش، ص ۷۵-۱۰۵.
۳۰. ----- «بالندگی و اعتلای مجدد تمدن اسلامی در عصر نظام جمهوری اسلامی ایران»، تهران، واحد پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیما ج.ا.ا، ش ۷۹۶، مرداد ۱۳۷۶ ش.

۳۱. -----، «نقش سازمان های منطقه ای در پایداری و امنیت کشور های عضو»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۰۹ - ۲۱۰، بهمن و اسفند ۱۳۸۳، ص ۱۶۴-۱۷۴.
۳۲. اصلیل، حجت الله، آرمان شهر در اندیشه ایرانی، نشر نی، تهران ۱۳۷۱ شمسی.
۳۳. التیمی الأمدی، عبدالواحد، شرح غررالحکم و دررالکلم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ق.
۳۴. الحر العاملی، شیخ محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
۳۵. الزحیلی، وهبه، آثار الحرب فی الفقه الاسلام، انتشارات دارالفکر، دمشق ۱۹۹۲ میلادی.
۳۶. الصدوق، ابی جعفر محمد بن (ابن بابویه القمی)، الخصال، ج ۱، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ش .
۳۷. الصدوق، ابی جعفر محمد بن (ابن بابویه القمی)، الامالی، چاپ پنجم، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۰ ق .
۳۸. العلی، صالح احمد، دولت رسول خدا(ص)، ترجمه هادی انصاری، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم ۱۳۸۱ شمسی.
۳۹. العاملی، یاسین عیسی، الاصطلاحات الفقهیه فی الرسائل العلمیه، انتشارات دارالبلاغه، بیروت ۱۴۱۳قمری.
۴۰. الکفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح الکفعمی، قم، منشورات اسماعیلیان، [بی تا].
۴۱. الکلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، الطبعة الثانی، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ ش.

۴۲. الکلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، [ابی تا].

۴۳. الیاده، میرچا، فرهنگ و دین؛ برگزیده مقالات دایره المعارف دین، هیأت مترجمان، زیر نظر بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات طرح نو، تهران ۱۳۷۴ شمسی.

۴۴. الیزدی الحائری، علی، الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب عجل فرجه، تهران، نشر داود، ۱۳۷۹.

۴۵. امیری، مجتبی، «پایان تاریخ و بحران اعتماد؛ بازشناسی اندیشه های فوکویاما»، نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۹۷-۹۸، مهر و آبان ۱۳۷۴، ص ۱۱-۱۵.

۴۶. امین، سمیر، سرمایه داری در عصر جهانی شدن، ترجمه ناصر زرافشان، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۸۰ شمسی.

۴۷. انصاری، شیخ مرتضی، المکاسب، [ابی نا]، تبریز ۱۳۷۵ شمسی.

۴۸. باتامور، تی بی، جامعه شناسی، ترجمه: سیدحسن منصور، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰ ش.

۴۹. بختی، کامران، فرهنگ انگلیسی - فارسی، مترادف و متضاد، تهران، نشر کلمه، ج ۱، ۱۳۷۱ ش.

۵۰. بشیریه، حسین، «اندیشه های لیبرال - دموکراتیک، لیبرالیسم کارل پوپر»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۱-۱۰۲، بهمن و اسفند ۱۳۷۴، ص ۸-۱۵.

۵۱. -----، «نسل قدیم لیبرال دموکرات های قرن بیستم»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۹-۱۰۰، آذر و دی ۱۳۷۴، ص ۲۶-۳۴.

۵۲. -----، «تاریخ اندیشه ها و جنبش های قرن بیستم، اندیشه های لیبرال - دموکراتیک»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره های ۹۵-۹۶، مرداد و

۵۳. -----، نظریه های فرهنگ در قرن بیستم، تهران، مؤسسه فرهنگی آینده پویان، ۱۳۷۹ ش.

۵۴. بشلر، ژان، ایدئولوژی چیست، ترجمه علی اسدی، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۷۰ شمسی.

۵۵. بازارگاد، بهاءالدین، تاریخ فلسفه سیاسی، جلد دوم، چاپ چهارم: انتشارات کتاب فروشی زوار، تهران ۱۳۵۹ شمسی.

۵۶. پایگاه اینترنتی مجلس شورای اسلامی. (www.majles.ir)

۵۷. پایگاه خبری - تحلیلی تابناک. (<http://www.tabnak.ir>)

۵۸. پایگاه خبری، تحلیلی فردا. (<http://www.fardanews.com>)

۵۹. پورسیدآقایی، مسعود و دیگران، تاریخ عصر غیبت، قم، انتشارات حضور، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش.

۶۰. پهلوان، چنگیز، فرهنگ شناسی (گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن)، تهران، نشر قطره، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

۶۱. پیران، پرویز، «نگاهی به تحولات پایان قرن بیستم»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۱-۱۰۲، بهمن و اسفند ۱۳۷۴ ص ۴-۷.

۶۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد، شرح غررالحکم و دررالکلم، جلد چهارم، تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ شمسی.

۶۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۶۶ ش

۶۴. توسلی، غلام عباس، نظریه های جامعه شناسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۷۱ ش.

۶۵. تونه ای، مجتبی، موعودنامه؛ فرهنگ الفبایی مهدویت، انتشارات میراث ماندگار، قم ۱۳۸۴ شمسی.

۶۶. جبور، عبدالنور؛ ادريس، سهيل؛ المنهل (قاموس فرنسی عربی)، بیروت، دارالعلم للملایین، دارالاداب، چاپ هفتم، ۱۹۸۶ م.

۶۷. جعفری، محمدتقی، «عدالت و کرامت انسانی نیروهای اصلی نگاهدارنده تمدن ها هستند»، جام، شماره ۲۷، تیر ۱۳۷۳ ش.

۶۸. حرّانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ (ق)

۶۹. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه، قم، مطبعه العلمیه، بی تا.

۷۰. حبیبی، محمد حسن، کیس، الکساندر و دیگران، حقوق محیط زیست، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ شمسی.

۷۱. حکیمی، محمد، عصر زندگی، چاپ پنجم: انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۱ شمسی.

۷۲. _____، «جهانی سازی اسلامی، جهانی سازی غربی»، فصل نامه کتاب نقد، شماره ۲۴ و ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۰۵-۱۲۴.

۷۳. حکیمی، محمد رضا، الحیاه، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش.

۷۴. حیدری کاشانی، حسین، حکومت عدل گستر، چاپ سوم: دفتر انتشارات اسلامی، قم، [بی تا].

۷۵. خامنه ای، سیدعلی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۴/۶/۱۳۸۶. (www.Leader.ir)

۷۶. سیدخلیل خلیلیان، حقوق بین الملل اسلامی، چاپ چهارم: انتشارات دفتر نشر

فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۲ شمسی.

۷۷. خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۱ ش.

۷۸. خمینی، روح الله، وصیت نامه سیاسی - الهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.

۷۹. خمینی، روح الله، در جست و جوی راه از کلام امام، دفتر ششم: رهبری انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش.

۸۰. دوئرتی، جیمز / فالتر گراف، رابرت، نظریه های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه علی رضا طیب و وحید بزرگی، ج ۲، نشر قومس، تهران ۱۳۷۲ شمسی.

۸۱. دوبنوا، آلن، «دموکراسی، حاکمیت مردم و پلورالیسم»، ترجمه بزرگ نادرزاد، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۳ - ۷۴، مهر و آبان ۱۳۷۲، ص ۲۴-۳۱.

۸۲. دورانت، ویل، درآمدی بر تاریخ تمدن، ترجمه: احمد بطحایی، تهران، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، ج ۱، ۱۳۶۵ ش.

۸۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱ (از دوره جدید)، ۱۳۷۳ ش.

۸۴. دیلمی، شیخ حسن، ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۱، چاپ پنجم، ترجمه سید عباس طباطبایی، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۶ ش.

۸۵. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت دارالکتاب العربی، [بی تا].

۸۶. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۲ ق.

۸۷. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشلی، انتشارات دارالفکر، بیروت ۱۹۷۲ میلادی.

۸۸. سرحیمن، محمدحسین، جلوه های نور از غدیر تا ظهور، انتشارات دارالثقلین، قم ۱۳۷۹ شمسی.

۸۹. ربانی گلپایگانی، علی، ریشه ها و نشانه های سکولاریسم، چاپ دوم: انتشارات مؤسسه دانش و اندیشه معاصر، تهران ۱۳۸۱ شمسی.

۹۰. رحیمیان، محمدحسین، جلوه های نور از غدیر تا ظهور، انتشارات دارالثقلین، قم ۱۳۷۹ شمسی.

۹۱. رشاد، علی اکبر، دموکراسی قدسی، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران ۱۳۷۹ شمسی.

۹۲. روحانی، محمود، المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم، (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم)، جلد اول، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۸ شمسی.

۹۳. زمانی، مصطفی، اسلام و تمدن جدید، تهران، کتاب خانه صدر، ۱۳۴۸ ش.

۹۴. سجادی، سید عبدالقیوم، «اصول سیاست خارجی در قرآن»، نشریه علوم سیاسی، ش ۱۵، پاییز ۱۳۸۰، ص ۱۶۹ - ۱۸۲.

۹۵. _____، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۳ شمسی

۹۶. سعادت پرور، علی، ظهور نور، (ترجمه کتاب الشمس المضيئه)، ترجمه محمدجواد وزیر فرید، چاپ دوم، انتشارات احیاء کتاب، تهران ۱۳۸۰ شمسی.

۹۷. سریع القلم، محمود «مبانی عشیره ای فرهنگ سیاسی ایران»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره های ۱۳۵-۱۳۶ آذر و دی ۱۳۷۷، ص ۳۳-۴۴؛ شماره ۱۳۷-۱۳۸، بهمن و اسفند ۱۳۷۷، ص ۸۶-۱۰۰؛ شماره ۱۳۹-۱۴۰ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸، ص ۵۸-۷۶.

۹۸. سیف زاده، سیدحسین، نظریه پردازی در روابط بین الملل؛ مبانی و قالب های فکری، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۶ شمسی.

۹۹. شجاعیان، محمد، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۱۰۰. شریف تستری، نورالله بن سید، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۱۰۱. شریعت زاده خراسانی، محمود، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه قرآن و عترت، انتشارات مؤسسه فرهنگی انصارالحسین، تهران ۱۳۷۱ شمسی.
۱۰۲. شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، (اصول سیاست خارجی)، ج ۲، ص ۳۹۰، [بی جا]، [بی نا]، ۱۳۶۱ شمسی.
۱۰۳. شمس الدین، محمد مهدی، نظام الحکم و الاداره فی الاسلام، چاپ سوم: قم: دار الثقافه للطباعه و النشر، ۱۴۱۲ قمری.
۱۰۴. شولت، جان آرت، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۲ شمسی.
۱۰۵. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۱۶ قمری.
۱۰۶. _____، امالی، ج ۱، نجف، ۱۳۸۴ قمری.
۱۰۷. مصطفی صادقی، تحلیل تاریخی نشانه های ظهور، چاپ دوم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم ۱۳۸۵ شمسی.
۱۰۸. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر، انتشارات مکتبه داورى، قم، [بی تا].
۱۰۹. صالحی، سیدرضا، «راست گویی ایرانیان به زیر ۴۰ درصد رسیده است»، هفته نامه سلامت، ش ۱۹۱، ۲۷ مهر ۱۳۸۷.
۱۱۰. صدر، محمد، تاریخ مابعدالظهور، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات، بیروت ۱۴۱۲ قمری.

۱۱۱. صدرا، علی رضا، «آسیب شناسی جهانی شدن و جهانی سازی با مدل جهانی گرای مهدویت»، فصل نامه قبسات، سال نهم، پاییز ۱۳۸۳.

۱۱۲. طاهری، حبیب الله، «عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام»، فصل نامه انتظار، شماره ۲، ص ۱۴۶-۱۶۵.

۱۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد پانزدهم، چاپ پنجم: دفتر انتشارات اسلامی، قم ۱۳۷۴ شمسی.

۱۱۴. _____، تفسیر المیزان، ج ۱۶، قم، اسماعیلیان، [بی تا].

۱۱۵. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان، جلد دهم، انتشارات دارالمعرفه، [بی جا]، [بی تا].

۱۱۶. _____، مشکاها لاناوار، حیدریه، نجف، ۱۳۸۵ ق.

۱۱۷. طبسی، نجم الدین، نشانه هایی از دولت موعود، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.

۱۱۸. طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینویی و علی رضا حیدری، چاپ پنجم: انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۷۳ شمسی.

۱۱۹. مطوسی، خواجه نظام الملک، سیاست نامه، تصحیح عباس اقبال، جلد دوم، انتشارات اساطیر، تهران ۱۳۶۹ شمسی.

۱۲۰. عبدالقومی مندری، عبدالعظیم بن، الترغیب و الترهیب، ج ۱، دارالتراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ ق.

۱۲۱. عظیمی شوشتری، عباس علی، حقوق قراردادهای بین المللی در اسلام، انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۷۸ شمسی.

۱۲۲. عنایت، حمید، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، چاپ سوم: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۱ شمسی.
۱۲۳. غریب آبادی، کاظم / علی آبادی، مهدی، «جهانی شدن و تحول در مؤلفه های سیاست خارجی»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۳-۱۹۴، مهر و آبان ۱۳۸۲، ص ۲۲-۳۳.
۱۲۴. غنی نژاد، موسی، «ظهور اندیشه آزادی و پیوند آن با اقتصاد سیاسی»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۸۹-۹۰، بهمن و اسفند ۱۳۷۳، ص ۹-۱۶.
۱۲۵. فارابی، ابونصر محمد، اندیشه های اهل مدینه فاضله، شرح و ترجمه سیدجعفر سجادی، چاپ دوم: انتشارات طهوری، تهران ۱۳۶۱ شمسی.
۱۲۶. -----، فصول المدنی، تحقیق م. دنلوپ، انتشارات کمبریج، ۱۹۶۱ میلادی.
۱۲۷. «فرهنگ و تمدن اسلامی»، (مصاحبه با اساتید: مصطفی محقق داماد، غلام رضا اعوانی، فتح الله مجتبایی، جلال الدین مجتبوی)، نامه فرهنگ، ش ۴، زمستان ۱۳۷۲ ش.
۱۲۸. فرید تنکابنی، مرتضی (گردآورنده)، نهج الفصاحه، چاپ چهارم: نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۴ شمسی.
۱۲۹. فوراستیه، ژان، تمدن سال ۲۰۰۱، ترجمه: خسرو رضایی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۱۳۰. فو کلیه، پل، فلسفه عمومی یا مابعدالطبیعه، ترجمه یحیی مهدوی، چاپ دوم: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ شمسی.
۱۳۱. فیض کاشانی، ملا محسن، مهجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۱، شرح علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، بی تا.

۱۳۲. قراگوزلو، محمد، «جهانی شدن»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۷-۱۷۸، خرداد و تیر ۱۳۸۱، ص ۸۰-۹۹.
۱۳۳. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق علی کرمی و سیدمحمد حسینی، انتشارات دفتر نشر الهادی، قم ۱۳۷۶ شمسی.
۱۳۴. قطب، محمد، مسلمانان و مسئله جهانی شدن، ترجمه زاهد اویسی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران ۱۳۸۱ شمسی.
۱۳۵. کلاد، اینیس. ل.، ارزیابی سازمان های بین المللی در قرن بیستم، ترجمه فرهنگ رجایی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۶۶ شمسی.
۱۳۶. کلنز، داگلاس، «نظریه انتقادی جهانی شدن» ترجمه حسین شریفی رهنانی، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۹-۱۸۰، مرداد و شهریور ۱۳۸۱، ص ۱۲۸-۱۳۹.
۱۳۷. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
۱۳۸. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۶۹ شمسی.
۱۳۹. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه: مهدی حقی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ هشتم، ۱۳۸۶ش.
۱۴۰. کوئن، بروس، درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰ش.
۱۴۱. مکوهن، کارل، دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، چاپ اول: انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۷۳ شمسی.
۱۴۲. کیهان، ش ۱۵۸۹۸، ۱۳۷۶/۱/۱۷.
۱۴۳. گنون، رنه، بحران دنیای متجدد، ترجمه: ضیاءالدین دهشیری، تهران، انتشارات

امیر کبیر، ۱۳۷۲ ش.

۱۴۴. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳ ش.

۱۴۵. سلاتوش، سرژ، جهانی شدن؛ غربی سازی جهان، ترجمه فرهاد مشتاق صنعت، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۱ شمسی.

۱۴۶. لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران، ج ۱، توس، بی تا.

۱۴۷. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق.

۱۴۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، جلد ۱۱۰، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم، [بی تا].

۱۴۹. -----، مهدی موعود، (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ترجمه علی دوانی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۸ شمسی.

۱۵۰. -----، مهدی موعود، (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ترجمه حسن بن محمد ولی ارومیه ای، چاپ پنجم: انتشارات مسجد جمکران، قم ۱۳۸۲ شمسی.

۱۵۱. منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ اصول و مسائل، ص ۱۸، نشر دادگستر، تهران ۱۳۷۷ شمسی.

۱۵۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، جلد اول، انتشارات مکتبه الاعلام الاسلامی، قم ۱۳۶۲ شمسی.

۱۵۳. _____، میزان الحکمه، المجلد ۶ و ۷، مرکز النشر مکتبه الاعلام الاسلامی، قم، [بی تا].

۱۵۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، دارالحدیث، تهران، ۱۳۸۳ ش،
۱۵۵. مردانی گیوی، اسماعیل، «جهانی شدن نظریه ها و روی کردها»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۷-۱۶۸، مرداد و شهریور ۱۳۸۰، ص ۳۲-۵۵.
۱۵۶. مرقاطی، سیدطاها، جهان شمولی اسلام و جهانی سازی (مجموعه مقالات)، جلد دوم، انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران ۱۳۸۲ شمسی.
۱۵۷. مزلو، آبراهام هرولد، مذاهب، ارزش ها و تجربه های والا، ترجمه: علی اکبر شاملو، تهران، انتشارات آگه، ۱۳۸۶ ش.
۱۵۸. معرفت، محمدهادی، «جهانی شدن، زمینه جهانی سازی یا در انتظار یوم موعود»، فصل نامه قیسات، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۸۳، ص ۳۷-۶۰.
۱۵۹. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقداالدور، قم، انتشارات مسجد جمکران.
۱۶۰. مکارم، محمدحسن، مدینه فاضله در متون اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ شمسی.
۱۶۱. ملکیان، مصطفی، «بیست عامل عقب ماندگی ایرانیان»، پایگاه خبری آفتاب نیوز (۲۶) www.aftabnews.com خرداد ۱۳۸۵.
۱۶۲. منتظری، حسین علی، فقه الدوله الاسلامی، ج ۲، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۴۰۲ قمری.
۱۶۳. جواد منصوری، نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۵ شمسی.
۱۶۴. موسوی، سید فضل الله، حقوق بین الملل محیط زیست و تحقیقی از دانشگاه هاروارد (ترجمه)، نشر میزان، تهران ۱۳۸۰ شمسی.
۱۶۵. مهدوی کنی، محمدرضا، «مردم سالاری دینی یا دین سالاری مردمی؟»، نشریه

پیام صادق، شماره ۴۴، آذر و دی ۱۳۸۱.

۱۶۶. مهدی پور، علی اکبر، «بررسی چند حدیث شبهه ناک درباره عدالت آفتاب عالم تاب»، فصل نامه انتظار، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۳.

۱۶۷. _____، روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص، نوشته کامل سلیمان) ج ۱، چاپ سوم: آفاق، تهران ۱۳۷۶ شمسی.

۱۶۸. میانجی، علی احمد، مکاتیب الرسول، انتشارات یس، قم ۱۳۶۳ شمسی.

۱۶۹. نرم افزار گنجینه روایات نور، (اولین نسخه الکترونیکی جامع احادیث اهل بیت علیهم السلام با ترجمه فارسی)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵.

۱۷۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم جعفر، الغیبه، ترجمه: محمدجواد غفاری، قم، انتشارات صدوق، ۱۳۷۶ ش.

۱۷۱. نقیب زاده، احمد، «واکنش های سیاسی و نشانه های انحطاط دموکراسی در ایتالیا»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۸۱-۸۲، خرداد و تیر ۱۳۷۳، ص ۳۲-۳۹.

۱۷۲. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

۱۷۳. یوزیری فرد، محمدجواد، ظهور نو، (ترجمه کتاب الشمس المضيئه، نوشته علی سعادت پرور، چاپ دوم: انتشارات احیاء کتاب، تهران ۱۳۸۰ شمسی).

۱۷۴. وینسنت، اندرو، نظریه های دولت، ترجمه حسین بشریه، نشر نی، تهران ۱۳۷۱ شمسی.

۱۷۵. هال، گس و دیگران، روندهای اخیر جهانی شدن و آلترناتیوهای واقعی آن، ترجمه هما احمدزاده و احمد جوهریان، انتشارات پژوهنده، تهران ۱۳۸۱ شمسی.

۱۷۶. هانتینگتون، ساموئل، نظریه برخورد تمدن‌ها و منتقدانش، ترجمه و ویرایش: مرتضی امیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.

۱۷۷. هلد، دیوید، مدل‌های دموکراسی، ترجمه عباس مخبر، انتشارات روشن‌گران، تهران ۱۳۶۹ شمسی.

ب: منابع لاتین

Akhavan kazemi, Bahram ,A comparison between Western Globalization and .178
"Mahdist Globalization ",The Bright future,(Quarterly 2, August 2007, p.9-47

The teachings of Mahdiism and Environmental Rights, _____ .179
" ,The Bright future,(Quarterly 1, August 2006, p.130-154

Taylor, Sir Edward, Primitive culture :Researches into the Development of .180
Mythology, philosophy, Religion, Language, Art and Custom, (London. John Murray
Ltd) vol. 1, 1871

.Robert, Paul, Petit Robert, Le Robert, 1989. 181

.Williams, Raymond, Keywords ,London, Fontana, 1983. 182

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

